﴿ جلد اول ﴾

(کتاب ابی)

خلاصهٔ وقایع ایران در سال ۱۹۰۶ میلادی

مطابق ۱۳۲۴ هجری



شهر جمادی الاول ۱۳۳۱

(قیمت هر جلدی هشت قران)

طهران خیابان ناصریه مطبعهٔ برادران باقرف

در مطبعهٔ طهران و ناصری بطبع رسید

این کتاب تعلق دارد

بمحمد مستوفی آقا خان

1323

سنه ۱۳۲۳

۱۳/۹/۱۱

13/9/11

دیباچه

بسمه تعالی

برارباب دانش پوشیده نیست که در هرعصری چه درزمان ملل قدیمه یاجدیده خواه درایران یاسایر قطعات دنیا حوادث مهمه را علماء فن تاریخ یابرؤیت ومشاهده یابواسطهٔ مخبرین موثق جهة حدوثرا پی برده برای آگاهی اذهان عموم واقعاترا مضبوط ومدون نموده‌اند چنانچه مشاهده میکنیم که ازتدوین آن مطالب که درصفحات تواریخ مندرج است پی بحالات وکیفیات مردم آن زمان میبریم و زحمات آثار آنانرا مثل این است که ما خود حاضر بوده برأی‌العین مشاهده مینمائیم بالجمله واقعاتیکه بیشتر جالب انظار و اذهان است همانا وقایعی است که مردم دورهٔ خودرا گرفتار زحمات و دوچار بلیات فوق الطاقه کرده ومایه عبرت وتنبه خواهد شد ـ در تواریخ ایران ازابتدا تاکنون انقلابات سخت و اتفاقاتی را که مورخین نگاشته اند بنا برعقیده بلکه مسلّمی مردمان بصیر عالم مانند حوادث این دوره اخیر یعنی از سنه **۱۳۲۴** که روز بروز بحال و مردم ایران وارد شده نبوده

اگرچه درعرض این شش سال اخیره مخبرین وخبرنگاران ایرانی هریك علی قدر مراتبهم باندازه وسع خود استخبار کرده و



دیباچه

شطری از وقایع این چند ساله را مرقوم نموده اند ولی خبرنگاران ونمایندگان دولت بهیه انگلیس آن به آن خبر واقعات ایرانرا بوسائل مختلفه بدست آورده هرهفته بلکه همه روزه بسفارت طهران رایورت داده و انهاء داشته اند و سفارت بدربار انگلستان ارسال نموده و وزارت امور خارجه انگلیس آن اخبار و وقایع را بامراسلات و مخابراتی که فیما بین دولتین انگلیس و روس و ایران تبادل یافته و ارسال ومرسول گردیده به پارلمان مشهود وباجازه اعلیحضرت پادشاه انگلستان سال بسال تدوین وچاپ کرده برای اشاعه و اطلاع عموم باسم کتاب آبی وغیره انتشار داده اند

دراین هنگام حضرت اشرف آقای سردار اسعد مد ظله‌العالی چون میخواستند ابناء وطن را از کماهی و حقیقة انقلاب این چند ساله آگاه ودرحال ایقاظ وانتباه آورند لهذا تمام کتابهای آبی را از بدو مشروطیت ایران تاآخرین مجلد آن بترجمه وطبع رسانیده اند وترجمه این کتاب‌را بعهده آقای میرزا سید ابوالقاسمخان واگذار فرمودند ابتدای این کتاب را ایشان ترجمه نموده ولی چون در ترجمه قسمت آخر آن تعطیل روی داد لهذا حضرت اشرف معظم‌له دامت شوکته اتمام ترجمه کتاب‌را بمساعدت واهتمام آقای میرزا محمود خان ولد جناب آقای نصیرالدوله محول فرمودند واز نمره ۱۰۵ الی آخر را معزی الیه باتفاق آقای میرزا حسن خان اصفهانی دیپلمه مدرسه امریکائی ترجمه نمودند

مراسلات مربوط بامور ایران

نمره – ۱

تلگراف سراسپرنیک *رایس به *سر ادوارد گری – (وصول ۱۷ دسامبر)

از طهران مورخه ۱۷ دسامبر ۱۹۰۶

تاکنون شاه *زنده است – و دیروز حالش بهتر بود – دیشب ولیعهد وارد طهران گردید

نمره – ۲

تلگراف سراسپرنیک‌رایس به سر ادوارد گری – (وصول ۲۹ دسامبر)

از طهران مورخه ۲۹ دسامبر ۱۹۰۶

مجدداً حالت شاه رو به بهبودی نهاده ولی اکنون ولیعهد به نیابت سلطنت متصدی امور است

---

*سراسپرنیک رایس—سفیرانگلیس مقیم‌طهران * سرادواردگری وزیر امور خارجه دولت انگلیس

*مقصود از شاه مظفرالدین شاه وغرض از ولیعهد محمد علی میرزا است

نمره ـ ۳

خلاصه وقایع ایران در سال ۱۹۰۶ میلادی مطابق ۱۳۲۴ هجری

سال ۱۹۰۶ مبدء مهم تاریخی ایران شمرده میشود ـ چه در این سال اساس مشروطیت ربا و مجلس مبعوثان منعقد و این مملکت در عداد ممالک مشروطه معرفی کردید

مدتی وضع ایران حالتی پیدا کرده بود که هیچکس تحمل انرا نمی توانست نمود ـ پادشاه بکلی آلتی بود در دست عده از درباریان بیعلم فاسدی که ممر و مدخل معاش خویش را از چپاول ملت و غارت مملکت قرار داده بودند ـ و انچه را که شاه از پدر خود بارث دریافته بود با بسیاری از ذخایر و اموال سلطنتی و ملی را تبذیر نموده لهذا مجبور باستقراض از خارجه شد ـ پس از وصول ان تمامی را چه صرف مسافرت فرنك و چه بذل به درباریان کرده وچون همه ساله مالیه مملکت کسر و نقصان می‌یافت و بر قروض داخلی همه روزه افزوده می کشت در این صورت چارهٔ بنظر نیاوردند جز اینکه مجدداً از خارجه بقرض دیکر استعانت جویند و چنانچه معروف بود آنرا نیز در همان راههائی صرف خواهند نمود که قروض سابقه را بمصرف رسانیدند و قروض هم داده نمیشد مکر بشروطی که باعتقاد عامه سبب اضمحلال

استقلال مملکت می بود

کسانیکه ازاین مسائل اطلاع داشتند فقط جمی ازجوانان بااستقلالی بودند که دولت انهارا برای عقد معاهدات قروض وقبول شروط آن اختیار نامه بخشیده بود و جز معدودی از اشخاص که از رموز مطالب مستحضر بودند و نمی توانستند مکشوف سازند اکثر ایرانیان خاصه علما وقایع را بطور مبهم میدانستند

علمای نجف در زمان صدارت * اتابك سابق هیجان سخت نموده در جلو کیری اعمالیکه پادشاه و درباریان می نمودند و نزدیك بود بواسطه سوء اعمالشان مملکت بخارجه فروخته شود اقدامات مجدانه کرده عاقبت اتابك استعفا داد و بجای او * صدر اعظم جدیدی منصوب شد ـ ابتدا وی باصلاح مالیه کوشید تابواسطه مرتب شدن آن شاید مملکت از آن ببعد محتاج باستقراض نشود و از مساعدت مالیه خارجه نجاتی یابد ولی همینکه اقتدار یافت ودر دولت نفوذ پیدا نمود معلوم شد که قصدش نه چنین بوده بلکه غرضش اندوختن مال و مقصود عمده اش پر کردن کیسه خود بوده است ـ * نصیحت کوی بزرك شاه را باخویش متحد نمود که

---

* اتابك سابق (میرزا علی اصغر خان امین السلطان)
* صدر اعظم جدید (عین‌الدوله)
* نصیحت کوی بزرك (امیر بهادر)

انچه غارت کنند بالسویه مابین خود تقسیم نمایند ـ حکومتها متاع خرید و فروش کردید ـ محتکرین غله و کندم را احتکار نموده به قیمتهای کزاف میفروختند ـ اثاثه سلطنتی و اسباب دولتی یا به سرقت برده می شد ویا محض اینکه سودکی بدو متحد مذکور عاید شود برایکان فروش میرفت ـ متمولین را بطهران احضار و از هریك مبلغ کثیری وجه نقد بزور و جبر میکرفتند ـ ظلم بانواع مختلفه شیوع تامه یافت ـ هیچکس صاحب اموال خود نبود و از جان خویش اطمینان نداشت ـ تصرف اموال مردم وریختن خون ایشان سته بود برحم اولیای امور بالاخره بواسطه این بیعدالتیها نزدیك بود اهالی شورش نموده پادشاه بیقدرت را که از او سلب اختیارات شده بود از سلطنت معزول و ولیعهدش را نیز مجبور باستعفا نمایند و در این موقع برخی بخیال افتادند که شعاع السلطنه پسر دویم شاه را که در ظلم و اجحاف حتی در خود ایران ضرب المثل است بولیعهدی منصوب نمایند

تمام طبقات ایرانیها وجمعی از دانایان وطن دوست که میدانستند مملکت کرفتار چه مخاطرات خواهد کردید وهمچنین علما وپیشوایان مذهب که اضمحلال استقلال خویش و وطن خود را آشکار میدیدند و نیز اغلب اهالی وکلیه طبقات تجار وکسبه که قربانی ظلم ظالمین و مستبدین غدیم بودند از رفتار و فشار اتابك (عین‌الدوله) و رفقایش بستوه آمده بمخالفت و ضدیت وی

برخواستند تا در ماه دسامبر طوفان انقلابات ودیدن کرفت ـ حاکم طهران سید پیریرا بدون تقصیر و جنایتی که سزاوار تنبیه باشد امر نمود بچوبش بستند و باکمال بیرحمی ویرا تازیانه زدند ـ جمع کثیری از علما و مجتهدین که این کونه بیرحمی را مشاهده نمودند خود داری نتوانستند نمود از طهران هجرت نموده در زاویه حضرت عبدالعظیم محض داد خواهی مظلومین متحصن شدند ـ دولت چه بدادن رشوه و چه بواسطه تهدید هر قدر کوشش کرد که ایشانرا از حضرت عبدالعظیم بطهران عودت دهد و جلو کیری از اقداماتشان نموده مجامع آنها را متفرق سازد فایدهٔ نبخشید بلکه در پافشاری و استقامتشان افزوده کشت و اگر کسی ازعلما وغیره موافقت باخیالات دولت مینمود و از آن طرفداری میکرد فوراً بمجازات معروف و مطرود عامه کشته داغ باطله میخورد ـ شاه که علما و تجار و کسبه و سایر طبقاترا متفق و ثابت قدم دید از اقدامات خویش مایوس کشته سر تسلیم پیش آورد و بدروغ وعده ها داد که عدلیه را اصلاح و وزارتخانها را مرتب نماید و بملت اجازه داد که از طرف خود نماینده بعدلیه و سایر ادارات بفرستد ـ اما متحصنین حضرت عبدالعظیم تظلمات خویش را با عباراتی بسیار ساده و مهیج بطبع رسانیده انتشار دادند و مردم را بوطن دوستی و پیروی احکام الهی و متابعت عقاید اسلامی دعوت میکردند واز وضع

سلطنت شاه و بد سلوکی درباریان که مسؤلیت خرابی مملکت و صدمات اهالی آن درعهده ایشان است آشکارا بنای مذمت و سرزنش را نهادند این بود اول عملیکه ملت اقدام کرد — و در آخر ماه ژانویه ختم شد باین معنی که متحصنین زاویهٔ حضرت عبدالعظیم را در کالسکه های سلطنتی بطهران عودت داده در حالتی که جمع کثیری از اشخاص باحرارت وطن دوست اطراف آنهارا محض حفظ از مخاطرات احاطه داشتند

دولت گمان کرد که بواسطه معاودت ایشان رفع غائله شده دیگر بیم هیچگونه خطری نخواهد بود — بعضی از ملاها که میدانستند اگر تنظیمات جدیده روی دهد هرآینه تسلط و استقلال ایشان گرفتار مخاطرات و دچار محذورات خواهد گردید بنای نفاق را بارؤسای ملت نهادند — ولی این حرکات اثری نبخشید و آنان را ازاین مسلك فایدهٔ حاصل نگردید

جمعی از مقدسین و کسانیکه گمان میرفت میتوانند از اغتشاشات جلوگیری نمایند بامر شاه احضار شدند که باایشان مشورت و مصلحت نمایند ولی شاه بهیچوجه اقدامی درمشورت و ایفاء بمواعید خود ننموده از آن همه نویدها که داده بود هیچ یك را بموقع اجری در نیاورد مگر مجدداً بدادن یك دستخط مبهمی که دایر کردن عدلیه ها و اعطای قانون جدید و منعقد بودن مجلسی را که ممیز اصلاح امورات باشد وعده میداد — پس

ازچند روزی معلوم شد که اجزا و کسانیکه در این مجلس بایستی وضع قوانین اصلاح و تنظیم امور را نمایند در تحت حکم و اقتدار دولت خواهند بود — ومدتی نگذشت که نیز فهمیده شد بعضی از مجتهدین باطناً مانع از پیشرفت مقاصد ملت میباشند — باری در طهران از ترس و خوف آرامی وسکون روی داد ولیکن درسایر ولایات مانند شیراز ورشت اهالی جداً به ممانعت برخواسته متفق القول اظهار داشتند که پسران شاهرا بحکومت نخواهند پذیرفت و بقدری استقامت ورزیدند تابمقصود خویش نائل آمدند

اگر چه در بازارها و کوچه های پای تخت هیچ صدائی شنیده نمی شد سکوت و آرامی غلبه داشت ولی در مساجد همه روزه واعظین و ناطقین مردمرا موعظه می نمودند چنانچه یکی از طرفداران عامه باکمال قوت قلب به مردم خطاب نموده بود که ای مردم « آنچه را که قدرت تصورش را نداشتیم در سال گذشته باکمال آزادی و آشکار بزبان راندیم » — و نیز یکی از شاهزادگان که از معاریف وعاظ و ادبا است همه جمعه در منابر و مساجد از فساد اعمال درباریان و ظلم دولتیان ومظلومیت ملت نطقها می کرد و مردم را موعظه می نمود — از طرف دولت حکم صادر شد که ویرا نفی بلد نمایند — علما و مجتهدین بزرگ به تحریك مردم به ممانعت برخواستند وبدولت فشار سخت وارد

اوردند که از گرفتاری وی صرف نظر کند ومزاحم او نگردد دولت مجبور شد قبول نماید و نیز در ضمن این واقعه مطلب تازهٔ کشف گردیده معلوم شد واعظ مذکور دراتحاد کلیه مسلمین سمت نمایندگی دارد وبدین واسطه وزیر مختار دولت عثمانی باوی دوستی داشته کمال حمایترا از وی می نماید

در این اوقات دولت چارهٔ ندید جز اینکه مجلسی را که سابق وعدهٔ انعقادش را داده بود منعقد ساخته در خصوص اصلاح امورات مشاوره شود — لهذا وزرا و اعیان بامر شاه در دربار حاضر شدند ولی درباریان و کسانیکه شاهرا در چنگال خود داشتند هنوز امیدوار بوده اعتنائی باین گونه اقدامات نمی کردند زیرا کسی جرات نداشت عقاید خودرا در آن مجلس ظاهر سازد وبطور واضح و آزاد سخن بگوید مگر احتشام السلطنه که روزی بازبانی فصیح وبیانی بلیغ و کمالی شدید اظهار داشت که منشاء ویرانی مملکت و سبب خرابی دولت صدر اعظم ورفقای او است — مذلت ومسکنت دولت نیست مگر بواسطه ایشان — درهمانوقت سخنان وی در شهر انتشار یافت — اما * وزیر دربار که خودرا از ملازمین و نوکرهای مخصوص صدر اعظم می دانست پی در پی بیانات احتشام السلطنه را قطع کرده می گفت « هرکس چنین بگوید خائن و نمك بحرام است » — بواسطه این

* وزیر دربار (امیر بهادر)

سخنان نگذاشتند این ناطق دلیر در پایتخت بماند فوراً اورا بیکی از نقاط بعیده مملکت بماموریت فرستادند و نیز وزیر مجاور را که در مواقع واوقات مختلفه از ترتیبات ادارهٔ مسیو نوز رئیس گمرکات اشکار عیب جوئی مینمود و بر ضد او حرفها می زد نفی بلد نمودند و بدین جهات در طهران ظاهراً انقلابات فرو نشست

در اواسط ماه مه شاه مبتلا بمرض فلج گردید و طوری از حس افتاد که هیچ کاری از وی ساخته نمی شد — دوست یگانه ورفیق شفیق صدر اعظم یعنی وزیر دربار مستبد کهنه پرست اخبار را تغییر و تبدیل میداد و هرگز نمیگذاشت عین وقایع بعرض شاه برسد واگر کسی ازحقیقت مطالب اظهاری بشاه می نمود فوری اقوالش را تکذیب می کردند

چون موقع رفتن به ییلاق شد شاه را در اواسط ماه ژوان بصاحبقرانیه که مقر ییلاق سلطنتی است حرکت دادند و بدینواسطه هیجان اهالی شهر بیشتر تسکین یافت ولی مدت زمان این آرامی وسکوت ناهفته اول ماه ژوییه بیشتر بطول نیانجامید — مجدداً علما وناطقین در مساجد بنای موعظه ونطق را گذاشتند — رفتار زشت درباریان را تقبیح میکردند و مردم را بدفع اهل ظلم و فساد بر می انگیختند — در یازدهم ماه ژوییه وزیر اعظم امر به قید یکی از وعاظ معروف نمود — مامورین از دور و کنار در اطراف خانه و کوچهٔ که محل آمدو رفت وی بود بکمین نشست

منتظر بودند که اورا دیده دستگیر نمایند ـ اتفاقاً همان وقت که اورا مقید ساخته میخواستند ببرند یک زنی که از آن محل عبور میکرد چون از کیفیت واقعه مستحضر شد مردمرا از گرفتاری وی مطلع ساخت ـ جمع کثیری از کسبه وغیره برای استخلاص او از هرجانب هجوم آوردند ـ رئیس مامورین که ازصاحبمنصبان نظامی بود سربازهارا فرمان شلیک داد سربازها ازاین حرکت امتناع ورزیده امر صاحبمنصبرا اطاعت نکردند ـ فرمانده خودش مبادرت بشلیک کرده جوان سیدرا هدف گلوله ساخت و در همان نقطه هلاک نمود ـ مردم ازکشته شدن سید بیشتر بهیجان آمده بقراولخانهٔ که واعظ مذکور در انجا حبس بود حمله آوردند و در این وقت چهار تیر از طرف سربازها شلیک شد و چند نفر از مردم مجروح گشتند ـ پس ازجنگ مختصری سربازها شکست خورده فرار اختیار کردند ـ انگاه جسد سید را به مدرسهٔ که در همان حوالی بود انتقال دادند وجمعیت کثیری در انجا اجتماع نموده صورت واقعه را بعلماها و پیش نماز های ان اطراف پیغام فرستاده ایشان را بدانجا طلبیدند ـ طولی نکشید که علما و طلاب بابسیاری از مردم وارد مدرسه گردیدند و در همان وقت بازارها نیز بسته شد

مردم کفن بگردن افکنده در کوچه و بازار ازدحام نموده مثل اینکه بخواهند جهاد کنند و برای کشته شدن

آماده باشند و همچنین زنها مویه کنان بر سر و سینه می زدند و دولترا بنفرین ودعای بد یاد میکردند ـ چون خبر این حادثه بوزیر اعظم رسید معجلا با گروهی از سواران که اطرافش را احاطه داشتند بطهران آمد وبلا تامل مجلسی منعقد ساخته پس از مشورت صلاح چنین دیدند که قوه نظامی استعمال شود لهذا درتمام بازارها سرباز مامور نمودند و بدیوار های شهر اعلان نصب نمودند که مفادش سر زنش و توبیخ از هیجان بود و نیز امر بر طبقه علما که هر تظلمی دارند اظهار نمایند وهمچنین مشعر بود بر استقرار دائمی صدر اعظم و عدم عزل او از صدارت ـ تا ۱۲ ژوئیه هیچگونه تغیر و تبدیلی در اوضاع داده نشد ـ محترمین از علما و مجتهدین و بسیاری از تجار و کسبه درمسجد جمعه طهران اجتماع نموده انجا را مأمن خود قرار داده بودند ـ سربازها انجا را احاطه نمودند ـ روز ۱۳ ژوئیه عده از مردم پیراهن خونی سید مقتول را بر سر چوب نصب کرده بدست گرفتند و بحالت سینه زنی و حسین حسین گویان در بازار بگردش درآمدند سربازها که مانع از حرکت ایشان بودند یک مرتبه بطرف جمعیت شلیک کرده جمعی را مقتول و عده را مجروح ساختند ـ اجساد مقتولین را سربازها مخفیانه حمل کردند و در چاهی که نزدیک شهر است فرو ریختند ـــ وقتی خبر این واقعه باقا سید عبدالله مجتهد که در مسجد جمعه موعظه می نمود رسید قرآنرا برسردست

گرفته مردمرا قسم داد که متفرق شوند ودر مسجد توقف نکنند و ضمناً پیغاماتیکه کتباً از طرف شاه فرستاده شده بود در حضور جمع قرائت نمود و پس از آن گفت « ای مردم آنچه را که در باب عدالت خواهش و تقاضا نمودید عاقبت جز گلوله جوابی نشنیدید »

از سیزدهم تا پانزدهم ژوییه علما ومجتهدین از مسجد نتوانستند خارج شوند و چنان محاصره شده بودند که آذوقه و نان باکمال اشکال وبطور مخفی بآنها میرسید — بالاخره دولت علما را اجازه داد که از طهران خارج شوند و بهر جا مایل باشند عزیمت نمایند بشرط آنکه مردم باآنها مسافرت نکنند

روز پانزدهم ژوییه مجتهدین و علما از طهران عازم قم گردیدند و شب در مسجد بین راه توقف کردند و از آنجا اعلام نمودند که اگر شاه ایفاء بمواعید خود ووضع قوانین اصلاح و تنظیم را ننماید و صدر اعظم را معزول نکند هرآینه اجماع علما و مجتهدین باماکن مقدسه هجرت خواهند کرد بطوریکه نه پیشوائی درپای تخت باقی بماند و نه امور شرعیه از این ببعد در آنجا اجرا شود

در این وقت ظاهراً دولت فاتح و غالب آمد — و شهر را در تحت قوهٔ نظامی در آوردند ـ رؤسا و محرکین ملت از ترس فرار کردند ـ حکومت باستفسار احوال طرفداران ملت

و تجسس انها برامده و باکمال دقت مواظب رفتار ایشان بود درباریان و مدعیان هوا خواهان ملت نفوذ تامه در شاه حاصل کرده اورا بکلی در حیطه تصرف خویش در آوردند ـ و بر مردم معلوم شد که بی حرمتی به معبد مسلمین و قتل اولاد رسول در نزد مدعیانشان هیچ امر قبیح و فعل شنیعی نیست ـ اگر چه دولتیان بمسجد حمله نیاوردند ولی بقدری سخت آنجارا محاصره کرده بودند که کسی نه جرئت داشت و نه اجازه می یافت که آذوقه برای محصورین ببرد — تمام بازار در تصرف سرباز ها بود و مردم مأمنی که بدانجا پناهنده شوند در نظر نداشتند ناچار رجوع بعادت قدیمه نمودند یعنی بفکر این شدند که در نقطهٔ بست اختیار نمایند ـ این عادت را ایرانیان از دیر زمان مشروع و مقدس میدانستند و معلوم نیست از چه وقت در ایران رسم شده است

در ۱۸٤۸ میلادی اعیان و بزرگان مملکت ایران از ظلم و ستم حاجی میرزا آقاسی وزیر محمدشاه ملتجی بسفارتین انگلیس و روس شده در آنجا بست نشستند و عزل اورا از شاه خواستگار گردیدند — از آنزمان ایرانیانرا عادتی شد که هر وقت ستم سختی از دولت میدیدند بیکی از سفارتخانهای خارجه متحصن می شدند ـ چنانچه (قبل از محاصره مسجد و رفتن علما بقم) شیخ‌الرئیس که از معاریف وعاظ است از خوف دولت بسفارت

عثمانی پناهنده شد واز انجا خارج نکردید تاوقتیکه بتوسط سفارت تامین نامه از دولت برای او کرفته و در دفتر سفارت ضبط نمودند خلاصه مردم چاره را منحصر به پناه بردن بیکی از سفارتخانها دیده در نهم ژوبه یعنی قبل از کشته شدن سید و کرفتاری *واعظ که در یازدهم ژوبه رخ داد اقا سید عبدالله مجتهد که نسبت به سایر مجتهدین صاحب عزمی است راسخ و منزه از کرفتن رشوه مکتوبی نزد مستر کرنت دوف شارژدافر سفارت انکلیس فرستاده همراهی عملی و فعلی ان سفارترا خواهش نمود ولی شارژدافر مزبور در جواب اظهار داشت که سفارت انکلیس بهیچ وجه حاضر نیست همراهی با خیالات کسانی نماید که رفتارشان برضد حکومت شاه باشد

روز شانزدهم ژوبه اقا سید عبدالله در شرف حرکت از طهران مجدداً به مستر کرنت دوف مکتوبی نوشت بدین مضمون که ما علما و مجتهدین چون راضی نیستیم خون ریزی بشود لهذا حرکت باماکن مقدسه را عازم کشتیم و از انجناب متمنی هستیم که در دفع ظلم وتعدی همراهی خود را از ما دریغ نداورد پس از دو روز دو نفر در قلهك که ۷ میلی شهر واقع است بسفارت وارد شده استفسار نمودند که اکر مردم بسفارت پناهنده شوند ایا شارژدافر بایشان اجازه دخول خواهد داد

---

* مقصود از واعظ حاجی شیخ محمد واعظ میباشد

و یا انکه مانع از ورود آنان خواهد شد — شارژدافر اظهار داشت که امید وارم اقدام باین عمل نشود و بااینکه بست نشستن و نکهداری و حفاظت بستیان در مملکت ایران امریست مشروع ولی در صورت اقدام باین کار باز مجبور است بواسطه قوه قهریه شمارا مانع از دخول شوم ـ مشار الیه بفوریت وزیر امور خارجه ایرانرا از این واقعه مستحضر نمود ووزیر امور خارجه کمال امتنانرا حاصل کرد لیکن باوجود اینکه سفارت اطلاع داد بهیچوجه اقدامی در جلو کیری از تحصن نموده نشد

عصر نوزدهم ژوبه پنجاه نفر از طلاب و تجار بسفارت امده شبرا در آنجا متوقف شدند و بر عده ایشان همه روزه افزوده می کشت بطوریکه در دوم سپتامبر عده انها قریب به چهارده هزار نفر رسید — رفتارشان خیلی موافق نظم وترتیب بود ـ حسن انتظام و ترتیب داخلی متحصنین بواسطه رؤسای ملت بود و کسانیکه احتمال فساد در حق ایشان میرفت درسفارت و میان خود راه نمیدادند ـ برای حفظ از آفتاب و بارندکی در سفارت چادر های بسیار برپا بود و امور شام و نهار متحصنین چنان نظم و ترتیبی داشت که بهیچوجه تغییری در ساعات و مکان ان داده نمیشد ـ کلیه مصارف و مخارج را جمعی از تجار معتبر کفیل بودند ـ کلنل دوکلاس آتاشه‌میلیتر ـ مواظب ابنیه و عمارات سفارت بود باوجودیکه بهیچوجه باینکار احتیاج نبود چه خود

متحصنین بیش از بیش رعایت نظم و قانونرا مینمودند

جواب مستدعیات مردم را دولت ارسال داشت و ضمنا از – مستر کرنت دوف – خواهش نموده شد که برای مردم قرائت کند – ولی دستخطهائیکه از طرف دولت صادر میگردید ملت وقعی بانها نمیگذاشت و از قبول ان امتناع داشتند – عاقبت چون دولت ملاحظه کرد که مردم بدستخط متقاعد نمیشوند حاضر شد که ملت جمعی را از میان خود انتخاب کند تا بحضور رفته شفاهاً مستدعیات خودرا بگویند ودران باب گفتگو ومذاکره نمایند

اما متحصنین باکمال ثبات قدم جواب دادند مادامیکه دولت مستدعیات ایشانرا بموقع قبول نرساند از سفارت خارج نخواهند شد زیرا بهتر از انجا مأمنی ندارند و نیز اظهار داشتند که تا شاه استحضار کامل از حالات ملت حاصل نکند در خصوص مستدعیات ایشان جواب مناسب نخواهد داد

ازطرف شاه به – مستر کرنت دوف – اظهار شد که بوزیر امور خارجه بگوید مجلسی منعقد نموده درچگونگی مطالب معروضه ملت رسیدگی و مذاکره شود – اگر چه انعقاد مجلس بروز ۳۰ ژوبه مقرر شد ولی کسی چنین مجلسی را ندید

یکی ازسرداران که جمعی ازافواج طهران سپرده باو بود و طرف اطمینان ودلگرمی صدر اعظم ووزیر دربار بود به دولت اعلام نمود که سربازان ابواب جمعی او متعرض مردم نمیشوند

وازدخول ایشان بسفارت جلو گیری نمیکنند و چیزی نمانده است که خود شان نیز بسفارت متحصن شوند فی الواقع این اعلامی بود مخوف و موجب ترس صدر اعظم و وزیر دربار شد

باری درباریان مجبور به تسلیم شدند و ناچار صدر اعظم استعفا داد و عضد الملك رئیس طایفه قاجاریه بقم کسیل شد تا بعلمای متحصنین قم اطلاع بدهد که شاه مستدعیات ملترا در خصوص مجلس شورای ملی و تاسیس عدالتخانها پذیرفت

اما اشکال عمده‌را که در این وقت – مستر کرنت دوف – دچار شد همانا سلب اطمینان مردم بود از دولت و وقتیکه دولت اعلان اصلاح امور وتنظیم‌را داد متحصنین سفارت جواب دادند ما اطمینان بمواعید دولت نداریم و قبول نخواهیم نمود مگر اینکه دولت انکلستان ضمانت کند و اطمینان کامل بدهد – مستر کرنت دوف – برحسب دستور العملیکه ازدولت متبوعه خود در دست داشت بمردم اطلاع داد که دولت انکلستان هرگز ممکن نیست ضمانت نماید ولی من شخصاً می توانم اطمینان بدهم که دستخطهای شاه اجرا خواهد شد

خلاصه در این وقت دولت سعی در اتحاد باملت داشت ولی رؤسا بواسطه مجمل و مبهم بودن دستخطهای شاه بهیچوجه متقاعد نشدند و آنچه را که بدیوار ها نصب کرده بودند مردم پاره و پایمال مینمودند باز دولت بواسطهٔ سختی کار محتاج بکمك

- مستر کرنت دوف - شد و بمصلحت مشاراليه درخانهٔ وزیر امور خارجه که بتازکی بجای صدر اعظم مستعفی منصوب شده بود مجلسی مرکب از رجال دولت وامنای ملت منعقد کردید ولی - مستر کرنت دوف - در کفتکوی ایشان مداخله نمیکرد مکر وقتی که از او سؤالی میشد — پس از مذاکرات بسیار و مباحثات طولانی اتفاق آراء براین قرار کرفت که فرمانی از شاه درخصوص تاسیس مجلس مبعوثان وانتخاب وکلای ملت صادر شود — پس ازصدور دستخط آنرا بسفارت برده در حضور متحصنین قرائت شد ومردم باکمال رضایت پذیرفتند

در همانروز قرار شد علما از قم مراجعت نمایند و نیز متحصنین ازسفارت خارج کشتند عصر روز شانزدهم اوت مهاجرین قم یعنی علما و طلاب وارد طهران شدند مردم باستقبال ایشان شتافته از ورود آنها اظهار مسرت و خوشحالی میکردند

روز هیجدهم اوت دریکی ازعمارات جنب قصر سلطنتی یك مجلس عالی که مقدمه مجلس شورای ملی را ظاهر می ساخت منعقد کشت و حاج شیخ محمد واعظ که در حقیقت کرفتاری او مقدمهٔ آزادی عامه شد برفراز سکوی مرتفعی ایستاده خطبه خواند ومردمرا بافتتاح مجلس شورای وانتخاب وکلای ملت بشارت داد - روز نوزدهم اوت مجتهدین وعلمائی که از قم معاودت نموده بودند بملاقات شاه رفتند آقا سید عبدالله و آقا سید محمد در حضور طلاب

نسبت بشاه دوستانه و بطور همسری رفتار نمودند واعلیحضرت شاه خطاب بحاضرین کرده کفت بر شماست که در خدمتکذاری بمن غفلت نورزید و خاطر ما را همواره از خود خورسند و مشعوف سازید

در جواب کفتند در حقیقت نه آنست که خدمت بان اعلیحضرت خواهیم نمود بلکه خدمتی است بخویشتن و ملت خود

اما طرفداران استبداد بهیجوجه از پیشرفت خیالات خویش مایوس نبوده منتظر وقت بودند که مقاصد مفسدهٔ خودرا درموقع بکار برند — و هفتهٔ نکذشت که از مواعید شاه رفته رفته کاسته شد و در مضامین دستخط تصرفات نمودند بطریقی که مقصود اصلی که اعطای مشروطه بود از آن مفهوم نمی کشت - وبعلاوه شاه بکلی از امضای قانون انتخابات وکلای مجلس شورای ملی امتناع داشت - از این بابت اهالی شهر بی اندازه متغیر کشته دوباره به هیجان آمدند و - مستر کرنت دوف - اطلاع دادند که بواسطه این دسایس و حیلی که مشاهده میشود ناکزیر باز باید به سفارت تحصن جست واکر هم جلو کیری شود بزور بدانجا داخل خواهیم شد — پس از این اخطار قریب به ۲۵ نفر از رؤسای ملت بسفارت وارد کشته منزل اختیار کردند نزدیك بود دوباره اغتشاش تجدید یابد - لهذا - مستر کرنت دوف - برحسب دستور وتعلیماتیکه از لندن باو داده شده بود نزد وزیر مختار دولت روس

رفته اورا دعوت بهمراهی نمود که متفقاً مطالبرا بدولت ایران
اظهار داشته دقت رجال دولترا در اصلاح امور جلب نمایند

اما وزیر مختار روس از هر گونه همراهی فعلی با حضور
یکدیگر امتناع داشت فقط راضی شد که آنچه بیان نامه و یاد
داشت فرستاده شود هر دو امضا کنند — و نتیجهٔ که از اقدامات
جدا گانهٔ این دو سفارت بعمل آمد همانا تبعید عین‌الدوله بود به
خراسان و بامضا رسیدن قانون انتخابات و حکم شدن بطبع و نشر
آن — و نیز بولایات حکم رفت که قانون انتخابات را انتشار داده
فوراً مشغول بانتخاب شوند — ولی غالب حکام اعتنائی باین امر
نکرده و نمیگذاشتند مردم بانتخاب بپردازند بدین واسطه رؤسای
اهالی تبریز و رشت و مشهد مصمم شدند بقنسولخانهای انگلیس
رفته بست اختیار کنند

مقارن این احوال — سیر اسپرنیگ رایس — از لندن وارد
طهران گردید — بنا بر توصیهٔ که باو شده بود بتمام قنسولهای انگلیس
مقیم ایران تلگراف نمود که مردمرا حتی الامکان از دخول به
قنسولخانهای خود مانع شوند — وضمناً بطور مخفی بعضی بیان نامه
های غیر رسمی در خصوص رفع اغتشاشات واصلاح امور مردم
و غیره بدولت ایران ارسال داشت

خلاصه متدرجا انقلابات روی بتخفیف و آرامی نهاده به
انتخاب وکلای ولایات شروع نمودند — بملاحظه اینکه افتتاح مجلس

بتاخیر نیفتد و عایقی بمیان نیاید قرار دادند همین که وکلای طهران
انتخاب شوند بدون انکه منتظر ورود منتخبین سایر ولایات باشند
در مجلس نشسته بمذاکرات پردازند

اولین جلسهٔ مجلس جدید یعنی شورای ملی بتوسط شخص
شاه با حضور علما و رجال دولت و درباریان و سفرای خارجه
منعقد گشت — از آنروز ببعد فوری وکلا مشغول کار شدند و
اول کاریکه نمودند دولترا از قبول مساعدت مالیهٔ روس وانگلیس
و قرض کردن از آن دو دولت مانع گردیدند وبسیار سعی داشتند
که آنچه را پیشنهاد دولت مینمایند اجری گردد وبغفلت نگذرانند

مجلس

چنانچه مذکور شد در هفتم اکتبر شاه شخصاً مجلس را
مفتوح ساخت و در این وقت اعضای مجلس عبارت بود ازشصت و
چهار نفر وکلای طهران که طبقات مختلفه ایشانرا منتخب نمودند
ووکلای سایر ولایات پی در پی انتخاب شده بطهران می آمدند و
اینکه تاکنون عده وکلا باتمام نرسیده است بواسطهٔ مسامحهٔ حکام
ولایات و ایالات بوده است از این بابت از عده اعضای مقرره
مجلس هنوز باقیست — طولی نکشید که مجلس استقلال و قوهٔ خود
را ظاهر ساخت و بکلی قرض از روس و انگلیس را مانع بود و
میگفتند مالیهٔ ملترا نباید پیش اجانب بگرو گذاشت

وکلا معجلا بوضع قوانین پرداخته در تعدیل مالیه مملکت خیلی دقت داشتند و تهیهٔ سرمایهٔ که مملکترا از استقراض خارجی بی نیاز نماید بتشکیل بانك ملی دانستند ولی قرار شد تاقانون اساسی نوشته نشود و بامضا نرسد باین گونه کارها اقدام نکنند — لهذا هیئتی معین شد که مواد قانون اساسیرا وضع نماید —

این هیئت بمشورت جمعی که از طرف دولت معین شده بود قانون اساسیرا ترتیب داده تسلیم مجلس کردند — نتیجه اش آنکه بیشتر مجلسیان و عامهٔ مردم بواسطهٔ بعضی از مواد آن به هیجان آمدند و بکمال آزادی می گفتند رعایت حقوق ملت نشده بلکه خیانت کرده اند باینواسطه بعضی از وکلای عمده و محترم استعفا دادند* رؤسا و علما باصلاح کوشیدند بالاخره مابین دولت ومجلس اتحاد رخ نمود وچنانچه معروفست شخص ولیعهد کوشش کرده قانون اساسی را بامضای شاه رسانید و صدر اعظم انرا به مجلس آورده قرائت شد و سپس صدای زنده باد شاه بلند گشت — باوجودیکه مجلس قدرت ونفوذ تامه حاصل کرد ولی

* استعفای وکلا صحت ندارد هیجان ملت و وکلا در خصوص چند ماده از قانون اساسی و تعویق امضای آن بود که در روز ۱۱ و ۱۳ ذیقعده مشیر الدوله حالیه و محتشم السلطنه از طرف ولیعهد بمجلس آمده موادی را که موجب اختلاف واقع شده بود تصفیه نموده و بصحه شاه رسانیدند

از عهدهٔ اصلاحات عملی و تنظیم امور بطور شایسته بر نیامد و همچنین نتوانست که سرمایهٔ کافی جمع کند که بانك ملی را تشکیل دهد — پس معلوم می شود مملکت نمی تواند چنانچه وکلا عقیده داشتند بدون استقراض از خارجه اصلاح گردد و کارها درمجرای خویش قرار بگیرد — رؤسا نجات و حفظ استقلال مملکترا مستلزم و مربوط بتعدیل مالیه می دانستند

در این وقت خیالات ضدیت باخارجه خیلی احساس می شود — مجلس ریاست بلژیکیهارا در گمرکات ایراد می نماید و نیز بر بریکاد قزاق تاخت آورده همچنین متعرض سایر امتیازاتی که بخارجه داده اند می باشد — در اینصورت هیچ جای تردید نیست که بانك شاهنشاهی بسبب داشتن امتیاز اسکناس بزودی مطرح ایرادات سخت واقع خواهد شد — البته طولی نمیکشد که بواسطه حرکات مردم امور واوضاع رعایای خارجه دچار سختی واشکالات خواهد گردید

نمره — ٤

تلگراف سپراسپرنیك رایس به سر ادوارد گری

از طهران ۳ ژانویه ۱۹۰۷

دیروز صدر اعظم قانون اساسیرا که بامضای شاه و ولیعهد بود بمجلس آورد — در قانون اساسی مقرر شده که مالیه و قروض باید در تحت نظارت مجلس باشد

نمره – ٥

تلکراف سیراسپرنیك وایس به سیر ادوارد کری (وصول ۹ ژانویه)

از طهران ٨ ژانویه

دیشب بین ساعت ده و یازده شاه رحلت نمود

نمره ٦

تلکراف *سیر نیکلسن به سیر ادوارد کری

از پطرس بورغ ١٢ ژانویه ١٩٠٧

یاد داشتی درخصوص جلوس پادشاه ایران از وزیر امور خارجهٔ دولت روس بدین مضمون دریافت کشت که وزیر مختار روس مقیم طهران قرار شده است باتفاق سیراسپرنیك وایس به دربار ایران اطلاع بدهند که دومین پسر شاهرا بولیعهدی می شناسند

خواهش می نمایم از *مسیو ایس وولسکی در خصوص مراسلهٔ که فرستاده است تشکر نموده و هم خیالی خودرا باو اظهار دارید – و نیز مسیو ایس وولسکی مدعی است که این حرکت متفقانه بلا شك بنیان و پایهٔ اتحاد دولتین را که دراین اوان دربارهٔ ایران شده است مستحکمتر خواهد نمود

---

* سیر نیکلسن – سفیر انکلیس مقیم پطرسبورغ
* مسیو ایس وولسکی – وزیر امور خارجه دولت روس

نمره – ٧

تلکراف سیر ادوارد کری به سیر نیکلسن

از وزارت امور خارجه ١٤ ژانویه ١٩٠٧

تلکراف شما مورخه ١٢ شهر حال در خصوص شناختن دومین پسر شاه را بولیعهدی واصل کردید

در طریقهٔ که وزیر امور خارجهٔ دولت روس پیشنهاد کرده است ما اتفاق خواهیم داشت و این مسلکرا بوزیر مختار مقیم طهران نیز توصیه نموده ایم شما این مطلبرا بجناب وزیر امور خارجه اطلاع داده و از مرابطهٔ ایشان تشکر نمائید

نمره ٨

مکتوب سیراسپرنیك وایس به سیر ادوارد کری (وصول ٢١ ژانویه)

شرح عرض میرساند – در ١٦ ماه کذشته حضرت اقدس ولیعهد بطهران وارد شد — مدتی در قصر سلطنتی دسایس و حیل معمول — مخصوصاً شعاع السلطنه و وزیر دربار سعایت در حرکت نکردن ولیعهد از تبریز می کردند و چه حیله ها که دراین خصوص بکار نبردند

مقدار پولی که روس و انکلیس بعنوان مساعده قرار بود بدهند صدر اعظم در نکرفتن آن اصرار زیاد داشت — تا کنون حقوق قشونی پرداخته نشده است زیرا آن مقدار پولی که کفاف

حقوق ایشان را بدهد موجود ندارند — مردم بقدری از شعاع السلطنه تنفر دارند که رنجش از ولیعهد را فراموش کرده اند و ولیعهد برؤسای ملت پیغامهای متملقانه فرستاده بنای چاپلوسی را گذاشته است .

سفارتین انگلیس و روس از حرکات مستبدین هیچگونه حمایتی نخواهند کرد و ولیعهد را جانشین بالوراثه شاه میدانند .

چون مرض شاه بشدت عودت یافت و معلوم شد چند روزی بیش زنده نخواهد ماند امیدی که قبل ازاین بواسطهٔ ورود طبیب آلمانی درمعالجه شدن داشتند بکلی مقطوع گشت وطرفداران شعاع السلطنه از اقدامات خویش مایوس شده کناره جستند — برخی در این موقع بودن ولیعهد را در طهران لازم دانستند لهذا شاهرا باحضار او وادار نمودند .

همین که حکم شاه بولیعهد رسید باکمال عجله روز (٤) دسامبر از تبریز عازم طهران شد ـ آنچه سوار مسلح که می توانست جمع کند و عدهٔ آنها بچهار صد نفر می رسید باهمه ملازمین ایرانی و یك نفر بیطار فرانسوی موسوم بمسیو کاره همراه خویشتن آورد

در وقت ورود بطهران سفیر روس خواست بدیدن او برود و ورودشرا تهنیت بگوید ـ ولی حضرت ولیعهد بوزیرامور خارجه دستور العمل داد بسفرا اخطار نماید که حاضر است هر یك از سفرا را باهیئت سفارتخانه ایشان برحسب تقدم دیپلوماسی

جداگانه پذیرائی نماید

وقتی که من بااعضای سفارت بحضور ایشان رفتیم خیلی بطور دوستانه باما ملاقات کرده صحبت داشت — در صورتی که من باکمال جدیت از مذاکرات پلتیکی احتراز می جستم باز دو اشارهٔ محبت آمیز نسبت بمجلس جدید و قواعد پارلمانی که پدرش امضا داشته بود نمود

اما در خصوص وضع و سلوك خویش نسبت بمشروطیت خیلی دقت داشت و مواظب بود که خود را هوا دار و حامی مشروطیت در انظار عامه جلوه بدهد ـ اگر چه اعتقاد کافهٔ مردم اینست که او قلبا مخالف و بر ضد آزادی عمومیست و محققاً برای رفع این احساسات عامه آنچه در قوه داشت از قبول کردن مشروطیت و سایر وسایل برای جلب قلوب اهالی بکار برد ـ چنانچه برمن معلوم شده است حالیه دانسته است بهر تدبیری که بتواند خوبیت خود را در انظار ملت خیر خواه و طرفدار آزادی جلوه دهد — و نیز می توانم یقین کنم که نصایح عاقلانه سفیر روس کمکی شد در اصلاح نزاعی که ممکن بود وقوع یابد و خالی از مخاطره نبود

[امضا] سراسپرنیك رایس

نمرهٔ ـ ٩

مکتوب سراسپرنیك رایس بهسرادوارد گری (وصول ١٢ ژانویه)

از طهران ٣ ژانویه ١٩٠٧

مجلس ملی ایران بطور کامل تشکیل نیافته فقط از وکلای طهران عده قلیلی وارد شده اند – حکام ولایات خیلی مخالفت می نمایند – و در بعضی مواقع انتخاب کنندگان و منتخبین هردو در وظیفهٔ خود سستی و تسامح می ورزند و تاکنون قوانین وتنظیمات امروزه هیچ مراعات نمی شود – اعضای مجلس در روی زمین بطور دایره نشسته و رئیس در آخر اطاق جلو یك میز پایه کوتاهی قرار می گیرد – مجتهدین بزرك که همیشه حاضر شده مداخله در امور و مشارکت در مذاکرات می نمایند در صدر اطاق مقابل وکلا می نشینند – هر یك از اعضا می توانند در خصوص هرمطلب جداگانه مذاکره کنند و بندرت اتفاق می افتد از مذاکرات بی ربط خود نتیجه اخذ کنند

در اطاق که مشغول مذاکره هستند عامهٔ مردم اذن دخول دارند و می توانند مذاکرات وکلا را قطع نموده حتی خود شان هم صحبت بدارند – مع هذا این وضع ناشایسته رفته رفته دارد تخفیف پیدا میکند بطور کلی نظم بخوبی برقرار وجلسات بطور آرامی و شکوه تشکیل می یابد

دراین اوقات مذاکرات عمدهٔ مجلس گرفتن قانون اساسی و امتیاز بانك ملی بود .

چون اولین اقدامی که مجلسیان اختیار نمودند منع قرض از خارجه بود لهذا تکلیف خود را در این دیدند که سرمایهٔ برای

دولت فراهم آرند – تدارك این تهیه را به تشکیل بانك ملی عنوان نمودند – و قرار براین شد که مردم برای تشکیل بانك اعانه داده و در عوض اسناد بانکی دریافت نمایند و قرار شد بروانی که دارای وعده است پول نقد تبدیل نیابد مگر بضمانت صحیح و معین – در خصوص این مطلب هنوز بادولت مشغول مذاکره هستند ولی چون امتیاز چك بانك یعنی اسکناس مخصوص بانك شاهنشاهی است این قرار دادرا مفید وسود مند ندیدند آخر الامر چنین قرار شد که بانك ملی حق جمع آوری و اخذ مالیهٔ مملکت داشته باشد – در این خصوص دولت بانجار عمده مشغول مذاکره و معاهده است و تاکنون قرار قطعی باینمطلب داده نشده مهمترین مذاکرات در خصوص قانون اساسی است و تاقانون اساسی رسماً از دولت گرفته نشود هیچ کاری بطور معین صورت پذیر نیست و همه روزه احتمال اغتشاش و بی نظمی میرود

در افواه بود که ولیعهد مخالفت ومحقق بود که درباریان آنچه درقوه داشتند در منع شاه از امضای قانون اساسی بکار بردند اما ولیعهد مکتوبی بیکی از مجتهدین بزرك نوشته و در آن مکتوب از شایعاتی که نسبت بخودش بین مردم بود جداً انکار داشت و این یك نجات عمدهٔ رای او شد – روز ورودش در طهران هیئتی از اعضای مجلس نزد او رفته چون مراجعت کردند میگفتند که بازبان ملاطفت و مهربانی خیلی اظهار همراهی می کرد

در این وقت چون به نیابت شاه رسید کی بامور می نمود هیئتی بنمایندگی دولت معین کرد که باکمیتهٔ که مجلس تعیین نموده بود در خصوص قانون اساسی مذاکره نمایند این دو هیئت پس از مذاکرات اتفاق آراء خودشانرا در مجلس اظهار داشتند — بالجمله همین که معلوم شد یك مجلس ثانی مقرر خواهد گشت که دولت می تواند بیشتر از اعضای آنرا انتخاب کند همهمه و غوغای عظیمی روی داد که سعدالدوله مهیج عمدهٔ آن بود و ایراد می گرفت — رئیس مجلس تعرضات بسیار نمودند ودشنام دادند از آنپس رئیس راضی نشد که نشسته مذاکراترا استماع نماید با بعضی از دوستانش از مجلس حرکت کرده اظهار استعفا نمود.

در اذهان عامه چنین جایگیر شده بود و من هم بواسطهٔ بعضی دلایل میتوانم یقین کنم که بعضی اشخاص که غرضشان برهمزدن مجلس بود رایگان پولها خرج می کردند که بمقصود خود نایل شوند و بواسطهٔ مداومتی که در راه این مقصود داشتند تا اندازهٔ اعمالشان بی نتیجه نشد ـ در این موقع مردم بعضی از وکلای وطن پرسترا وادار نمودند که رئیس را ترغیب به ندادن استعفا نمایند

عاقبت اتفاق واتحاد فیمابین دولت وملت روی داد ودر روز اول ژانویه ـ صدر اعظم باقانون اساسی که شاه وولیعهد باخود او امضا کرده بودند وارد مجلس شد و در حضور مجلسیان و

نظار قرائت کردند (امضا) سیسیل اسپریك رایس

نمره ـ ۱۰

تلکراف سیراسپرینك رایس به سیرادوارد کری

از طهران ٦ فوریه ۱۹۰۷

اگر چه آثار شورش و انقلاب موجود است گمان می کنم این اوقات مردم هیجان بزرگی برضد دولت نمایند ـ و برضد بلژیکیان در گمرك اقدامات مینمایند ـ و مردمرا بر مخالفت قروض وامتیازات خارجه و قطع نفوذ پلتیکی اجانب تحریك می کنند ـ ولی با این حال احتمال خطر جانی ومالی برای تبعه خارجه بهیچوجه نمی رود ـ و نسبت بعامهٔ عیسویان اظهار معاندت و مخالفت نمی کنند ـ اما هر چند حالیه برای اتباع خارجه خطری نیست ولی اگردول خارجه در امور داخلهٔ ایران مداخله نمایند مسلم است در این صورت امنیت مرتفع واتباع خارجه دچار خطرات سخت خواهند شد من مصلحت چنین می دانم که دولت انگلیس وروس نمی توانند از مداخله در این گونه امور دوری نمایند ولی بایستی دولتین تدابیر و نقشهٔ اقدامات نظامی و مآلی خود را برای محافظت اروپائیان اگر در آتیه لازم بشود ثبت و مقرر دارند

نمره ـ ۱۱

تلکراف سیر ادوارد کری به سیر نیکلسن

از وزارت امور خارجه مورخه ۱٦ فوریه ۱۹۰۷

در ششم همین ماه سیراسپرنیك رایس تلگرافی در خصوص
عدم مداخله در پلتیك ایران مخابره کرده است — و ما رای اورا
در مداخله نکردن بامور داخلهٔ ایران پذیرفته و باعقیدهٔ او متفق
و شریکیم — این مسئله را شما بوزیر امور خارجهٔ دولت روس
عنوان نمائید — ملاحظهٔ را که دولت اعلیحضرت انگلستان نموده
است اینست که هر اقدامی که بواسطه قوای نظامی بشود مخالف
بااصول عدم مداخله خواهد بود

نمره — ۱۲

تلگراف سیر نیکلسن به سیر ادوارد گری

از پطرسبورغ مورخه ۱۲ فوریه ۱۹۰۷

وزیر امور خارجه روس امروز شرح ذیلرا در خصوص
دولت متبوعه خود بمن بیان نمود

عدم مداخله در امور داخله ایران — عدم استعمال قوهٔ
نظامی مگر در صورت ضرورت آنهم باکمال احتیاط ومحدود بحدود
باریك — متفق بودن در هر امری با مسلك دولت اعلیحضرت
انگلستان — واقدام نکردن بهیچ کاری مگر بصلاح ومشورت یکدیگر

همچنین اظهار داشت که امید است دولت انگلستان
این سیکرا مرئی دارد — من باو اطمینان دادم که یقینا سلوك ما
هم بهمین نحو خواهد بود

نمره — ۱۳

تلگراف سیر ادوارد گری به سیر نیکلسن

از وزارت امور خارجه ۱۳ فوریه ۱۹۰۷

رفتار و پلتیك دولت روسرا که تلگراف دیروز شما
حاکی از آن بود دولت انگلیس موافقت ومنظور خواهد داشت-
رضایت مارا در این خصوص بمیو ایس وولسکی اظهار دارید

نمره — ۱٤

تلگراف سیراسپرنیك رایس به سیر ادوارد گری

از طهران ۱٤ فوریه ۱۹۰۷

دیروز وزیر امور خارجهٔ (ایران) را ملاقات نموده
گفتم که هیچ دولتی حق مداخله در (ایران) ندارد مگر وقتی
که اتباع ایشان دچار مخاطرات جانی و مالی گردند — واز او
خواهش نمودم این مسئله را برؤسای حزب عامیون اطلاع
داده و توضیح نماید

من و سفیر دولت روس این معنی را همیشه تصریح می
بودیم و متشکرم که رؤسای ملت درك آنرانموده اند

نمره — ۱۵

(چون نمره (۱۵) ترجمه قانون اساسی بانگلیسی بود
لهذا از ترجمه و درج آن صرف نظر کردیم)

نمره — ۱٦

مکتوب سیر اسپرنیك رایس به سیر ادوارد کری وصول ۱۸ فوریه ۱۹۰۷

از طهران بتاریخ ۳۰ ژانویه ۱۹۰۷

تلکرافا بشما اطلاع داده شد که شاه در هشتم همین ماه قریب به نصف شب از دنیا رفت

چون مدتی بود که می دانستند آن اعلیحضرت علاج پذیر نیست و مایوس از حیوة او شده بودند و نیز پسرش نیابت سلطنت می کرد لهذا در رحلت وی هیچ اغتشاش و بی نظمی در شهر رخ نداد

روز دیکر جسدشرا به تکیهٔ دولت که ایام محرم تعزیه داری می کنند برده امانت کذاردند چه که در دم آخر وصیت کرده بود که نعش ویرا بکربلا برده انجا دفن نمایند ولی چون مردم اورا پدر آزادی ایرانیان میشناسند راضی نکشتند جسدش از ایران خارج شده و بعلاوه مبلغ کثیری پول برای مخارج حرکت جنازه اش صرف شود

روز دهم ژانویه ۱۹۰۷ هیئت دیپلوماتیکی خارجه ازطرف دولت مطبوعهٔ خویش بصدر اعظم تبلیغ تعزیت وتسلیت نمودند

و روز سیزدهم همان ماه ایشانرا با لباس رسمی برای تبریك و تهنیت جلوس پادشاه تازه بدربار دعوت کردند — و

قرار شد احتراماتی که میخواهند بجنازه شاه متوفی نمایند نیز در همان روز باشد — در همان روز ما سفرا در یك اطاق کوچکی که باتصورات سلاطین دول خارجه زینت یافته بود بذیرائی شدیم — هیئت سفرا بواسطه بی مناسبی محل و ضیق مکان در یك دایرهٔ بسیار کوچکی فشرده شدند — اعلیحضرت که داخل اطاق کردید و درجای خود قرار کرفت سفیر عثمانی زبان به تهنیت و تبریك کشود و بعد * وزیر دربار سفرا را یکان یکان معرفی کرد و هر کدام که معرفی میشد شاه باجزئی حرکت سر بوی اظهار التفات می نمود — وقتی که شاه از اطاق خارج شد ما نیز بیرون آمده به تکیهٔ دولت که شاه متوفی را در آنجا دفن کرده بودند رفتیم — سفیر عثمانی پس از چند لحظه توقف مقابل مقبره ایستاده و ما نمایندکان عیسوی در عقب او قرار کرفتیم مشار الیه بخواندن فاتحه مشغول شد و چون ختم نمود همکی مراجعت کردیم

در بیستم ژانویه ۱۹۰۷ — مطابق پنجم ذیحجه ۱۳۲٤ — رسومات تاج کذاری پادشاه جدید بعمل آمد و به محمد علی شاه موسوم کردید — اکر چه می دانستم دولت مایل نیست وزرای مختار در تاج کذاری دعوت شوند و مخالف اولین مقاصد خود میدانست بااین حال مقرر شد که ایشان نیز در ان روز حضور

* در این وقت وزیر دربار سلطانعلی خان ملقب بوزیر افخم بود

داشته باشند ــ وزرای ایران و سفرای خارجه در اطاقی که برای تاج گذاری معین شده بود از هرسمت صف کشیده ایستادند و تختی را که بغلط موسوم بتخت طاوس دهلی است در صدر اطاق نهاده و تخت طاوس حقیقی یا چیزی که از آن باقی وموجود است در طرف دیگر اطاق نه محض اینکه بر روی آن بنشینند بلکه برای زینت مجلس قرار دادند و جواهراتی که بتخت مزبور مرصع کاری شده بود نظر عامی را بخود جلب نموده از تلألؤ چشمرا خیره و عقلرا مات میساخت

شاهزادگان منتصبین بسلطنت در اطراف تختی که شاه بر روی آن جلوس خواهد نمود ایستادند علما و مجتهدین عمده که حاضر بودند بر روی زمین جای گرفتند ــ شاه و صدر اعظم و رجال دربار وارد اطاق شدند و رفتند بالای آن ــ علما بر پا ایستادند و اعلیحضرت بر فراز تخت بر آمد ــ بسرش ولیعهد که به سن دوازده ساله است بر روی یکی از پله های تخت تمکن جست ــ مجتهدین پس از ذکر نام خدا و خواندن خطبه او را بپادشاهی ایران تبریك و تهنیت گفتند

بعد صدر اعظم از پله های تخت بالا بر آمده تاجی را که با جواهرات نادری زینت و آرایش یافته بود و شاه سابق نیز در وقت تاج گذاری بر سر نهاده بود برسر شاه نهاد

ولی چون تاج بسیار سنگین و بزرك بود سر وی طاقت

نگهداری تاج را نداشت از این جهة مجبور شد که بهر دو دست آنرا نگاه بدارد ــ پس از چند دقیقه تاجرا بر داشت و بجای آن کلاه رسمی ایرانی که جقهٔ نادریرا داشت برسر گذاشت پس خطیب پیش آمده بنام اعلیحضرت و شمردن القاب آباء و اجدادش شروع بخواندن خطبه نمود وپس از اتمام خطبه شاعر درباری قصیده در مدح شاه سرود ــ این رسومات که انجام یافت جمیع وزرا و رجال دربار پیش آمده علما و شاهزادگان در اطراف تخت گرد آمده همگی بیکمرتبه تبریك و تهنیت گفتند

بعد از آن شاه از تخت فرود آمده سفرا و نمایندگان خارجه یك یك معرفی شدند ــ در این وقت من و سفیر روس موقع را مناسب دیده که ازطرف پادشاه انگلستان وامپراطور روس ولیعهدی سلطان احمد میرزا را باعلیحضرت تبریك بگوئیم ــ و شاه با کمال رضایت و خوشنودی بمن اظهار داشت که امروز صبح اعلیحضرت * ادوارد شخصاً تلگراف تبریك مخابره نموده‌اند خلاصه پس از این گفتگوها از اطاق خارج شد

روز دیگر در قصر سلطنتی سلام عام منعقد گردید وچون صاحب منصبان و سایرین از طبقات دوم دولتی حاضر شدند پس از لحظهٔ شاه ورود نمود و قبل از ورود شاه سر جواهرنشان معروفرا محض تجملات مرسومه حاضر کرده بودند ــ همین که

---

* اعلیحضرت ادوارد پادشاه انگلستان

شاه بر فراز تخت مرمر برآمد و مربع بربالای تخت جلوس نمود برحسب معمول خطیب و شاعر بقرائت خطبه و خواندن شعر مشغول شدند در صورتی که شاه در بالای تخت در حضور اهل سلام بکشیدن قلیان جواهر مشغول بود — پس از اتمام خطبه و شعر آنگاه شاه از تخت بزیر امده بعمارات داخلی قصر سلطنتی رفت و صف سلام بر همخورد ـ پولهای طلائی که مخصوص این موقع سکه کرده بودند بعضی از اشخاص که از جملهٔ انها خانمهای اروپائی بودند شاه برسم انعام بخشش نمود

(امضا) سیسیل اسپریک رایس

نمره ـ ۱۷

ایضا مکتوب سیراسپرنیک رایس به سیر ادوارد گری ـ

(وصول ۱۸ فوریه)

از طهران بتاریخ ۳۰ ژانویه ۱۹۰۷

خیلی افسوس دارم که تاکنون مابین شاه و طرفداران ملت اتفاق و اتحاد معنوی دست نداده

اطرافیان شاه بخصوص نایب السلطنه بدر زنش باعث انزجار خاطر اهالی ومورد توبیخ وسرزنش ملت واقع شده‌اند ـ و نیز باعث ازدیاد هیجان ملت بر ضد شخص شاه گردیده.

از طرف دیگر مجلس در اتحاد قدمی برنداشته است ـ و همه قسم اشکال بواسطهٔ اعضاء ان تولید می شود ـ نه‌دراصلاح

کار های دولت می پردازند و نه در خیال فراهم کردن سرمایهٔ هستند که بواسطهٔ ان امور مملکتی را اصلاح نمایند ـ سلوک دولت نسبت بمجلس کلیتاً بطریق مخالفت و ضدیت است بنا بر این روابط فیما بین ملت و دولت البته به بدترین اوضاع منجر خواهد شد

پیر مردهائی که مربوط بادولت بوده و مطلع از امور هستند اظهار می دارند که بواسطهٔ این اوضاع ناگوار ناچار نزاع و زد وخوردی روی خواهد داد و من هم آنچه کسب اطلاع کرده ام صحت اقوال انها را می رساند چنانچه بعضی از اعضاء طرفداران پارلمنترا که من ملاقات کردم ثابت داشتند که دولت خیال دارد مجلس را بر هم زند واین اساس را برچیند ـ با اینکه این کار عاقبتی وخیم خواهد داشت و بعموم مردم صدمهٔ کلی وارد گشته جز بی نظمی واغتشاش نتیجهٔ دیگر نخواهد بخشید ـ و مردمرا عقیده اینست که قشون اگر فرمانده متدینی داشته باشد هرگز باملت طرف نخواهد شد.

کسبه بازار در این وقت هیجان زیادی دارند ودر بعضی از نقاط مملکت مخصوصاً در تبریز و رشت شورش و انقلابات برپا است و مردم علناً بر ضد سلطنت میباشند

دولت از انعقاد و مرتب شدن بعضی از انجمنهای ایالتی مراکز عمدهٔ مملکت بسیار مضطرب و متوحش است زیرا

حکومت این نقاط را خود انجمنها خیال دارند بوضع مخصوصی اداره کنند و از طرفی حکام آن حدود قوه و استعدادی ندارند که بتوانند خیالات آنها را جلوگیری کرده نگذارند اقدام به این حرکات نمایند

اکنون آنچه بنظر میرسد آنست که یا باید شاه با ملت متحد شده و نتیجهٔ اتحاد را به اصلاحات عملی ظاهر سازد و یا آنکه علناً مخالفت نموده شروع بستیزه و مجادله نماید

سابقاً دقت شما را درخصوص ازدیاد احساسات ضداروپائی که مخصوصاً درمجلس قابل ملاحظه است جلب نموده بودم — این احساسات بواسطهٔ ترس ازمعاهدهٔ جدیده بین دولتین روس وانگلیس است — در صورتی که انعقاد این معاهده وعلائم ظاهرهٔ همقدمی دولتین نیست مگر برای حفظ استقلال ایران

نمره — ۱۸

مکتوب سیراسپرنیك رایس به سیر ادوارد گری (وصول ۱۸ فوریه)

از طهران مورخهٔ غرهٔ فوریه ۱۹۰۷

خلاصهٔ وقایع یکماههٔ ایران

تبریز

در اوایل ژانویه — نظام الملك بفرمانفرمائی آذربایجان

منصوب شده و از طهران به تبریز روانه گردید — امام قلی میرزا را بحکومت ارومیه نامزد کردند — پس از ورود نظام الملك به تبریز چون انجمن ایالتی را مخالف با خیالات خود دید شروع کرد بشکوه و اظهار دلتنگی بشاه کردن — این مسئله را آقا سید عبد الله در مجلس عنوان نمود ولی وکلا تصدیق دوستکاری انجمن ایالتی آذربایجانرا کرده و گفتار نظام الملك را تکذیب نمودند

در حوالی ارومیه اکراد بنای غارت و راهزنی را نهاده علیجان نامی را از اهل (جلبانلو) بقتل آوردند خانوادهٔ مقتول با چهار صد نفر از اهالی ارومیه بقنسولخانه انگلیس پناهنده شدند بنای تظلم و داد خواهی را نهادند ولی توقفشان در قنسولخانه چندان طولی نکشید — و جمعی دیگر در همانوقت در تلگرافخانه متحصن شده خرابی بسیار به آنجا وارد آوردند.

وضع ارومیه در سال گذشته بقدری ناگوار بوده است که اگر دولت برای آسودگی اهالی سلیم بردبار آن ولایت اندك چاره و جزئی اقدامی ننماید امکان ندارد مردم تحمل حالات نا هنجار حالیه را داشته باشند و عاقبت انقلابی دست ندهد.

مثل اینکه در ۲۹ دسامبر اهالی ارومیه سه نفر کرد سولدوزیرا که گندم بشهر آورده میخواستند بفروشند بقتل آوردند در صورتی که ظاهراً هیچ گناهی نداشتند و برای اینکه مردم

تلافی و معارضهٔ بمثل نموده باشند کارهائی کردند که سبب هیجان کلی و باعث اغتشاش زیاد شد.

حکومت اردوی نظامی تشکیل داده برای جلوگیری اکراد قریهٔ (بانه) روز پنجم همین ماه روانه نمود وچون به (بانه) رسیدند آن ده را خراب کرده قریب چهار نفر از اهالی اردو را اکراد بقتل رسانیدند ولی از اکراد چندان کشته نشد ـ ودر نهم همین ماه امام قلی میرزا که عازم اروميه شد (مستر راتیسلا) * را ملاقات نموده اظهار داشت که تلفات اکراد چندان نبوده وخیال دارد بهار آینده اردوئی مقابل اکراد روانه نماید و اعتقادش اینست که بر آنها ظفر خواهد یافت ـ بهر حال خطر حملهٔ کردها هنوز باقی است و دعاة انکلیسی بهیجوجه اطمینان امنیت ندارند اگرچه بواسطه بودن امام قلی میرزا احتمال امنیت می رود ـ و مستر راتیسلا از حال وی اطلاع نیکو دارد وعقیده‌اش دربارهٔ او اینست که می تواند بخوبی از عهده اصلاحات آن سامان بر آید.

روز هشتم همین ماه وکلای دوازده گانهٔ تبریز عازم طهران شدند و هزاران هزار از سکنهٔ شهر ایشانرا مشایعت نموده و در روی پل قرآنی را که در ماه سپتامبر گذشته رؤسای شهر بان قسم خورده بودند که حافظ حقوق ملت باشند حاضر نموده و

* مستر راتیسلا قنسول انگلیس

وکلا را از زیر آن قرآن عبور دادند — از این حرکت مردمرا حالت جان سوزانهٔ خیلی مؤثری دست داد

ادارهٔ راه شوسهٔ روسها در وصول باج راه دچار اشکالات و زحمات بسیار گردیده است — مخصوصاً بواسطهٔ سکنهٔ دهات وقراء واقعه در امتداد راه که چون برباج اهالی آن دهات افزوده‌اند ایشان ایراد سخت وارد آورده اند که چرا باید اضافه ازخراج معموله از آنان گرفته شود — لهذا ترك آن راهرا گفته ازجادهٔ قدیمه که برای مقاصد خویش ممکن دانسته اند عبور ومرور می نمایند — چون عابرین در دادن باج راه امتناع می ورزند و بسا میشود که بکش مکش منجر میگردد و غالبا فرار میکنند لهذا حکومت یکدسته سوار برای محافظت راه مامور ساخت اهالی دهات ایشانرا کتك زده و به تبریز معاودتشان دادند ـ خلاصه آنکه هیچیك از طبقات با کمپانی همراهی ندارند

رشت

حکومت اظهار عدم اقتدار نموده وگفته است متجاوز از پانزده هزار تومان درمحل باقیست که احتمال وصول آنرا نمی دهد و حدس می زند که یك خونریزی واقع خواهد شد بلکه انتظار آنرا دارد — فدائیان در رشت دو انجمن دارند یکی سری و دیگری علنی که دستور آنها از هیئت آمره که در قفقازند داده میشود

وضع حزب تجدد طلبان رشت معاینه حالت شورشیانست و رفتار ایشان باعث وحشت و نگرانی دولت در طهران گردیده است

اوضاع رشت تایک اندازه بواسطهٔ ضعف و بی کفایتی وزیر اکرم حاکم آن ولایت است که سابق *وزیر دربار شاه مرحوم بود — شاه او را ملامتهای سخت و سرزنشهای بسیار نموده ویرا معزول و بجای او سپهدار را بحکومت مقرر داشت ولی مجلس حکومت سپهدار را تصویب نمود

اهالی رشت در موقع تاج گذاری شاه تااز مجلس طهران بایشان امر نشد از گرفتن جشن امتناع داشتند — پس از آنکه آقا سید محمد مجتهد تلگراف نموده ایشانرا اطمینان کلی داد و متقاعد ساخت که شاه با مجلس و مشروطه موافقت وهمراهی دارد آن وقت اهالی راضی شدند که بازاررا زینت داده چراغان نمایند

اصفهان

*مستر برن هم اطلاع میدهد که انتخاب وکلا بامر آقا نجفی نظر باین بود که منافع شخصی او در مجلس طهران محفوظ باشد — و نیز انجمن ولایتی بریاست آقا شیخ نور الله حکومترا تصرف

---

* وزیر اکرم که حاکم رشت بود وزارت دربار را نداشت ولی اشتباه به وزیر افخم سلطان علی خان شده است که وزیر دربار بود

* مستر برن هم — قنسول انگلیس مقیم اصفهان

کرده و هفتهٔ دو مرتبه انعقاد می یابد و در هر امری مداخله نموده اغتشاش و انزجار خاطر عمومرا فراهم می سازد.

شیراز

انجمن ایالتی مرکب از سی عضو که از طبقات مختلفه انتخاب شده است دایر گردیده ولی چندان کاری از پیش نبرده است و چون خبر فوت شاه بدانجا رسید اغتشاش وزحمتی روی نداد طهران — ۳۱ ژانویه ۱۹۰۷ (امضا) جرجیل

نمره — ۱۹

مکتوب سیر اسپرنیک رایس (وصول ۱۸ مارس)

طهران ۲٤ فوریه ۱۹۰۷

سال گذشته هیجان عامه برضد بلژیکیها در ادارات گمرک بخصوص ضدیت با مسیو نوز بقدری سخت شد که مشار الیه توقف دراین مملکترا خالی ازخطر ندانست لهذا بسمت ماموریت عازم اسلامبول گردید — پائیز همان سال که مراجعت نمود مردم مخصوصا برضد صدر اعظم و اوضاع مغشوشهٔ مملکت هیجان نموده بودند و اگر چه حرکت وی از طهران یکی از خواهش های عمومی را صورت داد ولی مردم چندان قابل اعتنا ندانسته وماند سایر مطالبیکه اصلاح وتجدد انرا خواستار بودند اصرار نداشتند — مسیو نوز توانست تحصیل حکم تبعید دشمن عمدهٔ

خویش یعنی سعدالدوله را بنماید و خود نیز به بطرز بورغ دعوت شد که معاونت نماید در معاهدات قرضی که قرار بود در سپتامبر داده شود ـ دولت ایران امتناع نمود که اختیار معاهدات را بمشار الیه وا گذارد لهذا رفتن مسیو نوز موقوف و در ایران متوقف گردید .

سعدالدوله اجازه یافت که بطهران معاودت نماید و همین که مجلس منعقد گردید دوباره بر علیه بلژیکیها و ریاست ایشان در گمرکات مردمرا بشوراند —— سر کردهٔ اعتدال خواهان یعنی صنیع الدوله که ریاست مجلس را داشت منتهای جد و جهد را در رفع این هیجان بکار برد و حتی حاضر شد که اگر مجلس بکوتاهی این قضیهٔ نپردازد از شغل خویش استعفا دهد و اگر چه اعضاء مجلس باطنا با وی هم عقیده بودند ولی مجبور شدند که تسلیم سایرین باشند .

اولین مذاکرهٔ که در مجلس مطرح گفتگو شد این بود که آیا مسیو نوز وزیر مسؤلست یا نیست ؟ —— اما صدر اعظم سابق تفتیش کلیهٔ مالیهٔ مملکترا بدو تفویض نموده بود و نیز مفتشی صندوق یا بعبارة اخری ریاست خزانهٔ دولتی را که عایدات عموم ولایات بدانجا بایستی داخل شود باو وا گذار کرد و علاوه بر ریاست نامه اش بر ادارهٔ گمرکات که فقط نزد صدر اعظم مسؤلیت انرا داشت پست و ضرابخانه نیز بدو سپرده شده بود —— باری

وقتی که مجلس در باب پیشرفت کلیهٔ امورات مخصوص از اوضاع مالیه بتوسط وزرای شاه از دولت توضیحات خواست مسیو نوز در مجلس حضور بهم نرسانید ـ وچون مجلس از ناصرالملك وزیر مالیه سؤالات مربوط بعمل مالیه نمود در جواب چنین رسانید که وی اقتدار انکه بتواند تفتیشی در کارهای مالیه بنماید بهیچوجه نداشته بلکه فقط در حکم یك محاسبی بوده است و هم اظهار داشت که مسیو نوز خودرا مسؤل او نمیداند حتی صورت محاسبات سه سالهٔ اخیرهٔ ادارهٔ گمرکات را تا کنون تهیه ننموده است که ارائه بدهد .

مجلس از این اظهارات دچار مشکلات وتحیرات گردیده در صدد اطلاع برامد و شخصی که مسؤل یك چنین ادارهٔ مهم مملکتی بوده باشد معلوم نبود کیست ! بدین لحاظ صورت اسامی وزرای مسؤلرا طلبیده و *صدر اعظم صورتی فرستاد که اسم مسیو نوز در ان مندرج نبود لهذا مجلس گفت که اگر مسیونوز وزیر مسؤل نیست باید لقب وزارت و شغل اورا که بر حسب قانون اساسی حق ندارد از وی گرفت .

پس از چند روز تعلل و تسامح که در ظرف این مدت هیجان مردم بنقطهٔ خطرناکی رسیده بود شاه سر تسلیم پیش آورده عزل مسیو نوز ومسیو پریم را ازمقام وزارت ودیرکتور

* صدراعظم —— میرزا نصرالله خان مشیرالدوله

جنرالی گمرکات دستخط نمود و مردم از عزل ایشان اظهار
مسرت وشادمانی نمودند (امضا) سیسل اسپرنیک رایس

نمره — ۲۰

ایضا مکتوب سیراسپرنیک رایس به سر ادوارد گری
وصول ۱۸ مارس

طهران ۲۷ فوریه ۱۹۰۷

مطالبیرا که دو مدت ماه گذشته مجلس اهتمام داشت که شاه قبول نماید بذیرفته و مقبول افتاد — یکی عزل مسیو نوز و مسیو بریم که هر دو بلژیکی و مستخدم دولت بودند و دیگر شناختن سلطنت ایرانرا بمشروطه و محدود بودن بحدود معینه .

سبب اینکه شاه نتوانست امتناع از قبول امور مذکوره نماید بواسطهٔ اخبار موحشهٔ تهدید آمیزی دانستم که از هرطرف بخصوص از تبریز رسیده بود — ونیز معروفست که بشاه گفته‌اند فدائیانی که مسلك طایفه ادم کشهای قدیم ایران را پیشنهاد خود نموده تشکیل انجمن داده‌اند

مجلس درپیشرفت مقاصد سابق‌الذکر ایستادگی بسیار نمود چنانچه وکلا تمام مدت روزی را که مطالب خویش را پیشنهاد شاه نموده بودند منتظر جواب بوده و هیچیك از اعضا اجازه خارج شدن از مجلس نیافت تاوقتی که بس از گذشتن پاسی ازشب جواب مساعد بدیشان فرستاده شد — در داخل باغ مجلس قریب

سه هزار جمعیت باکمال نظم آروز را تاشب توقف داشتند — تجار آماده بستن بازار شده بودند واتصالاً بارؤسای ولایات مخابرات تلگرافی می نمودند — همین که قاصد شاه وارد گشت تمام جمعیت اظهار شادمانی و مسرت و خوشوقتی نمودند بطوری که صدای زنده باد ایشان در فضای باغ انعکاس داشت .

در ورود وکلای تبریز مردم باستقبال شتافته احترامات شایان نسبت بایشان بعمل آوردند — و شخصی که در آن وقت حضور داشت شرح می داد که در حوالی منازل ایشان جمعیت کثیری بانهایت اشتیاق منتظر بودند که چون موقع بدست آرند دامن واودین را ببوسند .

اگرچه همراهی مجتهدین و علمای بزرگ را از روی واقعیت نمیدانستند ولی انها نیز در این وقت اقدامات خویشرا به عرصهٔ ظهور درآوردند — وعاظ در مساجد و محافل مردمرا به وطـن دوستی و اتفاق باکلیهٔ ایرانیان موعظه و اندرز می نمودند .

حرکات و رفتار ملی از طریقهٔ سیاسی و مذهبی خارج نیست و این وضع در همه جا معمول وشایع است — علمای بزرگ کربلا اکنون بمعیت بر خواسته ملترا حمایت و همراهی مینمایند — و از پایتخت نمایندگان چند بولایات و اطراف روانه کرده اند که مردمرا از مقاصد اصلی حریت و قوانین ازادی اگاه ساخته

ایشانرا بیدار سازند .

حب وطن که علامت ممایزهٔ ایرانیانست همیشه ازصفات معتقدین طریقهٔ شیعه واز اعتقادات این طایفه بشمار رفته است ـ بادشاه حالهٔ ایران چون رتبهٔ مذهبی ندارد در انظار رؤسای مذهب شایسته ان نیست که ایرانیان او را مستحق اطاعت و امرشرا مطاع بدانند ـ چه بادشاه حقیقی را امام دوازدهم می دانند اگر چه از نظر غایب است ولی حی و حاضرش می خوانند و شخص بادشاهرا اولوالامر و مفترض الطاعه میدانند

(امضا) سیسل اسپرنیک رایس

نمره ـ ۲۱

ایضا مکتوب سیراسپرنیک رایس به سر ادوارد گری

وصول ۱۸ مارس

طهران ۲۷ فوریه ۱۹۰۷

افتخار دارم که خلاصه وقایع و حوادث ایرانرا در ظرف مدت ماه فوریه اتفاق افتاده لفا ارسال نمایم

(امضا) سیسل اسپرنیک رایس

خلاصهٔ وقایع یکماههٔ ایران

طهران

در یازدهم همین ماه شخص مجهول الحالی یکی از معاریف

تجار محترم یزدرا موسوم به بروز شاه جهان در همان بد بقتل رسانید ـ با اینکه عدهٔ بارسیان در یزد خیلی کثرت دارد ولی در حقوق بامسلمانها مساوی نیستند ـ حتی اینکه اگر مرتکب قتل دستگیر می شد و معلوم می گشت مسلمانست ملا های ولایتی مانع شده نمیگذاشتند او را مجازات دهند ـ بارسیان معتبر هند با سفیر اعلیحضرت در این خصوص از هندوستان تلگرافها مخابره نموده و سفیر بدون تامل نزد بعضی از دوستان خویش از علمای مهم طهران بطور غیر رسمی بیان نامها فرستاد ـ آقای آسید محمد که از فحول مجتهدین است اظهار داشت که اگر اینگونه حوادث مکرر شود و یا مرتکبین دستگیر شده به مجازات نرسند البته نتایج وخیمه خواهد بخشید

و تلگرافی بعلمای عمدهٔ یزد نموده ایشانرا در عدم منع از مجازات مقصر توصیه نمود و هم بصدر اعظم سخت گرفته در گرفتاری قاتل اصرار نماید

علاوه براخباریکه از اصفهان رسیده بود رابورت داده شد که آقای نجفی و انجمن ولایتی بر ضد طایفهٔ یهود بعضی اقدامات نموده اند

سفیر اعلیحضرت محض همراهی با سفیر فرانسه در جلو گیری از اینگونه اقدامات توصیه نموده اند .

در نوزدهم همین ماه دو سه نفر از وعاظ عمده در مساجد

وجاهای دیگر صدای خودرا برضد مجلس بلند کردند — میگفتند قوانین قرآن از برای فرقهٔ مسلمین کافیست وتمام معتقدین قرآن باید برضد دخول قوانین کفار در این مملکت اعتراض و قیام نمایند.

فوراً مجتهدین برای دستگیری وتبعید حضرات که بشاهزاده عبدالعظیم رفته پناهنده شده بودند بدولت سخت فشار آورده و طرد و نفی آنانرا جداً از اولیای امور خواستار شدند

دربیست و پنجم همین ماه بیش ازهشتاد نفر بزاویهٔ حضرت عبدالعظیم التجا برده و اکنون می گویند عدهٔ متحصنین در آن زاویه بیش از سیصد نفر شده است.

تبریز

بعد از آنیکه قشون دولت قرینه (باند) متعلق باکراد را چنانچه ماه گذشته رابرت داده شد بیاودمان نمودند عدهٔ ازسکنهٔ رزل اورمیه برای غارت بدانجا روانه شدند و آنچه قابل حمل بود حتی تیر های سقف خانها را بیغما بردند — دوازده نفر ازآنها مدتی در انجا توقف نمودند و چون اکراد مراجعت کردند ایشانرا بالتمام کشتند — حسیات مابین شیعه وسنی اورمیه اکنون خیلی ناهنجار است و وضع اکراد بی نهایت موحش است اگر چه فصل مقتضی یغما و چپاول نیست ولی سکنهٔ باند در این وقت بی خانه و زندگی مانده باید تهیهٔ ماوی و منزل برای

خود نمایند — هنوز خویشان و بستگان علیجان بیك دراطراف قونسول خانهٔ انگلیس متحصن و از مراجعت بمنازل خود ترسانند.

مستر پادی درخصوص سلامتی وبی خطری خود واجزای قونسولخانه اطمینان بسیار کامل بمستر راتیسلا میدهد ولی اعضای قونسولخانهٔ امریکا که در مدرسهٔ خود بفاصلهٔ یك میل دور از شهر توقف دارند گرفتار مخاطرات سخت هستند — منافع و فواید امریکائیان اکنون درید قونسول خودشانست که تازه‌گی وارد تبریز شده است.

وظایف انجمن ایالتی مانند سابق رعایت نمیشود — و آن طوری که مراتب آنرا محفوظ می داشتند اینك نمیدارند — و انجمن چندان طرف توجه عموم واقع نیست مابین خود اعضای انجمن چندین مرتبه نزاعهای سخت روی داده — از طرف شیوخ علمای شهر باکمال تغیر به مخالفت قواعدیکه ایشانرا از اهمیت و منافع شخصی محروم می دارد قیام نموده‌اند — ملاکین نیز متغیرند که چرا بایستی انجمن قیمت گندم وگوشت را تنزل دهد تاایشان از فوایدیکه می بردند باز مانند — فقط از تمام طبقات که خود را هوا خواه انجمن میدانستند طبقهٔ تجار و مردمان زیر دسترا اکنون می توان طرفدار وهوا خواه واقعی انجمن دانست.

در یکی از نمرات روزنامهٔ منطبعهٔ تبریز مقالهٔ مفصلی که حمله بر بلژیکیهای مستخدم گمرک مینمود مندرج بود ـ صرافان تبریزی متفقا قرار داده اند که اسکناس بانک شاهنشاهی را رد کرده داد و ستد نمایند از این جهة مبلغ بسیار کمی از اسکناس های بانک در میان مردم رواج داشت .

اصفهان

آقا نجفی که منشی اول قونسولگریرا ملاقات نموده بود در ضمن صحبت چنین مذکور داشته بود که یهود وارامنه واروپائی های مقیم اصفهان باید مجبور باختیار کردن عادات و رسوماتی شوند که برای احترامات مسلمین شایسته تر باشد چنانچه همین هم تکلیف ایشانست .

یهودیهای اصفهان گرفتار مشکلات ودچار زحمات سخت شده اند زیرا انجمن ولایتی در اوایل فوریه ایشانرا احضار نموده و امر بمضای حکم ذیل کرده است .

اولا اینکه نباید هیچ یهودی عرق و شراب بمسلمین بفروشد ـ ثانیاً هیچیک از یهود حق ندارند از فاصلهٔ هشت میلی اصفهان برای خرید و فروش اسباب و اجناس فریاد نمایند ـ ممکن است در منع فروش شراب حق با انجمن باشد ولی اینکه اجناسرا باید بمحلفا ودهات ببرند باعث خرابی وضرر فرقهٔ یهود است زیرا نصف یهود اصفهان شغلشان منحصر به دوره گردیست

و کار دیگر نمیتوانند بکنند ـ محرک این قانون جدید معروفست آزادی تامی بوده که تا کنون یهودیها داشته و میتوانستند داخل خانهای مسلمین شده و اجناس خود را درحیاط اندرونی ببرند ـ چون خانمهای ایرانی آنانرا انسان ندانسته و مانند سگ فرض می کردند و در حضور آنان صورت خود را نمی پوشاندند و ممکن بود بواسطهٔ این کار تهمت و بعضی گفتگو های قبیح شایع شود ـ سفیر اعلیحضرتی با سفیر فرانسه چنانچه سابقاً مذکور شد تواماً در این خصوص بادولت ایران مذاکرات نموده و بیان نامهای چند فرستاده اند

بوشهر

حمل و نقل مال التجاره بطور دزدی و قاچاق در تمام بنادر کوچك فارس رواج و همه روزه این عمل رو بازدیاد نهاده و اشخاصی که متصدی این گونه اعمالند اشیاء ممنوعه و سایر مال التجاره های خویش را حوالی بوشهر توزیع و منتشر می نمایند .

چهار کشتی کوچکی را که دولت ایران برای مفتشی گمرکات خریده بود بتازگی از هندوستان وارد نموده اند ـ هم در این اوقات حکومت بهبهان ما به النزاع شیخ محمره وخوانین بختیاری واقع شده ـ خوانین بختیاری جمعیت کثیری درمالامیر گرد آورده نواحی کاوان و بهبهان را تهدید می نمایند

جرايد

در وقت تاسيس مجلس وتجدد اوضاع دو روز نامه جديد در طهران ابداع شده يكى موسوم بروز نامهٔ مجلس كه مذاكرات مجلس شوراى ملى را درج نموده و گاهى از اوقات نيز مكتوبات و بعضى اخبارات ديگر را مى نويسد — و يكى ديگر موسوم به نداى وطن كه مدير انرا عين الدوله در موقع صدارت خويش به تقصير بلتيكى در كلات نادرى محبوس ساخت — اين روز نامه مسلكش زبان ملى است

در اصفهان دو روز نامهٔ جديد بطبع مى رسد و مخصوصاً برضد خارجه سخن ميراند و همچنين در تبريز يك روزنامه داير گرديده — روزنامهٔ مظفرى كه در بوشهر بطبع مى رسيد مدتى توقيف شده بود دراين وقت از توقيف بيرون آمده ودابر است

از جمله جرايدى كه در طهران شيوع تامه دارد روزنامه حبل المتين است كه در كلكته بطبع مى رسد — اين روز نامه از زبان ملت سخن مى گويد وگاهى از اوقات برضد خارجه مخصوصا هميشه برعليه انگليسها گفتگو مى كند — در يكى از نمرات اخيره كه بطهران رسيده است مقالهٔ در تمجيد حركات تجدد طلبان در كمال اغراق مندرج بود و درآن مقاله محركين تاسيس بانك ملى را نجات دهندهٔ ايران بيان نموده وچنين عنوان مينمايد كه ايران به حالت جلالت وعظمت قديمه خود عودت نموده است .

مهاجرت غير مسلمين

از شيراز و بوشهر خبر رسيده است كه يهود به بيت المقدس عزيمت نموده اند و عدهٔ از كلدانيها چنانچه ازاروميه اطلاع داده اند به كانادا هجرت مى نمايند و جماعت بسيارى نيز از جديد ها يعنى يهوديانى كه دين اسلامرا قبول كرده و در مشهد متوقفند آنجارا ترك كرده بنقاط ديگر رفته اند — فقط علاوه بر ارامنه طايفه غير مسلمى كه مايل بترك اين مملكت بواسطه خطرات جانى و مالى نيستند همان طايفهٔ پارسيانند — يكى ازمحترمين آنان چنانچه سابقاً مذكور شد در يزد بقتل رسيد و اگر اينگونه حوادث مكرر شود ممكن است آنها نيز ازين مملكت هجرت نمايند .

نمره — ٢٢

مكتوب سراسپرنيك رايس به سر ادوارد گرى (وصول ١٥ آوريل)

طهران ٢٥ مارس ١٩٠٧

افتخار دارم ترجمهٔ بيان نامهٔ مشير الدوله را كه اطمينان مى داد تغيير نيافتن اوضاع گمركات را بواسطهٔ استعفاى مسيو نوز و باقى ماندن ترتيبات حالیهٔ آن اداره ارسال دارم .

شما بخاطر داريد كه مسيو نوز ومعاون اولش مسيو پريم

هر دو در یك موقع معزول شدند واز هانوقت بدولت ایران در خصوص نصب مسیو بریم وباقی بودنش درخدمات گمرک بیان نامها فرستاده شد ـ معهذا معلوم شد که امکان ندارد مجلس را وادار نمود به اینکه از ایرادات بر مدیر بودن مسیو بریم در گمرکات صرف نظر نماید ـ مدیری گمرکات بمسیو مرناود که در آذربایجان مستخدم گمرکات بود تفویض شده است ووعده داده اند که مسیو بریم را مستشار مالیهٔ دولت ایران نمایند ـ مسیو نوز که در همین اوقات عازم اروپا خواهد شد از قراریکه میگوید پس از یکسال که احتمال می دهد اوضاع مملکتی تغییر کلی خواهد یافت بایران معاودت خواهد نمود.

آنچه را که بواسطهٔ وزیر مالیه دانسته ام اینست که ریاست ادارات گمرک با رئیس بلژیکی و اسماً در تحت نظارت و مفتشی رئیس ایرانی خواهد بود ـ این رئیس به مصلحت کمسیون تفتیشی که مرکب خواهد بود از دانمارکیها یا سوئدیهائی که آنها اطلاع کامل از تمام دفاتر و سایر کار های ادارهٔ بلژیکی دارند خواهد بود.

نمره ـ ۲۲

ترجمهٔ مکتوب مشیرالدوله صدراعظم به سیراسپرنیك رایس

۵ مارس ۱۹۰۷

بعرض دوستدار می رساند ـــ چنانچه در سابق حضورا

اطلاع دادم که عزل مسیو نوز بهیچوجه تغییری در وضع گمرکات نخواهد داد و ریاست ان اداره بهر که داده شود موقتی خواهد بود و اقساط قرض باکمال نظم و ترتیب مانند سابق برداخته خواهد شد ـ و معلوم است که دولت ایران بر حسب تکلیف خویش اقدامات شایسته در ریاست مخصوصهٔ ادارهٔ گمرکات خواهد نمود

نمره ـ ۲۳

مکتوب سیراسپرنیك رایس به سیر ادوارد گری (وصول ۱۵ آوریل)

طهران ۲۸ مارس ۱۹۰۷

افتخار دارم خلاصهٔ وقایع یکماههٔ ایرانرا که در مکتوبات جداگانه ثبت نگردیده بود بحضور آن جناب ارسال دارم

(امضا) سسیل اسپرنیك رایس

وقایع یکماههٔ ایران در تلو نمرهٔ (۲۳)

شمال ایران

طهران

شاهزادهٔ ظل سلطان در شانزدهم همین ماه از حکومت اصفهان معزول و نظام السلطنه بجای او منصوب گردید ـــ

اشخاصی که بقونسولگری اعلیحضرتی دراصفهان پناهنده شده بودند تاخیر عزل ظل سلطان از مجلس طهران بایشان رسید امتناع می ورزیدند که از قونسولخانه خارج شوند — و خیال شاهزاده اینست که در ظرف چند هفتهٔ دیگر باروپا مسافرت نماید .

و در هفدهم همین ماه مشیر الدوله صدر اعظم معزول گردید – کاشیها در حق وی بی اندازه سعایت می نمودند وبشاه همچو فهمانیده اند که تمام اشکالات و زحماتی که آن اعلیحضرت دچار شده است همانا نتیجهٔ ضعف صدر اعظم وطرفداری اوست از ملت – فردای آن روز مشیر الدوله ازطهران بعمارت ییلاقی خود حرکت کرده و خیال دارد پس از چندی عازم اروپا شود پسر ارشدش ملقب بمشیرالملک ازین ببعد سفیر بطرزبورغ نخواهد بود وهمراه پدر خویش که محترما نفی بلد میشود خواهد رفت – و مؤتمن الملک دومین پسرش در طهران توقف خواهد نمود .

کابینهٔ جدید وزرا مرکب است از هشت وزیر که سه نفر از آنها یعنی فرمانفرما و وزیر همایون و مخبرالسلطنه برادر رئیس مجلس که با امین السلطان دورهٔ دنیارا مسافرت نموده است بتازگی برتبهٔ وزارت نائل شده اند — روز بیست و یکم وزرای جدید بمجلس امده معرفی شدند — وزیر داخله دستخط شاه را که متضمن بود تعیین و تشخیص ادارات و قرار داد کلیه انتظامات مملکتی را در تحت ریاست هشت وزیر مسؤل ذیل قرائت کرد

وزیر عدلیه . . . . فرمانفرما

وزیرامور خارجه . . . . علاءالسلطنه

وزیرداخله . . . . وزیر افخم

وزیر مالیه . . . . ناصرالملك

وزیر جنك . . . . نایب السلطنه

وزیرعلوم‌واوقاف . . . . مخبرالسلطنه

وزیرفوایدعامه . . . . مهندس‌الممالك

وزیر تجارت . . . . وزیر همایون

مجددا شاه بامین‌السلطان که هنوز در سویس بود تلگراف کرد که عازم طهران شود واحتمال دارد بمحض ورود وزیرداخله گردد وبعد مانند سابق زمام کلیه امور مملکترا بدست آورده ریاست کلیه نماید .

مسیو بریم بمستشاری مالیه ملقب گردید و در این وقت که وزیر همایون بوزارت تجارت منسوب شد ریاست پست را به معاون الدوله وا گذار کردند و بجای علاء الدوله وزیر مخصوص که حکومت طهران با اوست وزیر دربار شد .

وزیر مالیه کتابچهٔ مخارج را در یکی از جلسات بمجلس ارائه داد و آن کتابچه عبارت بود از مخارج یکسالهٔ دولت تا این تاریخ و معادل سه ملیون و دویست و سی و دو هزار و پانصدو نودو سه تومان از جمع کل که موافقت باریز حساب نداشت موضوع

می ساخت که هنوز پرداخته نشده است و صورت بعضی از مخارج که هنوز پرداخته نشده است ازقرار ذیل است

	تومان
شاهزادگان و مستخدمین حرمخانه و خواجگان وغیره . .	٣١٥٤٠٥
امرا وخوانین قاجار وسایر خوانین . . .	١١٦٧٢٥
امنا ووزرا	٧٧٤٤٦
مستوفیان و منشیان وغیره	٦٧٧٦٧
وزارت خارجه وهیئت دیپلوماسی وغیره . . .	٤٢٢٩٩٦
اطبای ایرانی وفرنگی	٥٤٤٧٢
مدارس وغیره	٤٩٣٨٠

تانوروز گذشته یعنی ۲۲ مارس مبلغ شش کرورو چهار صدو هشتادو یك هزار و سیصدو شصت و شش تومان موافق صورتی که داده شده بود کسر داشته و هنوز پرداخته نشده است .

در شانزدهم مارس حکم قانونی ذیلرا درخصوص پرداختن حساب مذکور مجلس بوزیر مالیه اعلام نمود .

«مجلس تصویب می نماید که جناب وزیر مالیه معادل چهار کرور تومان از بانك ملی استقراض نموده آنچه را که دولت از بابت حساب یکساله تاآخر یونت ئیل — (یعنی از سنهٔ ۱۳۲٤ تا سنهٔ ۱۳۲٥) — مقروض است بپردازد بشرط آنکه در تمام مواقع دقت و ملاحظه در مخارج لازمه و قروض مهمهٔ دولتی و

رعایت اهمیت ارباب حقوق را منظور داشته مخارج فوری دولترا با حقوق کسانی که کمال احتیاج را دارند پرداخته آنچه از آن مبلغ باقی میماند بطور عدالت و تساوی مابین سایر ارباب حقوق تقسیم نماید و شرح پرداختن و ترتیب تقسیم مبلغ مذکور را بایستی بمجلس تقدیم نمود»

در بیست و هشتم همین ماه بطهران خبر رسید که در سبزوار جمعیتی از متعصبین یك نفر ارمنی تبعهٔ روسرا بجرم اینکه بازنی مسلمه مراودهٔ نامشروع داشت بقتل رسانیده و آن زن را نیز دستگیر و مقتول ساخته اند و جسد هردو را در حضور عامه سوزانیده اند و این از حوادث بدبختانه ایست که در این موقع باریك اتفاق افتاده است .

تبریز

مستر راتیسلا — خبر داده است که یکنفر از رعایای آلمان را دسته از اکراد در ساوجبلاق بقتل آورده اند .

در اواسط ماه مارس اجزاء پست و گمرك دست از کار کشیده مدتی امور این دو اداره مختل و در حال تعطیل بود .

مستر راتیسلا در ذیل بیان و تفصیل هیجانهای واقعهٔ در ماه فوریه گذشته چنین ذکر می نماید که مجددا باز شدن بازار ها و دکاکین تبریز بواسطهٔ تلگرافی بود که وکلای آذربایجان از طهران بمضمون ذیل مخابره نموده اند .

« حمد می کنیم خدارا و تشکر می نمائیم هوا خواهان وطن خاصه اهالی هوشمند غیور تبریز را که از اقدامات آنان قانونی صادر گشته است که مواد قانون اساسی را ثابت و کامل می سازد »

ولی اهالی در باز کردن دکاکین خود اصرار و عجلهٔ مخصوصی نداشتند ـ لهذا رؤسا بزحمت افتاده ناچار لازم دیدند که مردمرا در باز کردن بازار بنا بر مصلحت فریب دهند باینکه دولت خارجه ضمانت مواعید تازهٔ شاه را خواهند نمود ـــ و در بعضی موارد اسم دولت انگلیس را در این خصوص بدون اینکه فایده و ثمری بخشد ذکر می نمودند ـ باوجود این احوال عاقبت برهمه کس معلوم شد تعهدی که شاه نموده بود که سلطنت مشروطه را بطور کامل برقرار دارد هیچیك از دول ضمانت آنرا نخواهند نمود .

نکتهٔ خیلی حیرت افزا این بود که باوجود جنبش وهیجان عامه بواسطه عدم اعتماد بمواعید شاهانه مع ذلك بایك طریقهٔ قابل تحسینی در تمام شهر تبریز نظم و امنیت برقرار بود

مشهد

اشخاص عمده مشهد اتفاق نمودند که جلو گیری کنند از تعدیات و مظالم آتیهٔ حکمران ـــ و اگر در صدد ایذا و صدمهٔ هریك از اعضا برآیند در آنصورت همگان تحصن اختیار کنند ـ

خلاصه چون بزبان عموم سخن بگوئیم احساسات آزادی در جو هوا منتشر است .

روز بیست و هفتم فوریه ـــ انجمن ایالتی بازحمات بسیار و دشواری بیشمار تشکیل یافت ـ سی و پنجتن از ارکان تبریزی که اکنون در مشهد متوطنند قسم یاد کرده اند که در حصول آزادی سیاسی ایران هر قدر مخارج لازم داشته باشد و هرگونه مخاطرات پیش آید بهیچوجه از بذل جان ومال دریغ ننمایند .

انجمن ایالتی که عاقبت بشورای ولایتی تبدیل یافته است بهیچوجه از ضدیت داخله آزاد نیست ـــ تجار و علمائی که در انجمن سمت عضویت دارند اظهار کراهت و بی میلی از آن انجمن می نمایند .

در روز یازدهم مارس ـ مابین اعضا مجادله ومباحثهٔ مهیجی بمیان آمد ـ علما در سکوت تجار بسیار سعی نمودند ولی تجار ایشانرا مخاطب ساخته گفتند بسی چیزهاست که علما در بارهٔ آنها علم و اطلاعی ندارند ـ یکی از علما باکمال تشدد جواب داد که رؤسای روحانی از سایرین شایسته ترند در پیش بردن هر کاری و نبوده است چیزی که از عهدهٔ اجرای آن بر نیامده باشند ـ بواسطهٔ این مذاکرات جمعی از تجار متغیر شده از اطاق شوری برخاسته بیرون آمدند .

تمام خدمهٔ آستانه باستثنای یك نفر از آنها که عمل تجددرا

در مشهد مروج ومبهج بوده — بشاه نوشتند که مجتهدین وعلما وسادات آستانه که همگی اولاد و نایب امام بزرگوارند مایل نیستند که پیروی مجلس شورای ملی یااطاعت احکام دیگریرا جز اوامر شخص شاه بنمایند وبدین واسطه خود را از هر جهة حاضر خدمات مرجوعهٔ پادشاه نموده هر اقدامی را که او برضد طرفداران مشروطه میل داشته باشد که نموده شود در عهده خواهند گرفت.

گویا مقصود ایشان از فرستادن آن نوشته این بود که چون قصد ورود نکردن حاجی شیخ الرئیس که از سر کرده های تجدد طلبان طهران است بخادم باشی گری آستانه داشتند او را از این خیال منصرف سازند.

از قراری که ماژور سایکس می نویسد روحانیین که بر مردم مشهد فرمانفرمائی دارند باطنا از ارتجاعیون می باشند و تاکنون هر حمایتی که در تاسیس انجمن ایالتی نموده اند محض طرفداری از تجدد و مشروطه خواهی نبوده است بلکه فقط برای این بود که بدین تدبیر جلو گیری نمایند از حرکات عامه که قدرت ممانعت آنرا نداشته و میترسیدند اگر علنا اقدامی کنند عاقبت تسلط و استقلالشان مضمحل شود — این تسلط علمائی در نفوس و قلوب کلیه طبقات ایرانیان که مانع از ترقی آنانست حصن حصینش در مشهد بنا شده است و می توان گفت اینگونه

نفوذ و قوه در طهران وجود ندارد

مرکز و مشرق ایران

اصفهان

روز هفتم مارس مردم برای عزل ظل السلطان بدستور العمل آقا نجفی و آقا نور الله درتلگرافخانهٔ دولتی اجتماع نموده و نیز جمعیت باهیجانی بقنسولگری انگلیس داخل شده محض پیشرفت این مقصود تحصن اختیار کردند — عاقبت در شانزدهم همین ماه ظل السلطان معزول و پس از چند روزی اغتشاش و انقلاب اصفهان فرو نشست — درظرف این مدت عدهٔ متحصنین قنسولخانه تقریباً بسه هزار نفر رسیده بود — از قراریکه * مستر بارنهم می نویسد اشخاصی که مسؤلیت انتظامات را بعهده گرفته اند اول آقا نورالله که مسؤل ملاهها است و پس از او حاجی محمد حسین کازرونی که مبلغ بسیاری از ظل‌سلطان طلب دارد وظاهرا همچو تصور کرده است که اگر حضرت والا حاکم اصفهان نباشد هرآینه بهترین مواقع برای وصول طلب اوانموقع خواهد بود — نویسنده و منشی عمدهٔ حاجی مزبور *ادیب التجار است که از وکلای اصفهان ودر مجلس شورا عضویت دارد در انموقع تمام مخابرات تلگرافیرا از طهران باصفهان او می نمود

* قنسول انگلیس در اصفهان
* ادیب‌التجار پس ازفتح طهراز مجدداً وکیل گردید پس‌از یکسال واندی روزی هنگام ورود باطاق مبعوثان بمرض سکته وفات نمود

یزد

ویس قنسول انکلیس مقیم یزد در هفدهم گذشته راجع بقتل تاجر پارسی موسوم بپرویز شاه جهانیان چنین می نویسد که در سیزدهم همین ماه یك یا دو ساعت از شب گذشته پرویز مزبور رئیس شرکت برادران شاه جهانیان هنگامی که از حجرهٔ تجارت مراجعت بمنزل مینمود بواسطه شخص نامعلومی هدف گلوله شده و روز دیگر وفات یافت .

در نوامبر گذشته اورا تهدید بقتل نموده بودند

پرویز طرف محاسبهٔ دیوانی بامشیرالممالك وزیر مؤیدالدوله حاکم سابق که اکنون فرمانفرمای فارس است بوده وچند روزقبل از آنکه کشته شود درخصوص تصفیهٔ محاسبات بامشیرالممالك نزاع و مشاجره مینماید ـ بعضی مطالب دیگر سبب سوء ظن نسبت بمشیرالممالك گشته و بدین واسطه حدس میزنند که او محرك قاتل بوده و گمان کرده اند شخص جوانی موسوم به فرخ مرتکب قتل پرویز شده ـ ویس قنسول چنین می نگارد که اجزاء حکومت در تحقیق و دستگیری قاتل گمان میکنم باقدامی نپرداخته باشند

سیستان

وضع ریاست محمد رضا خان پسر بزرك حشمة الملك را که بنایب الحکومکی برقرار شده نمی توان گفت صحیح است ـ شخصی از اهل قاین اورا متهم ساخته است باینکه دخترشرا بجبر ازوی

جدا کرده بخانه خود برده ـ ونیز شخص دیگررا به جزئی بهانه و اتهام غیر معقول با کمال بیرحمی در حضور خویش امر به زدن نمود

شیراز

طلاب وتجار وسایر طبقات مردم بعدهٔ پانصد نفر متحد شده انجمنی موسوم بانجمن اسلام منعقد ساخته وقسم یاد کرده‌اند که در حفظ مجلس شوری و اساس مشروطیت از فدا کاری جان دریغ ننمایند

چندی گذشته یکنفر سید از کوچه عبور نموده فریاد می کرد پاینده باد آزادی ـ اتفاقا یکی از شاگردان مدرسهٔ یهودیان از پهلوی او می گذشت سید صدای خود را قطع کرده طفل یهودرا بضرب کارد از پا در آورد

کرمانشاه

مابین اهالی در خصوص انتخابات مناقشه و مجادلهٔ سخت روی داده عاقبت کار بخونریزی مبدل شد ـ حکومت وپارتیهای مختلفه که آتش منازعه‌را مشتعل ساخته بودند میخواستند بقنسولخانه انکلیس ملتجی شوند و قنسول بکلی از مداخله کردن در امور ایشان کناره جسته ایشانرا نپذیرفت .

نمره ـ ٢٤

تلگراف سیر اسپرینگ رایس به سیر ادوارد گری (وصول ٢ مه)

از طهران ۲ مه ۱۹۰۷

امروز امین السلطان به *منشی شرقی اطلاع داده است که رتبهٔ وزارت داخله و رئیس الوزرائی را بشرط آن قبول کرده است که شاه با مجلس موافقت و همراهی نماید

نمره ـ ۲۵

مکتوب سیر اسپرینگ رایس به سیر ادواردگری (وصول ۱۳ مه)

طهران ۲۴ آوریل ۱۹۰۷

خلاصهٔ وقایع یکماههٔ ایران را که در ماه آوریل اتفاق افتاده است لفا باکمال افتخار ارسال میدارم

(امضا) سیسل اسپرینگ رایس

خلاصهٔ وقایع یکماههٔ ایران

شمال ایران

طهران

درماه گذشته سرقت خانها ودزدی مکرر اتفاق میافتاد ـ و بقصد اینکه مردمرا منظما غارت و یغما نمایند انجمنی تشکیل داده و قانون اسلامرا وسیلهٔ پیشرفت مقاصد خود قرار داده بودند ـ مجلس شوری که طرف بی اعتمادی مردم واقع شده

* منشی شرقی نویسنده و مترجمی است در سفارت که السنه شرقی را میداند

بود بوزیر داخله اخطار نمود که اینگونه کارها را جلو گیری نموده و مجامع مضره را بر هم زند ـــ بنا بر این دولت وقترا غنیمت شمرده سعی داشت که تمام انجمنها را برچیند مجلس شوری مقصود دولترا دریافت نموده مجدداً بوزیر داخله اخطار کرد که غرض بر هم زدن تمام انجمنها نبود فقط اجتماعات مضره را باید غدغن نمود ـ عاقبت مجلس مقصود خود را صورت داد ـ اما در خصوص ناامنی طهران که اتصالا رو بازدیاد می نهاد جواب اظهارات مجلسرا در این خصوص دولت چنین داد که چون مدت یك سال است حقوق پلیس پرداخته نشده نمیتوان توقع خدمت از ایشان داشت و باز خواست نمود که چرا بتکالیف خود عمل نکرده اند .

با این وضع اگر مفسدین واشرار گرفتار پلیس شوند مبلغی رشوه باو داده او هم طبعا قبول نموده و ایشان را رها خواهد کرد .

تبریز

بواسطهٔ نزاعی که ما بین طلاب در سیزدهم همین ماه اتفاق افتاد اغتشاشی رخ داده بازارها و دکاکین تا دو روز بسته شد .

ملای بزرك شهر خیلی سعی و کوشش داشت که اسبابی فراهم نماید که ملای مجدد طلب آزادی خواهرا از شهر خارج

نماید — اتفاقا خودش مطرود و تبعید گردید .

هوا خواهان طرفین در کوچه ها با اسلحه ازدحام و سنگر بندی می نمودند ولی از حسن اتفاق حادثه و انقلابی دست نداد .

رشت

در ظرف این ماه انجمن ولایتی گرفتار چندین پارتی مخالف گردید بطوریکه رقابت وضدیت ایشان بایکدیگر سبب اغتشاش و بی نظمی بسیار گشت .

یکی از اعاظم ملاها با بسیاری از اصحاب و مریدان عازم طهران گردید و دستهٔ دیگری از اتباعش شهر را ترک نموده خارج شهر در چادر ها منزل گرفتند ـ اگر چه ظاهرا تا کنون نفاق باقیست ولی چندان شدتی ندارد

اهالی گیلان ابریشم و سایر مال التجاره را مستمسک نموده هیجانی دارند و احتمال می رود بدین مستمسک شورشی بر پا نمایند .

اهالی دهات مایل بدادن اجاره بصاحبان املاك نیستند ـ جمعی از ایشان در مسجد پناهنده شده وغرضشان از این تحصن آن است که آنچه بین ایشان با صاحبان املاك قرار داده شده نپردازند .

چون دوباکو ملاحین خط انزلی و باکو دست از کار

کشیده بودند تامدتی حرکت کشتی بتعویق افتاد و بعدا کشتیهای تجار که عملجاتش روسی و معروف به نیم تنه آبی هستند باران حرکت می دادند بدون اینکه مسافریرا حمل و نقل نمایند عاقبت قایقچیان انزلی نیز محض همراهی با ملاحین باکو تعطیل نمودند

کاشان

اهالی بر ضد طایفه یهود که یکی از آنان تبعه انکلیس است هیجان نمودند وطایفهٔ یهود از خوف پناهنده به تلکرافخانه انکلیس شدند بسفیر انکلیس تلکرافا تظلم کرده از وی درخواست حمایت نمودند لهذا بیان نامهای چند در اینخصوص بدولت فرستاده شد

جنوب ایران

شیراز

تاکنون انجمن ایالتی باروسای حکومت بمخالفت وضدیت رفتار می نماید

در بیست و سیم مارس سالارالسلطان پسر قوام به مستر کراهام * نوشت که زنان تبریز به مردان اینجا مکتوباتی فرستاده و ایشانرا سرزنش و ملامت نموده اند که پس از رسیدن این گونه مکتوبات حسیات اهالی چنان بجوش آمده که از این ببعد بهیچوجه

* قنسول انکلیس در شیراز

نمیتوان از ایشان جلوگیری نمود .

در بیست و چهارم ماه مزبور دستهٔ از مردم شهر بقصد غارت بطرف محلهٔ یهودیان حمله برده و محتمل است که این حادثه بیشتر سبب مهاجرت طایفهٔ یهود از ایران بشود چنانچه در ظرف چند ماه اخیر متجاوز از هفتاد خانوار از آنها ترك شیراز را نموده بطرف بیت المقدس عزیمت کرده اند .

از قراری که خبر رسیده است بعضی سرقتهای جزئی در عرض راه اصفهان و شیراز واقع شده ولی در راه پیاده رو بوشهر نظم و امنیت در کمال خوبی بر قرار و عابرین از شر سارقین ایمن هستند .

بوشهر

حاکم جدید بوشهر بواسطهٔ فشاریکه اجزای گمرك در خصوص تنبیه خوانین بندر ریك و دیلم که گمان کرده اند بطور قاچاق از بنادر آن نقاط مال التجاره داخل می نمایند از شیراز استعداد و قشون طلب کرده است .

چون خوانین از این قضیه آگاهی یافتند بواسطهٔ تلگرافات مبسوطه بحکومت مرکزی طهران درین باب تظلم و شکایت نمودند

انجمن ولایتی آرام است ـ ولی در مدت ماه مارس اوراق که آنرا شب نامه می خوانند بعبارات مهیجه نوشته و بدیوار شهر نصب می نمودند و شبها در نقاط متعددهٔ شهر

می افکندند .

این مسئله حاکم جدید را که بتازهگی ورود نموده بود بسیار مضطرب و پریشان داشت ـ بی گناهی را بجرم اینکه اوراق مذکور را وی توزیع می نماید بحکومت جلب کرده آن بیچاره را بچوب بستند و چندانش زدند که از خود بیخود شد

مغرب ایران

کرمانشاه

قنسول اعلیحضرتی مخالفت اهالی و اغتشاش شهر را که در مارس گذشته ـ وقوع یافته بود چنین شرح می دهد که امور و اوضاع آن ولایت تا چهاردهم مارس — بیست و نهم محرم ۱۳۲۵ ـ بحال اغتشاش و بی نظمی باقی بود .

حکومت چنین اظهار می کرد که از طهران برای تفتیش واصلاح مامور مخصوصی فرستاده خواهد شد ولی سفیر اعلیحضرتی از طهران بمن اطلاع داد که فرستادن مامور مقرون بصحت نیست و بکلی این خبر را تکذیب می نمود .

ولی عقیده طرفین مخالف این بود که اولیای امور در طهران البته خیال خویشرا در خصوص فرستادن مامور بایستی تغییر داده باشند و من نیز بهمین عقیده بودم .

خلاصه چون مردم از انتظار خسته شده و بهتنگ آمده

بودند لهذا در چهاردهم ماه مزبور — (ماه مارس) ـ عموم کسبه و کار گران شهر حتی حمالها بتلگرافخانه رفته تحصن اختیار نمودند — و در بام خانهائیکه در میدانیست که اداره تلگرافخانه در آنجا واقع است و همچنین در بامهای عمارتی که جنب میدان مرکزیست چادرها برپا نموده منزل گرفتند طرفداران اعیان و کهنه پرستان در خانهٔ یکی از ملاها اجماع کرده آنجارا مامن خویش قرار دادند.

روز هفدهم مارس ـ از طهران حکم رسید که دونفر از اعضای عمدهٔ هوا خواهان اعیانرا که باعث اغتشاش شده‌اند گرفتار و از شهر تبعید نمایند یااینکه آنان را تحت الحفظ بطهران روانه سازند — چون این خبر گوشزد دو شخص مزبور شد ودانستند باایشان چگونه سلوک خواهد شد مخفی گشتند. . . ـ

روز هیجدهم مارس یکی از هوا خواهان ملت بعزم میدان از منزل خویش بیرون آمد و ناچار بود که از جنب خانهٔ که محل اجماع اعیان بود عبور نماید چون بدان حوالی رسید باسنگ بطرف او حمله برده تعاقبش نمودند مشار الیه از خوف رو بفرار نهاده گریخت پس از طی این عقبه وارد میدان شده و فریاد بر آورد که میخواستند مرا بکشند !! کسانیکه در میدان متوقف بودند از گفتار این شخص بی اختیار گردیده اجماعاً چوب و چماق بدست گرفته بطرف خانهٔ ملا هجوم آور شدند و در آنجا

بگلوله و شلیک تفنگ دچار گردیدند ـ طرفداران اعیان گمان کردند که غرض آن جمعیت از این هجوم وحمله نزاع باایشانست و بحتمل در صدد آن باشند که دو شخص مخفی شده درخانه ملارا بیابند ـ در تمام آنروز شلیک تفنگ مداومت داشت ولی تیرها بکلی خطا می رفت زیرا فقط یک مرد هدف گلوله گردید و یک پسر کوچکی نیز بواسطه خطا رفتن تیر بقتل رسید و از قراری که می گفتند دو نفر دیگر نیز بواسطهٔ زخمی که بر داشته بودند و علاج ناپذیر بود وفات یافتند

سلطان آباد

موافق خبری که بسفیر اعلیحضرتی داده شد اغتشاش سلطان آباد را ملای بزرگ آن شهر سبب بود که بحیل ودسایس آتش فتنه و فساد را اندک اندک مشتعل ساخت ـ شاه و مجلس هر قدر سعی کردند که ملای فتنه انگیز را از آن محل خارجش نمایند اثری نبخشید — کسبه محض نظلم نامدنی دکاکین خودرا بدته دست از کسب و کار خویش کشیدند.

مردمرا عقیده اینست که اگر آن ظالم را نتوانند بمحکمهٔ عدالت حاضر نموده احقاق حق مظلومین بشود البته فتنه و فساد بیشتر و مهمتر از این خواهد گردید.

عموم مردم از ملای مزبور متنفر و مخوفند.

بیست و پنجم آوریل ۱۹۰۷ مطابق ۱۳۲۵ هجری

نمره ـ ۲۶

خلاصهٔ مکتوب سیراسپر ینك رایس به سیر ادوارد کری
(وصول دهم ژوان)

از قلهك ۲۳ ماه می ۱۹۰۷

باکمال افتخار شرح وقایع و اتفاقاتیکه در ماه گذشته در این مملکت روی داده و مستر چرچیل ثبت کرده است معروض می دارم .

تاکنون نتوانسته اند وسایلی برای پیشرفت امور دولت بچنك آورند مجلس از اطراف گرفتار حمله واقع شده است — درباریان تماماً مخالفت می نمایند و مردم شهر بواسطهٔ اینکه نان مانند سابق بمحالات گرانی باقیست رضایت ندارند از طرف دیگر ضعف مجلس بواسطه مناقشه مابین دو نفر از رؤسای آن که عاقبت منجر باستعفا دادن هردو گردید مکشوف و باب همه گونه فواید برای دشمنانش مفتوح شد ـ مهمتر مسئلهٔ که در اینوقت دست آویز گردید متمم قانون اساسی بود که تمام رعایای ایرانرا بدون رعایت مذهب در حکم قانون متساوی الحقوق ضمانت می کرد ـ ملاها دراینخصوص تعرض نمودند واز سه نفر مجتهد بزرك فقط آقا سید محمد حامی و خواهان آن بود ولی دیگران که بجمع کثیری از طلاب تکیه داشتند مدعی شده اظهار نموده اند که در مملکت اسلامی باید قوانین اسلامرا مجری و معمول داشت خلاصه

طبقه روحانیین بدو فرقه تقسیم شد ـ عده بسیاری از طلاب به ریاست آقا سید محمد و آقا سید جمال الدین واعظ مردمرا آگاه و متذکر می ساختند باینکه آزادی و مساوات از قوانین اسلام است و هر که جز این بگوید بمملکت خیانت نموده و مسلمان نیست — نمایندهٔ پاوسیان در نزد من خیلی اظهار امید واری می کرد که در خصوص تساوی حقوق اقدامات قطعی خواهد شد ولی اینمطلب هنوز دربوته اجمال باقیست وتامدتی مابین عوام‌الناس وروحانیون که طرفدار عامه می باشند زحمت فراهم خواهد آورد و گمان می رود ملاها ملتفت ضعف خویش شده درك نموده اند که عنقریب اقتدار و نفوذ ایشان زوال خواهد یافت ـ اما شاه موقع را مغتنم دانسته از امضای متمم قانون اساسی امتناع داود و مدعی است که مواد آن بایستی ازنظر مجتهدین کربلا بگذرد ـ ازفرستادن آن بنزد علمای کربلا چه نتیجه حاصل خواهد شد معلوم نیست ؟ در اینروزها از طرف مجتهدین کربلا رسماً بسید جمال‌الدین پیغام فرستاده شده و فوراً طبع و بهمه جا توزیع گردید ـ مفاد آن امر به مردم بود که بتوسط مجلس از شاه مطالبهٔ تجدد نمایند .

اوضاع ایالاترا می توان نتیجهٔ اختلال امور حکومت مرکزی دانست ـ درهر شهری یك مجلس مستقلی منعقد است که بدون مشورت باحاکم یا مجلس مرکزی طهران متصدی امورات می شوند — حکامی که طرف نفرت مردم واقع بودند پی در پی

بیرون شده اند ـ حکومت مرکزی و مجلس طهران فهمیده اند که قوهٔ ممانعت و جلو گیریرا نداوند لهذا خطر یك بی نظمی عمومی بنظر حتمی‌الوقوع میاید ـ آثار هیجان در دفع ظلم و مقابل بااولیای امور در تمام ولایات مشهود است ولی محرکین غیر معلومند و آنچه بنظر میاید از طرف شمال و شاید از قفقاز تحریك می شود ـ اما قطعهٔ جنوب بالنسبه ساکت و اهالی آن از هر حیث مطیع میباشند برعکس قطعه شمالی که اگر بدانجانب مسافرت نمایند چون بهر نقطه از آن وارد شوند خواهند دید که زبان مردم آنجا آزاد تر و سلوك ایشان نسبت بپادشاه و حاکم آن محل مخالفتر میباشد ملاطفت بااتباع خارجه و یا تنفر از آنها مربوط بعدم مراوده و یا آمدو شد ایشانست باحکومت حاضره

حس استقلال و حفظ ملیت نمودن و ممانعت از ظلم و ذیحق بودن در اداره کردن امور خویش همه روزه مابین مردم بطور سرعت تولید می شود ـ قوت این احساسات در آذربایجان و همچنین در پایتخت بیشتر است و اگر مخالفین هرگونه عوایق و اشکالاتی برای مجلس فراهم آورند که قوه و نفوذ حالیه آنرا مضمحل نمایند حس آزادی و عقیدهٔ وطن پرستی را که مردم به تازگی دریافت کرده‌اند زایل نتوانند ساخت .

مجامع سری و متعدد شدن آنها سبب توحش دولتیان گردیده و گروه فدائیان باکو و شمال ایران قسم یاد کرده‌اند

که جان خود را فدای سعادت مملکت خویش نموده دشمنان وطنرا معدوم سازند ـ در طهران نیز انجمنهای بسیار تاسیس یافته که جلسات بعضی از آنها آشکار و عمومی است و برخی دیگر باآنکه اعضای آنها معروف یکدیگر نیستند مقید بیك نظامنامهٔ عمومی میباشند ـــ در افواه است که اگر حادثه اتفاق افتد تمام آنها متفقاً بدستور کمیته های کوچك مرکزی در دفع آن باکمال ثبات قدم بیك روش خواهند کوشید ـ هرچند اینمطلب را جداً دعوی میکنند لیکن ظن غالب اینست که فقط حرف باشد

ضمیمه نمرهٔ (۲۶)

خلاصهٔ وقایع یکماههٔ

شمال ایران

طهران

روز ۲۶ آپریل اتابك اعظم بطهران وارد ودر دوم ماه مه ـ رسماً ریاست وزرا ورتبه وزارت داخله برقرار گردید ـ پس از دو روز دیگر باهیئت وزرا برای معرفی بمجلس شوری حاضر شد و دستور اقدامات خود را بیان نمود

سبك جراید محلی بطرفداری حکومت ملی (دموکراتیك) بیشتر متمایل می شود و اتصالا روز نامهای جدید طبع و بر عدهٔ جراید افزوده میگردد ـ حالیه در طهران قریب بسی روز نامه

دایر میباشد که از آنجمله عدهٔ یومیه است و همچنین در تمام ولایات بطبع روزنامجات اقدام نموده اند بعلاوه درباکو یك جریدهٔ بزبان فارسی که مسلکش برضد سلطنت و خانواده است نوشته شده و در تمام نقاط ایران رواج دارد — اوراق بدون امضا مانند سابق در طهران پراکنده میشود که بسیاری از آنها را از باکو ارسال می دارند وبواسطه عبارات مهیجه مخصوصاً ضدیت بااتابك و دولت خیلی قابل ملاحظه واقع گردیده است

مسیو نوز

چون مردم شنیدند که مسیو نوز از ایران خواهد رفت چهل نفر از آنان که قبوض و بروات دولتی را باامضای وی در دست داشتند برعلیه او قیام کردند — در مجلس ملی مذاکره از رفتن او بمیان آمد و عاقبت رای دادند که از ایران خارج شود و تا مدت یکسال اجازهٔ مرخصی یافته قرار شد مواجب این یك ساله را تماماً عاید دارد — از قراریکه خود مسیونوز میگوید روز ۲۵ همین ماه از طهران حرکت خواهد نمود و بمسیو پریم وکالت داده است که حاضر شده در خصوص سؤالاتی که خواهد شد جواب بدهد — صورت وکالت نامهٔ را که امضا نموده بود بنظر سفیر اعلیحضرتی رسانید و متعهد شده است که حساب ادارهٔ خود را بپردازد

طایفهٔ پارسیان

طایفهٔ پارسیان در خصوص تعرضات مجتهدین راجع به متمم قانون اساسی بیاناتی شدید اظهار نمودند و اصرار داشتند که تمام مردم بدون ملاحظه مذهب بایستی در پیشگاه قانون مساوی باشند — ولی ارامنه و یهود را در این موضوع باخویشتن شرکتی ندادند — رؤسای عمده و آقا سید محمد مجتهد ایشانرا از این جهة آسوده خاطر و مطمئن نمودند لیکن طلاب و آخوندها بهیجان آمده اینمسئله را انکار داشتند و شاه مطلبرا رجوع بعلمای کربلا نمود بامید اینکه وسیلهٔ برچیدن مجلس شود

هنوز اتابك اعظم طرف میل مجلس واقع است ولی او خود اظهار خستگی و کفتکوی مراجعت از ایرانرا مینماید

وصول و ایصال مالیات در نهایت سستی است

تبریز

اوضاع تبریز در تمام مدت این یکماه پی در پی مورد تنقید واقع گردید . حاکم این ولایت ملقب بنظام الملك که سابقاً وزیر عدلیه طهران بود چون دید مقام خود را نمیتواند حفظ نماید لهذا روز ششم ماه مه از شهر خارج شد و در دوازدهم اورا بشهر معاودت دادند — پس از مراجعت حکم کرد یکی از مجتهدین بزرگرا نفی بلد نمودند اهالی از این حرکت بخشم آمده روز ۱۳ ماه مه بازار و دکاکین را بستند — وکلای انجمن ایالتی

در تلگرافخانه رفته به مجلس شورای طهران اطلاع دادند که اهالی از انتظار حاکم مشروطه خواه قانونی خسته شده اند و تا قانون اساسی طبع و توزیع نشود دکاکین را باز نخواهند نمود — چون از طهران جواب مساعدی داده نشد تهدید کردند که اگر تا ده روز دیگر قانون اساسی انتشار نیابد ناچار خود آنان قانون مخصوصی برای مملکت آذربایجان وضع خواهند کرد —— روز یازدهم مستر راتیسلا تلگراف نمود که بروز احساسات در مردم استمرار داود و ترس آنست که هیجان و خشم اهالی شدت بیابد وآن وقت متوسل به بعضی اقدامات شوند که آذربایجان را قطعهٔ جدا گانهٔ مستقلی سازند

گمان می رود آنچه تلگراف از طرف اهالی بمجلس طهران مخابره شده است شاه مانع از ایصال آنها گردیده و او خود جواب آنهارا داده باشد

روز دیگر اوضاع بیشتر انظار را بطرف خود معطوف داشت و مورد تشدید اتفاق افتاد —— احرار اسلحه بر داشتند و در کوچه ها نمایش داده فریاد می کردند که عازم طهران خواهند شد —— انجمن ایالتی که احوالرا بدین منوال دید از مستر راتیسلا خواهش نمود که در اصلاح این اوضاع همراهی نماید و سفیر اعلیحضرتی باطلاع سفارت روس بعضی اقدامات غیر رسمی بعمل آورد و تا روز ۲۲ این ماه سکوت موقتی دست

داد —— در این وقت انجمن ایالتی خبر یافت که قشون کثیری مرکب از چریك بطرف شهر گسیل داشته اند و تقریباً تا هشت فرسخی رسیده است انجمن لازم دانست که ابتدا معلوم نماید آیا این قشون بحکم شاه روانه شده است پس از آن بدفع آنجماعت بهر نحو که مقتضی باشد بکوشند — سفیر اعلیحضرتی درانخصوص از صدر اعظم استعلام نمود ولی صدر اعظم بکلی تکذیب کرد و نیز سفیر بی اصلی این خبر را فوراً بمستر راتیسلا اطلاع داد

رشت

در اواخر ماه آوریل والی گیلان همراه اتابك اعظم وارد طهران گردید و روزیکه وارد شد پدرش ساعد الدوله که مردی کهن سال بود زندگانی را بدرود گفت — در ظرف مختصر زمانی که حکومت آن ولایترا داشت بقدری بر وی ناگوار گذشت که اکنون مایل نیست مراجعت کند زیرا در ایام سابق که حکومت گیلان با او بود بیشتر ثروت خود را از آنجا فراهم آورد ولی این دفعه انجمن ولایتی و سایر انجمنهای محلی دستشرا از تعدی و تصرف در اموال مردم کوتاه کرده بودند — تقریبا تامدت یك ماه اینولایت حاکم نداشت و با این حال در نهایت انتظام کارها از پیش برده می شد

روز چهارم ماه مه مهاجمین تلگرافخانهٔ رشترا بستند و تاچندی قونسول روس و انگلیس نتوانستند باسفارتخانهای خویش

مخابره نمایند – روز دیگر قونسول روس مقیم رشت برای اشخاصی که بواسطهٔ بسته شدن بازار از شغل وکار باز مانده بودند بجمع آوری اعانه پرداخته وخود او ازمالیهٔ دولت متبوعهٔ خویش بیست لیره (تقریبا صد تومان) امضا نمود که داده شود – چون طلاب از اعانه جمع کردن قنسول روس اطلاع یافتند بر خلاف این اقدام قنسولگری نطقها نمودند و مردمرا موعظه کرده می گفتند ایرانیان هیچگاه نبایستی از روسها قبول صدقه و اعانه نمایند .

از تبریز تلگرافات تشجیع آمیز باهالی رشت مخابره شدو بسیاری از مردم داو طلبانه برای مجاهدت حاضر گردیده و در کوچه ها بگردش در آمدند

هفتم ماه مه به شهبندو انگلیس خبر دادند که عدهٔ از مردم در خیال وارد شدن به شهبندوی میباشند که هم آنجا را غارت کنند و هم سکنهٔ آنرا بقتل برسانند بتدبیر اینکه دولت انگلیس را مجبور بمداخله نموده از حامیان مشروطه حمایت نماید

چون قنسلهای انگلیس و فرانسه و روس بواسطه تعطیل شدن تلگرافخانه از مخابره باسفارتخانهای خویش باز مانده بودند بکار گذاران ولایتی پرتست کردند وبدین واسطه تلگرافخانه مفتوح و مجددا دایر گردید

اسلحه و قور خانهٔ که برای دولت در انزلی وارد کرده

بودند بحکم انجمن ولایتی ضبط و توقیف شد

اوضاع شهر روز سیزدهم ماه

دوباره در تحت نظم و ترتیب در آمد و دیگر گمان اغتشاش وهرج ومرج نمی رود

اکنون حکومت رشت باوزیر اکرمست

کرمان

انجمن ایالتی در اوقات مقرره انعقاد می یابد ولی همین که بی نظم می شود نمیداند چه باید کرد و بنا براین کاری از آن ساخته نیست

اهالی نه توجهی بانجمن دارند و نه تاکنون فهمیده اند که مقصود از تاسیس آن چیست

جنوب ایران

شیراز

اهالی شیراز بواسطهٔ عدم رضایت ازقوامالملك که اورا حامی حکومت اشرافی و مجری قواعد استبداد می دیدند مدتها مترصد یك هیجانی بودند تا عاقبت روز چهارم ماه جاری بلوا نموده بازار و دکاکین را بستند و در طهران نیز مردم حسیات خود را در همراهی باآنان اظهار داشتند

از طرف هوا خواهان قوامالملك متوسل ببعضی اقدامات

شدند تاشاید بدان واسطه تمام ایالت فارس را مغشوش و گرفتار هرج و مرج نمایند

از اعمال ایشان نتیجه چنین بخشید که بزودی طرق و شوارع نا امن گردیده اموال چندین کاروان را قطاع الطریق دزدیدند از آن جمله مال التجارهٔ انگلیس بود که معادل هشتصد لیره ارزش داشت و همچنین مابین بوشهر و شیراز دزدها از حامل پست انگلیس خود چنتهای پستی را بسرقت بردند

قوام الملك بتدبیر اینکه خودرا از ملامت وتعرض محفوظ داشته باشد تلگراف به مجلس طهران وبشاه نموده همهٔ آن بی نظمی و اغتشاشرا بانگلیسها نسبت داد

در خصوص پست و مال التجارهٔ مسروقهٔ انگلیس که از طرف سفارت بوزارت امور خارجهٔ ایران اظهارات مؤکد گردیده بود جواب رسید که در آن باب احکام لازمه بکار گذاران و مأمورین مخصوصه فرستاده شد هم در این اوقات شهرت یافت که نظام السلطنه بحکومت شیراز مقرر و از اصفهان عازم آنجا خواهد گردید

بندر عباس

اوایل ماه مه تقریباً دویست نفر از اهالی بقونسولخانهٔ اعلیحضرتی پناهنده شدند — مقصود شان از این تحصن تظلم از حاکم آن محل و نجات از تعدیات او بود – بقونسول اعلیحضرتی

سفارش شد که در امور ایشان مداخله نماید و متحصنین پس از سه یا چهار روز اقامت از قونسولخانه خارج گردیدند

نمره – ۲۷

مکتوب سرا سپرینك رایس بسر ادوارد گری (وصول هشتم ژوپه)

از قلهك ۱۸ ژوان ۱۹۰۷

باکمال افتخار آنجنابرا ازحادثهٔ که وقوع آن سبب نگارش مراسله مفصلی به دولت ایران گردید مستحضر می دارد

تاچندی قبل درکرمانشاه بواسطهٔ منازعهٔ مابین طرفداران عامه و حامیان حکومت اشرافی هرج و مرج و بی نظمی باقی بود این دو حزب از زمان تاسیس مشروطیت ایران همواره کوشش می نمودند که هر یك دیگریرا مغلوب خود ساخته استیلا حاصل نماید – حاکم آن ولایت برادر عین‌الدوله صدر اعظم سابق ارتجاع طلب باطرفداران اشراف که تا این اواخر غلبه و زبر دستی داشتند همراهی دارد و هیچ جای تردید نیست که درباریان نیز آن جماعترا تقویت می نمایند — رؤسای این طایفه را که دولت باکمال بی میلی فقط محض اسکات مردم تبعید کرده بود تازه کی اجازهٔ مراجعت داده است و از اینجهة اغتشاش بقدری زیاد شد که عاقبت منجر بنزاع عمومی گردیده مختصر تلفات جانی روی‌داد ولی طرفین مواظبت می نمودند که در وقت شلیك بیکدیگر گلوله

تفنك بسوی عمارات بانك شاهنشاهی منحرف نشود باینکه عمارات مزبور جنب خانهٔ یکی از رؤسای عامیون که آنجارا سنکرکاه قرار داده بودند واقع کردیده بود

کویا رؤسای عامیون باسالارالدوله که بواسطه مخالفت با دولت طرف میل ایشان واقع شده است مراوده داشته باشند — بهرحال همینکه قشون دولت که بیشتر آن از طوایف چادر نشین همان حوالی بود بشهر وارد کردید اجماعی از مردم بطرف خانه یکی از رؤسای ارتجاعیون هجوم آوردند — این حرکت مستمسك مناسبی بدست داد — قشون دولتی بامر سرکردهٔ خود یااجازهٔ حاکم ببازار حمله برده آنچه بود غارت کردند — چون طرفداران عامه حاکمرا محرك غارت و خود را در مقابل او عاجز یافتند لهذا بقصد تحصن متوجه قونسولخانه انکلیس شدند — در این هنکام شخص حاکم پنهان کردید — طبیب قونسولخانه متظلمین را از ورود بقونسولخانه جداً مانع بود ولی بدون اینکه اعتنائی به سخنان او نمایند دو هزار نفر از باغستانی که دیوار نداشت داخل کردیده و در آنجا اقامت نمودند — حزب مخالف هم تلکرافی کرده که تمام مبنی بود بر تهمت و تهدید متحصنین — و همچنین بد کوئی از رئیس آنها موسوم بملا مهدی که طرف اعتماد و وثوق عامه است — اما متحصنین باصرار تمام شکایت داشتند که چون تلکرافخانه درتصرف دشمنان آنهاست نمیتوانند بطهران

مخابره نموده شرح حال و تظلمات خود را بدولت و مجلس معروض دارند

مکتوبی بدولت ایران نوشته و در آن تصریح کردم که چکونه قونسولخانه بواسطه دخول اجباری یك فرقه که مقاصد سیاسی در نظر دارد کرفتار اوضاع تحمل ناپذیر شده است بعلاوه اطلاع دادم که دولت متبوعهٔ خود را بایستی از تمام این وقایع مستحضر ساخته ونیز درخصوص تحصن که اکنون ایرانیان بدان عقیده دارند و در قانون بین الملل هیچ حکمی در آن باب نکردیده کسب تکالیف و در خواست دستور العمل نمایم — در جواب این اظهارات یکی از اجزای وزارت خارجه که مدیر کارهای سفارت انکلیس است بر حسب حکم شاه نزد من آمده خواهش نمود که رؤسای حزب عامیون بخصوص آقا محمد مهدیرا قونسولخانه تسلیم دولت نماید باو کفتم من بیش از شما مایلم به اخراج متحصنین از قونسولخانه ولی باید دانسته باشید که اخلاق ایرانیها اجازه نمی دهد تسلیم نمودن اشخاصیرا که پناهنده بجائی شده باشند و حتی اکر قونسولرا امر بتسلیم نمودن رؤسا نمایم یقینا دو هزار نفر جمیترا نمیتواند راضی نماید که مجبورا از قونسولخانه خارج شوند — اکر دولت ایران بتواند آنها را بترك قونسولخانه ترغیب نماید من آنچه در تسهیل ترتیبات آن بتوانم فراهم آورم البته دریغ نخواهم داشت و شخص مامور

خارجه بخوبی میدانست که جز این ترتیب هیچ کاری از قوهٔ من بفعل نخواهد آمد

روز دیگر مدیر مذکور مجددا مرا ملاقات کرده و در خواهشهای روز قبل بیشتر اصرار داشت ـ در حضور مشار اليه یادداشتی بوزیر امور خارجه نوشتم و چنانچه توانستم با زبانی ساده و سخت حقیقت اوضاع را تصریح و تاکید نمودم که دولت مسؤل امنیت منازل قونسولهای مقیم این مملکت است و باید آنگونه اقداماتی را در خارج شدن مردم از قونسولخانه اختیار نماید که اطمینان فوری حاصل آید

در این موقع اگر خواهش شاه پذیرفته میشد هر آینه در قونسولخانه کشتار و خونریزی واقع می گردید و در آن صورت شرافت و نیکنامی سفارتخانه لکه دار و ننگین می شد و میتوان تصدیق نمود که اعلیحضرت شاه از چگونگی اوضاع اطلاع نداشته است

در همین اوقات مکتوبی بعنوان منشی قونسول خانه رسید و کاپیتن هاورس آنرا باز نموده معلوم شد سالارالدوله باسم منشی مزبور برای ملا مهدی نوشته او را بکمک خویش طلبیده است تابدستیاری یکدیگر مردمرا از چنگال ستمکاران رهائی دهند و تهدیدش کرده بود که اگر امتناع بورزد خائن و بیدین خواهد بود ـــ کاپیتن هاورس آن مکتوبرا بدون تامل نزد حاکم فرستاد

و البته هیچ تقصیری بر ملا مهدی وارد نمی آمد چه از اینگونه مکتوبات بهمه جا ارسال شده بود ـــ در این وقت مجلس قدم بمداخله نهاد و از مذاکرات مخفیانه رئیس مجلس با اتابك نتیجه چنین حاصل گردید که بمتحصنین تلگراف نموده ایشانرا اطمینان خاطر بدهند باینکه در همدان کمیسونی منعقد بشود تا در این قضیه بدون طرفداری از احدی تحقیقات بعمل آورده رفتار رؤسای طرفین را رسیدگی نماید ـ ضمناً حاکم رفتار خودرا باطرفداران عامه بملاطفت و خوش سلوکی مبدل داشت

سواد تلگرافاتی که بحاکم مخابره شده بود بامضای رئیس مجلس و اتابك نزد من فرستادند که به متحصنین مخابره نمایم ـــ چون عمل تحقیقرا نیکو ترتیبی دیدم لهذا بکاپیتن هاورس توصیه کردم که متحصنین را باین قرار داد راضی نماید و او نیز گمان می کرد که مقبول خواهد افتاد ـ ولی چندی نگذشت که جمعی از مردم بطرف پناهندگان قونسول خانه از خارج شلیك تفنك نمودند در این خصوص حکومت نه ترضیه خواست و نه توضیح می داد من هم بدون تامل پیغامات شفاهی سخت بوزیر امور خارجه داده و از مستر چرچیل تمنا کردم که نزد آن جناب و اتابك رفته ایشانرا از اهمیت این واقعه آگاه سازد .

مستر چرچیل آن دو وزیر را ملاقات کرد و ابتدا وزیر امور خارجه سعی می نمود که تقصیر را بر سفارت خانه وارد

آورد چونکه از تسلیم رؤسای متحصنین امتناع شده بود — ولی فوراً متقاعد شدند که اقدام باین کار غیر ممکن بود پس از آنکه اتابك تحقیق کرد و دانست صدمه وارد آمده است آن وقت تلگراف باشددی بحاکم نموده دراین موضوع ازوی توضیح خواست و شخص او را مسؤل امنیت قونسول خانه قرار داد — در همان روز وزیر امور خارجه پیغام تلگرافی بمن فرستاد که رضایت خاطر و امید واری بخشید سواد آنرا لفاً ارسال می دارم

مخالفین طرفداران ملت تلگرافاتی چند بطهران مخابره کردند از آن جمله یکی بعنوان سفارت روس بود که مسیو دوهارتویك دوستانه بمن ارائه داد مبنی بر اینکه ملا مهدی و همراهانش قونسول خانه را مقام و تکیه گاه خود قرار داده همه قسم مخالفت و شرارت می نمایند و توقف او در آنجا البته سبب مخاطرات و باعث انقلاب شهر خواهد بود و باید سفارت انگلیسرا ملزم نمود که ورا تسلیم نماید — از طرف دیگر متحصنین اظهار میداشتند که اموال ایشانرا بامر حاکم غارت کرده‌اند وحالیه نیز جانشان در معرض خطر است و ازقنسولخانه خارج نخواهند شد مگر اینکه امنیت جانی و مالی به ایشان داده شود .

من نمی توانم بگویم که گناه و تقصیر مخصوصاً با کدام یك از این دو فرقه بوده زیرا هر دو طرف آنچه در قوه داشتند

در تعدی و ایذاء بیکدیگر فرو گذار نکردند معهذا از واضحات است که مارا حق و انصاف نیست متحصنینرا بدون ثبوت تقصیر تسلیم داریم و بفرض آنکه حق داشته باشیم قوهٔ نداریم که بدان واسطه ایشانرا مجبور بخارج شدن نمائیم بنا براین کاپیتن‌هاورسرا توصیه کردم که خودرا دچار مخاطره نماید و در موقعیکه تغییر محل لازم شود اگر مقتضی بداند در بانك شاهنشاهی منزل اختیار کند واز بی طرفی خود حاکمرا جداً مستحضر داشته بوی بگوید که منتها میل او استخلاص از دست متحصنین است ولی تاتقصیرشان بثبوت نرسد تسلیم ایشان امکان ناپذیر است وتاتواند در تسهیل اصلاح خواهد کوشید

دولت ایران من غیر رسم اطلاع داد که حاکم همدان حکم شد بطرف کرمانشاه رهسپار گردد — این شخص دارای صفات عالیه و در آن نواحی بسی محترم و طرف توجه است — اعتماد دارم که چون بدانجا وارد شود غائله بزودی مرتفع گردد — پناهندگان قونسول خانه از عزیمت او بسیار خوشنود و امیدوار گردیدند .

در خصوص حرکت حاکم کرمانشاه احتمالی که می توان داد اینست که بااین اوضاع حاضره ممکن است فقط بی نظمی افزوده شود ولی کاپیتن هاورس اظهار میدارد که حاکم تاکنون در ازای حملهٔ بقونسول خانه بهیجوجه معذرت نخواسته و در این

صورت عزل او را باید خواستار گردید ــ دولت ایران همان جوابهای با طفره همیشگی را می دهد و وزیر مختار روس بمن اطلاع داده که سفارت قبل از رفتن مشار الیه بدولت فشار خواهد آورد تا مطالب معوقه ایشان انجام یابد لیکن من منتظر دستورات آتیه هستم که از آن ببعد باقدامات قطعی بردازم ــ شاید اتابک که دشمن حاکم وخانواده اواست اهتمام کلی در عزل وی بنماید ــ بهر حال ظهیرالدوله حاکم همدان که ورودشرا بکرمانشاه تا ۲۱ همین ماه انتظار دارند چون وارد شود عملا حاکم معزول خواهد بود .

(امضا) سسیل اسپرینك رایس

در تلو نمره (۲۷)

تلگراف وزیر امور خارجه ایران به سر اسپرینك رایس

مورخه ۱۶ ژوان ۱۹۰۷

تلگراف شما که حاکی از سلوك غیر مترقبه برخی ازاراذل کرمانشاه بود الساعه واصل گردید ــ حضرت اشرف اتابك اعظم را از وقوع این حادثه مطلع ساخته من و جناب ایشان از طرف دولت شاهنشاهی متفقاً ازاین سوء اتفاق اظهار افسوس می نمائیم ــ و جنابعالی را باکمال عجله اطلاع میدهم که احکام تلگرافی در نهایت تاکید بحاکم کرمانشاه فرستاده خواهد شد تا اشخاصیکه جسارت ورزیده بطرف قونسول خانه انگلیس تیر

افکنده اند دستگیر و تنبیه نماید

نمره ــ ۲۸

مکتوب سر اسپرینك رایس به سر ادوارد گری (وصول ۸ ژوییه)

از قلهك ۱۸ ژوان ۱۹۰۷

باکمال افتخار خلاصه اخبار یکماهه طهران وسایر حوادث ولایات ایران را که بتوسط مستر چرچیل اکتساب شده ارسال آن جناب می دارم .

عمل نفاق و فساد تقریباً بیك طرز غیر قابل صلحی کنون مستمر و جاری است ــ در سمت مغرب بنای سرکشی و شورشرا نهادند ـــ طوایف چادر نشین مشغول تاخت و تاز و غارت شدند ــ اهالی آذربایجان همینکه تدابیر فاسدهٔ سلطنترا درباره اعضای انجمن کشف کردند بهیجان شدید درآمده تحریکی سخت یافتند ــ در کرمانشاه مابین طرفداران ملت و هوا خواهان حکومت اشرافی نزاع در پیوست و چون قشون سلطنتی بدانشهر وارد شد حامیان اشراف برحزب عامیون فایق آمدند .

اوضاع و ترتیب مالیهٔ مملکت از همه وقت بدتر است ــ درپایتخت بلیسها بواسطه دریافت نداشتن مواجب به تکالیف مرجوعه خود عمل ننموده همگی در خیال ترك خدمت و شروع بافساد می باشند ــ هر قدر باکمال زحمت سعی می نمودند که یك مبلغ پولی

فراهم آورده بقشون طهران بپردازند تاشاید بدان واسطه ترغیب یافته بنقاطیکه شورش روی داده عازم ماموریت شوند معلوم شد غیر ممکن الحصول است .

مجلس شورای طهران نفوذی در ولایات نداورد —— در ظرف چندین هفته بیهوده به تهدید و تخویف قوام‌الملك شیرازی و ملای دزد غارتگر سلطان آبادی پرداخت و هیچ اثری نبخشید ـ حمایت مخفیانهٔ دولت از دو شخص مذکور بکلی اقدامات و مساعی مجلسرا لغو و بی نتیجه گردانید معهذا شاه و هیئت دولت در چندین مواقع بواسطه فشار مجبور به تسلیم شده ناچار احترام مجلسرا رعایت داشتند .

قانونی برای مالیه وضع واز مجلس گذرانیده شد وازاینرو امید است که رفته رفته اصلاح مالیات ولایات بشود ـ این قانون اهم از اینکه خاطر عموم مردمرا مشعوف یامکدر سازد ناگزیر بایستی وضع شود و در آشکار نه شاه جرئت مخالفترا دارد و نه دولت می تواند مانع از اجرای آن گردد .

متمم قانون اساسی که بدون رعایت مذهب تمام اهالی ایران تساوی حقوق بخشیده دست آویز و مستمسك خوبی برای حمله آوردن بمجلس گردید ـ ملاها بنام قانون شرع بنای تعرض و مداخله را نهادند ـ نتیجه این ضدیت فراهم آمدن نفاق بود مابین رؤسای طرفداران ملت و معاریف ملاها .

دولت مایل بود که استقراضی از خارجه نموده قروض امسالهٔ خود را بارباب حقوق ادا نماید ولی نظر بافکار عموم می ترسید باین کار اقدام کند لابد رجوع بمجلس شورا و از آن استمداد نمود که از طریق اعانه خواستن برای بانك ملی قرضهٔ ادا نماید —— مجلس جواب داد که مردم در دادن اعانه آماده و حاضرند در صورتیکه اعیان و اشراف متمول که بداشتن پولهای گزاف معروف می باشند ابتدا نموده راهرا نمایش دهند ولی افسوس که صاحبان ثروت از اقدام به این کار امتناع میورزند

ظاهراً بر مجلس حتم و محقق شده است که اگر بواسطه وضع مالیاتهای جدید پولی فراهم آمده و بچنگ دولت در آید تماماً بمصرف خرابی مجلس خواهد رسانید بس لازم دانستند که در مخارج دولت نیز بدقت تفتیش شود .

کینه ورزی باشاه و خشم بر او همه روزه ازدیاد می یابد چه عموم را عقیده آنست که مصمم شده همینکه توانائی حاصل کند بلادرنك مشروطه را از ایران بر اندازد هر چند باضمحلال و محو استقلال مملکت باشد .

اتابك از چاره جوئی باز مانده کمال افسردگی و منتهای دلتنگی را یافته گویند چون از مخالفت بامجلس واستقراض از خارجه امتناع ورزید شاه از وی مایوس و ناامید گردید ـ اما قدرت صدر اعظم بداشتن پول است بانبودن پول کاری از پیش

وی نخواهد رفت و محلی که بتوان آنرا تحصیل نمود بسی دشوار دیده می شود ـ بالجمله هیچ نتوان گفت که مردمرا در عدم پیشرفت امور جون او ملالت خاطر حاصل باشد .

کلیتاً بی نظمی مملکت بیشتر از سنواتیکه امور در تحت قواعد معینه جاری بود روی نداده و در تمام اغتشاشات مختلفهٔ که در ولایات اتفاق افتاد اتلاف نفوس چندان بوقوع نه پیوست ـ مردم در اخراج حکام جابر و استخلاص از اجحاف و ظلم حکومتی اهتمام نموده و در اکثر مواقع بمقاصد خویش نائل گردیدند! بنا بر این از اوضاع کنونی شاکی و دلتنك نمی باشند —— اما دولت مدعی است که در خزانه بهیجوجه دیناری یافت نمی شود و در ولایات هیجگونه تفتیشی بعمل نماید و سراسر مملکترا هرج ومرج فرا گرفته است .

مابین قطعه شمالی و جنوب تباین و اختلاف کلی موجود است جنانجه در جنوب جنبش اهالی مبنی است بر تقلید و یك نوع دغل بازی مضحکی شمرده می شود زیرا هر هیجانی که می نمایند راجع بمسائل شخصی و یا بملاحظه منافع خویشتن می باشد —— بر عکس در قسمت شمالی اهالی مقاصد پلتیکی و سیاسی معینی در نظر دارند و بنای تمام حرکاتشان بر وطن خواهی است

علائم خصومت و ضدیت باتباع خارجه بهیجوجه مشاهده نمی شود و همچنین آثاری از مداخله اجانب مشهود نیست و

معروفست هر گاه اجانب بخیال مداخله در افتند آن وقت برؤسای عامه دستوری داده خواهد شد که از آزروی باایشان معامله و رفتار نمایند

(امضا) سسیل اسپرینك رایس

نمره ـ ٢٩

مکتوب سیر اسپرینك رایس بسر ادوارد گری (وصول هشتم ژوییه)

از قلهك مورخه ٢١ ژوان ١٩٠٧

باکمال افتخار خلاصه حوادث و اتفاقات عمومی ایران را که در ماه ژوان بوقوع پیوسته لفاً ارسال می دارد .

(امضا) سسیل اسپرینك رایس

در تلو نمره (٢٩)

خلاصهٔ حوادث یکماهه

شمال ایران

طهران

مجلس ملی ـ مذاکراتیکه در ظرف هفتهٔ اخیرهٔ ماه مه در مجلس ملی مطرح یافته و استمرار داشت راجع بود به تساوی حقوق افراد مردم در پیشگاه قانون بدون رعایت مذهب ـ و در این خصوص قرار شد که یك مادهٔ الحاقیه بقانون اساسی ضمیمه شود

ولی بواسطه اتفاق احزاب برضد دولت دفعهٔ آن مذاکرات بختم انجامید و موضوع دیگر بمیان آمد

در تبریز بازارها تامدتی تعطیل و دکاکین بسته شده بود و نجا بمجلس طهران بدین مضامین اخبار دادند که جمعی از طرف شاه کماشته شده اند که انجمن ایالتی را دچار مشکلات نمایند و قشونی مرکب از چریك بطرف شهر رهسپارند و نیز کار کنان شاه باشخاص معین پول داده اند که بعضی از اعضاء انجمن را بقتل رسانند ـ دیگر آنکه رحیم خان رئیس دزدان قرجه داغ که این وقت در طهران اقامت داشت به پسر خود موسوم به بیوك خان تلکراف نمود که اعمال وی در پیشگاه شاه مورد بسی تمجید واقع گردید .

این تلکراف هم اهالی تبریز را بخشم در آورده و هم مردمان طهران را بهیجان بطوریکه جداً خواهان مقید ساختن رحیم خان شدند که بفوریت انجام یابد ـ دولت پس از دو روز سر تافتن عاقبت روز ۲۷ ماه مه ناچار بقبول این امر تن درداد ـ روز ۲۵ و ۲۶ بازارها را در طهران بستند و چندین هزار نفر باحالت هیجان درمجلس اجتماع نموده روز ۲۵ را تقریباً تاساعت پنج از شب در آنجا توقف داشتند ـ مردم جشن مولود شاه را که بایستی شب ۲۶ چراغان نمود مانع شدند حتی بانك شاهنشاهی را اجازهٔ آئین بستن و چراغان ندادند ـ اهالی طهران درنمایش

و بروز حسیات خویش وضع انقلاب و شورشرا اتخاذ نموده بودند ـ و نطقهائیکه در صحن مجلس می شد تمام بر ضد سلطنت بود ـ اجزاء وزارت امور خارجه اظهار میداشتند که اگر خواهشهای مردم که تماماً صحیح و صوابند پذیرفته نشود همگی بطور اجماع ترك مشاغل خود را از وزارتخانه خواهند نمود و باید دانست که متجاوز از هیجده ماه است بایشان مواجب و حقوق اداری پرداخته نشده است .

در مدت این ماه دسته از مغرضین مفسد بریاست برخی از ملاهای مشهور از جمله شیخ فضل‌الله مجتهد و نیز رئیس سیدها ملقب به نقیب السادات در ضدیت و مخالفت با مجلس ملی جدیتی وافی و فعالیتی شایان ملاحظه ظاهر ساختند ـــ نقیب السادات پسر خود را بسفارتین انگلیس و روس روانه نمود تااطلاع دهد که دو هزار نفر میخواهند بسمت نمایندگی بعنوان تعرض وشکایت از اقدامیکه مجلس بتازه گی در موقوف داشتن تیولات اختیار کرده است بدان سفارتین وورود نمایند ـ چون بکلی بی اعتنائی دیدند دیگر مجری ننموده ظاهراً اینگونه تشبثات و دسیسه کاریرا حالیه تااندازهٔ متروك داشته اند

روز ۳۰ ماه مه مسیو نوز از طهران عزیمت نمود ودر ورود بانزلی مردم ویرا مانع از حرکت گردیده بذریعه تلکراف از مجلس شورا سؤال نمودند که آیا مشار الیه بتصویب مجلس از

این مملکت خارج می شود یا بدون اطلاع عازم است ؟ — بالاخرة پس از حصول اجازه داخل کشتی کردیده روانه شد

بی پولی از شدیدی نموده و دولت بی اندازه اظهار احتیاج می نماید و اتابك اعظم در تمام مواقع بهآن خیلی اهمیت می دهد — چندی کذشته دو طرح بانك ملی و تاسیس آن مجدداً اقدام ضعیف بعمل آمد و اتابك اعظم پیشنهاد نمود که بایستی مبلغ دویست هزار لیره از بانك شاهنشاهی برای بانك ملی استقراض تجارتی و مساعدت طلبید ولی مسیو رابینو (رئیس سابق بانك شاهنشاهی اظهار داشت که بانك شاهنشاهی بدولت ایران فشار آورده است که تادیه همین مقدار قرضی که نموده است نماید ودیکر آنکه بانك ملی هنوز وجود خارجی ندارد — در همین اوقات سربازها در اخذ حقوق بنای فشار را کذاشتند و نیز پلیسهای طهران برای مطالبه مواجب پس افتاده یکساله خویش اجتماعات و سختکیری می نمودند

چندین روز نامه جدید تازهکی ابداع کردیده که مسلك طرفداری عامه (دیموکراتیك) و ضد اشرافی را اختیار نموده اند .

روز یازدهم همین ماه شخصی موسوم برجب افندی به ضرب کلوله بهنکام روز در طهران بقتل رسید

تبریز

در مدت نیمه اخیر ماه مه بازارها تعطیل و بسته کردید و شهر عملا بحالت نظامی در آمده بود — دستجات مسلح که در خدمات انجمن ایالتی اشتغال داشتند شبهارا به پاسبانی و محافظت کوچها می پرداختند و از همین قبیل پاسبانها تمام معابر وکذر کاه های شهررا نکهبانی نموده از تمام عابرین خواه اشخاصیکه داخل و یاخارج از آن اماکن می شدند اسم شب خواسته حتی هریکرا با کمال دقت تفحص و رسیدکی می نمودند .

روز بیست و یکم ماه مه سه نفر بعزم کشتن جمع معینی از اعضای انجمن ایالتی که در تلکرافخانه متوقف بودند بدانجا وارد شدند — از حرکات و رفتاریکه می نمودند دربارهٔ ایشان سوء ظن حاصل آمد بدان واسطه بکرفتاری هر سه تن اشارت رفت — از آنها یکی بمدافعه وپافشاری ایستاد از آن جهة هدف کلوله کردید از پای در افتاد و جراحتی مهلك یافت — آن دوی دیکر را که مجروح نبودند بقدری زدند تاعاقبت اقرار کردند که هر سه ازاهل قرجه داغ باشند و یکی از ملازمان شاه ملقب باکرم السلطان بهر یك وعده اعطای صد تومان و یك قبضه تفنك نموده است که اعضای رئیسه انجمنرا بقتل رسانند — آنکه مجروح بود قبل از حالت احتزار باکمال اختیار بیانات دو همقدم بد اندیش خودرا ثابت و تصدیق کرد

روز بیست و دویم انتشار یافت که بیوک خان پسر رحیم خان باسوار و جمعیت زیاد بطرف شهر رهسپار است و تمام دهات بین راهرا غارت مینماید ـ دوروز بعد تلگرافی بدین مضمون اشاعه یافت که یکی از طوایف محلی تمام دهات رحیم خانرا درغیاب پسرش مشغول غارت و چپاول شده و پسر رحیم خان مجبور بمعاودت گردید که املاك پدر خود را از تاراج محافظت نماید لهذا خوفی که از حرکت وی بجانب تبریز همهرا فرا گرفته بود بواسطه اشاعه این خبر تااندازه فرو نشست ـ روز بیست و پنجم مکتوبی از بیوك خان بعنوان حاکم بدست آمد که در آن اظهار داشته بود بسیاری از دهاترا غارت کرده است و اگر حکومت قول بدهد حاضر است بشهر تبریز وارد شود و انجمن ایالتی را تا بطهران بدواند ـــ وقایع فوق چنانچه مستر راتیسلا راپورت میدهد بیشتر سبب تنفر و بی اعتمادی عموم مردم از شخص شاه گردیده است .

بعد از آنکه مکتوب بیوك خان بچنك آمد فوراً حاکمرا بقید حبس در آوردند وتامدت دو روز یعنی از ۲۵ تا ۲۶ مه این مطالب در مجلس طهران مطرح مذاکره بود و عاقبت نتیجه مباحثات این شد که رحیم خانرا گرفتار نمایند چنانچه ازاین پیش مذکور گردید ـــ پس از گرفتاری رحیم خان اغتشاشات تقریباً روی به تخفیف و آرامی نهاد و بهمین طریق باقی بود تاپنجم ماه

ژوان که بواسطه کم یابی نان دوباره تجدید یافت ـ اهالی تبریز برای مطالبه و حصول گندم بتلگرافخانه که تا آن وقت وکلای انجمن در آنجا متوقف بودند اجتماع نموده ودر آن روز یکنفر ز تجار متمول شهر را باحتمال اینکه گندم احتکار کرده است بقدری زدند تاهلاك گردید بعد جسدشرا در خارج تلگرافخانه آویختند و تامدتی اضطراب شدیدی مردمرا فرا گرفته بود چنانچه صاحبان غله وگندم از ترس مصمم شدند که بقونسولخانه اعلیحضرتی پناهنده شوند ـ *مستر ـ استه ون ـ که درغیاب مستر راتیسلا و مسافرتش بلندن امور قونسولخانه را در عهده داشت مردمرا از دوباره تحصن جستن بقونسولخانه منصرف گردانید .

اواخر ماه راپورت رسید که دوماکو از محال شمال غربی آذربایجان اغتشاش و بی نظمی در پیوست و مردم رئیس خود را از آنجا خارج نمودند ـــ

در گرفتاری بیوك خان اقدامات بعمل آمده ولی هنوز بدستگیری او موفق نشده اند .

رشت

روز بیست و پنجم مه کار گذار وزارت امور خارجه ازانجا عزیمت نمود و چون حاکم جدید هنوز وارد نشده است گویا مواظبت در امور حکومتی را بامنای خود این ولایت واگذار کرده

* مستر استه ون — ویسقونسول انگلیس در تبریز

باشند و بدینجهة است که بالنسبه نظم و آرامی اعاده یافته بااینکه طرفداران ملت برفعالیت خویش همی افزودند ـ روز دوم این ماه که انجمن ولایتی از اوضاع تبریز مطلع گردید احساسات خود را در همراهی با تبریزیان اظهار داشته و بازار هارا بستند — و باتبریز و طهران مشغول مخابرات تلگرافی شدند و بتوسط سفارت اعلیحضرتی پیغاماتی چند بمجلس طهران فرستادند .

پس از آنکه دانسته شد که امور تااندازهٔ موافق رضایت خاطر جمهور انجام پذیرفته است آن وقت بباز کردن بازار ها اقدام نمودند .

طالش که یکی از بلوك ساحل بحر خزر و واقع مابین انزلی و آستاراست مغشوش گردید و خبر اغتشاش آن انتشار یافت ـ چون انجمن ولایتی انزلی بواسطه نزاع داخلی منحل شد بنا بر این روز هفتم ماه مه در آنجا نیز بی نظمی و هرج و مرج روی داد .

مرکز ایران

اصفهان

حضرت والا نیرالدوله بجای نظام السلطنه بحکومت اصفهان منصوب گردیدند ـ سر دسته های ملتیان تبریز به مجتهدین اصفهان تلگراف نموده در فشار آوردن بشاه استمداد طلبیدند و آقا نجفی

بمردم توصیه نمود که تا مواد متمم قانون اساسی بامضای شاه نرسد مالیاترا ادا نکنند و نظام السلطنه که این حکمرا شنید بملاقات وی شتافت و عاقبت گفتگوی ایشان در آن خصوص منجر به تشدد و تغیر گردید ـ چون متمم قانون اساسی از مواد مهمه است هنوز در تحت نظریات و مذاکرات مجلس طهران باقی است .

آقا نجفی روزی در مسجد شرح مفصلی از فواید متروك داشتن اقمشه اروپائی بیان نمود و میکفت او و سایر علما از این ببعد بترك منسوجات فرنگی خواهند کوشید ونیز انجمن ولایتی مکتوبی بحاکم نوشت که در ممانعت ایرانیان از فرستادن اطفال خویش به مدرسه دعاة عیسوی مساعدت و همراهی نماید

بختیاری

اخباریکه در موضوع عزل صمصام السلطنه از رتبهٔ ایلخانی کری واصل شد تماماً مشعر است بر اینکه سبب عمدهٔ آن تحریکات ودسایس نظام السلطنه بوده که باخوانین این طایفه معاندت و ضدیترا دارد .

مجدداً خبر رسید که مقام ایلخانی کری دو باره به صمصام السلطنه تفویض گردید وآن مقارن بود با عزیمت نظام السلطنه از اصفهان بطرف شیراز که مقر حکومت جدید وی است و در آنجا دیگر ارتباطی بااین ایل نخواهد داشت .

این تغییرات قبل از ورود امین السلطان بطهران بود که

محتمل است در استقرار صمصام السلطنه اقدام و جدیت نموده باشد .

خلاصه – در اواخر ماه مه مابین حامیان طرفین نزاع در پیوست وسواران صمصام السلطنه بهر سو روانه شده بکاروان و قوافل حمله می آوردند .

سلطان آباد

حاجی آقا محسن که در این نواحی مرتکب بسی شرارتهای بیرحمانه شده هنوز آزاد میباشد ومجلس طهران تاکنون نتوانسته است وسایل گرفتاری اورا فراهم سازد

جنوب ایران

شیراز

اوضاع شهر شیراز تامدت یکماه بواسطه مخالفت فرق مختلفه باغتشاش می گذشت و قوام الملک که ظاهراً مرکز انقلابات شناخته شده بود مردم بقوت مجلس طهران و احکام شاه جداً خواستار حرکت او از شهر بودند ولی او مانند همیشه وقعی بدین سخنان نگذاشته امتناع از پذیرفتن تقاضای ایشان داشت بنابراین اجتماعات متضاده تشکیل یافت بدینطریق که مردم یکی از مساجدرا مامن خویش قرار داده در آنجا مجتمع شدند و طرفداران قوام برضد ایشان در مسجد دیگر جمعیت نمودند و بسی گفتگوها

که بمیان آمد – خوش بختانه قنسول انگلیس را مانند واقعه سابق در این منازعه مداخلتی ندادند – در همین اوقات خبر داده شد که قوام الملک از شهر خارج گردید

راهها بهمان حالت ناامنی همیشگی باقی است و از قرار راپورتهائیکه می رسد کاروان و پست اتصال دچار سرقت می گردند .

(امضا) چرچیل

از قلهک ۱۸ ژوان ۱۹۰۷

ضمیمهٔ خلاصهٔ یکماهه راجع به تجارت

نظر تجارتی در ایران بهر نحوی که تصور شود امید بخش نیست چه اوضاع سیاسی چنان غیر معلوم و نامعین است که ضرر تجارترا بامنافع احتمالی آن هیچ قدر تناسبی مابین نباشد – حالیه بواسطه اختلال امور سیاسی و کسادی پول دربازار و عدم امنیت طرق وشوارع اعمال تجارت بآن طریقیکه اطمینان خاطر حاصل آید اجرا پذیر نیست .

ادارهٔ گمرکات که دچار حملات شدیدهٔ مجلس گردیده و شاید زمانی تماماً بدست ایرانیان باز گشت نماید و البته در آنوقت نتیجه جز بی نظمی بخشیده نخواهد شد هنوز در تحت ریاست بلژیکها باقی است ولی بر شکایات سابقه افزوده نگشته است

نمره ـ ۳۰

سر ادوارد گری به سیراسپرینك رایس

آقای من از وزارت امور خارجه ۱۷ ژوبه ۱۹۰۷

مکتوب مورخه ۱۸ ماه گذشته شما را که حاکی از پناهندگی متحصنین بقونسولخانه اعلیحضرتی در کرمانشاه و شلیك کردن مدعیان پلتیکی ایشان ازخارج بطرف آنها بود واصل گردید اقدامات شمارا در اینخصوص چنانچه راپورت داده بودید تمجید و تحسین می نمایم

(امضا) ا ـ گری .

نمره ـ ۳۱

مکتوب سیراسپرینك رایس بسر ادوارد گری (وصول ششم اوت)

ازقلهك ۱۰ ژوییه ۱۹۰۷

باکمال افتخار عرض می نماید که چون در ششم همین ماه بحضور شاه شرفیاب شدم بجهات معینه مصلحت چنین دیدم که این شرفیابی رسمی‌را موقعی مغتنم شمرده از اوضاع ایران به‌آن اعلیحضرت بیانات سخت معروض دارم

یکی از مجتهدین عمده باجمعی از اتباع خود برای پرتست نمودن و تعرض بر مشروطه و انکار مجلس شورا بست اختیار کرده و آنچه را که تقاضا می کند مشتمل است بر طرد و نفی

بیشتری از اعضای عالیه مجلس و اعاده اساس قدیمه واجرای آن ـ در هر روز یك مبلغ کثیری که تقریباً معادل است باصد لیره برای مخارج باو داده می شود و عامه را اعتقاد آن است که این وجه‌را از خزانه شاهی عاید می دارد ـ نتیجهٔ که این حرکت بخشیده است طبعا افکار عمومرا بطور شدت بهیجان و خشم در آورده وهمه روزه خاطر مردمرا از شاه بیشتر متزجر می سازد وبعلاوه کلیهٔ مردم ایراد میکنند که اطراف شاهرا دوباریانی احاطه کرده اند که همان روش قدیمه را اتخاذ کرده وآنها کسانی هستند که جز پر کردن جیب خود از ماحصل دست رنج ملت و باز از استقراضهای خارجه مقصود و آمال دیگری ندارند و در حقیقت بقای مجلسرا بزرگترین عایق و مضر پیشرفت مقاصد خویش میدانند

بواسطه اعتماد تامی که شاه باینگونه اشخاص دارد ناصحین واقعی و خیر اندیشهای حقیق مورد توجه نبوده و نمیگذارند طرف مشاوره واقع شوند

اتابك که چندان میلی باساس عمومی نداشته و میداند بواسطهٔ اینکه همان اسماً وزیر مسؤل شاه است در چه موقع خطرناکی گرفتار آمده و بمن پیغاماتی فرستاد بامید اینکه چون من صادقانه باشاه سخن میگویم شاید زبان من مؤثر واقع شود — علیهذا وقتیکه من مکتوبات پادشاه انگلستانرا تقدیم شاه نمودم شرف حضور را از آن اعلیحضرت تمنای خلوت کردم — شاه

باکمال کراهت و بی میلی ظاهراً اجازت داد و اشخاصیکه حضور داشتند خارج شدند مگر من و عباس قلی خان که باقی ماندیم .

من شروع نموده گفتم که از زمان جلوس آن اعلیحضرت تا کنون بقدری حوادث ناهنجار و اتفاقات مختلفه روی داده که ناگزیر بشرح آن خواهم پرداخت و اعلیحضرترا از چگونگی مطلع ساخت از جمله پست سفارترا در دو موقع دزد بسرقت برده است ـ از طرفی مردم مجبر داخل قنسولخانه ما میشوند و از خارج بسمت آن شلیك میکنند ـ تجار ما گرفتار چپاول شده اند و غلام قنسولخانه را با اینکه لباس رسمی قنسول خانه را پوشیده بود در ملاء عام زده اند و مقصود من از بیان این وقایع نه اینست که خاطر آن اعلیحضرترا تصدیع بدهم در صورتیکه میدانم اینگونه مطالبرا باید باوزرا گفتگو نمود ولی خاطر همایونی را از اوضاع عمومی مملکت که این حوادث از علائم و نمونه های ظاهره آنست مسبوق و مستحضر دارم و البته می دانند که پادشاه متبوع من سعادت و آسایش شاهرا به منتهی درجه خواهان است وچون منافع دولت ایران باپریطانیای کبیر پیوسته بهم است لهذا از تکالیف لازمهٔ خود میدانم که آنچه از نقاط مختلفه شنیده درپیشگاه همایونی آشکار دارم از آنجمله میگویند که آن اعلیحضرت مخفیانه در تخریب تشکیلات و بر ضد اساس ملی که اعطای آن بیشتر باراده شاهنشاهی بوده مشغول و درکارند ـ هر چند دولت

متبوع من هیچگونه نظری در طریقه سلطنت ایران تا آن زمانیکه در انظار قوی و محترم است ندارد خواه سلطنت شورای یا غیر آن باشد لیکن وجود این شایعات با اینکه یقین دارم کذب محض و دروغ صرف است گمان می کنم استحکام سلطنت و حفظ سلطهٔ آنرا خطری عظیم باشد — اعلیحضرت می دانند که چه نوع اشخاص اطراف پدرشرا احاطه کرده خودرا شاه پرست جلوه داده بودند و بجنك آوردن ثروت و آبادی خویشتن پرداخته دولترا پریشان و محتاج ساختند — هنوز همان نفوذ در اطراف تخت سلطنت موجود است و در تخریب مشروطیت که پادشاه در نگاهداری اساس آن سوگند یاد کرده همی کوشش دارند ـ اعمال ن قبیل اشخاص است که شاهرا طرف انزجار و نفرت مردم قرار داده و مقصود عمدهٔ که اینگونه اشخاص در نظر دارند فقط اخذ منافع و خرابی شخص شاه است :

شنیده شده است که دول خارجه چنان مایل باقتدار شاه می باشند که اگر تزلزل سخت و خطر شدیدی به آن روی دهد نظر بحفظ آن البته مداخله خواهند نمود بنا براین من بایك جدیتی شاهرا آگاه ساختم — که اگر بامید معاضدت و کمك خارجه آن اعلیحضرترا بمجادله بر مبانگیزانند حمایتی نخواهد شد ـ دولتین انگلیس و روس هر دو مصمم شده اند که بمداخله نپردازند مگر در موقع محافظت منافع و مصالح خویش و اتباع خود — ولی

هرگاه مملکت بی نظم و اقتدار مرکزی معدوم و منافع خارجه در مخاطره باشد آن وقت هیچ جای تردید نیست که مداخلات حتمی الوقوع خواهند بود و درآنصورت البته موقع از دست خواهد رفت و حتی اگر موقع مداخله اتفاق افتد آن وقت اختیارات واقتدارات شاهی بکلی اضمحلال خواهد یافت ـ پس چون نه شخصاً میتوانند در مقابل هیجان ملی ستیزه کنند و نه اتکا بکمك خارجه نمایند فقط چاره دراین است که باتحاد معنوی پرداخته در پیشرفت امور تجدد واقعاً حاضر شوند تاآنکه باحس سپاس گذاری و شاه پرستی ایرانیان حشمت و شوکت آن اعلیحضرت عودت یافته اقتدار وی بر اجدادش برتری یابد در خاتمه از آن اعلیحضرت استدعا نمودم گستاخی مرا که مبنی از احساسات خیر خواهانه دولت متبوعهٔ من دربارهٔ آن پادشاه وناشی ازاحساس مخاطراتیکه آن اعلیحضرترا احاطه نموده معذور دارند

اعلیحضرت شاه باکمال دقت بیانات مرا اصغا می فرمود و بهیچوجه آثار کراهت بظهور نرسانیدند بلکه چون اطمینان داشتند که آنچه معروض داشته ام از طریق دولتخواهی صادقانه بوده اظهار امتنان فرمودند و میگفتند که بی نظمی مملکت نتیجه تغییرات ناگهانی و تغییرات شدیدیست که در اساس و طریقهٔ حکومت داده شده و بعلاوه هر مملکتی ممکن است دچار انقلابات داخلی بشود و نیز میفرمودند همیشه عقیده من این بوده که برای

هر مملکتی سلطنت دستوری بهترین ترتیب حکومتها است ولی نمونهٔ مشروطهٔ کنونی ایران ـ چه مجلس مشتمل بر جمعیت بی نظم نادانی است که هر یك در فکر مقاصد شخصی بوده اتصال بمنازعه می پردازند که شاید آبرا گل آلود نموده ماهی بگیرند ـ ولی برای این مملکت یك مشروطه معتدلی لازم بود که «از یکی از ممالك اوروپا اقتباس شده باشد» ـ اما مردم متوقعند که همه چیزرا بفوریت به آنها داده شود و بنا براین لازم است انتخاباترا تجدید نموده مجلسرا دوباره تشکیل داد .

من در اینجا اعلیحضرت را بیاد آوردم که در نگاهداری قانون اساسی بقید قسم ملزم آمده و متعهد شده است تامدت دو سال مجلسرا منفصل نسازد وهم معروض داشتم آن کسانیکه صلاح اندیشی در نقض عهد مینمایند آنها می دانند که شاهرا بك خطر عظیمی که عبارت از تکفیر باشد دچار خواهند نمود که «از قول خویشتن سر تافته و عهد با خود را نقض کرده» ـ چنین کرداری را پیشوایان کربلا چه خواهند گفت ؟ ـ بلکه فقط شهرت این اراده زیان کلی برای وی خواهد بخشید چه رسد بدخول درعملیات آن ! ـ جواب فرمودند که «در فضا مملو است از اخبار دروغ که دشمنان ملت جعل و منتشر میکنند چنانچه به تهمت می گویند من شیخ فضل الله را تشجیع وتشویق بمخالفت می نمایم در صورتیکه بکلی دروغ است ـ شیخ بواسطه مناقشه با ملاهای هم

افق خویش تحصن اختیار کرده و بست نشستن او ربطی بشاه نخواهد داشت ـ از مسلماتست که تفرقهٔ مابین شاه و رعایای او از ممتنعات میباشد و نمی توان آنها را ازیکدیگر تفکیک نمود چه هریک لازم و ملزوم یکدیگرند .

اما راجع بمالیه ـ بخوبی میدانم که درباریان بدوم قروض سابقه را بجه راهائی صرف نمودند که بهیچوجه فوایدی بر آن مترتب نبوده و من مراقبت خواهم کرد که دیگر چنین نشود ـ زیرا اکنون باوزیر مالیه مشغول طرح ترتیباتی هستم که مالیه را تعدیل و امور آنرا منظم نمایم لهذا می توانم اطمینان بدهم که در آتیه آنچه از خارجه استقراض شود صرف نخواهد گردید مگر درواه ترقی و آبادی مملکت » ـ ومیفرمود « موقع ازجهتی خیلی مشکل و کار از طرفی بسیار بزرك است » ـ در جواب عرض کردم که کار بزرك شایستهٔ بادشاه بزرك است و نیز اظهار داشتم که ن اعلیحضرت همه وقت می توانند اطمینان باحساسات صمیمانه و همراهی دوستانهٔ دولت متبوعهٔ من بنمایند — در اینموقع مجدداً اظهار امتنان فرموده و مخصوصاً هویدا بود که در طول مدت این ملاقات با کمال مهربانی و بطریق محبت برخورد می فرمایند .

(امضا) سسیل اسپرینك رایس

نمره ـ ۳۲

مکتوب سیراسپرینك رایس بسر ادوارد کری (وصول ششم اوت)

آقای من — ارقلهك ۱۲ ژویه ۱۹۰۷

باکمال افتخار رابورت اوضاع مالیه را از قرار ذیل معروض میدارد — تاکنون پیشرفتی در تادیه قروض بانك شاهنشاهی حاصل نگردیده و مسیو راینو مکتوبی مشعر بر مطالبه قروض بوزیر مالیه نوشته که من سواد آنرا لفاً با کمال افتخار ارسال میدارم و نیز در مراسلات رسمی خودم مکرر در این خصوص بدولت ایران اظهار نموده شفاهاً جواب داده اند که مجلس از وزیر مالیه خواهش کرده که سه ساله راضی باستهلاك دین شود و همین مطلبرا زبانی بسفیر روس گفته اند ـ ولی من بر حسب تعلیماتیکه آن جناب داده اظهار داشتم که اگر کتباً در این باب تمنا نمایند آن وقت دولت متبوعه من ملاحظات دقیقه خود را راجع به آن دریغ نخواهد داشت معهذا نه بمن اظهار کتبی شد و نه بسفیر روس

روش دولت ایران در مقابل تعهداتیکه بادولت بریطانیا و طلبکاران انکلیسی نموده فقط تجاهل و تسامح باشد و هروقت از بابت قروض دولت روس مبتلا بفشار و سختی می شود آنوقت از تادیهٔ قروض جاری بانك روس بطفره و تغافل می پردازد ـ

مقدار این قروض جاری چنانچه از وزیر مختار روس اطلاع یافته‌ام تقریباً معادل است با ۴۲۰۰۰۰ لیره (۲۱۰۰۰۰۰ تومان)

تاحال ادارات لشکری و کشوری و همچنین اعضای وزارت امور خارجه حقوق مرسومهٔ خود را دریافت نداشته اند حتی مدت دو ماه مواجب بریکاد قزاق بعقب افتاده بود و بانك روس فقط مبلغی در وجه بریکاد برای دوماهه گذشته مساعدت نمود ومتعذر است که از این بعد چنین مساعدتها بحساب جاری داده نخواهد شد مگر آنکه بترتیب منظمی استقراض نموده رسماً آنرا امضا واز محل گمرکات ضمانت نمایند — ولی وزرا از قبول آن ترس دارند زیرا اگر در نهانی قرار داد استقراض جدیدی باخارجه شود شخصاً مسؤل و مورد ایراد مجلس خواهند گردید از وزیر مختار روس و مسیو مورنارد شنیدم که بتازه گی عنوان شده است بریکاد قزاق از اداره گمرکات یك قسمتی از عایدات گمرك شمالی را بهمان طریقیکه از بابت قروض دولت روس پرداخته می شود عاید دارد .

در این اواخر پلیسهای پایتخت برای اخذ حقوق از خدمت کناره نمودند جلو گیری و رفع این غائله بواسطه اعانهٔ مخصوصی گردید که بآنها داده شد — و از جمله مطالبی که موضوع بحث و ایراد واقع شده کسبل داشتن یك هیئتی است با مخارج گزاف بدربار های خارجه برای اعلام جلوس شاه که

دولت با این اشکالات و ضیق مالیه آنرا تصویب نموده است

پول در بازار یافت نمی شود و بواسطه تنگدستی یکنوع فشار و زحمت دائمی فراهم آمده اما شگفت در اینست که امور اداری با این حالی که مشاهده می شود معهذا در جریان است و ادارات مختلفه با اینکه بهیچیك از اجزای آنها حقوق داده نشده باز در زحمات وکار های خود مشغول میباشند — آنهمه تهدیداتیکه بایك طریق دهشت آوری گوشزد اتابك می نمودند وماه گذشته راپورتشرا ارسال داشتم تاکنون بموقع عملیات نرسانده اند — آشوب حالیه را نمی توان شورش عمومی نامید بلکه همان هرج و مرج ساکتی است که از شش ماه قبل تمام ایرانرا فرا گرفته و آنچه از دفاتر و (آرشیو) این سفارت مستفاد می شود انقلابات اتفاقیه از سنهٔ هزارو هشتصدو نودو دو * تاحال استمرار دارد :

از وزیر مالیه راجع باصلاحات امور مالیه که از مسائل مهمه شمرده میشود شخصاً استعلام نمودم ایشان مذکور داشتند که در مالیات بستن باراضی تااندازهٔ موفقیت حاصل گشته ولی اشکال عمدهٔ که در اینوقت موجود است نبودن قواعد تفتیش می باشد و شاه هر مقدار پولی که خواسته باشد شخصاً حواله میدهد بدون آنکه تعیین نماید برای چه مقصودی بمصرف خواهد رسانید .

* تقریبا از اواخر ۱۳۱٤ هجری

بواسطه موقوف داشتن تیولات و تصرف اراضی خالصه و نیز مقطوع نمودن مواجبهای ناشایسته یك مبلغ منافع ثابت معتنا به بدولت عاید شده است ـ اما مقدمات اصلاح مالیه ناچار باعث نارضایتی مردم خواهد گردید وهیچکس بخصوص وزیر مالیه جرئت ایستادگی و مقابلی را نخواهد داشت وبرخود وزیر مالیه بخوبی معلوم است که اوضاع کنونی بهیچوجه امکان پذیر نیست و بمن جداً گفته است که اگر این رویه تاچندی دیگر استدامه بیابد بطور حتم استعفا خواهد داد .

حالیه نظریات او اینست که دولت بایستی تعهد و ضمانت کند که اقساط قرض خارجی منظماً پرداخته شود نه اینکه قرار داد نماید که تادیه اصل یا استهلاك دین در مدت سه سال بطول انجامد ـ بهر حال اگر دولتین بخواهند قرار داد محدودی نمایند البته مجلس از تعهد مالیه ملی امتناع ورزیده قرار دادی نخواهد نمود و نتیجه معوق می ماند ـ من گفتم شاید دراینصورت دولتین متفقاً عمل عمومی را که در مواقع ورشکستگی معمول است اتخاذ نموده دولت ایرانرا ملزم ومجبور نمایند که دراین بینها حق استقراض از جای دیگر نداشته باشد

اظهاراتیکه بطور خصوصی باوزیر مختار فرانسه راجع بخواستن یکنفر خزانه دار فرانسوی برای کسب اطلاع از اوضاع عمومی مالیه و مدیری بانك ملی که اکنون مطرح مذاکره است شده بود

صورت مختصری یافته ولی تاحال درخواست رسمی در آن باب نشده است ـــ البته از مسلماتست که در تعدیل مالیه فقط راهی که ممکن است به آن رسید اینست که ابتدا از حقیقت وباطن امور کاملا استعلام نمود و پس از آن اصلاحات لازمهٔ معین را منظور نظر آورد از جمله مرتب داشتن بودجهٔ ثابتی از دخل و خرج و نیز مجتمع ساختن قروض مختلفه را بقرض واحد و بدین مقصود نائل نتوان شد مگر بایك قوهٔ فعال مؤثری که آنرا هم فقط می توان ازخارج بکار برد ـ دولت ومردم ایران تاکنون درصدد تحقیق حالات واقعی امور برنخواسته اند و چه حیله ها که بکار نمیبرند تاسلب مسؤلیت از خود نموده انجام و فیصلهٔ کارها را بتاخیر اندازند .

آنچه از بیانات مسیو مورنارد و وزیر مالیه استدراك نمودم از آنروی میتوانم بگویم که اقدام واقعی در پیشرفت اصلاحات بعمل نیامده وهر مقدار پولی که استقراض نمایند فوراً تفریط و تبذیر خواهند نمود بدون اینکه اقل فایدهٔ بدولت عاید گردد ـــ تاتفتیش جدی بایك قوهٔ مجربهٔ مسلحی بعمل نیاید و بودجهٔ ثابتی مرتب نگردد هر گونه مساعدت مالیه که بشود به مصارف بیهوده خواهد رسید .

خلاصه اینکه با این اوضاع حاضره هیچ امید و انتظاری در اصلاح مالیه نمی توان داشت ـــ و منابع مفیدهٔ که دولت

بتواند از آنجاها تحصیل مالیه عاید موجود نیست وقروض خارجهٔ دولت ایران تقریباً معادل است با * ۵۰۰۰۰۰۰ (پنج ملیون لیره) که از آنجمله ۹۰۰۰۰۰ (نهصد هزار) لیره قروضی است که بقرار دادهای خصوصی استقراض شده و مدتی از موعد تادیه بعضی از آنها گذشته است — ازاین نهصد هزار لیره مبلغ چهار صد هزار آن بدهی بانگلیس است و پانصد هزار دیگر آن به بانك روس — وهرگاه نظم و امنیت اعاده شود و بخواهند این قروض خصوصی را از عایدات گمرکات بااینکه مجلس جداً از قرار داد و قبول آن امتناع دارد بپردازند آن وقت منافع آن تفاوت کلی خواهد یافت .

(امضا) سسیل اسپرینك رایس

ملفوفهٔ (۱) در تلو نمره ۳۲

مراسلهٔ رئیس بانك شاهنشاهی بوزیر مالیه ایران

طهران ۱۸ ژوان ۱۹۰۷

با کمال افتخار صورت قروض دولت ایرانرا موافق فهرستیکه لفاً ارسال داشته بنظر آنجناب می رسانیم .

هیئت رئیسهٔ ما نظر باینکه دولت ایران مکرر وعده ها داده که بدون هیچ تسامح وتاخیر به تفریغ حساب خواهد پرداخت و اقدامی نشده لذا مؤکداً بما تلگراف نموده که طلب ایشان را

* پنج ملیون لیره از قرار لیرهٔ پنج تومان معادل است باپنجاه کرور تومان

مطالبه نمائیم — همچنین دقت جناب شمارا راجع بهفتصد و هفت هزار تومان بدهی دولت که * شاه مرحوم سند ذمهٔ سپرده بود و تاکنون مدتی از وعدهٔ آن گذشته است معطوف میداریم — چون این مبلغ علاوه بر آن مقداریست که تهیه آن برضایت خود ما بوده لهذا بایستی در ظرف همین یکی دو ماه تادیه شود و الا هم برای دولت ایران اشکالات سخت تولید خواهد شد و هم برای بانك .

علاوه بر آنچه مذکور گردید خواهش می نمائیم مبلغ بیست و سه هزارو دویست و هفتاد لیره وهفت شلینك قسط سالیانه را که ازبابت مساعدهٔ دویست و نود هزار لیره میبایستی در آوریل گذشته پرداخته شده باشد و تاحال عقب افتاده بزودی ایصال دارند

(امضا) رابینو

(عامل بزرك بانك)

* شاه مرحوم — مظفرالدین شاه

صورت کلیه قروض دولت ایران ببانك شاهنشاهی

۳۰ ژوان ۱۹۰۷

	تومان	لیره
مجموع بدهی دولت تا ۳۰ ژوان ۱۹۰۷	۲۰۲۰۶۰۰	٤۰٤۱۲۰
قرضی که شاه در تبریز بحساب جاری نموده	۳٦۲۸۳	
بضمانت	۲۷۷۱۵	۵۵٤۳
از بابت قسط قرضهٔ ۲۹۰۰۰۰ لیره که در ٤ آوریل بایستی پرداخته شده باشد با منافع آن تا ۳۰ ژوان . . .	۱۱۷۷۳۵	۲۳۵٤۷
ضمانت اشخاص ذیل		
شعاع السلطنه . . .	۲۱۰۰۰۰	٤۲۰۰۰
امیر بهادر	۱۰٤۰۰۰	۲۰۸۰۰
مشیرالدوله وغیره . .	٦۵۰۰۰	۱۳۰۰۰
مجموع فقرات فوق . .	۲۵۸۱۳۳۳	۵۱٦۲٦٦
قرض حقیق . . .	۱٤۵۰۰۰۰	۲۹۰۰۰۰
جمع کل . . .	٤۰۳۱۳۳۳	۸۰٦۲٦٦

نمره — ۳۳

مکتوب سیراسپرینك رایس بسر ادوارد گری (وصول ششم اوت)

آقای من — ارقلهك ۱۸ ژویه ۱۹۰۷

افتخار دارم مطالبی را که کلنل دگلاس راجع به بریکاد قزاق ضبط و یاد داشت نموده لفاً ارسال دارم — مشار الیه اشکالات ایصال حقوق بریکاد مزبور را توضیح داده قشونی نتوان برای حفظ اتباع خارجه و نگاه داری نظم به آن اعتماد نمود فقط همین قسمترا میداند

(امضا) — سسیل اسپرینك رایس

در تلو نمره (۳۳)

مکتوب کلنل دگلاس به سیراسپرینك رایس

آقا — از قلهك هیجدهم ژویه ۱۹۰۷

فرمانده حالیه بریکاد قزاق موسوم به کلنل لیاخوف که جوانی است به سن ۲٤ یا ۳۵ مدتی در اناماژور تفلیس مشغول خدمت بوده و چندین نوبت بعمل باز دید حدود آسیای عثمانی مأموریت یافته

در ظرف این ده ماه که در ایران توقف داشته بابسی اشکالات در کشتی و ابرد بوده — تقریباً تا هیجده ماه قبل حقوق بریکاد را منظماً تسلیم فرمانده آن می نمودند ولی از آن

بعد حقوقات بنای عقب افتادن را گذاشت و عاقبت دولت ایران که ظاهراً در تحت فشار و تنگدستی گرفتار آمد نتوانست پولی فراهم آورد که مابین صاحبان حقوق تقسیم نماید لهذا دولت روس چون دید عنقریب این قسمت از قشون متفرق و پراکنده خواهد گردید اراده کرده مقدار پولی که برای نگاه داری آن لازم است تهیه ببیند – معذلك بانك روس مبلغ هشتاد هزار تومان جهة همین مقصود قرض داد و دیگر از هرگونه مساعدت امتناع ورزید – دولت ایران باآنکه وعده های بسیار می دهد لیکن تاکنون علائمی درتحصیل پول بظهور نرسانیده وبنا براین اوضاع مالیه فعلا مختل است

در مجلس لاینقطع به بریگاد حمله آورده اقامه دلایل می کنند که این عده قشون در صورتیکه به پول ایران پرورش میابد فقط برای منافع روس حاضر خدمت است چنانچه ازصاحبمنصب و تابین که مامور ولایات می شوند مکلفند از کم وکیف و چگونگی هر محلی که توقف می کنند استکشاف نموده بمرکز ریاست خود اطلاع دهند .

شاهسونهای بلوك ساوه که سالهای متمادی در تحت اقتدار فرمانده و رئیس بریگاد بوده بعلاوه سیصد نفر قزاق می دادند از بسی مقام خویش بمجلس شکایت کردند – نتیجه این انقلاب عزل ۲۲ نفر صاحبمنصب و ۱۶۰ نفر تابین گردید

در این چند سال اخیر بر عده دستجات کوچکی که در خدمت و محافظت حکام مامور ولایات می شدند خیلی اضافه گشت – این دستجات چون جیره فوق العادهٔ مرسومه را که در اوقات ماموریت عاید می داشتند اکنون بندرت دریافت می دارند غالباً ناراضی و گاهی آغاز سرکشی میکنند

کلنل لیاخوف از زمان ورود بایران جداً ساعی بوده که حتی المقدور آنعده از قزاق در طهران باقی بدارد که دراوقات لازمه جهة حفظ اروپائیان یك قوهٔ مختصری درتحت فرمان خویش بفوریت حاضر تواند نمود – ولی از کلیه هزارو پانصد نفر قزاق هنوز هشتصد نفر از مرکز غایب است وپس از طلبیدن دستجات مامور را از هر جا که ممکن باشد باز در موقع اردوی تابستان که آخر این ماه شروع به تشکیل خواهد یافت بیش از هشتصد نفر نمی تواند جمع آوری نماید – حالیه از هشتصد نفر که حاضرند دویست نفر آن جزء توپخانه و دویست نفر مامور مستحفظی کوچهای طهران میباشند – لهذا کاریکه کلنل لیاخوف در پیش دارد همچنان سهل نمیتوان شمرد و اگر ترتیبی در منظم رسیدن حقوق بریگاد به آن طریقیکه خاطر را رضایت بخش باشد داده نشود تقریباً آتیه بریگاد نامعلوم خواهد بود .

بنا بر نظریاتیکه دولت ایران در مخارج نظامی دارد هیچ جای شبهه نیست که این قوه دارای مخارج گزاف می باشد ——

بودجه سالیانهٔ آن معادل است بادویست و بیست و هشت هزار تومان
یك قسمت آنرا بجمعی از موظفین که اکنون عده آنها ۲۱۲ نفر
است می دهند و مبلغی بصاحبمنصبان خارج از تحت نظام که پس
از عزل شاه ـ ونها هنوز ۲۰٤ نفر باقی بوده از آنجمله سی نفر
دارای رتبه سرتیپی هستند ـــ دوبابت مستمری فوق با مواجب
صاحبمنصبان صف از ثلث تانصف مخارج کل را مشتمل می گردد ـ
و چون این فقرانرا از مجموع کل موضوع نمایند مصارف هرتابینی
در سال از صد تومان قدری زیاد تر میشود

فقط دسته قشونیکه در اوقات اغتشاش برای حفظ نظم
پایتخت و نگاه داری جان ومال اتباع خارجه بکار تواند آمد همین
قسمت است ـ پس منافع اروپائیان در این است که این عده قشون
باید بیك وضع مؤثری نگاه داری شده و باقی بماند .

دیگر از مطالب راجعهٔ به بریگاد شرح حال کاپیتن
کسو بالیف است ـ این صاحبمنصب در سال گذشته مامور تبریز
گردید تادر آنجا یك عده سوار برای شاه حالیه که آن وقت ولیعهد
بود جمع آوری و مرتب نماید ـ از آزمان بریکاد را ترك نموده
ولی بفرماندهی ٤٠٠ نفر سوار در دولت ایران استخدام یافته ـ
گویا این عده سوار یك قسم گارد همایونی را تشکیل داده است و
کاپیتن کسو بالیف ظاهراً چندان اختیار و اقتداری بر آنها ندارد
و تقریباً مقام کم زحمتی را داراست ـــ بجای او در بریکاد

کاپیتن بلاراتوف مقرر گردید

(امضا) دکلاس

اتاماشه میلی تر

مکتوب سراسپرینك رایس به سرادواردگری (وصول
ششم اوت)

از قلهك ۱۹ ژوییه ۱۹۰۷

باکمال افتخار خلاصه حوادث و اتفاقات یکماهه ایرانرا
موافق آنچه مستر چرچیل درج نموده انفاذ حضور آن جناب
می دارم .

از مندرجات آن مفهوم جنابعالی خواهد گردید که بی
نظمی این مملکت یك جزئی افزوده گشته ولی هنوز ازاتباع خارجه
که طرفداران ملت از ترس مداخله اجانب مراقب حراست ایشان
هستند سلب امنیت نشده است ـ نزاکت و انتظامات از صورت
جلسات مجلس بخوبی مستفاد میشود ـ ولی منازعه بادولت مخصوصاً
بیشتر رو بشدت می نهد ـ خلاصه دواصلاحات معنونه اهتمام واقعی
بوقوع نه پیوسته و اتابك بکلی مایوس است از اینکه با مجلس
اتفاق صمیمانه نماید و دیگر مخالفت با شاه پوشیده و در نهانی
نیست ـ در این اوقات از انتخابات جدیده گفتگو میرود

(امضا) سسیل اسپرینك رایس

در تلو نمره (٣٤)

نخبهٔ از حوادث یکماهه

اوضاع عمومی

تمام مملکت دچار حالت بدی شده واز ماه گذشته اوضاع عمومی آن بدتر گردیده ـ مستبدین برای پیشرفت مقاصد خویش بدسائس و وسائل مصنوعه اغتشاش طهرانرا فراهم آوردند ـ هر چند دولت اظهار بی پولی میکند و اجتماعات ساختگی همه روزه تشکیل میابد معهذا اثر خطری بران مترتب نباشد و باانیکه در بعضی ولایات مخصوصاً در شمال غربی گاهی مرتکب دزدی و سایر شرارتها می شوند لیکن احتمال آشوبی نمی توان داد که بدانواسطه جان و مال اتباع خارجه در مخاطره افتد .

چنانچه مسطور و مندرج نموده اند در سنوات ١٨٩٢ و ١٨٩٣ یعنی در سالهای آخر سلطنت ناصرالدین شاه اوضاع از حیث سبب وباعث خیلی باجهات حالیه مشابهت داشته اگر چه در آنوقت نه بدولت روس مقروض بودند و نه مجلس ملی وجود داشت .

در طهران بریاست یکی از ملاهای بزرك بمخالفت مجلس هیجان و اجماع نمودند ـ مخارج آن بواسطه شاه و درباریان مستبدیکه اطراف ویرا داشتند داده می شد ـ در یك موقع

نزدیك بود نزاع وخونریزی بوقوع انجامد لیکن رؤسای آزادی خواهان بتدبیر و کیاست طریق آنرا مسدود کردند

کمی پول و احتیاج به آن که مخصوصاً بدولت و قسمتی از طبقات رسمی و تجار اثر شدیدی نموده مانند همیشه وسیله استقراض خارجی خواهد شد .

منفعت قسط قرض پروسیرا که موعد آن ١٤ ژویه بود پرداختند و ازبابت قروض جاری دولت (که ببانك روس از قرار صد دوازده پانصد هزار لیره و ببانك شاهنشاهی نیز از قرار صد دوازده چهار صد هزار لیره مقروض میباشد) چیزی داده نشده همچنین قروضیکه بصرافان ایرانی دارد هنوز در بوته تعویق باقی است

سربازها بعنوان اخذ حقوق عقب افتاده اجتماع نمودند و معلوم است تحریك وساختگی بوده و از این قبیل دسایس تازگی ندارد ـ عده از صرافان ایرانی که ادعای طلب هنگفتی ازدولت می نمایند و تاحال مدت سه سال است از موعد ادای آن گذشته در خانه اتابك متحصن شده اند و شاید محرك آنها را باین کار دعوت نموده باشد ـ وجمع کثیری از مستخدمین دولتی درمیدان توپخانه اجتماع کرده مطالبه مواجبهای گذشته را می نمودند ولی چون بایشان اطمینان و مواعید بسیار داده شد که بهمین زودی قراری درحقوق آنها داده شود لهذا بکارهای خود عودت یافتند

آذربایجان

وضع تبریز ظاهراً بحالت سکوت و آرامی میگذرد ولی در زنجان و اردبیل اغتشاش عظیمی اتفاق افتاد ـ در زنجان مردم عمارات حکومتی را غارت و حاکم را از شهر خارج کردند ـ و در اردبیل خونریزی شدیدی رویداد و از قراریکه راپورت رسیده متجاوز از صد نفر در اوایل ماه ژوئیه در آنجا مقتول و مجروح گردیدند ـ سبب اغتشاشات در هر دو ولایت ظاهراً عمل انتخابات بوده .

رشت

زحمات و مشکلات ملاکین در برداشت سهم از محصولات تاکحال استدامه یافته ـ دهاتیان در بعضی از بلوك بصاحبان املاك و بکسانیکه از خارج حمل غله میکنند هنوز از دادن آن مقدار پیلهٔ ابریشم که معمول و بر حسب قرار داد ایشان است امتناع دارند ـ در طالش مردم املاك متعلق بحاکم را خراب و ویران ساختند .

حکومت در گرفتاری اشخاصیکه رعایا را تحریك بسرپیچی و امتناع از دادن سهم عایدات ملکی می نمودند همت گماشته و در آخر ماه ژوئن با اینکه صاحبان املاك مبلغ کثیری متضرر شده عاقبت محذورات مرتفع و اشکالات خاتمه یافته تمام ولایت را آرامی فرا گرفت .

مشهد

در کلیهٔ ایالت خراسان سکونت تامه موجود و حادثهٔ که قابل ملاحظه باشد بوقوع نیانجامیده و راپورت داده نشده است .

اصفهان

روز ۲۹ ژوئیه یکی از مستخدمین قونسولخانهٔ اعلیحضرتی را که جمعی بروی حمد می بردند کتك زده و محبوسش داشتند بعد تسلیم آقایان نموده ایشان اورا بقونسولخانه فرستادند و معذرتی نخواستند ـ این مطلبرا وزیر مختار اعلیحضرتی البته تعقیب می نمایند و چون باولیای محل فشار آورده شود عاقبت با اینکه بطول خواهد انجامید تنبیه لازمه و ادای خسارت نموده ترضیه خواهند خواست

یزد

در یازدهم ماه جاری دویست نفر از اهالی به تلگرافخانه که نیز محل ویسقونسول است متحصن گردیده از اجحافات نماینده وزارت مالیه که جهة تحصیل وجمع آوری مالیات مامور شده تعرض و شکایت دارند ـ اکنون مشغول اقداماتی هستند که بناهندگان را از تلگرافخانه خارج سازند

کرمان

اوضاع عمومی جنوب شرقی در تحت قواعد و انتظامات

معموله است

کرمانشاه

ظهیرالدوله حاکم همدان در ۲۰ ژوان وارد کرمانشاه شد و همان روز در تفرقه و حرکت دادن دو هزار نفر متحصنین قونسولخانهٔ اعلیحضرتی موفق و منصور گردید .

قونسول اعلیحضرتی سالارالدوله را روز ۲۲ ژوان تسلیم ظهیرالدوله داشت و پس از مختصر زمانی او را بمصاحبت سیف‌الدوله حاکم که از وی شکایت داشتیم بطهران کسیل داشتند — احتمال دارد حکومت کرمانشاهرا بظهیرالدوله تفویض دارند .

شیراز

کلیه اوضاع فارس بطور متوسط منتظم است

نمره — ۳۵

مکتوب سیراسپرینک رایس به سیر ادواردگری (۱۲ اوت)

آقای من　　　　از قلهك ۲۷ ژویه ۱۹۰۷

راجع بمکتوب مورخه ۱۲ همین ماه که بدولت ایران نوشته بودم وزیر امور خارجه مراسلهٔ جوابیه بتاریخ ۲۳ ماه جاری فرستاده که مشعر است برتاخیر تادیه اقساط استهلاك قروض طلبکاران انگلیسی برای مدت سه سال — اکنون باکمال افتخار ترجمه آنرا ارسال حضور میدارم　　　　(درغیاب سیراسپرینک رایس)

(امضا)　　　　چارلس - م - مارلینك

در تلو نمره (۳۵)

ترجمهٔ مراسلهٔ جوابیه علاء السلطنه به سیراسپرینک رایس

طهران مورخه ۲۳ ژویه ۱۹۰۷

جناب شما از اهتمامات مجدانهٔ دولت شاهنشاهی ومجلس مقدس ملی راجع باصلاح امور لازمه و تعدیل مالیه و نیز توسعهٔ تجارت بخوبی مستحضر میباشید ولی واضح است که این اقدامات را وقت شایستهٔ مناسبی لازم خواهد بود تا منتج نتیجه گردند و اقلا مدت سه سال وقت لازم است تابتوان اصلاحات ومقاصدیرا که در نظر است بعمل آورد .

از آنجا که مجلس شورای ملی دلگرمی بدوستی دولتین و همراهی دولت بریطانیای کبیر در ترقی منافع دولت شاهنشاهی دارد لهذا مخصوصاً بوزارت امور خارجه اظهار داشته که بکمك نمایندگان محترم انگلیس وروس مهلتی در تادیه اقساط قروض بانکها داده شود یعنی تامدت سه سال بتاخیر افتد چنانچه در ظرف این مدت از بابت استهلاك دین چیزی پرداخته نشود مگر منافع آن — هرگاه در مدت مذکور اصلاحات مالیه به آن وجهیکه در مد نظر است انجام بیابد آن وقت ممکن میشود بایك طریق شایستهٔ براقساط استهلاك افزوده و زودتر بادای دین موفق گردید .

دولت ایران و نمایندگان ملت امید است با این مساعدت دوستانه بتوانند وقت بدست آورده باصلاحات لازمه بپردازند و

خرج و دخل مملکترا بر اساس صحیح مخصوصی قرار دهند
نظر باعتماد تامیکه اولیای ایران بدوستی و نیات حسنهٔ امنای بریطانیا دارند رجای واثق است که آنجناب این مقصود و خواهش دولت شاهنشاهی را از لحاظ رجال مخصوصهٔ بریطانیا گذرانیده در اینخصوص مودت آندولترا نسبت بدولت ایران مستحکم سازند و چنانچه همیشه منافع دولت شاهنشاهی‌را منظور نظر داشته‌اند امید است در اینموقع هم که دولت مشغول اصلاحات است بردوستی دولتین بواسطه پذیرفتن این خواهش و نیز معاضدت در این موضوع زاید برآنچه بوده افزوده شود

(بامضا ومهر) علاء‌السلطنه

نمره – ۳۶

تلگراف سر ادواردگری به سراسپرینگ رایس

از وزارت امور خارجه – (لندن) – مورخه ۲۸ اوت ۱۹۰۷

بدهی دولت ایران بانگلیس

شما مجازید که باولیای ایران بگوئید دولت اعلیحضرتی در تعویق ایصال اقساط دین تامدت سه سال و فقط پرداختن ربح آن راضی گردیده مشروط بر اینکه تعهد کنند در استقراض از خارجه ابتدا دولتین انگلیس و روسرا مقدم داشته و نیز در ضرابخانه سکهٔ نقره را پس از انقضای قرار دادیکه نموده اند

دیگری انحصار ندهند .
هرگاه در ظرف این سه ساله از روی جدیت بانتظامات بپردازند دولت اعلیحضرتی اقساط پس افتاده این مدترا ابداً مطالبه نخواهد کرد

نمره – ۳۷

تلگراف سر – سی – اسپرینگ رایس به سر ادوارد گری

(اول سپتامبر)

از قلهك غره سپتامبر ۱۹۰۷

آقا

دیشب در موقعیکه اتابك از مجلس شورا خارج میشد هدف گلوله گردید و چون سه تیر بوی زده شده بود در بین راه که با کالسکه خویش بخانه اش حمل می نمودند وفات یافت — یکی از قاتلین پس از بقتل وردن سربازی که میخواست اورا دستگیر نماید خود را مقتول ساخته و یکی دیگر از آنها مقید گردید .

نمره – ۳۸

مکتوب سر – سی – اسپرینگ رایس بسر ادوارد گری

(وصول ۳ سپتامبر)

از قلهك بتاریخ ۲۱ اوت ۱۹۰۷

آقای من

باکمال افتخار خاطر آنجناب را مسبوق میدارد که روز ۲۹ زوان در اصفهان مردم یکی از غلامهای مستخدم قونسولخانهٔ اعلیحضرتی را در حوالی جلفا به تهمت مستی کتك زده و شب

محبوسش داشتند — صبح روز دیگر او را بایك مکتوب بدون امضا بقونسولخانه فرستادند و شخصیکه غلامرا تسلیم مستر برنهم داشت نوکر یکی از آقایانی است که حالیه در اصفهان اختیار و اقتدار کلی حاصل نموده - در ان مکتوب تقاضای عزل فوری غلام شده بود

من بفوریت یاد داشتهای سخت بدولت ایران فرستاده اشعار داشتم که در مواد معاهده توضیح و آشکار شده مستخدمین قونسولخانه در تحت حمایت انکلیس خواهند بود بدون امضا و رضایت اولیای امور بریطانیا نمی توان آنها را تنبیه و مجازات نمود - چون اتابك ووزیر امور خارجه اهمیت واقعه‌را دانستند فوراً وعده ترمیم آنرا دادند بعد شیوهٔ تسامح و غفلت همیشکی بظهور پیوست و من هم واضح داشتم که بر حسب تکالیف مجبور خواهم شد شرح واقعه را بدولت متبوع خود معروض دارم

در این موقع که دولت ایران میخواهد درخواست معاهده و قرار دادیرا نموده بدانواسطه دولت انکلیسرا درمسئله سرحدی مداخله دهد تقریباً یك نوع بدبختی دیدم که اهالی اصفهان بضدیت برخواسته از روی لجاجت تعهد معتبریرا که پادشاه ایران بنام خدا امضا نموده متزلزل دارند - وزیر امور خارجه و اتابك هردو خیلی متاسفند ولی بطور واضح میکویند که حکومت مرکزی مطلقا دارای قدرت نمیباشد - از آروزی که ظل السلطان ترك اصفهانرا

نمود آقایان و علما امور آن ولایترا بید تصرف در آورده بروفق میل خویش هر آنچه بخواهند صورت میدهند — حاکم قشون و استعدادی ندارد و مجازات اشخاص مقصر منجر به فتنه وآشوبی خواهد شد که محتمل است مسیحیان آنجا دچار خسارات شوند

من اظهار داشته ام که مسئله مجازات اشخاصیکه غلام قونسولخانه را اذیت کرده اند چندی بتعویق افتد و همچنین در خاطر خود باقی خواهم داشت سلوك حاکم‌را از اینکه اظهار تاسف نموده است - چنانچه مابین ملل متمدنه رسم است شخص اول هر مملکتی در موقع اینکونه اتفاقات محض دلجوئی معذرت می طلبد و ایشان این مسئله را هیچ بنظر نیاوردند — ولی حکومت مرکزی آنچه را که میتواند اقدام کند نبایستی کوتاهی نماید

بالاخره قرار شد نایب الحکومه و کار کذار که رتق وفتق امور شهر در موقع حادثه مزبوره و تاقبل از ورود حاکم بایشان واکذار شده بود باالباس رسمی بقونسولخانه آمده ترضیه بخواهند ومبلغ صدتومان بتلافی خسارت به پردازند — این مطلب بهمین طریق بختم انجامید

نتیجه این شد که قونسول دیکر در صدد تحقیق واستنطاق کسانیکه بدرفتاری باغلام نموده‌اند برنیاید زیراغلام تلافی خسارات وارضایت خویش دریافت داشته ونمایندکان حکومت مرکزی قرارشده است ترضیه بخواهند لیکن این حادثه را نمی توان مسکوة عنه

گذاشت ومرتکبین را مجازات نداد — گمان میکنم این مسئله وقتی امکان پذیر است که قوای آقایان وعلمارا که سوء استعمال نموده درمواقع فاسده بکار می‌برند ازایشان گرفته شود ـ مجلس ازوضع حکومت حاضر: اصفهان بخوبی مطلع میباشد وآشکارا از نقض معاهده و مخالفتیکه جدیداً شده و در آنخصوص معلومات خود را بیان کرده‌ام مذمت می نماید — نزدیک است آنروزیرا که منتظرند دررسد ومصلحت نیست ماخویشتن ویا اتابك را درمعرض حملات ملاها که منتهای قدرت‌را دارا هستند گرفتار نمائیم وچون نمیتوانیم اردوئی باصفهان گسیل داریم پس نبایستی درتهدیدات از نقطه معینی تجاوز کرد

هم اکنون مستر استووارت کشیش مقیم اصفهان اطلاع داد که هیچگونه علامت ضدیتی بادعاة انگلیسی دیگر موجود نیست و بدون هیچ تصدیعی مدارس و مریضخانه ایشان مفتوح و در جریان میباشند .

مستر برنهم درموقع حادثه ناگواریکه اتفاق افتاد کمال احتیاط وبردباری را بخرج داده است من خیلی مشعوف میشوم اگر اجازه بیابم ازطرف شما ویرا تحسین وتمجید نمایم — البته بواسطه این واقعه وجسارت مرتکبین بمقام او توهین وارد آمده واگر این قبیل اتفاقات دوباره تجدید بیابد آنوقت مطلب محتاج بملاحظات دقیقه خواهد بود — آنچه تحقیق وتجربه شده است

آنهمه تهدیدات فرقه علما قاعدة بموقع اجرا درنیامده و گمان میکنم تایك مدتی بسکوت خواهد گذشت

(امضا) سسیل اسپرینك رایس

نمره ۴۹

مکتوب سر - سی - اسپرینك رایس به سراد وارد گری -

(وصول سوم سپتامبر)

ازقلهك ۱۸ ژوییه ۱۹۰۷

آقای من

شرف دارم خلاصه حوادث ایران را که درظرف ماه گذشته اتفاق افتاده ومستر چرچیل موافق معمول جمع وثبت نموده‌ارسال حضور دارم .

دولت روس هنوز قصدش احتراز از مداخلات نظامی وورود دادن قشون است بااینکه کشتی های کوچك جنگی بانزلی روانه داشته وبر قوای نظامی سرحدی افزوده است — وزیر مختار آندولت بمن اطمینان میدهد که هرچند نمایش قوهٔ مسلحه وقشونی لازم میباشد لکن اقدامات مختصره ضروری نخواهد رسانید .

رؤسای طرفداران ملت بخوبی دریافته اند که اگر مستمسك وبهانهٔ بدست دول اجنبی باید حتماً مداخله خواهند نمود لهذا آنچه میتوانند درمسالمت باخارجه وممانعت ازهرگونه حمله وتعرض باتباع آنها فروگذار نمیکنند

عمل مالیه ترقی نیافته — کسادی وبی‌پولی دربازار شدت یافته — بانك ملی هنوز سرمایهٔ تحصیل نکرده ولی وزیر مالیه بامید کمك وهمراهی یافتن در اصلاحات مشغول کار شد و مجلس را وادار بقبول خواستن مستشاری از خارجه نموده که اسماً برای بانك ملی ولی معناً مستشار دولت باشد — پس از کوشش بسیار عاقبت دولت راضی گردید که از فرانسه یك نفر مستشار بطلبد

تاکنون بدهی دولت به بانك شاهنشاهی پرداخته نشده ولی از وزیر مالیه شنیدم که در فراهم ساختن ادای اینگونه قروض ساعی میباشند .

وزیر مالیه استعفای خود را از وزارت با اینکه پذیرفته نگردیده داده است وبشرطی آنرا مسترد میدارد که شاه ومجلس تواماً متعهد شوند قانونی را که برای اصلاح مالیه وضع وبهمین زودی تقدیم ایشان خواهد داشت به پذیرند

مجلس هنوز انعقاد میابد — و در ضمنیکه مردم برای جشن اعطای مشروطیت بایك حرارتی مناظر باشکوه ترتیب داده بودند مجلس نیز بگرفتن جشن وتشریفات پرداخت ولی تابحال کار مفیدی انجام نداده ونمیدهد — جلساتش بی نظم وهیچوقت از مذاکرات خود نتیجه قطعی حاصل نمیکند — مخالفت مخفیانه شاه و دوستانش باکمال مهارت و زرنگی بتوسط قسمتی از فرقهٔ

ملاها که پول گزاف دریافت میداوند بظهور میرسد و تا اندازهٔ مظفریت یافته برجرئت وجسارت قوای استبداد افزوده شده ولی رؤسای ملت ازاین دوشمنان در خوف وهراس نه بوده باقلبی مستحکم بیان میکنند که ازاین به بعد ممکن نیست دیگر سلطنت استبدادی درایران اعاده نماید

دشمن عمدهٔ مجلس اعضای خود آنست — انتظامات کلیه واقتدار واعمال عمومی ونیز قوه نفس کشی بهیچوجه وجود ندارد .

این مسئله حس شده است که اگر مجلس یك عمل معین .شخصی را نتواند سرمشق خود قرار دهد بی شبهه مردم سلب اطمینان از آن خواهند نمود وحتی دولت و مخالفین هم دو متفقند که اگر شاه سر تسلیم پیش نیاورده موافقت ننماید مسلماً هر اقدامی که در اصلاحات نمایند بی نتیجه خواهد بود وامکان ندارد کاری ازپیش برده شود بنابراین مجلس مصمم گردید یك هیئتی را باسم نماینده حضور شاه بفرستد و باکمال عجز استدعا کنند که آن اعلیحضرت اعتماد خودرا نسبت بوکلای ملت مشهود ساخته از روی واقع وصمیمیت درنجات ملت معاضدت فرمایند — لیدر (رئیس مخالفین بمن ثابت داشت که شاه چنان دشمن اساس حاضره است وضدیت درتمام عروق او ریشه دوانیده که هرگز تن بهمراهی نخواهد داد مگر اینکه از خارجه اورا حمایت نکنند یعنی

بنا بر عقیده او اگر دول خارجه ایرانرا بحالت خود باقی گذارند شاه مجبور بموافقت وتسلیم شده آنوقت مجلس بهر کاری اقدام نماید منتج نتیجه خواهد گردید — یکی از اعضای دولت ودوست صمیمی اتابك همین عقیده را اظهار مینمود

اتابك بواسطه ملول بودن وهراس ازجان خویش ونداشتن اعتماد بشاه بانهایت میل مذاکرهٔ استعفای خودرا مینماید — چون وی واسطه بین شاه ومردم یعنی از حیث مقام دومین شخص وصاحب تجارب کثیره وعالم بر کیفیات مملکت است لهذا میتوان از وجود او فایده حاصل نمود لیکن رفع اشکالات را فقط بفراهم آمدن یکمقدار پول میداند و درحقیقت نبودن پول سبب پیش رفتن کارها وعدم انتظامات خواهد بود — وزیر جنگ معزول گردید و بجای او شخص دیگررا منصوب نساخته اند — راه اصفهان بتوسط دزدها که سعی درسرقت پست دارند مسدود شده است

ملاها ولایت اصفهان را قبضه نموده بمیل خود حکومت می نمایند ولی نتوان گفت بی نظمی از آنچه سابق روی میداد حالیه زیادتر ویاخطر مخصوصی برای اتباع خارجه موجود باشد — معهذا اگر این ترتیبها مدتی بطول انجامد واصلاح مالیه را ازعهده بر نیایند احتمال دارد منجر بمداخله اجانب شود وفقط همین کار وسیله خواهد شد که دراستقرار نظم اهتمام نمایند — مردم از

انجمله شاه مشتاق یك چنین روزی میباشند وحاضرند آنرا استقبال کنند وجمعیت کثیری برای رفع بهانه ومنع ازمداخلهٔ اجانب معین شدند لیکن نمیتوان گفت ایشان تاکنون بقصد آن باشند که از روی میل واراده منافع ومقاصد شخصی خودرا فدای نیك بختی ملت نمایند — کسانیکه به تماشا ومناظره اوضاع همی مشغولند عقیده شان بالاتفاق اینست که هیجان وطن دوستی ملی اشتعال یافته و آن یك رویه واساسی است که بالاتبك ایرانرا بخطر خواهد انداخت ·

(امضا) سسیل اسپرینگ رایس

ملفوف نمره ٣٩

خلاصه حوادث یکماهه

اوضاع عمومی

شمال ایران بحالت تزلزل باقی ولی سایر قطعات مملکت ظاهراً ساکت است ودر اوضاع طهران هیچگونه تغییری روی نداده ·

آذربایجان

در تبریز سکوت وآرامی مداومت دارد لیکن ماه گذشته خبر رسید که مجدداً طغیان اغتشاش در اردبیل بظهور پیوست — مردم بخانهٔ آگنت روس حمله آورده آنجارا غارت کردند ودر سنارا ابنیه ماهی گیرهای روسی را سوزانیدند

چون نظام الملك آن قوه را نداشت که از عهده مخالف این اوضاع برآید لهذا شاهزاده فرمانفرما را که وزیر عدلیه بود معجلا بصوب آذربایجان از راه انزلی روانه داشتند تا حکومت آن ایالت را از نظام الملك گرفته خود بفرمان روائی آنجا اشتغال ورزد .

رشت

مختصر اغتشاش در محال اطراف اتفاق افتاد ایکن شهر رام بود

اصفهان

مامور شیخ فضل الله از طهران بدین جا وارد گردید که برضد مجلس فرقه تشکیل دهد — مشار الیه مجلس را بابی و بیدین میخواند وبعلاوه میگوید این اساس پارلمانی که گسترده شده نتیجه اش برچیدن بساط مذهب اسلام است .

از قرار معلوم مجلس طهران نیز یکنفر نماینده فرستاده که اقدامات مامور شیخ را خنثی نماید

آقایان نفوذ خود را دارا میباشند بحدی که حاکم اظهار میکند نظر بمخالفت آقایان یعنی آقا نجفی و برادرش عاجز است از گرفتاری اشخاصیکه غلام قونسولخانه را زده اند .

سیستان

ملاها بنا بر موافق انجمن ولایتی بسی موعظه نموده ودراین موضوع تلگرافات چند مابین ایشان ومجلس طهران مخابره شده

آنچه معلوم است این جنبش محصور بفرقه علما میباشد درصورتیکه حاکم محلی مخالفت وضدیت میکند .

کرمانشاه

شهر تا آنمقداریکه مربوط باخراب است آرام ولی دزدی وقتل دائم الوقوع است وهنگام شب برای تردد عابرین درشهر امنیت نیست

بوشهر

مدت این چندماه اخیره شیوع بی قانونی در بوشهر طرف توجه واقع شده و آنرا بعدم کفایت حاکم نسبت میدهند .

دراین تازگی دلاك سپاهیان مامور مقیم را در دومیلی شهر در شاه راه لخت نمودند ودرشهر خانه یکی ازاعضای کمپانی انگلیسی را شکسته داخل شده اند و متجاوز از هفتاد لیره اجناس بسرقت برده اند

(امضا) چرچیل

از قلهك پانزدهم اوت ۱۹۰۷

ضمیمه خلاصه وقایع ماهیانه

قونسول جنرال دولت فخیمه مقیم اصفهان تلگراف می نماید که بواسطه ناامنی راهها تجارت مفلوج گردیده — دستجات معظمی از بختیاریها راه بین سوه ونظام آبادرا اشغال نموده اند و درهمان تلگراف میگوید هفته گذشته هرآنکس عبور از آن راه کرده گرفتار دزدها شده است و از جمله دویست را بسرقت

برده اند وحاکم اظهار عجز می نماید

(امضای مختصر)　　　جی - بی - سی

طهران یازدهم اوت ۱۹۰۷

نمره ـ ۴۰

تلگراف سیر ادوارد گری بسیراسپرنیك رایس

آقا　　　از وزارت امور خارجه (لندن) ۷ سپتامبر ۱۹۱۷

شما باوزیر مختار دولت روس بایستی متفقاً مکتوبی بمضمون واحد رسماً موافق مطالب ذیل بدولت ایران ارسال دارید .

« چون دولتین انگلیس و روس مایلند از آنچه سبب اختلاف وتصادف بین مصالح ومنافع آن دو دولت درقطعات معینه ایران یعنی ازطرفی متصل یا مجاور بسرحدات روس و ازطرف دیگر بحدود بلوچستان وافغانستان اجتناب ورزند لهذا دراین موضوع قرار داد دوستانهٔ امضاً نموده اند .

« دولتین بواسطه این قرار داد درمقابل یکدیگر تقبل می نمایند که استقلال تامه و تمامیت ایران را رعایت کنند واظهار میدارند که نه فقط صمیمانه مایل باستقرار دائمی منافع صنعتی و تجارتی سایر ملل بطور تساوی بوده بلکه خواهان ترقی مسالمتانه مملکت ایران نیز میباشند .

« بعلاوه هریك از دولتین متعاهدتین تعهد میکنند که هیچ قسم امتیازی درنواحی متصل یانزدیك بحدود دیگری تحصیل ننمایند .

« نظر باینکه درآتیه سوء تفاهمی حاصل نشود و بملاحظه اینکه وضعی درامور ایجاد نگردد که بعدها از جهتی دولت ایرانرا دچار موقع مشکلی نماید لهذا قطعات سابق الذکر صراحتاً درقرار داد تعیین شده است .

« ضمناً مالیات‌هائی که تخصیص بتامین قروض دولت ایران ببانك استقراضی وشاهنشاهی داده شده اعتراف می نمایند وتصدیق میکنند که درآتیه کماکان مالیات های مزبوره تامین قروضرا نمایند ودر صورت مشاهدهٔ بی ترتیبی درتادیه اقساط استهلاك و یامنافع قروض مذکوره دولتین بعهده میگیرند که بوسیلهٔ قرار دادمتفق علیهٔ اقداماتی که برای تاسیس کنترل لازم باشد معین کردانند و دوستانه تعاطی نظریات نموده واز هرگونه مداخلهٔ که با اصول اساسی قرار داد منافات داشته باشد احتراز جویند

« دولتین درامضای قرار داد باعزم ثابت این اصل اساسی را درنظر داشته که استقلال و تمامیت ایران کاملا و مطلقا رعایت گردد — یگانه مقصود از این قرار داد همانا اجتناب از هرگونه سبب وسوء تفاهم بین طرفین متعاهدتین در زمینه امور ایران می باشد — بر دولت شاهنشاهی معلوم وثابت خواهد شد که قرار داد فیمابین روس وبریطانیای کبیر باعث ازدیاد سعادت — امنیت بالاخره ترقی وتعالی ایران به بهترین شکلی خواهد بود »

بایستی ازدولت ایران خواهش نمود که این اطلاع‌را محرمانه

فرض کنند تازمانیکه دراین جا * طبع ونشر شود

اگر تحقیق مفاد و معنای قطعات متصلهٔ بحدود دولتین را بنمایند شرح ذیل را نزد ایشان ارسال دارید

« خط روس ابتدا از قصر شیرین شروع وازاصفهان — یزد - وکاخ عبور نموده آن بلاد را شامل و بالاخره در نقطهٔ ازسرحد ایران که در آنجا حدود روس و افغان تقاطع مینمایند منتهی میشود .

« خط انگلیس شروعش از سرحد افغان شده ازطرف غازیك — بیرجند و کرمان گذر کرده در بندرعباس بانتها میرسد »

نمره — ۴۱

مکتوب سراسپرنیك رایس بسراد وارد گری — (وصول ۳۰ سپتامبر ۱۹۰۷)

آقا

از قلهك مورخه ۱۳ سپتامبر ۱۹۰۷

موافق دستوریکه آنجناب مورخهٔ ماه گذشته راجع بتعویق تادیه اقساط استهلاك تا مدت سه سال داده بودند یادداشتی بزبان فارسی بوزیر امور خارجه ووزیر مالیه ایران ارسال داشتم که اکنون ترجمه آنرا لفاً باکمال افتخار معروض میدارم . ولی دولت ایران تاکنون از رسید آن اطلاعی نداده است

---

* مقصود در لندن است

(امضا) سسیل اسپرینك رایس

مافوقه نمره ۴۱

(ترجمه یاد داشت) سراسپرنیك رایس به پرنس علاء الدوله

خدمت حضرت اشرف از قلهك بیو یکم ماه اوت ۱۹۰۷

سواد یاد داشت مورخه ۲۳ ژوئیه حضرت اشرف را راجع بخواهش دولت ایران از دولت فخیمه انگلیس که درتعویق اقساط استهلاك دین تامدت سه سال مساعدت شود بدولت متبوعهٔ خودم انهاء داشتم .

دولت فخیمه ازشنیدن اینکه دولت شاهنشاهی ومجلس مقدس ملی مشغول اقدامات مجدانه دراصلاحات لازمه و تعدیل مالیه ونیز توسعهٔ تجارت میباشد مشعوف و خرسند شده است و اینکه بیان نموده اند برای این اقدامات مدت شایسته مکفی اقلا سه سال لازم باشد تابتوان باصلاحات و مقاصدیکه درمد نظر است موفق گردید مورد توجه افتاد

عقایدیکه حضرت اشرف ازطرف مجلس ملی راجع بدوستی موجوده بین دولتین اظهار فرموده بودید کمال قدر شناسی را نموده دولت متبوعه من نیز همان عقاید را دارا است وپس از آنکه مضامین مکتوب شمارا باآن دلایل خوبی که اقامه کرده بودید ملاحظه نمودند بمن دستور دادند که خواهش دولت ایرانرا درخصوص تاخیر سه سالهٔ تادیه قروض به پذیرم چنانچه در ظرف این مدت چیزی از

بابت استهلاك دین پرداخته نشود مگر منافع آن تاآنکه دولت ایران ونمایندگان ملت وقت یافته باصلاحات لازمه واجرای آن بپردازند ودخل وخرج مملکت را برپایه صحیحی قرار دهند .

بایستی بخاطر نشان نمایم که دولت اعلیحضرتی درازاء قبول این خواهش چنین میفهمد که شروط ذیل ملحوظ خواهد افتاد - :

اولا — معلوم است که دولت ایران موافق قانون کلی دائن ومدیون هیچ قرار داد استقراض جدیدی با خارجه نخواهد نمود مگر آنکه حق تقدم را باهمان شروطی که دراستقراض بادیگری مینماید به وام خواهان خویش یعنی انگلیس وروس بدهد — دلیل این شرط برشما واضح میباشد زیرا برحسب قانون وعادت مرسومه هرمدیونی که بادائن قرار دادی میکند نبایستی بدون اینکه ابتدا حق تقدم را بطلبکار اولیهٔ خود بدهد از محل های دیگر استقراض نماید .

ثانیاً معلوم است که دولت ایران نظر بازادی منافع تجارتی حفظ خواهد نمود قولی را که اتابك در بیست وهفتم اکتبر ۱۹۰۱ داده بود وامسال هم آنرا تصدیق داشته اند که « دولت ایران انحصار سکه نقره را در ضرابخانه دولتی بهیچ کس امتیاز نخواهد داد ونیز باتمام اشخاصیکه نقره وارد می نمایند خواه ایرانی باشند ویا غیر آن بطور تساوی وبدون تفاوت رفتار خواهد کرد » :

ثالثا — دولت اعلیحضرتی خواهش دولت ایران را

پذیرفته و ازحقوقیکه برطبق تعهد برآنها تعلق گرفته صرف نظر مینماید تادولت و مجلس وقت توانند یافت که باصلاحات لازمه پرداخته خرج و دخل مملکت را بر اساس صحیحی بگذارند معهذا اگر دولت فخیمه انگلیس اطلاع بیابد که سعی و کوشش جدی در اجرای آنگونه اصلاحاتی که میگوئید بعمل آورده نشود آنوقت باکمال افسوس حق مطالبهٔ تادیهٔ اقساط پس افتاده استهلاك دین را درهرموقعی ازاین سه سال آتیه خواهد داشت

(امضا) سسیل اسپرینك رایس

نمره ٤۲

قسمتی از مکتوب سیراسپرینك رایس به سرادوارد گری

(وصول ۳۰ سپتامبر)

آقا — از قلهك ۱۳ سپتامبر ۱۹۰۷

باکمال افتخار معروض میدارم که اتابك درسوام ماه گذشته هنگام شب بملاقات من آمد و مفصلا از اوضاع سیاسی گفتگو نمود

مفهوم بیاناتش این بود که شاه از ضدیت دست خواهد کشید ومخالفت را متروك میدارد — مجلس بادولت موافقت خواهد نمود وچندی نمیگذرد که دولت خواهد توانست بی نظمی که سراسر مملکت را فرا گرفته مرتفع سازد — من ویرا بدینگونه مشعوف ودر حال وجد وامید واری هیچگاه ندیده بودم .

روز دیگر اتابك با وزرا حضور شاه شرفیاب گشته مجتمعاً استدعا نمودند که یا استعفای ایشان را بپذیرفته و یا از روی واقعیت متعهد گردد که با هیئت دولت و مجلس اتفاق و همراهی فرماید. پس از اخذ تعهد کتبی همگی بمجلس رفتند و در آن روز مذاکرات مجلس کلیتاً مبنی بر اتفاق و رضایت بخش بود — اتابك دستخط شاه را قرائت نمود و گفت اکنون دولت و مجلس میتوانند داخل در کار شده جداً بعمل اصلاحات بپردازند — جزئی ایراد و مخالفتی خواست بظهور رسد و لیکن از آن جلوگیری گردید — اکثریت مجلس همراهی خودرا با دولت اظهار داشت — خلاصه اتابك از مجلس برخواست و باتفاق آقا سید عبدالله مجتهد بزرك بیرون آمد چون بدرب خارجی صحن عمارت رسیدند بمحض جدا شدن از یکدیگر اتابك هدف گلوله و در سر تیر مقتول گردید — یکی از حمله کنندگان که گرفتار آمد دستگیر کننده را مجروح ساخته فرار کرد و دیگری چون خویشتن را محصور یافت خودرا بضرب گلوله هلاك نمود — جسد اتابك را در کالسکه شخصی خود بهمراهی دو نفر سید حمل کردند و درخانه شهریش قرار دادند و بتهیه لوازم مجلس ترحیم پرداخته گردید لیکن چون مکتوبات تهدید آمیز بدون امضائی فرستاده شده مشعر بر اینکه اگر رسومات تعزیه داری را فراهم آورند هر آینه آن خانه را از بنیان برانداخته ویران خواهند ساخت لهذا از ترس مراسم تعزیه داری را موقوف داشتند و بنا بر

اطاعت امر شاه اول ماه جاری بهنگام شب جسد اتابك را با کمال آرامی و سکوت بیست و پنج ساعت پس از مقتول گردیدن و چهار ماه بعد از مراجعتش بایران بطرف قم حرکت دادند .

خبر قتل وزرائیم ساعت پس از وقوع آن بتوسط یکی از اجزای بانك شاهنشاهی موسوم به مستر برون اطلاع یافتم — فوراً مستر چرچیل بطرف خانه ییلاقی اتابك شتافت که خانواده اش را ازاین حادثه مطلع سازد — من خود نیز بسفارت روس رفته مسیو دوهار تویك را در آنجا ملاقات کردم — ومتفقاً قرار دادیم که دراین مسئله اقدامی نشود مگر آنکه منشی های شرقی سفارتین را بحضور شاه روانه داشته اظهار تاسف ازاین واقعه بنمائیم واگراو ما صلاح اندیشی کند بگوئیم بهتر آنست از آنگونه کارهائی که سبب هیجان افکار عمومی خواهد گردید مانند منفصل نمودن مجلس ویامقید ساختن وکلا اجتناب بورزد وتاممکن است این قضیه را واگذار بوزرا ومجتهدین و به مجلس نماید .

روز دیگر مستر چرچیل باهمقطار روسی خود خدمت شاه شرفیاب گردید — اعلیحضرت ایشان را باحضور وزیر امور خارجه فوراً بار داد وآنها پیغام تاسف وتالم مارا تقدیم نمودند وشاه مختصر جوابی بعبارات رسمی بیان فرمودند — معلوم بود که نه شاه ازمرك ناگهانی رئیس الوزرا چندان ملول ونه درباریان ازبابت آن افسرده حال بودند — وشاه از ملاحظات اوضاع سیاسی هیچ فتح

باب سخن نه نموده و این شرفیابی فقط برسومات ساده در کذشت .

تا چندی قبل در جراید محلی وافواه شایع بود که اتابك مخفیانه باشاه سازش نموده که مجلس را برچیند و مملکت را بروس بفروشد ونیز از اعضای مجلس اظهاراتی بهمین مفاد بمن رسید .

هیچ شکی نیست که احساسات برضد اتابك منتها شدت را دارا بوده .

یکنفر طبیب فرانسوی که یکی ازحمله کنندکان باتابك را چندی قبل ازوقوع قتل معالجه نموده بود بمستر چرچیل حکایت و مسلم میداشت که آن شخص ودوستانش از مردمان سلیم آرام واز محترمین اواسط الناس وبواسطه حس وطن پرستی چنان مشتعل بودند که جان خود را درخدمت مملکت خویش برای فدا ساختن حاضر داشتند .

تاچندی کذشته تاخت وتاز براتابك منتهی درجهٔ شدت‌را یافته جالب دقت عامه کردیده بود — این مسئله درمجلس موضوع مذاکره واقع شده آقا سیدعبدالله مجتهد بزرك درسر زنش سعدالدوله که محرك هیجان ضدیت بااتابك دانسته شده بود نطق آتشینی نمود و رئیس مجلس اظهار داشت که اکر اتابك استعفا بدهد هرآینه او نیز استعفا خواهد داد زیرا مستعفی شدن اتابك هیچ مدلول وجهتی نخواهد داشت مکر انفصال فوری مجلس — اکثریت مجلس

با اتابك همراه بود ولی افکار عامه این همراهی را شاهد طرح یك نقشه و تدبیر سوئی مابین اتابك و اکثریت مجلس که کمان شده بود بکرفتن پول رام شده اند بنداشته چنانچه در مورد آقا سید عبدالله این مسئله را حتمی میدانستند — در شهر هیجان مردم رو بازدیاد نهاد ودشمنان اتابك آتش فتنه را برای پیشرفت مقاصد خویش روشن می‌نمودند .

طبیعی بود که باین اوضاع اقدامات شدید تری پیش خواهد مد .

از قرار معلوم مقتنین بایکی ازانجمنهای سری که‌درطهران عده آنها بسیار است مرابطه داشته اند وبرخی از کسان خویش‌را که هم پول فراهم ورده وهم اطلاع از اخبار مهمهٔ دربار میدادند واداار بدخول درعضویت آن نودند -- اکنون سهل کردید که اعضای انجمن را متقاعد سازند باینکه فقط راه نجات مملکت دراعدام اتابك است که باشاه مخفیانه درخرابی کوشش می نماید و عنقریب مجلس را درتحت اقتدار خویش درآورده بکمك رئیس مجلس قرضه دیکری ازخارجه استقراض خواهد نمود — احکام اعدام وی صادر کردید ودرهمان روزی اجرا یافت که‌ظاهراً بمظفریت خویش نایل آمده بود .

عموم مردم وقوع این قتل‌را تمجید میکردند وحمله کنندکان را ناجی مملکت میخواندند — درتبریز کوچه هارا چراغان نموده

وآئین بستند .

اما نتیجهٔ که ازقتل اتابك منتج خواهد شد هماناگسیخته شدن رشته امور وتا مدتی عدم انتظام درقواعد حکومت خواهدبود وافکار عموم قتل اتابك را ازروی استحقاق می پندارند واکنون درایران حس وطن پرستی وتصمیم درمعدوم ساختن هر ایرانی که فرض شود اقدام درفروش مملکت خویش می نماید چنان اشتعال و قوتی دارد که ازاین پیش هرگز وجود نداشته ویك عنصر جدیدیست که درحیواة ایرانی پدیدار گردیده — ممکن بود این احساسات را برای برداشتن یك وزیر عمدهٔ بکار برده باشند ولی واضح است که هیچیك ازاولیای سیاست نمی تواند این حسیات را به نظر حقارت به نگرد

نمره — ۴۳

مکتوب سراسپرنیك رایس به سرادوارد گری —

(وصول ۳۰ سپتامبر)

آقا

از قلهك ۱۳ سپتامبر ۱۹۰۷

اوضاع بدتر گردیده وبی نظمی مملکت بواسطه مردن اتابك افزایش یافته است — اصفهان در تحت تصرف و اقتدار ملاهای بزرك که مردم را تحریك واتباع خارجه را تهدید مینمایند درآمده — راه مابین اصفهان وقم را دسته از بختیاریهای مسلح اشغال کرده وقوافل وپست را سرقت ومسافرین را اذیت مینمایند

ومخصوصاً راه تجارت را برباختن مسدود داشته واحکام و اقتدار دولت را بهیچ می‌شمرند — ازقراریکه کاپیتن لوریمر میگوید انگلیس های مستخدم اداره کمپانی نفط در معرض مخاطرهٔ عظیمی واقع شده اند .

هنوز درپرداخت وایصال منافع طلب انگلیس هیچ اقدامی نه نموده اند — درآمد گمرکات بوشهر را که برای منافع قرضه مذکور تامین داده شده بود دولت بمصرف دیگر میرساند وحتی عمرد گمرکات کرمانشاه که ازابتدا جهة تادیهٔ این مسئله معین شده‌بود اکنون باکمال بی ترتیبی به بانك شاهنشاهی ایصال میدارند وچون مالیات ازولایات وصول نمی شود لهـذا غیر ازعایدات گمرکات برای دولت محل عایدی دیگری موجود نیست وشاه بصعوبت مخارج شخصی خود را فراهم آورده و ملازمانش اتصالا از خدمت تعطیل می نمایند .

دراین تازگی هیئتی مشیر الدوله را ملاقات و بوی تکلیف بپذیرفتن شغل نموده مشارالیه ازقبول آن امتناع میداشت مگراینکه پول باو برسانند و بیکفت هرگز مسئولیت خطرناك استقراض از خارجه را بعهده نخواهد گرفت واگر اهالی ایران تدارك سرمایه لازمه برای اجرای امور دولت ببینند وباراضی نشوند که دولت از نقاط دیگر تحصیل آنرا نماید طولی نخواهد کشید که تشکیل هرکابینه غیر ممکن خواهد گردید .

ازموافقت با مجلس که البته بدون آن حالت هرج و مرج مداومت خواهد یافت هیچ علامت و قرینهٔ مشهود نیست — انجمن‌های سیاسی که درحقیقت حکومت و فرمانفرمائی مملکت را مینمایند کمال بی اعتمادی را از شاه و وزرای او دارند و معروف است که شاه با مشروطه جداً مخالف و ضد میباشد — احتمال دارد بواسطه اوضاع کنونی بر منافع انکلیس ضرر وارد آید — شاید یک کابینهٔ موافق اساس مشروطیت تشکیل یابد که دارای قوه و قدرت کافی باشد که رفع بی نظمی را نموده مالیات را جمع آوری کند وگمان میکنم مصلحت است تاچندی منتظر اتفاقات آتیه بشویم چنانچه اگر تا بهار آینده بهبودی حاصل نگردید آنوقت آندولت‌ها ئیکه علاقه عمده دارند برای حفظ منافع خویش درصورتیکه خالی از اهمیت نباشد باقدامات لازمه شروع نموده لاکن بعقیده من درآن ضمن نبایستی طوری اقدام کردد که عصبیت عامه بهیجان درآید .

(امضا) سسیل اسپرینک رایس

نمره — ٤٤

مکتوب سراسپرینک رایس به سرادوارد گری —

(وصول ۳۰ سپتامبر)

آقا ازقلهك ۱۳ سپتامبر ۱۹۰۷

افتخار دارم خلاصه حوادث یکماهه را درطی همین عریضه حضور آنجناب معروض دارم

صنیع الدوله که اتابك را همراهی نموده ومخالفت مجلس را نسبت بمشار الیه بطور موقتی مرتفع ساخته بود اکنون استعفا داده است واحتشام السلطنه که مامور کمیسیون سرحدی تسویه حدود ما به النزاع ایران وعثمانی شده بود وبتازکی ازموصل مراجعت نموده بجای صنیع الدوله بریاست مجلس انتخاب گردید — چندی دربرلن ازطرف ایران وزیر مختار بود ومخصوصاً بواسطه رفتار دلیرانه اش که در ماه مه (۱۹۰٦) آشکارا خواستار تجدد گردیده وبدان جهة تبعیدش نموده بودند شهرتی یافته است — وگفته بود که من « برای کاریکه بایستی انجام یابد ونیز جهة آزادی مردمان ایران ایستادگی کرده خودرا وقف این مقصود خواهم گردانید — بلا شبهه مردیست صاحب عزم وجرئت وریاستش درمجلس با این اوضاع کنونی دارای اهمیت بوده ویقیناً اسباب پیشرفت نفوذ پارلمنت خواهد گردید .

(امضا) سسیل اسپرینک رایس

ملفوف نمره — ٤٤

خلاصه وقایع یکماهه

طهران

اتابك اعظم در ۳۱ ماه اوت چنانچه مفصلا درمکتوب جداگانه راپورت داده شده بود بقتل رسید .

مجدداً کابینهٔ موافق ذیل تشکیل یافت

	کابینه قدیم	کابینه جدید
داخله	اتابك اعظم . .	مشیر السلطنه
وزارت امور خارجه .	علاء السلطنه . .	سعد الدوله
مالیه	ناصر الملك . .	قوام الدوله
عدلیه	علاء الملك . .	مشیر الدوله
جنك	مستوفی الممالك . .	بدون تغییر
تجارت	وزیر همایون . .	مجد الملك
معارف	مخبر السلطنه . .	نیر الملك
فوایدعامه	مهندس الممالك . .	بدون تغییر
حاکم طهران . . .	وزیر مخصوص . .	نظام الملك

تبریز

اوضاع درظرف ماه کذشته همه روزه روی به بهبودی نهاده و اکنون بحالت عادی جاریست — راپورتی که از خوی رسیده اشعار میداود که اغتشاشات منجر بخون ریزی کردیده است — فرمانفرمای جدید آذربایجان در اجرای امور باانجمن متفق ومساعد

میباشد وچون قیمت نانرا تنزل داده لهذا طرف قدر شناسی اهالی واقع شده است

اصفهان

راه های سمت اصفهان بواسطه دزدان بکلی برای مسافرین نا امن کردیده — پستی که اول ماه اوت بطرف طهران روانه کردیده بود مابین اصفهان وطهران درنظام آباد بسرقت رفت — این دومین سرقتی است که در ظرف پنج هفته دوهمین نقطه اتفاق افتاده — دونفر روسی را در دوموقع دزد زده ویکنفر کشیش ایطالیانی وعامل رژی توتون که اروپائی و جدیداً فرستاده شده باجمعی از ارامنه و سایرین نیز کرفتار سرقت آمدند — عدهٔ دزدها از قراریکه کفته میشود سی نفر میباشند وآشکارا در نزدیکی نرق چادر زده وهمینکه کاری ویا کالسکهها درآنجا توقف مینمایندفوری برای تحقیق ازحال آنها جاسوس میفرستند — برای مجلس بتوسط همان اشخاصیکه اموالشان را بسرقت میبرند کاغذ ارسال میدارند ودرآن اسامی خود را نوشته مجلس را بمبارزت میطلبند که اکر میتواند آنانرا ازآن نقطه متفرق سازد .

عموماً مذکور میشود که این دزدها از اتباع صمصام السلطنه ایلخانی بختیاری میباشند وریاست دزدها را به غریب خان میر آخور ظلالسلطان نسبت میدهند — قنسول جنرال اعلیحضرتی برای عبور کاروانهای لینچ از این راه سعی نمود که تحصیل امنیت

نماید — صمصام السلطنه که بحکم اتابک مرحوم مامور تنظیم وتامین این راه گردیده بود معلوم شد مایل باقدام در این کار نیست وحاکم اصفهان عدم مسئولیت خودرا کتباً اظهار داشت — معهذا مشار الیه چند نفر قزاق باقره سوران در راه فرستاد ودو پست سالماً از آنجا عبور کرده وارد شد — نا امنی راه مانع است از اینکه مستر لینچ حمل مال التجاره نماید — در راه های بختیاری وسلطان آباد نیز سرقتها بظهور پیوسطه و از قراریکه راپورت داده‌اند در راه بین اصفهان وشیراز سه پست را دزدهات از ترس دزدهائیکه آن راه هارا اشغال کرده‌اند مخفی داشتند .

شهر اصفهان کاملا بی نظم است — اتباع آقایان هفته دو روز درمیدان بزرك نمایش میدهند واکثر آنها با اسلحه آتشی میباشند واتصال بر عده آنها افزوده می‌شود زیرا از دهاتیکه متعلق بدیگران است رعایا از برای اینکه درحمایت آقایان بوده واز دادن مال الاجاره ویا آنچه بدهی ایشان است سرتافته ورهائی بیابندباسم « فدائی » بایشان ملحق می‌شوند — این اشخاص را اجزای افواج سابق ظل السلطان مشق میدهند که برای همین مقصود ایشان را در هرجا که بوده‌اند تجسس کرده باین کار گاشته اند .

روز سیزدهم اوت جمعی از سادات و تجار داخل انجمن ولایتی گردیده گفتند باید بدانیم بچه جهة آقایان حمل غله و گندم را

به یزد منحصر بخود نموده اند — بحکم آقا نورالله آن جماعت را زدند و از آنجا خارج ساختند — چون آقایان سعی کردند که برقیمت نان بیفزایند مردم برضد ایشان احساسات سخت بروز داده ولی بواسطه انتشار خبر مراجعت ظل السلطان مرتفع گردید ومسئله آمدن وی باعث شد که بازارها را بستند وبشاه تلگراف نموده از آمدن وی پرتست کردند .

شش نفر سید بسمت نمایندگی مقرر گردید که صورت تلگرامرا به جنرال قونسولگری آورده خواهش نمایند که بتوسط سفارت بشاه مخابره شود — چون ابواب قونسولخانه‌را بسته یافته و از دخول بدانجا ممنوع آمدند لهذا بجانب قنسولخانه روس رو آوردند — مسیو لیس آوسکی تلگرافشانرا ارسال داشت ولی از قبول ورود جمعیت بقنسولخانه امتناع ورزید وایشان سه چهار روز درخارج آنجا توقف کرده ودرظرف آنمدت تلگرافات مخابره کرده و جواب دریافت میداشتند — روز نوزدهم پس از آنکه ازجانب اتابک مرحوم تلگرافی رسید که ظل السلطان البته بدان صوب خواهد آمد جمعیت ازآنجا حرکت نموده بمسجد شاه رفت — بازارها را بحالت تعطیل باقی داشتندوهرکس اقدام به باز کردن دکان خود مینمود « فدائیان » اورا بازنجیر میزدند ودستهٔ ازاین اشخاص با (مستر بومن) اجزای کمپانی زیگلر که بدارالتجاره خویشتن میرفت مصادف گردیده ویرا تهدید نمودند — اوایل

انقلاب یك زدو خوردی مابین « فدائیان » و کسان ظل السلطان
در چهارسو بازار اتفاق افتاد و از « فدائیان » هشت نفر مجروح
گردید ومدتی بودند که دو نفر از آنها بقتل رسیده واجساد شانرا
که سراپا آغشته بخون بود بطرف میدان بقصد اینکه خشم وغضب
مردم را بهیجان آورند حمل نمودند در صورتیکه یکی از آنها بکلی
زنده بود — وقتیکه آقایان دیدند بتوسط قنسول روس مقاصدشان
بعمل نخواهد آمد مردم را بتلگرافخانه ایران فرستادند و
تلگرافاتی بعبارات خیلی سخت وبدون امضا نوشتند که مخابره
شود لیکن تلگرافخانه از مخابره انها امتناع نمود — روز بیست
سیم اوت جمعیت درو پنجره های تلگرافخانه را شکسته و تلگرافچی
را بقتل تهدید کردند — روز دیگر وی را از اداره اش بانجمن
ولایتی کشیده چون باز هم از مخابره تلگرافات بدون امضا ابا داشت
آقا نورالله به « فدائیان گفت او را درمسجد شاه محبوس دارند
لیکن حاکم واسطه شد وآقایان برهائی وی اشارت دادند — فردای
انروز مشار الیه تلگرافخانه را بست وبجلفا رفت تا روز بیست و
ششم اوت که تلگراف اتابك واصل گردید آقایان جمعی را برای
عذر خواهی نزد وی گسیل داشتند پس ازان تلگرافخانه را باز و
دوباره دایر گردانید — هم درین اوقات بازارها بسته بود
واجزای کبانی زیگار به قنسول جنرال راپورت دادند که از طرف
اقایان بایشان اطلاع داده شده که اگر اداره خویش را مفتوح

سازند آنجارا یغما خواهند نمود

یزد

چندین قافله را در حوالی یزد دزد زده است و از قرار
راپورت شصت و پنج نفر دزد سواره فارسی در راه کرمان توقف
دارند — شصت نفر قره سوران تاکنون نگذاشته اند آنها دزدی
نمایند وموافق راپورت واصله پس از انکه مدت نیم ساعت مابین
ایشان جنگ درپیوست عاقبت دزدها عقب نشستند

راه مشهد را بخسروخان که سابقاً رئیس دهها بود سپردند
که منظم سازد — یکی از سوارهای ابواب جمعی وی بتازگی
چوپانی را که از نگاهداشتن اسب او سرپیچی کرده بود بضرب گلوله
از پای درآورد — جسد مقتول را برای گذرانیدن از نظر
ویسقونسول اعلیحضرتی به تلگرافخانه انگلیس درشهر یزد آوردند
— اتفاقاً ویسقونسول حاضر نه بود ورئیس تلگرافخانه باشخاصیکه
نعش را آورده بودند اطمینان داد که واقعه را بویسقونسول
اطلاع خواهد داد پس از آن آنها جسد مقتول را از انجا
حرکت دادند

(شیراز)

درشاهراه بوشهر دزدی های چند اتفاق افتاد از آنجمله
رصد مامور مقیم وپست ایران واز کاروان زیگار بود که گرفتار
دزدها گردیدند .

دو نفر را بتقصیر حمله آوردن بر نوکر مامور مقیم که اکنون در شیراز متوقف است حضور حکومت بردند و از دنبال ایشان جمعیت باداد و فریادی حرکت می نمود — چون آنان را نزد حاکم آوردند نتیجه چنین قرار یافت که درحضور مازور فکس بانوکر وی صلح نمایند وپیغام دادند که امید است این مسئله بهمین قسم فیصله یابد — لیکن چون این طریقه مکفی نه بود عاقبت آن دونفر مرتکب را مخفیانه درحضور منشی مامور مقیم تنبیه نمودند .

فرقه ملاها کوشش داوند که کلیه اختیارات را بقبضه تصرف درآورده حاکم را معزول سازند وازقرار معلوم حاکم در حفظ نظم نهایت اهتمام را دارد چنانچه اتابك مرحوم بوزیر مختار دولت فخیمه اظهار رضایت از وی داشته و گفته بود که از او تقویت خواهد شد .

نمره — ٤٥

مکتوب سر اسپرینك رایس به سر ادوارد گری —

آقا

از قلهك ۱۳ سپتامبر ۱۹۰۷

با کمال افتخار معروض میدارم که به هیئت دولت ایران مخصوصاً بوزیر مالیه راجع به تسامح تادیه طلب بانك شاهنشاهی ودولت انگلیس مکرر اظهار داشته ام .

پرداخت قروض مذکوره را قرار داده بودند که ماهی سی هزار تومان از محل گمرکات کرمانشاه ایصال دارند —

از عین این سی هزار تومان مبلغ هفده هزار تومان شخص شاه جهة مخارج اداره قشونی آذربایجان حواله نمود — همچو معلوم میشود که از عمل کرد اداره تلگرافخانه یا عایدات صیدماهی بحر خزر (که بعنوان وثیقه به بك طلب کار روسی داده شد) ویا همچنین از عایدات گمرك بوشهر چیزی وصول نشده باشد — اگر دولت مالیات بوشهر را صرف مقاصد خویش ننموده هر آینه فرع ویك مقداری از اصل طلب پرداخته میشد

با کمال افتخار صورت قروض دولت ایران را که مستر راببنو محض اطلاع من تهیه نموده لفاً ارسال میدارم — قروض مذکوره بالغ بر ۵۵۰۰۰۰ لیره است که ازآنجمله ٤۹۵۰۰ لیره فرعی است که موعد تادیه آن منقضی گردیده — دین دولت ایران معادل ۱۶۳۰۰۰ لیره از حد مقرره درامتیاز تجاوز نموده

ناصر الملك وزیر مالیه امیدوار بود که بتواند نقشهٔ برای اصلاح مالیه بموقع اجرا گذارد واعتماد داشت که بدان وسیله دولت ایران موفق بادای قروض وتهیه مخارج لازمه خویش گردد — اساس نقشه بر این بود که درمالیات داخلی اصلاحاتی بعمل آورده شود باین طریق فرعیرا که فعلا حکام میبرند جزء جمع نموده و بمصرف مخارج حکومتهای ولایتی ودربار برسانند ولکن ناصرالملك استعفا داد — جانشین او بکلی نادان و نظر عمده اش این است که آن قوه را ندارد مثل ناصرالملك ازدادن مالیه مملکت در مقابل

حواله جات شخص شاه امتناع ورزد

با این حالات حاضره وهرج ومرجی که در حکومت ایران بواسطه قتل اتابک وتغییر جدید کابینه روی داده هیچ امیدی نیست قرار وفیصلهٔ بانطور که رضایت بخش باشد بدهند مگر به تهدید و اجبار — چون ظاهراً محل نقدی دولت ایران فقط منحصر بعایدات گمرکات است نتیجه این شده که به پلیس وقشون ولایتی که هنوز در بعضی از نقاط مملکت صورتی از نظم را نگاهداری مینمایند حقوق نرسیده است

(امضا)
سسیل اسپرینک رایس

ملفوف نمره — ۴۵

یاد داشت راجع بقرض دولت ایران ببانک شاهنشاهی

قرض بلا واسطه دولت ایران موافق محاسبات عمومی تابیستم سپتامبر گذشته

	تومان
معادل بود با	۱۸۷۲۸۵۲

منافعیکه در حساب آنها تا بحال نوشته شده و آنچه تا بیستم سپتامبر آتیه محسوب شود

	تومان
جمعاً معادل است	۲۲۹۸۳۸
واز آن بابت نقد داده اند	۱۷۷۷۴۰
الباقی از بابت منافع	۵۲۰۹۸
	تومان
مجموع بدهی ایشان . . .	۱۹۲۴۹۵۰

اضافه بر مبلغ متعینه در امتیاز بانک گرفته شده . .	۸۴۱۶۲۰
بعلاوه از بابت قروض سایرین که دولت بعهده گرفته .	۶۷۷۷۶۲
قرض شخصی اعلیحضرت	۷۷۵۱۷

واز بابت حساب ۲۹۰۰۰۰ لیره (فقط ربع)

۱۳۹۱۵ لیره و ۱۸ شلینک و ۲ پنس که معادل است با ۶۹۵۸۰ تومان •

اگر دولت همانطور که قول داده بود از عایدات گمرکات بوشهر بما می پرداخت نه فقط از بابت فرع وقسط استهلاک قرضهٔ ۲۹۰۰۰۰ لیره منظماً پرداخته میشد بلکه ربع وحتی قسمتی از اصل طلب ما نیز ادا میگردید •

نمره — ۴۶

تلگراف سراسپرینک رایس به سراد وارد گری —
(وصول دویم اکتبر)

از طهران مورخه دویم اکتبر ۱۹۰۷

انجمنی مرکب از شاهزادگان — رؤسای لشکری وکشوری ملاکین عمده وتمام مرتجعین معروف یک اعلامی بشاه نمودند که اگر آن اعلیحضرت از مشروطیت نگاهداری ننماید وبامجلس در اجرای امور همراهی نکند من بعد ایشان دیگر از هوا خواهی و حمایت سلطنت آن پادشاه کناره خواهند نمود — اعلیحضرت جوابهای معمولی که تماماً مبنی بر اطمینان بود بایشان فرستادند — وزیر

امور خارجه که مقامش بواسطهٔ تعطیل عمومی اجزای آن وزارتخانه خیلی متزلزل است مخالف حضرات میباشد ولی رئیس الوزرای جدید وعده داده که ایشانرا تائید نماید .

اعضای این انجمن حمایت وحفظ مشروطیت را درمجلس که برای همین مقصود رفته بودند قسم یاد کرده و بقید یمین تعهد نمودند .

اکنون فقط حامی وهوا خواه شاه وزیر امور خارجه است و با این حال معروف است که هنوز نظریات ارتجاعانه خود را دارا میباشد .

سفارت درکلیه این وقایع رفتار و حالات طبیعی را از دست نداد .

نمره ـ ٤٧

تلگراف سر اسپر ینگ رایس به سر اد وارد گری ـــ (وصول سوم اکتبر)

از طهران بتاریخ سوم اکتبر ۱۹۰۷

سعد الدوله ازمقام وزارت امورخارجه معزول گردید (رجوع نمائید به تلگراف دیروز من) .

نمره ـ ٤٨

مکتوب سر اد وارد گری به مستر مارلنیک

آقا از وزارت امورخارجه (لندن) هفتم اکتبر ۱۹۰۷

مکتوب مورخه سیزدهم ماه گذشته سراسپرینگ رایس را دریافت داشتم ودر جوف آن سواد مراسلهٔ که بدولت ایران راجع به تعویق تادیه اقساط استهلاك نوشته بود نیز واصل گردید

هرگاه تا مدت شایستهٔ وصول مراسلهٔ مزبوره را دولت ایران اعتراف نه نماید آنوقت شما بایستی باز دراین موضوع اظهارات دیگر به نمائید

(امضا) ای - گری

نمره - ٤٩

تلگراف مستر مارلنیک به سر اد وارد گری ـــ (وصول ۲۵ - اکتبر)

از طهران بیست و پنجم اکتبر ۱۹۰۷

هیئت وزرای جدید در تحت رئیس الوزرائی ناصر الملك که نیز دوباره بوزارت مالیه منصوب گردید تشکیل یافت - مهم ترین اعضای این هیئت عبارتند از مشیر الدوله پسر مرحوم مشیر الدوله که بمقام وزارت امور خارجه برقرار وصنیع الدوله بوزارت داخله منصوب و مخبر السلطنه برای وزارت عدلیه معین گردیده اند .

نمره ـ ٥٠

مکتوب سر اسپرینگ رایس به سر اد وارد گری ـــ (وصول بیست و هشتم اکتبر)

آقا
از قلهك بتاریخ ۲٤ سپتامبر ۱۹۰۷

امروز صورت قرار داد انکلیس و روس را که یك ترجمهٔ از آن بفارسی (بدون ضمانت صحت مفهوم آن) باتفاق همکار روسی خودم ترتیب داده وبان ضمیمه کرده بودم نزد دولت ایران فرستادم — وسواد مکتوبی که بموافقت مسیو دوهارت ویك بدولت ایران درجوف صورت قرار داد ارسال داشته‌ام لفاً حضور آنجناب تقدیم میدارم .

(امضا) سسیل اسپرینك رایس

ترجمه

آقای . . . . وزیر طهران ۲۱ سپتامبر ۱۹۰۷

بر طبق تعلیمات واصلهٔ از دولت متبوعه خودم من باکمال افتخار صورت قرار دادیکه در هیجدهم ماه اوت فرنکی مطابق سی و یکم اوت روسی ۱۹۰۷ مابین دولتین بریطانیای کبیر وروس منعقد شده تا انجائیکه مطالب آن مربوط بدولت ایران است ارسال خدمت میدارم .

محض تسهیل قرائت قرار داد مزبوره یك ترجمهٔ بفرانسه بان ضمیمه ساختم تا آنکه سوء تفاهم واشتباهی حاصل نکردد وخاطر نشان مینمایم که البته ترجمهٔ که بفرانسه شده است اصل و معتبر میباشد .

صورت قرار داد رسماً بدول معظمه ارسال وتاممکن است

بزودی طبع وانتشار خواهد یافت .

زیاده

(امضا) سسیل اسپرینك رایس

نمره — ۵۱

قسمتی از مکتوب مستر مارلینك به سر ادوارد کری — (وصول بیست و هشتم اکتبر)

از طهران نهم اکتبر ۱۹۰۷

عزل سعدالدوله از وزارت امور خارجه که شاه بواسطه احساسات عامه مجبور بان کردانید سکته شدیدی باقتدار ونفوذ شاهنشاهی وارد آورد .

باوجود خدمات محققهٔ که سعد الدوله اوایل امر در هوا خواهی مشروطیت انجام داده بود طرف بی اعتمادی وتنفر مجلس واقع کردیده وچنین دانسته اند که جناب ایشان قول بشاه داده اند که در ازاء نیل بمقام وزارت امور خارجه اعلیحضرت شاهنشاه را از قید مجلس مستخلص سازند — ابتدا شروع بمخالفت از ادارهٔ خود وزیر مزبور کردیده چنانچه یکی دوروز بعد از آنکه بمقام وزارت برقرار کردیدند رؤسای آن اداره استنکاف داشتند از اینکه در تحت ریاست ایشان بخدمت اشتغال ورزند وبنا برقولی اجزای غیر مطیع آن وزارتخانه فقط بواسطه حسادت ومنافع شخصی بمخالفت برخواسته بودند .

درحقیقت زمان وزارت بی حالانهٔ علاء السلطنه حکمفرمائی کارهای وزارت امور خارجه بتصرف رؤسای شعب آنوزارتخانه درآمده بود که با چند نفر دیگر تشکیل یك کمیتهٔ داده مختار تمام مشاغل گردیدند و از غارت اداره تذکره تمتع میافتند — سعد الدوله همینکه مقام وزارت را حاصل نمود بدون هیچ تسامح باین آقایان فهمانید که در کار اداره خویشتن قادر و فرمان روا خواهد بود و بعلاوه شروع نمود که برخی از دوستان مخصوص خودرا درکارها و مقامات خیلی با مسئولیت آن وزارتخانه بگمارد — از همان روزیکه داخل وزارتخانه گردید مناقشات بظهور پیوست و اعضا مصمم شدند که برای استخلاص ازیك چنین وزیر قادر با عزم واشخاص محلی که ازطرف وی منصوب شده‌اند دلیرانه استقامت نمایند — قول دیگر چنین بیان میکنند که این اعضاء مخالف کسانی باشند از وطن خواهان مخصوصه که حاضرند دوره مشاغل و خدمت خودرا فدا نموده درتحت ریاست وزیریکه باعتقاد ایشان قسم یاد کرده که آزادی تازهٔ تحصیل شدهٔ مملکت را خراب وبرهم زند خدمت نه نمایند .

محتمل است که هردو قول صحیح ونیز محرکبوده ولی درهر صورت فریاد وطن خواهی فوراً همراهی عموم را بطرف مخالفین جلب ومعطوف داشت

معهذا سعدالدوله باتقویت شاه بتشکیل اجزاء جدید پرداخت

لیکن این اهتمات بجائی نرسیده و طهران آنگونه منظره را دید که باب وزارتخانه برروی یك وزیر خارجه مسدود وازاشغال مقام وزارت ممنوعش داشتند .

روز ۳۰ ماه گذشته رئیس مجلس و سعدالدوله حضور شاه شرفیاب شدند — واحتشام السلطنه [رئیس مجلس] مصاحب وزیرامورخارجه‌را دراستعفا دانست ولی وی بطورلجاجت استنکاف نمود ومیگفت این هیجان ضدیت را علاء الدوله که سخت ترین دشمنان او است فراهم آورده و تا آنوقتیکه مجلس نتواند تقصیر معنی برمشارالیه ثابت سازد وچون وزیر قانونی شاه میباشد تکلیفش اینست که مقام وزارت خویش را نگاه وباقی دارد — روز دویم ماه جاری سعدالدوله بمجلس شورا رفت وهرچند دلیرانه مقابلی نمود ولی واضح بود که حتماً معزول خواهد گردید — بعدازظهر همانروز احتشام السلطنه حضور شاه شرفیاب شدومعروض داشت که مجلس نمی‌تواند متحمل ابقاء وزارت سعدالدوله درمقام وزارت بشود — پس ازچندساعت بجناب سعدالدوله خبررسیدکه (استعفای آنجناب قبول گردید) — علاء السلطنه دوباره بمقام وزارت امور خارجه برقرارشد — ولیکن منصوبین سعدالدوله مقامات خویش را در وزارتخارجه مستقر کرده و برعلیه اعضاء قدیمه بنای ستیزه را گذاردند وعلاء السلطنه فعلا مثل وزیر سابق که ده روز قبل دچار همین کشمکش شده بود ازاشغال مقام ممنوع آمده

نمره ـ ۵۲

مکتوب مستر مارلینك به سرادوارد کری ــ

(وصول ۲۸ اکتبر)

آقا — از طهران نهم اکتبر ۱۹۰۷

قرار داد انگلیس و روس درمجلس که صبح پنجم ماه جاری انعقاد یافته بود قرائت گردید و مختصر مذاکرهٔ در آنخصوص بمیان آمد ــ طرز گفتگوی غالب از ناطقین بطریق معتدل بود .

(امضا) — چارلس ـ م ـ مارلینك

نمره ـ ۵۳

مکتوب مستر مارلینك به سرادوارد کری ــ

(وصول بیست و هشتم اکتبر)

آقا — از طهران دهم اکتبر ۱۹۰۷

تغییر شدیدی که بواسطه کناره جوئی رؤسای ارتجاعیون ازهوا خواهی شاه حادث شده ودر آنخصوص سر اسپرینك رایس در تلگراف خویش مورخه دویم ماه جاری بشما اطلاع داده بود بعقیده من باندازهٔ جالب توجه است که شرح اوضاع و مقتضیات مربوطهٔ بان واقعه را شایسته است مفصلا اطلاع دهم .

ظاهراً علائم چندانی درو برگردانیدن ناگهانی مرتجعین از شاه هویدا ومشهود نبوده باعث عمدهٔ ان بایستی همان ترس و

خوف شمرده شود ــ قتل اتابك که سبب استعفای فوری صنیع الدوله گردید وهم چنین فوت ناگهانی مشیر الدوله که موجب سوء ظن واقع شد از اینکه بواسطه جهات طبیعی نه بوده بدون تردید اثرات خیلی سخت بخشیدند ـ باستثنای قتل ناصرالدین شاه میتوان گفت که طبقات آمرهٔ عالیه مدتی بود متمادی که از کشته شدن بدست طبقات پست از مردم مصون ومحفوظ بودند ـ اتفاقات فوق الذکر بانضمام آگاهی از ایجاد انجمن های سری که اعضای آنهارا درفدا کاری جان ومال برای سعادت مملکت خویش حاضر ومصمم دانسته‌اند یقیناً تاثیرات مخصوصه نموده اند ــ و بعلاوه شاه که تحقیق قتل اتابك را مجبوراً صرف نظر کرده بود ازآن روی بر مرتجعین واضح شد که از آنها نمی تواند محافظت نماید و بیم آن را داوند که بواسطه تنفر عامه از اساس حکومت مطلقه که پیوسته آن نفرت و انزجار رو بازدیاد است ثروت گزافی را که بسیاری از آنها در تحت اوضاع قدیمه بچنك آورده اند عاقبت دولت باسم ملت یك روزی از ایشان مسترد دارد ــ پس با این حالات هیچ جای حیرت نیست که رؤسای ارتجاعیون اظهار موافقت خود را بامليان (هم بطریق آشکارا وهم بطور رسمی) از راه حزم و احتیاط دانسته اند ـ سه نفر ازکار کنان عمده که درطرف مشروطه طلبانندعبارت باشند از رئیس مجلس وعلاء الدوله وزیر امیر اعظم سردار زادهٔ عین الدوله که جوانی است صاحب عزم وثبات قدم .

روز بیست و هفتم ماه گذشته بنا بر دعوت اشخاص مذکوره مجمعی از اشراف ایران که اعضای آن برخی از طایفهٔ قاجاریه را مشتمل بود هرچند هیچ یك از آنها منسوبین بلا واسطهٔ شاه نبودند درخانه علاء الدوله واقع در طهران انعقاد یافت که در اوضاع تعمق و مداقه کنند ـ مذاکرات از چه قبیل بوده و با چه دلایل برای متقاعد کردن مرتجعین اقامه شده بطور صحت معلوم نیست ولی همینقدر نتیجه چنین معلوم گردیده است که عریضهٔ مشعر بر نظریات هیئت مجمع و بمضامین عدم موافقت باشاه حضور آن اعلیحضرت تقدیم داوند ولیکن بعبارات ساده و سخت .

در آن عریضه بطور وضوح مذکور داشته بودند که اصرار و پافشاری کنونی آن اعلیحضرت در رفتار ضدیت و مخالفت آمیز با مجلس عاقبت تخت سلطنت و سلسلهٔ آن پادشاهرا بمخاطره خواهد افکند و عریضه کنندگان بنا بر وطن خواهی مصمم شده اند که با مجلس بطور صمیمیت مشغول کار شوند و اگر آن اعلیحضرت همچنین بموافقت راضی نگردند همگان ترك خدمتگذاری ویرا خواهند نمود — شاه جواب خیلی مفصلی بایشان ارسال فرمود و با وجود مبهم بودن عبارات همچه تصور شده بود که مفادش تسلیم کامل است

صبح همان روز تمام فرقه از مجاهدین وارد مجلس شدند و بریاست جلال الدوله پسر ارشد ظل السلطان قسم یاد کردند که

حافظ مشروطیت و مطیع قانون اساسی بوده باشند — چون هنوز ابتدای کار است نمیتوان پیش بینی نمود که این اتحاد تا چه مدت دوام خواهد کرد ـ لیکن بنا بر عقیده ایرانیان فعلا را کسیونرها بطریق صداقت همراه گردیده‌اند و مجلس مظفریت مهم بادوامیرا حاصل نموده است .

(امضا) جارلس - م - مارلینك

نمره ـ ۵٤

مکتوب مستر مارلینك به سرادوارد گری —
(وصول بیست و هشتم اکتبر)

از طهران دهم اکتبر ۱۹۰۷

ماه گذشته بهیچ وجه در اوضاع عمومی ایران بهبودی حاصل نگردیده و موافق اخبار واصله امنیت جان و مال در ولایات باستثنای بعضی از آنها کمتر موجود باشد ـ اقتدار مرکزی تقریباً معدوم و اختیارات بدست انجمن های محلی افتاده که هیچ اعتنائی بمرکز ندارند .

معهذا دربای تخت بیشتر امیدواری موجود است - حزب تجدد خواه دراینوقت بطور تحقیق قوتش زیادتر است تا یك سال قبل که مجلس تازه افتتاح شده بود ـ حزب مزبور تمام فرقهٔ مرتجعین را بطرف خود جلب نموده .

اطلاعات واصلهٔ از شهرهای ولایات و ایالات باستثنای

معدودی از انها مبنی است براینکه امنیت جانی ومالی کمتر ازسابق است درصورتیکه بی قانونی عمومی درمملکت هنوز تخفیف نیافته اقتدار حکومت مرکزی تقریباً صفر باشد واگرهم اقتداری دارند فقط بتوسط انجمن محلی اعمال میشود و نفوذ دولت را دراین انجمن‌ها نیز ثابت ودائمی نمیتوان دانست لیکن درپایتخت امیدواری قدری بیشتر میباشد ـ فرقه تجدد خواه دراین ایام که یك سال تمام از تشکیل وافتتاح مجلس ملی گذشته است البته قوت یافته اند واین فرقه در جلب تمام واکسیو رها بطرف خویشتن کامیاب ومظفر گردیدند وظاهراً میتوان فهمید که چون شاه دراین موقع جز معدودی از درباریان هیچ حامی وهوا خواهی ندارد خودرا مجبور خواهد دید که آنهمه تمهیداتیکه بوسیله آنها میخواست اعتبارات مجلس را ضایل وعدم لیاقت آنرا در اذهان مردم بگنجاند ترك نماید ـ اشخاصیکه به جنبش ملی معتقدند باتیه مملکت اعتماد واطمینان دارند .

دلیل اینکه مجلس تاکنون نتوانسته است اصلاحات عملی بنماید مستند باشکالاتی هستند که بانها برخورده ودشمنان آنرا بسیار دانند ومیگویند نفوذ حکام ولایات (بزرگان متنفذ) و شاه وبالاخره علما بایستی کاملا مضمحل شود تاآنکه آمال ملت بر آورده ومقصودش حاصل گردد ـ این مقاصدرا ملت بخوبی ومظفرانه بدست آورد — حکام جابر ظالم مانند ظل السلطان

و فرمانفرما و آصف الدوله معزول شده شاه تنها و بی هوا خواه ماند .

گذشتن متمم قانون اساسی و مذاکرات راجعه به تحصن هانا به مجتهدین فهمانید که اساس جدیده البته خودرا از قید نفوذ علما نجات خواهد داد — لیکن اشکالات وارده بسی عظیم باشند ـ خزانه خالی است ـ استعدادی برای حفظ نظم و اجرای قانون موجود نیست .

اقتدار و نفوذ معنوی اساس قدیم بواسطه انجمن های محلی لغو بلکه منهدم گردیده ومجلس نیز نمی تواند احترام و نفوذی برای خود ایجاد واحداث نماید — هیچ وزیری که لیاقت وکفایت تاسیس اساس و بنیان بنائی را دارا باشد مشهود نه بوده و به نظر نمی آید .

مالیات درنهایت بی نظمی ایصال میگردد وحتی استخوان بندی مقدماتی اداری بطوریکه سابقاً بوده نیز درشرف انعدام است درحقیقت کار مجلس درسال اول عمر اش تماماً از قبیل برهم زدن وخرابی اوضاع قدیمه بوده ودر موقع صاف کردن زمین برای اوضاع تجدد واصلاحات آتیه مصالح و مواد زیادیکه شایسته حفظ ونگاهداری بودند ازبین رفت — وبیم آنست که عمل تجدید اساس وبنا بطرز وطرح حکومت ملی از حیز قدرت رؤسای تجدد خواه خارج گردد

این علامت خوشی نیست که درکابینهٔ جدید هریك از وزرا جرئت قبول وتعهد کوچکترین مسئولیت را نه نموده وهمواره منتظر دستور العمل وحکم مجلس است — نتیجه آنکه مجلس که دراوایل امرزیاده ازحد امتنان داشت فقط‌هاٰا درمسائل اداری معموله مداخله کنند اکنون بان اکتفا نکرده وظایف اجرائیه را نیز بعهده گرفته است — دو مسئله دیگر این پیش آمدرا کمك و تقویت نموده یکی حیثیت وشخصیت رئیس مجلس است که امروز درایران مقتدرترین اشخاص میباشد ودیگر تشکیل انجمن اکابر — ایجاد این هیئت نتیجهٔ انجمن اعیان است که اشاره جونی آنها از فرقه استبدادی اوضاع داخلی را بکلی تغییر داده — هیئت مزبوره مرکب است ازمامورین عالیه وبرخی از صاحب منصبان نظامی درتحت ریاست امیر اعظم ونایب رئیس حسینقلی خان نواب — اگر حیثیت مقام رسمی را دارا نیست لیکن حق مصلحت اندیشی باوزرا را در جریان امور وزارتخانها بخود نسبت میدهد — البته این هیئت کاملا غیرمسئول میباشد ولی نفوذ وحیثیت اعضای آن بدرجه ایست که رای و مصلحت بینی آنهارا نمی‌توانند مرعی ندارند — نفوذ این هیئت کلیتاً تاکنون نافع بوده اما بسهولت دیده می‌شود یك وزیری که قدری از وزرای کنونی باعزم‌تر باشد محتمل بزودی بااین هیئت بمناقشه درآید — واز طرف دیگر مخاطره تصادف ومنازعهٔ آن هیئت با مجلس شورای ملی چندان بعید بنظر نماید — بهترین چیزیکه محتمل

است نتیجهٔ این هیئت بشود وارباب ذکاوت نیز انتظار و امید آنرا دارند هماٰا تبدیل یافتن آن هیئت است بمجلس سنائیکه درقانون‌اساسی مقرر گردیده .

مانع دیگری که درراه تجدد موجود است ترکیب خود مجلس باشد زیرا اقلیت مختصری از اعضای آن فقط اطلاع مقدماتی از وظایف پارلمانی دارند وبقیه آن نمی‌توانند کتاب قانون مدون منظمی را هم فهم و ادراك نمایند واین معنی بکلی خارج از دایره تجربه آنها بوده وشاید عمل قانون گذاریرا که تصور نمیکنند هیچوقت بموقع اجرا گذارده شود فقط اتلاف وگذرانیدن وقت میدانند ودرواقع پارلمان را تبدیل به مجلسی می نمایند که مابین مجلس مباحثه — دیوان عدلیه و شورای مملکتی باشد — جمعی هم مقام وکالت را فقط وسیلهٔ پیشرفت مقاصد و تحصیل منافع شخصی میدانند — امید آنست که بوسیلهٔ انتشار عقاید صحیحهٔ راجع بحکومت ملی درانتخابات آتیه مقتنین داناتر که کمتر خود پرست باشند انتخاب شوند .

نتیجه اعمال سال گذشته مجلس کلیتاً منفی بوده ولی‌لااقل دراستقرار میل واراده درمقابل نفوذ وقدرت شاه وعلما کامیاب گردیده والحال میتواند امید داشته باشد که قدم درراه تجدید بنای اساس بگذارد .

(امضا) چارلس - م - مارلینك

نمره ـ ۵۵

مکتوب مستر مارلینك به سراد وارد کری ـــ

(وصول ۲۸ اکتبر)

آقا

ارقلهك دهم اکتبر ۱۹۰۷

با کمال افتخار خلاصهٔ وقایع عمومی ایران را که در ظرف چهار هفتهٔ گذشته اتفاق افتاده و بتوسط ماژور استوکس و مستر چرچیل تهیهٔ آن شده ارسال حضور آنجناب میدارم

(امضا) چارلس ـ م ـ مارلینك

ملفوفه نمره ـ ۵۵

خلاصه حوادث یکماههٔ ایران

طهران

مشیرالدوله شب چهار دهم سپتامبر غفلتاً وفات نمود .

روز بیست وهفتم همان ماه معاریف صاحبمنصبان کشوری و لشکری که تا آنوقت فرقه اونجاعیون را تشکیل داده بودند او لتیما تومی نزد شاه فرستاده پیوستگی خودرا بمشروطیت و مجلس ملی اظهار داشتند وتهدید نمودند که اگر اعلیحضرت باملت موافقت درکار ننماید کلیه اتصالات خودرا باتخت سلطنت مقطوع خواهند داشت ـــ روز دیگر وزیر مختار دولت فخیمه شرفیاب حضور شاه گردید که اذن مرخصی حاصل کند و درهمان وقت مستر مارلینك نیز بمعرفی شارژ دافر پرداخت .

حبل المتین طهران که روز نهم سپتامبر یك رشته مقالاتی راجع بقرار داد روس و انگلیس درج کرده بود همه روزه بطور استمرار تاشانزدهم سپتامبر مقاله‌ها دراین موضوع بطبع میرسانید ـ دوسه مقالهٔ اولیه آن بلا شبهه بقلم سعدالدوله بوده وتاحدی اطلاع وبصیرت از موضوع بطور پیچیده ظاهر میساخت ولی آرتیکل های اخیره بان خوبی نوشته نشده بود

روزنامه دیگر موسوم به تمدن مقاله بتاریخ هفتم سپتامبر مندرج داشت لیکن چون مباحث محلی که بیشتر جالب توجه بود طلوع کرد لهذا میدان مبارزت قلمی متروك گردید تا وقتیکه صورت قرارداد روس وانگلیس طبع وانتشار یافت ـــ مجدداً حبل المتین روز هفتم ماه مزبور باین مطلب رجوع نمود وروز دیگر مفصلا شرح قرارداد را که آژانس رویتر مخابره کرده بود بطبع رسانید وهم چنین ترجمهٔ فارسی آنقسمت از قرار دادرا که راجع بایران وبتوسط سفارت اعلیحضرتی تدارك وبدولت ایران ارسال شده بود بامکتوب مصحوب آن‌را روز ۲۴ سپتامبر مندرج ساخت وروی هم رفته قرار داد مذکور در طهران به نیکوئی بر خورد و پذیرفته گردید .

از چندی قبل در پایتخت اعمال سوء ودزدی ازدیاد یافته وبعضی ازسربازها یرمزنی ازاهل فرانسه‌را برحمانه بقتل رسانیدند ـ دستهٔ ازدزدها که صورت خودرا پوشانیده بودند شب را واردخانهٔ

یکنفر تاجر متمولی شده پس از خفه کردن وپیچیدن وی هرقسم اسباب گران بهائیکه در آن خانه بود بسرقت بردند — مهتر های شاهی عده از زنان مسلمه را بزور بطویله شاه کشیدند واین واقعه که بعلاءالدوله اطلاع داده شد معجلا بدانجا رفت که زنهارا مستخلص نماید ولی مهتر ها از باز کردن درها امتناع ورزیدند .

دریکی از عمارات ییلاقی شاه هنگامیکه اعلیحضرت در آنجا اقامت فرموده بود بعضی ازپارچه های زر دوزی قیمتی بسرقت برده شد — برخی از اروپائیان که دونفر آنها اعضای سفارتخانهٔ دولت فخیمه بودند دچار دله دزدها گردیدند

پرنس دابی جا قونسول جنرال روس مقیم اصفهان که در طهران است و باید بمحل ماموریت خویش (یعنی اصفهان) مراجعت نماید چون راه درتصرف دستهٔ از قطاع الطریق درآمده واکنون چادرهای خودرا کنار راه افراشته اند از حرکت باز مانده ودر طهران متوقف است تاوقتی زینهاری داده شود که در مسافرت خویش اطمینان امنیت حاصل نماید .

مدرسه جدید البنای آلمانی رسماً روز پنجم ماه جاری افتتاح یافته وپانصد دعوت نامه برای آنروز منتشر گردید ومتجاوز ازنصف عده مدعوین حضور بهمرسانیدند ـ مدت دوسه ماه بود که مدرسه بکار اشتغال داشت وتقریباً صدنفر ازاطفال ایرانی درآنجا داخل شده اند معلمین آن مدرسه دونفر آلمانی ویك عده ایرانی

میباشند — یکی از معلمین آلمانی را میگویند خیلی لایق است ونیز نتایج حسنه از تعلیمات وی شنیده می شود — برخی ازمتعلمین ایرانی زبان آلمانی را قدری میتوانند تکلم کنند .

روز ششم همین ماه که چهل روز بعد ازقتل اتابك اعظم باشد نمایش عظیمی درسر قبر عباس آقای قاتل که خودرا نیز بقتل آورده بود داده شد — درآنجا چادرها برپا کردند وگویند پانزده هزار نفر حضور بهمرسانیده بود ـ نطقها در تمجید قاتل اتابك سرودند که وی ازوطن پرستان بوده و در راه سعادت مملکت جان خویش را فدا ساخته است ومقدار زیادی گل نثار مقبره اش نمودند .

دولت فرانسه یکنفر مستشار مالیه موسوم به مسیو بیزوت بنا برخواهش دولت ایران معین گردانید که بطرف طهران حرکت نماید ـ کنترات ویرا وزیر مختار فرانسه نوشته و مدت استخدامش برای دوسال خواهد بود که سالی ٥٠٠٠٠ فرانك حقوق عاید دارد و ٣٠٠٠٠ فرانك برای مخارج سفر ونیز هرسالی ١٥٠٠ فرانك کرایه خانه ـ روز دهم ماه جاری صورت کنترات نامه را به مجلس درجلسه خصوصی تقدیم داشتند

(امضا) جی - پی - چرچیل

تبریز

اوضاع شهر نسبتاً بارامی میگذرد ـ فرمانفرمای آذربایجان طرف میل عامه است وباانجمن ایالتی دراوور موافقت دارد واهتمامی

دارد که نظمیه شهر بخود اوواگذار شود — سربازها جیره مکفی عاید میدارند ولباسشان خیلی تمیز است ـ انجمن مواجب فراشهای حکومتی را منظماً می پردازد ورئیس انجمن به شارژ دافر دولت فخیمه گفته بود که این نتایج از اقدامات مجلس شورای طهران بظهور پیوسته وفرمانفرمای آذربایجان چون بی حال و نا قابل است بایستی معزول شود .

عدهٔ از انقلابیون خوی بقصد کشتن اقبال السلطنه حاکم آن نواحی عازم ماکو گردیده مشارالیه بر ایشان حمله آورد و آنها را شکست داد و گویند دویست نفر از آن جماعت را بقتل رسانیده است ـ فرمانفرمای آذربایجان وانجمن ایالتی یك هیئتی را مامور تحقیق این مسئله گردانید .

اصفهان

از قرار معلوم عدم رضایت مردم از انجمن ولایتی که هرکاریرا رای داده ولی باجرای آن نمی پردازد اتصالا مزید می شود و حکومت مکرر استعفای خودرا فرستاده ولی پذیرفته نشده است .

رئیس مجلس ملی به شارژ دافر سفارت دولت فخیمه گفته است که عاقبت لازم خواهد شد آقایانرا بطهران احضار و حاکم را که قدرتی ندارد معزول نموده بجای او دیگریرا منصوب دارند ـ امید است این اراده بزودی انجام یابد زیرا در خصوص تهیه

مستحفظین برای حفاظت مفتشین خط تلگراف از طرف حاکم بقنسول جنرال اعلیحضرتی اطلاع داده شده است که او هیچ گونه تسلطی درامور حکومت ندارد وآقایان کارهای ولایت را قبضه کرده لهذا وی نمی تواند ضامن امنیت مفتشین مزبور را بعهده بگیرد .

اداره تلگرافخانه را اهالی مسدود نمودند تا حکومت را بتامین راهائی که دزدها اشغال کرده اند مجبور دارند

یزد

در راه کرمان دزدها یك قافله را جلو گیری نموده اموال ایشانرا بسرقت بردند واز مستحفظین راه که با ایشان بمنازعه وجنك برخواسته بودند یکنفر مقتول وپنج تن مجروح گردید .

کرمان

انتخابات انجمن محلی سبب اغتشاش ومتحصن شدن جمعی از مردم در تلگرافخانهٔ انگلیس گردید — در اواخر ماه سپتامبر غائله فیصله یافت

کرمانشاه

اغتشاش شهر مداومت دارد — دزدی وقتل همه روزه اتفاق میافتد ومرض تب خیلی شیوع پیدا نموده

شیراز

نظام السلطنه کماکان فرمانفرمای فارس است و ظاهراً

تا اندازهٔ از عهده نظم بخوبی برمیاید ولیکن راهها تقریباً بحالت نا امنی باقی است — خورجین های پستی قاصد مامور مقیم پیدا گردید و خساراتی که از آن بابت وارد آمده بود تلافی نمودند .

بوشهر

حاکم جدید موسوم بدریابیگی وارد و بوظایف خویش مشغول شد — تمام باروبنهٔ سفری سعد السلطنه حاکم سابق را دربین راه که بطرف شمال حرکت مینمود بسرقت بردند .

(امضا) سی - بی کاپیتن استکس
اتاشه میلی تر

نمره — ٥٦

مکتوب سرادوارد گری به مستر مارلینک

آقا — از وزارت امورخارجه (لندن) ۲۲ نوامبر ۱۹۰۷

دربین صحبت باشاوژ دافر ایران از وضع مغشوشه ایران بطور عموم وازحوالی اهواز خصوصاً مذاکره بمیان آمد — بایشان گفتم که دولت فخیمه اعلیحضرتی بواسطه عدم سکونت و آرامی درناحیه اهواز بی اندازه درخصوص رعایای انگلیس مستخدم نفط که در آنجا توقف داشته و مشغول کارند نگران میباشد .

مهدیخان وعده داد که دقت دولت ایرانرا راجع باوضاع

امور معطوف سازد .

(امضا) ای - گری -

نمره — ٥٧

مکتوب مستر مارلینک به سر ادوارد گری —
(وصول ۲۵ نوامبر)

آقا — از طهران سیویکم اکتبر ۱۹۰۷

افتخار دارم با این مکتوب سواد یادداشتی را که بدولت ایران مربوط بعدم ایصال منفعت بدهی آندولت از بابت قرضهٔ سنه ۱۹۰۳ و ٤ فرستاده شده انفاد حضور دارم .

در ن یاد داشت تذکار کردم که تاکنون جواب شروط دولت فخیمه را درخصوص قبول خواهش ایران راجع به تعویق اقساط استهلاک قرضه مزبوره هیچ داده نشده است

(امضا) چارلس - م - مارلینک

درجوف نمره — ٥٧

مراسلهٔ مستر مارلینک به علاء السلطنه

خدمت حضرت اشرف — طهران یازدهم اکتبر ۱۹۰۷

حضرت اشرف بخوبی مطلعید که تادیه ربح وقسط استهلاک سالیانهٔ قروض ۱۹۰۳ و ۱۹۰٤ دولت ایران بدولت انگلیس در صورت کفایت نکردن عایدات گمرکات فارس و خلیج فارس داده

شود معهذا از بابت اصل مساله هیچ نپرداخته ولهذا منطقاً هیچه معلوم می‌شود و در حقیقت دولت فخیمه میتواند اعتقاد نماید که مالیاتهای مذکوره صرف مقاصد دیگر شده است — بنا براین از دولت متبوعه بمن دستور داده‌اند که محض اطلاع از حضرت اشرف استفسار نمایم که دولت ایران چه دلایل مقنعی میتواند اقامه نماید که آن مالیاتهائی را که رسماً برای تامین تادیه قرضهٔ بانکلیس تخصیص یافته بود به محل های لازمه دیگر مصروف داشته‌اند .

بعلاوه بمن امر شده‌است که خاطر آن حضرت اشرف‌را درخصوص شروط دولت فخیمه راجع بقبول خواهش دولت ایران در تعویق موقتی اقساط استهلاك قرضه مذکوره یاد آوری نمایم .

شروط مندرجهٔ درمراسلهٔ سراسپرینك رایس مورخهٔ سی‌و یکم ماه اوت که ارسال آنجناب داشته بود بایستی تصدیق کرد که خیلی سهل است وتحمیل تازهٔ بر خزانه ایران وارد نیاورده بلکه سهل‌تر از آنگونه شرایطی است که اشخاص غیر رسمی در اینگونه معاملات محض احتیاط قرار داد میکنند لهذا انتظار آن میرفت که بزودی پذیرفته شود

اساس آن خواهش بایستی طبیعتاً مبنی بر آن باشد که منفعت قرضه فوق الذکر منظماً پرداخته شود ولی کمال دلتنکی وتاسف‌است برای دولت انکلیس که همراهی آن دولت درموضوع قسط استهلاك

بطوریکه درخور آن‌باشد جلب امتنان نموده

باکمال افتخار ازحضرت اشرف خواهش مینمایم که بدون تاخیر اطلاع بدهید چه جوابی دراین خصوص من بایستی بدولت فخیمه معروض دارم

(امضا) چارلس - م - مارلینك

نمره — ۵۸

مکتوب مستر مارلینك به سر ادوارد کری —

(وصول ۲۵ نوامبر)

آقا از طهران غره نوامبر ۱۹۰۷

بعد از آنکه قنسول دولت اعلیحضرتی مقیم کرمانشاه راپورت داد که شهر دوباره بحالت بی نظمی درآمده وبی دربی از بالای قنسولخانه کلوله میکذرد وباعث مخاطره ساکنین آنجا میباشد من نزد رئیس الوزرا رفته ازایشان خواهش نمودم که اقداماتی دراعاده نظم آنولایت بعمل آورند ونیز کفتم که‌ازراپورت کاپیتن هاورس واضحاً معلوم میشود محرکین این اغتشاشات فقط مقصودشان ممانعت سیف الدولهٔ حاکم است از مراجعت بکرمانشاه که عدم کفایت وبی قابلیتی او سبب حوادثی کردید که درماه ژوان کذشته جمع کثیری ازمردم بقنسولخانه رفته بست اختیار نمودند وباعث شد که بطرف آنجا شلیك کردند ونیز بخاطر آنجناب‌آوردم که سیف الدوله بنابرخواهش سفارت وسماً ازکاپیتن هاورس‌معذرت

خواسته وبعلاوه ویرا بطهران احضار نمودند و همچنین اظهار داشتم که با این حالات نمیدانم دولت ایران چه تصوری میکند که اورا مجدداً بکرمانشاه معاودت میدهد و هرگاه دولت در این قصد پافشاری واصرار داشته باشد البته آنرا باید اقدام غیر دوستانه نسبت بدولت اعلیحضرتی انگلستان حمل و محسوب دارم

جناب ایشان گفتند که این پیشنهاد ازطرف مجلس شده است — دستهٔ از اهالی کرمانشاه بطهران آمده درمقابل خساراتی که هنگام غارت شدن یك قسمتی ازشهر بایشان وارد گردیده از سیف الدوله ادعای غرامت مینمایند — بنا براین مجلس متحیر بود که دراین موضوع چگونه معامله نماید لیکن چون سیف الدوله متعهد شد که اگر اجازه مراجعت بکرمانشاهان بیابد این دعاوی را فیصله خواهد داد لهذا درخواست معزی الیه پذیرفته آمد — ایشان اظهار مرا که سیف الدوله برحسب خواهش سفارت معزول شده رد کردند ومیگفتند وی مأمور گردیده بود که سالار الدوله را تحت الحفظ به پای تخت آورد — من در جواب گفتم بخوبی درخاطر دارم که تقاضای عزل او شفاهاً از طرف ما شده است وهرچند دولت ایران ممکن است طریقه‌را که میگوید محض احتراز از پذیرفتن رسمی تقاضا اتخاذ کرده باشد ولی درهرحال این مسئله بهیچوجه مدخلیتی بانچه من درخصوص مراجعت سیف الدوله درمد نظر دارم نخواهد داشت

جناب ایشان وعده دادند که تامیتوانند در ممانعت آن خواهند کوشید وچند روز بعد اطلاع دادند که از خیال فرستادن وی صرف نظر گردید .

(امضا) چارلس - م - مارلینك

نمره — ۵۹

مکتوب مستر مارلینك به سر ادوارد گری —

(وصول ۲۵ نوامبر)

آقا از طهران بتاریخ ۷ نوامبر ۱۹۰۷

با کمال افتخار ترجمه مفصلی از قانون اساسی که مجلس تصویب ودرهشتم ماه اکتبر ۱۹۰۷ بصحه شاه توشیح یافته درلف همین عریضه معروض حضور آنجناب میدارم .

این قانون اختیارات و اقتدار پادشاهی را کاملا تنزل میدهد ولی مهم‌ترین قسمت آن بیشتر راجع به تعیین اختیارات و اقتدار محاکم عدلیه است — اصل هفتاد و یکم و سایر اصول متوالیه آن اگرچه مبهم وغیر مصرح نوشته شده وعمداً این اسلوب را رعایت نموده اند هرگاه بموقع اجرا درآید لطمهٔ سختی بر قوای قضائیه ملاها خواهد زد — محاکم عدلیه « مرجع رسمی تمام تظلمات عمومی » مقرر گردیده وظاهراً تعیین رجوع مرافعات بمحاکم عرف و یا بقضات شرع با این محاکم خواهد بود — از قرار معلوم قضات شرع مجبورند هرگونه مرافعاتیکه نزد ایشان برده

میشود رسیدگی آنهارا رجوع بمحاکم عدلیه نمایند نه آنکه در محاکم ودار القضاوه های غیر رسمی منعقده درمنازل خصوصی خویش یامحل دیگر چنانچه تاکنون مرسوم بوده بگذرانند — حال باید دید که این تغییرات مهمهٔ ریشه کننده را آیا مجتهدین عملا خواهند پذیرفت ؟ .

ازاصل هشتاد وششم که نیز بعبارت مبهم انشاد گردیده ظاهراً همچه مستفاد میشود که حق استیناف و تجدید نظر درتمام احکام محاکم عرفیه یاشرعیه بمحکمه استینافی داده میشود که تشکیل آن برطبق قوانین وزارت عدلیه یعنی قوه عرفیه مقرر شده است اگر این تفسیری که من کرده ام صحیح باشد البته واضح است که درمقابل اختیارات وقوای ملاها درباب دادن احکام از روی هوای نفس وبدون حق جلوگیری خیلی مؤثری خواهد شد .

این قانون نیز مشتمل برنکات دیگر می باشد ولی اکثر انها بقدری علمی وباندازهٔ مربوط ومتصل بهتمام دوره جنبش درتجددانست که بدون احاطهٔ مخصوصی بر موضوع البته اهمیت و قدر آن باکمال اشکال وصعوبت دانسته میشود لهذا من قناعت باین میکنم که توجه جنابعالی را بمواد ذیل معطوف سازم .

دراصل دوم بعلما وروحانین حق نظر درتمام قوانینیکه ازمجلس میگذرد داده شده

اصل هشتم درمقابل قوانین عرفی بهتمام ایرانیها تساوی

حقوق می بخشد (رجوع نمائید به نطقهای باقر است وجالب توجه تقی زاده وامام جمعه خوی که این مبحث را مخصوصاً اتابک مرحوم مطرح نموده ودرماه گذشته تقریباً آن نطقها اسباب خرابی وتزلزل مجلس گردید) .

اصل یازدهم — ممنوع بودن انتخاب محاکم بمیل متظلمین و نداشتن حق آنرا

اصل سیزدهم — مصون بودن منازل و مسکن از تعرض و دخول

اصل هیجدهم — آزادی معارف و تعلیمات

اصل بیستم — آزادی مطبوعات

اصل بیست یکم — آزادی مجامع

اصل بیست وششم و ۲۷ — تعیین قوای مملکت « که ناشی از ملت است »

اصل سی و پنجم — تعهد بقید یمین دراطاعت قانون اساسی که هر سلطانی باید قسم یاد نماید — مسئولیت وزرا در مورد دستخطهای پادشاهی

اصل هفتاد ویکم واصل هشتادو نهم اختیارات محاکم عدلیه را چنانچه درفوق مذکور گردید تعیین می نمایند

(امضا) چارلس - م - مارلینگ

ملفوفه نمره — ۵۹

قانون اساسی که مجلس ملی آنرا تصویب نموده ودر ۲۹ شعبان ۱۳۲۵ هجری مطابق هشتم اکتبر ۱۹۰۷ بصحه شاه موشح گردیده .

قانون اساسی

بسم الله الرحمن الرحیم

اصولی که برای تکمیل قوانین اساسیهٔ مشروطیت دولت علیه ایران بر قانون اساسی که در تاریخ چهاردهم شهر ذی القعدة الحرام یکهزارو سیصدو بیست و چهار بصحه مرحوم مغفورشاهنشاه سعید مظفرالدین شاه قاجار نورالله مضجعه موشح شده اضافه میشود ازقرار ذیل است

کلیات

اصل اول مذهب رسمی ایران اسلام و طریقه حقه جعفریه اثنی عشریه است باید پادشاه ایران دارا و مروج این مذهب باشد

اصل دویم مجلس مقدس شورای ملی که بتوجه و تایید حضرت امام عصر عجل‌الله فرجه وبذل مرحمت اعلیحضرت شاهنشاه اسلام خلدالله سلطانه ومراقبت حجج اسلامیه کثرالله امثالهم و

عامهٔ ملت ایران تأسیس شده است باید در هیچ عصری از اعصار مواد قانونیهٔ آن مخالفتی باقواعد مقدسه اسلام و قوانین موضوعه حضرت خیر الانام صلی الله علیه و آله وسلم نداشته باشد ومعین است که تشخیص مخالفت قوانین موضوعه باقواعد اسلامیه برعهدهٔ علمای اعلام ادام الله برکات وجودهم بوده وهست لهذا رسماً مقرر است درهر عصری از اعصار هیئتی که کمتر از پنج نفر نباشد از مجتهدین و فقهای متدینین که مطلع از مقتضیات زمان هم باشند باین طریق که علمای اعلام وحجج اسلام مرجع تقلید شیعه اسامی بیست نفر ازعلما که دارای صفات مذکوره باشند معرفی بمجلس‌شورای ملی بنمایند پنج نفر از انهارا یا بیشتر بمقتضای عصر اعضای مجلس شورای‌ملی بالاتفاق یا بحکم قرعه تعیین نموده بسمت عضویت بشناسند تا موادیکه درمجلسین عنوان میشود بدقت مذاکره وغور رسی نموده هریك ازآن مواد معنونه که مخالفت باقواعد مقدسه اسلام داشته باشد طرح ورد نمایند که عنوان قانونیت پیدا نکند ورای این هیئت علما دراین باب مطاع ومتبع خواهد بود واین ماده تا زمان ظهور حضرت حجة عجل‌الله فرجه تغییر پذیر نخواهد بود

اصل سیم حدود مملکت ایران وایالات وولایات وبلوکات آن تغییر پذیر نیست مگر بموجب قانون

اصل چهارم پای تخت ایران طهران است

اصل پنجم الوان رسمی بیرق ایران سبز وسفید و سرخ

وعلامت شیر وخورشید است

اصل ششم جان ومال اتباع خارجه مقیمین خاك ایران مأمور و محفوظ است مگر در مواردیکه قوانین مملکتی استثنا میکند

اصل هفتم اساس مشروطیت جزءً وکلاً تعطیل بردار نیست

حقوق ملت ایران

اصل هشتم اهالی مملکت ایران در مقابل قانون دولتی متساوی الحقوق خواهند بود

اصل نهم افراد مردم از حیث جان ومال و مسکن وشرف محفوظ ومصون از هر نوع تعرض هستند ومتعرض احدی نمیتوان شد مگر بحکم وترتیبی که قوانین مملکت معین مینمایند

اصل دهم غیر ازمواقع ارتکاب جنحه وجنایات وتقصیرات عمده هیچکس را نمیتوان فوراً دستگیر نمود مگر بحکم کتبی رئیس محکمه عدلیه برطبق قانون ودرآنصورت نیز باید گناه مقصر فوراً یامنتهی درظرف بیست و چهار ساعت باو اعلام واشعار شود

اصل یازدهم هیچکس را نمیتوان از محکمه که باید در باره او حکم کند منصرف کرده مجبوراً بمحکمه دیگر رجوع دهند

اصل دوازدهم حکم واجرای هیچ مجازاتی نمیشود مگر بموجب قانون

اصل سیزدهم منزل وخانه هرکس درحفظ وامان است درهیچ مسکنی قهراً نمی توان داخل شدمگر بحکم وترتیبی که قانون مقرر نموده

اصل چهاردهم هیچیك از ایرانیان را نمی‌توان نفی‌بلد یامنع از اقامت درمحلی یامجبور باقامت محل معینی نمود مگر درمواردی که قانون تصریح میکند

اصل پانزدهم هیچ ملکی را ازتصرف صاحب‌ملك نمیتوان بیرون کرد مگر بامجوز شرعی وآن نیز پس از تعیین و تادیه قیمت عادله است

اصل شانزدهم ضبط املاك واموال مردم بعنوان مجازات وسیاست ممنوعست مگر بحکم قانون

اصل هفدهم سلب تسلط مالکین ومتصرفین ازاملاك و اموال متصرفه ایشان بهر عنوان که باشد ممنوعست مگر بحکم قانون .

اصل هیجدهم تحصیل وتعلیم علوم ومعارف وصنایع آزاد است مگر آنچه شرعاً ممنوع باشد

اصل نوزدهم تاسیس‌مدارس بمخارج دولتی‌وملتی وتحصیل اجباری باید مطابق قانون وزارت علوم ومعارف مقرر شود وتمام مدارس ومکاتب باید در تحت ریاست عالیه و مراقبت وزارت علوم ومعارف باشد

اصل بیستم عامه مطبوعات غیر از کتب ضلال ومواد مضره بدین مبین آزاد وممیزی در آنها ممنوع است ولی هرگاه چیزی مخالف قانون مطبوعات در آنها مشاهده شود نشر دهنده یانویسنده برطبق قانون مطبوعات مجازات میشود اگر نویسنده معروف و مقیم ایران باشد ناشر وطابع وموزع از تعرض مصون هستند

اصل بیست ویکم انجمنها و اجتماعاتیکه مولد فتنه دینی ودنیوی ومخل بنظم نباشند درتمام مملکت ازاد است ولی مجتمعین باخود اسلحه نباید داشته باشند وترتیباتی را که قانون دراینخصوص مقرر میکند باید متابعت نمایند اجتماعات درشوارع ومیدانهای عمومی هم باید تابع قوانین نظمیه باشند

اصل بیست ودویم مراسلات پستی کلیتاً محفوظ وازضبط وکشف مصون است مگر درمواردیکه قانون استثنا میکند

اصل بیست وسیم افشا یاتوقیف مخابرات تلگرافی بدون اجازهٔ صاحب تلگراف ممنوع است مگر در مواردیکه قانون معین میکند .

اصل بیست وچهارم اتباع خارجه میتوانند قبول تبعیت ایران را بنمایند قبول و بقای انها برتبعیت و خلع آنها از تبعیت بموجب قانون جداگانه است

اصل بیست پنجم تعرض بمامورین دیوانی درتقصیرات راجعه بمشاغل آنها محتاج بتحصیل اجازه نیست مگر در حق وزراء که

رعایت قوانین مخصوصه در اینباب باید بشود

قوای مملکت

اصل بیست و ششم قوای مملکت ناشی از ملت است طریقه استعمال آن قوی راقانون اساسی معین مینماید

اصل بیست و هفتم قوای مملکت بسه شعبه تجزیه میشود

اول قوهٔ مقننه که مخصوص است بوضع وتهذیب قوانین واین قوه ناشی میشود از اعلیحضرت شاهنشاهی و مجلس شورای ملی و مجلس سنا وهریك از این سه منشأ حق انشاء قانون را دارد ولی استقرار آن موقوف است بعدم مخالفت باموازین شرعیه و تصویب مجلسین وتوشیح بصحهٔ همایونی لکن وضع وتصویب قوانین راجعه بدخل وخرج مملکت ازمختصات مجلس شورای ملی است

شرح و تفسیر قوانین از وظایف مختصه مجلس شورای ملی است .

دویم قوهٔ قضائیه وحکمیه که عبارت است از تمیز حقوق و این قوه مخصوص است به محاکم شرعیه در شرعیات و به محاکم عدلیه در عرفیات .

سیم قوهٔ اجرائیه که مخصوص پادشاه است یعنی قوانین و احکام بتوسط وزراء ومامورین دولت بنام نامی اعلیحضرت همایونی اجرا میشود بترتیبی که قانون معین میکند .

اصل بیست‌وهشتم   قوای ثلثهٔ مزبوره همیشه ازیکدیگر ممتاز ومنفصل خواهد بود .

اصل بیست و نهم   منافع مخصوصهٔ هر ایالت وولایت و بلوك بتصویب انجمنهای ایالتی وولایتی بموجب قوانین مخصوصه آن مرتب وتسویه می شود

حقوق اعضای مجلسین

اصل سی ام   وکلای مجلس شورای ملی ومجلس سنا از طرف تمام ملت و کالت دارند نه فقط از طرف طبقات مردم یا ایالات وولایات وبلوکاتی که آنهارا انتخاب نموده اند

اصل سی‌ویکم   یك نفر نمیتواند دوزمان واحـد عضویت هردو مجلس را دارا باشد

اصل سی و دویم   چنانچه یکی از وکلا در ادارات دولتی موظفاً مستخدم بشود از عضویت مجلس منفصل میشود و مجـدداً عضویت او درمجلس موقوف باستعفای از شغل دولتی وانتخاب از طرف ملت خواهد بود

اصل سی وسیم   هریك ازمجلسین حق تحقیق وتفحص در هر امری از امور مملکتی دارند

اصل سی‌وچهارم   مذاکرات مجلس سنا درمدت انفصال مجلس شورای ملی بی نتیجه است

حقوق سلطنت ایران

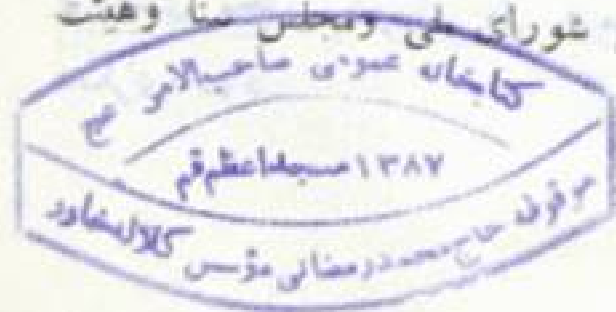
اصل سی‌و پنجم   سلطنت ودیعه‌ایست که بموهبت‌الهی از طرف ملت بشخص پادشاه‌مفوض شده

اصل سی‌وششم   سلطنت مشروطه‌ایران در شخص‌اعلیحضرت‌شاهنشاهی السلطان محمدعلی شاه‌قاجار ادام‌الله سلطنته واعقاب ایشان نسلا بعدنسل برقرار خواهد بود

اصل سی‌و هفتم   ولایت‌عهد در صورت‌تعدد اولاد به‌پسر اکبر پادشاه که مادرش ایرانی الاصل‌و شاه زاده باشد میرسد ودر صورتی که برای پادشاه‌اولاد ذکور نباشد اکبر خاندان‌سلطنت‌بارعایت الاقرب‌فالاقرب برتبهٔ ولایت‌عهد نایل میشود و هر گاه‌در صورت مفروضهٔ فوق اولاد ذکور برای پادشاه بوجودآید حقا ولایت عهد باوخواهد رسید

اصل سی‌و هشتم   در موقع انتقال سلطنت ولیعهد وقتی میتواند شخصا امور سلطنت را متصدی شود که سن او بهیجده سال بالغ باشد چنانچه باین‌سن نرسیده باشد باتصویب هیئت مجتمعهٔ مجلس شورای ملی و مجلس سنا نایب السلطنهٔ برای او انتخاب خواهد شد تا هیجده سالگی را بالغ شود

اصل سی‌و نهم   هیچ پاد شاهی بر تخت سلطنت نمیتواند جلوس کند مگر این که قبل از تاج گذاری درمجلس شورای ملی حاضر شود باحضور اعضای مجلس شورای ملی ومجلس سنا وهیئت وزراء بقرار ذیل قسم یادنماید



«من خدا وند قادر متعال راگواه گرفته بکلام‌الله مجید و
بانچه نزد خدا محترم است قسم یادمیکنم که تمام‌هم خودرا مصروف
حفظ استقلال ایران نموده حدود مملکت وحقوق ملت‌را محفوظ و
محروس بدارم قانون اساسی مشروطیت ایران را نگهبان و برطبق
آن و قوانین مقرره سلطنت نمایم و در ترویج مذهب جعفری اثنی
عشری سعی وکوشش نمایم ودر تمام اعمال و افعال خداوند عزشأنه
را حاضر وناظر دانسته منظوری جز سعادت وعظمت دولت و ملت
ایران نداشته باشم و از خداوند مستعان درخدمت بترقی ایران توفیق
میطلبم و ازارواح طیبهٔ اولیای اسلام استمداد میکنم»

اصل چهلم همین طور شخصی که بنیابت سلطنت منتخب میشود نمیتواند متصدی این امر شود مکر اینکه قسم‌مزبور فوق را یاد نموده باشد

اصل چهل‌و یکم درموقع رحلت پادشاه مجلس شورای ملی ومجلس سنا لزوما منعقد خواهدشد وانعقاد مجلسین زیاده از ده روز بعداز فوت پادشاه نباید بتعویق بیافتد

اصل چهل‌و دوم هرگاه دورهٔ وکالت وکلای هردو یا یکی از مجلسین در زمان حیواة پادشاه منقضی شده‌باشد و وکلای جدید در موقع رحلت پادشاه هنوز معین نشده باشند وکلای سابق حاضر و مجلسین منعقد میشود

اصل چهل‌و سیم شخص پادشاه نمیتواند بدون تصویب و رضای مجلس شورای ملی و مجلس سنا متصدی امور مملکت دیگری شود

اصل چهل‌و چهارم شخص پادشاه ازمسئولیت مبری‌است وزراء دولت در هرگونه امور مسئول مجلس هستند

اصل چهل‌و پنجم کلیه قوانین ودستخط های پادشاه‌در امور مملکتی وقتی اجرا میشود که بامضای وزیر مسئول رسیده باشد و مسئول صحت مدلول آن فرمان و دستخط همان وزیر است

اصل چهل‌و ششم عزل و نصب وزرا بموجب فرمان همایون پادشاه است

اصل چهل‌و هفتم اعطای درجات نظامی و نشان و امتیازات افتخاری با مراعات قانون مختص شخص پادشاه است

اصل چهل‌و هشتم انتخاب مأمورین رئیسهٔ دوائر دولتی از داخله و خارجه باتصویب وزیر مسئول ازحقوق پادشاه است مگر در مواقعی که قانون استثنا نموده باشد ولی تعیین سایر مأمورین راجع به پادشاه نیست مگر در مواردی که قانون تصریح می کند

اصل چهل‌و نهم صدور فرامین و احکام برای اجرای قوانین از حقوق پادشاه است بدون اینکه هرگز اجرای آن قوانین را تعویق یا توقیف نماید

اصل پنجاهم فرمانفرمائی کل قشون بری و بحری باشخص پادشاه است

اصل پنجاه‌و یکم اعلان جنگ و عقد صلح باپادشاه اسب

اصل پنجاه‌و دویم   عهد نامه هائی که مطابق اصل بیست‌و چهارم قانون اساسی مورخه چهار دهم ذیقعده یك هزارو سیصدو بیست‌و چهار استتار آنها لازم باشد بعد از رفع محظور همین که منافع و امنیت مملکتی اقتضا نمود با توضیحات لازمه باید از طرف پادشاه بمجلس شورای ملی و سنا اظهار شود

اصل پنجاه‌و سیم   فصول مخفیه هیچ عهد نامه مبطل فصول آشکار آن عهد نامه نخواهد بود

اصل پنجاه‌و چهارم   پادشاه میتواند مجلس شورای ملی ومجلس سنا را بطور فوق العاده امر بانعقاد فرمایند

اصل پنجاه‌و پنجم   ضرب سکه با موافقت قانون بنام پادشاه است

اصل پنجاه‌و ششم   مخارج و مصارف دستگاه سلطنتی باید قانونا معین باشد

اصل پنجاه‌و هفتم   اختیارات و اقتدارات سلطنتی فقط همان است که در قوانین مشروطیت حاضره تصریح شده

راجع بوزراء

اصل پنجاه‌و هشتم   هیچکس نمیتواند بمقام وزارت برسد مگر آن که مسلمان و ایرانی الاصل و تبعهٔ ایران باشد

اصل پنجاه‌و نهم   شاه زادگان طبقه اولی یعنی پسر و برادر و عموی پادشاه عصر نمی توانند به‌وزارت منتخب شوند

اصل شصتم   وزراء مسئول مجلسین هستند و در هر

مورد که از طرف یکی از مجلسین احضار شوند باید حاضر گردند و نسبت باموری که محول بانهاست حدود مسئولیت خودرا منظور دارند

اصل شصت‌و یکم   وزراء علاوه بر این که بتنهائی مسئول مشاغل مختصهٔ وزارت خود هستند بهیئت اتفاق نیز در کلیات امور در مقابل مجلسین مسئول و ضامن اعمال یکدیگرند

اصل شصت‌و دویم   عده وزرا را برحسب اقتضاء قانون معین خواهد کرد

اصل شصت‌و سیم   لقب وزارت افتخاری بکلی موقوف است

اصل شصت و چهارم   وزرا نمی‌توانند احکام شفاهی یا کتبی پادشاه را مستمسك قرار داده سلب مسئولیت از خودشان بنمایند

اصل شصت‌و پنجم   مجلس شورای ملی یا سنا میتوانند وزرا را در تحت مؤاخذه ومحاکمه در آورند

اصل شصت‌و ششم   مسئولیت وزراء وسیاسیترا که راجع بانها میشود قانون معین خواهد نمود

اصل شصت‌و هفتم   درصورتی که مجلس شورای ملی یا مجلس سنا باکثریت تامه عدم رضایت خود را از هیئت وزراء یا وزیری اظهار نمایند آن هیئت یا آن وزیر از مقام وزارت منعزل میشود

اصل شصت‌و هشتم وزرا موظفا نمیتوانند خدمت دیگر غیر از شغل خودشان درعهده گیرند

اصل شصت‌و نهم ملجس شورای ملی یا مجلس سنا تقصیر وزرا را در محضر دیوان خانه تمیز عنوان خواهند نمود دیوانخانه مزبوره باحضور تمام اعضاء مجلس محاکمات دائرهٔ خود محاکمه خواهد گرد مگر وقتی که بموجب قانون اتهام و اقامهٔ دعوااز دائرهٔادارات دولتی مرجوعه بشخص‌وزیر خارج وراجع بخود وزیر باشد

تنبیه ما دامی که محکمه تمیز تشکیل نیافته است هیئتی منتخب از اعضاء مجلسین بعدهٔ متساوی نایب مناب محکمه تمیز خواهد شد

اصل هفتادم تعیین تقصیر و مجازات وارده بر وزرا در موقعیکه مورد اتهام مجلس شورای ملی یامجلس سنا شوند ویادر امور ادارهٔ خود دوچار اتهامات شخصی مدعیان گردند منوط بقانون مخصوص خواهد بود

اقتدارات محاکمات

اصل هفتادو یکم دیوان عدالت عظمی و محاکم عدلیه مرجع رسمی تظلمات عمومی هستند وقضاوت درامور شرعیه باعدول مجتهدین جامع الشرایط است

اصل هفتادو دوم منازعات راجعه بحقوق سیاسیه مربوط به محاکم عدلیه است مگر در مواقعی که قانون

استثنا نماید

اصل هفتادو سیم تعیین محاکم عرفیه منوط بحکم قانون‌است‌وکسی نمیتواند بهیچ اسم‌ورسم محکمهٔ برخلاف مقررات‌قانون تشکیل نماید

اصل هفتادو چهارم هیچ محکمه ممکن نیست منعقد گردد مگر بحکم قانون

اصل هفتادو پنجم در تمام مملکت فقط یك دیوانخانهٔ تمیز برای امور عرفیه دایر خواهد بود آنهم درشهر پایتخت واین دیوانخانهٔ تمیزدرهیچ محاکمه‌ابتداء رسیدگی نمیکند مگردرمحاکماتی که راجع بوزرا باشد

اصل هفتادو ششم انعقاد کلیه محاکمات علنی است مگر آنکه علنی‌بودن آن‌مخل نظم یامنافی عصمت باشد دراینصورت لزوم اخفارا محکمه اعلان مینماید

اصل هفتادو هفتم درماده تقصیرات سیاسیه ومطبوعات چنانچه محرمانه بودن محاکمه صلاح باشد باید باتفاق آراء جمیع اعضاء محکمه بشود

اصل هفتادو هشتم احکام صادره ازمحاکم بایدمدلل و موجه ومحتوی فصول قانونیه که برطبق آنها حکم صادر شده‌است بوده‌وعلنا قرائت شود

اصل هفتادو نهم در موارد تقصیرات سیاسیه ومطبوعات هیئت منصفین درمحاکم حاضر خواهند بود

اصل هشتادم رؤسا و اعضاء محاکم عدلیه بترتیبی که

قانون عدلیه معین می کند منتخب و بموجب فرمان همایونی منصوب میشوند

اصل هشتادو یکم   هیچ حاکم محکمه‌عدلیه را نمیتوان ازشغل خود موقتا یادائما بدون محاکمه وثبوت تقصیر تغییرداد مگر اینکه خودش استعفا نماید

اصل هشتادو دوم   تبدیل مأموریت حاکم محکمه عدلیه ممکن نمیشود مگر برضای خوداو

اصل هشتادو سیم   تعیین شخص مدعی عموم باتصویب حاکم شرع درعهده پادشاه است

اصل هشتادو چهارم   مقرری اعضای محاکم عدلیه بموجب قانون معین خواهد شد

اصل هشتادو پنجم   رؤسای محاکم عدلیه نمی توانند قبول خدمات موظفه دولتی را بنمایند مگر اینکه آنخدمت را مجانا برعهدهٔ گیرند ومخالف قانونهم نباشد

اصل هشتادو ششم   درهر کرسی ایالتی یك محکمه استیناف برای امور عدلیه مقرر خواهد شد بترتیبی که در قوانین عدلیه مصرح است

اصل هشتادوهفتم   محاکم نظامی موافق قوانین مخصوصه در تمام مملکت تأسیس خواهد شد

اصل هشتادو هشتم   حکمیت منازعه در حدود ادارات و مشاغل دولتی بموجب مقررات قانون به محکمه تمیز راجع است

اصل هشتادونهم   دیوانخانهٔ عدلیه ومحکمه‌ها احکام ونظام نامه های عمومی وایالتی وولایتی وبلدیرا مجری خواهند داشت که تُنها مطابق باقانون باشند

در خصوص انجمنهای ایالتی وولایتی

اصل نودم   در تمام ممالك محروسه انجمنهای ایالتی و ولایتی بموجب نظامنامه مخصوص مرتب میشود وقوانین اساسیه آن انجمنها از این قرار است

اصل نودویکم   اعضای انجمنهای ایالتی و ولایتی بلا واسطه از طرف اهالی انتخاب می شوند مطابق نظامنامه انجمنهای ایالتی وولایتی

اصل نودو دویم   انجمنهای ایالتی وولایتی اختیار نظارت تامه در اصلاحات راجعه بمنافع عامه دارند بارعایت حدود قوانین مقرره

اصل نودو سیم   صورت خرج و دخل ایالات و ولایات از هر قبیل بتوسط انجمن های ایالتی و ولایتی طبع و نشر می شود

در خصوص مالیه

اصل نودو چهارم   هیچ قسم مالیات بر قرار نمی شود

مگر بحکم قانون

اصل نودو پنجم مواردیرا که از دادن مالیات معاف توانند شد قانون مشخص خواهد نمود

اصل نودو ششم میزان مالیاترا همه ساله مجلس شورای ملی باکثرت تصویب و معین خواهد نمود

اصل نودو هفتم در مواد مالیاتی هیچ تفاوت و امتیازی فیمابین افراد ملت گذارده نخواهدشد

اصل نود وهشتم تخفیف ومعافیت ازمالیات منوط بقانون مخصوص است

اصل نودو نهم غیر ازمواقعیکه قانون صراحتا مستثنی میدارد بهیچ عنوان ازاهالی چیزی مطالبه نمیشود مگر باسم مالیات مملکتی وایالتی وولایتی وبلدی

اصل صدم هیچ مرسوم و انعامی بخزینه دولت حواله نمیشودمگر بموجب قانون

اصل صدو یکم اعضای دیوان محاسبات را مجلس شورای ملی برای مدتی که بموجب قانون مقرر می شود تعیین خواهد نمود

اصل صدو دوم دیوان محاسبات مأمور بمعاینه وتفکیك محاسبات ادارهٔ مالیه و تفریق حساب کلیه محاسبین خزانه است و مخصوصا مواظب است که هیچیك از فقرات مخارج معینه دربودجه از میزان مقرر تجاوز ننموده تغییر و تبدیل نپذیرند و هر وجهی در محل خود بمصرف برسد و همچنین معاینه و تفکیك محاسبه

مختلفه کلیه ادارات دولتیرا نموده اوراق سند خرج محاسباترا جمع آوری خواهد کرد و صورت کلیه محاسبات مملکتی را باید بانضمام ملاحظات‌خود تسلیم مجلس‌شورای ملی نماید

اصل صدو سیم ترتیب وتنظیم ادارهٔ این‌دیوان بموجب قانون است

قشون

اصل صدو چهارم ترتیب گرفتن قشون را قانون معین می نماید تکالیف وحقوق اهل نظام وترقی درمناصب بموجب قانون است

اصل صدو پنجم مخارج نظامی هر ساله از طرف مجلس شورای‌ملی تصویب میشود

اصل صدو ششم هیچ قشون نظامی خارجه بخدمت دولت قبول نمیشود و در نقطهٔ از نقاط مملکت نمیتواند اقامت و یا عبور کند مگر بموجب قانون

اصل صدو هفتم حقوق و مناصب و شئونات اهل نظام سلب نمیشود مگر بموجب قانون

سواد دستخط مبارك همایونی

بسمهٔ تبارك و تعالی

متمم نظام‌نامه اساسی ملاحظه شد تماما صحیح‌است وشخص

همایون ما انشاء الله حافظ و ناظر کلیه آن خواهیم بود اعقاب و اولاد ماهم انشاء الله مقوی این اصول و اساس مقدس خواهند بود

۲۹ شعبان قوی‌ئیل ۱۳۲۵ درقصر سلطنتی طهران

قسمتی ازمکتوب مستر مارلینك بهسراد وارگری ـ (وصول۲۵نوامبر) ازطهران مورخه هشتم نوامبر ۱۹۰۷

شدت هیجان سیاسی و یا مذهبی در ماه رمضان عموما بیشتر است و اینکه وقایع چهار هفته گذشته تماما متصادف با این ماه گردیده هیچ جای تردید نیست که ممد کثرت اغتشاش در سراسر مملکت ایران واقع شده است

افق سیاسی از همه وقت تاریك تر میباشد و من روشنائی که نوید کار های بهتری را بدهد آشکار و هویدا نمی بینم

در ایالات همه روزه اوضاع ببدی منجر میگردد ـ پیش آمد امور درشیراز چنان مخوف است که‌قنسول جنرال اعلیحضرتی مجبور شده است در افزایش مستحفظین خویش توصیه نماید ـ در اصفهان و نواحی اطراف آن عدم قانون بشیوع پیوسته و کارگذاران محلی چنان بیقدرت و ضعیفند که نمی توانند و یا نمی خواهند تهیه مستحفظین برای دو دستهٔ از مأمورین تلگراف خانه هند و اروپائی بنمایند که متجاوز از یکماه است باز مانده اند از این که حرکت نموده تکالیف تفتیش را در امتداد خط تلگراف بعمل آورند ـ و امروز عامل زیگلر بمن اطلاع داد که طبقهٔ

علما در خیال فراهم آوردن ترتیبات تحریم و بایقوت امتعهٔ اروپائی میباشند ـ در کرمان شاه خبر مراجعت سیف الدوله حاکم بیکفایت سابق باعث شده است که بی‌نظمی واغتشاش تجدید بیابد ـ استراباد که مدت هفت ماه است بی حاکم مانده موقع غارت تراکمه واقع گردیده و منزل گاه خوفناك معروف بین مشهد و طهران میدان حملات وحشیانه این غارت گران یاغی شده‌است

دولت شاهنشاهی چنان بیقدرت است که نمی تواند جلو گیری از این اوضاع ورفع آن را بنماید ـ نه‌پول موجود دارند و نه قشونی حاضر و بهمین جهة است که احکام و دستوراتشان را مأمورین ولایات بحالت غیر اجرا باقی داشته اند

در خود طهران در چند روز آخر ماه گذشته بواسطه هیجان عظیمی که در عزل شاه بوقوع پیوست اغتشاش شدیدی رخ نمود .

اواخر ماه اکتبر کابینهٔ جدیدی روی کار آمد که در تشکیل آن فقط مجلس مسؤل است ـ این کابینه روی هم رفته کافی ترین وزرائی را که از ابتدای طرح و ایجاد مشروطیت امور وزارت را اشغال کرده بودند مشتمل می باشد و بسی امید ها بایشان میرود

نطق های تازهٔ مجلس ثابت میسازد که کابینه طرف اعتماد مجلس است ولی باوجود آن ضعف و بی کفایتی که حکومت سابق متصف بان بود هنوز مشاهده میشود حتی ناصر الملك رئیس الوزرا مایل نیست که کوچکترین مسئولیتی را بپذیرد مگر این که

اطمینان حاصل کند که اقداماتش را مجلس تصویب خواهد نمود وزیر امور خارجه چندان بهتر نیست و انجام امور حتی در مسائل خیلی جزئی هم بی اندازه مختل مانده ـ قوه مجریه نیز در یك حالت انحطاطی واقع است ـ و نظر باوضاع مالیه ناچار استقراضی بعمل خواهد آمد ـ خزانه خالی است و تاپول موجود نباشد که بیکی از اقسام قشون معموله بپردازند اعاده نظم و امنیت بکلی غیر ممکن خواهد بود ـ عقیدهٔ ناصر الملك این است که قشون حالیه را موقوف ساخته در عوض آن بیك میزان کمتری تشکیل ژاندار مری نظامی‌داده شود ویحتمل این مسئله بااین اوضاع حاضره بهترین طرحها باشد زیرا من مطمئن هستم که اگر دولت ایران می توانست برای یك دفعه تنبیه کاملی بعناصر اغتشاش هر شهری بدهد این‌کار در قلوب اهالی سایر نقاط ایران مؤثر میگردید

آنچه بنظر می آید این است که لوازم مادی برای اداره کردن یك چنین قشونی که ذکر شد موجود نباشد واز همه گذشته پول‌ندارند ـ عقیده ناصرالملك اینست که بدون همراهی دولتین انگلیس و روس هیچ کاری از پیش نخواهد رفت وامیدوار است که‌دولتین مساعدت مالیه خواهند نمود ـ من بجناب ایشان اظهار داشتم که قبل از دخول در هر اقدامی بایـد منتظر بود تاوقتی کـه مسیو بیزوت وارد شده بمشورت مشار الیه مشغول کار شوند .

نمرهٔ ٦١

مکتوب مستر مار لینك بهسراد وار گری ـ (وصول٢٥ نوامبر) ازطهران‌مورخهٔ ٧ نوامبر ١٩٠٧

باکمال افتخار خلاصهٔ وقایع یك ماهه را کـه در ظرف چهار هفته گذشته اتفاق افتاده لفا ارسال میدارم .

درتلو نمرهٔ ٦١

قسمتی از خلاصهٔ حوادث یکماهه

طهران

دربیست وشِشم اکتبر کابینهٔ جدیدی بتوسط مجلس تشکیل یافته و شاه آنرا تصویب فرمود ـ اجزای این‌کابینهٔ جدید از قرار ذیل است .

وزیرمالیه ورئیس الوزرا . . . ناصر الملك ـ جی ـ سی ـ ام ـ جی

وزیر داخله (که پست ـ تلگراف ـ بلدیه و پلیس و غیره منضم بان وزارتخانه گردیده) آصف الدوله

وزیر امور خارجه . . . مشیر الدوله ـ جی ـ سی ـ ام ـ جی

وزیر عدلیه . . . . مخبر السلطنه

وزیر جنگ . . . . مستوفی الممالك

وزیر معارف (بانضمام فواید عامه ـ معادن ـ طرق و شوارع جنگلها و غیره) . . . صنیع الدوله

وزیر تجارت وگمرکات . . . مؤتمن الملك

آصف الدولـه وزیر داخله تابهـار ١٩٠٧ بفرمان فرمـائی

حراسان اشتغال داشت چون متهم شده بود باین که در فروش زنان و اطفال ایرانی به تراکمه دخالت نموده لهذا بامر مجلس از حکومت خراسان معزول شد ـ ویرا در دیوان خانهٔ عدلیه حضور شاه زادهٔ فرمانفرمامحاکمه‌نموده «بیگناهی ونداشتن‌تقصیرش» معلوم و رفع اتهام ازایشان گردید ـ

مشیر الدوله پسر ارشد مشیر الدولهٔ مرحوم است که لقب پدر خود را بارث دارا گردیده و تاچندی قبل در پطرسبورك وزیر مختار بود .

مؤتمن الملك برادر کوچکتر و زیر امور خارجهٔ مذکور است .

مخبر السلطنه وصنیع الدوله برادر میباشند و صنیع الدوله تا اوایل سپتامبر بریاست مجلس برقرار بود .

تمام اعضای کابینه باستثنای وزیر داخله از ایرانیان تجدد پروری هستند که تحصیلات عالیه‌نموده وهر کدام یك یادوزبان اروپائی را میدانند .

تبریز

ولایت خوی هنوز بحالت اغتشاش باقی است ـ کمسیونی که مأمور آنجا شده بود نتوانست منازعات رااصلاح وفیصله دهد ـ اقبال‌السلطنه طرق وشوارع را بسته‌است ازآن جمله راه طرابوزان را ـ نتیجه آنکه کلیه تجارت دچار تعطیل و خسارت شده و تجارت انگلیس نیز در همان جزو فلج آمده است ـ همچه

حکومت از بیم آن که مبادا ـ مانند اتابك بقتل رسد لهذا بانقلابیون میدان آزادیرا بخشیده است‌قضاوت وحکمرانی حتی در موارد قتل را انجمن ایالتی متصدی‌وحکم فرمااست ـ یکی ازاشخاص که مرتکب‌قتل گردیده‌ودرقنسولگری‌تحصن اختیارنموده بودمستر استه‌ون اورا ازانجا خارج ساخته و رولسیونرها (انقلابیون) ویرا دستگیر و باولیای مقتول تسلیم داشتند وایشان‌او را بانهایت بیرحمی درکوچه‌ها بقتل رسانیدند .

رشت

وزیر اکرم از حکومت گیلانات معزول وامیر اعظم بجای او منصوب گردیده و در سوم اکتبر بمقر حکومت وارد شد وقبل از انگه از طهران حرکت نماید بیکی از اعضای سفارت اظهار دوستی نسبت بدولت انگلیس مینمود وهمچنین در رشت خصوصیت خودرا به آن دولت تکرار میکرد ـ از ابتدائی که وارد شد اقدامات کافیه دررفع اغتشاش بعمل‌آورد چنانچه اکنون آن اغتشاشات نسبت بسابق کمتر شده است .

اصفهان

کار وانها در راه اصفهان و یزد و همچنین در راه شیراز و اصفهان کما فی‌السابق سرقت میشوند ـ در نزدیکی یزد خواست دستهٔ از دزدها که عده‌شان متجاوز از صد نفر بود هشتادو چهار رأس قاطر و الاغ که حمل عماش وتریاك وغیره مینمودند سرقت

کرده و برده اند .

سیستان

قنسول دولت اعلیحضرتی اطلاع و راپورت میدهد که در موقع تابستان که بگردش و تفرج بلوك مسافرت میکرد در تمام قائنات اهالی از مشار الیه پذیرائی دوستانه شایانی نموده اند .

کرمان

در راه کرمان و بندر عباس دوقافله غارت گردید و دریك موردی چهارنفر مکاری کشته شد ـ تجار تلگراف کردند که دیگر جنس فرستاده نشود تااوضاع راه ها بهتر گردد ـ پست بندر عباسرا نیز بسرقت بردند .

اغتشاشاتی که از انتخابات انجمن ایالتی حادث شده بود در ظرف ماه‌اکتبر مداومت داشت ـ حکمران بمقید داشتن پیش وای ملتیان موسوم بناظم التجار امرنمود وپس ازگرفتاری تبعیدش ساخت پس از آن اهالی بطور اجتماع نزد حکومت رفته تقاضا نمودند که او را عودت دهد ولی حاکم قشون را فرمان داد بطرف آنجماعت شلیك کرده پنج تن از آنان مقتول وعدهٔ مجروح گردیدند ـ این اتفاق که در پیوست مردم بتلگراف خانهٔ انگلیس وقنسول خانهٔ روس داخل وتحصن یافتند و مشغول بمخابره تلکرافات باطهران شده تغییر

حکومت را در خواست و استدعا نمودند ـ این موضوع درطهران و مجلس شورای ملی مطرح گفتکو وعاقبت حاکم معزول گردید ولی تاکنون بجای او حاکمی معین نشده است .

شیراز

برخی از دعاوی دولت انگلیس انجام یافت وخسارت اموال مسروقهٔ قاصد مأمور مقیم را که هنگام سرقت خورجین های پستی قنسولخانه مفقود شده بود پرداختند لیکن هنوز قرار دادی بردعاوی عمده داده نشده است .

روز سیزدهم ماه اکتبر سید عبد الحسین لاری با هفتاد نفر از مریدان خویش وارد شیراز گردید بعنوان این که از مجلس ملی حمایت نماید و مقصود از این هیجان همانا ضدیت باقوام و پسران او است که بشیراز معاودت نکنند ـ گویند معتمد دیوان مشار الیه را عودت و مخارجش را ایصال داشته است ـــ هنگام ورود جمعیت کثیری باستقبال وی شتافتند ـــ غرض عمده اش اضمحلال و تحلیل قوای قوا میان باشد .

روز جمعهٔ هیجدهم ماه اکتبر امام جمعه که مایل نبود سید لاری در مسجد نماز جماعت نماید او خود بدانجا رفت که ادای فریضه را با مامت خویشتن بجاآورد اتباع سید بجانب طرف داران امام جمعه بنای شلیك را نهادند و انها نیز مشغول بجواب دادن شدند و از آن میان معروف است یکنفر مجروح گردید ـــ سپس هر دو فرقه شتافتند که تلگراف خانه را متصرف شوند ولی قوامیان زود تر

آن مکان را بتصرف در آورده کسان سید را از دخول بدان محل مانع آمدند — همان‌روز مقارن غروب بعضی از قوامیان غفلتا برعدهٔ از مدعیان خویش حمله آورده ۹ قبضه تفنك از ایشان جبراً بغنیمت گرفتند از هیجدهم تابیست‌و سوم ماه اکتبر اغتشاش مداومت داشت و گاهی از اوقات از تلگراف خانه که قوامیان بعده چهار صد نفر انجا را مأمن قرار داده و نیز ازمسجد که هزار نفر ازحامیان سید آن مکان را سنگر گاه ساخته بودند بشدت شلیك میشد — روز بیستم اکتبر نظام السلطنه که از هفدهم تا آن تاریخ در خارج شهر توقف داشت و مایل نبود بامور حکومت فارس بپردازد مجدد آبعمل حکمرانی اشتغال ورزید — در بیست‌و دویم اکتبر یك نفر از تبعهٔ سید بضرب گلوله مقتول و دو نفر دیگر مجروح گردیدند و یوم بیست‌و سوم همان ماه بازار ها بطور مختصر تعطیل و بسته شد و بدانواسطه کار های تجارتی بکلی معوق ماند ـ اواخر ماه اکتبر در کوچه ها بنای شلیك را گذاشتند و چون نظام السلطنه ترك شیراز را نمود و از انجا خارج گردید بدانواسطه اوضاع از همه وقت بدترشد اخبار اخیرهٔ که ششم ماه‌نوامبر بطهران رسید اشعار میداشت که اوضاع روی به بهبودی و آرامی نهاده .

یکنفر از رعایای آلمانرا دزد ها بمسافت کمی از شیراز از جاده‌منحرف ساخته وانچه داشت ازوی بسرقت بردند .

بندر عباس

در ماه سپتامبر یك قافلهٔ بزرگی که قسمتی از آن تعلق

به یازده نفر از هندی های تبعهٔ انگلیس داشت و خود انها نیز همراه قافله بودند مابین راه کرمان و بندر عباس گرفتار دزد ها آمدند ـ ایشان بقنسولخانه متظلم شده و متجاوز ازهزارو هفتصد تومان ادعای خسارت مینمایند .

لنگه

چون رئیس ایرانی گمرکات جداً اصرار داشت که اشیاء زوار را رسیدگی و معاینه نماید لهذا همهمهٔ عظیمی رخ‌نمود و نسبت برئیس مزبور باکمال خشونت معامله کردند ـ بدین واسطه اداره گمرکات بسته شد و عمل تجارت معوق ماند ـ حاکم موسوم بدریابکی روز بیست و دوم سپتامبر وارد گردید وبتحقیق وقایع فوق الذکر پرداخت ـ عاقبت طرفین متنازعین را صلح وآشتی داد و اداره گمرکات را دو باره مفتوح ساختند ـ بعد از ظهر همان روز رئیس گمرکات باجزای خویش اظهار نمود که بایستی دکاکین خود را تعطیل نمایند و اصرار کنند که از طرف حاکم ترمیمی در باره وی بعمل آید ـ رئیس گمرکات بوشهر بجای این رئیس مقرر گردید و چون نایب الحکومه در موقع اغتشاش همراهی با اجزای گمرك ننموده بود لهذا او را معزول ساختند .

اهواز

ویقنسول دولت فخیمه بهمراهی نمایندهٔ از طرف خوانین

بختیاری وارد بط وند شد و اشخاصی را که منشأ فساد و اغتشاشات جدید در کارخانه کمپانی نفت بودند درحضور ویسقنسول مزبور تنبیه خوبی نمودند .

ضمیمه خلاصهٔ وقایع ماهیانه بتاریخ هشتم نوامبر ۱۹۰۷

اصفهان

بیقانونی و هرج ومرج در اصفهان و نواحی اطراف آن شایع و کار گذاران محلی چنان ضعیف و بیقدرتند که نمیتوانند و یا نمیخواهند تهیه مستحفظ برای دودسته مأمورین ادارهٔ تلگراف هند و اروپا بنمایند که بیش از یك ماه است باز مانده اند از این که حرکت نموده تکالیف بازدید خط تلگراف را انجام دهند . سفارت دولت فخیمه مکرر در این مسئله اقدامات بعمل آورده ولی ثمری بر آن مترتب نیامده – فرقهٔ علما ساعیند که درتحریم وبایقوت امتعه اروپائیان ترتیبی فراهم آورند .

مشهد

استراباد را تامدت چند ماه حاکمی نبود و تراکمه باکمال جسارت مشغول غارت و چپاولند – منازل « خوف ناك » معروف بین راه مشهد وطهران میدان حملات وحشیانهٔ این غارت گران متمرد گردیده بود – گویند ایشان هشتادو سه نفررا بقتل رسانیده وتلافات خود انها نیز چهل نفر بوده – بعد از آن بمعدن مس واقع در

حوالی میالدشت تاخته هفت نفر مقتول و پنجاه زن اسیر و نیز عدهٔ کثیری گوسفند بیغما بردند و بنا بر اخبار اخیره چپاولچیانرا هنگامیکه مراجعت میکردند دهاتیان در محل دیگر عقب نشانده فرار دادند و زنان و گوسفند ها را از چنك آنان بدر آوردند – مجلس سپهدار را بریاست اردوئی برای سرکوبی ایشان مقررنمود ولی ظاهراً مومی الیه اکنون ازرفتن امتناع دارد .

نمره ۶۲

مکتوب مستر مارلینگ بسرادوارد گری – (وصول ۲۵ نوامبر)
آقا . . . . . از طهران بتاریخ هشتم نوامبر ۱۹۰۷

باکمال افتخار سواد مراسلهٔ وزیر امور خارجه را در جواب مکتوبیکه سراسپر نیك رایس بدولت ایران ارسال نموده و در آن مکتوب صورت قسمتی از قرارداد مورخه سی و یکم ماه اوت روس و انگلیس را راجع به ایران نوشته بود لفا انفاد حضور میدارم .

مفاد وسیاق مراسلهٔ مذکوره ظاهراً بکلی خالی ازهر گونه منع و اعتراض است .

(امضا) چارلس – م – مارلینك

ترجمه مراسله مشیر الدوله بمستر مار لینگ
بتاریخ ۲۵ رمضان ۱۳۲۵ هجری (۲ نوامبر ۱۹۰۷)

مراسله آنجناب جلالتماب مورخه پانزدهم شعبان ۱۳۲۵ هجری مطابق ۲۴ سپتامبر ۱۹۰۷ میلادی که حاوی ومتضمن سواد قسمتی

از قرار داد منعقدهٔ بین دولتین انگلیس و روس راجع بایران و مشتمل بریك مقدمه وپنج ماده بود عز وصول بخشید .

درجواب باکمال توقیر اظهار میدارم وخاطر نصفت مظاهر آنجناب جلالتماب نیز تصدیق خواهند فرمود که قرار داد فوق الذکر چون مابین دولتین انگلیس وروس انعقاد یافته لهذا مواد آن قرار داد فقط تعلق بخود دولتین مذکوره که امضای آن را نموده اند خواهد داشت و دولت ایران نظر باستقلال تامهٔ که بموهبت الهی داراست تمام حقوق و آزادی خود را که بدان واسطه استقلال مطلقه متصرف است از هر نفوذ و اثری که نتیجه هر قسم قرار داد منعقده فیمابین دو یا چند دولت دیگر راجع بایران بوده باشد کاملا و مطلقا مصون و آزاد میداند ـ و در خصوص مناسبات و روابط دوستانه خود بادول متحابه برای تشیید واستحکام مبانی وداد و دوستی بر طبق مواد و شرایط معاهدات مقدسه و اصول درهای باز هرگونه کوشش و اهتمامی خواهد نمود ـ اما راجع بقروض نیز واضح است که دولت ایران بدون هیچ ملتفتی تعهدات مربوط بقرار داد آن قرضه را مرعی خواهد داشت .

برای اطلاع از اصولی که در این مراسله توضیح و شرط شده سوادی از آن به نمایندگان دول که مأمور مقیم دربار شاهنشاهی میباشند فرستاده میشود .

(امضا) مشیر الدوله

نمرهٔ ۶۳

مکتوب سراد وارد گری بمستر مارلینگ

آقا . . . . ازوزارت امور خارجه ۲۹ نوامبر ۱۹۰۷

مراسلهٔ مورخه سی و یکم ماه گذشتهٔ شما که مبنی بود بر عدم تأدیه منفعت طلب ۱۹۰۳ و ۴ دولت انگلیس ونیز خواهش دولت ایران راجع بتعویق قسط استهلاك همان قرضه واصل گردید .

موادیکه درمراسلهٔ پانزدهم اکتبر بدولت ایران ارسال داشته اید تصدیق و تصویب مینمایم .

(امضا) ای ـ گری .

نمرهٔ ۶۴

تلگراف مسترمارلینگ بسرادواردگری ـ (وصول غرهٔ دسامبر)

از طهران غره دسامبر ۱۹۰۷

باوجود اظهارات شدیدهٔ که بهیچوجه دولت ایران اقدامی دراصلاح وترتیب اوضاع شیراز بعمل نیاورده است .

روز بیست ونهم نوامبر یکی ازنوکر های قنسول اعلیحضرتی نزدیك قنسولخانه در بین نزاعیکه بواسطهٔ حملهٔ و حشیانه قشقائیها بریکی دیگر ازنوکر های قنسولگری که نیز لختش نمودند درپیوسته بود مجروح گردید .

سوار های هندی یکنفر از قشقائیها را دستگیر ساخته وپس از آنکه اسامی همراهان خود را بیان نمود اورا تسلیم کار گذاران محلی داشتند ـ لیکن آنچه را که اظهار کرده بود مجدداً انکار مینماید وتقصیر را بطرف مقابل نسبت میدهد .

من در این موضوع اظهارات سخت بدولت ایران خواهم نمود .

نمره ٦٥

تلگراف مستر مارلینگ به سر اد وارد گری ـ (واصله دویم دسامبر) از طهران دویم دسامبر ۱۹۰۷

در تعقیب راپورت ذیل که دیروز از بوشهر مخابره شده بود اظهارات شدیده بدولت ایران خواهم نمود .

« راپورت قنسول جنرال دولت فخیمه مقیم بندر عباس مذکور میدارد که اوضاع انجا خیلی بداست ـ دستهٔ معظمی از بهارلوها (ابواب‌جمعی قوام الملك) بچپاول اطراف وحوالی مشغول واحتمال آن میرود که بشهر نیز حمله نمایند .

« بتوسطه مأمور مقیم برای حفظ منافع دولت انگلیس تعلیماتی داده‌شده که‌کشتی اعلیحضرتی موسوم به‌لاپینگ بطرف بندر عباس حرکت نماید .

نمرهٔ ٦٦

تلگراف سرنیکلسن بسر اد وارد گری ـ (وصول یازدهم دسامبر ۱۹۰۷) ازسنت پطرزبورغ بتاریخ ۱۱ دسامبر ۱۹۰۷

مسیو ایز ولسکی مجدداً باوضاع خطرناك تبریز عطف نظر و مراجعه نموده وبمن گفته است که قنسول روس برای حفظ و حراست خویش استعداد بالاضافه میطلبد ـ جناب ایشان متحیرند که چه طریقهٔ را در این خصوص اتخاذ کنند ـ آیا بایستی نمایش قوای نظامی درسرحد بدهد ویافقط بیست‌وپنجنفر برعدهٔ مستحفظین علاوه سازد ـ اقدام اولی شاید مالا منتج نتایج وخیمه گردد در صورتیکه اقدام‌ثانی ممکن‌است مکفی نبوده وتااندازهٔ موجب مخاطره

شود ـ وزارت جنك‌وهمچنین ادارهٔ‌ارکان حرب‌متفقا مخالف نمایشات نظامی درایئموقع ازسال میباشند .

نمرهٔ ٦٧

تلگراف مسترمارلینگ بسر اد وارد گری ـ (وصول‌یازدهم‌دسامبر)

اوضاع شیراز از طهران بتاریخ‌یازدهم دسامبر ۱۹۰۷

قنسول جنرال دولت فخیمه راپورت میدهد که دیروز صبح درشهر شلیك شدید بظهور پیوست وچندین نفر بقتل آمدند ـ کفیل بانك شاهنشاهی هدف گلوله گردید و ظاهراً از روی عمد نبود .

یادداشت سختی بدولت ایران فرستادم و درخواست کردم که بایستی اشخاصی که مقدمهٔ بی‌نظمی شده اند و مسئولیت اغتشاش برعهدهٔ ایشان وارد است ازشیراز تبعید شوند .

نمرهٔ ٦٨

تلگراف مسترمارلینگ به سرادوارد گری ـ(واصلهٔ۱۵دسامبر)

از طهران ـ بتاریخ‌یازدهم دسامبر ۱۹۰۷

بی نظمی چنان رخ داده که اسباب خوف و هراس شده است ـ دیروز دریکی ازمساجد عمده میتینك عمومی تشکیل یافت ودرسرزنش شاه ودرخواست طرد ونفی مصلحت گذارو وکیل وی یعنی سعد الدوله ونیز امیر بهادر نطقهای آتشین ایراد نمودند

هیئت وزرا استعفا دادند ولی شاه استعفای ایشانرا نپذیرفت امروز صبح جمعیت باهیجانی در خارج مجلس اجتماع داشتند اما

عدهٔ از اشخاص مسلح بامر شاه بدانجا آمده و انها متفرق شدند ـ کلنل لیاخوف در خواست مجلس را در فرستادن قزاق برای حفظ نظم رد نمود .

نمرهٔ ۶۹

تلگراف مستر مارلینگ بسرادوارد گری ـ (وصول ۱۵ دسامبر)

از طهران مورخهٔ ۱۵ دسامبر ۱۹۰۷

بعد از ظهر امروز علاء الدوله که ازطرف مجلس حضور شاه پیغام برده بود و نیز برادر دیگر رئیس مجلس بامر آن اعلیحضرت مقید گردیدند ودر ساعت پنج بعد ازظهر رئیس الوزرا را احضار فرموده بقید زنجیر در آورد و در ساعت پنج از شب گذشته او را تهدید بقتل نمود .

من بشاه پیغام فرستادم که امنیت جان ناصر الملك را اطمینان بدهند وازوزیر مختار روس خواهش خواهم نمود که بامن معاضدت نمایند و در خیال آنم که اگر اطمینان حاصل نشود من خود حضور شاه بروم ـ از قرائن همچه معلوم میشود که در تمام شب زحمات خیلی سخت برناصرالملك وارد خواهد آمد .

نمرهٔ ۷۰

تلگراف مستر مارلینگ بسرادوارد گری ـ (وصول ۱۶ دسامبر)

از طهران ۱۶ دسامبر ۱۹۰۷

ناصر الملك تبعید گردید وامروز عازم رشت خواهدشد ـ جون ترس آن را دارد که شاه دربین راه اسباب اتلاف جانش را فراهم سازد لهذا از من متمنی گردید که یکی از اعضای سفارت

را همراه وی روانه دارم چنانچه با اتابك مرحوم که در سنهٔ ۱۸۹۷ بقم تبعید گردید فرستاده شد ـ من گفتم حالیه اینکار را نتوانم نمود ولی معهذا دونفر غلام درخدمت ایشان روانه میدارم .

وقتیکه وی گرفتار آمد (رجوع فرمائیدبه‌تلگراف مورخهٔ ۱۵ ماه جاری من) مجلس برهم خورد و انجمنها که قوهٔ حقیقی مجلس بر انها اتکا یافته بود مجهول ماندند ـ سایر وزرا استعفا دادند و بدربار احضار گردیدند و در انجا عملا بقید حبس توقیف بودند تاوقتی که ناصر الملك بنا بر خواهش من استخلاص یافت انها نیز رها گردیدند .

من سعی داشتم در این که معلوم شود سفارت را نخواهم گذاشت آلت پلتیك واقع گردد وازمداخله کناره دارم مگر درباره ناصرالملك که آنهم اثرنیکوئی بخشید .

بازار ها بسته شد ـ حامیان شاه که همگی مسلح بودند میدان توپخانه را از دیروز عصر بتصرف در آوردند و اینك تدابیر و حمله پلتیکی شاه ظاهراً مظفر ومنصور آمده .

امروز صبح انجمنها باساحه اطراف مجلس گرد آمدند ـ هیچ علامت خطری برای اروپائیان مشهود نیست و تاکنون جنگی اتفاق نیفتاده .

نمرهٔ ۷۱

تلگراف سرادوارد گری بسر نیکلسن

از وزارت امورخارجه ۱۶ دسامبر ۱۹۰۷

خواهش مندم رجوع نمائید بتلگراف مورخهٔ پانزدهم ماه

جاری مسترمارلینگ .

شما باید بوزیر امور خارجه (روس) اصرار نمائید که بوزیر مختار روس مقیم طهران تعلیمات داده شود که انچه درقوه دارد بهمراهی شارژ دافر دولت فخیمه اقدامات خطرناك شاه را در بارهٔ ناصر الملك ومجلس از فراهم آوردن اغتشاشات طهران ممانعت و جلوگیری نماید .

نمرهٔ ۷۲

تلگراف سرنیکلسن بسراد واردگری ـ (وصول ۱۶ دسامبر)

ازسنت بطرسبورغ مورخهٔ ۱۶ دسامبر ۱۹۰۷

راجع بتلگراف امروز شما .

مسیو ایزولسکی بمسیو دوهارت ویك* دستور و تعلیمات خواهدفرستاد که بموافقت شارژدافر دولت انگلستان هرگونه اقدامیرا که نماینده گان دولتین مقتضی بدانند نظر به ممانعت و جلو گیری از بی نظمی و هرج و مرج در آن صورت که ممکن باشد بعمل آورد .

مسیو ایزولسکی را عقیده آن است که حتی المقدور بایستی به نمایندگان دولتین در طهران اختیار و آزادی داده شود

نمرهٔ ۷۳

تلگراف مسترمارلینگ بسراد واردگری ـ (وصول ۱۷ دسامبر)

از طهران ۱۷ دسامبر ۱۹۰۷

عده زیادی ازاشرار مسلح بشهر وارد ودر میدان توپخانه

* مسیو دوهارت ویك ـ وزیر مختار دولت بهیه روس مقیم طهران

مجتمع گردیدند ـ قشون و توپچیان آنان را حمایت و محافظت می کنند .

یکنفر از حامیان مجلس را بقتل رسانیدند و بیك سید مشروطه خواهی چنان حمله کردند که مشرف بهلاکت است .

انجمنها بااسلحه دراطراف عمارت مجلس مجدداً اجتماع نموده اند ـ ترس آنست که قبل از باخر رسیدن روز اغتشاش و انقلاب عظیمی بظهور رسد ـ ترامواهای اسبی از حرکت باز مانده وتمام دکاکین بسته گردید .

نمرهٔ ۷۴

تلگراف سرادوارد گری بمستر مارلینگ

از وزارت امور خارجه ۱۷ دسامبر ۱۹۰۷

رفتار و اقدامات شما را که دیروز راپورت داده بودید همگی را تصویب و تصدیق مینمایم .

راجع بگرفتاری ناصر الملك مداخلهٔ که در استخلاص ایشان شده بود خیلی خوشوقت شدم ازاین که نتیجه نیکوئی بخشید

نمره ۷۵

تلگراف مستر مارلینگ بسرادوارد گری (وصول ۱۸ دسامبر)

ازطهران مورخهٔ ۱۸ دسامبر ۱۹۰۷

تاکنون هیئت وزرا تشکیل یافته ـ طرفداران ملت باکمال جدیت درمقام مدافعه بر آمده اند انجمنها هنوز مجلس را حفظ و حراست مینمایند .

شاه شب گذشته درخواست های معتدلانهٔ مجلس را قبول نمود ـ من از وزیر مختار روس خواهش نمودم که متفقا ازشاه تمنا نمائیم اشرار را که باعث مخاطره اروپائیانند متفرق سازد ـ دستهٔ از آنها بقصد اینکه تولید بی نظمی وآشوب نمایند در شهر گردش میکنند ـ دیروز دونفر مرد را بقتل آوردند .

چندین چادر برای سایه بان و آسایش طرف داران شاه در میدان توپخانه بر افراشتند ـ عرق ومسکرات جهة ایشان آماده کرده وآنان تمام روز را درمیدان توپخانه اجتماع داشتند .

نمره ۷۶

تلگراف مستر مارلینگ بسر ادوارد گری (وصول ۱۹ دسامبر)

ازطهران بتاریخ ۱۹ دسامبر ۱۹۰۷

اوضاع طهران

هرچند از اغتشاش تااندازهٔ جلوگیری شده و طرف داران شاه که در میدان توپخانه ازدحام داشته و نیز جمعیتی که اطراف مجلس گردآمده بودند متفرق گردیدند لیکن قراداد حقیقی وفیصلهٔ قطعی هنوز در اوضاع داده نشده .

شاه بعلاء الدوله و ناصر الملك اجازه مراجعت داده ولی متوقع است که بعضی از وکلای عمده اخراج شوند .

نمرهٔ ۷۷

تلگراف مستر مارلینگ بسراد واردگری

از وزارت امور خارجه ۱۹ دسامبر ۱۹۰۷

راجع بقروض ایران

با این اوضاع پلتیکی کنونی هرچه زودتر شما بایستی بدولت ایران اطلاع بدهید که اکنون مدتی است تادیه منافع قروض بتعویق افتاده و بنا برتعلیماتی که بشما داده میشود مختار خواهید بود که اصرار نمائید آنرا بفوریت بپردازند .

بعلاوه هرگاه مقتضی بدانید بایشان اطلاع بدهید که اگر در پذیرفتن شروط وقرار داد ما تسامح ورزند بدون هیچ تأخیری مطالبه خواهیم نمود که فوراً قسط استهلاك را ایصال دارند .

نمره ۷۸

تلگراف مستر مارلینگ به سر ادوارد گری ـ (واصلهٔ ۲۱ دسامبر) ازطهران مورخه ۲۱ دسامبر ۱۹۰۷

اوضاع طهران

وزیر مختار روس از من دعوت نمود که در خصوص اقداماتیکه بایستی اختیار نمائیم مشورت شود امروز بعد از ظهر یك دیگر را ملاقات نموده و اعمال ذیل را بخاطر گذرانیدیم :—

اولا نظر باینکه از شاه تحصیل اطمینان کنیم که آن اعلیحضرت برای سعادت مملکت بامجلس در کارها همراهی خواهد نمود و اینکه در خیال برهم زدن اساس مشروطیت نبوده تواماً یاد داشتی حضور اعلیحضرت فردا تقدیم خواهیم داشت .

ثانیا ـ برای این که مابین سلطنت وپارلمنت اعتماد فراهم آید لهذا از اطمینا ناتی که حاصل نموده ایم بایستی بمجلس خبر داد .

ثالثا ـ باید به ظل السلطان اطلاع بدهید که چون ولیعهد

را وارث تاج و تخت شناخته ایم پس نمیتوانم تدابیر و خیالاتی که
وی در خصوص سلطنت دارد تحمل نمائیم .

نمرهٔ ۷۹

تلگراف سر نیکلسن به سر ادوارد گری ـ (وصول
۲۲ دسامبر) ازسنت پطرز بورغ بتاریخ ۲۲ دسامبر۱۹۰۷

وزیر امور خارجه ـ (دولت بهیه روسیه) ـ راپورتی را
که بتوسط وزیر مختار روس مقیم طهران راجع باقدامات متفقانه
مشار الیه و مستر مارلینگ در خصوص امور ایران وصول نموده
بود نزد من ارسال داشتند ـ بنا برعقیده مسیو ایزولسکی اقدامات
ایشان موجه وشایسته بود ـ تفصیل شدت اوضاعرا که مجال نداده
بود بنمایندگان فوق الذکر از دولتین متبوعه خویش درخواست
تعلیمات نمایند وزیر مختار روس مفصلا شرح داده است ـ وحالیه
مسیو ایزو لسکی منتظر نتایج آن اقدامات میباشند .

از قراریکه مسیو ایزولسکی میگوید شاه مکرر از سفارت
تمنای کمك و معاضدت نموده ولی ایشان پلتیك بیطرفی و عدم
مداخله را اختیار کرده اند .

مسئلهٔ پناه دادن شاه را بیکی از سفارت خانهای خارجه
در موقع اظطرار و حمایت کردن ازوی بتوسط مستحفظین روس
و انگلیس یك وقتی موضوع مراسلهٔ تلگرافی مسیو ایزولسکی بوزیر
مختار روس مقیم لندن گردیده بود .

من بوزیر مختار دولت فخیمه مقیم طهران اطلاع دادم .

نمرهٔ ۸۰

تلگراف ازمستر مارلینگ به سر ادوارد گری ـ (وصول
۲۲ دسامبر) از طهران ۲۲ دسامبر ۱۹۰۷

وزیر مختار روس و من الساعه ازدربار سلطنتی مراجعت
کردیم ـ ایشان باکمال آزادی بیان اوضاع را بشاه عرضه نمود
آن اعلیحضرت اطمینانهای حتمی بمادادند که رعایت قانون اساسیرا
نموده ازمشروطیت نگاه داری فرمایند .

حال باید اقدام نموده بمشروطه خواهان بفهمانیم که
بر عهده سفارتین است ملاحظه کنند که آیا آن قولهائیکه شاه بماداده
مرعی خواهند داشت .

نمره ۸۱

تلگراف سرادوارد گری بمسترمارلینگ
از وزارت امور خارجه ۲۲ دسامبر ۱۹۰۷

ما و دولت روس چنین شایسته دانستیم که برای خاتمه
دادن بدسایس ظل السلطان در غضب و بچنگ آوردن سلطنت ویرا
تهدید نمائیم که درآتیه دولتین روس و انگلیس حمایت خودرا از او
مقطوع خواهند داشت .

دولت اعلیحضرتی دراین امر موافقت داشته وبمحض اینکه
همکار روسی شما در اینخصوص حاضر شوند لهذا شما باید بموافقت
مشارالیه دراین مقصود اقدام نمائید .

نمره ۸۲

مکتوب مستر مارلینگ بسر ادوارد گری(وصول ۲۳ دسامبر)

از طهران ۲۵ نوامبر ۱۹۰۷

از رابورتی که مستر کرهم مصوب پست فرستاده معلوم شد که اوضاع شیراز بقدری سخت است ازآنچه بواسطهٔ اخبار تلگرافی معزی الیه تصور مینمودم که بدان واسطه فوراً در این موضوع مراسلهٔ مخصوصی برئیس الوزرا نوشته خاطر ایشان را مسبوق داشتم که جان و مال اتباع انگلیس در معرض مخاطره میباشد و فهماندم که حتما لازم است علاء الدوله که بتازگی برای حکومت معین‌شده فوراً بمقر ایالت خویش عازم گردد ـ تا اینکه از وقوع این گونه نزاع جلوگیری شود و نیز از آن جناب تمنا نمودم که تاممکن است بهمین زودی وقتیرا برای ملاقات تعیین فرمایند ـ معهذابواسطهٔ بحران کابینه نتوانستم ایشان را ملاقات نمایم مگر امروز باوجوداینکه بمن مرقوم داشته بودند که دولت آنچه‌را میتوانست در استقرار نظم شیراز سعی وکوشش نموده است .

امروز صبح ناصر الملك را در اوضاع طهران چنان غرق تفکر یافتم که مشگل بود دقت ایشان‌را درامور شیراز معطوف بدارم ولی بالاخره گفتند که درهمین یکی دوروزه امید است علاء الدوله بدانصوب عزیمت نماید ـ این حاکم جدید منتهای بی میلی را برفتن آن ولایت داشت لیکن عاقبت بشرط داشتن اختیارات راضی بحرکت گردید ـ قوام الملك را همراه خویش خواهد برد و مختار است در صورتی که لازم بداند استعداد سواره از بختیاری وقتی که باصفهان برسد و یا از ایلات فارس جمع آوری کند ـ من بجناب ناصرالملك اظهار داشتم که مراجعت قوام‌الملك بفارس خطر عظیمی

را تولید خواهد ساخت وگفتم اگر آن تصوری که من دراشکالات و زحمات انجا مینمایم صحیح باشد پس علاج در اینست که قوام الملك و معتمد دیوان بادوسه نفر دیگر را از شیراز تبعید نموده و باهالی بفهمانند که دیگر بایشان اجازه مراجعت داده نخواهد شد ـ جناب ایشان انکار نداشتند که این طریق بهترین طریق است ولی ملتفت شدم که دولت بقدر کافی آن قوه را در خود نمی بیند که باین کار اقدام نماید ـ و من گفتم این مسئله خیلی اسباب تأسف است لیکن از این بد بدتر همانا تصور نمودن سعی در اعاده نظم است بوسیلهٔ ایلات وحشی ـ این گروه بکلی از تحت دیسیپلین و انتظامات خارج باشند و حتی اگر رؤسای ایشانهم اقدام کنند شایدبتوان آنانرا ازهرگونه تجاوز جلوگیری نمود . . . .

(امضا) چارلس ـ م ـ مارلینگ

ـ ۳۰ نوامبر ـ وزیر امور خارجه بمن گفته بودند که علاءالدوله کلیتا امتناع داردکه بشیراز برود ولی‌حالیه دولت امیدوار است که اورا وادار برفتن نماید .

سی ـ م ـ م

نمره ۸۳

قسمتی ازمکتوب مسترمارلینگ بسر ادواردگری (واصلهٔ ۲۳ نوامبر)

ازطهران ۲۵ نوامبر

باکمال افتخار قسمتی ازروز نامهٔ قنسول جنرال اعلیحضرتی مقیم مشهد را که حاکی است ازحملات اخیره تراکمه بمازندران و خراسان حتی بمزینان و میز هیدان واقع در راه مشهد و طهران

لفا ارسال میدارم .

حالات عده بسیاری از اتباع روس که در نقاط نزدیك بسرحد و مخصوصا در حوالی سبزوار اقامت دارند چنان بسختی انجامیده که سفارت روس در دو وهله رسما بدولت ایران لزوم عبور دادن قشون ازسرحد برای حفظ ایشان اعلام داده است .

عاقبت دولت ایران باکمال زحمت موفق گردید که سپهدار بریاست اردو برای سر کوبی تراکمه عزیمت نماید لیکن جناب ایشان بامنتهای تأنی بطرف نقاط مأموریت خویش حرکت می کنند و فقط در ۲۲ ماه برشت رسیده و میخواهند از دریا بسمت بندر جز عازم شوند ـ بنا است مقداری تفنگ و مهمات ازانجا باستراباد بفرستند و میگویند یك فوج پیاده نظام از قشون خراسان بدانصوب رهسپار است ..

ملفوف نمره ۸۳

قسمتی از روزنامه قنسول جنرال دولت فخیمه مقیم مشهد .

حملهٔ تراکمه

۷ نوامبر ـ از قرار اطلاعات واصله همچه معلوم میشود که تراکمه ابتدا خود را در شفیع آباد جوین آشکار ساخته هشتاد و سه نفر مرد در آنجا بقتل رسانیدند و تلفات خود آنان چهل نفر مقتول و مجروح بوده بعد حملة بمعادن مس که در حوالی میان دشت واقعند آورده هفت نفر مرد را کشتند و پنجاه زن اسیر

و چندین راس گوسفند بچپاول بردند پس از آن پراکنده گردیده به میاندشت ـ عباس آباد ـ مزینان ـ میامی ـ ناردین ـ در جز ـ و فرامین تاختند ـ در دو محل اخیر ۷۱ نفر را اسیر نمودند ـ تمام این اماکن در راه مشهد و طهران یادر قرب آن اتفاق افتاده .

حالیه تراکمه چادرهای خود را برپا نموده وبالای دهات مذکوره بیرقها افراشته اند ـ عده ایشانرا بطور مختلف میشمرند ولی ازمقایسهٔ راپورتهای تلگرافی چنین ظاهر میگردد که تقریبا هزار نفر یاقدری بیشتر میباشند .

بعلاوه راپورت داده شد که صد نفر ازسربازهائیکه تحت ریاست مظفر نظام از مشهد بطهران عودت میبافتند مقتول و دویست نفر از آنها اسیر شدند ولی احتمال دارد این خبر را بطور اغراق گفته باشند ـ به بجنورد نیز حمله بردند ـ حاکم آن محل موسوم بشجاع‌الممالك راپورت داد که آنها را شکست داده و سی نفر از ایشان بقتل رسانیده است که سرهاشانرا بمشهد روانه خواهد داشت

تاکنون اقدام کلی درتنبیه وکوچ دادن تراکمه بعمل نیامده انجمن ولایتی جلسهٔ فوق العادهٔ تشکیل داده و از شوکت الدوله رئیس سوارهای تیموری و شجاع‌الممالك رئیس سواره های هزارهٔ ولشگر نویس باشی مستوفی قشون خراسان دعوت نمودند که در آن جلسه حضور بهمرسانند ـ شوکت‌الدوله اظهار داشت که آنچه را درصلاح وخیر اندیشی میداند حاضر است بگوید لیکن بهیچوجه نمیتواند بجمع آوری سوار بپردازد مگر آنکه دولت پول تدارك کند ـ شجاع‌الملك یك بیت شعر قرائت کرد وگفت با اینکه دولت

جابر ظالم اموال وی وبرادرش را بغارت برده است و اکنون یکنفر سوار باقی نمانده معهذا اگر دولت پول بفرستد میتواند با برادرش دویست نفر سوار حاضر نماید .

لشگر نویس باشی گفت سوار بسیار است ولی پول نیست وبعلاوه ازطریق تاسف اظهار داشت که البته بسیاری ازاین سوارها تنها اسامیشان در روی کاغذ موجود است و آن اشخاصی هم که درحقیقت موجودند بیشتر آنها بیدل وکم جرئت میباشند ـــ مگر تفضل مخصوص الهی شامل احوال ایشان بشود تا بتوانند کاری از پیش ببرند .

بالاخره رای انجمن باین قرار گرفت که ازدولت استدعای تهیه و فرستادن وجوهات لازمه برای این رؤسا بنمایند وایشان آن وقت درعهده بگیرند که سوار مسلح جمع آوری نموده حاضر سازند ـ بنا بر این مکتوبی بفرمانفرمای خراسان نوشته ترتیب پیدا نمودن پول لازمه را بوی راهنمائی کردند .

هم در این حال از طهران تلگرافات مؤکده برکن الدوله مخابره شد و باو فشار آوردند که مشغول اقدامات بشود ـ ایشان مکرر بشخص شاه تلگرافات عرض نموده استدعای کمك ودرخواست دستور العمل میداشت ولی موفق بهیچگونهٔ جواب صریحی نگردید ـ آنگاه باوزیر وسالار مکرم مشورت طولانی نمود ونتیجه چنین بخشید که مجتمعا بانبار ذخیره رفته مقدار معتنا به تفنك با مهمات از آنجا بیرون آورند وبرای حاکم سبزوار بفرستند معهذا راپورت رسید که بهیچوجه تفنك فرستاده نشد زیرا تمام تفنکها را از این پیش

آصف الدوله و مظفر نظام برای فایده شخص خود بفروش رسانیده بودند ـ بعلاوه حکم شد که دو عراده توپ ازمشهد بسبزوار روانه دارند و نیز پانصد نفر سرباز فوج قره باصد سوار از تربت حیدری عازم آن ولایت شوند لیکن محل تردید است که آیا آنها حاضر خواهند گردید ؟

نمره ۸۴

مکتوب مستر مارلینك بسرادوارد گری ـ (وصول ۲۳ دسامبر)

آقا   از طهران ۴ دسامبر ۱۹۰۷

وقایع یکماههٔ ایرانرا که در ظرف چهار هفته اخیر اتفاق افتاده وهمچنین خلاصه صورت جلسات مجلس ملی‌را درظرف همان مدت باکمال افتخار لفا ارسال میدارم

(امضا)   چارلس ـ م مارلینك

قسمتی از خلاصهٔ وقایع یکماهه ایران

طهران

مطلب عمدهٔ قابل توجهی که در ظرف یکماه در طهران بوقوع انجامید همانا منازعهٔ بین شاه ومجلس بود که مفصلا راپورتش داده شده است .

روز ۲۱ نوامبر مابین برخی ازسربازهای محلی ابوابجمعی امیر بهادر و بعضی از قزاقها که در تحت فرماندهی کلنل لیاخوف میباشند نزاع سختی در پیوست وبوم بیست‌وهفتم همان ماه عدهٔ از

سرباز های ظفرالسلطنه در حالت مستی دو نفر را در کوچهای طهران هدف گلوله گردانیده بقتل رسانیدند ـ اجساد مقتولین را به خانه آقا سید عبدالله مجتهد انتقال دادند وبازارها موقتا بسته گردید از چندین واقعات حمله و دزدی که در کوچهای طهران اتفاق افتاد راپورتشان در ظرف آنماه داده شد و در یکی از آن واقعات یکنفر اروپائی دچار تهدید گردیده بود

در اوایل ماه نوامبر سفارت دولت اعلیحضرتی مطلع شد که شاه زادهٔ سیف الدولهٔ بحکومت کرمانشاه درشرف عزیمت است باوجود اینکه رئیس الوزرا قول داده بود که نظر برفتار غیر دوستانهٔ که از وی نسبت بما بظهور رسیده بود مجددا اورا بدان مقام منصوب ندارند ـ فورا یاد داشتهای دیگر بدولت ایران ارسال شد و حرکتش موقوف گردید .

(امضا) جی ـ پی ـ چرچیل

منشی شرقی

تبریز

در اواخر ماه اکتبر فدائیان که از هیچکس واهمه و ترسی ندارند شهررا بحالت بی نظمی در آوردند واز قرار راپورت مبلغ کثیری پول از متمولین شهر بزور و اجحاف اتخاذ نمودند ـ وسعی داشتند که پارامنه نان فروخته نشود ولی حاکم مانع گردید ـ تقریبا کارها از جریان افتاد وعموم مردم بحالت یاس وناامیدی در آمدند ـ نقاط اطراف مخصوصا قرجه داغ ـ خوی و سلماس نیز

بسیار مغشوش شده بود ـ ولی از اخبار اخیره معلوم میشود اوضاع قدری بسکونت تبدیل یافته است ـ خوی و ماکو آرام است و قوافل بسلامت میتوانند از راه طرابوزن اياب و ذهاب نمایند لیکن هنوز دزدها قرجه داغرا اشغال دارند وموافق اخبار واصله طوایف اکراد در دو میلی شهر ساوجبلاغ مشغول غارت میباشند

روز ۱۶ نوامبر یکی از معلمین مسلمان مدرسه روسی را اوباش متعرض گردیده مجروحش ساختند وچند تیر بطرف مدرسهٔ مذکوره شلیك نمودند ـ چون معلم فوق الذکر از اتباع روس می باشد لهذا قنسول خواستار گردیده که هم ترضیه خاطر بعمل آورده شود وهم مقصرین را تنبیه نمایند .

رشت

حاکم جدید موسوم بامیراعظم جداً در حفظ و استقرار نظم باقدامات پرداخته ـ عقیده‌اش اینست که بیشتر بی‌نظمی هارا انجمن عباسی سبب شده‌است وبسیاری ازاعضای آن را بچوب بسته ومحبوس ساخت ـ اینکار باعث گردید که مردم تصمیم خود را در پناهنده شدن بقنسولخانه انگلیس اعلام داشتند ـ وبقنسول جنرال اعلیحضرتی که نماینده از طرف مردم بملاقاتش آمده بود ایشان را نصیحت گفت که حتما ازتحصن احتراز جویند و هر شکایتی که داشته باشند رجوع بمجلس ملی طهران نمایند .

چندین سوار که بامر حاکم‌بکاما مأمور شده بودند اهالی آن محل

ایشان را محبوس داشتند ـ حکومت مصمم شد که مرتکبین را تنبیهی نماید که عبرت دیگران شود ولی بنا برخواهش و استدعای رئیس موروثی آن ناحیه از تقصیر ایشان در گذشت .

استراباد

آکنت انگلیس راپورت میدهد که در اواخر ماه اکتبر دستجات معظمی از سوار های تراکمه بدهات نزدیك استراباد تاخت وتاز آورده عدهٔ ازمرد هارا کشتند وجمعی اززنها را بامواشی ورمه بدر بردند .

مشهد

در قسمت اخیر ماه اکتبر تراکمهٔ « یموت » از برك بمیاندشت وجوین حمله کردند .

جائی که از حملات و چپاول تراکمه مصون مانده همانا ایالت خراسان وشهر مشهد میباشد .

اصفهان

اوضاع اصفهان بالنسبه در ظرف ماه گذشته آرام تربود .

آقایان کلیه معاملات تجارتی‌را باکمپانی های اروپائی غدغن ساختند ـ ولی چون بایکی از شرکتهای داخلی که معاملهٔ اجناس

خارجه مینماید شریکند لهذا باکمال دقت از ممانعت خرید وفروش امتعهٔ خارجه احتراز دارند ـ این مسئله سبب شد که کمپانی زیگلر پرتست نماید و عاملین کمپانی دیکسن مقیم‌اصفهان نیز راپورت دادند که از ترس آقایان نمیتوانند روز را مشغول کسب باشند ـ تجار ایرانی که باکمپانیهای اروپائی طرف معامله هستند به آقایان شکایت بردند که بفوریت نمیتوانند محاسبات خودرا با خارجه تفریغ نموده بختم رسانند ـ بنابراین آقایان برای چهارماه بایشان مهلت بخشید که در ظرف آن مدت بتفریغ محاسبات خویش پردازند ـ شارژ دافر دولت فخیمه این وقایع را بنظر وزیر امور خارجه ایران رسانید و جناب ایشان رجوع بکابینه نمودند وقرار چنین شد که اگر آقا نور الله درمداخلهٔ امور تجارت خارجه مداومت نماید اورا از اصفهان حرکت دهند ـ قنسول جنرال دولت روس نیز مطلب را بسفارت خویش راپورت داد .

شیراز

شیراز تااواخر ماه‌اکتبر بحالت اغتشاش باقی بود وپی‌درپی شلیك میشد ـ و چون چندین گلوله باداره تلگرافخانه شهری هند و اروپائی وارد آمد لهذا آن اداره موقتا بسته گردید .

در هفتهٔ اول نوامبر خبر رسید که هردو فریقین متنازعین کمك و استمداد یافتند ـ برای لاریها از سوار های جهرمی و قشقائی امداد آمد وبعد از آن دو مسجد شهررا بتصرف در آوردند

و برای قوامیها از ایلات عرب قوه رسید ـ قشقائیها نیز جنوب و مغرب شیراز را فرا گرفتند ـ روز دویم نوامبر لاریها مکتوبی بقنسول اعلیحضرتی ارسال نموده و در آن اظهار داشتند که ورود پسران قوام باعث جنگ خواهد شد و اروپائیان جانشان در معرض مخاطره خواهد افتاد ـ درهمان روز قوامیان کاغذی بستر گراهم نوشته کفیل (آکنت) انگلیس را متهم ساختند باینکه لاریها را تقویت و معاضدت می نماید ولی وی این مسئله را انکار داشت روز سوم نوامبر حاکم موسوم بنظام السلطنه که هفتهٔ گذشته را در باغ آکنت انگلیس واقع در خارج شهر گذرانیده بود عازم طهران گردید ـ خبیر الدوله نایب الحکومه بستر گراهم اطلاع داد که سید لاری یك یاچند کاغذ از نظام السلطنه در دست دارد که مینماید او خود سید را دعوت نموده است ـ یوم هشتم نوامبر پسران قوام وارد شدند و روز دهم ایلخانی قشقائی خارج گردید از آن وقت اوضاع روی به آرامی و تخفیف نهاد ـ معهذا دزدی بطور استمرار باقی است و در نزدیکی قنسولخانه چندین مرتبه مرتکب این عمل گردیدند ـ در همین اوان تلگرافی از قنسول اعلیحضرتی واصل شده مشعر بر اینکه قشقائیها باکمال وحشی گری بنوکر های وی حمله آورده اند .

نقاط اطراف شیراز نیز خیلی مغشوش و در حال هرج و مرج است ـ راههای بوشهر واصفهان را دزدها فرا گرفته اند وآنهائی که سمت جنوب را اشغال دارند از ایل قشقائی هستند ـ نوکر لفتنت بلك که چند ساعت بعد از آقای خویش از شیراز حرکت

نمود و عجله داشت خود را بقافله برساند یکی از سوار های قشقائی بفاصلهٔ کمی از قافله او را جلو بریده اسکناسهای متعلق به بانك شاهنشاهی را که معادل ۴۰۰ لیره (۲۰۰۰ تومان میشد از وی بسرقت برد .

روز سوم نوامبر یکنفر تاجر آلمانی مقیم شیراز موسوم به کاپیتن هاینیك بفاصلهٔ یکربع ساعت دورازشهر گرفتار سارقین گردید لباسش را از تن در آوردند و آنچه را که او وخود و نوکر همراه داشتند گرفته شد بعد از آن دزدها سوار اسب ایشان گردیده و مجبورشان ساختند که در جلو انها بدوند ـ کاپیتن مزبور ضربتی یافت و از پای در افتاد بدان واسطه دزدها که گمان میرود ازایل قشقائی باشند اورابانوکرش واسبهاسرداده بدررفتند ـ کاپیتن هاینیك مستقیما بمنزل قنسول جنرال روس آمد وقنسول وقایع را بسفارت خویش تلگراف نمود ـ قنسول انگلیس وقتیکه این حادثه‌را بسفارت اطلاع داد اصرار داشت که بایستی برای حفظ اتباع انگلیس باقدامات کوشید .

بطرف یکنفر تاجر انگلیسی ساکن شیراز باشلول تیر انداختند و همچه معلوم میشود که اروپائیان بعداز غروب آفتاب امنیت بیرون رفتن را ندارند .

یزد

حاکم از شهر خارج شد و شعبهٔ بانك شاهنشاهی ایران

تلگراف نمود که سرباز های مستحفظ بانك انجا را ترك نمود ه و آنهارا بدون محافظ گذاشته اند ـ در این خصوص بایستی بدولت ایران اظهار مؤکد بشود .

کاشان

تلگرافچی تلگراف خانه هند واروپا مقیم کاشان تلگراف نمود که اغتشاش عظیمی درانجا حادث شده ونزدیك تلگراف خانه بقدری شلیك بشدت مداومت داشت که بدان واسطه قادر برخارج شدن ازتلگراف خانه نبود ـ این واقعه نیز موضوع اظهارات مؤکد بدولت ایران گردید .

کرمان

در بیست‌و دویم ماه اکتبر حوالی قنسولخانهٔ اعلیحضرتی شلیك در پیوست و بعضی از گلوله‌ها از بالای آن ردمیشد ـ عقیده کاپیتن هاورس این است که شلیك را نظر باینکه اورا وادار بدادن راپورت نمایند که شهر بحالت بی نظمی در آمده و بدان واسطه مانع از معاودت شاه زادهٔ سیف الدوله شود شروع نمودند ـ ظهیر الدوله درماه نوامبر بحکومت منصوب گردید .

روز بیست‌و پنجم ماه اکتبر شخص سیدی به یکنفر پیرمرد یهودی مستخدم مدرسهٔ کلیمیان حمله آورد ـ برادر امام جمعه که از انجا میگذشت بسید ملحق گردید وسرباز های قراول مدرسهٔ مزبور

باستخلاص آن یهودی شتافتند ـ نوکربرادر امام‌جمعه باسنك بسربازها حمله نمود و ایشان بدان واسطه اورا نزدند ـ مسیو لی کس (رئیس مدرسهٔ کلیمیان) آن یهودیرا مستخلص گردانید و کاغذی بامام جمعه نوشته تحقیق این واقعه را از وی در خواست نمود ـ ضمنا جمعیتی داخل مدرسه گردیده گریبان مسیو کس‌را گرفته اورا بمسجد کشیدند وبقتل تهدیدش مینمودند ـ امام جمعه بایك مخاطرهٔ شدیدی کوشش نموده اورا نجات داد و بسلامت روانه خانه رئیس قشون محلی گردانید ـ روزبیست‌و نهم همان‌ماه مسیو ساکس بگمان اینکه بمحلهٔ یهودیان حمله خواهند آورد پناه بقنسولخانه اعلیحضرتی برد و در انجا متوقف بود تاوقتیکه کاپیتن هاورس از کار گذار برای وی تحصیل امنیت نمود .

بندر عباس

مواقق اخبار واصله قطاع الطریق تمام راه‌های قافله رو را در ظرف ماه اکتبر مسدود داشتند و بدانواسطه تامدتی قوافل از حرکت بازمانده بودند ولی‌مواقق اخبار‌اخیره اکنون کاروان حرکت نموده ودر ایاب و ذهاب است .

ضمیمهٔ خلاصهٔ ماهیانه

یزد

در چهار دهم نوامبر یکنفر تاجر پارسی موسوم به بهرام گشتاسب بواسطه شخص مسلمانی بهدف گلوله و بسختی مجروح

گردید و ضارب فرار نمود ـ سفارت اعلیحضرتی در این خصوص بدولت ایران اظهار نموده است .

شیراز

قنسول دولت فخیمه یوم سوّم دسامبر تلگراف نمود که در شیراز ونیز در تمام فارس هرج و مرج و بی نظمی مزید یافته و ایلات از تحت اطاعت خارج شده و در بهار منتظر مشکلات و زحمات سخت تر باید بود ـ رئیس الوزرا بشارژدافر دولت انگلیس اطلاع داده است که تاحاکم فرستاده نشود هیچ کاری نمیتوان انجام داد ـ وحالیه خبر داده شد که بالاخره علاء الدوله درصورتی که شروطشرا تماما پذیرفتند راضی برفتن گردید ـ عقیده مستر گراهم اینست که اگر ایلات را از شهر شیراز خارج نمایند در اوضاع بهبودی حاصل خواهد شد لیکن حاکم فعالی باتقویت قشون مسلح لازم است تا اغتشاشات را خاتمه بدهد و در حقیقت اگر علاء الدوله بدانجا برود تااندازهٔ این مقاصد انجام خواهد یافت .

مستحفظین قنسولگری بالمضاعف باقی خواهند بود تاوقتی که اوضاع بهبودی حاصل نماید .

مشهد

تراکمه بقوچان حمله‌آورده وقشون دولتی‌را شکست دادند

بندر عباس

مامور مقیم دولت اعلیحضرتی در بوشهر روز اوّل دسامبر

تلگرافا خبر داد که قنسول دولت فخیمه مقیم بندر عباس راپورت فرستاده است که بواسطه شرارت ایلات اوضاع آنجا بسختی ودر شدت گرفتار آمده ـ مامور مقیم قرار داده است که کشتی اعلیحضرتی موسوم به لاپینك بدانسمت حرکت نماید .

ملفوفه دوّیم در لف نمره ۸۴

یاد داشت مستر چرچیل راجع بجلسات مجلس شورای ملی ایران از نهم نوامبر تادویم دسامبر ۱۹۰۷

مهمترین مطلبی که در مدت ماه منظور اتفاق افتاد تشریف فرمائی رسمانه شاه بود در ۱۲ نوامبر بمجلس ملی ـ شاه زادگان منتسبین بسلطنت از جمله ظل‌السلطان و همچنین نمایندگان هر طبقهٔ از قبیل صاحبان مناصب و روحانیین حضور داشتند ـ برای حفظ جان شاه احتیاطات فوق‌العاده بعمل آوردند ـ مراسم تشریفات تقریبا تامدت نیمساعت بیشتر بطول نیانجامید و بعد از آنکه طرفین آغاز به تهنیت نمودند و نیز آقا سید عبدالله مجتهد از طرف مجلس نطق نمود آنوقت رئیس مجلس قرآنرا باصورت قسمنامه مندرجه در ماده ۳۸ قانون اساسی مصوبه ۸ ماه اکتبر ۱۹۰۷ حضور شاه نهاد که بقید قسم بعهد نماید پس از آن رئیس تقاضای «هورا» برای شاه نموده وعموما باواز بلند فریاد شاه زنده باد کشیدند . هیئت دیپلوماسی برای حضور در این مجلس دعوت نشده بود .

این نمایش اصلاح و آشتی موقتا رنجش و نقاریکه مابین شاه و مجلس موجود بود تخفیف داد ولی بزودی از طرف کار گذاران شاه عملیات منافقت آمیزی تجدید یافت که بدانواسطه مردم

الجزاء لا استوت عند الله حال الصالح والطالح والمحسن والمسيء ومن سوى بينهم لم يكن
... عظها و

ما هو جواب له كان قائلاً قال فماذا قال سليمن لانه موضع مقتضٍ للسؤال اقتضاءً ظاهراً
وهو اشتغال نبي الله بامر الدنيا حتى يفوته الصلوة عن وقتها وقيل انما ذبحها تقرّباً

بخشم و هیجان آمدند .

در تاریخ ۱۷ نوامبر مباحثهٔ طولانی راجع به بودجه بمیان آمد ـ کمسیون مالیه مجلس صورتی از مخارج درباری که میزان آنرا به پانصد هزار تومان تخمین زده بود پیشنهاد کرد و درخصوص تخفیفاتیکه در مواجب و وظایف ارباب حقوق که مبلغ آن درسال بالغ بر نهصد و نود هزار تومان میشد کمسیون مزبور اظهار داشت که مبلغ چهار صدو پنجاه هزار تومان آن ازتخفیف یامقطوع داشتن سیزده نفر که از جملهٔ آنها اتابك و مشیر الدوله مرحوم می باشند حاصل شده است .

تقی زاده نطقی در خصوص عدم رضایت شاه و درباریان باین قرار داد نموده واظهار داشت که اگر شاه بااین ترتیبات بودجه موافقت ننماید مجلس مجبور خواهد گردید که صاحبان حقوق و اجزای دربار‌را خود حقوق داده و پس از آن بقیه را که عبارت از سی هزار تومان خواهد بود تقدیم اعلیحضرت دارد .

در چهاردهم نوامبر مسئلهٔ تعیین مسیو بیزوت بسمت مستشاری مالیه مجدداً در مجلس باحضور وزیر مالیه مطرح مذاکره گردید و معزی الیه اصرار داشت که مجلس صورت کنترانرا قبول نماید ـ پس از مباحثات طولانی صورت مقاوله نامه باینکه رای گرفته نشد قبول گردید .

چون وضع بی نظمی مملکت بدتری یافت انجمنهای مختلفه متحداً روز ۱۹ نوامبر عریضهٔ بمجلس معروض داشته تقاضای اقدامات سریعه در استقرار نظم نمودند و نیز مستدعی شدند که بشاه‌زادگان

و اعیانیکه هر یك تعهد کرده بودند مبلغ معینی ببانك ملی اعانه بدهند فشار وارد آید که آنرا نقد بپردازند .

روز ۲۱ نوامبر از حالت و رفتار دو مجتهد بزرك (آقاسید عبدالله و آقا سید محمد) استنباط میشد که عامه مردم هیچگونه رضائیتی از روش مجلس در کارها ندارند ـ آقا سید محمد مجتهد در مجلس چنین اظهار داشت که « ما از طریقهٔ حکومت شوروی و سلطنت مشروطهٔ بسی محسنات و تمجید ها شنیده بودیم اگر نتیجه آن اینست که مشاهده میشود پس هیچ فایده نخواهد داشت ـ آیا نه تکلیف سلطنت است که مانع از بی نظمی شود ؟ ـ با این اوضاع کنونی امنیت جانی در این شهر غیر ممکن است »

در بیست و دویم نوامبر رئیس الوزرا باوزرای جنك ـ عدلیه و تجارت بمجلس آمدند و در موضوع رفورم وانتظام قشون مذاکراتی بمیان آمد ـ در این خصوص هیچ رای قطعی حاصل نشد ولی وزیر جنك وعده داد که در ظرف یکهفته نقشه خود را در طرق رفورم قشون بمجلس تقدیم دارد ـ در ضمن مباحثات بعضی مذاکرات ازاستقلال کلنل روسی فرمانده بریکاد قزاق گفتگو گردید رئیس مجلس گفت که جای آن دارد کلنل‌را بواسطه جنك آزادانه مابین قزاقهای وی و فوج « سیلاخوری » که دیروز اتفاق افتاده است ملامت نمود

روز ۲۳ نوامبر عدهٔ از وکلا‌را برای تشکیل کمسیونهای مختلفه از جمله کمسیون وزارت امور خارجه که وظایف آن مشتمل برنظارت در کارهای آن وزارتخانه وتحقیق در معاهدات ـ

قرار داد ها و امتیاز نامها میباشد انتخاب نمودند .

دسایس کار کنان شاه مخصوصا سعد الدوله که اوضاع فتنه و آشوبرا تهدید میکرد چنانچه از هیجانهای مصنوعی اشخاصی که‌مقرری آنهارا کاسته بودند و نیز از منازعهٔ قزاقهاکه‌در ۲۱ نوامبر با «فوج‌سیلاخوری» دریبوست‌واضح ومشهود آمده و‌موضوع‌مذاکرات‌با حرارتی درمجلس گردید که قسمت عمده‌اشرا تقی زاده بیان نمود از – تماشا چیان‌خواهش شد که از اطاق جلسه خارج شوند ومجلس علنی را بخصوصی تبدیل دادند ومذاکرات باحرارتی زیادتر مداومت یافت – کار کنان شاه را باسم نام بردند از جمله شاپشالرا که بسعی و اهتمام وزیر دربار مقرب شاه گردیده است – سعد الدوله و امیر بهادر را به آواز بلند زشت کار نامیدند و بسرخی از وکلا بشدت اصرار داشتند که آنانرا بایستی از مملکت تبعید نمود — چون از رئیس الوزرا که حاضر بود سؤال شد ایشان گفتند که میدانند یك قوهٔ در پرده برضد مجلس همی کوشش مینماید — خلاصه قرار چنین داده شد که روز دیگر جلسهٔ خصوصی تشکیل یابد و کابینهٔ وزرا حضور بهمرسانیده درخصوص این‌اوضاع مشغول مذاکرات شوند

روز ۲۷ نوامبر جلسه خصوصی در مجلس انعقاد یافت لیکن وزرا در دربار سلطنتی توقیف گردیدند – رئیس مجلس اعلام نمود که شاه مایل است از طرف اعضای مجلس نماینده بحضور ایشان فرستاده شود لهذا ده نفر از مابین وکلا بدین سمت انتخاب شده بدربار سلطنت رفتند .

روز ۲۸ نوامبر درجلسهٔ علنی دستخط شاه خطاب بنمایندگان

که روز قبل شرفیاب حضور شده بودند قرائت گردید – اعلیحضرت شاه لزوم تفکیك وظایف قوهٔ مجریه حکومترا از تکالیف قوهٔ مقننه مجلس اصرار فرموده و اوضاع بی نظمی اسف آمیزرا که مملکت دچار آمده بسیار مهم شمردند وبالاخره تاکید داشتند که انجمنهائی که بدون هیچ حقی در امور دولت مداخله مینمایند ومخل آسایش عامه هستند بر چیده شوند و مسبوق گردانیدند که بوزرا نیز امر شده است آنهارا موقوف و منحل سازند – مجلس بعد از آنکه با کمال دقت تعمق نمود که چه جوابی در مقابل فرمایشات شاه داده شود بامشورت مجتهدین بزرك ابتدا اظهار تشکر از صدور دستخط مبارك اعلیحضرتی نموده سپس اطمینان میداد که مجلس هرگز مایل باختلاط وظایف هیئت مجریه با تکالیف اعضای مقننه نباشد – کلیهٔ سعی و اهتمامش در وضع قوانین و نظارت دراجرای آنست – اما راجع بموقوف داشتن انجمنها خاطر شاه را متذکر باصل ۲۱ قانون اساسی مصوبهٔ هیجدهم اکتبر ساختند که مجامع آزاد است ولی قول دادند که نظامنامهٔ برای رفتار آنها نوشته شود

(امضا)   جی – بی – چرچیل

نمره ۸۵

قسمتی ازمکتوب مستر مارلینك بسرادواردگری (واصلهٔ ۲۳ دسامبر)
از طهران بتاریخ ششم دسامبر ۱۹۰۷

اکنون ضعف و بی قدرتی دولت بمنتها درجه رسیده است ولی باوجود این اسباب تعجب است که باموجود بودن قوائیکه همی در تخریب اساس جدیدهٔ بکارمیرود اوضاع مملکت هر چند

خوب نیست بدتر شده است ـ لیکن ترس آنست که هیچ علائم امید بخشی برای آتیه نتوان بدست آورد غیر از ایران حتی در ممالك منظمه اگر سکته بر حکومت مرکزی وارد آید البته منتج متلاشی شدن کلیه انتظامات آن خواهد گردید ولی در ایران اقتدار حکومت مرکزی و نیز تسلط و حکمفرمائی در ولایات بقدری بسته بنفوذ اشخاص است که عدم اقتدار مرکز اثری در سستی اقتدرات و سلطه ولایات نخواهد نمود چنانچه در اکثر ولایات دیده میشود که بالنسبه آرامی موجود بوده و آثاری که دلالت بر بحران عظیمی که مملکت دچار آن است ظاهر نمیسازند .

چنانچه مذکور داشتم نفوذ حکومت مرکزی بکلی از میان رفته وشاهد آن نداشتن قدرتست درامر وتحکم باطاعت حتی درمورد رؤسائیکه تحت اختیار آن واقعند .

از اینجا میتوان استنباط نمود که چگونه سپهدار مسافرت خود را باسترآباد برای جلو گیری از حملات تراکمه متجاوز از پانز ده روز بطول انجام داد و چگونه محتشم السلطنه در عزیمت باروميه مسامحه میکند و نیز علاء الدوله که بحگومت فارس مقرر شده در حرکت بدانصوب تعلل میورزد ـ و چون این مطالب از مسائل مؤکده شمرده میشود بایستی ازخارجه فشار سخت بحکومت وارد آید که در حرکت آنان عجله نماید .

بحتمل هنوز ضعف حکومت در قطعات دور دست ایران محقق نشده باشد ولی همینکه بوضوح بپوست آنوقت هیچ چیز باقی نخواهد ماند مگر فقط نفوذ شخصی حکام که جلو گیری از

دسایس و اغراض اشخاص مجال نموده نگذارند بفعلیت انجامیده تولید هرج و مرجی شود که نمونه آن اکنون در شیراز موجود است ـ با اینحال نتیجه ضعف حکومت مرکزی معلوم گردیده و چون دانسته شده است که از طهران تقویتی نخواهد گردید لهذا هیچکس حاضر نیست درایالاتی که اغتشاش موجود است وبااحتمال وقوع آن برود تقبل کار برای اعاده و حفظ نظم نماید ـ شیراز و کرمان و یزد بدون حاکم مانده ـ در اصفهان نیر الدوله آلت دست آقایان میباشد ودراروميه حاکم را ازشهر خارج ساخته اند ـ درتبریز فرمانفرما باوجود اینکه باانجمن ایالتی موافقت داشت دچار مخاطره تبعید گردیده ویکی دوروز شهر درقبضهٔ اختیار « فدائیان » در آمده بود .

وضعیت اوضاع درهیچ نقطه به‌بدی شیراز نیست ـ آخرین چارهٔ که حاکم برای تقویت حکومت خویش اندیشید این بود که از طایفه لارپها استمداد بطلبد و بعد چون دانست که از نداشتن استعداد و قوه دیر ملتفت شده است مقام خود را ترك نموده شهر را میدان مبارزه دستجات متخاصمه قوام الملك و معتمد دیوان قرار داد و طبیعتا اغتشاش بتمام ایالت فارس اثر نموده است و احتمال کلی میرود که انچه را بیشتر گراهم از وقوع آن ترس داشت صورت خارجی حاصل کند و موقعیکه ایلات در بهار بنقاط ییلاقی خویش معاودت نمایند اوضاع خیلی بدتر خواهد گردید .

در سمت جنوب طایفه بهار لو اطراف بندر عباس مشغول تاخت و تاز و شهر درمعرض حمله است ـ در مرکز ایران کاشان

دومین میدان جنگ شدیدی بین نوکر های دونفر از اعیان آن‌شهر واقع گردیده و اجزاء تلگراف خانهٔ هند و اروپا مدتی گرفتار مخاطره بودند و لیکن همچه بنظر میرسد که کار گذاران ولایتی هیچ اقدامی در آن خصوص نکرده باشند ـ در اصفهان آقا نور الله و آقا نجفی که یکدیگر را برادرند بفراهم آوردن تحریم امتعه اروپائی میکوشند و سه هفته قبل در یزد بیکنفر تاجر پارسی بقصد هلاکت حمله کردند وحاکم انجا نتوانسته‌است برای بانك شاهنشاهی قراول و مستحفظینی که معمول بوده است حاضر ساخته و در انجا بگمارد ـ در قسمت شمالی تاخت و تاز تراکمه حکایات شصت سال قبل را در خاطر تجدید میدهد ولی هیچگونه اقدام مؤثری در جلو گیری انها بعمل نیامده ـ امثال اینگونه وقایع بسیارند ـ لیکن گمان میکنم انچه را که بیان نموده‌ام کافی باشد برای دانستن اینکه همه جا مقتضیات بی نظمی موجود و حاکم محلی ضعیف است و دولت مرکزی توانائی آنرا ندارد که حفظ نظم‌را درآنمحل بنماید اینمسئله بواسطهٔ رشت وکردستان ایران که در حال اغتشاش میباشند ثابت میگردد اما چون حکام آندو ولایت کافی‌هستند بالنسبه راپوتهای مساعداز آنجا میرسد .

سستی و ضعف حکومت جهة عمده اش بلاشك بیحالی فطری اعضای آن است مخصوصا ناصر الملك با این حال از نقطه نظر اهالی مغرب زمین این کابینه از بهترین اشخاص تربیت شده ایرانی انتخاب گردیده ولی بامشگلات عظیمه متصادف آمده اند که عمده آنها خالی بودن خزانه ومخالفت نهانی وآشکارای شاه وضدیت

گروه مرتجعین‌است .

بیپولی دولت از مسلمات است ـ روز دیکر که ناصر الملك را ملاقات کردم ایشان اظهار داشتند که بهیچوجه مالیاتی ایصال نگردیده مگر از گمرکات که فوق‌العاده ترقی نموده و از عمل کرد تلگراف خانه ومداخل تذکره وابنهم کلیهٔ صرف مخارج لازمه شده است ـ و وزرا مشغول مذاکره و گفتگوی طرح نقشجات اصلاح جمع آوری مالیات و وضع مالیاتهای جدیده میباشند لیکن تمام اینها طبیعتا منوط بداشتن وقت است ـ پولی نمیرسد که قشون داده شود که مأمور استقرار نظم گردند و بهیچوجه امیدی نیست که باستقراض داخلی موفق شوند و ترس آن است که اگر پولی فراهم آید دولت باین اوضاع حاضره نتواند بمصارف مفیده برساند .

دومین عایق یعنی ضدیت‌شاه یحتمل درانظار ایرانیان اشکالی خوفناکتر از احتیاج بپول باشد ـ هیئت دولت و رؤسای ملت هیچگونه وسایل مسالمت آمیزی نمی‌بینند که بدان واسطه قوای اورا ضعیف ساخته دستش را در کار تخریب کوتاه دارند .

پولی که شاه صرف اجرای دسایس خویش مینماید معلوم نیست از چه محل بچنگ میاورد ـ احتمال قوی میرود که تدارك آن را برخی از منتسبین وی و نیز مرتجعینی که در ماه سپتامبر گذشته از طریق تدلیس خواهان و طرف دار تجدد شده بودند می کنند.

نمرهٔ ۷۶

تلگراف مستر مارلینگ بسرادوارد گری ـ (وصول ۲۳ دسامبر)

بنا بر تلگراف مورخه ۲۲ ماه جاری که شما مخابره فرمودید وزیر مختار روس و من تواما بهمان نحوی که در تلگراف خودم بتاریخ ۲۱ همین ماه اظهار داشته بودم با ظل السلطان گفتگو کردیم .

نمره ۸۷

تلگراف سر ادوارد گری بمستر مارلینك

ازوزارت امور خارجه ۲۳ دسامبر ۱۹۰۷

درجواب تلگراف مورخهٔ ۲۱ همین ماه شما ـ تقاضای اولی وثانوی شما مورد قبول افتاد .

در جواب تلگراف ۲۳ ـ بایستی ظل السلطان را بقرارداد حمایتی که بااوشرط شده واز جمله شرط اصلی آن اطاعت وی است ازشاه متذکر ساخت .

در موضوع ولایت عهد تا میتوانید از مداخلات اجتناب نمائید .

نمرهٔ ۸۸

تلگراف مسترمارلینگ بسرادوارد گری ـ (وصول ۲٤ دسامبر)

ازطهران بتاریخ ۲۴ دسامبر ۱۹۰۷

بنابر تلگراف دیروز شما وزیر مختار روس ومن مکتوبی بظل السلطان نوشته اورا از شروط حمایت خودمان یعنی اطاعت کردن از شاه متذکر ساخته ونیز مسبوق نمودیم که دولتین متفقا

ولیعهد را بولایت عهد میشناسند .

نمرهٔ ۸۹

تلگراف سرادوارد گری بمسترمارلینگ

ازوزارت امورخارجه ۲۵ دسامبر ۱۹۰۷

شما باید در منازعهٔ شاه بامردمان خویش کمال بیطرفی را اختیار نمائید هرگاه اعلیحضرت شاه بخواهند درسفارتخانه « پناهنده » شوند شما نبایستی از قبول آن امتناع بورزید مگر فقط باحتمال مخاطره نفوس دیگران درصورتی که معلوم نباشد جان اعلیحضرت از خطر مصون خواهد بود و باید کاملا بطور وضوح بفهمانید که ویرا بهمان طریقه و قرار دادی پناه میدهند که ممکن بودسایر ایرانیان در مواقع این گونه مخاطرات بسفارت متحصن شوند چه خیلی بایستی اهمیت داد باینکه مستمسکی بدست کسی نیاید که فرض کنند شاه بتقویت و حمایت ما برضد مجلس قیام داشته و باید حاضر باشیم که ویرا تسلیم اولیای امور بنمائیم مشروط براینکه بطورسلامت مجاز باشد از ایران خارج شود .

نمرهٔ ۹۰

تلگراف مستر مارلینگ بسر ادوارد گری ـ (وصول ۹ ژانویه)

ازطهران بتاریخ ۹ ژانویه ۱۹۰۷ مطابق ۱۳۲۶ هجری

خواهشمندم رجوع فرمایند بتلگرافی که در بیست ویکم دسامبر هزارو نهصدو هفت مخابره نموده اند .

وزیر مختار روس و من توانستیم دومین مطلب برگرام خودمان را تاقبل از سی‌ام ماه دسامبر بموقع اجرا در آوریم یعنی

مجلس ملی را از تعهدات و اطمینانی که اعلیحضرت شاه بما داده بودند مستحضر داریم ـ در همان تاریخ مراسلات متحد المضمونی برئیس مجلس ارسال داشته ایشان را از آنچه اقدام شده بود مطلع ساختیم و یقین ثابت خود را در خصوص این که آن اعلیحضرت بعهد خویش وفا خواهند فرمود اظهار داشتیم .

روز چهارم همین ماه مراسلات مذکوره در مجلس قرائت گردید .

نمرهٔ ۹۱

قسمتی ازمکتوب مسترمارلینگ بسرادوارد گری ـ (واصله ۲۰ ژانویه ۱۹۰۷

از طهران ۳۱ دسامبر ۱۹۰۷

باکمال افتخار وقایع ماهیانه ایران‌را که‌در ظرف چهارهفته گذشته اتفاق افتاده اینـک موافق معمول ارسال میدارم و مذاکرات مجلس نیز در ضمن خلاصهٔ واقعات سمت ذکر خواهد یافت .

ملفوف نمرهٔ ۹۱

خلاصهٔ حوادث ایران در ظرف چهار هفته گذشته

طهران

مجلس ملی

مجلس مخالفت شاه و کار کنان ویرا در ماه دسامبر درك و بشدت احساس نموده ودر این‌موضوع چنانچه درخلاصهٔ مذاکرات

سابق آن اشارت شد باکمال حرارت بس مذاکرات جریان یافت ـ این بحران که در پانزدهم دسامبر بمعرض شهود آمد همانا ازاصرار مجلس در تبعید سعد الدوله و امیر بهادر جنگ دوکار کنان مرتجع شاه ناشی گردید و مظفریتی که نصیب مجلس شد بیشتر بواسطهٔ انجمنها بود که باقوت اسلحه از آن حمایت نمودند .

مذاکرات مجلس که جلسات متوالیا انعقاد یافت محتاج به راپورت جداگانه نیست ـ عمدهٔ آن مذاکرات راجع بحملهٔ ناگهانی شاه بود و کابینهٔ جدید را که فقط سه نفر از اعضای آن تغییر یافتند یعنی نظام السلطنه بجای ناصر الملك و ظفر السلطنه بوزارت جنگ و قائم مقام بوزارت گمرکات و تجارت عاقبت مجلس تصویب نمود ولی در جلسه سی‌و یکم ماه دسامبر راجع بحوادث جدیده بطور تحقیر مورد استیضاحات وکلا گردیدند ـ حالیه موقع مجلس شاید از سابق قوی ترشده باشد .

کابینه جدید

وزیر مالیه ورئیس الوزرا	نظام السلطنه
وزیر امور خارجه	مشیر الدوله
وزیر جنگ	ظفر السلطنه
وزیر عدلیه . . . . . : .	مخبرالسلطنه
وزیر معادن وفواید عامه	صنیع الدوله
وزیر تجارت وگمرکات	قائم مقام
وزیر داخله	آصف الدوله

(امضا) جی ـ پی ـ چرچیل
منشی شرقی

تبریز

بتازگی اشخاص مسلح کراراً خواسته اند عنفاً بقنسولگری روس داخل شوند ویکی از آنها اظهار داشت که مقصود وی کشتن قنسول روس بوده است .

نظر باغتشاش تبریز وهمچنین برحسب تقاضای قنسول روس در تزیید قوای مستحفظه لهذا دولت روسیه مصمم شده است که فوق العاده ۲۵ نفر قزاق برای قونسولخانه گسیل داشته وچهار صد نفر قشون در سرحد حاضر دارد .

دویم ژانویه تلگرافی واصل گردید مشعر بر ورود ۲۵ نفر قزاق روسی به تبریز که این عده تعداد مستحفظین قونسولگری را به پنجاه نفر رسانید .

ارومیه

چون شورشیان در امور قضائیه واجرائیه مداخله می نمودند بدانواسطه امر حکومت باختلال میگذشت و در ۲۴ نوامبر حاکم به فرمانفرمای آذربایجان و انجمن ایالتی تبریز تشکی نمود ـ مشار الیه اختیار یافت که رئیس انقلابیونرا تبعید نماید ـ اینمسئله در ۲۶ نوامبر صورت وقوع پذیرفت لیکن روز دیگر حاکم خود مجبور بترك آن ولایت گردید و شهر بدون حاکم ماند معهذا هیچگونه بی‌نظمی و اغتشاش اتفاق نیافتاد .

رشت

در هیجدهم دسامبر انتشار خبر قتل تمام وکلای مجلس ملی وشیوع یافتن عبورقشون روس از آستارابخاك ایران باعث بروز یك هیجان عمدهٔ در رشت گردیده و روز دیگر حکمران باعلما واعیان و جمعی از طبقات مردم در تلگراف خانه اجتماع نمودند ـ وروز ۲۳ همان ماه از طهران تلگرافی رسید مبنی براینکه مجدداً صلح (مابین شاه و مجلس) بر قرار گردید ـ عنوان فرستادن ده هزار نفر از گیلان بحمایت مجلس شورای ملی سبب شد که چهل نفر از مردم آنجا بالباس نظامی مشغول مشق ولمایشات نظامی گردیدند

مشهد

انجمن ایالتی تلگرافا بطهران اظهار داشت که نظر بلزوم حتمی تهیهٔ پول برای تنظیم قشون خراسان لذا درآتیه از فرستادن مالیات به پایتخت معذور است .

بالاضافه دستجات مختصرهٔ قشون بسبزوار و قوچان اعزام شد ولی چون سر کرده و صاحبمنصب مسؤلی نداشتند یکان یکان فرار نمودند واز سه هزار فشنگی که بذریعه پست بقوچان فرستاده گردید دوهزارو هفتصد دانه آن در عرض راه مفقود شد .

در ۲۲ دسامبر مشروطه طلبان تمام ادارات دولتی را ملزم به تعطیل نمودند لیکن منشیان تلگراف خانه انگلیس را اجازه دادند

که در شغل خود مداومت نمایند ـ روز دیگر انجمن ایالتی قورخانه را بتصرف درآورد و اداره پستخانه بر حسب خواهش جنرال قنسول ما اجازه یافت که برای اتباع خارجه مفتوح باشد ـ حزب مشروطه خواهان و نیز فرقه مرتجعین هردو نصیحت جنرال قنسول مارا در رعایت حفظ نظم و اجتناب از خونریزی پذیرفتند ـ شهر آرام شد و اروپائیان مورد اکرام واقع گردیدند ـ اهالی مشهد نمایندگان خود را در مجلس ملی طهران در معرض خطر تصور میکردند و در خصوص ایشان کمال توحشرا داشتند .

اصفهان

شخصی از طرف آقا نجفی بسمت نمایندگی نزد جنرال قنسول دولت فخیمه آمده انکار مینمود از اینکه آقایان حکم نموده باشند که تجار محلی ترك معاملات بااروپائیان بنمایند ـ شخص مزبور در حضور منشی قنسولگری انکار این مسئله را مینمود درصورتیکه همان منشی در موقعیکه آقا نورالله در عرشه منبر حکم مذکور را بمردم تبلیغ میکرد حضور داشت ـ بهر حال تجار بومی علنا نمی توانند مانند سابق بااروپائیها داد وستد نمایند .

یزد

پستی که از یزد بکرمان حرکت کرده بود روز ۲۲

نوامبر بسرقت رفت و از قراریکه میگویند سارقین از ایل قشقائی می باشند .

تمام سربازهای ساخلوی یزد باستثنای چهار نفر همگی فرار کرده و بکرمان عودت نموده اند ـ بانك شاهنشاهی ایران همینقدر توانسته است که از چهار نفر بقیه مستحفظین دو نفر را راضی بتوقف نماید ولی تلگراف خانه انگلیس قراول و مستحفظی ندارد ـ اما شهر باوجود نداشتن حاکم ساکت وآرام میباشد .

کرمان

قنسول جنرال دولت فخیمه درهفته گذشته دسامبر تلگرافا خبر داد که ناظم و حاجی نایب بر علیه اتباع انگلیس مقیم کرمان سعایت نموده بسی حیله ها بکار میبرند ـ ایشان در شهر فرمانفرمائی میکنند و دوام اقتدار آنان موجب اضمحلال نفوذماخواهدبود ـ تمام ادارانرا تحت اختیار خویش در آورده‌اند وحتی مازودوکات نتوانسته است مراسلات خود را به پست بسپارد و مازور مزبور که از وی چگونگی تدابیر و ضدیت آنان استفسار شده بود در اول ژانویه تلگراف نمود که روز ۱۶ دسامبر همینکه شاه حمله پلتیکی خود را مخابره و اعلام فرمود ناظم بنزد نایب قنسول آمده از مداخله کردن دولت انگلیس در این واقعه استعلام نمود ـ چون گفته شد که دولت انگلیس را مداخلتی نخواهد بود افسرده خاطر گردیده از کشتن خویشتن سخن میراند .

روز دیگر چندین جلد کتاب انجیل تذهیب شدهٔ کهنه‌باسم ازور دوکات دربازار منتشر ساختند واشاعه یافت که قشون انگلیس بخشگی پیاده شده بعزم تسخیر کرمان و مجبور ساختن مردم را بقبول مذهب عیسوی رهسپار است و ماژر دوکات تذکره حمایت و تأمین نامه توزیع میکند ـ یکنفر ملا گماشته شد که برضد دعات مسیحی نطق و موعظه نماید — در ۲۳ دسامبر بهنگام نصف شب مجمعی تشکیل یافت و حملهٔ بر اتباع انگلیس را موضوع مذاکره قرار دادند ـ این ضدیت را ناظم و حاجی نایب وسید شهاب دخیل بوده وهمی سعایت میکردند .

شیراز

ازاواخر نوامبر گذشته دراغلب ایام دسامبر حالت اغتشاش مداومت داشت و شلیك تفنك بسیار میشد ـ دزدی و حمله برمردم اتصالا در کوچه ها ازدیاد میافت ـ حملهٔ که برنوکر مستر گراهم گردیده و در خلاصهٔ وقایع سابق راپورتش داده شده بود اینك تفصیل و شرح آن واصل گردید ـ روز دهم دسامبر متعمداً بکفیل بانك شاهنشاهی تیر انداختند ولی خوشبختانه بخطارفت چندین مرتبه مابین فریقین متخاصمین (قوامیان و اتباع سید لاری) عنوان صلح پیش آمد لیکن منتج نتیجه نگردید ـ خبیر الدوله که اسما نایب الحکومه است دارای هیچگونه قوه و استعدادی نیست و قوائی هم که موجود است بکلی درقبضه اختیار پسران قوام درآمده

صاحب اختیار که بفرمانفرمائی فارس نامزد شده‌بود روز ۳۰ دسامبر بمقر مأموریت خود عزیمت نمود ـ اخبار اخیره اشعار میدارد که اوضاع خیلی آرام است .

بنا بر راپورتی که چاروادارها میدهند تفنگچیان در عرض راه از قوافل باج میگیرند و در حوالی چنار راه از کاروان مستر زیگلر جلو گیری کرده تمام اموال انهارا بسرقت بردند ـ ازجملهٔ اشیاء منهوبه یك صندوق‌شمش نقره یکقبضه تفنك بود و سایر اشیاء مسروقه بیش از صدو بیست لیره (٦۰۰ تومان) ارزش داشت ـ متوالیا ازخرابی ایلات راپورت میرسد وچنانچه میگویند دریکموقع بسیاری از دهات را ویران و باخاك یکسان نموده اند ـ طوایف بهارلو بکلی از قید اطاعت خارج و یاغی شده اند. همه راعقیده آن است که در بهار آتیه اشکالات زیاد بواسطه ایلات تولید خواهد گردید .

اهواز

لیوتنان ویلسن بابیست نفر تابین که مأمور محافظت امور استخراج نفت بطوند و مامانن شده بودند درماه دسامبر وارد اهواز گردیدند و دومین صاحبمنصب موسوم به لیوتنان رنکینگ اکنون نیز بدان طرف رهسپار است ـ در اوایل دسامبر مخابرات تلگرافی بین اهواز و براز جان مفتوح و مجدداً مقطوع گردید .

نمرهٔ ۹۲

قسمتی از مکتوب مستر مارلینگ به سرادوارد گری —
(وصول ۲۰ ژانویه ۱۹۰۷)

از طهران ۳۱ دسامبر ۱۹۰۷

در سیزدهم ماه جاری که ناصر الملک را ملاقات نمودم اظهارات ایشان حاکی بود که روابط هیئت دولت باشاه مجدداً باعث اضطراب وتشویش خاطر انجناب گردیده لیکن دلایلی ذکر نفرمودند تا بدان واسطه وقوع یک بحران سخت را پیش بینی توانم نمود .

روز سه شنبه در مسجد سپهسالار واقع در جنب عمارات پارلمان جمعیت کثیری فراهم آمده و ملك المتکلمین و سایر ناطقین طرف دار ملت نطقهای مهیج نموده شاه را تهدید و اعمالش را تقبیح میکردند ضمنا عزل و تبعید سعد الدوله و امیر بهادر جنگ را خواستار بودند — نطقها و موعظه ها که همه باشدت و حرارت ممزوج بود چندان نتیجهٔ نبخشید وروز یکشنبه نزدیك ظهر بسفارت خبر رسید که عما قریب یك اغتشاش عظیمی بروز خواهد نمود آنگاه شنیدم که شاه قوه مضبوطی مرکب از فوج امیر بهادر وغلامهای کشیك خانه — قاطر چیان و ساربانها فراهم آورده ودر میدان توپخانه ایشان را جاداده است وآنان برای حملهٔ مجلس تصمیم عزم نموده اند و هم شنیدم که مشروطه طلبان همگی مترصدند بسفارت خانه متحصن شوند واز تحقیقاتی که فوراً بعمل آمد معلوم شد قسمت اول راپورت صحیح بوده و صورت وقوع دارد و من

درهای سفارتخانه را امر به بستن نمودم و بهر دری یکنفر غلام گماشتم وتوصیه کردم که هرگاه مردم بخواهند بدانجا داخل شوند مرا مستحضر دارند ولی چنین حرکتی اتفاق نیفتاد .

تمام صبح را مجلس منعقد بود وسعی مینمودند که علاء الدوله و ظل السلطان را که هردو در انجا حضور داشتند به بردن پیغام به نزد شاه وادار نمایند ولی هردو از پذیرفتن تکلیف مجلس امتناع ورزیدند و ظل السلطان بطور مزاح سرزنش آمیز اظهار داشت که شاید نایب السلطنه (کامرانمیرزا) راضی شود که این مأموریت رادرعهده گیرد .

علاء الدوله که شاه احضارش فرموده بود در ساعت سه عازم دربار گردید ومعجلا ویرا تحت الحفظ بابرادرش معین الدوله بکربلا تبعید نمودند — هیجانی بامنتهای وحشیگری دردربار سلطنت که در آنجا کلنل لیاخوف و یکی دیگر از صاحبمنصبان بریگاد قزاق بادسته از قزاقها نیز حضور داشتند مشتعل بود واشخاص مسلح درتمام عمارات دربار مجتمع بودند .

رفتار با علاء الدوله باعث وحشت و اضطراب مجلسیان گردیده و در ساعت پنج مصمم شدند هیئتی را که شاه برای صبح دیگر خواسته بود همانساعت بدربار سلطنت اعزام دارند و جلسه مجلسرا تامراجعت ایشان از نزد شاه امتداد بدهند — معهذا آن هیئت شرفیاب نگردید واعضای مجلس پس ازاصغای گرفتاری ناصرالملک باکمال عجله بمنازل خود شتافتند .

شاه وزرا را بدربار سلطنت طلبیده و ناصر الملک را که

ابتدا ورود نمود در تحت قید در آورد ـ یکی از منسوبین ناصرالملك موسوم بافتخار التجار و نیز نوکرش که در معیت وی بدربار رفته بود اخبار حملات ناگهانی شاه را در ساعت شش ونیم بمن رسانیدند و نوکر ناصرالملك اظهار داشت همچانکه با آقای خود میرفتم آهسته بمن گفت « بسفارت اطلاع بده که مرا در ساعت ده بقتل خواهند رسانید » این دونفر باحال اضطراب و توحش از من تمنا مینمودند که فوراً کسی را از طرف سفارت برای استخلاص ناصر الملك گسیل دارم ـ استحضار از خیالات چند ساعت قبل شاه مشهود ساخت که ناصرالملك بمخاطره دچار آمده است ـ ومن فوراً مستر چرچیل را برای تحصیل تامین حیواة آنجاب بدربار فرستادم و نیز گفتم که اگر تامین ندهند من خود برای وصول آن بدربار خواهم آمد ـ وزیر مختار روسرا ازاقدامات خویش دراینخصوص مستحضر نمودم .

مستر چرچیل که بدربار وارد شد ناصرالملك را در یك اطاقی محبوس یافت در صورتیکه سایر وزرا دراطاق دیگر مجتمع بوده و معنا در تحت مراقبت امیر بهادر جنك نیز محبوس بودند ـ خبر ماموریت مستر چرچیل ایشانرا قوت قلب بخشیده ولی برعکس باعث اضطراب و تشویش مستحفظین آنها گردید ـ پس از اندکی مستر چرچیل حضور شاه پذیرفته شد و آن اعلیحضرترا در صدر وذیل صحن یکی از عمارات باکمال وجد و بشاشت گردش کنان یافت ـ شاه اظهار فرمودند هیچگونه قصدی در ایذاء ناصر الملك منظور نبوده و بهر جا که بخواهد میتواند باکمال آزادی عزیمت نماید و همچنین درباره سایر وزرا مقصودی نداشته ام و مکرر

میفرمودند « ترسیده اند ترسیده اند »

مستر چرچیل از حضور شاه باطاقیکه وزرا در آنجا جمع بودند مراجعت نمود و اندکی بعد ناصر الملك نیز بدانجا وارد گردید ـ بالاخره دستخطی ازشاه رسید مبنی براینکه « آن اعلیحضرت از ناصرالملك راضی بوده و استعفای او از موقع وزارت پذیرفته شده و آزاد است بهر جا که میل داشته باشد عزیمت نماید » ـ پس از آن هیئت وزرا مجتمعا از دربار خارج و ناصر الملك با معیت یکنفر غلام سفارت که مستر چرچیل همراه وی روانه نموده بود در ساعت هفت و نیم بخانه خویش وارد گردید ـ حل اینکه ناصر الملك بمخاطره نزدیك بوده و یا خطری نداشته خالی از اشکال نیست ـ ولی اوضاع دربار درنظر مستر چرچیل چنین حکایت مینمود که با ناصرالملك وسایر وزرا را باخشونت رفتار شده وترس ناصر الملك از اینرو معلوم میشود که از من خواهش نمود دکتر ملیکانرا بعنوان طبابت و پرستاری همراه وی تارشت اعزام دارم چنانچه در سنه ۱۸۹۷ دکتر اسکلی را با اتابك مرحوم بقم روانه نمودیم ـ جوابدادم من فعلا نمیتوانم اقدام باین کار نمایم لکن به رئیس غلامهای سفارت اجازه دادم که شبرا در منزل ایشان متوقف گردد ونیز مقرر داشتم دو نفر غلام همراه آن جناب تارشت بروند و صبح دو شنبه اول طلوع آفتاب حرکت فرمودند ـ انجمنهای ولایتی قزوین و رشت سعی داشتند که جناب ایشانرا بمعاودت طهران مایل گردانند ولی در عزیمت باروپا جداً ایستادگی داشتند و روز بیست وچهارم بجانب باکو و پطروس حرکت نمودند ـ

مستر راینو رئیس بانك شاهنشاهی یکنفر از غلامهای مستخدم بانکرا در خدمت آن جناب تاباکو روانه داشت ــ روز سی ام ماه بوینه وارد گردیدند و اراده دارند از آنجا بانگلستان عازم شوند .

حال برگردیم بشرح وقایع اتفاقیه طهران ـ هیچ شکی نیست که شب دوشنبه اعلیحضرت شاه خود را بمقاصد خویش موافق میدانست ــ هیئت وزرا منحل اعضای مجلس بواسطه گرفتاری ناصرالملك و علاء الدوله ترسیده و متفرق گشتند ــ از انجمنهای سیاسی که یگانه پشتیبان مجلس بودند اظهار احساساتی نشد ـ اشون شاه موجبات بیم وهراس اهالی شهر را فراهم نموده چیزیکه برای تکمیل (کودتا) حمله پلتیکی شاه باقی مانده همانا تصرف بهارستان و مسجد سپهسالار و دستگیر نمودن عدهٔ از قائدین ملت بود ــ ولی یابواسطه اینکه اقدامات خود را مکفی دانسته و یا بجهة عدم جرئت دیگر اقدامی ازوی بظهور نرسید و مظنون اینست که اقدامات سفارت در خصوص ناصر الملك نیز در اوضاع بی اثر نبوده و بنا بر این فرجهٔ برای مشروطه طلبان بدست آمد ـ صبح دیگر که مجلس بطور معمول انعقاد یافت اسباب حیرت عامه گردید و انجمنهای سیاسی را موقعی بدست آمده مجدداً قوت قلب وتجری حاصل نمودند .

در ظرف آنروز جمعیت کثیری از مردم باغ بهارستان و مسجد سپهسالار را که در جنب آن واقع است فرا گرفته واعضای مسلح انجمنها رفته بر فراز بامهای مجلس و مسجد برآمده و سایر نقاط سرکوب را بحیطهٔ تصرف درآوردند واز قراریکه معروف

بود تا اواخر آن روز سه هزار نفر تفنگچی برای مدافعه و حفظ مجلس حاضر گردیدند ـ همان‌روز از طرفداران مجلس دردوموقع نزد من آمده استفسار نمودند که آیا سفارت از طریقی ممکن است با تجدد طلبان کمك و همراهی نماید ؟ ـ من بطور واضح جواب دادم که هیچگاه در اینگونه اوضاع مداخلتی نخواهم نمود و هرقدر بتوانم سعی مینمایم که‌نگذارم سفارترا مجبور بمداخله گردانند ـ آن دونفریکه بملاقات من آمده بودند اظهارداشتند که حزب آنها بمحاجمه اقدام نخواهند نمود و هرگاه بایشان حمله شود تاباخر بمدافعه خواهند پرداخت

شب بارامی درگذشت هرچند مانند شبهای قبل چند تیری در میدان توپخانه و اطراف آن شلیك شد ـ یکعدهٔ مختصری از اشخاص مسلح برای حراست وحفظ مجلس متوقف گردید ـ قزاق‌در کوچها پاسبانی وگردش‌مینمود ـ صبح سه شنبهٔ ۱۷ همین ماه عده‌از اهالی ساکن در مرتع رمه و ایلخی شاه را که در نزدیکی ورامین واقع است بشهر آورده ودر گوشهٔ غربی میدان توپخانه جای دادند ـ برای آنها چادرها برافراشته خوراك و مسکراتشان را مهیا ساختند و دسته از قزاقها باچند عراده توپ در جنب آنها قرار گرفتند

برخی از آن اشرار در اواسط روز از آنجا رفتند ولی‌در اواخر روز مجدداً بر جمعیت آنها افزوده گردید تعداد چادر ها بیشتر شد ـ دونفر را در آنروز بقتل رسانیده و بچند نفر دیگر حمله‌آوردند ـ چون ادارات تلگرافخانهٔ ایرانرا شاه‌مسدود ومخابرات را غدغن داشته بود بعضی از رؤسای ملاها و روحانیین از من تمنا

نمودند که یك رشته تلگرافتی باسیم انگلیس مخابره نمایند و میخواستند با این تلگرافات علمای تمام شهرهای بزرك ایران و کربلا و نجف را از وضعیت طهران مستحضر دارند ـ من از پذیرفتن در خواست آنها امتناع ورزیدم چنانچه مستر بارکر رئیس تلگرافخانهٔ هند و اروپا نیز تقاضای آنها را دراین خصوص نپذیرفت

مکتوبی از طرف مجلس بسفارت و سایر مأمورین فرستاده شد مشعر برتذکار کوشش مردم دررهائی یافتن ازظلم و استبداد و شاهد خواستن مارا در حقانیت منظور خود و تمنای مساعدت در نیل به آزادی

تمام صبح را مجلس منعقد ودر موضوع تقاضاهائیکه بایستی از شاه بشود مشغول مذاکره بوده و بعد از ظهر هیئتی را انتخاب نمود که حضور آن اعلیحضرت تشرف یافته قبول مطالب ذیل را درخواست نماید

۱ ـ عزل سعد الدوله

۲ ـ قرار دادن امیر بهادر را در تحت اوامر وزیرجنگ

۳ ـ داخل ساختن بریگاد قزاق را در جزو وزارت جنگ

۴ ـ قسم یاد کردن شاه درحضور مجلس برای رعایت قانون اساسی

۵ ـ تنبیه انکسانیکه بطرف مجلس شلیك کرده بودند

۶ ـ تشکیل دویست نفر گارد ملی برای حراست مجلس

بعد از ظهر که بسفارت روس میرفتم ازجلو مجلس گذشته فقط یك صد نفری درحوالی آن متوقف دیدم ونیز عدهٔ مختصری

از تفنگچیان بالای بامهای عمارات اطراف مشاهده کردم ـ بعضی از دکاکین جنب مجلس باز بود و چون از عدهٔ ورامینی ها که در توپخانه اجتماع داشتند کاسته شده بود چنین بنظر می آمد که اوضاع بهبودی حاصل کرده و بملاحظهٔ تقاضاهائیکه مجلس از شاه نموده بود تا اندازهٔ در اوضاع اثر بخشید

جوابهای شاه مانند همیشه مبنی برهمراهی بود ولی مراجعت ناصر الملك و علاء الدوله را که قبلا در خواست شده بود پذیرفت ـ جلسهٔ مجلس امتداد یافت ـ جمعیت اطراف مجلس رو بازدیاد نهاد تا اینکه عدهٔ مردمان مسلح به شش الی هفت هزاربالغ گردید ـ هم در این حال حامیان شاه در ازدیاد عدهٔ خود کوشش داشته تا آنکه عده آنها درمیدان توپخانه بهزار وپانصدنفر رسید ـ رؤسای مشروطه طلبان از جان خود امین نبودند عده قلیلی از آنها در منازل خود شبهارا بسرمیبردند مابقی اوقات خودرا درمجلس واطراف آن صرف مینمودند روز دیگر اوضاع بدون تغییر باقی بود باانیکه معلوم بود تقاضای شاه در خصوص تبعید چهار پنج نفر وکلای طراز اول هرگز پذیرفته نمیشود معهذا مذاکرات مابین مجلس و شاه درحالت جریان بود

روز سه شنبه چون رؤسای ملت مقام خودرا درحالت امنیت یافتند اتباع خودرا بترك بهارستان ترغیب مینمودند واظهار میداشتند بقول و اطمینانیکه شاه داده اعتماد دارند که دیگر بر ضد مجلس و مخالفت قیام نخواهد نمود با وجود این صحن مسجد مجاور مجلس را هنوز مردم در قبضه داشتند

واز طرف اشخاصیکه در میدان توپخانه متوقف بودند بقصد

اینکه آتش فتنه‌را مشتعل دارند دومرتبه اسباب‌انقلاب‌را فراهم‌آوردند در اواخر همان روز ازرشت و قزوین وتبریز تلگرافات طرفداری از مشروطیت وجنبش عمومی مخابره گردید در صورتیکه انجمن تبریز اعلان نموده بود که شاه‌را باید معزول نمود - روز جمعه چادرهای اشرار که روز سابق برچیده شده‌بود مجدداً برپا گردید - تلگرافات دیگر که‌شاه‌را بعزل وبا قتل تهدید مینمود از ایالات دیگر مخابره گردید و در اواخر روز هر چند فریقین در تمام‌روز آرام‌بودند ولی هیئت وزرائی بااینکه واقعیت نداشت صورتا تشکیل یافت - اوضاع‌عموما مانند همیشه‌ناگوار بود - هنگام عصر خواهر زاده سعد الدوله موسوم به محمود خان بملاقات من‌آمده و خواهش نمود مکتوبی بمضمون اینکه سعد الدوله در حمایت دولت انگلیس است بشاه‌بنگارم این‌خواهش نظر باین‌بود در ۱۹۰۶ وقتیکه‌سعدالدوله به‌قنسولگری دولت فخیمه مقیم یزد پناهنده‌گردید سفارت اعلیحضرتی از هیئت دولت شاه متوفی امنیت جانی برای وی تحصیل کرد من از پذیرفتن این خواهش امتناع نمودم روز دیگر یعنی ۲۱ ماه جاری همچه معروف بود که شاه تمام مستدعیات مجلسرا پذیرفته و کابینه جدید تشکیل یافته باز دروضعیت امور چندان بهبودی مشهود نبود - مردم از عناصر ترکیبهٔ کابینه رضایت نداشته و اقوال شاه‌را صدق نمیدانستند علامات افسردگی در دربار سلطنت ظاهر و هویدا بود و شاه بواسطه اتحاد ظل‌السلطان بامشروطه طلبان قویا مضطرب بود و از اینروی بغتتا حضرت والا را امر نمود که ایرانرا ترک کند - ظل‌السلطان بهرام میرزاپسر خود رابرای درخواست حمایت

فوراً بسفارت روانه داشت ولی بواسطه سابقه اطلاع از اینکه ظل السلطان اسلحه و بلکه پول بانجمنها فرستاده و پسرانش مسلح در بهارستان حاضر بوده‌اند از روی گرمی از وی پذیرائی نکرده و خاطر نشان نمودم که پدرش باید بمکتوبات مختلفهٔ دولت انگلیس راجع بموضوع حمایت که در موقع لزوم میتواند منتظر بشود مراجعه نماید .

روزیکشنبه درساعت ۱۱ چنانکه ازپیش‌ترتیب داده شده‌بود مسیو دهارتویك ومن حضور شاه شرفیاب شدیم مسیو دوهارتویك اوضاع‌را بطور واضح بیان نموده واز اعلیحضرت شهریاری مستدعی شد که اطمینان کامل بدهد بعدها نسبت بمشروطیت اظهار ضدیت ننماید- آن اعلیحضرت درجواب فرمودند من هرگز مخالفتی باپارلمان ندارم و اظهار داشت قانون اساسی که من خود امضا کرده و بصحه پدرم موشح داشته ام چگونه ازآن تخلف میورزم - و من مایلم انجمنهائیکه بمن و خانواده من تهمتها بسته و هتك احترام می نمایند و آشکارا مشغول شرارت هستند برچیده شود

معروض داشتم اطمینان و قول آن اعلیحضرت که قصد مخالفت بامجلس نداشته ودر راه خوشبختی مملکت خواهد کوشید مارا خوشوقت ساخت - این تشرف درمدت‌کمتر از یکربع ساعت صورت وقوع یافت ودر ساعت سه من و مسیو دوهارتویك بملاقات ظل‌السلطان رفته و مقصود خودمارا از اینملاقات بانظریات دیگر که راجع بان والا حضرت بود اظهار داشتیم

در این حال اوضاع عمومی بیشتر تهدید آمیز گردید ..

انجمن تبریز بمنعکس داشتن ونشر عقیدهٔ خود درعزل شاه موفقیت حاصل نمود و شهر های بزرك که احساسات مشروطیت در آن نقاط ریشه های خود را گسترانیده بود مظهر هیجان شدید شدند .

ازشیراز - اصفهان - کرمان - قزوین - مشهد - ورشت تلگرافاتی مخابره شد مشعر بر این که ما حاضریم قوای مسلحهٔ خودمان را بطهران اعزام داریم و این اظهار احساسات برضد شاه بسایر ولایات سرایت نمود - عدم رضایت عامه از کابینه جدیدکه دوسه نفرانها مظنون بودند باینکه آیا بامشروطیت موافقت خواهندکرد یانه مشهود ونیز هیجان مردم برای تنبیه رؤسای اشرار اتصالا رو بازدیاد مینهاد - اگر چه در میدان توپخانه کسی باقی نماند بالعکس بهارستان و مسجد سپهسالار برجمعیت خود افزود و در آن شب صدای شلیك تفنگ نسبت بشبهای قبل کمتر شنیده شد

صبح روز سه شنبه شهر را مانند همیشه در حالت آرامی یافتیم جز اینکه هنوز جمعیت در مجلس و مسجد سپهسالار بحالت سابق باقی بوده و بازارها تعطیل ومجلس منتهای جدیت را در ترغیب متفرق گردیدن انجمنها مبذول داشت - در اواسط روز معلوم شد مشروطه خواهان چون احساس نموده اند غلبه با ایشان بوده مایل شده اند که مظفریت خود را بدرجه کمال رسانند لذا مستحفظین آذربایجانی شاه را آشکارا تهدید نمودند که هرگاه دست ازمحافظت و همراهی شاه برندارند زنهار اطفال ایشان گرفتار زحمت خواهند شد - و بریکاد قزاق نیز در هوا خواهی شاه مورد تهدید گردید

در عزل و قتل شاه علنا دلایل ذکر میکردند - درباریان باعلی درجه افسرده خاطر بودند - شاه از جان خویش در خوف وهراس بود - اتباع و ملازمانش ازوی کناره نمودند و از هر طرف گفته میشد که آن اعلیحضرت بیش از یکهفته زنده نخواهد ماند .

بعد از ظهر بملاقات وزیر مختار روس رفته و مدتی در خصوص اوضاع بمذاکره پرداختیم وچنین دانستیم که فعلا نگاهداری شاه در سریر سلطنت خیلی بجا و مهم شمرده میشود زیرا ظاهراً موقع ایرانرا برای ممانعت ازابتلای بهرج ومرج شدیدتر ازاین فقط به بقای او احساس کردیم - اگر وی معزول گردد محتمل است که نیابت سلطنت مدتها بطول انجامد - وتمام ایرانیان بیغرض متفقندبر اینکه آنوقت یکمجلس مشاوره نیابت سلطنت بدون اختیاری مانند مجالس جمهوری تشکیل خواهد یافت ولی بواسطه رقابت و اغراض شخصی اقدام بیك چنین عملی البته هرج ومرج سختی را باتشکیل یك حکومتی ضعیفتر از دولت حالیه نتیجه بخشیده که دیگر امیدی نخواهد بود .

پس اگر دولت مشروطه بخواهد اقدام صحیحی بکند بهترین موقع مظفریت آن باداشتن پادشاهی است که تکالیف آنرا قبلا باو تعلیم داده باشند .

بنا براین چیزی که اکنون اهمیت خواهد داشت نگاه داری شاه است - لیکن در اینخصوص کاری از ما ساخته نخواهد شد زیرا بایك عدهٔ قلیلی که بسفارتین اتصال دارند سعی در حفظ شاه منتهای حماقت است - بعلاوه تاوقتیکه وزیری موجود نیست وتامدتی

که مجلس و اداره حکومتی در قبضه اقتدار انجمنهای شورش طلب است هیچگونه نفوذ و قدرتی ابداً پیشرفت نخواهد نمود .

اواخر همانروز سعد الدوله از دربار سلطنتی که تا سه چهار روز قبل در آنجا توقف داشت خارج شده و در سفارت هولند « متحصن » گردید .

روز عید مسیح ودو روز بعد از آن احوال جاریه بسکوت و آرامی گذشت بااینکه از عده جمعیت اطراف عمارت مجلس و مسجد سپهسالار کاسته نشده بود ـ شاه که قول داده بود اشخاصی را که روز ۱۶ بسمت بهارستان شلیك کرده و مرتکب بعضی تجاوزات درشهر شده بودند مجازات بدهد هیچگونه اقدامی نکرده و بعهد خویش که قرار داده بود در مجلس حاضر گشته با قرآن قسم یاد کند ایفا ننمود .

روز جمعهٔ ۲۷ عده از طلاب بریاست شیخ فضل‌الله که از همانوقت مطرود مجتهدین بزرك و علمای عمدهٔ کربلا شده بود و نیز سید علی یزدی که یکی از فراهم آورندگان طرف دار های شاه شناخته میشد بمسجد مروی واقع در مشرق عمارات سلطنتی « تحصن » یافتند و برخی از اشرار که یکی از شروط با شاه تنبیه آنها بود نیز درمعیت آنها بدانجا پناهنده شدند .

جمعی از طلاب در شب یکشنبه سعی داشتند که بسفارت روس متحصن شوند ولی از ورود ممنوع آمدند و روز یکشنبه کوشش مینمودند که بسفارت عثمانی ملتجی شوند و بسیاری از آنها تاروز ۳۱ ماه در اطراف آن سفارتخانه باقی بودند .

شاه از روز عید میلاد مسیح از اندرون (عمارات داخلی) بیرون نیامد و در دو موقع که وزیر مختار هولند تمنای شرفیابی حضور آن اعلیحضرترا در موضوع تحصن سعدالدوله بسفارت هلند نموده بود متعذر بکسالت گردید .

خیلی اشکال داشت در اینکه طریقهٔ بدست آورد که بدان واسطه مجلسرا بقولیکه شاه داده بود متقاعد ساخت و معهذا روز جمعه مشیرالدوله لایحه مبهمی بمسیو دوهارتویك فرستاد که ازآنرو هریك از سفارتین (روس وانگلیس) مکتوبی جدا گانه برئیس مجلس ارسال دارند و ما همانرا اساس قرار داده مراسلهٔ بزبان فرانسه نوشته و روز یکشنبه نزد آنجناب فرستادیم ـ جناب ایشان مختصر تغییراتی که ما نیز تصدیق آنرا کردیم به آن داده و مجدداً اعاده نمودند و بعداز ظهر یکشنبه نزد رئیس مجلس ارسال داشتیم .

آنرا که من خود نوشته بودم سوادش را باکمال افتخار لفا تقدیم میدارم ـ اگر چه هنوز در مجلس قرائت نشده لیکن مشیر الدوله اطمینان داده است که عایق و مانعی در قرائت آنها پیش نخواهد آمد .

ملفوف اول در تلو نمره ۹۲

(ترجمه مکتوبیکه بفرانسه بانگلیسی شده است)

پس از تبادل نظریات وزیر مختار دولت روس وشارژدافر دولت بریطانیا راجع باقدامات بر طرف ساختن مخاطرات اوضاع کنونی نتیجه چنین حاصل گردید که : ـ

۱ ـ اعلیحضرت قدر قدرت باید همیشه بامجلس ملی متحدا

در کار ها اقدام فرموده ودر فکر اصلاح مملکت باشند وهیچوقت متشبث باقداماتیکه مخرب اساس مشروطیت است نشوند .

۲ ـ حسیات وطن پرستانه شاه را بمجلس اطلاع داده بطوریکه بعد ها مشاجرات مابین ملت ودولت اتفاق نیافتاد وبیکدیگر اعتماد نمایند و بس از آنکه مجلس اطمینان یافت آنوقت میتواند خود را از حمایت و حراست انجمنهای شورش طلبی که هیچگونه مسؤلیتی در اعمال حکومت نداشته و مملکترا دوچار هلاکت و مخاطره مینمایند ودو روز قبل یکی از آنها موسوم بانجمن آذربایجان جسارت ورزیده ورقهٔ درخصوص عزل شاه اشاعت داد مستغنی سازد

۳ ـ و باید بظل‌السلطان اکیداً خاطر نشان نمود خطیکه در اشغال سریر سلطنت بتازگی تعقیب مینماید تصوریست باطل ونیز استفاده از شورانیدن مردم خیالیست خام .

نمایندکان روس و انکلیس علاوه برپیشنهاد هائی که بشاه تقدیم داشته اند مصمم شده اند که نزد ظل السلطان رفته او را از خطرات رفتار وخیالاتیکه مخالف قول خود که در موقع درخواست حمایت ازسفارتین داده بود آگاه سازند .

جون دولتین روس و انکلیس قول داده اند که ولایت عهد را در خانواده پادشاه حاضر بشناسند لهذا نمیتوانند سلوك و رفتار آن والاحضرترا شایسته‌بدانندوبایستی مخاطره‌حرکاتشرا بوی‌بفهمانند

ملفوف (۲) در لف نمرهٔ ۹۲

مراسله مستر مارلینگ برئیس مجلس .

جناب رئیس طهران مورخهٔ سی‌ام دسامبر ۱۹۰۷

مشروحه مورخهٔ ۱۱ ذیقعده که از طرف مجلس راجع به احوادث و وقایع این جند روز اخیره بود واصل گردید .

ازمقاصد حسنهٔ مجلس باکمال وجد مستحضر گردم .

کسانی که از روی صداقت کمال موافقت و همراهی را با ایران دارند مخصوصا سفارت دولت فخیمه انگلیس که مایل ترقی و خوشبختی اینمملکت است منتظرند این بی نظمیها بزودی خاتمه پذیر شود ـ و از طریق احساسات اسان دوستی ساعی بوده اند که اوضاع‌اسف انگیز جند روز اخیر را آرامی حاصل آید ـ بنا بر این مایل شده اند که اعلیحضرت شاهنشاهی را ازنتیجهٔ وخیمهٔ یك جنین اوضاع مغشوشه مسبوق سازند .

لهذا از راه دوستی من خود اطمینان میدهم که حسیات اعلیحضرت شاه در خصوص پار لمنت با آرزو های مادر سعادت این مملکت مطابقت تامه دارد و شخصا آن اعلیحضرت مرا از عزم ثابت خود مطلع ساختند که بامراعات اصول مشروطیت و موافقت مجلس ملی مواد قانون اساسی را مجری دارند ـ من یقین دارم که آن اعلیحضرت درآتیه بر خلاف قسم و قولیکه بمجلس ملی داده است اقدامی نخواهند فرمود .

در این موقع که اتحاد مابین دولت و مجلس ملی بر قرار شده است تبریکات قلبی خودم را به پارلمنت تقدیم میدارم .

از آن جناب متمنی هستم که مطالب فوقرا باعضای مجلس مقدس ملی اطلاع بدهند وتصور میکنم که میتوانم یقین حاصل نمایم که وکلای محترم یك علامت و دلیل جدیدی باحساسات دوستانه و

نیت خواهی صمیمانهٔ که دولتین انگلیس و ایران را بیکدیگر متحد ساخته است در اینمطلب مشاهده و ملاحظه خواهند نمود .

(امضا) چارلس ـ م ـ مارلینگ

نمرهٔ ۹۳

مکتوب مستر مارلینگ بسر ادوارد گری (وصول ۲۰ ژانویه)

آقا — ازطهران دویم ژانویه ۱۹۰۷

هرچند طهران اکنون بالنسبه آرام است و در ایالات کمتر از انچه گمان میرفت که اگر اطلاع از حوادث پایتخت بهمرسانند بی نظمی بظهور خواهد رسید ولی ترس آنست که این سکوت وآرامی فقط موقتی باشد ورفته رفته مملکت‌را هرج ومرج شدیدی تری فراگیرد .

مردم در کش مکش باشاه مظفریت کاملی حاصل نمودند ولی امید آن را ندارم که حکومت مشروطه بر روی پایه و اساس بادوامی استقرار بیابد ـ در حقیقت شاه فعلا تسلیم محض است و اکنون از عمارات داخلی سلطنتی خارج نمی شود ـ بیاناتی که انجمن ایالتی تبریز در کذب اقوال شاه و بیکفایتی حاکم آذربایجان اشاعه داده سبب هیجان عامه و بی اعتمادی مشروطه طلبان و نفرت ایشان از آن اعلیحضرت گردیده و بیم آنست که اگر مجدداً مردم تصور نمایند که شاه در مخالفت بامجلس کوشش دارد آن وقت گرفتار خشم و حملات آنان گردیده از سلطنت معزولش خواهند ساخت فقط اگر بتواند جانی بسلامت بدر خواهد برد ـ پیشرفت حکومت مشروطه چنانچه در مراسلهٔ دیگر اشارت نمودم ظاهراً به

بقای محمد علی شاه در سریر سلطنت خواهد بود ولی نمی توان امید وار شد که وی از این گونه مداخلاتی که باعث هیجان وخشم گردیده احتراز نماید .

از طرف دیگر مجلس و حامیانش سزاوار ملامت باشند و مجلس تا اندازهٔ بواسطهٔ مداخلات مضره انجمنها بهیچوجه شایستگی خود را در اجرای وظائف خویش ظاهر نساخت ـ و یکی از ایرانیهای بی طرف چنین میگفت که اگر شاه حملهٔ پلتیکی خود را تاچند ماه بتعویق میگذرانید نظر باینکه حکومت مشروطه برای ایران زود بوده هرآینه عامهٔ مردم برچیدن مجلس را بالصراحه درخواست می نمودند .

لیکن بواسطهٔ نادانی و فساد اخلاق است که فقط قلیل اشخاصی از اعضای مجلس شاید از روی واقعیت مایل بتجدد هستند و هر چند برخی از آنان مانند تقی زاده اهمیت موقعی در مجلس کسب کرده ولی اکثریت وکلا که همگی بی علم و جاهلند غالبا فرمان بردار پنج شش تن از اعضای متنفذ که فواید شخصی خودرا همی طالب و در حقیقت امور مجلس را بقبضه اختیار در آورده‌اند میباشند ـ بی‌تدبیری وفساد اخلاق آنان را فقط یك مثل کافی خواهد بود از این قرار ـ که مبلغ کثیری پول بعنوان تشکیل بانك ملی و غالبا بتهدیدات غیر مستقیم از اشخاصی که بارتجاع مظنون بودند عنفا گرفته و بیکی از نواب ریاست مجلس برسم امانت سپرده شد ـ صورت حساب آن را که محتمل بمقدار صدو پنجا هزار لیره ـ (۲۵۰۰۰۰ تومان) بوده بهیچوجه ارائه ندادند وشاید آنرا بهارباب

حقوق پرداخته باشند ولی در افواه چنین شایع است که مجلسیان و انجمنها تماما را بمصرف خود رسانیده اند ـ حال اگر اینمطلب صدق باشد دراین صورت بایك چنین بی تدبنی وجلب منافع شخصی و بی اعتمادی از یکدیگر بواسطه تقلب کردن بهم ازهمچه مجلسی بهیچوجه امیدی نخواهد بود و هم نیز احتمال آن نمیرود که در انتخابات آتیه وکلای بهتری منتخب شوند ـ حقیقت مطلب آن است که هنوز ایران شایسته حکومت شوروی ومشروطه نبوده وتادوعصر دیگر هم نخواهد بود .

باز همچه معلوم میشود که وزرا بدون مراعات هیچگونه صلاحیتی مجبور بقبول مشاغل شده‌اند وباوجود اینکه شاه مسلوب القدرة گردیده ولی هنوز مانند ایام استبداد بمنتهی درجه از وی در بیم و خوفند ـ وقوۀ مجریه بواسطهٔ ترس ازاستبداد وخراب کردن مجلس و انجمنها بکلی مفلوج و از کار باز مانده .

ایران را شخص صاحب عزم باقوۀ لازم است که نگذارد بواسطه ضعف طبیعی که حاصل‌نموده ازهم متلاشی شود ولی وجود یك چنین شخصی نایاب و استخلاص ایران از این تقدیر نامقدور است ممکن است رؤسای ملت درك نمایند که در بقای شاه حاضر بیشتر امید واری باستقرار اساس موجوده خواهد بود ودر آن حال بی نظمی که تامدتی بطول انجامد بالنسبه بطور آرامی بوده و بدتر ازهرج ومرجی که درچند ماه اخیر وجود داشت نخواهد بود ـ از طرف دیگر باز احتمال قوی میرود رفتار و اعمال شاه که از روی احتیاط نبوده مجدداً خشم و هیجان عامه را بر ضد خود

بر انگیزانده و بدانواسطه از سلطنت معزول گردد.

چیزی که میتواند امیدوارنماید که اگر بی‌نظمی بظهوررسد چندان شدت و دوامی نخواهد داشت عبارت است از حالت مسالمت آمیز مردم که نمیتوان آنرا تعبیر بترس نمود و اینمسئله را از این رو میتوان سنجید که باوجود آن همه هیجانها که در این بحرانهای اخیره بروز نمود هیچگونه تصادمی مابین فوقین متخاصمین بظهور نه پیوست .

(امضا) چارلس ـ م ـ مارلینگ

نمرهٔ ۹۴

مکتوب سرنیکلسن بسرادوارد گری ـ (وصول ۲۰ ژانویه)

آقا از سنت پطرز بورغ مورخه ۱۵ ژانویه ۱۹۰۸

دیروز اعلیحضرت امپراطور موافق معمول شرفیابی حضور را در تسارس کوا ـ سلو باردادند ـ هیئت دیپلوماتیک تبریکات خودشان را دراین موقع سال جدید تقدیم داشتند من وقت‌را مغتنم شمرده که به آن اعلیحضرت عرضه بدارم دولت فخیمه انگلستان از اعمال متفقانه صمیمی مسیو ایزولسگی که در بحرانهای ایران باما نموده خوشنود و مسرور میباشد و نیز فوایدی که از هم آهنگی و اقدامات متحداله دولتین بظهور پیوسته بعرض رسانم ـ و من شهادت میدهم که وضع و سلوك مسیو ایزولسگی در این حوادث اخیرهٔ ایران تماما از روی صداقت و صمیمت بوده .

باری اعلیحضرت امپراطور فرمودند مخصوصا از روش دوستانهٔ که دولتین در اقدامات متفقه خود مرعی داشته اند مشعوفم

و همچنین از دونماینده دولتین مقیمین دربار ایران که با یکدیگر صمیمانه بکار مشغول شده‌اند رضایت خاطر حاصل است – و نیز بقنسولهای دولتین مقیم ایران که تعقیب مسلك متحدانه دولتین متبوعتین خود را نموده اند اهمیت بسیار میدادند .

و آن اعلیحضرت اظهار فرمودند که شاید ظل السلطان در صدد دعوی سلطنت ایران بر آید لیکن امید است اخطاراتی که توسط نمایندگان دولتین انگلیس و روس بوی شده اورا از اینخیال باز داشته و از خیالات او در فراهم آوردن دسایس مانع شود .

(امضا) آ – نیکلسن

نمرهٔ ۹۵

مکتوب سرنیکلسن بسرادوارد گری – (وصول ۲۰ ژانویه)

آقا ازسنت پطرزبورغ بتاریخ ۱۶ ژانویه ۱۹۰۸

امروز مسیو ایزولسگی بمن اطلاع داد که نظر باحتیاط لازمه مصلحت چنین دانسته شد مختصر قشونی در حوالی حدود ایران مجدداً تقسیم شود و گفت که در تمام خط جلفا فقط ۶۰۰ نفر قزاق مأمور نموده اند ومن این اقداماتیرا که اختیار کرده اند بسیار معتدلانه می پندارم .

هرگاه در تبریز اغتشاش شدیدی رخ نماید به آن طریق که اتباع روس دچار مخاطره گردند آن وقت این شش صد نفر قزاق برای مساعدت و حراست آنها آماده ومهیا خواهند بود .

دولت ایران بتوسط شارژ دافر خود مقیم اینجا اظهاراتی در اینموضوع نموده و گویا در خصوص انچه واقع شده اخبار

اغراق آمیز شنیده باشد .

مسیو ایزولسکی بشارژدافر مزبور اظهاد داشت که هرچند تصور نمیکردم انچه را که اولیای دولت روس اجرای آن را در حدودخود شایسته بدانند توضیحی خواسته‌شود معهذا تفصیل اقداماتی که اتخاذ شده است کما هوحقه بیان خواهم نمود – و نیز گفت بصاحبمنصبان فرمانده اکیداً غدغن شده است که تاتعلیمات واضحه از مراکز نظامی بایشان داده نشود بهیچ وجه نبایستی از سرحد عبور نمایند .

(امضا) آ – نیکلسن

نمرهٔ ۹۶

تلگراف مسترمالینگ بسرادوارد گری – (واصلهٔ ۲۸ ژانویه)

راجع بقرضه ۱۹۰۳ و ۱۹۰۴

وزیر امور خارجه پیغام فرستاد فرع قرض را (که من تصور میکنم معادل است با ۱۳۶۰۱ لیره و ۶ پنس) بهمین زودیها خواهند پرداخت .

نیز قول داده اند ولی بطور مبهم که جواب شروط مارا در خصوص قسط استهلاك ایصال دارند لیکن چون از این پیش مکرر قول داده بودند لهذا جسارتا عرض مینمایم برای اینکه جناب ایشان در صدد جواب بر آیند مجاز باشم کتبا به انجناب اطلاع بدهم که دولت اعلیحضرتی چنین تصور کرده است شروط ایشانرا دولت ایران نظر باین که مدتی گذشته است بطور سکوت پذیرفته .

نمرهٔ ۹۷

تلگراف مستر مارلینگ بسر ادوارد گری (وصول ۱۰ فوریه)
از طهران بتاریخ ۱۰ فوریه ۱۹۰۸

راجع بمستحفظین قنسولخانهٔ شیراز

ازقرائن بسیار چنین معلوم میشود که اوضاع ناامنی شیراز تامدتی بطول خواهدانجامید وراپورتهای قنسول دولت فخیمه دلالت میکند بر اینکه احتمال دارد اغتشاشات در بهار آتیه تجدید یابد دولت اعلیحضرتی در خیال آنست سوار هائیرا که بنابود در نوامبر گذشته از عده شان کاسته شود اکنون تامدت غیر معینی یا اقلا تا وقتی که اوضاع روی به‌آرامی نهد اجازه توقف دهد .

منجسارت نموده ازراه صلاح اندیشی تأکید مینمایم براین که ترتیباتی فراهم سازند که همیشه باقی و دوام داشته باشد .

نمرهٔ ۹۸

مکتوب مستر مارلینگ بسرادوارد گری ـ واصلهٔ ۱۷ فوریه
آقا از طهران بتاریخ ۲۹ ژانویه ۱۹۰۸

هر چند در اوایل شهر (طهران) بحالت آرامی بود ولی باز چنین بنظر میرسد که بحران دیگر بظهور خواهد رسید شاه بعد از چند روز بمدارا گذرانیدن باز حمله خود را بمجلس تجدید نمود ـ پناهندگان مسجد مروی بواسطه مساعدتی که وی بمساعدت دو نفر مجتهد بزرگ در باره ایشان نمود توانستند فرار نمایند ـ دسته جات مختصره بامداد مستحفظین طهران پی در پی ورود مینمودند ـ طایفه پارسیان بواسطه قتل یکنفر از معاریف انها

که مشروطه طلبان را بدادن پول و اسلحه مساعدت نموده بود در بیم و هراسند ـ سارقین درهنگام شب بخانه مشیر الدوله حمله آوردند وعامه را عقیده اینست که در بازیان برای قتل آن وزیر که معروفست شاه‌کمال نفرت را از وی دارد محرك مرتکبین شناخته می شوند .

روز ۱۰ اینماه بانظام السلطنه رئیس الوزرا ملاقات نموده مذاکرات طولانی بمیان آمد و پس از توضیح دادن بانجناب که اتحاد اخیر دولتین روس وانگلیس هیچگونه ضرری برای دولت ایران نخواهد داشت بلکه آنرا از صدمات و فشار رقابت دولتین مستخلص نمود آنگاه از اوضاع جاریه بمذاکره پرداختم و از آنجناب سؤال نمودم که آیا میتوانند طریقهٔ بمن ارائه کنند تابدانواسطه بتوانم بی‌اعتمادی ملترا از شاه مرتفع سازم

نظام السلطنه جواب داد که یگانه وسیله منحصر است بر اینکه مصالح و خیریت شاه را معروض داشته و اجرای آنرا جداً از آن اعلیحضرت بخواهید گفتم باید دید چه میتوان کرد ـ وبعد در خصوص قتل فریدون مذاکره نمودم ـ رئیس‌الوزرا وعده دادند آنچه بتوانند در مجازات قاتلین اقدام خواهند نمود

وزیر مختار روسرا روز دیگر نتوانستم ملاقات نمایم ولی شرحی در جواب مشروحه که بایشان فرستاده و قرار ملاقات را بروز یکشنبه داده بودم در اواخر روز بمن مرقوم داشته تا مرا مطلع سازند از اینکه جناب مشار الیه صبح فردا بقصد اینکه‌شاه را ترغیب باتخاذ روابط حسنه با مجلس نماید شرفیاب حضور آن

اعلیحضرت خواهد گردید — من ایشانرا از مذاکرات خودم با نظام السلطنه مطلع ساخته و اظهار داشتم که قبل از اقدام بانچه رئیس الوزرا اشاره نموده مایلم در آن باب مشورتی نمایم و نیز گفتم چون شما تقریبا از این پیش اقدامی نموده اید بهتر آنست که من نیز آنرابا اظهارات مؤکدانه تقویتی بنمایم و مقصودم متذکر ساختن آن اعلیحضرت است اینکه قوه هیجان مشروطه طلبان بقدری شدید است که نمیتوانند ازعهده مقاومت آن برآیند وهرگاه پافشاری فرمایند بسخت ترین مخاطره دوچار خواهند شد و اگر از روی واقعیت مایل باشند که مانند پادشاه مشروطه طلبی رفتار کنند بایستی اداره کردن امور مملکت را بعهده وزرای مسؤل خویش محول گردانند - باری مسیو دوهارتویك باآنچه من بیان کردم اظهار موافقت تامه نمود بعد از ظهر همانروز بملاقات مشیر الدوله رفتم که ترتیبات شرفیاب شدن حضور شاه را بطور خلوت فراهم نمایم روز دیگر مشروحه از وی رسید مشعر براینکه صبح روز سوم یعنی ۱۴ ژانویه اعلیحضرت در ساعت ۱۱ مرا بحضور خویش خواهند پذیرفت

در اینمنوال از محل دیگر بشاه اعلان بسیار سختی گردید ازاینقرار که روز گذشته رئیس طایفه قاجاریه که تاکنون درمسائل پلتیکی ایران مداخلتی ننموده و مطلقا به بیطرفی معروف و در نزد عامه‌موقع محترمیرا حائزاست حضورشاه درمعیت شعاع‌السلطنه برادران اعلیحضرت شرفیاب شده بود - بنا بر تفصیل و شرح اینملاقات که من بدست آورده و گمان میکنم صحیح باشد عضد الملك که در

ریاست طایفه قاجاریه اصالة اختیار حکم فرمایی را دارد با نهایت آزادی گفتگو نموده و معروض داشت که وی شاه را مسئول اوضاع اسف آمیز مملکت میداند چنانچه سایر ایرانیان دانسته اند و نظر باینکه رئیس طایفه منتسبین بسلطنت است محض آن شرفیاب حضور گردیده که بان اعلیحضرت اطلاع بدهد اگر روش خودرا اصلاح نفرمایند هرآینه طایفه قاجاریه خویشتن بعزل وی حکم داده و بجای او ولیعهد را بپادشاهی اختیار و سلطنتش را اعلام خواهند نمود - شاه درجواب وعده فرمودند که هیئتیرا از مجلس بحضور طلبیده ایشانرا ازصدق نیات خویش دلگرم ومطمئن خواهند گردانید

و اعلیحضرت بهیئتی که از طرف مجلس شرفیاب حضور شدند قول صریح در رعایت و منظور داشتن قسمهائیکه بموافقت مشروطیت یاد کرده بودند داده و هیئت مزبور باکمال خوشنودی و رضایت مراجعت نمودند وضمنا شاه در عوض از آن هیئت قول گرفتند که در افزودن بودجه مخارج سلطنتی یك ملاحظه بشود.

روز بعد که شرفیاب حضور شاه گردیدم بان اعلیحضرت عرض نمودم که پس از اطمینان بخشیدن بوزیر مختار روس و بمن البته یقین خواهم نمود که نیاتشان از طریق صمیمیت خواهد بود — و هم معروض داشتم که گمان میکنم در اطراف آن اعلیحضرت اشخاصی گرد آمده اند که همی در مخالفت مشروطیت و تجدد بتصور اینکه شاه نیز مایل است ساعی میباشند - تاریخ می نماید هرگز امکان نداشته که سیل ارادهٔ یکملتی را بتوان جلوگیری و سد نمود - و ایستادگی در مقابل آن موجب خسران و بد بختی

بوده است ـ مردم همگی بی اعتماد و حتی کینه ور شده اند واگر آن اعلیحضرت برفع سوء ظن آنان موفق نگردد مقامش بخطر عظیم دچار خواهد گردید ـ بهتر وسیلهٔ موفقیت همانا مبرا و آزاد ساختن خویش است ازاشتهار ره نمائی یافتن بواسطه آنگونه اشخاصی که اشارت یافت ونیز احتراز نمودن از مداخلات مستقیمه در کار دولت در صورتیکه اداره امور حکومترا واگذار بوزرای مسؤل فرمایند ـ شاه درجواب فرمودند که هرگز نزاعی باحکومت مشروطه ندارم مگر فقط بامجلس کنونی که اتصالا مرتکب اعمال غیر قانونی میشود ـ برخی اشخاص در آن حضور دارند که بکلی اثرات سوء می بخشند و اگر مجلس از ایشان رهائی بیابد آنوقت اعتماد اعاده و استقرار خواهد یافت ـ اینکه میگویند من با وزرا در مقام ضدیت میباشم بکلی کذب محض است ـ و از کابینه حاضره بهیچوجه راضی نیستم و از اعضای آن فقط بیکنفر نظام السلطنه اطمینان و اعتماد دارم ولی ابدا مانع کار آنها نبوده ام ـ درجواب عرض کردم اگر در پارلمنت وکلای ناشایسته وجود داشته باشد این عیبرا بایستیخود آن علاج نماید ولی اگر بخواهند آنهارا بجبر و قهر خارج سازند خطر شدیدیرا تعقیب کرده اند ـــ و چون چیزی از آن اعلیحضرت پوشیده نتوانم داشت لهذا عقیده من وسایر نمایندگان دول بر این است که موقع را خالی از احتیاط نباید پنداشت .

هرگاه بواسطه نمایش اقداماتی ملت را مطمئن سازند که بطور صمیمیت باآنها درکار موافقت خواهند فرمود همگی بفوریت

اوامر شاهانه‌را استقبال خواهند کرد ـ ولی اگر برفتار حالیه‌خویش اصرار وپا فشاری نمایند البته نتایج آن جز اضمحلال خود نتیجهٔ نخواهد بخشید .

نمیتوانم بگویم که سخنان من تاثیر بسیار درشاه بخشید چه از وضع وحالت ایشان نتوانستم اینمطلبرا کشف نمایم لیکن از آن بعد اطلاع یافتم که نصیحت و اخطار عضدالملك ونیز وزیر مختار روس موجب آن گردید که سفارت دولت فخیمه از اقدام بتنهائی احتراز کرده باشد

بهرحال شاه بگرفتاری صنیع حضرت ومقتدرنظام سرکردگان حامیان بی باك وی که در بحران ماه دسامبر گرد آمده بودند و همچنین بمقید ساختن نوکرهای مجلل السلطان که میگویند در قتل فریدون صراف پارسی شرکت داشته اند اجازت داد ولی هنوز آشکارا از مجلل السلطان که اولین محرك فتنه شناخته شده و باعث گردیده بود ظفر السلطنه را که در گرفتاری مرتکبین اهتمام داشت مورد تغیر وی واقع‌شود حمایت میکند .

از آن بعد حواس مردم مخصوصا بمحاکمه و استنطاق صنیع حضرت و مقتدر نظام وبه تحقیق قتل فریدون زردشتی که در وزارت عدلیه تشکیل یافت متوجه گردید ـ و مذکوراست که ازقرائن بوضوح پیوسته تدابیری برای بقتل آوردن هشت یاده‌نفر از وکلای معروف مانند تقی زاده ـ مستشار الدوله ـ احتشام السلطنه وآقا سید محمد (طبا طبائی) نموده شد که مجلل السلطان دخیل و عامل عمده‌آنست .

وزرا بایکدیگر اتحادندارند ونظام‌السلطنه طرف بی‌اعتمادی الها واقع شده و بعلاوه مدلل شده است که شاه را اجازه داده بود از خزانه پول در یافت نماید و نیز مردم از وی سوء ظن حاصل کرده اند .

هم در این اوقات مابین خود مجلس نفاق رخ داد ـ و روز ۲۶ ماه جاری گفتگوی شدیدی بمیان آمد که بیش از یکساعت بطول انجامید ـ وکلا یکدیگررا متهم ساختند باینکه اموال مردم را صرف مقاصد شخصی نموده همی درجلب منافع خود میبردازند .

ثابت‌شد که کمیسیون مالیه مجلس دردادن یك‌یادو مستمری بدون‌هیچ عذر موجهی غمض‌عین نموده است ـ ونیز رئیس مجلس مورد سوء ظن واقع گردید و متهم شد باین که باطرف داران شاه توام گردیده که نقشه برای خارج ساختن تقی زاده ازمجلس طرح و حامیانش را متفرق نمایند ـ و احتشام السلطنه (رئیس مجلس) به آقا سید عبدالله مجتهد بزرك بمنازعه برخواسته اورا بگرفتن رشوه متهم ساخت ـ در حقیقت مجلس بسه پارتی منقسم شده است یکی پارتی رئیس که ازهمه بیشتر وبعدهٔ شصت‌و پنج نفر میباشد ـ دوم پارتی آسید عبدالله مجتهد که تقریبا کمتر است ـ وسومی پارتی تقی‌زاده که ۲۵ نفرند .

بهر حال اوضاع مجلس بی نهایت مغشوش و در هم است وممکن نیست گفته‌شود که درچه وقت ازاین وضع مستخلص خواهد شد ـ ولی بنظر چنین می آید که استعفای رئیس ناچار صورت وقوع خواهد یافت.

(امضا) چارلس ـ م ـ مارلینگ

نمرهٔ ۹۹

مکتوب مستر مارلینگ بسرادوارد گری ـ (وصول ۱۷ فوریه)

آقا از طهران بتاریخ ۳۰ ژانویه ۱۹۰۸

باکمال افتخار خلاصهٔ معمولی حوادث ماه گذشته ایران را باخلاصه مذاکرات مجلس لفا ارسال میدارم .

خوشبختانه اوضاع شیراز آرام‌تر گردیده ولی هفته گذشته در تبریز و یزد مقتهای بی نظمی موجود بود ـ میترسم که دولت ایران یکلی از عهده حفظ نظم برنیامده و عاجز باشد و در جواب اظهاراتی که مجبوراً راجع باوضاع یزد و حادثه چار بار و لزوم حفظ و حراست از تلگراف خانه ما در کاشان مکرر نموده ام بهیچ چیز موفق نتوانسته ام بشوم مگر فقط باطمیناناتی که گفته می شد « اقدامات لازمه بعمل خواهدآمد » ـ راجع به‌یزد (اقدامات لازمه) چنین مشهود آمد که بذریعه تلگراف از مجتهد عمده آن شهر خواهش نمودند که نفوذ خود را در تسکین و رفع انقلاب بکار برد .

واقعه قابل ملاحظه که درمجلس بوقوع پیوست همانا تغییر احساسات اعضای آن‌است نسبت برئیس مجلس که فقط یکماه قبل طرف اعتماد و توجه عامه مردم بود و اکنون بدون هیچ دلیل مبرهن و جهت ظاهری مورد سوء ظن خیلی شدیدی واقع شده است .

(امضا) چارلس ـ م ـ مارلینگ

ملفوف نمرهٔ ۹۹

قسمتی ازخلاصهٔ حوادث و وقایعی که درظرف یکماه
(یعنی ازابتدا) تاسی‌ام ژانویه ۱۹۰۸ بوقوع پیوسته

طهران

مجلس ملی ـ مذاکرات مجلس ملی در ظرف چهار هفتهٔ گذشته تا آن قدری که در جلسات علنی گفتگو گردید خیلی بی نظم تر از همیشه و بدون هیچ اراده و مقصودی بود ـ وکلای عمده کمال افسردگی و دلتنگی را یافته اتفاقات دو روز قبل مشهود میساخت که اتفاق داخلی بمنتها درجه شدت دارد .

مراسلات متحد المفادی که راجع باطمینان شاه در موافقت مشروطیت مورخهٔ سی‌ام دسامبر برئیس مجلس فرستاده شده‌بود روز چهاردهم ژانویه قرائت گردید .

هفتم ژانویه شارژ دافر آلمان مکتوبی نظیر آن به رئیس نوشته وسفیر کبیر عثمانی مراسله بهمان مضمون نیز ارسال داشت و قرائت گردید .

روز بیست‌و سوم هیئتی از اعضای مجلس شرفیاب حضور شاه گردیده وآن اعلیحضرت اطمینان وتعهداتیکه سابق فرموده بودند مکرر داشتند .

یوم ۲۶ ژانویه رئیس مجلس اظهار داشت که دولت آلمان ارائه نموده است مدرسهٔ حالیهٔ آلمانی‌را ـ (که در طهران است) ـ

توسعه داده و بجای ۱۲۰ نفر محصلینیکه ازاین پیش تاکنون مشغول تحصیل میباشند ۷۰۰ نفر بپذیرد و خواهش نمود اعانهٔ که دولت ایران لازم است برای این مقصود همراهی نماید در مجلس تصویب شود ـ ویرا متذکر ساختند باینکه اینمطلب بایستی از مجرای رسمی مخصوصه یعنی وزارت امور خارجه ونیز وزارت علوم پیشنهاد گردد

در ۲۸ ژانویه رئیس مجلس علنا آقا سید عبدالله مجتهد بزرگرا خائن و در حقیقت مرتجع نامید ـــ و بی باکانه فساد اعمال مجتهد مزبور و حتی برخی از اعضای مجلس را بیان نموده و نیز گفت اگر چه در خیال ترك ریاست مجلس و رفتن بلندن با سمت وزیر مختاری بودم ولی چون آقا سید عبدالله سعی دارد مرا مجبور باستعفا نماید لهذا اکنون مصمم شده ام که در مقام ریاست خود باقی بمانم ـ مردم این اعلان منازعه آشکارای رئیس را علامت خیانت وی بمشروطیت تعبیر نمودند ـــ و با اینکه مدتی بود نسبت بی تدینی به آقا سید عبدالله میدادند ولی اکنون مردم را عقیده اینست که موقع مقتضی نیست بامجتهد بزرگی که باهمکار خود یعنی آقا سید محمد مجتهد ازابتدا باکمال صمیمیت در هیجانهای مشروطیت موافقت داشته بطور نفاق رفتار شود ـ لهذا چنین تصور میکنند که رئیس مجلس بنا بر منافع شاه رفتار میکند .

در نهم ژانویه بعضی از اشرار را که در اواسط دسامبر موجب انقلاب و فتنه گردیده بودند در میدان توپخانه تازیانه زدند و در ۱۳ ژانویه صنیع حضرت سرکرده اشرار بتوسط پلیس دستگیر و محبوس گردید .

۱۲ ژانویه وزیر مختار روس حضور شاه شرفیاب شد و آن اعلیحضرت را نصیحت نمود که از هر گونه سعی در تخریب اساس مشروطیت که بدانواسطه بمخاطره شدید گرفتار خواهند شد جدا احتراز فرمایند — ودر ۱۴ همان ماه شارژدافر دولت فخیمه جداگانه شرفیاب گردیده مطالبی قریب بهمان مضامین بشاه معروض داشت ـ اعلیحضرت جواب فرمودند چنانچه سابقا مکرر گفته‌ام بهیچوجه در صدد برانداختن مشروطیت نبوده و خود را درایران یگانه مشروطه طلب حقیقی میدانم در صورتیکه اعضای مجلس ملی و انجمنها عموما انقلاب طلب وشورش انگیزند

مستر مارلینک خیلی اهمیت میداد باینکه جدیت درجلوگیری تموج احساسات عامه و پافشاری در اعاده اساس حکومت استبداد سابق اعلیحضرترا دوچار مخاطره شدید خواهد نمود ـ روز گذشته عضد الملک و شعاع‌السلطنه همان مطالبرا حضور شاه معروض‌داشتند و اعلیحضرت هیئتی از اعضای مجلسرا بسمت نمایندگی بحضور طلبید ومجددا در نزد ایشان بقرآن قسم یاد نمود که قانون اساسی را رعایت و حفظ نماید شاه برادر خود سالار الدوله را که تابستان گذشته بمخالفت قیام نموده و بدانواسطه در یکی از باغهای سلطنتی خارج طهران محبوس بود بخشید

(امضا) جی ـ پی ـ چرچیل

منشی شرقی

تبریز

در ۱۷ ژانویه میانه انقلابیون و بعضی از اشرار جنك در

پیوست وتا دو روز بطول انجامید بیست نفر مقتول ومجروح گردید پس از مدتی جنك دو باره شروع شد و تا اواخر ماه امتداد یافت تا وقتیکه سوار و پیاده برای حفظ نظم در شهر گماشتند — این اقدام موجب سکوت وآرامی شد ـ اغتشاشات فوق‌الذکر را مربوط بتدبیر شاه میدانند که در وقت حمله بلتیکی وی در طهران فتنه تبریزهم بروز نمود.

رشت

هیجانی که بواسطه اغتشاشات طهران بروز نموده بود مرتفع گردید و اکنون ایالت گیلان ظاهراً ساکت و آرام است

تربت حیدری

دزد ها بریاست تیمور خان گماشته حاکم طبس راه تایزد را بکلی مسدود ساخته اند ـ و در ماه دسامبر قافله که حمل مال لتجاره برای عامل زیگار مینمود بسرقت رفت

اصفهان

مخالفت وضدیت جدی آقایان درخصوص تجارت باخارجه ظاهراً موقوف گردید ودیگرتجاربومی مورد تهدید واقع نشده‌اند ـ تجار انگلیس مجدداً توانستند بدون ترس از مزاحمت مال التجاره باطراف روانه دارند .

آقا نجفی از بیم انکه شاید مجلس محض اظهار ممنونیت

اجازه بظل السلطان بدهد که باصفهان معاودت کند لهذا مکاوبی باتفاق سایر ملاها بوی ارسال داشته اظهار میل بمراجعتش نمودند ولی آقا نورالله مخالف این منظور بود .

بحران اخیر طهران باعث بروز هیجان دراصفهان گردیده بازارها بسته شد وداو طلبان شروع بمشق نظامی نموده چنانچه هنوز دراینکار مداومت دارند .

کاشان

روز ۲۸ ژانویه جمعیت مسلح کثیری از حامیان محمد آقا با تهدیدات سخت تلگرافچی مأمور تلگراف خانه انگلیس را مجبور نمودند که سیم را بآنها واگذار کند چه ایشان میخواستند باطهران مخابره نمایند ـ بالاخره تلگرافچی مزبور اختیار یافت که ایشان را اجازه دهد که هرروزی دوساعت باآن بمخابره پردازند ـ اظهاراتی در اینخصوص بدولت ایران نموده شد .

یزد

تاجری که برادر خود را چند ماه قبل بقتل رسانیده بود روز بیست و پنجم ژانویه حکومت اورا ازمحلی که پناهنده شده بود بیرون آورده مقتول ساخت و این عمل را داروغه شهر که در قلعهٔ حکومتی تحصن داشت مجری نمود ـ جمعیت مسلحیکه بقتل داروغه و عزل حاکم بافشاری داشتند شهر را بخوف و هراس افکندند ـ و بمحض اینکه داروغه را تسلیم ایشان داشتند فورا هدف گلوله

ساخته هلاکش نمودند ـ پس از آن بحاکم اطلاع دادند که هرگاه تعهد نماید از این و بعد برضد آنان حرکت واقدامی نخواهد کرد میتواند باقی و برقرار باشد ـ لیکن وی استعفا داده واز شهر خارج گردید و میگفت اگر فقط دویست نفر سوار برای انتظام آنجا فرستاده نشود مراجعت نخواهد نمود ـ شهر در قبضه اختیار دو نفر که بشخصه خود را رئیس مستحفظین قرار داده بودند درآمد .

کرمان

اخبار اغتشاش طهران در ماه دسامبر باعث شد که بازارها تادوروز بسته گردید ـ وهمینکه مجلس شورای ملی تلگراف نمود که مردم بایستی خود را آماده ومهیا دارند فورا ناظم وحاجی نایب که در واقع دو نفر دیکتاتور هستند قور خانه دولتی را بتصرف در آورده وعموما مشغول تدارکات نظامی شدند

همدان

تجار عثمانی که با بغداد تجارت دارند بواسطه ناامنی راه باعباس خان افشار قرار دادند مبلغی پول بوی داده که مال التجاره آنها را بسلامت عبور دهد ـ پنجنفر پسرانش با جمعی از سواران مسلح در راهها و دهات بدزدی مشغولند ـ و نیزسایر دستجات دزدها بهر طرف روآوردند .

شیراز

اوضاع بخوبی در حالت آرامی است و بنا برایورتی که فرستاده شد مابین فرقین مخاصمین صلح و آشتی بر قرار گردید و از آنوقت دیگر اغتشاش بظهور نه پیوست

هیچگونه سرقت تازهٔ در راه بوشهر اتفاق نیفتاد مگر ۲۴ ژانویه کهپت زا در حوالی دالکی بسرقت بردند و نیز مستر گراهم رایورت میدهد که از آنراه بکلی تجارت مقطوع شده‌است – و در ۲٦ ژانویه رایورتی واصل گردید مبنی بسر اینکه نزدیك براز جان اغتشاش سخت روی داده و راه اصفهان بی نهایت ناامن است وخود مستحفظین راه در نزدیکی ده بید و خان کرکن بسرقت قوافل اشتغال دارند و از جمله کاروانیکه مال التجاره یکی از کمپانیهای انگلیس را حمل مینمود گرفتار سرقت ایشان گردید ونیز مال التجاره یك نفر دیگر از کمپانیهای انگلیس نزدیك دخمه (کیخسرو) دزدیده شد .

خلیج فارس

بوشهر

اخبار اغتشاش طهران هیجان سختی دربوشهر تولیدنمودتلگرافاتی از مجلس ملی وپارتیهای عمده طهران و نیز از رشت مبنی‌براستمداد از اهالی برای حمایت مجلس ملی مخابره شد در جواب انها اظهار مساعدت نمودند .

بندر عباس

شهر واطراف آن بی نهایت مغشوش وبه‌کشتی اعلیحضرتی موسوم به لاپینك امر شد بطرف بندر عباس روانه گردد و تادو هفته اول دسامبر در انجا توقف نماید – بواسطه اقدامات مجدانه فرمانفرمای بنادر خلیج فارس که کمال تشکر را از او داریم اوضاع بهبودی حاصل نمود ولی حمل مال التجاره هنوز بحالت تعویق باقی است .

چاه بهار

دربیست‌و پنجم ژانویه مأمور مقیم خلیج فارس تلگراف نمود که از چاه‌بهار بوی رایورت داده شد نمایندهٔ از طرف سردار سعید خان (کیهی) باپنجاه نفر سوار مسلح اداره‌گمرك‌را بتصرف درآورده‌و ازتجار انگلیسی وجهی‌راکه بایستی‌بگمرك بپردازند بزوروتهدید مطالبه نمودند که بایشان پرداخته شود – نماینده مذکور مدعی بود که دولت ایران مرا بدین خدمت مامور ساخته – وقتیکه مامور مقیم دانست اینمسئله صدق‌نیست بتجار دستور داد که در صورت اجبارو تهدید وجه مزبور را تسلیم داشته و پس از آن پروتست نمایند — ضمنا از نماینده سردار سعید خواهش نمودکه اینمطلب‌را تا ٤٨ ساعت دیگر مهلت دهد و نیز او را مسبوق ساخت که اگر راضی نشود بدولت انگلیس شکایت خواهد نمود – هم دراینحال‌به‌کشتی اعلیحضرتی

موسوم به « پرسپیوس » حکم شد بطرف چاه بهار حرکت کند ولی همینکه بدانجا وارد گردید مطلع شد که بلوچها عایدات گمرکات‌را جبرادر یافت داشته و کوچ نموده اند ــ در همان وقت رئیس گواتر نیزبهمین قسم اعمال ارتکاب‌نمود

(امضا)
سی ــ پی ــ ماژور استکس

نمره ۱۰۰

تلگراف سر ادوارد گری بمستر مارلینك

از وزارت امور خارجه مورخه ۱۷ فوریه ۱۹۰۸

در خصوص منفعت قرض : راجع بتلگراف شما مورخه ۲۸ ماه گذشته .

اگر باز تاخیری در ادای منفعت بظهور رسد و در چهارم آوریل پرداخته نشود ربع یکساله را از قرار صد پنج بر مبلغی که ذکر مینمائید (وصحیح است) باید افزود .

مراسلهٔ که راجع بقسط استهلاك پیشنهاد نموده اید بوزیر امور خارجه ارسال دارید تصویب مینمایم

نمره ۱۰۱

مکتوب مستر مارلینك بسر ادوارد گری (وصول ۲۶ فوریه)

آقا
ازطهران بتاریخ ۱۴ فوریه ۱۹۰۸

برای وصول منفعت قرضه ۱۹۰۳ و ۱۹۰۴ که بتعویق انجامیده موافق‌تعلیماتیکه درتلگراف مورخه ۱۹ دسامبر فرموده‌بودید آنچه توانستم کوشش‌کردم وچون‌در ۲۷ ژانویه مشیرالدوله اطلاع دادند که‌بدون تاخیراداخواهد شد امید وار گردیدم که نتایج

مطلوبه حاصل آمده است ــ روز بعد مسیو مرنارد رئیس گمرکات اطلاع داد که دراین خصوص حواله بوی نشده و قرینهٔ بدست نیاورده‌است تابدان واسطه بتواند پیش‌بینی کند که‌در اینموقع یحتمل‌باو حواله خواهند نمود ــ با این حالات چون لازم است فشار سخت تری داده شود ٬ بدین لحاظ جارت ورزیده در تلگراف خود مورخه ۲۸ ژانویه معروض داشتم که اجازه فرمایند بدولت ایران اطلاع بدهم نظر باینکه مدتی است جواب شروط دولت فخیمه را راجع بقبول تعویق اقساط استهلاك نداده اند لهذا سکوت ایشان موجب رضا تصور شده است

شکی نیست در اینکه اگر اختیار دولت ایران دراستقراض از خارجه اکنون محدود شود هر آینه از هر گونه فشار برای مطالبه بیشتر متاثر خواهد گردید ولهذا امید وارم که‌مکتوبی مبنی برمفاد فوق بدولت ایران ارسال گردد تا بدان واسطه قراری در اینمسئله بدهند ــ چنین بنظرمیاید که‌این تاخیر های خاتمه ناپذیر نتیجه ارجاع عموم مطالب است بکمیسیونهای مجلس که بدانواسطه‌نیزجواب یاد داشت من داده نشده و لازم دانسته اند که قبول شروط مارا بسکوت بگذرانند

روز ۲۶ ماه جاری وزیر امور خارجه بمن اطلاع داد که وجه پرداخته خواهد شد ولی چون از بانك سؤال گردید معلوم شد جناب ایشان اشتباه نموده اند .

عزل مسیو مرنارد از مقام ریاست گمرکات مراقبت عایدات آن اداره را محول بقایم مقام وزیر تجارت که بفساد و دزدی

معروف است واگذار کردند ومحتمل وجوهاتیکه برای تادیه قرض بدولت اعلیحضرتی معین شده بکلی بمصرف اتلاف رساند ـ بنابراین روز ۸ که بامشیرالدوله درموضوع عزل مسیو مرنارد گفتگو مینمودم به آن جناب اصرار کردم که بقائم مقام اطلاع بدهند این وجوهات را بابستی مصرف نمایند ـــ آن جناب در خواست مرا پذیرفتند و نیز گفتند حواله پرداخت ربح قرضه مدتی است صادر گردیده ـــ و روز دیگر مسیو مرنارد اطلاع داد که حواله حاضر شده ولی محتاج امضای وزیر میباشد وعقیده وی این بود که پس از بیست‌و چهار ساعت دیگر پرداخته خواهد شد ونیز مسیورابینو (رئیس بانك شاهنشاهی) که در این وقت بملاقات من آمده بود گمان میکرد اینمسئله فیصله یافته است ـ معهذا در اواخر روز یازدهم مستر رابینو اطلاع داد که بهیچوجه حواله باو نشد و من ازطرف شما اجازه نداشتم که مراسلهٔ برطبق مفاد فوق که تلگرافا معروض داشته‌ام بدولت ایران ارسال دارم لذا یادداشتی بمشیر الدوله وزیر امور خارجه که سواد آن را لفا تقدیم میدارم نوشته و من خود شخصا بایشان دادم ـ در همان وقت آن جناب مجدداً اظهار داشتند که حوالهٔ ایصال این وجه داده شده و چون من گفتم این‌مسئله صورت وقوع نیافته خیلی اسباب تعجب وحیرت ایشان گردید ـ ولی چون بمن اطمینان دادند ممکن است حواله آن حاضر و مهیا شده ولی محتاج بامضای وزیر مالیه باشد ـ و نیز یحتمل بواسطه اضطراب و توحش نظام السلطنه از خطرناك بودن مرض یگانه فرزند خویش و همچنین تعطیل کارها بملاحظه

مراسم مذهبی ایام عاشورا مانع از انجام آن بوده ولی از طرف دیگر احتمال دارد سبب عمده اش دسایس برضد مسیو مرنارد بوده باشد :

(امضا) چارلس ـ م ـ مارلینگ

ملفوف نمرهٔ ۱۰۱

یادداشت مستر مارلینگ بمشیر الدوله

(بدون تاریخ)

خدمت جناب اجل عالی

باکمال افتخار خاطر آن جناب‌را متذکرمیسازم که باوجود اطمینان و قولهائی که مکرر بمن اظهار فرموده اید تاکنون نه‌منفعت قرضهٔ ۱۹۰۳ و ۴ دولت انگلیس را که موعد آن چهارم آوریل‌بوده پرداخته اند و نه جواب شروط مندرجه در یاد داشت مورخه ۱۳ دسامبر ۱۹۰۷ سیر اسپر نیك رایس را که دولت فخیمه انگلیس در قبول خواهش دولت ایران راجع بتعویق سه‌سالهٔ اقساط استهلاك این قرضه قرار داده است رسیده ـ دراین صورت من دیگر مطالبهٔ نخواهم نمود وآن جناب‌را برحسب دستور وتعلیمات دولت متبوعه خودم اطلاع میدهم که اگر ربح مذکور را بفوریت نپردازند و قبول شروطی که درفوق اشارت یافت رسما بسفارت گفته نشود دولت اعلیحضرتی بجای ربح مطالبهٔ تمام مبلغ قسط سالیانه راخواهد نمود که فوراً ایصال دارند .

(امضا) چارلس ـ م ـ مارلینگ

نمرهٔ ۱۰۳

تلگراف سرادوارد گری بمستر مارلینگ

ازوزارت امورخارجه ۲۶ فوریه ۱۹۰۸

راجع بتلگرافشما مورخه ۱۰ مادجاری‌درحقوق مستحفظین مامور شیراز .

با در اوضاع شیراز بهبودی حاصل نگردد باید مستحفظین باعدهٔ زیاد تری تامدت شش ماه در آنجا باقی بماند .

نمرهٔ ۱۰۳

مکتوب مستر مارلینگ بسر ادوارد گری (وصو ۱۶ مارس)

آقا ازطهران بتاریخ ۲۶ فوریه ۱۹۰۸

یکی ازمحترمین پارسیها که برادرش پرویزنام سال گذشته در شیراز مقتول گردید در این تازگی نزد من آمده اظهار داشت که زردشتیان در هر جای ایران که هستند کمال توحش را دارند مشارالیه بقبل رسیدن فریدون را درطهران وفرستاده شدن مکتوبات تهدید آمیز بیکی از زردشتیان عمده شیراز دلیل عدم امنیت جان ایشان اقامه می نمود و سؤال کرد آیا سفارت دولت فخیمه انگلیس با این که دقت در آسایش و راحت اینجماعت دارد اقدامی بظهور نخواهد رسانید .

پس از این مختصر مذاکره قبول کردم که مکتوبی در این موضوع به وزیر امور خارجه ارسال داشته شفاها از ایشان خواهش نمایم که مطالب آنرا بمجلس انفاد دارند .

چند روز بود که مشیر الدوله را ملاقات نمودم جناب

ایشان بمن اطلاع دادند که این اقدام را انجام داده ولیز یاد داشت منرا که سواد آن لفا ارسال میشود حضور شاه تقدیم کرده‌اند زیرا عرضه داشتن به آن مقام را بیشتر منتج نتیجه میدانستند تابمجلس

در همانوقت مستر گراهم راپورت داد که اعیان و اولیای امور شیراز سعی دارند با پارسیان بدوستی و مرافقت رفتار نمایند و او نیز تاجریرا که کاغذ جات تهدید آمیز بوی ارسال شده بود وبه قونسولخانه ملتجی گردید پناهش داد .

(امضا) چارلس ـ م ـ مارلینگ

ملفوف نمرهٔ ۱۰۳

مکتوب مستر مارلینگ بمشیر الدوله

طهران ۵ فوریه ۱۹۰۸.

خدمت حضرت اجل عالی . . .

چندی گذشته در خصوص وضع زردشتیان کلیه ایران خصوصا شیراز ویزد مطالبی بسیار ناگوار شنیده ام وجنابعالی اطلاع دارید که بتازگی یکنفر از اشخاص عمدهٔ آنها را در طهران بقتل آورده اند .

دولت فخیمه انگلیس درصورتیکه لازم بتذکار آنجناب نمی دانم چون پیوسته در آسایش و راحت زردشتیان همی دقت دارد نمیتواند این اوضاعرا بدون تاثر بنگرد ـ لهذا از جناب شما متمنی هستم که موجبات آسایش وامنیت این مردمان سلیم بی آزار را بهر گونه اقدامی که لازم باشد بالاختصاصه فراهم سازند .

آنچه متوالیا راپورت میرسد مبنی است براینکه اگر اقدامات

جدی برای امنیت ایشان به آنطوری که اطمینان حاصل نمایند بعمل
نیاید همگی از این مملکت مهاجرت خواهند نمود ـــ دولت
شاهنشاهی ایران باید دانسته باشد که مهاجرت یك چنین جماعتی مانند
پارسیان که همی در تجارت ساعی هستند چه ضرر کلی بایران وارد
خواهد آورد ـ یقین دارم آن دولت بهر نحو که ممکن باشد اقدام
خواهد نمود که ایشانرا دوباره مطمئن سازد باینکه اولیای دولت
شاهنشاهی مایل و قادرند آنانرا از حملات و آزار جهال یامتعصبین
محفوظ بدارند ـــ برای حصول این معنی گمان میکنم هیچ اقدامی
مؤثرتر از مجازات اشخاصیکه در قتل فریدون اهتمام نموده‌اند نباشد
و بدلایل و جهاتی اعتقاد من آنست که دولت شاهنشاهی آنها را
بخوبی میشناسد .

(امضا)   چارلس ـ م ـ مارلینگ

نمره ۱۰۴

مکتوب مستر مارلینك بسرادوارد گری ـ (وصول ۱۶ مارس)

آقا

از طهران بتاریخ ۲۶ فوریه ۱۹۰۸

بنا بر تلگراف مورخه ۱۷ ماه جاری که مخابره فرمودید
یاد داشتی راکه بدولت ایران فرستاده ام سوادش را با کمال افتخار
لفا ارسال میدارم

بدولت ایران چنانچه در تلگراف ۲۸ ژانویه اشارت یافت
اطلاع دادم که دولت فخیمه انگلیس نظر باینکه دولت ایران مدتی
است شروط راجع بقبول تاخیر ادای قسط استهلاك قرضه ۱۹۰۳ و
۱۹۰۴ را بسکوت گذرانیده لهذا چنین می‌پندارد که پذیرفته شده‌است

بعقیده من این اقدام موجب استحکام وضع ومقام خواهد بود

(امضا)   چارلس ـ م ـ مارلینك

ملفوف نمره ۱۰۴

مکتوب مستر مارلینك بمشیرالدوله

طهران ۲۴ فوریه ۱۹۰۸

جناب اجل عالی

اکنون قریب شش ماه است ازوقتیکه سفیر دولت اعلیحضرتی
باکمال افتخار در یادداشت خویش مورخه ۳۱ ماه اوت بوزیر امور
خارجه سابق اطلاع از شروطی داده‌است که دولت فخیمه بنابرآن
خواهش دولت ایرانرا برای تاخیر ایصال اقساط استهلاك قرضه
۱۹۰۳ و ۴ خواهد پذیرفت ـــ تا بحال نه جواب یاد داشت مزبور
فرستاده شده و نه دولت شاهنشاهی قسط استهلاکرا که بایستی که
آوریل ۱۹۰۷ تادیه شده باشد پرداخته اند .

بنا بر این باکمال افتخار بر حسب تعلیماتیکه بتوسط منشی
مخصوص وزارت امور خارجه دولت فخیمه بمن داده شده بجناب
شما اطلاع میدهم که بواسطه نرسیدن قسط استهلاك و باوجود
اظهاراتی که مکرر شفاها در اینخصوص نموده ام و نیز بی جواب
ماندن یاد داشت فوق الذکر سیراسپرینگ‌رایس لذا دولت اعلیحضرتی
بریطانیا چنین تصور کرده است که دولت ایران شروط مندرجه
درآن یاد داشت را بطور سکوت پذیرفته است .

نمره ۱۰۵

مکتوب مسترمارلینك بسراواردگری – (وصول ۱۶ مارس)

آقا   ازطهران بتاریخ ۲۸ فوریه ۱۹۰۸

با کمال افتخار خلاصهٔ معمولهٔ وقایع و حوادث یکماهه ایرانرا بانضمام خلاصه صورتی از جلسات چهار هفته گذشته مجلس ملی لفا ارسال میدارد .

(امضا)   چارلس – م – مارلینك

ملفوف نمره ۱۰۵

قسمتی از خلاصهٔ وقایع یکماهه

طهران

مجلس ملی . – اوضاع وحالات نا گوار امور که در خلاصه سابق رابورتش داده شده بود بهیچوجه بهبودی حاصل ننموده .

روز ۱۶ فوریه مجلس پس ازمباحثات باهیجان عاقبت عزل آصف‌الدوله وزیر داخله را که مورد ایرادات مختلفه واقع شده بود رای گرفت – ازجمله ایراد واردهٔ بروی این بود که قوام‌الملك‌را بدون تصویب مجلس اجازه داده بود بفارس مراجعت کند – کابینه را مجددا تشکیل خواهندداد – وزارت مالیه را بصنیع‌الدوله تفویض نمودند وقرارشد نظام‌السلطنه بامقام رئیس‌الوزرائی نیز وزارت داخله را دارا باشد .

احتشام‌السلطنه هنوز بریاست مجلس اشتغال دارد – هیچگونه

اشکال وزحمتی متعاقب حمله وتاختی که روز ۲۸ ژانویه به آقا سید عبداله آورده بود تولید نگردید زیرا مجتهد مذکور وقعی بان‌مطلب ننهاده بطور بی اعتنائی گذراند .

بازمردم متوحش میباشندکه‌شاه ودرباریان مرتجع‌وی دوباره شروع باقدام خواهند نمود ودر افواه شایع است که عما قریب یك حمله پلتیکی (کودتا) دیگری بظهور خواهد رسید ولی بالنسبه درظرف چهار هفته گذشته آرامی موجود بود – سعدالدوله هنوز درسفارتخانه هولند متوقف است .

جرائد . – جرائد طهران اتصالا مقالات سخت بر ضد سلطنت وحتی‌مهیج‌شورش بطبع‌میرسانند ویکی ازروزنامجات شرحی‌در تمجید قاتلین پادشاه پرتقال و ولیعهدش نوشته بود ویکی دیگر از جرائد هفتگی‌بطایفه قاجاریه پرداخته‌آنانراعیب جوئی‌وملامت‌میکرد .

انجمن ها یامجامع سیاسی . – صورت اسامی یکصدانجمن برای سفارت برداشته شد که مهمترین آنها انجمن آذربایجان است (بریاست تقی زاده ودارای دوهزار ونهصد وشصت ودوعضو) – انجمن ها اتصالا بکارهای پلتیکی می پردازند

(امضا)   سی – پی – چرچیل
منشی شرقی

بتاریخ ۲۸ فوریه ۱۹۰۸

استراباد

قوائی که برای حکومت کسیل گردید عبارت بود از

یکصد سوار تیموری ودویست سوار کرد و فوج پیاده نظام سمنان – حاکم پنجاه و چهار نفر از اسرائیکه ترا که اسیر برده بودند استرداد نمود – وچون انجمن ولایتی بوی دستورمیداد که تا اموال منهوبه را تماما استرداد نکند نبایستی اردوی خود را بان قلعه حرکت دهد لهذا از مجلس شورای ملی درخواست داشت که باقشون بیشتر برای اوروانه دارند ویابانجمن ولایتی امر شود که درکاروی مداخله ننماید .

رشت

درپنجم فوریه نایب الحکومه کسمارا درهمان محل بقتل رسانیدند وقاتلین تا پانزدهم ماه مزبور دستگیر نشدند – وقوع این قتل موجب بیم‌ودهشت سایرحکام نواحی آن‌ولایت گردیده است .

در فومن اکنون هیچیك از ملا کین نمیتوانند باملاك خود رفته سرکشی نمایند .

مشهد

مشهد هنوز آرام است اذهان عامه بطرف انتخابات بلدیه که مشروطیین کنترل آنرا داشتند معطوف بود بعضی از علمای مرتجع متحداً در تسکین هیجان اقدام نموده ولی مخالفت آشکار آنها بی نتیجه بود عالم بزرك مشهد ازخوف عواقب امور بامشروطه خواهان همراهی نمود

اصفهان

در ۱۵ فوریه حاکم استعفا کرده بطرف طهران رهسپار گردید

یزد

در ۲۰ فوریه تلگرافی واصل شد مشعر براینکه در نوگنبد پستی که بطرف یزد میرفته بسرقت رفته معلوم میشود که سارقین اسبهای پستی را در سه منزل که نائین ونوگنبد وشاه‌نو باشد بسرقت برده اند و بعلاوه شش نفر را با ۴۲ الاغ از یك قافله که در راه منزل کرده بودند برده‌اند

پستی که ازیزد میامد در ۱۷ فوریه در شاه نو بسرقت‌رفته غلام پسته مضروب و تفنك و فشنك سه نفر مستحفظ و چهار اسب پستی متعلق باقدارا برده اند باینطریق اسبهای چهار منزل راه بسرقت رفته وایاب وذهاب پستی بی ترتیب شده است

کاشان

در ۱۴ فوریه حاکم باتفاق پنجاه سوار از طهران و ۲۰۰ نفر از اهالی کاشان سعی نمود که بمحلی که دردوج بدست نایب‌حسین بود قهراً داخل شود ازقرار راپورت واصله او بتنهائی ایشانرا منهزم نموده است در ۱۶ فوریه حاکم بعضی از سارقین را دستگیر نموده و معادل چندین هزار تومان اموال مسروقه را که تصور میشد نایب حسین سرقت نموده است از آنها باز گرفتند دسته از رجاله بخانه

حاکم حمله برده ومحبوسین را مستخلص نمودند جنك دوام داشت و از قرار مذکور حاکم عازم طهران است و اهالی از نایب حسین طرفداری میکنند از آن وقت تاکنون دولت ایران بسفارت اعلیحضرتی اطلاع داده که نایب حسین و همراهان او در راه و عازم طهران میباشند بخیال آنکه در سفارت پناهنده شوند ولی همینکه بقم ورود کردند در مسجد بست اختیار نمودند

سیستان

پست ایران که در ۲۱ فوریه ازسیستان برای مشهد فرستاده شد مابین نصرت آباد و بارنك بسرقت رفت سواری که همراه آن بود مقتول و مبلغ ۱۰۰۰ تومان متعلق ببانك شاهنشاهی ایران سرقت شد .

کرمان

دسته مرکب از یکصدو پنجاه سارق در شمس که درراه یزد واقع است اجتماع نموده و تاکنون از دهات دور و حوالی ۲۰۰۰ راس گوسفند برده اند

قریب دویست نفر سوار و پیاده ناحیه دور رفسنجان را در اواسط فوریه غارت نموده متعاقب به آن بطرف برد سیر و ماشك حرکت نمودند

شیراز

نزاعی مابین کدخدایان کنار تخته و دالکی درراه شیراز

از ۲۳ ژانویه الی ۲۷ آنماه منجر بجنك گردید در ۲۱ ژانویه راپورت داده شد که پستی که ازبوشهر بشیراز میامده در پل‌دالکی بسرقت رفته و از آنتاریخ تا اواسط فوریه پسته بهیچوجه بشیراز نرسید دراین باب مسترگراهم بافرمانفرما ونیز شارژدافر اعلیحضرتی بادولت ایران مذاکره نموده اند

راه اصفهان هنوز بحال اغتشاش باقی است

چون یکی ازتجار عمده زردشتیان‌شیراز کاغذ تهدید آمیزی نوشته شده‌بود سفارت اعلیحضرتی دراینباب بادولت ایران مذاکره نموده نتیجه این شد که اوامر برای حفظ گبرهای آنجا به آژانس وزارت خارجه مخابره گردید

خلیج فارس — بوشهر

آژانس لنگه راپورت میدهد که اخبار گرفتاری دزدان دریائی موسوم بحمیدی از طرف مامورین انگلیس که از بندر ریك بذریعه کشتیهای شراعی رسیده باعث تسکین خاطر عموم گردید طبقات مردم که غالبا در دریا مشغول کار میباشند در قهوه خانهای بوشهر جمع شده از این اخبار آشکارا اظهار بشاشت میکنند

بندر عباس

حمل و نقل مال التجاره باقوافل که از شش هفته باینطرف بعلت اغتشاش مملکت موقوف شده بود در اواخر دسامبر دو باره

شروع گردیده قوافل از کرمان ولار ورود و خروج می کردند قوافل کرمان از راه جیرفت به بم میامدند راه بفت الی دولت آباد هنوز ناامن است

(امضا) سی بی استوکس ماژور اتاشه نظامی

متمم وقایع یکماهه فوریه ۱۹۰۸

سوء قصد نسبت بشاه در ۲۸ فوریه ۱۹۰۸

شاه از ۱۲ نوامبر که بمجلس رفته دیگر تاکنون از قصر سلطنتی بیرون نیامده بود تاامروز ساعت سه بعد از ظهر در حالیکه بطرف دوشان تپه که مقر خارج شهر اواست حرکت مینمود حمله جسورانهٔ بقصد قتل او بعمل آمد

ترتیب حرکت او از اینقرار بود یك اتوموبیل در جلو و یك کالسکه در عقب و مستحفظین سواره و پیاده بطریق معمول مواظب بودند مسافت کمی که از خانه رئیس بانك دور شده قبل ازآنکه بعمارت ظل السلطان برسند چند نفر از بالای بامهای مجاور بنای شلیك به اتوموبیل که تصور میکردند شاه درآن است گذاردند ظاهراً بواسطه ارتفاع محل اقامت خود توی اتوموبیل و کالسکه‌را نمیتوانستند ببینند سپس دو بمب بطرف اتوموبیل انداخته آنرا بکلی از هم متلاشی نموده دو نفر را مقتول و قریب ۷ نفر را مجروح کردند خود شاه که در کالسکه عقب اتومبیل نشسته بود فوراً بیرون آمده در یك خانهٔ همان نزدیکی پناه گرفت اینمسئله فوراً

اسباب هیجان فوق العاده شده اعلیحضرت شاه پیاده سالما بقصر مراجعت نمودند.

دکتر لیندلی اعلیحضرترا بیك حال خیلی مضطربی دیده بود درباریان تماما عرض تبریك تقدیم نمودند شارژدافر اعلیحضرتی عباسقلی خان‌را مأمور نمود که از استخلاص شاه از این بلیه تبریکات تقدیم نماید (جی بی سی)

نمره ۱۰۶

مکتوب مستر مارلینك بسر ادوارد گری واصله ۱۶ مارس

طهران ۲۶ فوریه ۱۹۰۸

ماه محرم باخر رسید برخلاف انتظارات عمومی هیچ قسم اغتشاش رخ ننمود

تشکیل هیئت وزراء که مدتی انتظار آن میرفت در ۲۸ شهر جاری شروع گردیده آصف الدوله بنا برتصویب مجلس ظاهراً برای آنکه قوام الملك را برضد میل واضح وکلای فارس رخصت مراجعت بشیراز داده بود معزول گردید علت حقیقی عزل او این بود که مجلس باآنکه تصمیم نموده بود در کابینه تغییری بدهد از آن میترسید که یکمرتبه دست همه را از کار کوتاه کند وابنطور صلاح دانست که ابتدا از وزیر داخله شروع کند نظام‌السلطنه از وزارت مالیه دست کشیده بمقام آصف الدوله منصوب گردید اگر چه این تغییرات یحتمل آخری و قطعی تصور نمیشود ولی تاکنون بی مناسبت نبوده و امید بخش است بطور حتم صنیع‌الدوله برای وزارت مالیه از نظام السلطنه بهتر است مجلس قبول صدارت نظام

السلطنه را باین امید نمود که با تجربیات و بصیرتی که از اوضاع مملکت دارد میتواند تایك اندازه اعاده نظم نماید ولی مشروطیین براو بهیچوجه اعتماد حقیقی نداشته چون او یکی ازسیاسیون مدرسه قدیم است

صنیع‌الدوله که از وزارت مالیه بجای او منصوب گردیده اول شخصی است که بریاست پارلمان تعیین گردید

راپورت تغییر دیگری یعنی عزل قایم مقام از طرف شاه همین حالا برای من رسید

در عرض ماه گذشته شاه از مداخله آشکارا در امورات مملکت استنکاف نموده ولی اینطور شیوع دارد که خود را آماده کودتای دیگری میسازد و مبنای این شایعات ظاهراً آن است که بنا بر راپورتی که واصل شده مقداری تفنك از راه محمره برای او وارد میشود و از ورامین مشغول جمع آوری وتجهیز همراهان خود میباشد ظن قوی انجمنهای پلتیکی این است که اعلیحضرت شاه عنقریب اقدامی خواهند نمود

نارضایتی عامه از مجلس کسب قوت مینماید ومحض آنکه بامطالبه عموم مردم دربهبودی اجزاء مرکبه آن موافقت شده باشد مجلس بجای اعضای متوفی یا مستعفی خود وکلای جدید انتخاب نموده است ازطرف دیگر مجلس درانجام امورات جاریه خود بیش از پیش صورت رسمیت داده و کلیه کار های مهم در جلسات سری یااجلاسات محرمانه کمیته های مختلفه بانجام میرسد این طریقه خیلی ضرردارد چرا که بدینوسیله برای وکلای مقتدر خیلی سهل

میگردد که در راه جلب منافع شخصی خود کار کنند واین خود یکی ازعللی است که نارضایتی ازمجلس را روزبروز تزیید مینماید محتمل است که برحسب پیشنهاد احتشام‌السلطنه بردایره سری بودن امورات توسعه داده شود باین معنی که چون احتشام‌السلطنه ظاهراً مایوس است ازاینکه ازخود مجلس نتایج مطلوبه بدست آورد واورا عقیده این است که فقط علاجی که بنظرمیرسد این است که اعمال و مشاغل مجلس را بواسطه تشکیل کلوپ مجلس بان هیئت غیر مسئول غیررسمی واگذار نماید

ازخلاصه وقایع این ماه معلوم میگردد که دراوضاع ایالات وولایات بهبودی حاصل نشده و شیراز نسبتا بحال آرامی باقی است ورودحاکم جدید صاحب اختیار (وزیرمخصوص) بطورآرام گذشت ولی چیزی که باید ملاحظه شود این است که از ورود قوام‌الملك که حاکم باوجوذ عدم موافقت وکلای فارس به آن راضی شده چه نتیجه بوقوع خواهد رسید

در پائیز گذشته من با کمال شدت درمسئله مراجعت این سرکرده مقتدر متقلب که پیشنهادشده بود مخالفت نمودم ولی چون توقیف او در طهران چنانچه دولت ایران انتظار داشت وسیله اعادهٔ نظم فارس نگردید من دراین موقع خودرا بهمین اقناع نمودم که اورا شدیداً متنبه نمایم که هرگاه تجدید اغتشاش شود همان باعث طلب بازگشت اوخواهد گردید حکومت ایالت درحقیقت بدست او خواهد افتاد چنانچهٔ فعلا وصول مالیات را بعهده گرفته ومستر گراهم پیش بینی میکند که این کار باعث تولید اشکالات مابین اووحکومت

خواهد گردید وصاحب اختیار که شخص مقتدری نیست همین حالا تا اندازهٔ ترس او را فرا گرفته است

شهر یزد وکاشان درواقع بدست شورشیان افتاده اصفهان جزو ولایاتی است که بدون حکومت میباشد اهالی کرمان‌هم به نایب‌الحکومه خود پیغامی فرستاده اند اورا نصیحت برفتن نموده اند

ایاب وذهاب قوافل مابین بوشهر وشیرازبحالت سکون است وپسته دولتی از ۱٤ ژانویه تاکنون موفق‌بعبور نشده درراه ازطهران به یزد هم همینطور اغتشاشات سخت وجود دارد ویك دسته سارقین قوی درنائین راه‌عبور ومرورورا برعموم مسدود داشته‌اند درطرف مشرق هم سرقت سختی مابین نصرت آباد وبیرجند بوقوع رسیده پسته را زده‌اند مشیرالدوله نیز مرا اطلاع داده که در حوالی خرم آباد اغتشاش سختی بظهور رسیده الوار حاکم محلی را درقلعه افلاك محاصره نموده اند (امضا) چالرزم مارلینك

نمره ۱۰۷

مکتوب مسترمارلینك بسرادواردگری واصله ۱۳ آوریل

طهران ۲٦ مارس ۱۹۰۸

درباب سوء قصد نسبت بشاه که در ۲۸ ماه گذشته بعمل آمد گمان میکنم تفصیلی که ذیلا ازبابت وقوع آن نگاشته شده اساسا صحت داشته باشد

اعلیحضرت شاه ازدرب مشرقی قصر در کالسکه شش اسبه بیرون آمده درجلوآن کالسکه دیگری ویك اتومبیل سرباز وراندهٔ آن شخص فرانسوی بود درجلو آنها عده ازمستحفظین قصربودند

بعضی از آنها درجلوکالسکه واتومبیل میرفتند وامیربهادر ومسیوشاپشال همراه کالسکه بودند که شاه درآن نشسته وخوب او را محافظت می نمودند از قرار معلوم اتومبیل چی وقتی که از کوچه باریك تاخانه مسیو رابینو چند ذرعی مسافت داشته عبور میکرده شخصی را دیده است که ازیك کوچهٔ بیرون آمده چیزی که باپارچه روی آن را پوشانیده بوده دردست داشته و تا اندازهٔ اورا خوف ووحشت احتمال وقوع حمله برشاه فرا گرفته وعلیهذا فوراً بسرعت اتومبیل را رانده بامیدانکه ازمحل انفجار نارنجك دورشود شخصی که خیال کشتن را داشت هم بایستی خودرا باخته باشد چونکه نارنجك قبل از انکه به اتومبیل برسد بمسافتی درعقب اتومبیل چی بزمین خورده صدمه باو وارد نیامده بدون آسیب ازمحلی که نشته بود بیك طرف انداخته شد باتومبیل هم تا اندازهٔ صدمه وارد آمد یك تخته بدنهٔ آن خورد وسرپوش آن‌هم سوراخ بزرگی پیداکرد لحظهٔ بعد نارنجك‌دیگری انداخته شد ایندفعه مابین اتومبیل وکالسکه اول بزمین خورده و از انفجار آن یکی ازاسبهای جلوی مقتول ودیگری مجروح گردید در همانوقت از بالای بامهای مسطح خانهای نزدیك شلیك شد دو نفرازاین نارنجك مقتول وهفت یاهشت نفر مجروح شدند همراهان شاه ازاین واقعه مضطرب‌الحال گردیده امیربهادر جنك ومسیوشاپشال خودرا فوراً بمحل انفجار رسانیده شاه را تاچند دقیقه تنها گذاردند وهردوی اینها رولولهای خودرا بیرون آورده براشخاصی که بالای بامها بودند خالی نمودند ولی مسیو شاپشال از قرار تقریر خودش آنقدر مضطرب گردیده بود که با آنکه حتی یك تیرهم در حقیقت

ازرولور خود خالی نکرده بود تصور میکرده است که برآنهاشلیك میکرده سپس او وامیربهادرجنك دریافتند که شاه بلا محافظ مانده و بعجله تمام مراجعت نمودند که شاه را ازکالسکه خود بیرون آورند وکوشش نموده شاه را بطرف خانهٔ که نزدیك آنجا بودهدایت نموده چون درب آنرا بسته دیدند ازوسط کوچه عبور کرده بطرف خانه کالسکه چی باشی شاه رفته ورود بانجا نمودند شاه درآن لحظه آرام بود ویك گیلاس آب خواست ولی همینکه باو اظهارشد شاید آبی که برای اومی آورند سمی باشد راضی شد که منتظر ورودآبدار خود بشود پس ازآن خواست از آن خانه بیرون رفته بطرف قصر برود ولی همینکه ازخانه بیرون آمد دوسه تیر مجدداً خالی شده و یکی ازآنها ازفراز مذکور بدیوار قرب آنجا فرود آمد اعلیحضرت شاه پس از آن تفنك یکی از مستحفظین بختیاری را که انجا ایستاده بود گرفته خواست بحمله کنندگان شلیك کند ولی مسیو شاپشال و امیربهادر جنك اورا ازاین کارمنع نمودند بدون ملاحظه رسمیت اورا بطرف پناه گاه سوق دادند همینکه بخانه وارد شد اعلیحضرت تاچند دقیقه بی اندازه متغیر وغضبناك شده فرمان داد که تمام خانهای آن محله را کوبیده و ساکنین آنرا بقتل رسانند ولی غضب او بزودی فرو نشسته و تاشلیك موقوف شد پیاده بطرف قصر روان گردیده مردم در راه باشوق و ذوق تمام اورا تبریك وتهنیت میگفتند

اینمسئله قدری اسباب تشویش خیال است که گارد امیربهادر جنك بمجرد آنکه ازحمله بشاه آگاه گردیدند فوراً شروع بغارت عابرین کوچها وچپاول خانهای مجاور نموده حتی دو اسب واگون

را هم دزدیده فردا صبح آنروز آنهارا مسترد داشتند چیزی که محل تاسف است این است که باوجود آنکه عموم مردم پس ازاستخلاص شاه از این تهلکه اورا تبریك گفتند احساسات اهالی پایتخت واکثر ایالات و ولایات تاسف دارد از اینکه چرا نتیجه مطلوبه بدست نیامد

روز بعد چند نفر را دستگیر نمودند و از قراریکه برهمه معلوم شد مرتکبین واقعی بدست نیامدند و در حقیقت کوشش فوق العاده ظاهراً برای کشف آنها بعمل نیامد چرا که تاچند روز پس ازاین واقعه اقدامی نشد و آنوقت اولیاء امور در صدد برآمده ظاهراً اقدام نموده درب خانهٔ را که مقفل بود و نارنجك دوّمی از آنجا انداخته شده بود جبراً گشودند و آنقدر در این کار بی اعتنائی شد که شاه مجبورا دستخطی برای مجلس فرستاد که دولت را وادار باجرای اعمال خود نمایند نارنجکها کوچك و از آهن ریخته نازك ساخته شده بودند و این خود دلیلی است برای آنکه منشاء آن از خارجه بوده چون اهالی این مملکت از ریخته گری وقوفی ندارند دریاب محرکین این حمله اخبار مختلف شیوع دارد اوّل شخصی که ظن در حق او برده شد ظل‌السلطان بود پنجره های عمارت اندرونی این شاهزاده دربالای محل وقوع این حادثه میباشد بعد از آن انجمن آذربایجان باین عمل متهم گردید فقط بهمین دلیل که از زمان بحران ماه دسامبر اهالی تبریز بیش ازسایر نقاط باشاه طرف بودند در اواخر ماه قتل قوام الملك و حملهٔ که بقصد قتل پسرش در شیراز بوقوع رسید انظار عامه را بطرف خود

چنان میرود که بهبودی حاصل نماید دراین تازه‌گی مردم رجاله با گبرهای بم و کرمان بد رفتاری میکنند آنها ازقونسول اعلیحضرتی استدعای حفظ خودرانمودند ومشارالیه ازنایب‌الحکومه وعده گرفت که آنچه بتواند درمنع بدرفتاری ایشان اقدام نماید درماه فوریه کرمان بحال مغشوش باقی بود ومراجعت عدیل‌الملك که بحکومت اصفهان معین شد سردار معتضد بجای او منصوب شده است تعیین او موافق میل عموم نبود واین باعث بستن بازار ها شد

چند نفر سارقین سواره درچندمیلی مالوم در ۱۵ فوریه بدو تاجرهندو زده معادل هزارپانصد تومان اجناس آنهارا بردند سارقین کبوترخان را که منزل‌دوم راه یزداست اخیراً غارت نموده واسبهای پستی را سرقت کرده اند

کرمانشاه

درهفته اول مارس ورودسیداکبر که یکی ازملاهای‌ارتجاعی طهران است باعث قدری اغتشاش گردید کفیل حکومت اعاده نظم نموده وسید مزبوررا برحسب امر طهران تبعید به کربلا کردند

بواسطه نزاع مابین نایب‌الحکومه های منصورالملك حاکم موروثی ناحیه‌گوران تازه‌گی درحال اغتشاش است فاتح‌السلطنه داماد شاهزاده سالارالدوله اخیراً بشهر خرم‌آباد حمله نموده آنرا قبضه و تمام مایملك حکومت را غارت کرده حاکم در خانه مجتهد بزرك آنجا پناهنده گردید حاکم لرستان برادر زاده نظام‌السلطنه

صدراعظم حالیه است

شیراز

صاحب اختیار فرمانفرمای فارس در ۸ فوریه بمحل اقامت خودرسید ودرضمن ملاقات باقونسول اعلیحضرتی اظهارداشت گمان میکنند مراجعت قوام الملك بشیراز اسباب اغتشاش خواهد بود قوام در ۲۰ فوریه ازطهران ورود نمود در۷ مارس برقوام در حیاط عمارت خود شلیك شده پنج کلوله باو خورده کلوله ششم یکی از نوکران را که دراستخلاص آقای خودش کوشش کرده بود مقتول نمود قوام پس ازبیست دقیقه وفات نمود شخص قاتل سپس برشکم خود تیرخالی نموده ولی دستگیرومحبوس گردید مستر گریهم همین که ازواقعه مستحضر شد بخانه قوام رفت دو پسران قوام (سالار السلطان و نصرالدوله) اطلاع دادند که قاتل شخصی نعمت اله نام اخیراً کالسکه چی ومستخدم معتمد دیوان بوده وتهدید باین نمودند که ازمعتمد دیوان که بانی این جنایت تصور میشد انتقام کشیده و قطعه کاغذی که میگفتند ازجیب قاتل درآورده بودند ابرازداشته بر روی آن‌نوشته بود قاتل نصرالدوله واظهارداشتند مامیدانیم این خط کی است مستر گری هم ازآنها استدعا نمود نگذارند همراها نشان اقدامات متعدیانه بنمایند شخص قاتل چند ساعت بعد مرد وازقراری که پسران قوام اظهار داشتند قبل از مرك اعتراف کرد براینکه معتمد دیوان وسید لاری اغوای بقتل او نموده بودند مستر گریهم پس از

وزیر داخله و صدر اعظم	نظام السلطنه
وزیر عدلیه	مؤید السلطنه
وزیر مالیه	صنیع الدوله
وزیر امور خارجه	مشیرالدوله
وزیر جنك	ظفرالسلطنه
وزیر تجارت و گمرك	مؤتمن‌الملك
وزیر معارف	مخبرالسلطنه

حکام جدید

تغییر عمده که داده شده تعیین ظل‌السلطان بفرمانفرمائی فارس است و شاهزاده مذکور در ۲۰ شهر جاری بطرف شیراز رهسپار گردید علاء الملك بحکومت اصفهان تعیین شده و سردار معتضد (بهجت‌الملك) بطرف کرمان حرکت نموده است ظهیرالدوله رئیس مشهور هیئت اخوت دراویش که سابقا حاکم کرمانشاه بود بحکومت رشت تعیین گردیده است.

(امضا) جی - پی - چرچیل سکرتری شرقی

تبریز

درعرض ماه فوریه شهرتبریز نسبتا ارام‌بود مامورین محلی ازقرار معلوم دست بالارا گرفته وتوانسته اند بکارخود بپردازند اوامر آنها مجری وپلیس درکوچه ها گشت وگذار مینمود

استراباد

از قراریکه آژانس انگلیس رایورت داده سپهدار (وزیر تلگراف) حاکم استراباد اقدامات مجدانه برای منظم داشتن ترکمن های غیرمنقاد آن سامان بکار برده است

رشت

ویس قونسول اعلیحضرتی درمراسله دهم مارس خود مینویسد که محتشم‌الملك وسردار همایون که کفالت حکومت بعهده آنها است هردواستعفا نموده‌اند انجمن های پلتیکی جدید هرروز تشکیل وتجارت موقوف شده است شبها شهرنا امن‌است وبمردم حمله میشود ودکانها بغارت میرود

کرمان

در اوایل فوریه چهارنفردرفسنجان داخل خانه گبری شده وپس ازانکه ازدکانش معادل هزاروپانصدتومان وجه نقدواجناس غارت نمودندبراوبارولور شلیك کرده وبخیال اینکه مرده است اورابحال خود باقی گذاردند شخص گبر پس ازچند ساعت خودرا بخانه یکی از رفقایش رسانیده وچون گلوله بگلویش خورده بود و نمیتوانست صحبت کند شرح ما وقع را نوشت شخص مجروح را بکرمان آوردند ومعلوم شد که شش گلوله بگلووآرواره اش خورده بود امید

معلوف داشته ولی اختلال حواس عامه بزودی برطرف شده وفعلا هیچ احتمال نمیرود که اقدامات سختی برای تفتیش وتحقیق مسئله که منتج به نتیجه شود بعمل آید

ازقرار معلوم نارنجکی که صبح روز بعد از حمله انداخته شد حمله کنندکان بعجله مخفی داشتند وسپس دونفر از نوکرهای صاحب اختیار که خاك روبه میبردند آنرا پیدا کردند

نمره ۱۰۸

مکتوب مستر مارلینك بسر ادوارد گری واصله ۱۳ آوریل

طهران ۲۶ مارس ۱۹۰۸

(آقا) افتخارا سواد نوت متحدالمالی که سفیر روس ومن در خصوص امکان وقوع تغییر در اداره حالیه گمرکات ایران بدولت عرضه داشته ام بانضمام سواد جوابی که از وزیر امور خارجه برای من رسیده انفاد میدارم

جواب آنطوری که میخواستیم موافق دلخواه نیست در جواب مذکور است که راپورت وقوع تغییر بی اساس است ولی بهیچوجه از حیث آنکه بهمین نزدیکی تغییری درآن داده نخواهد شد اطمینان بخش نیست نظر باطمینانات شفاهی که مشیرالدوله بمن و مسیو دوهارت‌ویك داده که دولت قصد اخراج مستخدمین بلژیکی را ندارد لازم نمیدانم که برای اطمینان واضحتر کتبی فشار وارد آوردم

(امضا) چالزام مارلینك

ملفوفه یك نمره ۱۰۸

نوت متحد المال روس و انگلیس بمشیر الدوله

طهران ٦ مارس ۱۹۰۸

جنابا اگرچه دولت ایران سابقا باین سفارت اطمینان کامل داده بودند که در طریقه اداره نمودن گمرکات تغییری داده نخواهد شد از قرار راپورتهائی که حالا شیوع دارد معلوم است دولت در خیال بعضی تغییرات در اداره مذکوره میباشند بنا بر این محترما از جنابعالی استدعا میکنم که اطمینان سابق خود را تجدید نموده و هرگاه این راپورت از صحت خالی باشد آنرا تکذیب فرمائید

(امضا) چالزام مارلینك

ملفوفه ۲ در نمره ۱۰۸

ترجمه مکتوب مشیرالدوله بمستر مارلینك

۱۹ مارس ۱۹۰۸

در جواب مراسله ٦ شهر جاری شما که درخصوص تغییر در اوضاع گمرکات استفسار فرموده بودید افتخاراً اظهار میدارم که اقدامی برای تغییر وضع گمرکات نشده و این خبر بی اساس است

(امضا) مشیر الدوله

ملفوف نمره ۱۰۹

خلاصه وقایع ایران درظرف چهار هفته لغایت ۲۷ مارس ۱۹۰۸

طهران مجلس ملی

کابینه وزراء که مجدداً بطریق ذیل تشکیل گردیده در ۲۹ فوریه بمجلس آمدند

آن از فرمانفرما که بی اندازه مضطرب وباقوت تمام از پسران قوام طرفداری مینمود ملاقات کرد روز دیگر مستر گریهم مجدداً ازاو ملاقات کرد واغتشاش هواس او تا اندازه کمتر شده جناب معظم‌الیه معتمد دیوان را برای تحقیق وتفتیش بقصر احضار نموده وبهمراهی عده کثیری مستحفظین وقتی که هوا تاریك شد بقصر آورده شدروز نهم مارس در حالی که سالارالسلطان همراه جنازه قوام بود تیری برانش خورده وازقرار مذکور یکی ازملاهای بزرك هم ازآن تیر زخمی شده ملای مذکور همان روز وفات نمود ولی سالارالسلطان روبه بهبودی‌است ازقرارمذکور شخصی موسوم بسیداحمد دستکی‌سر کرده دستهٔ که باقوام مخالف هستند تیررا خالی کرده این شخص را پس ازانکه کشته جداورا بجویی آویزان کرده نفط بر آن ریختند وسوزانیدند وآنچه ازجد اوباقی ماند بخندق شهر ریخته شد حالا محقق شده که آن سیدتیرخالی نکرده بود درهمانروز قوامیها ازفرمانفرما مطالبه خون معتمد دیون را نمودند ولی فرمانفرما جوابی بانها داده سرآنها پیچانید روز دهم بهآرامی گذشت ودر ۱۱ مارس عقائد عامه که ابتداء طرفدار سالارالسلطان بود برضد او شد

ظل‌السلطان که بفرمانفرمائی فارس تعیین شده بود ازطهران برای شیراز حرکت کرده الحال اوضاع اگر بدتر نباشد آثار و علائم بهبودی از آن ظاهر نیست

راه بوشهر پس از آنکه بواسطه اغتشاشات مسدود بود دو مرتبه در ۱۷ فوریه باز شده بسته ها دفعه دیگر بوقت ورود میکند

خلیج فارس بوشهر

چون نقشهٔ تاسیس بانك ملی پیشرفت ننمود وجوهات اعانه که سال گذشته ازبوشهر جمع‌آوری شده وبطهران ارسال شده دو مرتبه ببوشهر فرستاده شده به اعانه دهندکان مرجوع گردید

سفارت اعلیحضرتی اخیراً در باب تعدیات که رؤسای محلی راه بوشهرالی شیراز بقاطر دارانی که ایاب وذهاب ازآن‌راه مینمودند کرده بودند بادولت ایران مشغول مذاکره میباشند

نمره ۱۱۰

مراسله‌مسترمارلین بسرادواردکری مورخه ۲۷ مارس ۱۹۰۸ از طهران

آقا هرچند که دراین چارهفته اخیرتغییر عمده باوضاع عمومی روی نداده ولی‌متاسفانه آنچه را که هویداست روبه بدتری است نه بخوبی بعد از سوء قصدی که نسبت بشاه شد برخلاف نصایح بعضی ازدرباریهای مستبد شاه آرام بوده وروابط با مجلس بهترازایام دیگر بود این تغییر سلوك نه بواسطه تغییر حسیات اعلیحضرت شاه نسبت به مجلس است بلکه بیشتربواسطه نتیجه سوء قصدی است که نسبت بشاه شده وهایدهم بشاه معلوم شده است که مجلس باندازه بی اعتبار وطرف تنفرعموم واقع گردیده که ممکن است خود باجل طبیعی از دنیا رحلت نماید نفوذ و اعتبارات مجلس بواسطه عدم لیاقت خودوهمچنین بواسطه بعضی اقدامات غیر مصلحت آمیز رئیس برای تسهیل امورات اتصالا روباضمحلال است

رئیس مجلس بعلاوه اینکه کلیه امورات را مخفیانه در کمیسیون ها میگذراند اصل جلسات خود مجلس را هم سری کرده باین ترتیب که درهرجلسه یك جلسه آن سری است وبعلاوه قوانین برای محدود نمودن دخول عموم طبقات مردم بمجلس وضع نموده است چونکه احتشام السلطنه نفوذ کاملی بین وکلاء دارد این ترتیب سری نمودن مجلس باعث سوء ظن عموم نسبت باوشده ومردم دیکر گمان نمیکنند که او شخص وطن پرستی است بلکه عقیده مردم براین است که اویابرای منافع شاه ویابرای منافع شخصی خود مشغول کار است به علل فوق الذکر توجه ومحبت مردم نسبت باحتشام السلطنه بی اندازه کم شده است ودرچندروز قبل ظن قوی برده میشد که اورامجبور باستعفاء نمایند اتفاقی که ممکن است نتیجه مؤثری باوضاع طهران روی بدهد خارج شدن ظل السلطان بواسطه انتخاب او بحکومت فارس است   شاه اعتمادی باوندارد و خیلی مایل بود که دفع این خویش خطرناك خود را بنماید واصرار باو نمود که مسافرتی باروپا نماید ظل السلطان هم مصمم بحرکت اروپا شده بود بدلیل اینکه از سفیر روس تقاضا نموده بود که کشتی جنکی برای مسافرت اواز انزلی بیرونیك معین گردد

وهم چنین ازمابهم ملاقاتی نموده واطلاع داد کهبهمین زودیها حرکت خواهد نمود لیکن روز بعد از ملاقات خبر بمن رسید که ظل السلطان تغییرخیال داده واز ایران خارج نخواهد شد و پس از اینکه خبر تعیین او بجای صاحب اختیار شیوع پیدا نمود علت این تغییر خیال واضح گردید

اغتشاشیکه بعدازقتل قوام الملك در شیراز روی داد مبرهن ساخت که صاحب اختیار قادر بحکومت آن شهر نیست حاکم در واقع خودرا بکلی کم کرده وگمان میکنم که پس ازمطالعه راپورتی را که درجزو حوادث ماهانه ایران مندرج است جای تردید برای انسان باقی نخواهد بود که فقط بواسطه تدبیر وجدیت مستر گریهم (قونسول اعلیحضرتی) ونفوز شخصی اودرشهربود که جلوگیری ازجنك سختی درشهر بعمل آمد درموقع خاموشتری ممکن است که صاحب اختیاربخوبی حکومت نماید ولی چونکه او جبون وهمچنین وجوهات برای تهیه استعدادی که دولت نتوانسته است برای اواعزام دارد ندارد لهذا من گمان نمودم که برحسب خواهش اوازسفارتین (کمك برقراری خود در حکومت) رفتار ننموده وفقط بدولت ایران تاکید نمودم که اقدامات برای استقرار انتظام بنمایند

درهرصورت ظل السلطان دارای بعضی صفاتی است که در صاحب اختیارنیست اولا اوخیلی متمول است ویقینا میتواند از دهات خود دراصفهان اقدراستعداد فراهم نماید که بتواند اقتدارات خودرا محفوظ نماید وبعلاوه اومشهور بحاکم مقتدری است ازراپورت خلاصه اتفاقات واضح میشود که هرچند که اغتشاشات مهمی روی نداده است ولی هرج مرج خاموشی درجریان وهیچ آثاری هویدانیست که حکومت مرکزی بتواند اقتدارات خودرا بهتر ازسابق مجری دارد   (امضا) مارلین

نمره ۱۱۱

مراسله مستر مارلین بسر ادوارد گری

آقا

مورخه ۲۳ آوریل از طهران

افتخار دارم که مجملی از حوادث چهار هفته اخیر در ایران بانضمام مختصر شرحی از صورت جلسات مجلس شورای ملی ایران بطور معموله لفا ارسال دارم

(امضا) مارلین

ملفوف نمره ۱۱۱

وقایع ماهیانه ایران

مجلس ملی پس از اینکه احتشام السلطنه مجبورا استعفا نمود مخبر السلطنه بریاست مجلس انتخاب گردید لیکن او اینمقام را قبول ننموده ودر چهارم ماه آوریل ممتاز الدوله بریاست مجلس انتخاب گردید رئیس جدید مجلس برادر سفیر ایران مقیم پاریس است و در موقعیکه شاهزاده عین الدوله در سال ۱۹۰۴ و ۱۹۰۵ صدر اعظم بود ممتاز الدوله منشی شخصی ایشان بودند ممتازالدوله زبان فرانسه را خوب میداند و چند مدت هم در وزارت خارجه بوده وکلای آذربایجان اورا بریاست انتخاب نموده اند وعلت آنهم این بود که وکلای مزبور مایل نبودند که رئیس مجلس شخص مستقل الرأی باشد و سبب تنفر از احتشام السلطنه هم بهمین دلیل بود ذکاء الملك حتی پیشنهاد نمود که هر سه ماه یکدفعه رئیس انتخاب گردد لیکن در اینخصوص رای در مجلس گرفته نشد

اخبار عمومی در ۳ ماه آوریل احتشام السلطنه بی خبر بطرف اروپا حرکت نمود

اشخاصی که متهم بقتل تاجر پارسی موسوم بارباب فریدون هستند چند وقت است که در محاکم عدلیه محاکمه میشوند مجلس محاکمه عمومی است و راپورت محاکمه در روزنامه مخصوصی که اسم آن محاکمات است مشروحا نگاشته میشود بعضی از محبوسین اقرار بقتل نموده اند و خوب واضح است که مقصود آنها دزدی بوده و بهیچوجه مقصود سیاسی بطوریکه بدواً گمان برده میشد در نظر نداشتند حکم قطعی بالاخره بایکی ازمجتهدین خواهد بود ظل السلطان پس از اینکه دوهفته در اصفهان توقف نمود حالا بطور تفنن بسمت شیراز ره سپار است وزرا همان اشخاصی هستند که در ماه گذشته ذکر شد

(امضا) جرچیل

تبریز

در ماه مارس تبریز و اطراف خاموش بود در خود شهر رئیس نظمیه که یکی از اعضای مهم انجمن است تشکیل استعداد پلیسی داده پلیسهای مذکور که دارای ملبوس فاخر وهر کدام حامل لك تفنك و پنجاه فشنك هستند شب و روز در کوچها مشغول خدمت واز طرف دولت ماهی سه هزارو سیصد تومان برای مخارج آنها داده میشود

ناحیه اردبیل در ماه مارس مغشوش بود ایل شاهسون دهات را غارت نموده دسته از آنها بشهر اردبیل تاخت وتاز نموده تقریبا پنجاه خانه را غارت وعدهٔ از صاحبان آنهارا مقتول نموده اند حاکم

آنجا رشید الملك بطرف شیراز فرار نمود

قم

نمایشی از طرف اهالی بر علیه راه داری که کمپانی لینچ در راه قم بسلطان آباد قرار داده روی داد اهالی شهر راه دارخانه بیرون شهر قم را خراب نمودند سفارت اعلیحضرتی در اینخصوص باسید عبدالله مجتهد مذاکره نموده ایشان تلگراف سختی بعلمای قم کرده آنهارا از این حرکت سرزنش نمودند وبعلاوه بانها فهمانیدند که کمپانی لینچ موافق قرار دادی که با دولت بسته است اقدام می نماید .

استراباد

حکومت جدیت فوق العاده بکار برده واز قرار معلوم ایل ترکمن را خاموش نموده است

مشهد

بحال آرامی باقی است ولی در ایالت قتل رو بازدیاد است در هفته گذشته ۲ ماه آوریل اغتشاش مهمی درانجمن محلی روی داد بنا برتحریك بعضی از اعضاء انجمن سربازها ببهانه نرسیدن حقوق یکی از اعضای انجمن را که معروف باصلاح طلبی است سخت کتك زده اند از قرار معلوم این شخص اصرار بتجدید انتخابات بروفق ترتیب صحیحی داشته ولی سایر اعضای

حالیه انجمن مایل بودند که دومرتبه انتخاب گردد

اصفهان

ظل‌السلطان دربین مسافرت خود بسمت شیراز در ۲٤ ماه مارس باصفهان واردشد پس ازاینکه بیش ازبیست وچهارروزدراصفهان توقف نمود نمایش برضد اودرشهر واقع گردید سربازان وسایرین براشخاصی که در این نمایش شرکت داشتند حمله برده و مقداری هم غارت نمودند بالاخره ظل‌السلطان در۱۸ ماه آوریل بشیراز راه سپار گردید

کرمانشاهان

راپورتی بطهران رسید که نایب‌الحکومه کرمانشاه بعضی اشخاص را بدون محاکمه صحیح حکم بقتل داده است در ۳۱ این ماه دراین خصوص ازوزیرداخله درمجلس استیضاح شد وزیر داخله جواب داد که بمحض وصول این خبر اوبنایب‌الحکومه حکم‌نموده است که بطهران برای محاکمه حاضر شود

شیراز

از تاریخ اواسط ماه مارس شیراز فوق العاده آرام است برای خیلی اشخاص محترم کاغذ های تهدید آمیز رسیده است ولی راپورت هیچ نوع اقدام غیر قانونی داده نشده هرچند که بازارها

بازند ولی تجارت نمیشود خبر تعیین ظل السلطان بحکومت فارس از طرف عموم طبقات مردم بخوبی پذیرفته گردید

درماه مارس سه سرقت در راه بوشهر روی داد و بموجب راپورتهای واصله مستحفظین راه از مسافرین جبراً اخذ وجوهات مینمایند یك دزدی در راه اصفهان مابین شیراز وزرکان اتفاق افتاد

بندرعباس

مجدداً راههای کاروان دراواخر ماه فوریه مغشوش ودوبار الاغ که متعلق بمستحفظین قونسولخانه کرمان بود در نزدیکی باغو بسرقت برده شد قونسول اعلیحضرتی اقدامات برای استرداد اموال مسروقه نموده است (امضا) ماژور استکس

نمره ۱۱۲

مراسله مستر مارلینك بسر ادوارد گری مورخه ۲۴ ماه آوریل ۱۹۰۸ از طهران

(آقا) هر چند که از راپورت ماهیانه ظاهر است که اوضاع عمومی کلیه ایران قدری خاموش تر است ولی درپایتخت کلیهٔ آثار وعلایم خوب آشکار میسازد که بهیچوجه تخفیفی درشدت زد وخورد مابین شاه و انجمنها حاصل نگردیده است در اینموقع من مخصوصا انجمنهارا اسم میبرم بواسطه اینکه دخالت مجلس در این زدوخورد اخیر (که باز هم مغلوبیت با شاه بود) خیلی کم بود وزرا هم جز اینکه در مدت ۴۸ ساعت استعفا نموده و مجدداً

استعفای خودرا پس گرفتند کاردیگری ننمودند

مسئلهٔ متنازع فیه این بود که آیا حاکم ورئیس نظمیه قانوناً حق‌این را داشتند که بدون حکم وزیرعدلیه اشخاصی‌را که مظنون بسوء قصد نسبت بشاه بوده دست گیرنمایند

روبهم رفته جواب منفی است ولی بملاحظه ارتباط این مسئله بشخص شاه ممکن بود که انجمن ها ازغیر قانونی بودن این مسئله صرف نظرنمایند

امیدبهبودی دراوضاع نیست وانجمن ها ازقدرت خوداستفاده نموده درتمام ادارات دولتی مداخله مینمایند وبواسطه عدم بصیرت و سوء ظن اکثررؤسای آنها دخالت آنها درامورات کاردولت را بسیار دشوار مینماید (امضا) مارلین

نمره ۱۱۳

مراسله مسترمارلین بسرادوارد گری مورخه ۳۰ ماه آوریل ۱۹۰۸ ازطهران

(آقا) درروزشنبه ۲۵ ماه وزیرمالیه بدون اینکه قبلا ازخیال خودکسی را مطلع سازد بودجه خودرا بمجلس پیشنهاد نمود درضمن نطقی که وزیرمالیه درموقع پیشنهاد بودجه نمود اظهارکرد که درخصوص ازدیاد مالیات گمرکی بچای وقندوارده بمملکت او بانمایندگان دولتین روس وانگلیس مذاکره نموده وتابك اندازه امیدوار است که دولتین مذکورتین ضدیتی درتغییراین تعرفه گمرکی نخواهند نمود مسیوبیز ومثل سایراشخاص دیگر اطلاع داشت که صنیع‌الدوله مدتها مشغول تهیه نقشهٔ برای اصلاحات مالیه که اساس آن نقشه مبنی برازدیاد مالیات گمرکی برقند وچای بود مینمود ولی تاساعت سه

بعدازظهرروزشنبه مسیوبیزو ابداً گمان نمیکرد که نقشه معینی ترتیب داده شده است ودرآنوقت وزیر مالیه باواطلاع داد که او میخواهد الساعه بمجلس رفته وبودجه را پیشنهاد نماید درهرصورت بامسیوبیزو ابداً مشورتی درخصوص ترتیب بودجه مزبورنشده بود وحتی‌سوادی هم ازبودجه باوداده نشده بود

وزیرمختار فرانسه ازسفیرروس ومن خواهش نمود که مسیو بیزورا ملاقات نموده واطلاعاتی که اوبس‌ازیکماه توقف درایران از اوضاع مالیه مملکتی حاصل نموده مستحضرشویم برای همین مقصود ما در۲۸ ماه درسفارت‌فرانسه رفته وازتقریرات مسیوبیزو درخصوص اوضاع کلیه مالیات ایران من فقرات ذیل را استنباط نمودم

هیچ نوعی محل عایدی برای دولت ایران باقی نمانده و همه روزه عده کثیری از طلبکاران که اغلب آنها اربابان حقوقند وزارت مالیه را محاصره مینمایند وزارت مالیه هم بدون اینکه باسناد طلبکاران رسیدگی نماید وبرای اینکه خودرا اززحمت آنها خلاص نماید اتصالا حواله باداره گمرك میدهد اداره گمرك هم بواسطه نبودن وجوهات همیشه دچار زحمت این اشخاص است

عقیده عموم بر آنست که دیر یازود یك استقراض خارجی بشود واول خرج عمده پرداخت حقوق اربابان حقوق است پس از ورود مسیوبیزو یاس فوق‌العاده به بعضی اشخاص روی داد بجهة اینکه انها گمان مینمودند که بمحض وروداو ملیونها پول از جیب اوبیرون خواهدآمد وبس‌ازاینکه اواظهارنمود که دولت ایران نمی تواند باین زودیها قرض فوق‌العاده بنماید مردم گمان نمیکردند که او ازروی

حقیقت بیان مینماید بواسطه اینکه اگرچه قرض کلی‌نبود کلی‌مینمود ابتدائی که اوشروع بکارنمود برای اوتحصیل اطلاعات غیرممکن‌بود لکن دراین ایام اخیر کسب اطلاعات برای او قدری سهل‌تر شده است هرچندکه ایرانیها عموما ووزارت مالیه خصوصا سعی‌کاملی دارند که اومربوط با اشخاصی نشود که بتوسط آن اشخاص کمکی‌حاصل نموده وبااینکه اوبانها نصیحت خیر اندیش نماید (مقصود ازاین اشخاص مثلا اعضای کمسیون قوانین مالیه مجلس)

ناصرالملك درپاریس باو اطلاع داده بود که اینطور با او رفتار خواهد شد وتمام اقدامات اورا بشکل دیگری تغییر خواهد نمود وبمسیوبیزو گفته بود که اگراوپیشنهادی بوزارت مالیه مینماید بهتر آن است که سوادی ازاوراهم بمجلس بفرستد تمام این نصایح بوده است ودرخصوص بودجه هم ابداً ازاومشورتی کرده نشده است و تاعصر روزشنبه که وزیر مالیه بطور اختصار اورا ازمواد بودجه مستحضر ساخت او بهیچوجه ازطرح بودجه اطلاعی نداشت پس از مذاکرات طولانی نتیجه اینطورگرفته شد که برای اینکه دولت‌ایران مقام مسیو بیزورا بیهوده فرض ننماید بهتر آن است که سفیر روس و فرانسه ومن بوزیر امورخارجه اطلاع بدهیم که برای دولت ایران ابداً مثمر ثمری نخواهد بود که بدون مشورت با مستشار مالیه در خصوص تغییر تعرفه گمرکی پیشنهادی بدولتین روس و انکلیس نماید

بنابراین درروزپذیرائی معموله که ۲۹ ماه بود من‌بمشیرالدوله اظهار نمودم که ازطرف سفارت اعلیحضرتی تابحال نه‌بصنیع‌الدوله ونه بهیچ وزیرایرانی فهمانیده نشده است که دولت‌اعلیحضرتی قبول‌ازدیاد

هیچ نوع مالیات گمرکی را خواهدنمود وهمچنین تا کنون منهمچو احتیاط کرده واظهار نموده ام که ازعقیده دولت اعلیحضرتی دراین خصوص ابداً اطلاعی ندارم

وبعلاوه من اطمینان کامل دارم که دولت اعلیحضرتی هیچ پیشنهادی را قابل ملاحظه نخواهد دانست در صورتی که طرح آن باکمك مستشار مالیه ریخته نشده باشد و اینکه صنیع الدوله درمجلس اظهار داشته بود که دولتین حاضر باین تغییر هستند بی اصل بوده است

مشیرالدوله درجواب اظهار نمود که او از اینمطلب بخوبی آگاه و مکرر بصنیع الدوله گفته است که نباید پیش از تحصیل رضایت دولتین به تغییر تعرفه گمرکی پیشنهادی دراینخصوص بمجلس بنمائی لیکن صنیع الدوله طوری از اطلاعات مالیه خود راضی و بقدری مایل به نیك نامی خود در مجلس است که ابداً وقعی بحرف های ما نداده و بودجه خود را پیشنهاد مجلس نمود و بهتر آن است که شما بصنیع الدوله شخصا در اینخصوص صحبت نمائید هم سفیر فرانسه و هم سفیر روس در اینخصوص در همانروز باوزیر امور خارجه صحبت نمودند

روز بعد من صنیع الدوله را ملاقات نموده وبایشان اظهار نمودم در صورتیکه دولت اعلیحضرتی تابحال هیچ عقیده خودرا در خصوص اضافه کردن مالیات گمرکات اظهار ننموده و در صورتیکه جناب ایشان مطلعند از اینکه دولت اعلیحضرتی هیچ نوع پیشنهادیرا قابل دقت نمیداند تااینکه از مستشار مالیه در او مشورتی شده باشد

چرا باید که ایشان پیشنهاد قطعی در اینخصوص بمجلس کرده باشند و بعلاوه بمجلس فهمانیده باشند که دولتین این اضافه مالیات را قبول خواهند نمود

جناب ایشان درجواب اظهار داشته که گرفتاری مالیه بحدی است که دولت نمی تواند منتظر بشود تا اینکه مسیو بیزو اطلاعات کامل از اوضاع حاصل نماید و برای جلو گیری از خرابی مملکت جز اقدام فوری چاره دیگر نبود راجع بمطلبی که او درمجلس در خصوص ازدیاد مالیات گمرکی عنوان نموده بود صنیع الدوله اظهار داشت که اطمینان او از دوستی دولتین طوری زیاد بود که هیچ تصور قبول نکردن پیشنهاد را نمیکرد و بالاخره گفت که امید بهبودی باوضاع باندازهٔ کم است وباندازهٔ او خسته از زدوخورد شده است که امروز صبح مصمم شده بود که استعفا بدهد من گفتم یك چیزی که دولت اعلیحضرتی طالب است این است که ایران آرام وآباد باشد ولی اگر از ما تقاضای امتیازی بشود که برخلاف منافع تجارتی باشد ما حق خواهیم داشت که دقت نظری درآن بنمائیم و برای این مقصود دولت اعلیحضرتی عقیده مستشار مالیه خود دولت ایرانرا کافی میداند

جناب وزیر اظهار داشتند که ایشان خیلی بیشتر ترجیح می دهند اگر دولت اعلیحضرتی خود شخصی را از لندن برای دقت در اوضاع مأمور نمایند

اگر در هر مسئله لازم باشد که از مسیو بیزوت در واقع مشورت کرده بشود آنوقت مسیو بیزو درواقع وزیر مالیه خواهد

هیچ نوع مالیات گمرکی را خواهدنمود وهمچنین تا کنون منهمچو احتیاط کرده واظهار نموده ام که ازعقیده دولت اعلیحضرتی دراین خصوص ابداً اطلاعی ندارم

وبعلاوه من اطمینان کامل دارم که دولت اعلیحضرتی هیچ پیشنهادی را قابل ملاحظه نخواهد دانست در صورتی که طرح آن باکمك مستشار مالیه ریخته نشده باشد و اینکه صنیع الدوله درمجلس اظهار داشته بود که دولتین حاضر باین تغییر هستند بی اصل بوده است

مشیرالدوله درجواب اظهار نمود که او از اینمطلب بخوبی آگاه و مکرر بصنیع الدوله گفته است که نباید پیش از تحصیل رضایت دولتین به تغییر تعرفه گمرکی پیشنهادی دراینخصوص بمجلس بنمائی لیکن صنیع الدوله طوری از اطلاعات مالیه خود راضی و بقدری مایل به نیك نامی خود در مجلس است که ابداً وقعی بحرف های ما نداده و بودجه خود را پیشنهاد مجلس نمود و بهتر آن است که شما بصنیع الدوله شخصا در اینخصوص صحبت نمائید هم سفیر فرانسه و هم سفیر روس در اینخصوص در همانروز باوزیر امور خارجه صحبت نمودند

روز بعد من صنیع الدوله را ملاقات نموده وبایشان اظهار نمودم در صورتیکه دولت اعلیحضرتی تابحال هیچ عقیده خودرا در خصوص اضافه کردن مالیات گمرکات اظهار ننموده و در صورتیکه جناب ایشان مطلعند از اینکه دولت اعلیحضرتی هیچ نوع پیشنهادیرا قابل دقت نمیداند تااینکه از مستشار مالیه در او مشورتی شده باشد

چرا باید که ایشان پیشنهاد قطعی در اینخصوص بمجلس کرده باشند و بعلاوه بمجلس فهمانیده باشند که دولتین این اضافه مالیات را قبول خواهند نمود

جناب ایشان درجواب اظهار داشته که گرفتاری مالیه بحدی است که دولت نمی تواند منتظر بشود تا اینکه مسیو بیزو اطلاعات کامل از اوضاع حاصل نماید و برای جلو گیری از خرابی مملکت جز اقدام فوری چاره دیگر نبود راجع بمطلبی که او درمجلس در خصوص ازدیاد مالیات گمرکی عنوان نموده بود صنیع الدوله اظهار داشت که اطمینان او از دوستی دولتین طوری زیاد بود که هیچ تصور قبول نکردن پیشنهاد را نمیکرد و بالاخره گفت که امید بهبودی باوضاع باندازهٔ کم است وباندازهٔ او خسته از زدوخورد شده است که امروز صبح مصمم شده بود که استعفا بدهد من گفتم یك چیزی که دولت اعلیحضرتی طالب است این است که ایران آرام وآباد باشد ولی اگر از ما تقاضای امتیازی بشود که برخلاف منافع تجارتی باشد ما حق خواهیم داشت که دقت نظری درآن بنمائیم و برای این مقصود دولت اعلیحضرتی عقیده مستشار مالیه خود دولت ایرانرا کافی میداند

جناب وزیر اظهار داشتند که ایشان خیلی بیشتر ترجیح می دهند اگر دولت اعلیحضرتی خود شخصی را از لندن برای دقت در اوضاع مأمور نمایند

اگر در هر مسئله لازم باشد که از مسیو بیزوت در واقع مشورت کرده بشود آنوقت مسیو بیزو درواقع وزیر مالیه خواهد

گردید و ایران دیگر مسیونوز ثانی را لازم ندارد

درجواب من اظهار داشتم که جناب شما از لزوم فورت تحصیل منابع مالیه صحبت میداشتید در صورتی که اکنون مایل به آمدن یك متخصص مالیه دیگری که او ناچار باید مجدداً شروع بتحصیل اطلاعاتی را که مسیو بیزو در یکماه گذشته نموده است بنماید هستید

اگر مسیو بیزو آنقدری که لازم است تابحال از اوضاع مالیه ایران اطلاع حاصل نکرده است تقصیر فقط بادولت ایران است که استنکاف از دادن اطلاعات ورزیده است

نخواستن دولت ایران خدمتی از مستشار مالیه بعین مثل این میماند که شخص مریضی طبیبی را طلبیده ولی از گوش کردن بمعالجه او امتناع میورزد

درخصوص اینکه مسیو بیزو یکموقعی بمقام اقتدارات مسیو نوز خواهد رسید من بایشان اظهار نمودم که البته اینمطلب را درك نموده اند که مسیو بیزو بهیچوجه دارای قوای اجرائیه نیست و مقام او فقط مقام شخص راه نمائی است دولت ایران میتواند نصایح اورا رد یاقبول نماید

جناب وزیر مکرر در مکرر درخصوص فرستادن یکنفر مأمور مالیه از لندن ویطرز بورغ برای دقت در اوضاع مالیه ایران صحبت داشته اند ومنهم مکرر در جواب اظهار داشتم که این اقدام ممکن الوقوع نیست من بجناب ایشان درخصوص استعفای خودشان اظهار داشتم که بهتر آن است تغییر خیالی بدهند بواسطهٔ اینکه

تغییرات علی الاتصال مابین وزراء باعث بهبودی باوضاع نمیشود و بعلاوه برای نیکنامی شخص ایشانهم صحیح نیست که فورا پس از پیشنهاد بودجه خود بمجلس از وزارت استعفا نماید

غیر لازم است که شرح مفصلی از بودجه صنیع‌الدوله ذکر شود مقصود عمده آن بدست آوردن مالیات معتد به است که بتوسط آن دولت ایران بتواند تایکدرجه بمملکت امنیت داده بعضی طرق و شوارع جدید احداث نماید و همچنین ترقی بمعارف بدهد

برای نیل باینمقصود چندین قسم مالیاتهای داخلی پیشنهاد شده است که عمده آن مالیات بر مستقلات در شهر که تابحال بهیچوجه مالیاتی براو بسته نشده است

آنچه را که مستقیما بما مربوط است اضافه مالیات بچای و قند وارده در ایران است

ذکری از استقراض خارجه نشده ولی واضح است که اگر اضافه مالیاتی بر امتعه مذکور بسته بشود محل خوبی برای ضمانت قرضه جدیدی خواهد بود (امضا مارلین)

نمره ۱۱۴

تلگراف مستر مارلین بسرادوارد گری (واصله ۳ ژون)

طهران ۳ ژون ۱۹۰۸ اوضاع پلتیکی‌درسی ام ماه گذشته هیئت وزرا استعفا کرده وتشکیل کابینه جدید خیلی اشکال دارد

انجمنها درصددآن هستند که بعضی ازوابستگان شاه‌را که با آنها مختلف هستند اخراج نمایند و محض آنکه شاه را مجبور بقبول مطالبات خود نمایند سعی در تخویف کلیه قاجاریان دارند

نمره ۱۱۵

تلگراف مسترمارلین بسرادواردگری . ـ (واصلهٔ ۳ ژون)

طهران ۳ ژون ۱۹۰۸ راجع بتلگراف امروز من امیربهادر جنك دیشب درسفارت روس بست اختیار نمود دوسه نفر از درباریان شاه اورا ترك نموده اند

نمره ۱۱٦

تلگراف مسترمارلین بسرادواردگری (واصله ۴ ژون)

طهران ۴ ژون ۱۹۰۸ شاه امروزصبح ازقصرخارج شده با مستحفظین کثیری بمحل اقامت ییرولی خود که خارج دروازه قزوین است رفت

نمره ۱۱۷

تلگراف مسترمارلین بسرادواردگری (واصله ۸ ژون)

طهران ۸ ژون ۱۹۰۸ صبح روز شنبه ششم ژون مابین شاه وطرفداران ملت ظاهراً اصلاح شد ولی صبح روزدیگر باعلیحضرت شاه رایورت داده شدکه انجمنها تلگرافی بظل السلطان درشیرازمخابره نموده اورا بامدن وقبول مقام نیابت سلطنت دعوت کرده اند

همانروز عصر پسر بزرك ظل السلطان و سردار منصور و علاء الدوله و عضد الملك رئیس ایل قجر که در انقلاب هفته گذشته شرکت نمود از طرف شاه دستگیر گشتند

نمره ۱۱۸

مکتوب مستر مارلین بسر ادوارد گری (واصله ۹ ژون)

طهران ۷ مه ۱۹۰۸ آقا افتخاراً سواد جوابی را که

دولت ایران اخیراً در مقابل اظهارات من در موضوع حفاظت گبرهای ایران داده است لفا انفاد میدارم

(امضا) چالزام مارلینك

ترجمه ملفوف نمره ۱۱۸

مکتوب مشیر الدوله بمستر مارلینك

۲ مه ۱۹۰۸ مراسله شما در باب گبرهای ایران واصل گردید دولت ایران همیشه درراه آسایش اینفرقه بذل توجه مخصوص نموده و اینطایفه مرکب از قدیمترین تبعه ایران بوده و چنانچه در مورد قتل فریدون مشاهده گردید فیما بعد هم بهمان نظر با آنها رفتار خواهد شد

نظر باظهاراتی که دراینباب فرموده‌اید ازوزیر داخله استدعا شده که دقت حکام را باینمسئله جلب نماید

نمره ۱۱۹

مکتوب مسترمارلینك بسرادواردگری . ـ (واصله ۹ ژون)

قلهك ۲۱ مه ۱۹۰۸ آقا افتخاراً رابورت خلاصه وقایع چهار ماهه ایرانرا بطریق معمول لفا انفاد میدارم

(امضا) چارلزام مارلینك

ملفوف نمره ۱۱۹

خلاصه وقایع ایران — طهران

در ظرف چهار هفته گذشته اوضاع طهران روبهم رفته از معمول آرام تر بود بلا شك در میان مردم یك نوع حالت یأس

و تاثر احساس میگردد و ایرانیانی که قدری از امورات واقف تر هستند فهمیده اند که در چرخهای حکومت در واقع تزلزلی پدیدار گشته است عامه مردم زیاده از اندازه بمشروطیت خود که بدبختانه تاکنون علامات فساد از آن ظاهر بوده اعتماد دارند

نظر بهعید مولود شاه در ۱۵ ماه اعلیحضرت یك روز قبل دستخط مصلحانه بمجلس فرستاده احساسات عامه چنانچه انتظار آن میرفت نسبت بشاه صورت خیری گرفت مراسم معمولی عید مذکور که باابراز حسیات خصومت کارانه که بعلت تعقیب پلتیك ارتجاعکارانه تباین کلی داشت صورت وقوع یافت

در دوم ماه کابینه وزرا استعفا کرده در ششم مه دوباره تعیین گردید مستوفی الممالك بجای ظفر السلطنه بوزارت جنگ مبدل شد بعلت استعفای صدر اعظم که دفعه دوم در ۱۶ مه واقع شد احتمال قطعی میرود که باز هم در مقام هریك از وزرا تغییر و تبدیلی بشود

نظام السلطنه که بی اندازه مورد بی میلی عموم واقع شده بود در ۱۷ مه بقم فرار نمود

در ۱۶ مه شاه شخصا تلگراف دوستانه بناصر الملك که حالیه در اروپا مشغول سیاحت است مخابره نموده اورا به آمدن بایران و قبول مسند صدارت دعوت کرده است ولی مسئله اینکه آیا جناب ایشان بقبول این مقام تن در دهد مشکوك است

دو نفر اشخاصی که باهیجان برای رفورم عملا مخالفت میورزیدند پس از آنکه در محکمه عدلیه از آنها محاکمه شد بحبس

مدت طویل محکوم گردیدند یکی از آنها بجرم اینکه اعلانی چسبانیده و اعضای مجلس را **بابی** اعلان کرده بود محکوم گردید

۲۱ مه ۱۹۰۸ (امضا) جی بی چرچیل منشی السنه شرقی

مشهد

ما بین انجمن محلی و اداره بلدیه کدورت فوق العاده در میان بود از قرار معلوم قوای حکومت تدریجا رو بضعف است ولی شهر آرام میباشد

تربت حیدری

احساسات برضد انجمن محلی برای اعضای آن تحمل ناپذیر بوده تمام آنها متحداً بفرمانفرما عریضه نوشته درخواست تعیین حاکمی برای آنمحل نمودند تمام طبقات مردم بالاتفاق از اوضاع موجوده امورات نگرانی داشته ویاس و ناامیدی خود را از استفاده از حکومت مشروطه ابراز میداشتند دو دسته دزد که حوالی طبس را اشغال نموده بودند در ماه آوریل متفرق شدند

یزد

سردار معتضد حاکم جدید کرمان روز ۷ آوریل درنزدیکی انار بدسته مرکب از چهل دزد که ۱۲۰۰ رأس گوسفند و اموال زیاد بغارت میبردند برخورد او بسارقین حمله برده هشت نفر از آنهارا مقتول ومجبور بترك اموال مسروقه کرد ازهمراهان حکومت

یکنفر مقتول ویکی مجروح گردید

در بیستم آوریل انتظام الملك از نائین بیزد وارد شد و بحکومت آنجا تعیین گردیده

در ۱۴ مه قریب دو هزار نفر از اهالی دهات در خارج اداره تلگرافخانه انگلیس اجتماع نموده درخواست نموده که محض پروتست برضد بعضی مالیاتهای جدید بست اختیار نمایند مردم بازار ها را بسته و اوضاع از قرار معلوم خیلی سخت شد مستر بلك من کفیل وس قونسولگری با رؤسای آن جماعت مشورت نموده آنها بمساجد و مقامات مقدسه مراجعت نمودند روز بعد جماعت مردم دو مرتبه مراجعت نموده و داد وفریاد کرده از دولت انگلیس درخواست کمك و همراهی میکردند که باآنها از روی عدالت رفتار شود مسترمارلینك تلگرافا خبر داد که مجلس ملی بهمین زودی تامینات لازمه خواهد داد این خبر باعث تسکین اذهان مردم شد و تلگرافی که از وزیر مالیه واصل شد موافق دلخواه آنها نبود در ۱۸ مه عده بنمایندگی اصناف از مستر بلك من ملاقات کرده درخواست اجازه تحصن نموده از آن میترسیدند که ورود عده کثیری از اهالی دهات شهر اسباب عدم تامین دکاکین آنها شود مستر بلك من بانها اصرار نمود تا دوروز منتظر جواب مجلس ملی شوند در ۱۹ مه هیئتی بنمایندگی سرکرده آنها ملاقاتی کرده اظهار داشتند که عده زیادی از اهالی دهات که بسیاری از آنها مسلح بودند اتصالا وارد شده و ناامنی بطور عموم شیوع داشته واز آن میترسیدند که هرگاه در ارسال جواب تاخیر زیاد

شود هرج و مرج در میان مردم واقع خواهد شد بعض از آنها آمده و همینکه از عدم وصول جواب و دخول در قونسولخانه مایوس گردیدند تهدید بپائین کردن بیرق وتخرب اداره قونسولخانه نمودند آن هیئت برای این تهدیدات ترضیه خواستند مسترمارلینك از وزیرامورخارجه ملاقات نموده اورا ازوخامت اینمسئله مستحضر واز اووعده گرفت که ازتظلمات وتشکیات مردم یزددلجوئی کند

کرمانشاه

بعلت حرکت ایلات دور وحوالی کرمانشاه ظاهرا خیلی مغشوش شده مسترومیسیفراستد که متعلق بدعاة امریکائی هستند در قرب بیست وپنج میلی طرف مشرق شهردزد بانها زده وتمام متعلقات آنهارا بسرقت برده اند

ظفرالسلطنه وزیر جنك سابق بحکومت معین شده ودر راه کرمانشاه است الحال شهرظاهرا مغشوش است وقونسول اعلیحضرتی راپورت میدهد که فعلاماموربن دولتی که بتوان مطالب را بانها اظهار داشت موجود نمیباشد

شیراز

ظل السلطان دراوایل مه وارد شیراز شده و چندین تلگراف بسفارت اعلیحضرتی مخابره نموده مشعر بر اینکه برای حفظ نظم اقدامات مجدانه نموده قبل از ورود شاهزاده مذکور درشهر اغتشاشی بوقوع رسید علت وقوع آن انتشارتلگرافی از علمای بزرك نجف در

خصوص قتل قوام‌الملك بود ولی اززمان ورود ظل‌السلطان درامورات تسکین حاصل گردیده است

سیصد نفر ازفوج چهار محال که یك قسمتی ازمستحفظین ظل‌السلطان هستند دربیست‌وششم آوریل واردشدند

ازتلگرافی که بتاریخ ۱۷ شهرمه از معاون رئیس اداره تلگرافی هند و انگلیس واصل شد مفهوم گردید که قبایل اعراب مابین سیوند وده بید مشغول ارتکاب سرقت و چپاول اموال مردم بوده خط تلگراف را هم صدمه رسانیده اند

نمره ۱۲۰

ملخص مکتوب مستر مارلینك بسراوارد گری . ـ (واصله ۹ ژون)

قلهك ۲۱ مه ۱۹۰۸ در تعقیب مکتوب سی ام ماه گذشته خود افتخاراً راپورت میدهم که کابینه وزرا دردوم شهر جاری از کاراستعفا کرده وزیرمالیه بعموم فهمانید که استعفای او نتیجه قطعی صحبتی است که من درچندروزقبل با ایشان داشته ام اگرچه عقیده عموم براین بود که میل وزرا براین قرارگرفته که باعث تغییری درتشکیل کابینه وزراگردیده نظام‌السلطنه صدراعظم ووزیرداخله را درآن راه ندهند شکی نیست که اینطوری که صنیع‌الدله رفتار کرده ومسئله ملاقات مرا آلت رهائی واستخلاص خود ازاین موقع مشکل که جاه طلبی اورابطرف آن‌سوق داده بود قرارداد تاثیری نموده ودرظرف هفته که بحران وزرا دوام داشت درمجلس چندین نطق ایراد شده برضد قصداعمال کنترل خارجه بر مالیه پروتست شد و

چند مقاله سخت درهمین موضوع در مطبوعات دیده شد گفتگوی تزیید مالیات چائی وقند در میان بود ودرنقشه صنیع‌الدوله پیشنهاد شده بود که خواه دولتین روس وانگلیس قبول این‌مسئله را بکنند یانکنند برمالیات اجناس مذکورافزوده شود وبطورسخت اینطوراراثه طریق شد که ملت باید بواسطه ترك استعمال قندوچای مارا مجبور بقبول آن نمایند ویکنفروطن پرست دیگراظهارداشت که حقوق مسیوبیزت برای تمام مدتی که خدمت کرده باید پرداخته شود واورا بفرانسه پس‌فرستند البته تمام این‌عنوانات را نباید قابل اهمیت زیاددانست ولی نظربااینکه خود صنیع‌الدوله بمن اظهارداشت که قبل از ملاقات بامن تصمیم باستعفا نموده بود من اینطورصلاح دانستم که اینمسئله‌را در مراکزی که عنوانات مخالف ومغایر او ممکن بود تولید اثرات بد نماید منتشروبانها بفهمانم بمجردآنکه کابینه مجدداً تشکیل گردید از وزیرامورخارجه ملاقاتی نموده وازوضع رفتار یك وزیر مسئولی که سعی‌داشت اسم را بعنوان مداخله درامورات داخلی دولت بدنام‌نماید و مضمون و مقصود مطلب مرا بر عموم مشتبه کند پروتست نمودم مشیرالدوله چندان سعی‌ننمود که ازکرده همکار خود طرفداری و تصدیق نماید ولی ایرادکرد که ازاین مسئله چندان ضرری وارد نیامده چرا که رفتار وکردار صنیع‌الدوله چنان برعموم واضح و معلوم است که چندان وقری بگفته های او نمیگذارند !

گمان‌نمیکنم عقیده مشیرالدوله صحیح‌باشد زیرا که همینکه استعفای اخیرهیئت کابینه انظارعموم را متوجه بخود گردانید ظاهرا جلب نظر موقتی بان قضیه برطرف ومحو گردید از حیثیات دیگر

امیدوارم نتایج حسنه بظهور خواهد رسید چون اکثر اهالی متمایل هستند که ازدولت جدید منتظراستخلاص ازلزوم تادیه مالیات باشند ازقرارمعلوم مجلس اینطور تصورمیکند که اقتدارات آن درمناسبات خارجه هم نافذ بوده ومحتمل است این نکته را فراموش کند که مراعات عهدنامهای دولتی مسئله التفاتی نبوده بلکه اجباری است این تصورسهورا دیرمازود ازاذهان آنها باید محونمود ولی این مسئلة است که هرگاه اصلاح آنرا بخودایرانیان واگذار نمائیم ممکن است تایك مدت غیر محدودی بواسطه حساسیت وزود رنجی مجلس بتعویق انداخته شود

اوضاع مملکت ازبدبدتر شده ودولت ضعیف مطلقا قادرنیست درراه اعاده نظم اقدامی نماید ودرصورتیهم که پول برسد بمنتهادرجه غیرممکن است که بدون معاونت خارجی اقدامات جدی برای رفورم بعمل آید وزرائی که اطلاعشان بیشتر است بلاشك از اینمسئله آگاه هستند ولی عامه مردم و مجلس خلاف وطن پرستی میدانند که بحقیقت یك مسئله متقاعد شوند وبنابراین گمانمیکنم خیلی باعث خوش حالی است که بعلت حماقت صنیع الدوله اینمسئله بنمایندگان واضح شده که دولت ایران باید ازدولتین روس و انگلیس منتظر کمك و همراهی برای استخلاص ازمشکلات باشند نمیتوانم وانمود کنم که تاثیر لازمه تاکنون دراذهان جای گیر شده باشد ولی درهر صورت اولین اقدام برای فهمانیدن اینمسئله بطورصحت بعمل آمده است

مملکت ازحیث مالیه ظاهرا بنقطه صفر رسیده ومسیودوهارتویك که با او در اینموضوع صحبت داشته ام با عقیده من موافق است

که دراندك مدتی کارچنان بردولت سخت خواهد شد که مجبور باستدعای معاونت خواهد گردید

نمره ۱۲۱

مکتوب مستر مارلینك بسرادوارد گری . ـ (واصله ۹ ژون)

قلهك ۲۲ مه ۱۹۰۸ آقا هرگاه بواقعات چهار هفته اخیر نظر افکنده شود مشکل است علائم وآثاری بدست آید که بهبودی فوری اوضاع ایران‌را بنمایاند مقصود وزرا از تکرار استعفا فقط این بود که ازدست نظام‌السلطنه صدراعظم که طمع کاری وعدم موافقت اوباقوانین مشروطیت دراجرای اعمال خود اورا بی اندازه مورد تنفرعموم نموده بود رهائی یابند واز قراری که معلوم میشود در مورد همکاران خود عوض آنکه بطوررئیس کابینه مشروطه خواه سلوك نماید مثل یکنفر صدراعظم سلطان مستبدی رفتار کرده است وشکی نیست که برای آنها امکان نداشت با اومتحدا عمل نمایند هیچ احتمال نمیرود که کابینه جدید که تشکیل آن هنوز بطورقطعی فیصله نشده بیشتربتوانند دراین هرج ومرج و بی ترتیبی اوضاع دولتی اعاده نظم نمایند اینمسئله را میتوان یقین نمود که صنیع‌الدوله صدراعظم شود ومحتشم السلطنه نماینده ایران درکمیسون سرحدی ارومیه ازقرارمذکوردعوت شده که آمده و بجای نظام‌السلطنه بوزارت داخله برقرار شود این مسئله مشکل است تصورشود که امکان داشت انتخاب نامساعدتری ازانتخاب این دووزیر بعمل آید طهران نسبتا بحال آرامی دوام‌دارد ولی احساسات عموم‌بسیار از ضعف وبیچارگی حکومت مایوس است وتمایل عموم باینکه شاه را که مجددا باماده ساختن خود برای

کودتای دیگر متهم گردیده باعث اوضاع موجوده امورات بدانند روز افزون است

برای اکثر نقاط بی حکومت حکام تعیین کرده ولی باستثنای ظل‌السلطان درشیراز و سردار معتضد در کرمان هیچکدام از آنها ظاهرا قادرنتوانند بود که درراه اداره نمودن قلمروخود جدوجهد حقیقی بنمایند دربزد جمعیتی ازدهاتیان بعنوان پروتست برضد مالیات جدیدی دورتلگراف خانه را احاطه کرده اند ولی مسترملب من کفیل ویس قونسولگری بواسطه زرنگی ومتانت خود تا کنون بمنع وقوع حادثه جدیدی موفق گردیده است دولت از اینجا کاری از پیش نمیرود بجز آنکه تلگرافات تسکین آمیز بفرستد طوایف کاکاوندبواسطه قصه حمله بکرمانشاه آنجارا تهدید نموده واز قرار شرحی که کاپیتان هاورت مینگارد اوضاع مدهشی درپیش است دولت وعده داده اند که ظفرالسلطنه حاکم جدید را با استعداد قوی بفرستند ولی قدری شك میرود از اینکه او در آخرین لحظه ازاین عهده استعفا نماید مملکت علاوه بر آنچه مذکور گردید از حیثیات دیگر نسبتا آرام است وفقط چند فقره سرقت اکثراً در دور و حوالی اصفهان بوقوع رسیده

(امضاء) چارلزام مارلینك

نمره ۱۲۲

تلکراف مسترمارلین بسرادوارد گری . ـ (واصله ۹ ژون)

طهران ۹ ژون ۱۹۰۸ راجع بتلگراف دیروزمن دیروزصبح قشون دولتی محافظ شهربودند وسپس شاه اعلانی منتشرنموده اشخاصی را که دستگیر شده بودند خائن خوانده‌اند شهر بطریق معمول آرام

است ومردم اعلان مزبوررا بطور آرامی قبول نمودند

نمره ۱۲۳

تلکراف مسترمارلین بسرادوارد گری . ـ (واصله ۱۲ ژون)

اوضاع اینجا بسرعت کسب شدت نموده و هیجان بضد شاه سخت میشودمسیودوهارت وبك که برای حفظ جان شاه درخوف است بمسیو ایسوالسکی تلگرافا درریوال ارائه طریق نموده که سفارتین دولتین روس و انگلیس را دستورالعمل دهد که بوزیر امور خارجه بطور رسمی اظهارنمایند که دولتین ملزم برقراری سلسله حالیه بود ودر صورتیکه حفظ شاه بقوه قهریه لازم آید اینکاررا حاضرند بکنند

عقیده سفیرروس آنستکه مولد این اغتشاش حالیه ظل‌السلطان میباشد ولی این درواقع تصورموهومی است واورا گمان اینست که شاهزاده معظم‌الیه قصد نیابت سلطنت وبالاخره سلطنت دارد و بعلاوه او اینطور خیال میکند که وزراء پارلمان حاضر قبول اینمسئله هستند که شاه بطورتدین موافق قوانین مشروطیت عمل خواهد نمود ودر نفس‌الامر هیچ احساس مخالفی برضد آن اعلیحضرت ندارند

مرا شخصا عقیده اینست که امکان ندارد از اذهان عامه خصومت باطنی شاه را نسبت بمشروطه برطرف نمود اهالی مملکت خیلی مایلند خودرا ازدست اورهانیده وآنهارا عقیده براین است که اعاده نظم توسط ظل‌السلطان باعث امیدواری کامل خواهد بودمن اینمسئله‌را لازم است اعتراف کنم که ظل‌السلطان برای پیشرفت مقاصد شخص خود ازموقع حالیه استفاده مینماید

دراینکه پیشنهادی که ازطرف سفیرروس شده هیجان وانقلاب

طهران‌را حواموش خواهدکرد گمان‌میکنم امکان قطعی داشته باشد ولی موقتی خواهد بود وتحمیل اثرات‌آن درایالات وولایات مورث تزئید انقلاب گردد وابداتصور نمیکنم بوسیله آن مابین شاه و مردم بطوردائم اصلاح شود چنانچه سفیرروس اظهارمیتماید احتمال‌نزدیك بیقین‌میرود که ظل‌السلطان برای مشروطیت یك خصم مستحکم تری ازشاه حالیه خواهد بود

پس ازتوضیح نظریات خودرا بسفیرروس باو عنوان نمودم که بعقیده من دولت اعلیحضرتی در شناختن وراث بی دربی تاج و تخت ایران خودرا ملتزم حمایت خانواده حالیه سلطنت ندانسته ودر این صورت یکنفر پادشاه را بطریق اولی حمایت نخواهد نمود

نمره ۱۲۴

تلگراف سر ادواردگری بمستر اوبرن مورخه ۱۲ ماه ژون از وزارت خارجه لندن

راجع بتلگراف امروز طهران من موافقت تام با عقیده مستر مارلین دارم در ضمن مذاکره در اوضاع باوزیر امور خارجه شما خوب است که بجناب ایشان اطلاع بدهید که دولت اعلیحضرتی منتها درجه اهمیت را باتفاق تام سیاست دولتین میدهد ولی ما بکلی بر خلاف هر نوع اقدامی هستیم که شکل مداخله در امور داخلی ایرانرا دارا باشد و بهمین دلیل دولت اعلیحضرتی نمیتواند مکاتبهٔ را که سفیر روس پیشنهاد نموده قبول نماید دولت اعلیحضرتی کمال آرزو را دارد که نظم در ایران برقرار گردد ولی فقط راهی که انجام این مقصود ممکن خواهد گردید به تشکیل دولتی خواهد

بود که طرف اعتماد و همراهی تام ایرانیها باشد و این عمل وقتی انجام خواهد گرفت که اوضاع بطور طبیعی در جریان بوده و دخالتی از خارج نشود

عقیده ما براین است که اگر دولتین اظهار نمایند که سلسله یا دولت حاضره باید حتما برقرار باشد ممکن است که موقتا در اوضاع بهبودی حاصل گردد ولی در آتیه اشکالات سختی هم برای دولت روسیه روی خواهد داد هرنوع حکومتی که ما بخواهیم مجبوراً درایران برقرار نمائیم بدون شك خطر آن حکومت زیادتر خواهد بود

نمره ۱۲۵

تلگراف مسترمارلین بسرادواردگری مورخه ۱۳ ژون ازطهران

راجع بتلگراف نهم اینماه من

ظاهراً بواسطه تهدید شاه مجلس انجمنهارا وادار نموده‌است که از مسجد خارج شوند

در اینمدت هیجان بی نظمی در شهر روی نداده است

نمره ۱۲۶

تلگراف مستر ابیرن بسرادواردگری مورخه ۱۵ ژون از پطرزبورغ

راجع بتلگراف ۱۲ اینماه شما

تابحال جواب قطعی از مسیو ایزوالسکی برای من نرسیده است جناب ایشان امید وارند که اوضاع تصمیم فوری لازم نداشتهٔ باشد از صحبت ایشان من چنین فهمیدم که در عوض اظهاراتیکه مسیو هارت‌ویك پیشنهاد کرده بود حال جناب ایشان مایلند که فقط

یك نوع اخطاری مثل همان اخطار ۱۹۰۷ از طرف دولتین به ظل السلطان بشود

و دلیل اقامه نمودند که شناسائی ما ولیعهد را بجا نشینی سلطنت ایران خود تایك اندازه مارا مجبور باین اقدام مینماید هر چند که خود جناب ایشان قبول دارند که این شناسائی مثل این نیست که ما بر عهده گرفته باشیم که شاه و پسرش را به سلطنت نگاه بداریم

نمره ۱۲۷

تلگراف سر ادوارد گری بمستر اوبرن مورخه ۱۵ ژون از وزارت خارجه لندن

تا بحال بهیچوجه روابط سیاسی مابین ما و ظل السلطان نیست و در صورتی ما قبلا بادولت روسیه معاهده نمائیم هیچوقت کمك به (ظل‌السلطان) یا بکس دیگری نخواهیم کرد بعقیده من بهترین راهها محدود نمودن اقدامات خودمان است وگر نه ما دچار مسؤلیت برقرار نمودن دولتی خواهیم شد که مردم مایل به تمکین آن نیستند همچو اوضاعی اثر بدی به نفوذ ونیکنامی دولتین در ایران خواهد بخشید من این عقیده خود را بسفیر کبیر روس اظهار نموده ام شما هم خوب است که همینطور بمسیو ایزوالسکی اظهار نمائید

نمره ۱۲۸

تلگراف سر ادوارد گری بمستر اوبرن مورخه ۲۰ ژون از وزارت خارجه لندن

در صورتیکه وزیر امور خارجه لازم میداند که اقدامی بشود من حاضرم که بنماینده اعلیحضرتی مقیم طهران تعلیمات فرستاده که با همکار روس خود اخطاری بمثل اخطار دسامبر ۱۹۰۷ به ظل السلطان بنمایند

در صورتیکه یك همچو اقدامی کرده بشود آنوقت باید که نمایندگان دولتین شاه را از این اقدام مستحضر نموده و به آن اعلیحضرت نصیحت نمایند که بملاحظه اطمینان سلطنت خود ونگاه داری تاج وتخت بهتر آن است که او اقدامی برعلیه مشروطیین و مجلس ننماید درهرصورت بشاه بفهمانند که او بهیچوجه نباید منتظر حمایت از دولتین نباشد در صورتی که اقدامات او اورا دچار خطرات خواهد نمود

نمره ۱۲۹

تلگراف مستر مارلین بسرادواردگری مورخه ۲۱ ژون ازطهران

راجع بتلگراف ۲۰ اینماه شما به پطرزبورغ

من گمان میکنم که اگر دولت روس آن اقدام متفقانه را قبول نماید

بهتر آن است که دستورالعمل برای من ومسیو هارتویك فرستاده شود که مضمون مطلب را رسما مثل سال ۱۹۰۷ علنی نمائیم بواسطه اینکه شاید تصور بشود که این اقدام ما یك نوع همراهی باشاه بوده است

نمره ۱۳۰

تلگراف مستراوبرن بسر ادواردگری مورخه ۲۲ ژون ازپطرزبورغ

مسیو ایزوالسکی موافقت تام با مضمون تلگراف ۲۰ این ماه شما که دیروز من باو ارائه دادم دارد دستور العمل بطوریکه شما پیشنهاد نموده بودید بسفیر روس در طهران فرستاده شد

امروز من از مضمون تلگراف ۲۱ مستر مارلین مسیو ایزوالسکی را مطلع ساخته و بایشان اظهار نمودم که هنوز دراین خصوص دستور العملی برای من نرسیده است ایشانهم قول دادند که در اینخصوص دقت نظری خواهند نمود

نمره ۱۳۱

تلگراف مسترمارلین بسرادواردگری مورخه ۲۳ ماه ژون ازطهران

راجع بتلگراف دیروز شما

دیروزشاه سفیر روس را ملاقات نموده وسفیر روس بشاه نصیحت نمود که بطور مصلحانه بامجلس رفتار نماید اعلیحضرت شاه جواب داد که او حسیات مخالف آمیزی نسبت بمجلس ندارد و اظهار داشتند که ایشان فقط مایلند که ازتهدیدات انجمن ها وحملات جراید که محرك آنها ظل السلطان است مامون گردند اعلیحضرت شاه بعلاوه گفتند که دلائل مثبته در دست دارند که ظل السلطان مشغول تحریك برای خارج نمودن شاه ازسلطنت است

نمره ۱۳۲

تلگراف مسترمارلین بسرادواردگری مورخه ۲۳ ژون ازطهران

تقریبا در ساعت شش قبل از ظهر امروز شاه بیست نفر قزاق برای دستگیرنمودن هشت نفرکه درمسجد جنب بمجلس بودند فرستاد تسلیم نمودن این اشخاص قبول نگردید وتیری هم ازمجلس

انداخته سپس جنك شروع شد وتابحال هم مداومت دارد وعده مقتولین هم از قراری که میگویند زیاد است قشون شاه توپ استعمال مینمایند

نمره ۱۳۳

تلگراف مسترمارلین بسرادواردگری مورخه ۲۳ ژون ازطهران

راجع بتلگراف امروز من

قشون شاه مردم را ازعمارت ومجلس ومسجد خارج نموده وانجمن آذربایجان را منهدم نمودند

شاه سیدعبدالله وشیخ الرئیس وتقریبا ده نفر دیگرازرؤسای مشروطیون را دستگیر نموده است ازبریکاد قزاق چهل نفر مقتول گردیده اند عده مقتولین طرف مقابل از قرارکه میگویند خیلی قلیل است ولی عدهٔ صحیح هنوزمعلوم نگردیده است قانون نظامی درشهراعلان گردیده و انجمنها متفرق شدند

عدهٔ ازدکاکین وخانها که خانه ظل السلطان وعمارت مجلس هم درجزء آنها است غارت شده است

مسیوهارتویك ومن مترجمین خودرا نزدشاه فرستاده که ازشاه استدعا نمایند که اقدامات اکیده برای برقراری نظم وحفظ اروپائیها بنمایند بعلاوه مابمترجمین دستورالعمل دادیم که بشاه اطمینانی را که اودرماه دسامبر ۱۹۰۸ بمادادہ بود خاطر نشان نموده وتقاضا نمایند که اعلانی مبنی براینکه شاه مایل به برهم زدن مشروطیت نیست از طرف شاه صادر گردد

من باتاشه میلتر که امشب در طهران توقف خواهد نمود

دستورالعمل دادم که اگر ممکن میشود نگذارد که کسی درسفارت تحصن اختیار نماید

مآژر استوکس راپورت میدهد که تا بحال اقدامی نشده است وشهرهم خاموش است

نمره ۱۳٤

تلگراف سرادوارد گری بمستر ابیرن مورخه ۲۳ ماه ژون از وزارت خارجه لندن

راجع بتلگراف دیروز شما

خواهش میکنم که شما بوزیرامورخارجه اطلاع بدهید که من باعقیده مسترمارلین درخصوص علنی نمودن هردو مکاتبات بهمان طریقی که درماه دسامبر ۱۹۰۷ بعمل آمد شریك هستم شما خوب است که تقاضای کمك ازایشان نموده تااینکه دستورالعمل بطوریکه پیشنهاد شده بنمایندگان خود هرچه زودتر ممکن است فرستادهشود

از اینکه جناب ایشان قبول پیشنهاد من را نموده اظهار رضایت نمائید

نمره ۱۳۵

تلگراف سر ادوارد گری بمستر مارلین مورخه ۲۹ ژون از وزارت خارجه لندن

راجع بتلگراف ۲۲ این ماه مستر اوبرن و تلگراف ۲۰ اینماه من بمستر اوبرن

خواهشمندم که موافق تلگراف مذکوره باتفاق مسیو هارتویك اقدام نمائید

نمره ۱۳٦

تلگراف مستر مارلین بسرادوارد گری مورخه ۲۴ ژون ازطهران

راجع بتلگراف ۲۳ اینماه من

درجواب پیغام ما شاه اطمینان کاملی داده واحکام مخصوصی برای محافظت تلگرافها و بانك شاهنشاهی صادر گردید ونیز درشب گذشته تقی زاده و یك وکیل دیگر و پنجنفر روز نامه نویس از ترس خطر جانی بسفارت شهر تحصن اختیار نمودند شاه تقریبا ٦ نفر از رؤسای ملّیون را که اغلب آنها اعضای انجمنها و روز نامه نویس هستند دستگیر نموده است

من گمان نمیکنم که خطری برای اروپائیها باشد وشهر هم بحال آرامی باقی است

نمره ۱۳۷

تلگراف مستر مارلین بسر ادوارد گری مورخه ۲۴ ژون از طهران

باوجود کوشش آتاشه میلیتر بمنع دخول عده متحصنین به سفارت در تزاید است

نمره ۱۳۸

تلگراف مسترمارلین بسرادوارد گری مورخه ۲۵ ژون ازطهران

راجع بتلگراف سابق من

تیر اوّل بدون شك از طرف اشخاصی که در مسجد و مجلس بودند خالی گردید عدهٔ از وکلا هم مابین آن اشخاص بودند من گمان میکنم تهیه کاملی قبلاداده شده بود که درصورت لزوم مردم را بقوه قهریه از مسجد خارج نمایند در هرصورت شاه بهانه کافی برای این اقدامات سخت در دست داشت بواسطه اینکه

حمله بدواً از طرف ملّیون بقشون گردید خانهای یکی دو نفر از معروفین را که نسبت بانها در شرکت در این هیجان برعلیه شاه سوء ظن برده میشد بحکم شاه بتوسط توپ دررا باز نموده واسابیه آنرا بغارت بردند در اینمدت دو روز چهار خانه را اینطور نموده وگمان برده میشود که بعدهٔ از خانهای دیگر هم اینطور رفتار بشود برای دستگیر نمودن وکلا کوشش میشود و عده از آنها را که رئیس مجلس هم جزء آنها است تابحال دستگیر شده‌اند

ظاهراً انجمنها ترسیده طرفداران آنها فرار نموده وشاه قادر مایشاء است دونفراز محبوسین را دیروز در اردوی شاه طناب انداختند بعلاوه وکلا سی نفر از اشخاص دیگر محبوس هستند الحال درسفارت پنجاه نفر متحصن اند جنك درتبریز مابین مشروطیون و طرفداران شاه در جریان است

ازایالات دیگر خبری نیست وظل‌السلطان میخواهد خودرا از این هیجان خارج نماید بعقیده من احتمال خطری برای اروپائیها نیست

نمره ۱۳۹

تلگراف مسترمارلین بسرادواردگری مورخه ۲۵ ژون ازطهران

راجع بتلگراف امروز من

دیروز عصر منشی وزارت امور خارجه از من درسفارت ملاقاتی نموده و از طرف شاه پیغامی باین عنوان برای من آورد که اعلیحضرت شاه ازشنیدن اینکه سفارت مردم را بتحصن درآنجا ترغیب مینماید بسیار متحیر شده و اظهار میدارند که این اقدام

مخالف باپولتیك عدم مداخله است

من جواب دادم که متحصنین باراده من داخل سفارت نشده بلکه برعکس بر خلاف میل من آمده اند و راپورتی که برای آن اعلیحضرت رسیده است بی اصل است من اظهار نمودم که هر چند که من میل بمداخله ندارم لیکن در بعضی مواقع است که فرو گذاری برخلاف انسانیت میشود و بدبختانه این دو فقره قتل در اردوی شاه ثابت مینماید که اشخاصیکه در سفارت بست اختیار نموده اند بی علّت ازخطر جانی خوف نداشته اند ودر صورتیکه من از تحصن سایرین جلو گیری نموده ونخواهم گذاشت اشخاصی که فعلا در سفارت متحصنند شرکت در زد و خورد موجوده نمایند لیکن تسلیم اشخاصی که طلب حمایت مارا نموده اند بدون ضمانت کاملی ازترتیب محاکمه آنهاممکن نخواهدبود مگراینکه ازدولت متبوعه خود دستور العملی برای من واصل گردد من اظهار نمودم که اعلیحضرت شاه اطمینان کاملی بمن داده است که از مشروطیت نگاه داری نماید در صورتیکه دستگیر نمودن وکلا وحمله برمجلس بنظر من مثل خیال برهمزدن مشروطیت است بعلاوه من اظهار نمودم که باتأسف زیاد من شنیده ام که دو نفر دیگر از محبوسین هم محکوم بقتل گردیده‌اند و ضمنا اظهار امید نمودم که شاه دیگر حکم بقتل دیگری ندهد

چند ساعت بعد من از وزیر امور خارجه ملاقاتی نموده در منزل مشارالیه همان منشی وزارت خارجه را ملاقات نمودم من مطالب مذکوررا دو مرتبه برای وزیر امور خارجه تکرار نمودم منشی

عازم باغ شاه گردید و جواب ذیل را از شاه برای من آورد

شاه اظهار نموده اند که نظر باوضاع شهر آن اعلیحضرت مجبور شده‌اند که اقدامات برای استقرار نظم بعمل بیاورند وبواسطه اعلان قانون نظامی مشروطیت وقوانین عدلیه موقتا موقوف گردیده ولیکن آن اعلیحضرت قولی که سابقا داده اند فراموش ننموده و به آن عمل خواهند نمود . قتل دیگری بعمل نخواهد آمد و آن اشخاصی که کشته اند محاکمه صحیحی در حق آنها بعمل آمده است و بعلاوه شاه از من تقاضا نموده بود که صورتی از اسامی متحصنین برای ایشان بفرستم من این تقاضارا قبول ننموده واظهار نمودم که بهیچوجه برای من اطمینانی نیست که محاکمه صحیحی در حق این دو نفر مقتول بعمل آمده باشد و من تکراراً اظهار نمودم که جد کامل خواهم نمود که نگذارم سایرین در سفارت متحصن گردند ولیکن اقدام دیگری نخواهم نمود مگر بدستورالعمل از دولت متبوعه خود

در موقعی که منشی مزبور حاضر نبود من بعلاء السلطنه اظهار نمودم که شاه برای ثبوت صمیمیت خود خوب است که محاکمهٔ علنی در حق مقتولین بعمل بیاورد وفوراً هم مجلس را باز نماید حضرت معظم‌الیه قول بمن دادند این طریق را بشاه اصرار خواهد نمود علاء السلطنه اشاره نمودند که ممکن است شاه برای اینکه جلو گیری از تحصن مردم در سفارت نماید عده سرباز دور اطراف آنجا مأمور نماید

من جواب دادم که بجز ترتیب صلح‌آمیزی اجازه نخواهم

داد که ترتیب دیگری جلوگیری بشود ودستورالعمل بماژور استوکس داده ام که تا زمانیکه دستورالعمل از دولت متبوعه خود برای من نرسیده هیچکس را اجازه دخول ندهد

بعدازاینکه من ازشهرخارج شدم مستحفظ به نزدیکی درسفارت گذارده شد

نمره ۱۴۰

تلگراف مسترمارلین بسرادوارد گری مورخه ۲۵ ژون ازطهران

برای جلوگری دخول مردم بسفارت قشون دراطراف باغ گذارده شده و حتی برای نوکرهای سفارت هم دررفت وآمد اشکال است بعقیده من این اقدام بسیار بی ادبانه است و بر علیه این اقدام پروتست خواهم کرد

نمره ۱۴۱

تلگراف مسترمالین بمستر اوبرن مورخه ۲۵ ژون از وزارت خارجه لندن

شما خوب است که وزیرامورخارجه را ازمضمون تلگراف امروز مسترمارلین و جوابی که من بان تلگراف فرستاده ام مطلع سازید و خواهش نمائید که جناب ایشان باقدامات مسترمارلین همراهی نمایند

شارژدافر دولت اعلیحضرتی دستورالعمل باتاشه میلیتر داده بود که نگذارد کسی بست درسفارت اختیارنماید ولی غیرممکن بود که این دستورالعمل کاملا بموقع اجرا گذارده شود وبنابراین عدهٔ بستی الحال در سفارت هستند تعلمات بمستر مارلین فرستاده شده که

جلوگیری از تحصن سایر اشخاص دیگر نماید ولی پر واضح است که ما نخواهیم توانست اشخاص را رد نمائیم درصورتی که جان آنها در خطر است

دولت اعلیحضرتی بهیچوجه قبول این را نخواهد نمود که شاه برای ممانعت از رفت و آمد قشون در اطراف سفارت اعلیحضرتی بگذارد و این اقدام بسیار بی ادبانه است

آرزوی صمیمی دولت اعلیحضرتی این است که جلوگیری از اشکالات نماید و خیلی اسباب تاسف خواهد بود اگر در اینموقع دولت اعلیحضرتی برای حفظ شئونات خود مجبور به بعضی اقدامات بر علیه شاه بشود

درصورتیکه فوراً خارج نشوند این اقدام حتمی خواهد گردید

شما بجناب ایشان پیشنهاد نمائید که خوب است دستور العمل بنمایندگان دولتین فرستاده شود که آنها متفقا بشاه فشار آورده تا اینکه محاکمه عادلانه از تمام اشخاصی که دستگیر شده اند کرده شود و مجلس را هم باز نمایند

نمره ۱۴۲

تلگراف سرادوارد گری بمستر مارلین مورخه ۲۵ ژون از وزارت خارجه لندن

اقدامات و بیانات شما بطوریکه در تلگرافات امروز شما راپورت آن داده شده مورد تصویب تام من واقع گردیده است

تا اینکه ضمانت از محاکمه صحیح و باقراری برای بردن آنها سالما تاسرحد داده نشود شما از تسلیم آن اشخاصیکه فعلا متحصن اند امتناع نمائید شما خوب است که بدولت ایران اطلاع بدهید که

دولت اعلیحضرتی بهیچوجه قبول این را نخواهند نمود که شاه قشون در اطراف سفارت اعلیحضرتی بگذارد و تقاضا بنمائید که فوراً آنها برداشته بشوند درصورت نکردن این اقدام فوراً اقدامات لازمه از طرف دولت اعلیحضرتی برای جبران این بی احترامی بعمل خواهد آمد

نمره ۱۴۳

تلگراف مستر اوبرن بسرادوارد گری مورخه ۲٦ ژون از پطرزبورغ

راجع بتلگراف ۲۵ اینماه شما

مسیو ایزوالسکی بمن قول داد که تعلیمات تلگرافی بمسیو هارتویك فوراً فرستاده خواهد شد که بتقاضای مستر مارلین برای خارج شدن سربازها از اطراف سفارت همراهی نماید

مسیو ایزوالسکی جوابی عجالتا درخصوص باز شدن مجلس نداد باینواسطه که تلگرافی از مسیو هارتویك برای او رسیده مشعر براینکه در هر دقیقه انتظار برده میشود که شاه دستخطی برای تعیین موقع انتخابات صادر نماید

نمره ۱٤٤

تلگراف مستر مارلین بسرادوارد گری مورخه ۲٦ ژون از طهران

رئیس مجلس ویك وکیل دیگر که دستگیر نشده اند بسفارت فرانسه متحصن گردیده اند وزیر مالیه و خانواده او بسفارت ایتالی متحصن شده اند سید عبدالله و سید محمد تبعید خواهند شد ولی محل بردن آنها معلوم نیست هرچند که شهر خاموش است ولی اضطراب عمومی باقی است و قشون مشغول تجسس اسلحه و بمب است از قراریکه

میکویند در اردوی شاه شصت وچهار نفر محبوس هستند در تبریز جنك مداومت دارد ولی سایرایالات خاموشی باقی است کلنل لیاخوف بحکومت شهرمنصوب گردیده وازقرارمعلوم دارای اقتدارات زیاداست

شاه اعلانی مشعر برانحلال مجلس صادرنموده اعلان مذکور اشعارمیدارد که انتخابات جدید در سه ماه دیگر بعمل خواهد آمد و مجلس سنائی هم تشکیل داده خواهد شد

نمره ۱۴۵

تلگراف مسترمارلین بسرادواردگری مورخه ۲۶ ژون ازطهران

ظل‌السلطان از من تقاضای کمك و حمایت نموده است حضرت والا پس از یاد آوری ازخدمات جدید در شیراز ودوستی قدیم ایشان باسفارت اعلیحضرتی استدعا مینماید که من اقدامی نموده ایشانرا در حفظ املاك و امنیت خانواده و بستکان مطمئن سازم حضرت مشار الیه حاضر است که باصفهان و یااروپا حرکت نماید و بااینکه در صورت امداد پولی برای حرکت در شیراز توقف خواهد نمود

نمره ۱۴۶

تلگراف مسترمارلینك بسرادواردگری مورخه ۲۷ ژون ازطهران

راجع بتلگراف ۲۵ اینماه شما

امروز عصر وزیر امور خارجه ازمن ملاقاتی نموده و پیغام ذیل را از طرف شاه بمن ابلاغ نمود اعلیحضرت شاه حاضر است که بتمام اشخاصیکه در سفارت متحصن شده اند عفو عمومی عطا نماید ومایل هم نیستند که هیچکدام آنها محاکمه بشوند حرکت

اشخاص مذکور شرط عفو آنها نخواهد بود ولی درصورتی که بعضی از آنها خارج بشوند باعث خوشحالی شاه خواهد گردید

در جواب من شرط نمودم که شاه باید عفو آنها را امضا نماید و هرچند که جناب وزیر بدواً اظهار نمودند که قول فقط کافی خواهد بود ولی بالاخره قبول نمودند که عفو نامهارا بامضای شاه برسانند بعلاوه من اظهار نمودم که در صورتیکه عفو بدون شرط از طرف شاه عطا گردد آنوقت دیگر من نخواهم توانست مسؤلیت خارج شدن بعضیهارا بعهده بگیرم چونکه پیشنهاد وزیر امور خارجه بنظر من موافق شرایط پیشنهاد شما بود لهذا من قبول نمودم که یاد داشتی بجناب ایشان نوشته و مضمون صحبت خودمان را در آن درج نمایم و در صورتی که جواب یاد داشت مذکور رضایت بخش بود جناب ایشان قبول دارند که جواب را برای شما بفرستند

جناب وزیر اظهار داشتند که دو فقره اعلان مشعر بر عفو از طرف شاه صادر گردیده است ولیکن از طرف دیگر قانون نظامی در تمام شهرهای ایران اعلان گردیده وموافق قانون نظامی هرنوع اجتماعات عمومی و حمل اسلحه ممنوع میباشد و بسربازان اجازه داده شده که در صورت بی احترامی اسلحه خود را استعمال نمایند

نمره ۱۴۷

تلگراف مسترمارلینك بسرادواردگری مورخه ۲۷ ژون از طهران

راجع بتلگراف امروز من

وزیر امور خارجه عقیده مرا در خصوص اعلانات شاه

سؤال نموده من عقیده شخصی خود را اینطور اظهار نمودم که اگر انتخاب مجلس جدید تاسه ماه دیگر بعهده تعویق افتد آن وقت دولت اعلیحضرتی گمان نخواهند نمود که شاه قولی را که برای نگاه داری مشروطیت داده بان قول عمل ننموده است

علاء السلطنه جواب داد که هیئتی مرکب از ۱۸ نفر وکیل وعده از تجار خدمت شاه مشرف شده و اظهار رضایت از اقوال و اطمینانات شاه نمودند شاه تابحال دو اعلان عفو عمومی صادر نموده و خیال کشتن اشخاص دیگریرا هم ندارد فقط تابحال دونفر کشته شده اند و دونفر مجتهد هم بااحترامات لازمه بکربلا فرستاده شده اند چندین نفر هنوز تقاضای دخول بسفارت نموده‌اند وظاهراً اعلانات شاه تسکینی باضطراب مشروطیین نداده است

نمره ۱۴۸

تلگراف مسترمارلیك بسرادواردگری مورخه ۲۷ ژون ازطهران

راجع بتلگراف ۲۵ اینماه شما

مستحفظ دراطراف سفارت اعلیحضرتی

من بوزیر امور خارجه حالی نمودم که چه اندازه گذاردن قشون در اطراف سفارت جلب دقت دولت اعلیحضرتی را نموده است جناب ایشان قول دادند که ازاینواقعه کتبا عذر خواهند خواست

نمره ۱۴۹

تلگراف سر ادواردگری بمستر اوبرن مورخه ۲۷ ژون از وزارت خارجه لندن

شما خوب است که بمسیو ایزوالسکی اطلاع بدهید که

ظل السلطان از ما طلب حمایت نموده است (تلگراف ۲۶ ژون مستر مارلینك را ملاحظه نمائید) و همچنین بجناب ایشان اطلاع بدهید که ما مایل هستیم که در هر اقدامی که خواهم نمود دولت روسیه باما همراهی نماید و از ایشان سؤال نمائید که آیا دولت روسیه همراهی خواهد نمود که ازدولت ایران اجازه خروج ظل‌السلطان از ایران باداشتن املاك خود تقاضا بشود شما این مطلب را درست خاطر نشان ایشان بکنید که آرزوی ما بر آن است که اشکالات دیگری در امورات روی ندهد و بعقیده ما بهترین راه به نیل این مقصود نبودن ظل‌السلطان در ایران است نظر بهمراهیکه باما دولت روسیه در مسئله جلو گیری تحریکات ظل السلطان بر علیه شاه بوده نمودیم الحال ما مخصوصا مایلیم که دولت روسیه باما متفق شده و موافق شرایط مذکوره یکنوع حمایت بظل‌السلطان کرده باشیم

نمره ۱۵۰

تلگراف سر ادواردگری بمستر اوبرن مورخه ۲۷ ژون از وزارت خارجه لندن

شما خوب است که بوزیر امور خارجه اطلاع بدهید که چون عمل کردن بطریق ماه دسامبر گذشته باعث بسی اشکالات خواهد بود من برای شارژدافر اعلیحضرتی دستور العمل فرستاده‌ام که باسفیر روس مشورت نموده معلوم سازد که بچه طریق مؤثری ممکن است خاطر عموم را از اقدامات متحدانهٔ که جدیداً ازطرف دولتین بعمل آمده مستحضر سازید

نمره ۱۵۱

تلگراف سراواردگری بمستر مارلینك

وزارت خارجه ۲۷ ژون ۱۹۰۸ در باب مسئله که تلگراف ۲۷ ژون بمستراوبرن تلگراف نمودم بترتیبی که درتلگراف ذکر شد اقدامات متفقه عمل نمایند

نمره ۱۵۲

تلگراف مسترمارلینك بسرادواردگری (واصله ۲۸ ژون ازطهران)

طهران ۲۸ ژون ۱۹۰۸

امروز صبح دودسته مرکب از ۲۸ نفر دور سفارت گردش نموده و ده نفر پلیس هم برای حفظ درب آنجا برقرار گردید مضمون تلگراف ۲۵ شهر جاری شمارا برای وزیر امور خارجه نوشتم

نمره ۱۵۳

تلگراف مستر مارلینك بسرادواردگری . ـ (واصله ۲۹ ژون)

طهران ۲۸ ژون ۱۹۰۸ عساکر امروز بعد ازظهر درواقع سفارترا محاصره نمودند و بعضیها برای آنکه ببینند درون باغ چه خبر است بالای درختهای دور سفارت رفته بودند

مستر چرچیل فوراً حضور شاه رفت که او را از مضمون تلگراف ۲۵ شهرجاری شمامستحضر سازد وابرازاظهاردارد که اقدامیکه سفارت در مسئله قبول متحصنین نموده خالصا از روی نوع پرستی و انسانیت بوده است

منشی شخصی وزیر امور خارجه در این حین بملاقات من آمده باو آشکارا اظهار داشتم که هرگاه این بی احترامیها دوام پیدا

کند من یقین دارم که دولت اعلیحضرتی بندری در خلیج فارس تصرف خواهند نمود منشی مذکور عذری نداشت ارائه نماید

کلنل لیاخوف که حکومت شهر نیز بعهده اوست مأمور مسؤل حالیه است

نمره ۱۵۴

تلگراف مستر مارلینك بسر ادواردگری . ـ (واصله ۲۹ ژون)

طهران ۲۹ ژون ۱۹۰۸ جلو گیری از مردم در آمدن و متحصن شدن در ده قلهك امکان ندارد چند نفری تاکنون آمده وممکن است باز هم بیایند

گمان میکنم خوب است از آنها هم حفاظت نمائیم

نمره ۱۵۵

تلگراف مستر مارلینك بسر ادواردگری . ـ (واصله ۲۹ ژون)

طهران ۲۹ ژون ۱۹۰۸ راجع بتلگراف ۲۸ شهر جاری من وقتیکه مسترچرچیل شاه را ملاقات نمودواومتمایل بخودسری بود وهیچ وعده صریح نمیداد علاء الدوله که درحضوراوحاضربود اظهار داشت که عنقریب عساکر از دور سفارت بر داشته خواهد شد

امروز صبح هیچیك از عساکر آنجا دیده نشد ولی هشت ژاندارم مسلح گردش میکردند ونزدیك ساعت ده ۶ سرباز خودرا نشان داده بودند وبرعده ژاندارمها افزوده شده بود یکنفر دیگر که بسفارت میامد صبح دستگیر شد

نمره ۱۵۶

تلگراف سرادواردگری بمستر مارلینك

وزارت خارجه ۲۹ ژون ۱۹۰۸ درباب تلگرافات ۲۷ شهر جاری شما در خصوص اوضاع عمومی ایران

شما مجاز میباشید که ازشاه وثیقه ممضی برای تامین جان اشخاص که حالیه در سفارت بست اختیار نموده‌اند قبول نمائید واورا متنبه سازید که در صورتیکه التزام نامه خود را کاملا طابق النعل بالنعل مراعات ننماید نتایج آن بی اندازه وخیم خواهد بود

اعلان قانون نظامی لزوما باعفو کلیه تقصیرات منافات ندارد

نمره ۱۵۷

تلگراف سرادواردگری بمستر مارلینك

وزارت خارجه ۲۹ ژون ۱۹۹۸ متحصنین قلهك درباب تلگراف ۲۹ شهر جاری شما باید اشخاصی را که درده متحصن می شوند بغیر از مرتکبین جنحه و جنایات مثل سایر دهقانان تصور نمائید

نمره ۱۵۸

تلگراف سرادواردگری بمسترمارلینك

وزارت خارجه ۲۹ ژون ۱۹۰۸ تلگراف ذیل از طرف شاه در تاریخ ۲۶ شهر جاری برای اعلیحضرت مخابره شده است

اخیراً اقداماتی برای تنبیه بعضی مفسدین که بتحریك ظل‌السلطان میخواستند مرا ازتخت وتاج وجقه موروثی خودمحروم سازند نموده ام من باترتیبی که فراهم نموده بودم مخالفتی نداشتم

ولی ازطرف دیگر مفسدین چنان باعث اغتشاش مملکت شده بودند که دولت و وکلای مجلس شوری (مجلس ملی) کاری از ایشان پیشرفت نمینمود بنا براین من اقدامات برای تخویف و تنبیه مفسدین نمودم من کمال تاسف را دارم ازاینکه درچنین موقع مهمی شارژدافر اعلیحضرتی (بترغیب مسترچرچیل ومازر استوکس آتاشه نظامی) غلامهای خود را که از اعضای انجمنهای مفسد میباشند فرستاده ومفسدین‌را بسفارت دعوت کرده اند اینمسئله دخالت آشکار در امورات داخلی ایران است شکی نیست که اگر بجای این شارژدافر یك سفیر باتدبیر عاقلی درطهران بود ـ مثل سفرای دیگر البته درب سفارتخانه آن اعلیحضرترا مثل سایر سفارتخانهای طهران بی بست و آنهارا نمی پذیرفت در تحت این اوضاع من بطور غیر رسمی (دوستانه) از آن اعلیحضرت تمنا دارم ـ برادر خوب محترم من ـ که شارژدافر را از اینکارها باز داشته سفیر کاملی بفرستید که بتواند از اعضای سفارت جلوگیری نموده سفارت محترم آن اعلیحضرت در انظار عامه مردم پناه گاه اشخاص بد عمل و شریر جلوه‌گر نشود از ارسال جواب مساعد آن اعلیحضرت بی‌اندازه متشکر و ممنون خواهم شد

نمره ۱۵۹

تلگراف سرادواردگری بمستر مارلینك

وزارت خارجه ۲۹ ژون ۱۹۰۸

لطف نموده ترجمه تلگراف ذیلرا که ازطرف اعلیحضرت بعنوان شاه مخابره شده تقدیم نموده سواد آنرا نزد وزیر امور

خارجه بفرستید : ـ

تلگراف ۲۶ شهرجاری اعلیحضرت شما واصل گردید من بهیچوجه من‌الوجوه میل نداشته ومنافعی برای خود درنظر ندارم که درامورات داخلی مملکت شمادخالت نمایم وامیدوارم شما درآنمملکت ازروی عدالت وانسانیت سلطنت خواهید فرمودکسیرا به تحصن در سفارت طهران دعوت ننموده‌ایم واگرچه بعضی از رعایای شما از ترس جان خود خواسته اند در آنجا بناهنده شوند اعلیحضرت شما بخوبی آگاه هستید که در مملکت شما مرسوم نیست که ازپناه دادن باشخاصی که مقصرجنحه وجنایات نباشند امتناع‌شود وآنهائیکه فعلا درسفارت من میباشند همینکه تامینات صحیحه داده شود از آنجا خارج خواهند شد اینکه درتلگراف آن اعلیحضرت اظهار شده که شارژدافر من مفسدین را بسفارت دعوت نموده بکلی مغایر باحقیقت است چون او برحسب عادات معموله آنمملکت عمل نموده و تمام مردم را به تحصن درآنجا تشویق و تحریص ننموده است اعمال عساکرشمارا که سفارت مرا محاصره نموده واشخاصی را که بیرون میامدند دستگیر میکردند توهینی است که نمیتوان تحمل آنرا کرده وهرگاه اقدامات فوری برای انتها دادن باین اوضاع بعمل نیاید من و دولت من ازروی بیمیلی مجبور خواهیم گردید که اقدامات برای حفظ شئونات بیرق خود بنمائیم

من بفطانت وحسن نیت شارژدافر خود ازهرحیث اعتماددارم بدبختانه متجاوز ازدوسال است که ایران درلندن سفیری نداشته که وزیر امور خارجه من با او در باب مسائلی که مربوط بمناسبات دو

مملکت است مذاکره نماید اگرچه درماه اکتوبر ۱۹۰۸ من تعیین سفیر جدیدی را که شما انتخاب نموده بودید قبول نمودم وازقرار مفهوم اوهنوز دربرلن است

نمره ۱۶۰

تلگراف مستراوبرن بسرادواردگری . ـ (واصله ۳۰ ژون)

سنت پطرزبورغ ۳۰ ژون ۱۹۰۸ راجع‌بتلگراف شهرجاری شما بمسیو دوهارت ویك دستورالعمل رسیده که با مستر مارلینك ترتیبی داده بدانوسیله مضمون مراسله متحد المالی را که دو نفر نماینده بشاه تقدیم نموده اند بطوردلخواه نشردهند

نمره ۱۶۱

تلگراف مسترمارلینك بسرادواردگری . ـ (واصله ۳۰ ژون)

طهران ۲۹ ژون ۱۹۰۸ عساکر دورسفارت اعلیحضرتی دولت ایران درمقابل اظهارات من جوابی غیرمکفی ارسال داشته یك کلمه درباب ترضیه خواستن درآن شامل نیست

واضح است که قراولان را محض آن قرارداده اند که اتصالا بطورمؤثر ازسفارت کشیك بکشند وپلیس ها که بالای دیوار های باغ هستند اگرکسی داخل وخارج میشود اطلاع میدهند در واقع محاصره عساکر اگرچه مثل سابق چندان نمودی ندارد ولی بهمان طریق مجری است

نمره ۱۶۲

تلگراف مسترمارلینك بسرادواردگری . ـ (واصله ۳۰ ژون)

طهران ۳۰ ژون ۱۹۰۸ راجع بتلگراف قبل ازاین‌وزیر

امورخارجه دیشب تلگرافی برای من فرستاده درضمن آن بامرشاه اظهارتاسف فوق‌العاده ازوقوع حادثه اخیرنموده اظهار داشت که اوامرمؤکد بمراکز لازمه داده شده ازقراری که اومذکورداشته علت وقوع این اتفاقات سهوی است که ازطرف مامورین خارج ازاندازه مایل بانجام وظایف خود بوده اند درجواب رسمی مذکورداشتم که توضیحات اورا بدولت متبوعه خود اطلاع خواهم داد ولی درکاغذ شخصی خود حضرت معظم‌الیه را متنبه نمودم که شك دارم ازاینکه دولت اعلیحضرتی فقط ترضیه خواستن را برای جبران توهیناتی که درملاء بسفارت اعلیحضرتی واردآمده مکفی تصور نمایند

سفارتخانه‌اعلیحضرتی پنج‌روزتمام درتحت محاصره بودومن بانهایت اشتیاق‌امیدوارم که دولت‌اعلیحضرتی این‌ترضیه خواهی را قبول ننماید عساکر تامسافت چندذرعی فاصله ازدرب سفارت ازیك سوار هندی ویك غلام را که تبعه انگلیس بودند ولباس رسمی دربرداشتند وبسته وزارت خارجه را میاوردند چند نفر از مستخدمین غیر مطلع سفارت جلوگیری‌ازدخول نمودند وهنگامیکه منشی السنه شرقی‌ایرانی باتفاق یکنفرازمستخدمین که لباس رسمی دربرداشت درحرکت بود بعضی تفنگ بکالسکه اوقراول رفته بودند و بشخص دیگری که فعلا دستگیرش نموده اند شلیك کرده واشخاصی را که بکلی بی تقصیر بوده اند بمسافت چندقدم ازدرب سفارت گرفتار نموده اند

عساکرسفارت اعلیحضرتی درواقع هماقدر احترامی که‌نسبت باهالی درتحت قانون نظامی معمول داشته مرعی داشته اند

دولت ایران به پروتستهای بسیار سخت من بی اعتنائی کرده

ونقض اطمینانات صریحه خودرا کرده اند

نمره ۱۶۳

تلگراف مسترمارلینك بسرادواردگری . – (واصله ۳۰ ژون)

طهران ۳۰ ژون ۱۹۰۸ راجع بتلگراف امروزمن پلیس ها باقی هستند ولی‌مستحفظین که گردش میکنند امروزصبح ناپدید شدند

نمره ۱۶۴

تلگراف سرادواردگری بمستر مارلینك

وزارت خارجه ۳۰ ژون ۱۹۰۸ راجع بتلگراف ۳۰ ژون شما وزیر امورخارجه را باید اطلاع دهیدکه ترضیهٔ که بعمل آمده بهیچوجه درمقابل‌موقع بسیارمهمی که بی‌احترامیهای مکرره برسفارت اعلیحضرتی تولید نموده مکفی نمیباشد مافعلا مشغول تعیین و ترتیب مطالبات خود هستیم وشمارا حتی‌الامکان زودتر مستحضر میداریم

تصورمیکنم فعلاپلیس وقشون ازدوروحوالی سفارت برداشته‌شده

نمره ۱۶۵

تلگراف مستراوبرن بسرادواردگری . – (واصله غره ژوئت)

سنت پطرزبورغ غره ژوئت ۱۹۰۸ راجع بتلگراف ۲۷ شهرگذشته شما ازطرف دولت روس یادداشتی برای‌من رسیده مشعر براینکه آندولت موافقت مینمایند چنانچه پیشنهادشده اظهارمتحدالمالی بشاه بشود که بظل‌السلطان وخانواده وبستگان اواجازه داده شود از خاك ایران باتامین جان ومال خارج شوند وتصورمیکنند خوب‌است بطوری که نمایندگان انگلیس و روس موافقت نمایند ظل‌السلطان قرارداد های سال ۱۹۰۷ خود را جدا تجدید وتصدیق نموده وعده

صریح دهد که پس از تحصیل اجازت فوراً بطرف اروپا رهسپارشود دولت روس اینطور پیشنهاد میکنند که خوب است شاه زاده معظم‌الیه ازبوشهر که نزدیکترین بندراست بکشتی سوارشود

نمره ۱۶۶

تلگراف مسترمارلینك بسرادواردگری . ـ (واصله غره ژویت)

طهران غره ژویت ۱۹۰۸ راجع بتلگراف ۲۹ شهر گذشته شما تازمانیکه قانون نظامی مجری است اعتماد حقیقی درمیان مردم وجود نخواهد داشت و اعلان عفو عمومی را عموم تصور میکنند برای آن داده شد که اشخاصی که خودرا مخفی داشته اند و شاه میخواهد آنهارا بدست آورد بیرون بیایند

عقیده من براین است بتوانم عده کثیری از بستیها را در صورتیکه قانون نظامی موقوف شود تحریص بترك سفارت نمایم‌ولی فعلا ازآن میترسند که برحسب مواد اعلان قانون نظامی آنهارا ببهانه آنکه در سفارت اعلیحضرتی بست اختیار نموده‌اند دستگیر نمایند

نمره ۱۶۷

تلگراف سرادواردگری بمسترمارلینك

وزارت خارجه غره ژویت ۱۹۰۸ راجع بتلگراف ۳۰ ماه گذشته من دولت اعلیحضرتی تصمیم نموده اند که مطالبات ذیل را از دولت ایران تقاضا بنمایند : ـ

(۱) عساکر و پلیس فوراً ازجلو راههای دخول بسفارت برداشته شود و تبعه انگلیس و نوکر ها را آسوده گذارده مزاحم آنها نشوند

(۲) پس از آنکه اطلاع لازم داده شد یکی ازمأمورین دربار از طرف شاه و وزیر امور خارجه از طرف دولت ایران بطور رسمی ترضیه کامل بخواهند و هردو ایشان باید لباس رسمی دربر داشته باشند

(۳) استخلاص فوری تمام اشخاصیکه اخیراً در موقعیکه برای کارهای معمولی خود داخل سفارت شده یاازآن خارج میشدند و دستگیر گردیده اند

(۴) وثیقه کتبی برای مال وجان بستیها داده شود و از طرف شاه ممضی باشد

(۵) ازبستیهائی که متهم بجنحه و جنایات بوده وتقصیرات پلتیکی نداشته اند در حضور یکی از اعضای سفارت اعلیحضرتی محاکمه خوبی بشود

شما باید اینمطالبات را بشاه و دولت ایران عرضه داشته اظهار نمائید که دولت اعلیحضرتی طرح اینمطالباترا ریخته وموقع مهمی را که بواسطه بی‌احترامیهای مکرره که از طرف عساکر شاه وپلیس در مدت چند روز نسبت بسفارت اعلیحضرتی تولید گردیده و شارژدافر اعلیحضرتی پروتست رسمی برعلیه آن کرده با دقت تمام در آن مداقه نموده‌اند شما باید اینمطلب را علاوه نمائید که اعاده مناسبات حسنه که تاکنون مابین دومملکت برقرار بوده بقبول فوری اینمطالبات امکان دارد وهرگاه مطالبات مذکوره بلا تاخیر قبول و انجام نشود دولت اعلیحضرتی طریق دیگری نخواهد داشت مگر آنکه اقداماتی که اصلح میدانند برای جبران که خودرا

مستحق آن میدانند بنمایند

نمره ۱۶۸

تلگراف سر ادواردگری بمستر اوبرن

غره ژوئت ۱۹۰۸ ازوزارت خارجه لندن شما خوب است از تعلیماتیکه بمستر مارلینك در تلگراف امروز من فرستاده شده وزیر امور خارجه را مطلع سازید ما امید واریم مسیو ایسولسکی بتقاضاهای ما همراهی نماید

نمره ۱۶۹

تلگراف سرادواردگری بمستر مارلینك

وزارت خارجه ۲ ژوئت ۱۹۰۸ در باب تلگرافی که در غره شهر جاری از سنت پطرزبورغ رسید ما قصد نداریم که از شاه خواهش تبعید ظل‌السلطان را بکنیم ولی از آن اعلیحضرت باید درخواست شود که اورا رخصت خروج از مملکت دهند که بااهل خانه و بستگانش در تحت تامین مال و جانشان حرکت کنند

اولا باید ظل‌السلطانرا ازاقدامی که میخواهید برطبق ارائه طریق خودش بنمائید مستحضر دارید سپس باید باسفیر روس مشورت کرده و متفقا بشاه مطلبرا عنوان نمائید تازمانیکه ظل‌السلطان بایران مراجعت نکند وثیقه راجع باموال او باید معتبر شمرده شود

نمره ۱۷۰

تلگراف مستر اوبرن بسرادواردگری . ــ (واصله ۳ ژوئت)

سنت پطرزبورغ ۳ ژوئت ۱۹۰۸ راجع بتلگراف غره ژوئت شما مسیو ایسولسکی بدون آنکه مشروط بشرطی باشد وعده

همراهی و تقویت مطالباتی که بایستی سفارت اعلیحضرتی از دولت ایران بنماید و فوراً بروفق آن دستورالعمل بمسیو هارتویك میدهد او بمن اطمینان صریح داد که کلنل لیاخوف در انجام اقدامات اخیره شاه و قبول عهده کنترل نظامی شهر طهران (اگرچنین کاری کرده است!) بدون اوامر و یااطلاع و یاتصویب دولت امپراطوری این کار را کرده است

نمره ۱۷۱

تلگراف سرادواردگری بمستر اوبرن

وزارت خارجه ۳ ژوئت ۱۹۰۸ درباب تلگراف غره شهر جاری شما ارائه طریقی را که دولت روس در خصوص تحصیل‌تعهدات ازظل‌السلطان مشروط برآنکه ما ازبابت اوباشاه بعضی مذاکرات نمائیم کرده است ما باآن موافقت داریم وزیر امور خارجه را ازاینمسئله اطلاع دهید

نمره ۱۷۲

تلگراف سرادواردگری بمستر مارلینك

وزارت خارجه ۳ ژوئت ۱۹۰۸ درباب تلگراف امروز من بمستر اوبرن شما مجاز هستید که باموافقت همکار روس خود بر طبق آن اقدام نمائید

نمره ۱۷۳

تلگراف مسترمارلینك بسرادواردگری . ــ (واصله ۵ ژوئت)

طهران ۵ ژوئت ۱۹۰۸ نگاه داشتن مستحفظین قونسولخانه در شیراز ــ راجع بتلگراف ۲۶ فوریه شما ــ نظر بعزل ظل‌السلطان

و حتمی بودن تجدید اغتشاشات این ایالت در تحت حاکم جدید کفیل قونسولگری میخواهد بداند آیا شما تصویب میکنید که دسته مستحفظین اینجا بمانند

نایب الحکومه جدید در موقع دیگر سابقا ابراز بی کفایتی کامل نموده وگمان میکنم اصلح این است که نگاه داشتن آنهارا درآنجا تصویب بفرمائید چرا که برمن یقین است که پس ازحرکت ظل‌السلطان اغتشاشات جدیداً بوقوع خواهد پیوست

نمره ۱۷۴

تلگراف مسترمارلینك بسرادواردگری . ـ (واصله ٥ ژویت)

طهران ٥ ژویت ۱۹۰۸ دیروز باز هم عساکر دور سفارت گردش میکردند مابین ساعت یك وشش بعد از ظهر پنجدفعه ومابین ساعت نه و نیم بعد از ظهر الی ساعت یك بعد از نصف شب سه مرتبه دور زدند محافظت اطراف سفارت کمتر از سابق اسباب زحمت ماست و عساکر زیاد درآنجا توقف نمودند

وزیر امور خارجه قرار است که امروز از من ملاقاتی کند من بحضرت ایشان اشعار نموده‌ام که باید مضمون ترضیه که بایستی بخواهند قبلا بمن ارائه نماید

درباب مطالب در تحت نمره ۳ من دقت زیاد در تمیز اشخاصی که باید مستخلص شوند خواهم کرد چرا که تشخیص آنها اشکال دارد

یحتمل شاه درخواست نماید که سه یاچهار نفر ازمتحصنین را ازخاك ایران تبعید نماید

نمره ۱۷٥

ملخص مکتوب مسترمارلینك بسرادواردگری . ـ (واصله ٦ ژویت)

قلهك ۱۷ ژون ۱۹۰۸ ـ توضیح کلیه علل و اسباب و شاید صحیح ترباشد گفته شود تعیین مناسبت اهمیت آنها باعلل و اسباب مختلفه بحرانی که باعث انقلاب ایران ومخصوصا انقلاب پایتخت چند روزی درانتهاء ماه مه واوایل ژون شده سهل وآسان نمیباشد

از۱٦ شهرگذشته تاکنون مملکت کابینه وزرانداشته هیچکس ازخارج‌شدن مشیرالدوله ازوزارت خارجه متاسف نیست ضعف حقارت آمیزاو باعث تجدید خشم اهالی برعلیه شاه شده انقلاب شدیدی‌شروع گردیده ازاعلیحضرت تقاضاشد که امیربهادرجنك وسایردرباریان معتمد خودرا که بواسطه همان اعتمادی که شاه برآنهاداشت موردتنفر ملیین شده بودند اخراج نماید

روزسه شنبه طرف عصر(دوم شهرجاری) شاه بقبول‌تقاضای آنها تن درداده وحاضر شد که شش نفر ازاطرافیان خودرا اخراج نماید مابین ساعت دووسه بعد ازنصف شب امیر بهادر جنك باتفاق بیست نفرازغلامان مسلح خود بسفارت روس در زرگنده رسید

روزبعد که سوم شهرجاری‌باشد من ازسفیرروس که بدیدن من آمده بودند پذیرائی کردم مسیو دوهارت‌ویك اظهار داشت شاه خودرا درواقع ازدست رفته ومشرف بهلاکت میداند ومن‌خیلی مایل حفظ جان اوهستم وبگمان اوموقع آنقدرسخت بود که سفارتین‌لازم است اقدامی بنمایند بنا براین او اینطور ارائه طریق نمود که مامتفقا ازمشیرالدوله که اگرچه پنج روزقبل ازکاراستعفانموده بود هنوزبمقام

وزارت امورخارجه برقراربود ملاقات نموده واورا از نتایج وعواقب مهمی که ازحدوث اتفاقی برای شاه ممکن است برای ایران بوقوع آید متذکرسازیم من گفتم بسیارمشتاقم که دراین امربا اواتفاق نمایم ولی گمان نمیکنم ازمذاکره اینمطلب بامشیرالدوله فقط چندان نتیجه بدست آید چه که اوممکن است شرح اظهارات وعنوانات مارا بطور بسیار ناقصی بیان کند واینطور ارائه طریق نمودم که ممکن است از مشیرالدوله درخواست نمائیم که رئیس مجلس را هم برای ملاقات مادعوت کند مسیودوهارت ویك باینمطلب رضاداده وپیشنهادنمود که چون بممتازالدوله هم زیادتر ازوزیرامور خارجه نمیتوان اعتمادنمود بهتراست که عضدالملك هم حضور داشته باشد

بنابراین ترتیب مابمشیرالدوله تلگراف کرده ازاو درخواست نمودیم که ترتیب ملاقاتی برای ساعت سه ونیم همانروز بعدازظهربدهد

همینکه بخانه مشیرالدوله رسیدم مسیودوهارت ویك را آنجا یافتم ولی هم ممتازالدوله وهم عضد الملك بمعاذیر سست متعذر شده ازحضوردرآنجا خودرا معاف نموده بودند مسیو دوهارت ویك ابتدا شروع بمذاکره نموده بوزیر امور خارجه اشعار نمود که ما بسمت نمایندگی دودولت که بی اندازه مشتاق سعادت ایران هستندآمده ایم طریق خطرناکی را که ایران را گذارده اند در آن مشی نموده و رو بهرج ومرج برودبشما بنمائیم

این مسئله آتیه بسیاروخیمی درپیش دارد وامیدوار است که مشیرالدوله این را جزو مشاغل خود فرض نموده همکاران خود و مجلس را باجدیت تمام ازاهمیت موقع متنبه سازد

پس از اختتام نطق مسیو دوهارت ویك من اظهارداشتم که باعقاید اودرباب اوضاع حالیه ایران موافقت تامه دارم وگمانمیکنم که بهترین علاج این است که مابین شاه و اهالی احساس بهتری تولید شده وعدم اعتماد عامه نسبت بان اعلیحضرت مرفوع گردد بدبختانه ظاهراً هیچکس جرئت نمیکرد که برای دفاع شاه یك کلمه حرفی بزند اعضای مجلس هیئت تربیت شده با اطلاعی نیستند وعقاید آنها درمسائل مالی مثلا مثل عقاید بچها است ولی با اینحال هیچکس در صدد تصحیح عقایدآنها برنیامده ونسبت انجمنها باشاه بعینه شبیه به نسبت مردم بامجلس است اخباروشایعات که غیرمحتمل بودن‌آنها بر همه واضح است برعلیه شاه منتشر گردیده یك مشت مردم جاهل مخالف بواسطه‌آنکه هیچیك ازاولیاء امور زحمت تکذیب آنرا بر خودهموار ننمودند باشتیاق تمام‌آنرا قبول وتصدیق نمودند

مشیرالدوله وعده داد که بیانات مارا ازروی صداقت و امانت بهمکاران خود و مجلس برساند

همینکه اجازه مرخصی گرفتیم مسیودوهارت ویك گفت گمان میکند مشیرالدوله بیانات مارا بطورصحت آنطوری که دلخواه باشد برساند و عقلا اینطور صلاح دید که هردو از عضدالملك ملاقات نموده و مطالب را بهمان نهج باو عنوان نمائیم چون وعده ملاقاتی بمستر رابینو داده بودم نتوانستم فوراً بخانه عضدالملك بروم ولی پس ازحرکت مسیو دوهارت ویك منهم زود خودرا بانجا رسانیده‌و همانطوریکه بمشیرالدوله اظهارات مطالب خودرا نمودیم با ایشان هم مذاکره کردیم

عقیده من اینست و برای آن دلیل دارم که مشیرالدوله مطالب مارا بطورصحت برئیس مجلس اظهارداشت من اقدام نمودم که یك نفروکیل متدیّن بی ترس را که شرح مطالب مارا بطور صحت اظهارمیداشت ازبیانات ومقاصد خودمستحضردارم نمیتوانم بگویم که ازاین اقدام نتیجه مطلوبه در راه تولید موافقت و موالفت مابین دو طرف بدست آمد یانه

صبح روزبعد (٤ شهرجاری) همینکه پس ازمراجعت از طهران که برای کارهای شخصی آنجا رفته بودم بقلهك رسیدم قریب ساعت یازده ازمجلس باتلفون بمن خبرداده شد که شاه قریب ساعت ده ازارك خارج شده معلوم نیست بکجا رفته است ازقرار معلوم قریب ساعت نه ونیم قبل از ظهر مابین بعضی ازقراولان قصر نزدیك دروازه حوالی اداره گمرك نزاعی بوقوع رسیده و فریاد زدند که شهررا باید غارت کرد دسته جات سرباز آمده باین طرف وآن طرف شهر تاخت وتازنموده ودرحین بهمخوردگی که ازاینکار بهم رسید شاه باعده معتبری ازعساکرکه دوراورا محافظت مینمودند وباکلنل لیاخوف ومسیوشاپشال که این‌طرف وآنطرف کالسکه بودند بطرف باغشاه که در مغرب شهر واقع است رفت همینکه معلوم شد شاه کجارفته نظم اعاده گردید ولی مردم بسیارمشوش ومضطرب بودند

بمجردآنکه این اخباربمن رسید درزرگنده بسفارت روس رفته وچون مسیودوهارت ویك بسفارت آلمان رفته بود من منتظر مراجعت اوشدم همینکه وارد شد اظهارداشت که این اخبار کمی بعدازساعت ده بوسیله تلفون باورسیده و از ترتیبی که پیش‌آمده بود

اظهار خوشنودی نمود چرا که تصور میکرد در باغشاه برای شاه وسایل امنیت بهترازمرکزشهرموجود بود وامید داشت که شاه بزودی بنیاوران که در دامنه کوه واقع است عزیمت خواهد نمود

شهرطهران بکلی آرام بود قزاقان درکوچه گردش کرده وبازارها که ازموقعیکه خروج شاه معلوم شد بسته بودند طرف‌ظهر باز گردیدند اهالی بسیار مشوش بودند ازاینکه شاه پس ازآن چه اقدامی خواهد نمود و غیرمعلومی جریان مسئله سرحدی باشکالات و خوف های حکومت موقتی افزوده دربین دوروز بعد مابین درباریان ووزراء شاه زادگان واعیان بسرعت ومتعاقب هم گفتگوها ومذاکرات بعمل‌آمده وروزشنبه بعدازظهر (٦ شهر جاری) وزیرامور خارجه از سفیرروس ملاقات نموده پس از مذاکرات طولانی راجع بمسئله سرحدی با امیربهادر جنك صحبتی نموده نتیجه این شد که اوفردا صبح آنروز ازسفارت خارج گردید

مسیودوهارت ویك مرا اطلاع داد که مشیرالدوله اطمینانات کافی ازبابت امنیت امیربهادرجنك باوداده وبنا براین دلیل دیگربود برای آنکه اوزیاده براین درتحت بیرق روس خودرا محفوظ دارد امیربهادرجنك فورا بطرف قصر مراجعت نمود

بعدازظهر ۷ ژون کابینه آخرالامر تشکیل گردیده وزرای جدید بمجلس آمدند ولی چون مراسم معرفی آنها بطور محرمانه بعمل آمد مسئله تشکیل آنها بطور عموم برهمه معلوم نگردید

طرف مغرب هرمز میرزا بقلهك‌آمده مرا اطلاع داد که برادرش جلال‌الدوله وعلاءالدوله وسردارمنصور وعضدالملك را شاه

دستگیر نموده و بیساعت پس از آن شخص دیگری آمد و همان خبررا داده علاوه نمود که سه نفر از حبسیهای اولی را در زیر قل و زنجیر کرده با کمال بی‌شرافتی با آنها رفتار شده است هر دو از من تحقیق نمودند که آیا برای استخلاص جلال‌الدوله چنانچه برای ناصرالملك اقدام نمودم کاری خواهم کرد یا نه

من اظهار داشتم که موارد مختلف میباشد و برای آنکه از بابت جلال‌الدوله مداخله بنمایم هیچ سبب و علتی نداشته و چون اینطور شهرت داشت که او در انقلاب اخیر شرکت مهمی نموده بود اینمسئله ممکن نبود و در هر صورت دلیلی برای اینکه جان او در معرض خطر باشد در دست نیست و در حقیقت هرمز میرزا مسئله دستگیری برادر خودرا ابتدا بطور شوخی بیان کرد هردو اینها اشاره نمودند که امکان دارد متحصنین قهرا داخل سفارتخانه شهرشوند واز من تحقیق نمودند در اینصورت چه قسم عمل خواهم کرد صبح روز بعد دو نفر از غلامان معتمد بشهر فرستادم که درهای سفارت را بسته همانجا مواظب باشند و هرگاه کسی بخواهد بست اختیار نماید با تلفون بمن خبر رسانند

سپس معلوم گردید که شاه علاء‌الدوله وجلال‌الدوله و سردار منصور و سایرین را بقصر احضار نموده ابتداء اینها میل باطاعت امر اورا نموده لیکن عضدالملك گفته است که او حفظ جان آنهارا نظر بمراسله اطمینان بخشی که شاه بعنوان او فرستاده ضمانت مینماید وعلیهذا آنها قبول رفتن بحضور شاه را نمودند و دسته از عساکر تا باغشاه بهمراهی آنها رفته بانجا رسیدند شاه آن سه نفری را که تصور مینمود محرکین عمده انقلاب برای اخراج درباریان بوده‌اند توقیف نموده است شفاعت

عضدالملك در حق آنها بی نتیجه بود و اظهار داشت که خودرا شریك بخت محبوسین خواهد نمود وعلیهذا در قصر توقف نمود

اینکه میگویند در باغشاه و در موقع مسافرت بطرف مازندران با محبوسین مذکور بطور سخت رفتار شده ظاهراً بکلی کذب است

هیچ گفتگوئی نیست که شاه کاملا حق داشت در مورد علاء‌الدوله وجلال‌الدوله سوء ظن برد ولی دستگیری سردار منصور اسباب تعجب عموم واقع گردید این شخص سال گذشته مدیر کل تلگرافات بود واز قراری که تصور میشد در پلتیك مملکتی دخالت نداشت مسیو دوهارت ویك مرا اطلاع داد نمیتواند حدث بزند دلیل دستگیری او با آن دونفر چه بوده من بسفیر موسوم اظهار داشتم که چون سردار منصور دارای نشان انگلیس است من خودرا مجبور می‌بینم باینکه از بابت بی احترامی که باو وارد آمده تحقیق نمایم ولی فعلا پیشنهاد نمیکنم که برای تحقیق بیك طریقی فشار بیاورم که حمل بمداخله از طرف من در مورد او شود تا آن اندازه که از علاء‌السلطنه بمن مفهوم شده از قرار معلوم او در اطاقهای بالاخانه عضدالملك در اقدامات مهمه شرکت نموده و مسئله آمدن او قبل از ورود سایرین برشاه اینطور ثابت نموده که محرك عمده نقشه برضد او بوده است در انظار ایرا نیان داشتن نشان ..... البته بمن حق میدهد که برای تحقیق تقصیر او فشار آورم ولی چون اینکار باقدام برای استخلاص او تعبیر خواهد شد صلاح دانسته ام که از هر اقدامی که صورتا شبیه بمداخله در امور داخلی باشد احتراز نماید من پیشنهاد میکنم که بعلاء‌السلطنه بفهمانم که من انتظار دارم از بابت تقصیر سردار اقناع شوم

متعاقبا این اوضاع دومرتبه تجدید شده و اخبار بسیار متضاد شیوع یافت انجمنها ظاهراً از صلاحیت مداومت درکشش و کوشش خود تردید داشته و مجلس و هیئت وزرا ظاهراً مایل نبودند که اوضاع کسب شدت فوق‌العاده نماید روزچهار شنبه صبح (۱۰ شهر جاری) اعضای انجمنها بطرف محل اجتماع سابق خود که مسجد سپهسالار باشد هجوم‌آورده ودسته قراول‌قوی درمیدان توپخانه چادر زده شب وروز درکشیك بودند وتامدتی اینطور بنظر میامد که مناظرووقایع ماه دسامبرمیخواهد دومرتبه تجدید شود ولی شهربطور آرامی باقی بود وبازارها یکی دودفعه بطورموقت بسته شد واقدامی که شاه برای خلع اسلحه وتفنك مردم نموده بود موقوف شد و چنان مینمود که شاه در باغشاه که دسته قراولان آنرا محافظت نموده وعده قوی عساکر بادوعراده توپهای صحرائی آنجا بودند بهمین طور درعزم خود ثابت نبود از قرار مذکور او دستگیری و محاکمه رؤسای عمده ملی را از قبیل تقی زاده و ملك‌المتکلمین و مستشارالدوله وسیدجمال را مطالبه نموده بود وازطرف دیگرانجمنها درنظرداشتند که ازاو درخواست نمایند بگذارد علاء‌الدوله ودو نفر ازهمراهان اوکه در تحت عده زیاد مستحفظین بمازندران فرستاده شده بود بطهران عودت داده شده و ازآنها محاکمه شود

طرف ظهر جمعه (۱۲ شهر جاری) شاه دستخطی بدست یکی از صاحبمنصبان داده بهمراهی سی نفر سرباز بمجلس و نزد وزرا رفته اعلام نمودند که هرگاه اجتماع مسجد ازهم متفرق نشوند بقوه قهریه آنهارا متفرق خواهد کرد اگرچه این‌تهدید اعمال واجرای

آن بهیچوجه صورت وقوع نمی یافت کافی بود پس از مذاکرات محرمانه مختصری درحالیکه درهای مجلس مسدود بود دسته کوچکی از اعضاء بارئیس مجلس در جلو آنها بطرف مسجد شتافته از مردم استدعا نمودند بخانهای خود روند پس از اتمام نطق رئیس مجلس تقی زاده نطقی نموده این سر کرده بزرك از مردم ملتمس شد که بدون اینکه از جهات و اسباب اینکه چرا او موافقت آنها را لازم میداند درخواست رئیس را قبول نمایند مردم این درخواست‌را بطور آرامی اطاعت نموده و اعضای انجمنها شروع بخروج از مسجد کرده و اعلان بزرگی را که بموجب آن در دوازده مورد شاه را بنقض ایمان قسم در حفظ مشروطیت معرفی کرده و بدیوار چسبانیده بودند همراه بردند علاء السلطنه که بعد از ظهر بملاقات من آمد از نتایج مطلوبه خوشنود مینمود و تصور میکرد که تامدتی امورات بیك طوری فیصله شده است طرفداران مشروطیت چون تصور می کردند که مجلس پامال آنها خیانت کرده بی اندازه افسرده حال بودند یحتمل نصایح مجلس بجا بود چرا که شاه بخوبی می توانست یقین نماید که اجتماع عده کثیری از مردمان مسلح برای امنیت عمومی و یابرای شخص او خطر ناك بوده و حق آنرا داشت که بقوه قهریه آنهارا متفرق نماید و حال آنکه حالا که مردم به خانهای خود مراجعت نموده اند عذری برای او باقی نخواهد ماند که چنین اقدامی را بنماید با این تفصیل بزودی مفهوم گردید که مظفریت ظاهری شاه عمقی نداشته و روز یکشنبه صبح (۱۴ شهر جاری) بازارها و دکاکین دوباره مسدود گردیده معلوم شد

که مخالفت هنوز بانتها نرسیده و سرکردگان هیجان ملی در فکر آن بودند چطور کشمکش را بوسایل موافق قوانین مشروطیت و بطور مسالمت خاتمه دهند از قرار معلوم شاه باقلبی سخت حاضر ومهیای اقدامات شدید شده بود واز مخبرالدوله مبلغ گزافی (۱۰۰۰۰ لیرا) گرفته و بواسطه آن سعی داشت که از دادن اضافه حقوق بتابعین و صاحبمنصبان آنها حسن خدمت و وفا داری آنهارا بطرف خود جلب نماید - روزی چهار قران بتابینها و پنجقران الی یك تومان بصاحبمنصبان و بعلاوه شروع نمود که از طبقه پست اهالی شهر تشکیل استعداد دیگری داده وباغ شاه را مبدل بیك اردوگاه منظم و مسلحی نمود ولی تا ظهر روز دو شنبه (۱۵ شهر جاری) کسیرا دستگیر ننمودند آنوقت سلیمان میرزا رئیس انجمن برادران دروازه قزوین و سایر اعضای مهم آن گرفتار شدند شخص اولی که یکی از مامورین وزارت جنك است متهم شد باینکه از قورخانه تفنك و اسلحه دیگر بیرون داده واز قرار مذکور قرار بود برای محاکمه تسلیم دولت شود

در اینمنوال سرکردگان ملی تصمیم اتحاد رویه مسلك برای خود کرده و از شاه استدعا نمودند که هیئتی مرکب از ۶ نفر از اعضای مجلسرا بپذیرد و این هیئت قرار بود یاد داشتی که حاکی ایتان قسمهای مختلفه شاه برای مشروطیت باشد باو عرضه داشته از وی خواهش نمایند که بامجلس موافقت نماید چرا که اگر غیر از این باشد نمایندگان ملت بوظایف ملی ومملکتی خودرا نمیتوانند عمل نمایند شاه از پذیرفتن این هیئت سر باز زده تابعد

از ظهر سه شنبه (۱۶ ژون) پس از آنکه مطالب یاد داشت مذکور را باصدای بلند خودش خواند جواب داد همین حالا نمی تواند جواب قطعی بدهد ولی مستمعین را متذکر نمود که قاجاریه ایرانرا بقوه شمشیر بدست آورده وقصد او این است که آنرا بقوه شمشیر حفظ نماید

وزیر امور خارجه را که بعد از ظهر ۱۶ ژون ملاقات نمودم و بطور واضح و ساده برخلاف عادت معمول خود صحبت مینمود اظهار داشت که او موقع را خیلی مهم میداند و مذکور داشت که از تمام نقاط مملکت تلگرافات تهدید آمیز برعلیه شاه می رسد و آنچه وزرا بقصد انصراف شاه از تعقیب این طریقه وروش خطرناك باو اظهار میداشتند بی نتیجه بود من اظهار داشتم که بعقیده من هرگاه پس از دستگیری علاء الدوله و دو نفر همراهان او آنهارا برای محاکمه بوزارت عدلیه تسلیم نموده بود مقام شاه از حالیه خیلی محکمتر میشد و شاید هنوز هم وقت اینکار نگذشته است و هرگاه چنین رفتار نموده بود دلیل واضحی بود براینکه شاه میخواهد موافق قوانین مشروطیت عمل نماید و بواسطه دستگیری آنها بمردم واضح نموده است که دارای قوه کافی است که ازخوددفاع نماید علاء السلطنه اظهار داشت که وزرا بهر طریقی که بنظرشان رسیده باشاه صحبت نموده اند که اورا ترغیب باعمال ارائه طریقی که من نمودم بکنند ولی نتیجه نبخشیده است و از من سؤال نمود آیا میتوانم بیك وسیله همین نصایحرا در قصر باو برسانم من باو گفتم در اینمسئله غور نموده ملاحظه خواهم کرد ببینم میتوان

کاری کرد یانه

در عرض هفته گذشته چندین تلگراف از شهرهای ایالات رسیده از سفارت ملتمس شده اند که بمعاونت مشروطیت که ایجاد آن بواسطه همدردی و همراهی بریطانیای عظمی شده اقدام نماید من مستقیما بهیچیك از این تلگرافات جوابی نداده ام ولی در یکی دومورد همینکه میدیدم جوابی از طرف سفارت ممکن است باعث تسکین گردد بقونسولهای اعلیحضرتی دستورالعمل داده‌ام که اگر ازاو درخواست مطالبه جواب شود اظهار نمایند که انگلستان درمقام یك دولت مشروطه همیشه لازم است که باهیجانهای برای مشروطه همدردی داشته باشد ولی مناسب وصحیح نخواهد بود که آندولت در امورات داخلی ملت آزاد و مستقلی دخالت نماید ودر هرصورت ایران مطمئن باشد که مودت انگلستان نسبت بایران کما فی‌السابق مستحکم است

نمره ۱۷٦

ملخص مکتوب مسترمارلینك بسرادواردگری . ـ (واصله ٦ ژوییت)

قلهك ۱۸ ژون ۱۹۰۸ باوجود اینکه ایران در واقع وزرائی نداشته اوضاع عمومی مملکت بدتر نبوده شیراز بواسطه کفایت ظل‌السلطان منظم گردیده وشهر وایالت فارس ظاهر آرام است برعکس در کرمانشاه بی نظمی و بی ترتیبی بطورعموم شیوع دارد ودرسلطان آباد ونواهی اطراف آنجا قالی بافان کمپانی ذیقلر ابراز میل به برهم زدن کنتراتهای خود نموده‌اند وبهرام‌میرزا حاکم آنجا ظاهراً بکلی قدرت ایفا ندارد که حقوق کمپانی ذیقلر

را محفوظ دارد چنانچه کفیل رئیس اداره تلگراف هند و انگلیس اطلاع میدهد در کرمانهم همین اواخر یکروز جنك بین دو طرف مخالف بوقوع رسید ولی چون قونسول اعلیحضرتی راپورت آنرا نداده تصور میکنم واقعه عمده رخ ننموده است

حضور بستیها دراداره تلگراف یزد هند وانگلیس که قریب سه هفته بطول انجامید اسباب تشویش زیاد خیال من گردید چرا که اجماع مردم متعصب ممکن است چنان تغییرحال داده دیوانه شوند که چنانچه دریزد اتفاق افتاد دوسه نفر مرتکب خودکشی گردیدند ودرهر لحظه وقوع یك حادثه بزرك تاسف انگیزی امکان داشت و بعلاوه برای دولت ایران اشکال داشت درموردآنها سخت‌گیری نماید چرا که رعایا برای منع برداخت مالیاتی را که ازهشتاد سال باین طرف می‌برداختند مشغول تهییج مردم بودند والبته قصد ومطالبه آنها بکلی ناحق بود

اگرچه شاه بواسطه بستن ادارات تلگرافی طهران کوشش کامل نموده که ازشیوع اخباروقایع اینجا باطراف جلوگیری نماید دراینکار چندان موفقیتی حاصل ننموده واهالی ایالات وولایات بادقت تمام مواظب وقایع پایتخت میباشند ودر میان مردم هیجان زیادی پیداشده واز شهرهای بزرك اطراف تلگرافات رسیده وعده همراهی مسلح با مشروطیین داده اند خیلی مشکل است بگوئیم تاچه اندازه میتوان باین تلگراف اهمیت داد یاتاچه اندازه این تلگرافات نماینده عقاید عامه اهالی مملکت میباشد من شخصا شك زیاددارم ازاین که زیادتر از چهارشهر که قزوین ورشت و تبریز واصفهان باشد حقیقتا

دستجاتی اعزام نمایند مکراینکه شاه بکلی برخلاف عقل رفتار نموده وواقعا بمجلس حمله نماید ومحتمل است که اکثر تلگرافاتی که زیاده برشاه اثر کرده ازطرف وطن‌پرستان اسمی بی‌مغز که نام خودرا انجمنهای محلی گذارده اند مخابره گردیده مقصود من این نیست که برای شاه خطری ازاین تهدیدات متصورنمیشود اینمسئله بسته به تناسب است چرا که هرگاه عده آنهائی که برای خلع شاه دادوبیداد میکنند کم باشد عده اشخاصی که از روی میل‌برای نجات واستخلاص او کمکی باو خواهند نمود خیلی کمتر میباشد اکثریت اهالی مملکت گمان میکنم بیطرف هستند و فقط میخواهند حکومتی که اسباب امنیت معتدلی فراهم آرد تشکیل شود ولی اگر به آنها فهمانیده شود که در تحت شاه حالیه تشکیل چنین حکومتی امکان ندارد بسهولت ممکن است آنها را بهیجان آورد که باسایرین در داد و فریاد برای خلع او شریك کردند اینمسئله دربای تخت فرق دارد درطهران عده کثیری ازمردم هستند که از مشروطیت آنقدر فواید و منافع انتظار دارند که خودشان هم اندازه آنرا نمی دانند و بطور حتم برای آنها ثابت است که درتحت سلطنت محمد علی بارزوها و آمال خویش بهیچوجه نائل نخواهند گردید این دسته مردم باآنکه جاهل هستند دارای صمیمیت کافی میباشند و سرکردگان انجمنهای عمده در میان آنها یافت میشود و این انجمنها نفوذ کامل درجریان اوضاع داشته انجمنهای بزرك بقدر کفایت متدین هستند ولی بسیاری کوچکترهای آنها فقط برای پیشرفت مقاصد و اغراض شخصی تشکیل گردیده اند بدبختانه تمام انجمنها

ازاین‌صفت مذموم مداخلات فضولانه درامورات درصدمهٔ هستندوچون عموما بطورتهدید هم مداخله مینمایند ــ ودرحقیقت اگر آنهائی که تهدید بایشان میشود قدری جرات بخرج میدادند بتهدیدات آنها اعتنائی نمیشد ــ حکومت کرمان اصلا غیرممکن شده ولی‌وزرای ایران یالااقل آنهائی که دراین هشت ماه اخیرسرکار بودند بدبختانه حتی‌آنقدر جرات کم لازم را نداشته و نتیجه این شده که تندروی انجمنها تاقطه تشویق شده که در واقع اختیارات نمایندگی اعضای مجلس را غصب نموده اند در واقع انجمنهای نیم سری و پلتیکی بکلی غیرمسئول طهران یك نوع حکومتی میکنند نه اینست که نفوذ انجمنها بکلی بد باشد وبرعکس تا کنون این انجمنها یك پشتیبان و حامی پارلمان برضد مستبدین بوده‌اند ولی همینکه اقتدارات خودرا درك نمودند اغلب اوقات آنرا سوء استعمال نمودند و بعضی اوقات ولی نه غالبا درمسائل مهمه آنرا ازروی میل سوء استعمال میکردند ولی اکثراو اغلبا ازروی جهالت صرف بود

نمره ۱۷۷

مکتوب مسترمارلینك بسرادواردگری . ـ (واصله ٦ ژوئن)

قلهك ۱۹ ژون ۱۹۰۸ آقا افتخارا خلاصه وقایع چهارماهه اخیر ایرانرا بطریق معمول ماهیانه لفا ایفاد میدارم

(امضاء) ارنست گای

ملفوف نمره ۱۷۷

خلاصه وقایع ماهیانه ـ طهران

وقایعی که درعرض چهارهفته گذشته درایران روی داده

درمکتوب ۱۷ ژون مسترمارلینك مشروحا مذکور گردیده است کابینه جدید که در۷ ژون بمجلس معرفی شد مرکب ازاشخاص ذیل‌است

وزیرداخله ورئیس‌الوزراء	مشیرالسلطنه
وزیر مالیه	صنیع الدوله
وزیرامورخارجه	علاء السلطنه
وزیر عدلیه	محتشم السلطنه
وزیرجنك	مستوفی الممالك
وزیرمعارف	مشیر الدوله
وزیرتجارت وفواید عامه	مؤتمن الملك

امضاء
جرچیل منشی السنه شرقی

اصفهان

در۱۷ مه نمایندگان انجمنهای پلتیکی مختلفه درمحل‌اجلاس انجمن محلی برای رفورم انتخاب اعضای آن هیئت وتحصیل امنیت طرق وشوارع وتنبیه اشخاصی که برعلیه مشروطیت صحبتها کرده بودند وتاسیس محکمه عدلیه مرفوع داشتن عادت بست اختیارنمودن بمساجد وخانهای علما رفته پناهنده شدند پس از قدری مذاکره حاکم وانجمن محلی با تقاضاهای آنها موافقت نموده ودر۲۲ مه متحصنین مذکور ازعمارت انجمن خارج گردیدند این هیجان درنفس‌الامر بر علیه آقانجفی که یکی ازمستبدین است بعمل آمد وازاو نوشته گرفته که با اصلاحات مذکورموافقت نماید

در۲۸ مه پانصدنفر ازدهاتیان ربنان که درنزدیکی اصفهان

واقع است درقونسولخانه انگلیس بعلت مالیات گزاف که از آنها مطالبه میشد متحصن شدند آقانجفی آنهارا بترك قونسولخانه‌تحریص نمود ولی از آنطرف آنهارا تشویق نمود که تا زمانیکه حکومت آنهارا بفرستادن توپ بدهاتشان تهدید میکند از پرداخت مالیات امتناع ورزند

پست اصفهانرا سارقین در۱۹ مه نزدیك طرق زدند درعره هم چهارصد رأس گوسفند را درنزدیکی قمشه بسرقت بردند

یزد

در۲۲ مه دهاتیان باداره تلگراف خانه آمده خواستند در آنجا بست اختیار نمایند در۲۰ مه دونفر ازآنها برخود نفت ریخته وخودرا آتش زده بودند وسه نفر خودرا ازبالای یك مناری بزمین انداخته یکی ازآنها تلف شد

تلگرافی ازوزیرمالیه رسید که یك قسمتی از مالیاتی که مطالبه شده مرفوع شود ولی قبول نگردیده ردشد در۲۴ مه چون ازطرف مجلس جوابی نرسید ازدهام بتلگراف خانه ریختند در۲۶ مه رئیس انجمن بتمام علمای یزد تلگراف نموده آنهارا برای آنکه گذارده بودند باجانب متوسل شوند سرزنش نموده به‌آنها تعلیم دادند که مردم را وادارند از تلگراف خانه خارج شوند ولی مردم بجای خود باقی مانده در۲۹ مه بعضی ازآنها از آنمحل خارج شدند ولی سرکردکان واکثرت آنها در آنجا ماندند در۳۰ مه بازهم دهاتیان روبشهرآورده سه چادربرپاکردند در۳ ژون دستهٔ ازاینمردم خواستند

رئیس بانك شاهنشاهی را که درکوچه با او ملاقی شدند بعنوان گرو توقیف نمایند ولی آنهارا ازاین خیال منصرف نمودند سپس تلگرافی ازشارژدافر اعلیحضرتی واصل شد مشعربراینکه وزرا مشغول اقدامات میباشند و مردم دراستماع آن خاموش بودند و از انجمن مطالبه جواب مینمودند در٤ ژون تلگرافی ازشارژدافر رسید مشعر براینکه انجمن تصمیم نموده بودند مالیات مذکور را وصول ننمایند و این اسباب تسکین مردم گردید در٦ ژون سرکردگان آنها با اشکال آنهارا وادار نمودند بگذارند دراداره تلگراف خانه بازشود وگبرها مجبورشدند خودرا درهیجان شریك نمایند وهمینطور اتصالا به آنها ملحق میشدند حاکم بی قدرت بود ولی میخواست عده محرکین را که بعضی از دکاکینی را که اوامر بباز کردن داده بود وآنها بسته بودند دستگیر نماید چون اینها در تلگراف خانه بودند مستربلك من برای آنکه مبادا خونریزی شود اورا ازاین اقدام منصرف نمود بانك شاهنشاهی بسته بود چرا که اگربازمیشد شاید اسباب اغتشاش فراهم میامد در١٠ ژون ازرئیس مجلس ووزیر مالیه تلگراف رسید که وصول این مالیات تاورود کمسیون تفتیش بتعویق انداخته شود سرکرده این جمعیت بشارژدافر اظهارتشکر نموده روزبعد جمعیت کمترشده ولی از آنجائیکه از صحت و سقم تلگرافات واصله مشکوك بودند ازآنها آنجا ماندند در١٢ ژون باوجودآنکه تمام آن جمعیت ازاداره تلگراف خانه خارج شده بودند سرکرده آنها آنجا ماند

کرمانشاه

تمام نقاط کرمانشاه در عرض ماه مه بعلت ایلات که یا مشغول غارت مسافرین ویا جنگ مابین خود بودند خیلی مغشوش بود ظفرالسلطنه حاکم جدید نرسیده بود و شهر بحال اغتشاش باقی و تجارت متروك گردیده بود

نمره ١٧٨

مکتوب مستر اوبرن بسرادواردگری . ــ (واصله ٦ ژوئت)

سنت پطرزبورغ ٢ ژوئت ١٩٠٨ آقا درباب تلگراف ٣ شهرجاری من افتخاراً عرض میکنم دیروز باوزیرامورخارجه ملاقات نموده ودرباب امور طهران مذاکره نمودم

جناب معظم الیه یاد داشتی را قرائت نموده وبمن دادند این یاد داشت مشعر بود براینکه بمجرد آنکه من درخواست نمودم که دولت امپراطوری روسیه درمطالباتی که دولت اعلیحضرتی از دولت ایران مینمایند همراهی نمایند بسفیر روس فوراً تلگرافا تعلیم داده شد که باتقاضاهای مستر مارلینك تقویت جدی نمایند دولت روس چنانچه در آن یاد داشت نگارش یافته از اطمیناناتی که شما درباب پلتیکی که دولت اعلیحضرتی دربحران ایران تعقیب مینمایند دادهاید امتنان دارد ودولت روس اظهار میدارند که آن دولت کما فی السابق خود را پای بند قرار و مداری که مابین دولتین در مسئله ایران و عدم مداخله در امورات داخلی آن داده شده میدانند و مجدداً به مسیو دوهارتویك امر داده اند که بکار گذاران روس مقیم طهران

دستور العمل داده شود که نسبت بسفارت انگلیس بطور دوستانه سلوك نمایند (امضا) هیو اوبرن

نمره ۱۷۹

تلگراف مسترمارلینك بسرادواردگری . – (واصله ٦ ژوبت)

طهران ٥ ژوبت ۱۹۰۸ شاه تمام تقاضاهای دولت اعلیحضرتی را قبول میکند ولی درباب تقاضائی که برحسب ماده ٤ شده آن اعلیحضرت میخواهد چند نفر از بستیها از مملکت اخراج شوند عده آنها از سه یاچمار متجاوز نخواهند بود

گمان میکنم موافقت با میل شاه باعث رفع علل محتمله اشکالات آتیه خواهد گردید مدت غیاب این اشخاص ازایران گمان میکنم بیك سال باید محدود شود و اینطور باید شرط شود که هریك از اینها تازمانیکه از هرگونه اقدامی برعلیه شاه احتراز کنند در مراجعت پس از انقضای مدت مرقوم کسی مزاحم او نخواهد شد آنهائی که قبل از انقضای اینمدت مراجعت کنند البته خود مسؤل خطرات وارده خواهند بود هرگاه یکمدت معینی برای آن قرار داد نشود متحصنین محکوم به نفی ابدی خواهند شد

ممکن است بعضی ازمتحصنین ازقبول شرایطی که بالاخره مابین دو دولت برقرار شود امتناع ورزیده محض آنکه سفارت اعلیحضرتی را آلت پیشرفت مقاصد پلتیکی خود قرار دهند بخروج از آنجا مایل نباشند هرگاه اشخاص مذکور را بدولت ایران تسلیم نمائیم تاثیر آن در ایران برای ما غیر مستحسن خواهد بود و از وصول تعلیمات شما در این باب خوشنود خواهم گردید

وزیر امور خارجه سوادی از مضمون ترضیهٔ را که بناست بخواهد قبلا بمن ارائه خواهد نمود که تصویب کنم

اگر اعتراضی ندارند من خوشنود خواهم بود که با میل جناب معظم الیه در خصوص اینکه ایشان و نماینده شاه علیحده ترضیه بخواهند موافقت نمایم جناب معظم الیه از ابتدا تا انتهای این امر کوشش داشته‌اند که بامن همراهی کنند و من میخواهم ایشانرا باینوسیله ممنون سازم

نمره ۱۸۰

تلگراف مسترمارلینك بسرادواردگری . – (واصله ٦ ژوبت)

طهران ٦ ژوبت ۱۹۰۸ در دویم شهر جاری مؤیدالدوله که قبل از حوادث ۲۳ شهر ماضی بحکومت منصوب بود و اسما تاکنون بعهده خود برقرار بود دومرتبه بحکومت تعیین گردید

نمره ۱۸۱

تلگراف سرادواردگری بمستر مارلینك

وزارت خارجه ٦ ژوبت ۱۹۰۸ متحصنین سفارت – راجع بتلگراف ٥ ژوبت شما – میتوانید ترضیه جداگانه را قبول نمائید

دولت اعلیحضرتی پیشنهاد شمارا در اینکه در صورتیکه متحصنین از مملکت خارج شوند باید مدت تبعید آنها معین باشد قبول مینمایند بهمچنین این شرط را که در صورتیکه هریك از آنها در مراجعت در اقداماتی خود را شریك ننمایند کسی مزاحم آنها نشود تصویب مینمایند هرگاه مدت یکسال کافی نباشد ممکنست بیك مدت زیادتری رضا دهیم

هریك از متحصنین را که از ترك سفارت امتناع میورزد اطلاع دهید که نمیتوان آنها را اجازه توقف داد ولی ترتیبی داده خواهد شد که در خروج از مملکت بانها بدرفتاری نشود نمی توان در تحصن سفارت تامدت غیر معینی دوام داد و این کار باعث مداخله در پلتیك وامور داخله مملکت خواهد شد وفقط درمواقعیکه خطرات جانی عاجل متصور است میتوان بطور موقت برای حفاظت اجازه به آن داد

نمره ۱۸۲

تلگراف سرادوارد گری بمستر مارلینك

وزارت خارجه ٦ ژویت ۱۹۰۸ مستحفظین نزدیك سفارت ـ

راجع بتلگراف ۵ ژویت شما تازمانیکه نزدیك سفارت مستحفظین برقرار میباشند ترضیه قبول نخواهد شد و هرگاه آنها را بفوریت و بالتمامه برندارند دیگر تصور نمیکنیم تقاضاهائی که از طرف ما شده در این مورد مکفی باشد وزیر امور خارجه را از اینمسئله مستحضر سازید

نمره ۱۸۳

تلگراف سرادوارد گری بمستر اوبرن

وزارت خارجه ٦ ژویت ۱۹۰۸ مستحفظین دور سفارت طهران شما باید مسیو ایسولسکی را از مضمون تلگرافی که در ٦ ژویت بمستر مارلینك مخابره نمودهام مستحضر داشته و از ایشان درخواست نمائید که تعلیمات جدی بسفیر روس برسانند که با اظهاراتی که مستر مارلینك باید بکند تقویت نمایند

نمره ۱۸۴

تلگراف مستر مارلینك بسر ادوارد گری (واصله ۷ ژویت)

طهران ٦ ژویت ۱۹۰۸ آیا امکان دارد که بادولت روس درباب این پیشنهاد که بالاتفاق اظهاری بشاه نموده اورا به انعقاد پارلمان بهمین زودیها دعوت نمائید مذاکره شود باجرات ارائه طریق مینمایم که چنین اقدامی از طرف ما مستحسن واقع خواهد شد در عرض سه ماه قبل از انتخابات ناصحین شاه امید وارند که بواسطه تشکیل مجلس سنا که در قانون اساسی ذکری از آن رفته و اجرای قانون جدید انتخابات تغییری در اساس مشروطیت بدهند گمان نمیکنم که مجلس حالیه بااین قسم نقشها که هیئت وزرا پیشنهاد نمایند مخالفت کند و هرقسم نقشهٔ که ظاهراً مراعات قوانین مشروطیت را بنماید و حتی یك پارلمان ناقص آنرا تصویب کند زیاده باعث اطمینان اهالی مملکت خواهد شد

نمره ۱۸۵

تلگراف مستر مارلینك بسرادواردگری . ـ (واصله ۷ ژویت)

طهران ۷ ژویت ۱۹۰۸ عساکر دور سفارت اعلیحضرتی راجع بتلگراف ۵ شهر جاری من عساکر دیگر دور سفارت گردش نمیکنند مسیو دوهارتویك بطور سخت بدولت ایران اصرار میکند که باتقاضاهای ما موافقت نمایند

نمره ۱۸٦

تلگراف مسترمارلینك بسر ادوارد گری . ـ (واصله ۷ ژویت)

طهران ۷ ژویت ۱۹۰۸ وزیر امور خارجه دیشب محض

اطلاع شخص من مسوّده جواب مراسلهٔ که درباب تقاضاهای دولت اعلیحضرتی بایشان نوشته بودم برای من فرستادند

مضامین مسوّده مذکور بکلی موافق دلخواه نبود ومن ارائه طریق نموده ام که بسیاری از آنها را تغییر داده عبارات دیگر بجای آنها بنویسند

ابتدای نوت حالیه اظهار تاسفی است که از وقوع اعمال ناشایسته شده ونسبت آنرا بمأمورین جزو داده اند و بعد ازآن بطور ساده بیان میکند که دولت علیه پنجفقره تقاضاهای دولت اعلیحضرتی را قبول نموده اند و از طرف شاه اظهار میل میکند باینکه بعضی از متحصنین باید از ایران اخراج شوند

تلگراف ٦ ژوئن شما متعاقب آن برای من رسید

نمره ۱۸۷

تلگراف مستر اوبرن بسرادوارگری . ــ (واصله ۷ ژوئن)

سنت پطرزبورغ ۷ ژوئن ۱۹۰۸ راجع بتلگراف ٦ شهرجاری شما مسیوایسولسکی مرا اطلاع میدهد که فوراً بطریقی که میل شما است تلگرافاً بسفیر روس مقیم طهران دستورالعمل خواهد داد

نمره ۱۸۸

تلگراف سرادواردگری بمسترمارلینگ

وزارت خارجه ۹ ژوئن ۱۹۰۸ بی احترامی بسفارت

درباب تلگراف ۸ شهرجاری شما لطف نموده راپوت دهید که تا چه وقت شاه ودولت ایران محتمل است باتقاضاهای ما موافقت نمایند

و ترضیهٔ که از طرف دولت اعلیحضرتی مطالبه شده بخواهند (رجوع بتلگراف غره شهر جاری من نمائید)

دیگربرای ماممکن نیست که بیش ازاین تاخیردرقطع عمل این شرایط را جایز بدانیم

نمره ۱۸۹

تلگراف مسترمارلینگ بسرادواردگری . ــ (واصله ۹ ژوئن)

طهران ۹ ژوئن ۱۹۰۸ تقاضاهای دولت اعلیحضرتی

راجع بتلگراف ۷ شهرجاری من وزیرامورخارجه یادداشتی برای من فرستاده تغییرات لازمه را بنابرارائه طریق من داده وتقاضاهای دولت اعلیحضرتی را قبول نموده است

مضمون عبارت ترضیه و وثیقه که شاه برای جان ومال و شخص پناهندگان داده بنظرمن موافق دلخواه است روزشنبه مقرر شده است که ترضیه بطوررسمی خواسته شود

نمره ۱۹۰

تلگراف مسترمارلینگ بسرادواردگری . ــ (واصله ۱۱ ژوئن)

طهران ۱۱ ژوئن ۱۹۰۸ امروزصبح وزیرامورخارجه ازطرف دولت ایران ووزیردربار ازجانب شاه برطبق شرایطی که من تصویب نموده بودم رسما معذرت خواستند

امید من اینست که اکثر پناهندگان تایکروز دیگرازسفارت خارج خواهند شد

وزیردربار نیزازطرف شاه بمن پیغام شفاهی‌اورا درباب اینکه شرایط مقرره را بدون کم وزیاد مراعات خواهد نمود برای من نوشت

نمره ۱۹۱

تلگراف مستر مارلینك بسرادوارد گری . ـ (واصله ۱۱ ژوئن)

طهران ۱۱ ژوئن ۱۹۰۸ بستی‌های سفارت شاه همین الان پیغامی برای من فرستاده درضمن آن اعلیحضرت اظهارمیل‌میکند که اولا درمورد شش نفر ازبستیها مدت تبعیدآنها ازپنج الی ده سال مقررشود ثانیا چهارنفردیگر باید بوطن خودرفته ودیگر بطهران نیایند ثالثا آن اعلیحضرت بطور دقت مواظب خواهد بود که کلیه اشخاصیکه ازسفارت خارج میشوند دراقدام هیجان‌آمیزی برعلیه شاه شرکت ننمایند

این پیغام شاه بعقیده من بسیار مخالف دلخواه است درباب قسمت اول‌آن من تادیروز از دادن صورت اسامی متحصنین سفارت امتناع داشته میترسیدم هرگاه اسامی آنها معلوم شود طرفداران شاه ازخانواده واموال آنها انتقام خواهند کشید در۸ شهرجاری یك نفر ازوکلای اصفهان که بمیل خود ازسفارت خارج شد شاه اورا پذیرفته واو اسامی تمامی بستیهـای معتبررا بان اعلیحضرت داد شاه الحال پیشنهاد نموده که درمورد شش نفر ازآنها مدت تبعید طویل باشد ودرضمن تمام مذاکرات اینطور فهمیده‌ام که سه نفر یاچهارنفر فقط بایستی بمدت شش یاهشت ماه ازمملکت خارج باشند

اما درباب قسمت دوم پیغام آن اعلیحضرت که تقاضای جدیدی است دونفر که مذکور گردیده وخانه آنها درقراجه داغ که ولایت امیر بهادر جنك میباشد هست و حکمفرمائی و اقتدار او درآنجا مسلم است

بستیها از ترك سفارت ابراز بی میلی میکنند و هرگاه آنها ازقسمت سوم این پیغام باخبر شوند همه ازرفتن امتناع خواهند نمود

من از مفتاح السلطنه که پیغام آن اعلیحضرت را برای من آورد خواهش نمودم که بشاه اطلاع دهد عفو تام بستیها یکی ازتقاضاهای دولت اعلیحضرتی بوده وفقط بمحض آنکه فرصتی برای رفع این هیجان فعلی باشد آندولت بخواهش اعلیحضرت رضا داده که سه یا چهار نفر برای مدت معینی از مملکت خارج شوند بعلاوه من اظهار یقین نمودم که این شرایطی‌را که شاه علاوه پیشنهاد نموده که در جزو آنها یکی تنبیه بعضیها است که در حقشان عفو اعطا شده و باید تبعید شوند دولت اعلیحضرتی بهیچوجه قبول نخواهند نمود و پیغام شاه مخصوصا قسمت سوم آن که بنا بر اطمینانات وزیردربار امروز صبح بمن رسید وبنا برتذکاری که من در قبول طریقه ترضیه نمودم که سایر تقاضاهای ما باید بدون کم و زیاد قبول شود تاثیر بسیار نامساعدی بروز خواهد داد

اما درباب قسمت اول باجرأت ارائه طریق مینمایم که بمن اجازه داده شود که توسط وزیر امور خارجه شاه را مستحضر دارم که حد مدت تبعید از ایران یکسال باشد و اینکه دولت اعلیحضرتی قسمت دوم را نمیتوانند قبول کنند و قسمت دوم و سوم رویهم رفته بهانه ایست برای عاطل ساختن اثر عفو

نمره ۱۹۲

تلگراف مستر مارلینك بسرادوارد گری . ـ (واصله ۱۳ ژوئن)

طهران ۱۳ ژوئن ۱۹۰۸ پیغامی ازشاه برای من رسیده

مشعر براینکه آن اعلیحضرت شرایط خود را درباب بستیها تغییر خواهد داد

مدت تبعید تقی زاده و یکی از نطاقین مشروطه خواه بیك سال و یك سال‌و نیم تخفیف یافته ودر مورد سه نفر دیگر تایکسال اسم بستی ششمی حالا از صورت حذف شده واو حاضر است که بمیل خود باروپا برود

در شرایط دومی تغییری داده نشده اما درباب سومی شاه مجدداً اطمینان میدهد که بعهود خود وفا خواهد نمود

گمان میکنم در تحت این اوضاع میتوانم به پناهندگان اصرار نمایم که از سفارت خارج شوند ولی بسیار اظهار بی میلی دررفتن میکنند محتمل است بعضی بکلی امتناع ورزند آیا صحیح است من آنها را بیرون کنم ؟

بموجب تقاضای سوم ما سه نفررا مستخلص نموده اند

اینطور مقرر شده که سردار منصور بخراسان فرستاده‌شود و جلال الدوله و علاء الدوله باروپا بروند

اشخاصی که در سفارت پناه گرفته بودند رفته اند

با وجود این آثار و علامات اطمینان بخش خوف عموم مردم‌را فرا گرفته وآنهائی که تصور میکنند جانشان درخطر است اتصالا میگویند میخواهند بقلهك بیایند امیدوارم آنهارا ازاینکار باز دارم

نمره ۱۹۳

تلگراف سرادواردگری بمستر مارلینك

وزارت خارجه ۱۳ ژویت ۱۹۰۸ پناهندگان سفارت راجع

بتلگرافات ۱۱ و ۱۳ شهر جاری شما مسئله اول از قراری که فهمیده ام مدت تبعید بروفق دلخواه مقرر شده در باب مسئله دوم ممکن نیست در مورد درخواست اینکه چهار نفر از پناهندگان به ولایات خود روند اعتراض شود و در مورد مسئله سوم هم که راجع باقداماتی است برای آنکه بستیهائی که حفظ جانشان درایران تعهد شده در موقع توقف خود برعلیه دولت حاضره کاری نکنند نمیتوان اعتراضی نمود

برای ما امکان ندارد که شرایط بهتر ازاین درخواست نمائیم ما نمیخواهیم در امورات داخلی ایران دخالت نمائیم وبنا بر اینمسئله باید مرکوز خاطر عموم گردد که در سفارت فقط برای حفظ جان پناه داده‌ایم ونه برای آنکه برای یك اقدام مهم پلتیکی کمکی داده باشیم و حفظ جان و مال آنها که برایشان تحصیل نموده ایم بسته برفتار وکردار مسالمت جویانه آتیه آنها میباشد

و بشاه هم باید اطلاع داده شود که تازمانیکه پناهندگان رفتار و کردار شان مسالمت جویانه است بایستی کسی مزاحم آنها نشود

نمره ۱۷۳

تلگراف سرادواردگری بمسترمارلینك

وزارت خارجه ۱۳ ژویت ۱۹۰۸ پناهندگان سفارت درباب تلگراف ۱۳ شهر جاری شما وقتیکه کسی بخواهد بما پناه برد برای ما ممکن نیست که متعاقب آن چیز دیگری را بعهده بگیریم مگر آنکه تاسرحد مملکت باپناهندگان بدرفتاری نشود و فقط در

وقتیکه جان کسی در مورد خطر باشد میتوانیم از او حفاظت نمائیم عمده اینمسئله باید بطور وضوح مفهوم گردد اگر ما ازحدود مذکوره تجاوز نمائیم سرکردکان هریك از احزاب پلتیکی ممکن است در اوقاتیکه کار برایشان سخت شود سفارترا پناه گاه خود قرار داده محض آنکه همینکه موقع مساعد تری بدست آورد بتواند تجدید اقدامات بنماید و آنوقت پلتیك عدم مداخله ما در امورات داخلی ایران باوضعیتی که پیدا خواهیم نمود بکلی موافقت نخواهد داشت

نمره ۱۹۵

تلگراف مسترمارلینك بسرادواردگری . ـ (واصله ۱٤ ژوئن)

طهران ۱۵ ژوئن ۱۹۰۸ دیروزشاه سرکردکان رجاله را که درماه دسامبر گذشته درمیدان توپخانه متصدی اقدامات نموده وبطور حبس بخراسان فرستاده شده بودند مراجعت داد وبرحسب امر آن اعلیحضرت کالسکه های متعدد باستقبال آنهافرستاده شدند

نمره ۱۹۶

مکتوب مستر مارلینك بسرادواردگری . ـ (واصله ۱۴ ژوئن)

طهران ۱٤ ژوئن ۱۹۰۸ دیروز قریب سی‌نفر از پناهندکان سفارت اعلیحضرتی از آنجا خارج شدند

نمره ۱۹۷

تلگراف مسترمارلینك بسرادواردگری . ـ (واصله ۱۵ ژوئن)

طهران ۱۵ ژوئن ۱۹۰۸ دیشب ظل‌السلطان باصفهان ورود نمود کفیل جنرال قونسولگری راپورت میدهدکه برای تفریغ

محاسبات حکومت فارس وامورات شخصی‌خود حضرت اقدس ایشان میخواهند چند هفتهٔ درآن شهر بگذرانند وپس ازآن بدون اینکه بطهران روند بطرف شمال مسافرت نموده و از همانطریق از مملکت خارج خواهند شد

گمانمیکنم اگرظل‌السلطان دراصفهان توقف نماید اعاده انتظامات درمملکت مشکل تر خواهدشد وسفیرروس هم با این عقیده شریك است بکفیل جنرال قونسولگری بنا براین دستورالعمل داده شده که حضرت اقدس ایشانرا متذکر سازد که دولت اعلیحضرتی درصورتیکه ایشان درتوقف خود ادامه دهند خودشان را بهیچ جه مجبور نخواهند دانست که وثیقه برای اوتحصیل نمایند وبرای‌ایشان بهتراست که هرچه زودترترتیبات حرکت خودرا بدهند

نمره ۱۹۸

تلگراف مسترمارلینك بسرادواردگری . ـ (واصله ۱٦ ژوئن)

طهران ۱٦ ژوئن ۱۹۰۸ بعلت سازش یکی‌ازسربازان که دم درب بزرك مشغول قراولی بود غیاب موقتی غلام مذکور شش نفر درشب ۱۵ شهرجاری بورود درسفارت موفق شدند و با اشکال زیاد فردا صبح آنروز آنهارا وادار بخروج از آنجا نمودیم مجددا دیشب ساعت هشت یکدسته دویست نفری کوشش مجدانه نمودند که ازدرب یکطرف سفارت داخل آنجاشوند قبل‌از آنکه ازاین درب داخل شوند سایردربهارا هم دیده بودند وبالاخره آنها تهدیدنمودند که قهرا داخل شوند با انکه غلامها درواداربنمودن آنهابترك این اقدام کوشش زیادنمودند این جمعیت پس ازورودقدری

عساکر متفرق شدند ولی عساکرمذکور مجبورباستعمال اسلحه نشدند
درحالیکه جمعیت متفرق میشدند وس قونسول وارد و باو التماس
نمودند آنهارا اجازه تحصن دهد

نمره ۱۹۹

تلگراف مستر مارلینك بسرادواردگری . ـ (واصله ۱٦ ژوین)

طهران ۱٦ ژوین ۱۹۰۸ راجع بتلگراف امروز من
پنجاه چهار نفر از سفارت خارج شده اند دوازده نفر حالا باقی
هستند وچهارنفری که بایستی باوطان خودمعاودت کنند وشش نفری
که باید ازمملکت خارج شوند جزوانها میباشند

نمره ۲۰۰

تلگراف سرادواردگری بمستر مارلینك

وزارت خارجه ۱٦ ژوین ۱۹۰۸ در باب ظل‌السلطان
تعلیماتی را که بکفیل جنرال قونسولگری اصفهان برحسب راپورت
مندرجه تلگراف ۱۵ شهرجاری خود داده اید تصویب میکنم

نمره ۲۰۱

تلگراف سرادواردگری بمسترمارلینك

وزارت خارجه ۱۷ ژوین ۱۹۰۸ راجع بتلگرافات ۱٦
شهر جاری شما درخصوص اوضاع عمومی ایران
ازتلگرافات شما بخوبی ظاهرمیشود که ازبست اختیارنمودن
درسفارت‌اعلیحضرتی را نه فقط بملاحظه حفاظت ازخطرجانی‌استفاده
میشود بلکه برای مقاصدپلتیکی هم چون مداومت دراین کار باتجدید
آن درآینده بهیچوجه خیلی غیرمطلوب خواهد بود شماباید عموم را

ازاینمسئله متذکرسازید که درآینده بکسیکه جانش درمخاطره نباشد
اجازه تحصن درسفارت داده نخواهد شد
بدون انکه بستیهائی را که دربست اختیارنمودن مقاصدشان
صرف پلتیکی بوده و از خروج امتناع میورزند جبرا خارج نمائید
شما باید کوشش نموده آنهارا ملزم نمائید که ازتوقف بیش‌ازاین
نتیجه نبرده وبرای آنها بهتر است بروند

نمره ۲۰۲

تلگراف سرادوارگری بمسترمارلینك

وزارت خارجه ۱۸ ژوین ۱۹۰۸ درصورتیکه دلیلی
دارید که ازبست اختیارلمون زیاد مردم خوفی داشته باشید شمابابد
دربهای سفارت را به بندید

نمره ۲۰۳

تلگراف سرادواردگری بمسترمارلینك

وزارت خارجه ۲۳ ژوین ۱۹۰۸ مستحفظین قونسولخانه
شیراز درباب‌تلگراف‌پنجم شهرجاری شمامستحفظین قونسولخانه را
بهمین عده که هستند میتوانید تامدت شش‌ماه دیگربطور اقدام موقتی
نگاهدارید موعدآن از۱۹ شهرگذشته خواهد بود

نمره ۲۰٤

تلگراف مسترمارلینك بسرادواردگری . ـ (واصله ۲۵ ژوین)

طهران ۲۵ ژوین ۱۹۰۸ مردم هنوز هم برای اقامت
در قلهك میایند و عده آنها بصد نفر میرسد
یکی از اعضای محکمه که برای محاکمه محبوسین باغشاه

تشکیل شده اظهار میدارد که مقصود عمده تحقیات آن است که
اشخاص مربوط بسوء قصد نسبت بشاه را پیدا کنند و در ضمن
جریان این امر عده زیادی را دستگیر نموده اند اکثر آنهائی که
بباغ شاه برده شده اند پس ازشهادت دادن یحتمل مرخص خواهند
شد ولی تفتیش دائمی پلیس درخانهای مردم تولید حس ناامنی نموده
و آنهائیکه عللی برای ترس خود تصور میکنند بطور آرام درقلهك
پناهنده میشوند من هیچ طریقی برای منع آمدن آنها ندارم وتازمانی
که بی نظمی و بی ترتیبی از آنها مشهود نشده جهتی برای اخراج
آنها بنظرم نمیرسد عده کثیری درباغ بزرگی که بانها واگذار شده
چادر زده اند یابارقهای خود بسر میبرند از قرار معلوم از آمدن
باینجا مقاصد پلتیکی در مد نظر ندارند ولی فقط از ترس دستگیر
شدن پناه برده اند و اینمسئله باآنکه تااندازه زیادی بی اساس است
حقیقت دارد محتمل است که برعده آنها افزوده خواهد شد
وآخرالامر برما فشار وارد آورند ولی فعلا اثری از آن ظاهر نیست
ومحتمل نمینماید که عده کثیری از اهل بازار پناهنده شوند

هرگاه زیاد شدن عده آنها اوضاع حفظ الصحه این ده را
تهدید نماید تصور میکنم من حق دارم از قبول آنهائیکه بعد وارد
میشوند امتناع نمایم و آنهائیکه در ده هستند سعی بدخول دراراضی
سفارت اعلیحضرتی نمایند بطور اشخاص تجاوز کار جبراً اخراج
خواهم نمود

دولت ایران هیچ اقدامی برای منع ورود مردم بقلهك
نکرده است

نمره ۲۰۵

تلگراف سرادواردگری بمسترمارلینك

وزارت خارجه ۲۷ ژویت ۱۹۰۸ پناهندگان قلهك دولت
اعلیحضرتی وضع سلوك و اقدامیرا که پیشنهاد نمودهاید در مورد
اشخاصیکه بخواهند داخل اراضی سفارت شوند معمول دارید (که
در تلگراف ۲۵ شهر جاری شما تشریح شده) تصویب میکنند

درصورتیکه ببینند پناهندگانیکه در ده هستند عدهشان زیاد
شده اسباب زحمت میشوند علل حفظ الصحة را برای منع اجازه
دخول سایر واردین قرار دهید

تلگراف مسترمارلینك بسرادواردگری . – (واصله ۲۹ ژویت)

طهران ۲۹ ژویت ۱۹۰۸ راجع بتلگراف ۲۵ شهرجاری
من فعلا قریب ۱۵۰ نفر بستی در قلهك هستند و باز هم میایند
امروز صبح توانستم دوازده نفر را وادار بخروج نمایم و امید وارم
ازورود سایر واردین امتناع شود ممکن است بواسطه شایعات تجدید
انعقاد پارلمان عثمانی اینجا درمردم هیجانی پیدا شود

نمره ۲۰۷

تلگراف مسترمارلینك بسرادواردگری . – (واصله ۳۱ ژویت)

طهران ۳۱ ژویت ۱۹۰۸ راجع بتلگراف ۲۹ شهر جاری
من روز سه شنبه وچهارشنبه ۲۵ نفر دیگر را وادار بخروج از
قلهك نمودم ولی دیشب وامروز صبح ۱۸۰ نفر وارد شدند و فعلا
قریب سیصد نفر در ده هستند عدهٔ در مقابل فشار سختی که بانها
وارد آوردهام راضی بخروج شده اند ولی محتمل نیست که بتوانم

قسمت عمده‌را راغب نمایم مثل سایرین بیرون روند

چنانچه خودشان اعتراف میکنند مقاصد پلتیکی درنظر دارند و قصدشان فعلا این است درده قلهك مامنی بدست آورده از آنجا در اقدامات خود مداومت نمایند

میترسم که برعده آنهائیکه اینجا هستند افزوده شود و کوشش نمایند که مارا مجبور باقدامات نمایند اگرچه برآنها کاملا معلوم است که سفارت معاونتی نخواهد نمود

مردم اینرا یقین دارند که ما آنهارا قهراً خارج نخواهیم کرد

محتمل است که یك قسمت عده را از آنهائیکه فعلا در قلهك هستند بتوان خارج نمود و فقط بطور غیر مستقیم بااین امر مقاومت خواهند کرد ولی چنین اقدامی از طرف ما حمل بحمایت واقعی بشاه خواهد گردید بعلاوه اگر یك قوه پلیس بزرگی ـ مثلا پنجاه نفر — از دولت ایران تحصیل نشود که از دسترسی مردم بقلهك در آتیه جلوگیری نمایند از تجدید وقوع این اوضاع ممانعت نتوان نمود

از وصول تعلیمات شما که چطور عمل نمایم مسرور خواهم شد

نمره ۲۰۸

تلگراف مسترمارلینك بسرادواردگری . ـ (واصله ۳۱ ژوت)

طهران ۳۱ ژوت ۱۹۰۸ راجع بتلگراف امروز من امروز بعد ازظهر قریب یکصد نفر از پناهندگان از ده خارج شدند من امر داده‌ام که درهای سفارت اعلیحضرتی را ببندند

نمره ۲۰۹

تلگراف سرادواردگری بمسترمارلینك

وزارت خارجه ۳۱ ژوت ۱۹۰۸ پناهندگان قلهك درباب تلگراف ۲۹ شهر جاری شما شما بوسیله اقدامی که درتلگراف ۲۷ شهر جاری خود ارائه طریق نموده‌ام باید سعی کنید هرقدر از پناهندگانرا که امکان دارد از ده خارج کنید و باید بآنهائیکه اکنون اینجا هستند توضیح نمائید که برای ما غیر ممکن است بگذاریم ده باسفارت مامنی برای اجرای مقاصد پلتیکی باشد وعلاوه نمائید که برای منع مداومت در اینکار اعمال قوه خواهد شد

بسیار غیر مطلوب خواهد بود که قلهك مامنی برای اجرای اعمال پلتیکی شود

نمره ۲۱۰

مکتوب مسترمارلینك بسرادواردگری . ـ (واصله ٤ ژوت)

قلهك ۱۵ ژوت ۱۹۰۸ آقا از ویس‌قونسول اعلیحضرتی مقیم تبریز چندین تلگراف درباب حوادثیکه در عرض چهار هفته اخیر در آن شهر بوقوع رسیده واصل گردیده است دراین راپورتها چند فقره اخبار بسیار عمده ملاحظه شد ولی نظر باشتهارات متضاد بسیار که راجع باغتشاشات آنجا شیوع داشت واشکال زیادی که در بدست آوردن شرح مربوطی از حقیقت وقایع موجود است من خلاصه مختصری از تمام راپورتهائی که مستر استوتز برایم فرستاده و بعقیده من شما میتوانید ازروی آن از اوضاع حالیه طرح عقیده برای خود نمائید ایفاد میدارم

بطریق معمول این راپورتها باید جزو خلاصه وقایع معمول ماهیانه فرستاده شود ولی اهمیت شهر تبریز از نقطه نظر مرکزیت عقاید پلتیکی ومسئله اینکه در میان شهر های ایالتی و ولایتی ایران فقط در آنجا بواسطه حوادث اخیر طهران احساسات عامه تا اندازه بهیجان آمده مرا مصمم نموده که در مراسله جداگانه شرح آنرا بنگارم

(امضا) چارلزمارلینك

ملفوف در نمره ۲۱۰

مجمل راپورت متراستیونس راجع به تبریز

در۲۳ ماه گذشته تبریز خیلی مغشوش وبازارها بسته شد اخبار حوادث درطهران درهمانروز واصل گردید وجنك مابین طرفداران شاه بریاست علما ومشروطیین شروع شد تا سه روز بعد بازارها بسته وجنك مداومت داشت تا اینکه در ۲۷ ماه طرفین قبول نمودند که قرار ملاقاتی داده وشرایط صلح مذاکره شود طرفداران شاه بقرار داد معهود عمل ننمودند و مشروطیین آنهارا بقتل دونفر ازمشروطیین متهم نموده وجسد یکی ازآنهارا برای‌ثبوت رفتار وحشیانه مستبدین بقونسولخانه اعلیحضرتی آورده وبعد دریك مسجدی‌بردند مشروطیین هم درتلافی برادریکی ازرؤسای علمارا که دستگیر ومحبوس نموده بودند بقتل رسانیدند جنك مداومت‌یافت وارازل ازعابرین بی گناه سرقت مینمودند

در۲۸ ماه شش نفر ازرولوسیونرها در ژنرال قونسولگری روس بست اختیارنمودند وعده زیادیهم تقاضای دخول بقونسول‌خانه اعلیحضرتی نموده ولی قبول نشد ژنرال قونسول روس سعی

نمود که بامذاکرات باطرفین صلح را برقرار نماید ولی موفقیتی باقدامات خودحاصل ننموده تا اینکه در ۳۰ ماه استمدادی ازسوارهای قراجه داغی بامر شاه برای برقراری نظم در بیرون شهر هویدا گردید درهمانروزمخبرالسلطنه فرمانفرمابقونسولخانه روس متحصن وعین‌الدوله بجای او بحکومت منصوب گردید در اغلب محلات شهرجنك مداومت‌داشت ودراول ماه ژوبه چهارنفرازرؤسای رولوسیونر تقاضای حمایت انگلیس‌را نمودند وتهدید نمودند که اگر تقاضای آنها قبول نشود جنك را مداومت داده ونخواهند گذاشت که سوارها برای استقرارنظم داخل شهر بشوند

وبقونسول اعلیحضرتی درخواست تکلیف‌نمود دستورالعمل باو فرستاده شد که بروفق تصمیم دولت اعلیحضرتی که بامورات داخلی ایران مداخله ننماید حمایت باشخاص مذکور نباید داده شود در این ضمن ژنرال قونسول روس رولوسیونرها را وادار نمود که بیرق سفید را که علامت تسلیم است برپا نموده و بگذارند که سوارها داخل شهر بشوند

قدری بعد دسته طرفداران شاه پیش آمده و در بین راه خانها و دکاکین را غارت مینمودند بعد ازاین مشروطیین مصمم شدند که مجدداً بنای زد وخورد را گذاشته وشروع بجمع آوری استعداد کردند کوشش ژنرال قونسول روس برای برقراری نظم بی ثمر گردید طرفین تا ۱۰ اینماه مشغول جنك و غارت خانها ودکاکین بودند تااینکه در ۱۰ ماه قشون ازطهران وارد گردید و تادوروز بعد سعی نمودند که مردم را به بازنمودن بازارها

وادار نمایند   سعی آنها بی نتیجه ماند بجهة اینکه دسته ازمشروطیین مواظب آنها بوده وچون تمام مردم ترس فوق العاده از آنهـا داشته نمیگذاشتند که کسی دکان خـود را باز کند   در تمام اینمدت اغتشاش نان خیلی کمیاب گردید تااینکه در ۱۲ اینماه گندم بشهر داخل شد وعده قلیلی ازدکاکین باز بودند

در صبح ۱۳ اینماه رحیمخان تقریبا با ۱۰۰۰ سوار و سه عراده توپ وارد شهر گردید   قبل از ورود او عده از رولوسیونرها یك عـراده توپ و چند قبضه تفنك باو تسلیم نمودند   دسته از رولوسیونرها که عده آنها صد نفر بود در پشت سنگرها از قشون دولتی جلو گیری میمنودند و در تمام روز شلیك کرده میشود سوارها تمام راههای بشهر را در دست داشته و حکم بانها داده شده بود که نگذارند کسی خارج یاداخل شهر بشود

در روز بعد وبس قونسول اعلیحضرتی راپورت داد که قشون دولتی نتوانسته‌اند رولوسیونرها را از نقاط خود خارج نمایند و عده آنها زیاد شده است   چهار تیر توپ هم انداخته شده ولی خسارت زیادی نرسانیده است

نمره ۲۱۱

مراسله مسترمارلینك بسرادواردگری مورخه ۱۵ ماه ژویه ازقلهك

من افتخار دارم راپورت ذیلرا که متمم حکایت وقایع راجعه به (گودتا) جدیدیکه ابتدای آن در مراسله ۱۸ ماه ژون شروع شد تقدیم نمایم

در آنروز ودر دو روز بعد ظاهراً از انجمنها قدری جدیت

بروز نمود   درصورتی که مجلس خیلی مایل بود که صلح برقرار بماند و بهانه بدست شاه برای بعضی اقدامات سخت داده نشود و باینجهة سعی مینمود که از طرف انجمنها اقدامی نشود

اتصالا مذاکرات مابین وزراء ومجلس از یکطرف ودربار از باغ شاه از طرف دیگر درجریان بود

مذاکرات در خصوص تقاضاهائی که شاه نموده بود خیلی طولانی و جلسه مجلس که تاخیلی دیر منعقد بود بالاخره تقاضاهای مذکور را رد نمود جای تردیدی باقی نیست که دربار نتیجه رای مجلسرا قبلا پیش بینی نموده بواسطـه اینکه تدارکات لازمه برای اقدامات روز بعد کاملا دیده شده بود   اخبار سرگذشت واقعه روز سه شنبه ۲۳ ماه ژون بیش از آنچـه در ایران معمول بوده متضاد است لیکن دراین چند فقره همه متفقند که رؤسای مشروطیین و مخصوصا سید عبدالله بدسته خود تاکید نموده بود که آنها باید فقط از خود دفاع نمایند   و تیر اول را یك سرباز (ممکن است که در روی هوا) درکرده بود   وبعد از دررفتن تیر اول آنوقت انجمنها بقشون شلیك نمودند هرچند که اینمسئله فی حد ذاته داری اهمیتی نیست بواسطه اینکه واضح بود که شاه مصمم باستعمال قوای قهریه شده بود

من گمان میکنم که بدون شك کسی عمداً بصاحبمنصبان روسی تیری نینداخته   تمام ایرانیها میگویند که بدواً حکم اکیدی از طرف رؤسا شده بود که همچو اقدامی نشود و مسیو هارتویك بمن اطلاع داد که عقیده یکی از صاحبمنصبان روسی هم همینطور

بود اگر چنانچه برخلاف این میل ملیین بود عقلا باور کردنی نیست که آنها باداشتن سنگرهای خوب و قلت مسافت از کشتن صاحبمنصبان مذکور عاجز بوده اند

بعلاوه تمام صاحبمنصبان روسی بدون ترس در نقاط بسیار خطرناك رفت وآمد مینمودند یکی از وکلای مجلس بمن گفت که برای ملیین ممکن بود مخصوصا کلنل لیاخوف را هر دقیقه که میخواستند بکشند

اگر چنانچه آن صاحبمنصبان کشته میشدند یقینا نتیجه زدو خورد بکلی تغییر میکرد و سلامتی آنها بواسطه این مطلب بود که عقیده مردم عموما براین بود که اگر آنها کشته بشوند باعث دخالت روسیه خواهد گردید

صاحبمنصبان مذکور بخوبی جلوگیری ازاجحافات تابینهای خود وتایك اندازه هم از فوج سیلاخور وسوارهای امیربهادرنمودند بدلیل آنکه عده بسیار قلیل از دکاکین وخانها به استثنای خانهائی که مخصوصا نشان شده بود (از قبیل خانه ظل السلطان و بانوی عظمی) غارت گردید

ابتدا خبریکه از زدوخورد طهران بمن رسید قدری پیش ازساعت هفت صبح بود چند ساعت بعد من بزرگنده برای ملاقات مسیو هارتویك رفتم برای ایشانهم تقریبا خبری مثل خبرمن رسیده بود ولی عقیده ایشان براین بود که تاخبر صحیحی برای مانرسد مانخواهیم توانست اقدامی نمائیم من دومرتبه درساعت دوازده بملاقات ایشان رفته ایشان قبول نمودند که مترجمین خود را بطهران فرستاده که

بشاه خطراتی که برای اروپائیها مترتب است خاطر نشان نمایند

وقتی که درساعت سه بعدازظهر من دومرتبه نزدایشان رفتم ایشان‌قبول ننمودند که بعلاوه پیغام مذکورفوق بمترجمین دستورالعمل داده شود که شاه را ازاطمینانانی که درخصوص برقراری‌مشروطیت داده بودیاد آوری نمایند

مسیوهارتویك مسیوبارناوسکی را احضارنموده ودستورالعمل بطوریکه قرارشد باوداد من بمسیو هارتویك اظهار نمودم که من بمسترچرچیل دستورالعمل کتبی خواهم داد مسیو هارتویك راضی شدند که مسترچرچیل ومسیوبارناوسکی درساعت پنج بعد از ظهر درسفارت اعلیحضرتی یکدیکررا ملاقات نموده وازآنجا بطرف طهران حرکت نمایند ولی مسیو بارناوسکی تاساعت شش حاضر نشد

دربین راه ازسفارت بباغشاه مسترچرچیل دستورالعملیرا که من باوداده بودم بمسیوبارناوسکی نشان داد وقرار دادند که مسیو بارناوسکی ترجمه آنرا بشاه اظهار دارد

پس ازاظهار ترجمه مذکور اعلیحضرت شاه قول اکیده به آنها داد که غارت و اغتشاش نخواهد روی داد و حکم مخصوصی برای محافظت محلاتیکه اداره تلگرافخانه انگلیس و بانك شاهنشاهی درآنجا واقعند صادرگردید ونیزحکم شد که مستحفظین مخصوصی برای اجزای تلگرافخانه درحین رفت وامد آنها معین گردد یادداشتی را که مسترچرچیل راجع بملاقات درباغشاه نوشته لفا فرستاده شد

بمحض‌اینکه اخبارحوادث‌شهریه من رسید من مازراستوکس را بشهر فرستاده ودستورالعمل باودادم که نگذارد کسی درسفارت

تحصن اختیارنماید مگراینکه جان اودرمعرض خطرفوری باشد

مازراستوکس هرچند ساعت بساعت اخبار شهر را بتوسط تلفون بمن‌میرسانید ازراپورتهای اوهمچو فهمیده میشود که غارت زیادی کرده شده است چونکه اومشاهده نموده بود که سرباز هم از بریگاد قزاق و هم از فوج سیلاخور با غنایم زیاد مختلف بطرف باغشاه حرکت میکردند وحتی غنایم مذکور را در روی گاریهای توپ انبار کرده وحرکت میدادند و همچنین در موقعی که او در دکانی که چندقدم ازسفارت دوربود برای تلفن زدن رفته بودچهار نفر ازسوارهای امیر بهادر قصددخول برای غارت نمودند نسبتا کمترازدکاکین وخانهای‌شخصی غارت شداغلب اموال‌غارت شده متعلق بعمارت بزرك ظل‌السلطان ومجلس‌بود خسارت فوق‌العاده بخارج عمارت ظل‌السلطان روی نداد چونکه دکترملینکان برای پرستاری مجروحین بطهران رفته بود واز در عمارت گذشته بمن اطلاع داد که هرچندقدری خرابی شده است ولی باصل عمارت صدمه وارد نیامده است درعصرعده ازاشخاص ازطبقات مختلف دستگیر شدند اسامی اشخاصی که لازم ذکرند از قرار ذیل است دو نفر از مجتهدین مهم سیدعبدالله وسید محمد شیخ‌الرئیس مستشارالدوله یکی از رؤسای مهم تجدد خواهان و وکیل تبریز ناطق معروف ملك‌المتکلمین وجهانگیرخان مدیر روزنامه صوراسرافیل این دو شخص آخر مخصوصا بواسطه حملات مکرر باعلیحضرت اغلب اوقات که صورت فحاشیرا دارابود موردتنفروبغض شاه واقعند

اغتشاشی درشب روی نداد ولی صبح زودفردا کاغذفوری

ازطرف مازراستوکس بمن رسید مشعربراینکه تقی زاده وشش نفراز رفقای اوکه دونفر ازآنها مدیرروزنامه حبل‌المتین (روزنامهٔ است که بواسطه حمله های سخت نسبت بدولت انگلیس خودرا مشهورنموده) ومساوات اند شبانه بسفارت متحصن شدند

درهمانموقعی که من کاغذی برای مسیوهارتویك راجع باینمسئله فرستادم کاغذی ازایشان برای من رسیدمشعر براینکه‌چندین نفرازاعضای انجمنها برای تحصن بسفارت میروند وهمچنین عده از تجار وسادات هم دردرشکه های کرایه با همراهی غلامهای سفارت عازم اند من فوراً بسفارت روس رفته وبمسیو هارتویك اظهار نمودم که من هنوز اطلاع ندارم که بچه سبب اجازه دخول بتقی زاده وسایرین داده شده است ومن‌مخصوصا مازراستوکس را بشهر فرستادم که نگذارد متحصنین داخل سفارت شوند وبرمن محقق و ثابت است که اوازروی وجدان کلیه دستورالعمل دولت اعلیحضرتی راجع بمسئله بست را بموقع اجری خواهد گذارد مفاد دستورالعمل مذکور این بود که حتی‌المقدور مردم را ازآمدن بسفارت منع نماید و هیچکسرا جز اشخاصی که جان آنها درخطرفوری است بسفارت راه ندهد البته ممکن است که برای او سوء تفاهمی حاصل شده باشد ولی درهرصورت من فوراً بطهران خواهم رفت و بایشان هرچه زودترممکن بشود مسئله را اطلاع خواهم داد من‌اطمینان کامل دارم که مسئله همراهی غلامهای سفارت بامتحصنین بکلی دروغ است و فوراً هم بمازور استوکس تلفن نموده ام که ابداً نگذارد هیچکس داخل سفارت بشود

پس از مراجعت بسفارت پیغام بتوسط تلفن از شهر برای من رسیده بود مشعر براینکه صبح تقریبا ۴۳ یا ۴۴ نفر داخل سفارت شده‌اند وقتی که درساعت دو بعد ازظهر من وارد طهران شده مشاهده نمودم اضطرابی که بواسطهٔ حوادث روز پیش مابین مردم تولید شده بود بواسطه بعضی اغراقاتی که شیوع داشت منتشر شده بین مردم شهرت داشت که قزاقها برای تجسس اسلحه و اشخاص مظنون بجانهای شخصی داخل میشوند وهمچنین کشتن دونفر از محبوسین را بقتل عام نقل مینمودند هرچند که اغلب دکاکین باز بود ولی این بواسطه اعلانی بود که شاه منتشر نموده بود که هردکانی که بسته باشد سربازان آنرا غارت خواهند نمود عابرین درکوچه وخیابانها خیلی قلیل بودند اغلب مردم درب خانهای خود ایستاده ومنتظربودند که شاه دیگرچه اقدامی خواهد نمود

تقریبا درساعت سه ونیم بعد ازظهر معین‌الوزاره پسر وزیر امورخارجه ورئیس کابینه پیغامی ازشاه بسفارت آورد مفاد پیغام جواب من وجواب شاه بطور مشروح درتلگراف نمره ۱۵۵ مورخه ۲۵ ژون راپورت داده شد

درموقعی که ماصحبت میکردیم صدای تیروتفنگ ویك تیر توپ ازمسافت خیلی قلیلی بسفارت شنیده شد معین الوزاره توضیح نمود که قشون حمله بخانه ظهیرالدوله که مرکز انجمن موسوم بهمان اسم بوده می‌آورند

آنقدریکه من اطلاع دارم مقاومتی ازطرف انجمن نشدولی گمان برده میشود که بمب ممکن است انداخته بشود اقدام قشون

حتما سه ربع ساعت طول کشید بواسطه اینکه بعدازرسیدن من بمنزل علاء السلطنه صدای انفجاری درآنجاشنیدم درمنزل علاء السلطنه دومرتبه معین‌الوزاره را ملاقات نموده ودرحضور پدرش پیغامی که مایل بودم بشاه ابلاغ گردد باودومرتبه اظهار نمودم چندی نکشید که او بطرف باغشاه حرکت نمود

درموقعی که بسفارت مراجعت مینمودم سه چهارسربازسواره را مشاهده نمودم که تقریبا بفاصله ۲۵ الی ۳۰ ذرع آنطرف خیابان دردوطرف درسفارت متوقف بودند

ولی من گمان نمودم که شاید اتفاقا آنهـا دراین نقطه بوده اهمیتی مخصوص باینمسئله ندادم درمراسله دیگربطورمشروح حکایت اقدامات نظامی که دراطراف سفارت بعمل آمد نگاشته خواهد شد وباین جهت دراین مراسله حتی‌المقدور ذکری ازاینمسئله نخواهم نمود از ترجمه اعلان قانون نظامی که در۲٦ ماه منتشر گردیده ولفا فرستاده شده مشاهده میشود که کلنل لیاخوف با اختیارات تام بحکومت و ریاست قوای پلیس ونظامی معین گردید بدون شك کلنل لیاخوف اقتدارخودرا با اثرخوشی بکاربرد بجهت اینکه دراین شش هفت ماه اخیرطهران هیچوقت باین اندازه خاموش نبوده است ولیکن بیك ملاحظه بواسطه شدت سختی مفاد اعلان مذکور و مخصوصا ماده پنجم (مشعربراینکه اگرکسی بمامورین نظامی بی‌احترامی نماید اجازه استعمال اسلحه بانها داده شده است) اثر بسیار بدی بخشید وحشت زیادی مردم را احاطه نمود و بواسطه همین ماده پنجم بود که عده زیادی ازمردم که خطرواقعی بهیچوجه برای آنها مترتب نبود

با وجود این مایل پناه در سفارت بودند خاموشی شهر بواسطه جبن مردم بود

اعلان عفو عمومی در۲۵ ماه منتشر گردید ولی باوجوداین عده ازمردم دستگیر شده وحال هم اتصالا دستگیر میشوند ودرواقع مردم تصورمیکنند که این اعلان فقط برای این بوده که اشخاص مظنون ازخفیه گاه بیرون بیایند

درروزدوشنبه ۲۹ ماه اعلانی بامضای خودکلنل‌لیاخوف در تمام شهرچسبانیده شد ولی در۶ ماه ژویه اعلان ثانی که مبطل اعلان کلنل بود ازطرف مشیرالسلطنه صدراعظم منتشر گردید اعلان‌مذکور توضیح میداد که شاهزاده مؤیدالسلطنه حاکم معمولی شهر است و کلنل لیاخوف حاکم نظامی است (ترجمه هردواین اسنادملفوف‌است)

در۱۷ ماه ژویه اعلان دیگری ازطرف شاهزاده مؤیدالدوله منتشر گردید مبنی براینکهٔ هرچند مداومت قوانین نظامی درشهرلازم است ولی باوجود این او شخصا رسیدگی بکار های معموله خواهد نمود وهرکس که بخواهد میتواند درساعت معین حاضر شده تا به تظلمات ودعاوی آنها رسیدگی شود و بعلاوه توضیح مینماید که جمع شدن درمساجد برای نمازجزء اجتماعات ممنوع حساب‌نمیشود

روزبعد دستخطی که ازطرف شاه خطاب بصدراعظم صادر شده بود درتمام نقاط شهرچسبانیده شد دستخط مذکورحکم مینماید که وزراء باید درصدداصلاحات برآمده ومخصوصا ذکری ازمعارف تقویت تجارت وکارخانجات برده میشود دستخط بعلاوه تاکید مینماید که وزارت مالیه فورا باید بمطالبات راجع بحقوق معوقه

ادارات دولتی ووظایف دیوانی رسیدگی نموده وقراری بدهد

مقصود ازجمله آخر برای اینست که عده زیادی ازاربابان حقوق را که مجلس حقوق آنهاراقطع نموده شاه باخودهمراه نماید

البته معلوم است که وجوهات برای پرداخت مطالبات فوق‌العاده که بخزانه تعلق دارد وجودخارجی ندارد بغیرازاینکه در۹ ماه ژویه قهوه خانهٔ که متعلق‌بیکی ازمتحصنین سفارت بود گفته شده بود که در۲۴ ماه گذشته از آنجا بومبی انداخته شده بود سربازان خراب نمودند اقدام دیگری بعمل نیامد هرچند که عده زیادی‌ازمردم دستگیر شده اند واقدامات مجدانه برای تجسس اسلحه درجریان‌است خیلی مشکل است که معلوم نمود که چطور بامحبوسین باغشاه رفتار شده است تقریبا بیست ودونفر ازآنهارا زنجیرنموده بودند ویکی ازآنها تلف شد از قراریکه میگویند مردن این شخص بواسطه زخمی بوده که برسرش وارد آمده واز آنوقتی که شخص مذکور دستگیر شده بود رسیدگی بزخم آن نشده بوده است

در۱۳ ماه جاری دونفررا دراطراف قلهك دستگیرنمودند از قرارمعلوم دستگیری مذکور مصنوعی بوده ومقصود این بوده است که بفهمانند حتی درقلهك هم شاه می تواند مقصرین را دستگیرنماید

ملفوف ۱ در نمره ۲۱۱

یاد داشت مستر چرچیل

موافق دستور العمل شما من امروز عصر بشهر رفته ودر ساعت شش بعد از ظهر بس از اینکه مسیو بارناوسکی همکار روس من مرا بطوریکه شما قرار داده بودید ملاقات نمود ما بطرف باغ

شاه حرکت نمودیم مستحفظین ما فقط دونفر سوار هندی ودوغلامی بود که من از قلهك همراه آورده بودم

من دستور العمل کتبی را که در خصوص مذاکرات باشاه بمن داده بودید بمسیو بارناوسکی نشان داده گفتند که دستورالعمل ایشانهم از سفیر روس عینا بادستور العمل من مطابق است من از ایشان تقاضا نمودم که ترجمهٔ را که من در این راه نموده بخوانند تاآنکه مفاد آنرا حفظ نموده بجهة اینکه ایشان باید نطق نمایند .

ایشان تقاضای مرا قبول نموده وهمینکه شاه مارا بحضور طلبید مسیو بارناوسکی پیغام سفارتین را از حفظ بشاه ابلاغ نمود شاه که ازقرار معلوم خودرا پیش از وقت حاضر نموده درجواب اظهار نمودند آنچه را که بمسئله اول راجع است شما میتوانید که وزیر و شارژدافر را مطمئن سازید که من آنچه را که می توانم برای استقرار نظم بعمل آورده وخواهم آورد و ایشان میتوانند که از سلامتی اتباع خود آسوده خاطر باشند

بعد به کلنل لیاخوف که بایك صاحبمنصب قزاق ایرانی دیگر که مترجم او بود ونزد شاه ایستاده بودند شاه اشاره نموده و گفتند که نظم شهر بعهده کلنل واگذار شده است و الان مشغول گذراندن بعضی ترتیبات باا‌و هستند

و آنچه راجع بمسئله ثانی است اعلیحضرت شاه از ما خواهش نمودند که اطمینانات خود را در این باب بنمایندگان ابلاغ داریم اینکه شاه بامجلس نزاعی ندارد و اقداماتی که او بعمل آورده است بر علیه انجمنهای رولوسیونر و مفسدین عموما بوده

است و دیگر اینکه مقصود اعلیحضرت شاه نگاه داری مشروطیتی است که خود آن اعلیحضرت عطا نموده

سپس من اظهار نمودم که اداره تلگرافخانه هند و اروپ وبانك شاهنشاهی ایران مخصوصا مایلند که مستحفظین آنها اضافه شود اعلیحضرت شاه قول دادند که فرستاده خواهد شد در موقعی که ما خارج شدیم امیر بهادر که در ملاقات حضور داشت بمن گفت که خود او شخصا مستحفظ لازمه خواهد فرستاد و بعد صاحبمنصبی را طلبیده و بمن اظهار نمود که هرچه لازم است باو گفته تابموقع اجرا گذارده شود صاحبمنصب مذکور قول بمن داد که عده مستحفظ همان شب برای نقاط مذکور خواهد فرستاد این قول فوراً بموقع اجری گذارده شد ما نزدیك درباغ کوچکی که بیرون باغشاه است خدمت شاه مشرف شدیم این باغ برای حرم سلطنتی معین شده است

خود باغشاه محل دربار وتازه‌گی محبس شده که درآن عده زیادی از مقصرین پلتیکی محبوس هستند

ملفوف ۲ در نمره ۲۱۱

قانون نظامی مورخه ۲۲ ماه ژون ۱۹۰۸

چونکه از ۲۲ ماه ژون طهران و شهرهای دیگر مملکت در تحت قانون نظامی خواهند بود لهذا برای جلوگیری ازافساد و برقراری نظم و آسایش عموم ما بموجب این فرمان امر و حکم میفرمائیم که کلیه اجتماعات درخیابانها محلات ومیدانها وبعلاوه جمع شدن عده کثیر از مردم یابیرون شهر و یادر منزلهای شخصی وقتی

قانونی خواهد بود که اجازه از حکومت گرفته بشود

و بموجب این فرمان ما امر و حکم میفرمائیم که اگر بر خلاف این ترتیب اجتماعی در خیابانها ومحلات ومیدانها بشود بقوه نظامی مجتمعین را متفرق خواهند کرد ودر صورت عدم اطاعت و مقاومت بقوه قهریه و شلیك تفنك آنها را متفرق خواهند نمود محض اینکه این نوع اتفاقات ناگوار بررعایای ما وارد نشود ما نیز حکم مینمائیم که حتی در کوچها یامسجدها یانقاط دیگر برای تماشا هم جمع نشوند درصورت عدم اطاعت باین احکام

(۱) رؤسای این اجتمات و اشخاص دیگر که مربوط باین اجتماعات بوده بحکم حاکم دستگیر و سه ماه محبوس خواهند شد

(۲) فرمانده بریگاد قزاق کلنل لیاخوف بحکومت شهر معین گردیده است رئیس نظمیه و فرماندهی نظامی در تحت اوامر وفرمان او خواهند بود

(۳) آن اجتماعاتی که عمومی از قبیل تجارتخانها قهوه‌خانها اصناف که قانونی است پس از سه ساعت از شب گذشته ممنوع است

(٤) حمل اسلحه بدون اجازه حاکم ممنوع است ومرتکبین بروفق ماده اول این فرمان مجازات خواهند شد حتی آن اشخاصی که اجازه حمل اسلحه دارند باید بلیط مخصوص از حکومت داشته باشند

(٥) اشخاصی که بی احترامی بنظام بکنند بطور مذکور تنبیه وهمچنین بسرباز اجازه داده خواهد شد که اسلحه خود را بطرف آنها بکشند

(٦) تعیین تنبیه برای تقصیراتی که در این مواد ذکر شد در ولایات برعهدهٔ مأمورین مسؤل محلی است

(۷) اجرای این احکام از صدور آن خواهد بود

(امضا محمد علی شاه قاجار)

ملفوف ۳ در نمره ۲۱۱

اعلان عفو عمومی بتاریخ ۲۵ ژون ۱۹۰۸

جناب صدر اعظم مقصود ما اعاده نظم در مملکت است و اقداماتی که برای دستگیری خائنین و مفسدین بعمل آمد محض آسایش و راحتی مردم است و برای اینکه اهالی بی تقصیر و مصلح بیش از این دیگر دچار زحمات وصدمات نباشند بموجب این دستخط مسروریم که اعلان عفو عمومی نموده وصریحا اظهار میداریم که ما عفو مینمائیم تمام اشخاصی که نسبت به آنها سوء ظن برده شده است اما آن اشخاصی که دستگیر شده اند مجلسی مرکب از اشخاص سالم وبی طرف تشکیل داده خواهد شد و آنها بدقت رسیدگی خواهند نمود وهرکس که بی تقصیر باشد مرخص خواهد شد ولی مشروط براینکه مردم از حدود قانونی که حکومت نظامی ترتیب و منتشر نموده تجاوز نکرده و اقداماتی برخلاف قاعده و قانون ننمایند (امضا محمد علی شاه قاجار) ۲۵ جمادی‌الاول۱۳۲٦

ملفوف ۴ در نمره ۲۱۱

اعلان کلنل لیاخوف که بتاریخ ۲۹ ماه ژون منتشر گردید

حسب‌الامر اعلیحضرت همایونی محض آسایش مردم واجرای قوانین و قوای شهری و همچنین برای اطلاع عموم مطالب

ذیل شمرده میشود

(۱) استقرار نظم در شهر مخصوصا بریگاد قزاق اعلیحضرت همایونی و ژاندارمری و افواج خلج وزرند محوّل گردیده است

(۲) اشخاصی که برخلاف این قوانین رفتار نمایند مورد مؤاخذه سخت واقع خواهند گردید اشخاصی که مظلوم واقع گردیده میتوانند شکایات خود را باداره من و یا بخود من شخصا ابراز دارند

(۳) هر کس که بکس دیگر تعدی و ظلم نماید با حضور شخص مظلوم واطلاع نماینده حکومتی تنبیه خواهد گردید در صورتی که بکسی اذیت یا دزدی شود آنشخص میتواند مراتب را بقزاقیکه مامورقراولخانه است اطلاع بدهد

(٤) قیمت نان و گوشت به نرخ حالیه باقی خواهد بود اگر از میزان قیمت گران تر فروخته شود جریمه از فروشنده گرفته خواهد شد

(۵) اگر در کوچه بیش از پنجنفر جمع شوند بقوه قهریه آنهارا متفرق خواهند ساخت

(٦) اشخاصیکه مشغول فروش اسلحه وفشنك هستند بعداز این بدون اجازه من مجاز فروش نخواهند بود و اجازه فقط از طرف من داده خواهد شد

(۷) اگر تیری در شهر در برود قزاق بان نقطه فرستاده خواهد شد درصورتی که تیر بلا اراده دررفته باشد مرتکب برای یك مدتی محبوس خواهد گردید اگر کسی درشب بدزدی درخانه

تیربیندازد قزاق باید واردخانه شده وکسب اطلاع نماید اگر تیرقصدی دررفته باشد مرتکب سخت مجازات خواهد شد

(۸) اگر از خانه بقراول کوچه تیری انداخته شود آنخانه بتوسط توپ خراب خواهد شد

(۹) باشخاصی که بارکاه وهیزم یابارهای دیگر در کوچها گذارده و مانع از عبور مردم میشوند اخطار میشود که بعد از این دیگر نکنند

(۱۰) کالسکه ها باید در دست راست کوچه پشت سرهم بایستند درشکه چیهائی که باین ترتیب رفتار ننمایند موود مؤاخذه سخت واقع خواهند گردید

(۱۱) آب پاشی وجاروب کردن کوچه بر عهده صاحبان خانه ومستاجرین است

(۱۲) من خواهش معاونت ازتمام اهالی طهران برای استقرار نظم درشهر مینمایم (رئیس وفرمانده بریکاد قزاق اعلیحضرت همایونی کلنل لیاخوف) بدون تاریخ

ملفوف ۵ درنمره ۲۱۱ اعلانیکه از طرف صدر اعظم در تاریخ ٦ ماه ژوبه ۱۹۰۸ صادر گردید

بموجب این ورقه بتمام ساکنین شهر طهران اخطار میشود که تامدتیکه پایتخت درتحت قانون نظامی است بریگاد قزاق و افواج سیلاخور در قراولخانها وژاندارم در تحت فرمان کلنل لیاخوف مشغول محافظت کوچها واستقرارنظم درشهربوده بعدازاینهم باید بروفق احکام ودستورالعملهای مقرره همینطور مشغول استقرار نظم وامنیت درشهر

باشند ولی امورات دیگر حکومتی از قبیل رسیدگی بشکایات ورفع تظلمات مربوط بشاهزاده مؤیدالدوله حاکم طهران است واهالی‌شهر هم باید بهمین ترتیب رفتارنمایند وبدانند که امنیت و انتظام شهر مخصوصا مربوط بکلنل‌است درصورتیکه رسیدگی بشکایات و کارهای دیگر راجع بحضرت والا است

(امضا صدراعظم) بدون تاریخ

نمره ۲۱۲

مراسله مسترمارلینك بسرادواردگری مورخه ۱۵ ژوبه ۱۹۰۸ ازقلهك

راجع بتلگراف ۲۹ ماه گذشته من افتخار دارم ازرابرت اینکه در ساعت ۷ شب ۲۳ ماه گذشته ماژور استوکس بتوسط کاغذی بمن اطلاع داد که هر چند اثری نیست که ملیین قصد تحصن در سفارت اعلیحضرتی را داشته باشند ولی او تصور مینمود که ممکن است در عرض شب اقدامی ازطرف آنها بشود

چون من میدانستم که بواسطه حفاظت و حراست قشون مأمور اطراف سفارت که از طرف شاه فرستاده شده بود تحصن عده زیاد مردم درسفارت اعلیحضرتی غیر ممکن و بعلاوه چون ماژور استوکس از دستور العمل عمومی که دراینخصوص سفارت باو داده بود کاملا مستحضر بود

مفاد دستورالعمل مذکوراین بود که بهیچوجه تحصن عده کثیری از مردم در سفارت اجازه داده نشود ولی فقط باشخاصیکه ممکن است پناه‌گاه داده شود اشخاصی خواهند بود که حقیقتا جان آنها درمعرض خطر فوری است

لهذا من گمان نمودم که غیر لازم است احکام مخصوص برای او بفرستم

تقریبا درساعت ۹ پیغامی ازطرف تقی زاده (وکیل شهیر آذربایجان که بواسطه نطقهای بی‌پرده وترس اومورد غضب وخشم شاه واقع گردیده) برای ماژر استوکس رسیده که او وسه نفر از رفقایش مایلند که بسفارت متحصن بشوند چونکه قشون درتجسس آنها است وهردقیقه ممکن است که آنها دستگیرشوند ودرصورتیکه درسفارت پذیرفته نشوند حتما کشته خواهند شد

ماژراستوکس‌بروفق دستورالعمل مقرره‌جواب داده وچندی نگذشت که تقی زاده وشش نفردیگر که سه نفرآنها مدیرحبل‌المتین ونایب مدیر روزنامه مساوات و صوراسرافیل بودند وارد در معموله سفارت شده واجازه دخول بانها داده شد

هیچ جای تردید نیست که اگربانها اجازه تحصن داده نمیشد سه وشاید بیشتر ازسه نفر آنها باعاقبت جهانگیرخان و ملك‌المتکلمین (که درصبح زود روزبعد بدون هیچ محاکمه خفه کردند) شرکت مینمودند

تقریبا نزدیك صبح زود روزدوشنبه مرتضی قلیخان وکیل اصفهان وهفت نفردیگر بهمین ترتیب اجازه دخول بانها داده شدغیر ازاینکه آنها بدوا ازقصد خود بسفارت اطلاعی ندادند

من نمیتوانم بگویم که آنها کشته میشدند ولی بلاشك با تمام آنها سخت رفتار میشد و تا مدتی هم داخل درجرگه محبوسین باغشاه که مابین آنها پنجنفر وکیل بود میگردیدند بعضی از آنها هم

ابداً مرتکب هیچگونه تقصیری نشده بودند

هرچند که شب بارامی گذشت بغیرازاینکه عده زیادی دستگیر شدند ولی شهر درروز چهار شنبه ۲٤ در حال وحشت و اضطراب بود وراپورت دستگیری زیاد وقتل عام یاثبوت آن درشهر شیوع داشت واگر مایکی ازده‌آن اخباروقعی میگذاشتیم خود دلیل کاملی بود که هرکس تقاضا مینمود اورا در سفارت پناه بدهیم یك بدنامی که شاه از تبریز باخود آورده بود ودیگر معلوم الحال بودن اخلاق ناصح عمده او (امیربهادر) اساسا باعث اضطراب ووحشت مردم گردیده

درهرحال آنروزصبح هیچکس باور نمیکرد که اگراو به باغشاه برود دیگرازآنجا زنده مراجعت خواهد نمود

ثبوت این ترر بهمین واقعه کافی است که ممتازالدوله رئیس مجلس ودونفردیگر پس ازاینکه دوروز وقت خودرا درمحله یهودیها درخفا گذرانیدند بالاخره بالباس کثیف درویشی خود را بسفارت فرانسه که نزدیك بزرکنده است رسانیده ودرآنجا متحصن شدند

دراین طور مواقع اسباب حیرت نیست اگر عده زیادی از مردم مایل به تحصن درسفارت بشوند

در اینموقع من گمان نمیکنم که کسی خیال اینرا داشت که عده کثیری مردم را در سفارت برای مقصود سیاسی جمع نماید هرکس ترس خود را داشت و میخواستند که بیك وسیلهٔ از دسترسی شاه خارج شوند و احتمال کلی برده میشود که اگر قشون از طرف شاه در اطراف سفارت گذارده نمیشد اغلب بستیها

دریکی دو روز خود بمنزلهای خود مراجعت مینمودند

در ۲۶ ماه اعلان قانون نظامی که یکی از مواد آن اشعار میداشت که در صورت بی احترامی بنظام اجازه بسربازان داده شده است که اسلحه خود را بکار برند منتشر گردیده و بیشتر باعث اضطراب مردم گردید

محض تشریح اضطراب ووحشت عامه یکی دومثل بیموقع نخواهد بود

مفتاح السلطنه رئیس اداره انگلیس در وزارت خارجه که مثل اشخاص دیگر عضو انجمنی بود تامدت دو روز از منزل خود خارج نمیشد وحسینقلیخان نواب برادر عباسقلیخان نواب سفارت اعلیحضرتی پس ازاینکه بخانه خود رسید تابحال (۱۵) ژوبه جرئت نکرده است که بطهران مراجعت نماید

عده زیادی ازمردم تقاضای اجازه دخول بسفارترا مینمودند وباوجود اینکه تقریبا هرکسیکه از سفارت خارج میشد دستگیر می نمودند ماژوراستوکس بهیچکس اجازه دخول نمیداد مگر باشخاصیکه براو ثابت میشد که درصورت عدم اجازه دچار خطرات درباغشاه خواهند گردید

یکی دو نفر ازدری که سقاها آب از قنات سفارت انگلیس برای اتباع انگلیس میبرند داخل باغ سفارت شدند این در هم بحکم من بسته شد باوجود اینکه بستن این در اسباب اشکال زیاد گردید یکی دو نفر دیگر هم خودرا داخل باغ نمودند باین ترتیب که عقب گاریهائی که اسباب بنائی که برای عمارت آتاشه‌میلیتر

می آوردند افتاده و داخل باغ شدند این واقعه در ۹ ایتمام روی داد ولی این اشخاص داخل مسائل سیاسی نبوده و فقط برای رفع تظلّم شخصی بسفارت آمده بودند

خیلی مشکل است پیش بینی کردن اینکه آیا عده زیادی از مردم قصد تحصن در سفارت اعلیحضرتی را دارند یانه

در دو روز اوّل همانطوریکه سابق گفته شد ابداً خیال همچو اقدامی برای مقصود سیاسی برده نمیشد وچند روز بعد هم گمان میکنم که برروٌسای ملتیان ثابت شده بود که همچو اقدامی از طرف ما قبول نخواهد شد چونکه ما مکرر چه در ماه دسامبر گذشته وچه در اوقات دیگر همیشه رد همچو اقدامیرا نموده‌ایم ولی چندی بعد عده از مردم از شدت یأس بخیال افتادند که شاید سفارت مثل سال ۱۹۰٦ آنهارا بپذیرد واز طرف دیگر البته عده مردم از ترس طلب پناه درسفارت مینمودند وهمینکه آنها داخل سفارت شده جزو بستیها محسوب میشدند آنوقت از مقام خود استفاده نموده تقاضای بعضی شرایط سیاسی از شاه مینمودند

جای تردیدی برای من نیست که شاه از نقطه نظر خود این مسئله را خیلی خطر بزرگی فرض نموده ناصحین او او را از این خطر متنبه میساختند ولی بعقیده من هرنوع احتمالات متصوره را دسته درباریان بااغراق زیاد شیوع میدادند که سفارت اعلیحضرتی میل اینرا دارد که عده زیادی از اهالی در سفارت متحصن بشوند

در قلهك تقریبا ۱۵ نفر هستند که ممکن است گفته شود که آنها محض دستگیر نشدن به آنجا آمده اند دو نفر از آنها دو

برادرند که در منزل خود متوقف اند و البته اعتراضی بحضورآنها نمیشود کرد مابقی دیگر باحالهای کوچك اجازه کرده‌اند وبااینکه در منزل رفقای خود مهمانند

آنقدریکه من نوشته ام معلوم نمایم فقط یکنفر از تمام این اشخاص علّت موجهی برای وحشت خود دارند این شخص قاضی است که در ماه دسامبر گذشته سردسته ارازل طرفدار های شاه را محکوم بحبس نموده و از طرف او استدعای عاجلانه از من شد که اسم اورا هم در جزو بستیهای سفارت شهر منظور بدارم ولی من بجهات عدیده اینکار را صلاح ندانستم قاضی مذکور اینقدر ترس از شاه ندارد که از شخص محکوم شده دارد چونکه شاه به آن شخص اجازه مراجعت از حبس وکلات را داده است من امید وارم که موفقیت حاصل نموده مردم را از خیال آمدن بقلهك منصرف نمایم ولی اتصالا از من سؤال شده و میشود که چه اقداماتی برای حمایت اشخاصی که موقتا در ده توقف دارند بعمل خواهد آمد وممکن است که چند نفر دیگر هم وارد بشوند

ملفوف نمره ۲۱۳

ملخص از خلاصه وقایع ماهیانه

رشت

درروز ۱۹ ژون عساکربرناطقی که دراجلاسی نطق‌مینمود تیرخالی نمودند مردم ازاینها خلع اسلحه نموده بطوربد باآنها رفتار کرده درحبسشان انداختند روزبعد بازارها بسته شد همینکه ازطهران

خبررسید که شاه سه نفر ازمشروطه خواهان عمده را محبوس نموده انجمنها حاکم وکارگذار ومدیر تلگراف را مجبورنمودند که مهرهای رسمی خودرا بایشان بدهند روز۲۶ ژون خبر کودتای شاه رسید و مستحفظین درجلومعابر خانه حاکم قرارداده شد سه عراده توپهم در چند محل سوارکردند روز ۲۷ حاکم امرداد مردم بازارهارا باز نمایند ولی کسی اطاعت حکم اورا ننمود سپس چندنفر سربازرا فرستادند که مردم را بقبول آن مجبورگرداند دراین بین جنك واقع شد سه نفر مقتول وچهارده نفر مجروح گردیدند روز ۲۹ بازارها بازشده آرامی و سکون اعاده گردید

بارفروش

بمجردوصول اخبار حوادث طهران شهرمغشوش شد مردم با شاه اظهارمخالفت نموده وازیکی ازتجار انگلیسی سؤال نمودند که آیا درصورتیکه شاه بخواهد آنهارا دستگیرنماید به‌آنها پناه خواهدداد یانه اودرجواب گفت که بانها پناه نخواهد داد پسر یکی از اعضای انجمن محلی بمجردوصول اخبارقتل پدرخود از طرف شاه مرتکب انتحار شد درموقع مراسم تشییع جنازه او دسته بزرگی با شاه ابراز مخالفت نمودند

مشهد

مظفریت شاه ازقرار معلوم مورد قبول عموم شده مردم در مساجد مشغول دعا و شکرگذاری برای آن هستند

اصفهان

در۱۵ ژون ازاصفهان بتمام نقاط ایران تلگرافات نموده خلع شاه وتعیین ظل‌السلطان را بمقام نیابت سلطنت اصرارنمودند گویا این تلگرافات را درجواب تلگرافات رشت وتبریز وشیراز وهمدان که استدعای همراهی نموده بودند مخابره کردند درتمام شهرها برای تشکیل قشون اعزامی بسمت طهران برای خلع شاه اقدام شد اهالی بازارها وادارات را بسته و هرروز مجالس برای مذاکره در خصوص اوضاع منعقد میگردید در بیستم ژون گفتگو بود که مشروطیین هر شهری درقونسولخانه انگلیس متحصن شوند وهیئت اعضای انجمن ملی بنابود درسفارت انگلیس تحصن اختیارنمایند شاه تلگرافی فرستاده مشعر براینکه بقوه شمشیر تاج وتخت خودرا حفظ خواهد نمود ازاصفهان درجواب تلگراف اهالی طهران جواب رسیده شاه را کافر خطاب نمودند در۲۳ ژون اخبارحوادث آنروزطهران واصل گردید شاه تلگراف نموده حاکمرا اطلاع داد که مجبور گردیده برعلیه بعضی اشخاصیکه باعث اختلال و اغتشاش بوده‌اند اعمال قوه نماید وبدانواسطه شهررا در تحت قانون نظامی قرار داده است و هرگاه برای استقرار نظم اصفهان قشون لازم باشد فرستاده شود از ۲۴ الی ۲۶ ژون اجلاسات متعدده برای مذاکره اوضاع منعقد گردید ونتیجه گرفته نشد مگر یك تلگرافی که بمجتهدین کربلا مخابره نموده از آنها طلب تقویت نمودند شهر از آنوقت تاکنون آرام است در ۳ ژویت علاء الملك حاکم آنجا بطهران طلب شد وروز ۷ ازاصفهان حرکت

نمود و اقبال الدوله بجای او منصوب گردیده است

یزد

روز ۱۰ ژوئت خبر رسید که سر کردگان هیجان اخیر اینجارا دستگیر نموده‌اند

شیراز

ظل‌السلطان فرمانفرمای فارس روز ٦ ژوئت ازراه سرحد بطرف اصفهان ره سپار گردید علت حرکت او بواسطه تعیین آصف الدوله بود در عرض مدت قلیل حکومت خود ظل السلطان ی اندازه در اعاده نظم و استرداد اموال مسروقه از تجارتخانها و تبعه خارجه ابراز کفایت نمود

در اوایل ژون معتمد دیوانرا که یکی از اعدای عمده طایفه قوامیان بود مستخلص نموده او را بمنشی گری اکبر میرزا پسر خود که ریاست قبایل اعراب باو سپرده شده بود برقرار است اصغر خان یکی از رؤسای اعراب از آمدن بشیراز امتناع ورزیده معتمد دیوان باششصد نفر پیاده نظام و دویست سوار و دو عراده توپ نزد او فرستاده شد که در میدان باو مذاکره نماید در حین ورود اصغر خان بطریق دوستانه باو سلام وتعارف نموده اورا بیك طرف برده رولور خودرا بیرون آورده اورا مقتول نمود همراهان او سپس برادر کوچکتر معتمد دیوان را مقتول نمودند وهیچکس بهیچوجه بهریك از آنها کمك ننمود این حادثه محتمل است تاثیر

بدی در امنیت فارس بنماید

از زمان وصول اخبار مظفریت شاه در طهران شیراز بحال آرامی باقی است

خلیج فارس — بوشهر

اخبار کودتای شاه بدون حدوث اغتشاش واصل گردید و انجمن محلی و سایر انجمنها بطور آرام بر حسب امر حاکم منحل گردیدند (امضا) مجر استوکس آتاشه میلیتر

نمره ۲۱۴

مکتوب مستر مارلینگ بسرادوارد گری . ـ (واصله ١٤ اوت)

قلهك ١٥ ژوئت ۱۹۰۸ آقا افتخار دارم جوفا سواد یاد داشت مجر استوکس را که در آن شرح وضعیکه سفارت اعلیحضرتی از غروب ۲۳ ژون الی ۳۰ در تحت نظارت عساکر قرار داده شده بود مفصلا نگاشته ایفاد دارم

شرحیکه مجر استوکس نگاشته حاوی آنچیز هائی است که شخص او عینا مشاهده نموده ولی در حقیقت در دو روز که ۲۸ و ۲۹ باشد بیش از آنچه او آگاهی داشته عساکر بطور سخت آنجارا در تحت نظارت داشته اند چرا که در این دوروز در چهار محل و (نه دو محل) که از همدیگر ۲۵۰ الی ۳۰۰ زرع فاصله داشته قراول در اطراف حیاط سفارت قرار داده شد و ترتیب سیر اینها دور سفارت اینطور مقرر شده بود که هر دسته دریك دور زدن از یکی از جادهائی که اطراف حیاط سفارت است عبور مینمودند

گمانمیکنم این یاد داشت بخوبی ظاهر مینماید که از غروب ۲٤ تابك وقتی درشب ۲٥ عساکر بطور دقت مواظب سفارت بودند و روز ۲٦ در مواظبت آنها بسیار تخفیف پیدا شده ولی روز بعد ژاندارمها آمده بطور دقت مواظبت داشتند روز ۲۸ در چهار محل چاتمه قرار داده شد بطریقیکه در مواقع مکرره دور سفارت سیر مینمودند روز ۲۹ عساکر چندان سیری دور آنجا ننموده و روز بعد دیگر دیده نمیشدند ولی چند نفر پلیس هنوز اینطرف و آن طرف میرفتند

در عرض سه روز بعد چیزی که چندان قابل شکایت باشد بظهور نرسید ولی شب سوم ژویت در نقطه از راه طرف شمال سفارت چاتمه زده شد و روز ٤ و ٥ دستجات سیار اتصالا دور سفارت در گشت و گذار بودند و جهة تجدید مستحفظین را اینطور مذکور داشتند که سفارت درتهیه است که عده کثیری بستی بپذیرد و اینمسئله اغراق بود

وزیر امور خارجه برحسب دستورالعمل شاه کوشش نموده است که بمن بقبولاند که راپورتهائیکه درباب این گذارشات ازطهران برای من رسیده اغراق شده در جواب میگویم که در هیچ نقطه شهر حتی در حدود مجلس و مسجد هم اینطور اقداماتی که در مورد سفارت شده بعمل نیامده ومردم بطریق عموم اینمسئله‌را مطرح صحبت و گفتگوی خود نموده وسفارت مرکز جذب تماشائیان عجیب و غریب گردیده است

شکی نیست که شاه جداً مایل بوده است که نگذارد دو

مرتبه عده کثیری چنانچه در سال ۲۹۰٦ واقع شد در سفارت بست اختیار نمایند و شکی هم نیست که اخباراتی که باو رسانیده‌اند مشعر براینکه ما سعی داشته ایم که اهالی بازارهارا ترغیب به پناه گرفتن نزد خود نمائیم باعث تسریع توهمات او گردیده آنچه من فهمیده ام در اقدامات که ابتدا در ۲٤ بعمل آمد هیچ اینمسئله تصور نشده بود که یك نوع بی احترامی سختی نسبت بسفارت خواهد بود

ساده تر و سهلتر از همه این بود که بدون تعیین یك نفر سرباز در نزدیکی سفارت از هجوم پناهندگان بازاری جلو گیری شود یایك طریقی که مورد ایراد واقع نشود من روز ۲٦ شهر گذشته اینمسئله را خاطر نشان وزیر امور خارجه نمودم واو وعده داد که شاه را مایل باتحاد واقدامات بی ضررتر نماید ولی ازقرار معلوم مساعی او فقط تااندازه توانسته است ترتیبی بدهد که عساکر روز ۲۸ و ۲۹ طور دیگر در محلات خود قرار گرفته ودستجات سیر ننمایند

ملفوف نمره ۲۱۴

یادداشت مجراستوکس درباب مستحفظین دورسفارت اعلیحضرتی درطهران از۲۴ الی ۳۰ ژون ۱۹۰۸

۲۴ ژون ـ قریب ساعت ۷ بعدازظهر شانزده سوار نظام ایرانی درتحت امریکنفر صاحبمنصب آمده درجلودرب بزرك سفارت بفاصله ده ذرع ازآن جای گرفتند ودرمحلات متعدده بفاصله های سه زرع تعیین شدند اتفاقا شانزده نفر ازسربازان ایرانی که چند دقیقه قبل بواسطه غارتی که دیروز نموده بودند ازسفارت خارجشان نموده

بودیم نزدیك درب ایستاده عازم حرکت بودند آن صاحبمنصب ایرانی اینهارا درتحت فرمان خود قرارداده وبفاصله دو سه ذرع از درب جا برای آنها معین نمود مستر چرچیل ومستر اسمارت که میخواستند بطرف قلهك رهسپارشوند باصاحبمنصب مذکور درافتاده اودرجواب اظهارداشت شاه حق دارد مفسدین‌را تنبیه نماید وپس از آن عساکرتحت فرمان خودرا ـ که هنوز بهمان ترتیب باقی بودند ـ بمسافت سی ذرع ازدرب سفارت دورتربرد این دسته سرباز ازجلو درب سفارت دورتررفته ولی درشمال درب پهلوی دیوار سفارت صف کشیدند همینکه مستر چرچیل بقلهك رسید راپورت واقعات فوق‌را بمسترمارلینگ داد کمی بعد ازآن سربازان و ژاندارمها هم آمده درسه طرف دیگر سفارت قرارگرفته راه ورود بانجارا مسدود نمودند وهیچکس را نمیگذاشتند که بدون آزار ازسفارت خارج‌شده یابدان واردشوددروقتیکه کالسکه مسترهاکنیز وابسته بانك شاهنشاهی ایران که بطورموقت درخانه شارژدافر درسفارت منزل گرفته بود بطرف درب میامد عساکر آنرا توقیف نمودند ایرانیانی را که بهیچوجه تقصیری نداشته وبرای کار بسفارت میامدند درخروج‌فوراً آنهارا دستگیر کرده میبردند واقعه ذیل دم درب سفارت روی داد : یکی از آشنایان غلامان ما ـ پسریکی از تجار اسلامبول که غلامان مادرموقعیکه مراسلات بانجامیبردند درخانه اومنزل میمودند ـ دم درب سفارت آمده با یکی ازغلامان صحبت کرده ورفت هنوز باندازه ده زرع نرفته بودکه سرکرده پلیس این نقطه اورا دستگیر نموده در کالسکه اش انداخت که بطور محبوس اورا ببرد درحین

بردن سرکرده پلیس باوگفت میخواستید بسفارت انگلیس بروید‌خوب رفتید این شخص بقصدفرار ازکالسکه بیرون جست دراین گیرودار سربازی که درحال عبور بود بکمرتبه باو گلوله انداخت واورا مجروح نمود ازاین گلوله سرکرده پلیس هم مجروح گردیده دو روز بعد فوت نمود پسرتاجررا بعدبحبس بردند ولی بعدازآن بنابر تقاضای‌دولت اعلیحضرتی مستخلص گردید سربازان مذکورنوکرهای سفارت را که بیرون میرفتند مزاحم شده واگرغلامها برای‌استخلاص آنهامیرفتند میگذاردند عبورکنند وباتفنك سه نفر ازنوکرهائی را که درقهوه خانه مقابل درب سفارت نشسته وچای میخوردند تهدیدنموده وآنها بطرف سفارت فرار کردند

۲۵ ژون ـ درعرض تمام روزاین اوضاع دوام داشت در موقعیکه مسترگای ومستر چرچیل ساعت یك بعدازظهر برای ملاقات وزیرامور خارجه واردشدند هشت نفر بمسافتی ازدرب سفارت دیده میشدند چهار نفرآنها بفاصلهٔ دوذرع ازدیوار سفارت دم درب وسه نفر نزدیك قراولخانه مقابل بودند ودیگری که درجلوسفارت‌بطرف بالا میرفت درحین عبوربانها بی ادبانه خیره خیره نگاه میکرد بعلاوه یکدسته سرباز هم ـ قریب بیست نفربمسافت کمی اززاویه شرقی سفارت قرارگرفته بودند طرف بعدازظهر عباسقلی خان از قلهك واردشد چند نفر از سربازان فوراً بطرف کالسکه او هجوم آورده تفنگهای خودرا بطرف اونشانه گرفتند وبهمین طریق در موقعی که کالسکه حامل بسته وزارت خارجه توسط یك غلام ویکسوار ـ هردو باالباس رسمی ـ برده میشد در نزدیکی درب بزرك قراقان به آن

حمله نموده وتفنکهای خودرا درکالسکه داخل نمودند همینکه هوا تاریك شد ابلها رفتند

۲۶ ژون ـ ساعت ده قبل ازظهر مستحفظی دورسفارت نبود ولی یکنفر درقراولخانه مقابل درب بزرك قرارگرفته بود وهرکس که وارد وخارج سفارت میشد راپورت میداد چون پس ازتحقیق دریافتم که درهریك ازقراولخانهای شهر یکنفر سرباز قرارداده اند نمیتوانستم ازحضوراو درانیجا اعتراضی نمایم ساعت هفت بعدازظهر یکی از پلیسان جلو کالسکهٔ را که بطرف سفارت میامد گرفته ولی همینکه اقناع شد که سوار درشکه از پناهندگان نبود آنرا اجازه عبور داد

۲۷ ژون ـ صبح سرکرده پلیس این قطعه شهرنزدسربازی که درقراولخانه کشیك داشت آمده وشرح آنچه از واردین بسفارت وخارجین آنرا دیده بود بدست آورد ومدت کمی پس از آن دونفر ژاندارم درزاویه شمال‌شرقی سفارت تعیین گردید پس من دورسفارت گردش کرده جاهای دیگرکه قراول گذارده بودند مشاهده نمودم پنجنفر درزاویه جنوب غربی وچهارنفر درطرف شمال موقف بودند من بادودسته قراولان آخری صحبت نمودم اینها لباس رسمی دربر نداشتند واظهارداشتند منتظردرشکه هستیم که مارا بنیاوران ببردواز قراریکه مذکورداشتند شاه به‌آنجا میرفته ساعت یك بعدازظهر مستر چرچیل ازقلهك واردشد وپنجنفرژاندارم را که بفاصله سه ذرع از درب بزرك ایستاده بودند دید وباواظهارداشتند مااینجا مشغول قراولی هستیم مسترچرچیل راه خودراگرفته رفت ولی درمراجعت چندقیقه

بعدازآن دونفر آنها بقراولخانه رفته بودند وسایرین بطرف زاویه جنوب شرقی سفارت رفته بودند او مجدداً باآنها صحبت نموده وگفت هرگاه نزدیك درب سفارت گشت وگذارنمایند شمارا دستگیرخواهم نمود چند دقیقه بعدآنها توسط یکی از غلامان پیغام فرستاده طلب بخشش نموده اظهار داشتند مافقط ماموریم وچهل نفر هستیم ورئیس نظمیه مارا فرستاده است سپس مسترچرچیل بملاقات وزیرامورخارجه رفته پسراوبعدازظهرآمده وازژاندارمها سئوال نمود کی آنهارا دور سفارت گذارده در ساعت هفت وربع بعداز ظهر این مستحفظین هنوز درگشت و گذار بودند ولی مثل اوایل روز پدیدار نبودند

۲۸ ژون ـ درساعت ۹ قبل ازظهر من دور سفارت گردش نموده مستحفظین ذیلرا مشاهده نمودم : ـ

۱ یك دسته سیار در تحت یك نفر صاحبمنصب ایرانی در زاویه جنوب شرقی

۲ یك دسته سیار دیگری در زاویه شمال غربی ولی باندازه ۲۰۰ زرع در پائین جاده

این دستجات سیار قرار بود در اطراف سفارت حرکت نموده پس از آن قریب نیمساعت برای مواظبت و مراقبت در یکی از زوایا توقف نموده این کار را تکرار کنند بطوریکه سه طرف سفارت که درب دارد اتصالا در تحت مراقبت و مواظبت آنها باشد یکی از صاحبمنصبان ایرانی که باو صحبت نمودم بمن اظهار داشت که امر دارد دور سفارت حرکت نموده کشیك بکشد در زوایای جنوب شرقی و جنوب غربی وشمال غربی هم

دستجات ژاندارمهای سه نفری و پنجنفری قرار گرفته بودند بعلاوه آن در دومحل بعضیها بالای درختها دیده میشدند و ظاهراً برای این رفته بودند که بفهمند ازاشخاص عمده کی جزو پناهندگان میباشد

۲۹ ژون - اول صبح ۸ ژاندارم مسلح درجاده های دور سفارت دو بدو گردش میکردند قریب ساعت ده قبل ازظهر برعده آنها افزوده شد و شش نفر در زاویه جنوب شرقی سفارت تعیین شدند غروب پیاده ها آمده جای سواره هارا گرفتند ودو بدو در زوایا قرار گرفتند

۳۰ ژون - چهار یاپنج ژاندارم دور سفارت بودند سربازها ناپدید شدند ولی ژاندارمها هرکسیرا که می دیدند بسفارت میامد یااز آنجا خارج میشد بعساکری که در درب شمال سفارت عثمانی مشغول قراولی بودند راپورت میدادند این محل تازاویه جنوب شرقی سفارت انگلیس فقط چند ذرعی فاصله دارد ولی ازآنجا نمایان نیست یکی از غلامان که دیده بود یکی از ژاندارمها بنجاری که در سفارت مشغول کار بوده اشاره میکنند هردو اینها را مواظب بوده است کمی بعد ازآن ژاندارم مذکور نجاررا نزد رئیس نظمیه که آنوقت در زاویه نزدیك سفارت عثمانی بود برد از نجار مذکور در باب اسامی پناهندگان سفارت تحقیق شد ولی همینکه غلام در رسید این سه نفر از هم متفرق شده و نجار نزد من آورده شد وگفت که رئیس نظمیه اسامی پناهندگانرا ازاو پرسیده است من اقدامات نمودم که ازوقوع اینقسم حوادث درآتیه جلو گیری شود

(امضا) مجراستوکس

نمره ۲۱۵

مکتوب مسترمارلینك بسرادواردگری . - (واصله ٤ اوت) قلهك ۱۷ ژوئت ۱۹۰۸ - آقا چنانچه در تلگراف ۱۱ شهر جاری خودرا پورت دادهام علاء السلطنه وزیر امور خارجه ازطرف دولت ایران و وزیر افخم وزیر دربار ازطرف اعلیحضرت شاه روز شنبه ۱۱ شهر جاری برای جبران بی احترامیهائیکه اخیراً نسبت به سفارت اعلیحضرتی واقع شده بطور رسمی ترضیه خواستند

مراسم ترضیهٔ بطور بسیار مختصر در اطاق پذیرائی سفارت طهران بعمل آمد هیئت اجزاء سفارت اعلیحضرتی بالباس رسمی حضور داشتند وزرا هم باالبسه رسمی فاخره خود آمده یك یك مضمون ترضیه را قرائت نموده مستر چرچیل ترجمه مینمود وزیر دربار سپس وثیقه شاه را برای حفظ جان و اموال شخص پناهندگان بمن تسلیم نمود

من در جواب اظهار داشتم که من شرح این اظهار تاسف دولت ایرانرا باطلاع دولت متبوعه خود رسانیده و تااندازه که باین قسمت تقاضاهای دولت اعلیحضرتی مربوط است این حادثه را ممکن است خاتمه یافته تصور نمود ولی ایشانرا متنبه نمودم که هرگاه شاه بخواهد از عهود خود درباب تامین پناهندگان و اموال آنها تجاوز نماید این مقدمه دوباره از نو شروع خواهد شد

سپس وزیر دربار اظهار داشت که شاه پیغام شفاهی توسط او برای من فرستاده و بموجب آن شاه مکرراً درباب ایفای بعهود خود اطمینان میدهد

افتخار دارم که سواد مراسله که بموجب آن تقاضاهای دولت اعلیحضرتی را از دولت ایران نموده ام ارسال دارم بعلاوه سواد مراسله قبولی آن دولت و سواد ترجمه عبارت ترضیه ووثیقه شاه را لفا ایفاد میدارم

(امضا) چارلزمارلینک

ملفوف ۱ نمره ۲۱۵

قلهک ۲ ژویت ۱۹۰۸ حضرت اشرفا – مضامین تلگراف ۲۹ شهر ماضی را که حضرت اشرف شما برحسب امر اعلیحضرت شاه مخابره نموده از بی احترامیهائیکه در عرض چند روز نسبت بسفارت اعلیحضرت پادشاه بریطانیای عظمی بوقوع رسیده بود اظهار تاسف نموده بودید بدولت متبوعه خود مخابره نمودم

بموجب تعلیماتی که از وزیر امور خارجه امروز برای من رسیده بحضرت اشرف اطلاع میدهم که نظر به بی احترامیهائیکه بدفعات مکرره نسبت بسفارت اعلیحضرتی باوجود پروتستهای رسمی من از طرف پلیس وعساکر بعمل آمده دولت اعلیحضرتی پس از مداقه در اهمیت موقعی که تولید گردیده تقاضا های ذیل را ترتیب داده اند : –

۱ – عساکر و پلیس از معابر سفارت بر داشته شده و تبعه ونوکرهارا مزاحم نشوند

۲ – وزیردربارازطرف اعلیحضرت پادشاه ووزیرامورخارجه ازطرف دولت ایران هردوبالباس تمام رسمی درسفارت انگلیس طهران آمده درحضورمن ترضیه کامل بطور رسمی بخواهند وقبل ازوقت

اطلاعات لازمه ازبابت آمدن خودبدهند

۳ – تمام اشخاصیرا که اخیرا در موقع ورود بسفارت یا خروج از آن دستگیر نموده‌اند وبرای کارهای جاری خود ایاب وذهاب نموده‌اند فوراً مستخلص سازند

۴ – وثیقه ممضی از طرف اعلیحضرت شاه برای جان و اشخاص واموال پناهندگانی که فعلا درسفارت هستند بمن داده شود

۵ – درصورتیکه درجزو پناهندگان کسانی باشند که متهم بجنایتی شده وخطای پلتیکی که برای آن عفوعمومی داده‌شده نداشته باشند ازآنها ازروی انصاف محاکمه خواهدشد ویکی ازاعضای سفارت درموقع محاکمه آنها حضور خواهد داشت

درپیشنهاد نمودن این تقاضاها بحضرت اشرف من بنابرتعلیمی که دارم عرض میکنم که درصورتیکه این تقاضاها فوراً قبول نشده وبادقت تمام انجاح نشود دولت اعلیحضرتی مجبورخواهندگردیدکه اقدامات لازمه برای تحصیل جبرانی که تصور میکنند باید به‌آنها بشود بنمایند

بروفق تعلیماتیکه ازدولت متبوعه خودبمن رسیده من مواد فوقرا باعلیحضرت شاه پیشنهاد میکنم

(امضاء) چارلز مارلینک

ترجمه ملفوف دو نمره ۲۱۵

مکتوب علاء السلطنه بمسترمارلینگ

طهران ۹ ژویت ۱۹۰۸ آقا از مضامین مراسله دوم ژویت شما مشعر برشرایط پنجگانهٔ که از قراری که مرقوم داشته اند

برحسب تعلیماتیکه ازدولت متبوعه خودبرای شمارسیده بدولت ایران پیشنهاد میفرمائید مستحضر شدم ومسئله‌را بعرض اعلیحضرت پادشاهی رسانیدم نظر به نیات مقدسه آن اعلیحضرت در بذل توجه مخصوص بحفظ واستقرارمبانی مودت واتحادمابین دولتین ومحض اثبات مقاصد خالصانه خود آن اعلیحضرت تقاضای مذکوره را قبول ومرا مامور نموده اند شمار! ازقبول شرایط مندرجه مراسله خودمستحضردارم در خصوص ماده سوم شما البته دولت ایرانرا ازاشخاصیکه خواسته اید مستخلص شولد مطلع خواهید ساخت تاآنکه اوامر لازمه داده شود درباب ماده چهارم برای جان و مال وشخص پناهندگان درسفارت تامینات داده خواهد شد ولی‌چنانچه شفاها اظهارداشته‌ام دولت انگلیس هم آگاه میداشتند من شمارا ازاینمسئله متذکر مینمایم که لازم است پناهندگان‌سفارت انگلیس تامدتی بخارج مسافرت نمایند زیرا که حضور ایشان باعث مفسده میشود ومفارقت آنها باعث آرامی که مملکت آنقدر به آن محتاج است خواهد بود اوامر لازمه برای اجرای شرایط فوق‌الذکر صادر شده وواضح است که این حادثه را خاتمه یافته و مسکوت عنه تصورخواهید نمود امیداست که همینطوریکه دولت ایران ساعی است حتی‌الامکان بااظهارات دولت انگلیس موافقت نماید آندولت هم ازحسن‌نیت دولت ایران نسبت بخود قدردانی خواهد نمود

(امضاومهر) علاءالسلطنه ـ محمدعلی

ملفوف نمره ۲۱۵

مضمون ترضیه شفاهی وزیردربار ووزیر امورخارجه برای بی احترامی که بواسطه محاصره سفارت اعلیحضرتی شده است بر

دولت علیه ایران باتاسف زیاد مفهوم گردیده که در موقع اجرای اقداماتیکه برای استقرار ونظم و حفظ امنیت اهالی پای تخت معمول گردیده بعضی ازمامورین جزو درحین انجام وظایف خود مرتکب بعضی اعمال غیر محترمانه که مخالف با دستورالعملهائی بوده که بایشان داده شده‌است نسبت‌بسفارت محترمه اعلیحضرت پادشاه بریطانیا شده اند اعلیحضرت پادشاهی بنابراین ازرفتارمامورین خود بسیار دلتنك شده ومرا مامور نموده‌اند که ازطرف خودبرای وقوع این حوادث که بهیچوجه من‌الوجوه با احساسات دوستانه آن اعلیحضرت نسبت بانگلستان موافقت نداشته اظهار تاسف صمیمانه بنمایم

طهران ماه ژوئن ۱۹۰۸

ملفوف چهار نمره ۲۱۵

ترجمه دستخط شاه راجع بتامین جان و اموال اشخاص پناهندگان سفارت اعلیحضرتی

وزیرامورخارجه چون بعضی ازتبعه ایران ازرفتار وکردار سابق خود ترسیده ودرسفارت انگلیس پناهنده شده‌اند مامحض‌احترام آنسفارت خطاهای گذشته آنهارا بخشیده وبموجب این‌دستخط اعلان مینمائیم که اشخاصیکه اسامی آنهادرصورتیکه سفارت داده اند مذکور است از حیث جان و مال وشخص خود امنیت داشته وخود را از خطاهای گذشته معاف بدانند

بعضی ازآنها که مصدرشرارت هستند باوجودآنکه خطاهای گذشته آنهابخشیده شده باید لزوما تامدتی‌ازمملکت خارج شوند شما باید آنصورترا بما ارائه نمائید تاآنکه مدت غیاب هریك‌را تعیین نمائیم

نمره ۲۱٦

مکتوب مستر اوبرن بسرادواردگری . ـ (واصله ٤ اوت)

سنت پطرزبورغ ۲۵ ژوییت ۱۹۰۸ ـ آقا در ۲۲ شهر جاری وزیر امور خارجه از بابت حوادث تبریز بسیار اظهار تشویش نموده گفت وضع هرج و مرجی که آنجا در پیش است پر از خطر می باشد هنوز کسی تاکنون مزاحم جنرال قونسول روس نشده واجتماع مردم احتیاط داشتند که براجانب حمله نشود ولی وثیقه بدست نیست که چنین اقدامی بوقوع نرسد

مسیو ایسولسکی سپس از خسارات عظیمه که بعلت دوام اغتشاشات بتجارت روس وارد آمده مذاکره نمود و اظهار داشت که باآنکه دولت روس نمیخواهد اوضاع ممکن است طوری شود که آن دولت مجبور بمداخله گردد مسیو ایسولسکی تکرار نمود که دولت روس میل مداخله ندارد و اینکار را فقط در صورتیکه اوضاع آنرا ناچار نماید خواهد کرد و در هر صورت بدون آنکه قبلا بادولت اعلیحضرتی مشورت نماید عمل نخواهد نمود

دیروز وزیر امور خارجه‌را مجدداً ملاقات نموده درخصوص اینمطلب مذاکره نموده اظهار داشتم که آنچه آنجناب در ۱۲ شهر جاری بمن عنوان نموده بودند اسباب تشویش خیال من شده من اینطور فهمیده بودم که در ضمن مذاکراتی که مابین ایشان و وزیر مختار اعلیحضرتی واقع گردید طرفین اینطور قرار داده بودند که تازمانیکه حفظ جان ومال تبعه روس وانگلیس مراعات میشود درامور ایران مداخله نخواهند نمود وجناب ایشان الحال از خساراتی که

بتجارت روس وارد آمده صحبت مینمایند هرگاه دولت روس میخواهند هر موقعیکه خسارتی بتجارتشان وارد میاید ازروی اصول مداخله عمل نمایند اینکار عاقبت وخیمی خواهد داشت مسیوایسولسکی در جواب مرا اطمینان داد که دولت روس دراینخصوص بهیچوجه در پولتیك خود تغییری نداده اند و آخرین چیزی که آن دولت طالب هستند مداخله در امور ایران است و چیزی که باعث این اقدام خواهد شد فقط خسارات بسیار عظیمی است که بتجارت روس وارد آید من نبایستی از کلماتی که در ۲۲ شهر جاری اظهار داشته اند تعبیر کنم که دولت روس صریحا درخیال مداخله میباشند وایشان فقط میخواسته اند که مرا از خوف اینکه مبادا اوضاع طوری شود که اقدام باینکار را ناچار ولاعلاج نماید واقف سازند

(امضا) هیواوبرن

نمره ۲۱۷

تلگراف مسترمارلینك بسرادواردگری . ـ (واصله ۸ اوت)

طهران ۸ اوت ۱۹۰۸ ـ مهیجین انقلاب که در قلهك بودند باستثنای ۱۲ نفری که امید خارج شدن آنها یك یادو روز دیگر دارم دیروز رفتند

نمره ۲۱۸

مکتوب سر ادواردگری بمستر مارلینك

وزارت خارجه ۱۳ اوت ۱۹۰۸ ـ آقا مراسلات شما که حاوی شرح کلیه حوادث مربوط باگودتای اخیر در ایران بود واصل گردید

قرائت مراسلات مذکور برای من بسیار سودمند بود ولازم است که شما را مستحضر دارم که دولت اعلیحضرتی اشکالاتی را که درضمن وقوع حوادث مرقومه شمارا دوچار نموده بخوبی شناخته وثبات وتحملی ر که شما درمورد اوضاع بسیار ناگواری که متعاقب هم پیش آمده بخرج داده اید صمیمانه می‌پسندند

(امضاء) گری

نمره ۲۱۹

مکتوب مسترمارلینك بسرادوارد گری . ـ (واصله ۱۷ اوت)

قلهك غره اوت ۱۹۰۷ آقا پیشنهاداتیرا که مستشار مالیه روز ۲۶ ومجدداً روز ۲۷ شهر گذشته پس از آنکه باوزیر مالیه مفصلا مذاکره نموده بسفیرروس ومن ارائهٔ نمود هنوزصورت قطعی حاصل لنموده اند ولی میتوانم گمان کنم یك نظر عمومی در آن بیفایده نخواهد بود

مسیوبیزو مخصوصا اصرار برلزوم تزئید اختیارات وزیرمالیه که فعلا دارای هیچگونه اختیاری نیست دارد درتحت سیستم موجوده وزیرمالیه برعایداتی که وصول میشود کنترل بسیارکمی دارد یا آنکه هیچ ندارد و باستثنای عایدات گمرکی خزانه دار دیگری مستقلا سایر عایداترا اسما بوجه نقد تبدیل مینماید و حساب وجوهاتی که باین شخص داده میشود ظاهراً بهیچوجه گرفته نمیشود و اینشخص چنانچه مینماید مختار است که ازمامورین ایالات وولایات پرداخت عایداتیرا که آنهامسئول وصول آن میباشند طلب نماید واسما این یکی ازوظایف مستوفیان است مستوفیان چنانچه تصور میشود محاسبات

دولترا بیك طریق درهم برهمی که مخصوص خودشان است نگاه داشته ویك قسمتی ازوظایف آنها اینست که عمل معاملات مالی حکومت مرکزی را باماموربن محلی تصفیه نمایند برای انجام اینمقصود در هریك از مراکز ایالات وولایات یکنفر مستوفی اقامت دارد واوهم مثل یکی ازهمکاران طهران خود مخصوصا موظف بتصفیهٔ معاملات مالی آن ایالات است ازقرارمعلوم تمام اینها متقلب وبدعمل میباشند ولی تازمانیکه یکقسم حسابی ـ که هیچکس نمیتواند بغیرازخودشان آنرابفهمد یا از صحت وعدم آن واقف شود ـ ازوجوهاتیکه تصوراً وصول مینمایند میدهند ازآنها تحقیقی نمیشود درواقع ظاهراً هیچکس قوه اینرا ندارد که درمقام تحقیق ازآنها برآید مگراشخاصیکه داخل کار بوده پرده برروی اعمال خود کشیده اند

مسیوبیزو میخواهد خزانه دار ومستوفیان را با التمامه اخراج نموده ویك کمیته کنترل که اسما درتحت وزارت مالیه باشد تشکیل دهد ولی درواقع بقصد نظارت اعمال وزیرمالیه این کمیته را تعیین مینماید درحقیقت این کمیته هیئت مشاوره خواهدبود که بدون رضایت آنها وزیر اقدامی نمیتواند بکند اما ازبابت تشکیل وزارتخانه مسیو بیزورا عقیده براین است که آنرا ازروی یك نقشه بسیارساده تشکیل دهد چرا که هرگاه ازروی یك نقشه فی الجمله درهمی باشدابواب تقلب ومغلطه کاری مفتوح خواهد گردید مسئله عایدات ایران بسیار ساده است ودرواقع منحصر بمالیات وواردات گمرکی است اگرچه چندمنابع کوچکترهم موجود است مبلغ مالیات هرایالتی معلوم است ومیتوان آنرا میزان کار درابتدا قرارداد اگرچه فیمابعد ممکن است

جدیداً ممیزی شده بدانواسطه عایدات زیاد تر و بزرگتری چنانچه تصورمیشود بدست‌آید بنا براین اینطورمعلوم میگردد که درتشکیل یك شعبه عایدات درصورتیکه یکنفر مامور متدین ریاست آنرا بعهده بگیرد اشکالی نخواهد بود اما از حیث مصارف ترمیمات زیادتری لازم است بشود تاکنون چیزی که بتوان اسم آنرا بودجه گذارد درکارنبوده مسیوبیزو سعی داشته است معنی بودجه را بفهماند ولی بمقصود خودنائل نگردیده مامورین وزارت مالیه تصدیق دارند که عایدات ومصارف باید مساوی باشند ولی‌میگویند درصورتی که مبلغ عایدات گمرکی غیرمعلوم است چطورمیشود این‌کاررا کرد وبحث آنها اینست که عایدات گمرکی را باید خارج ازموضوع بودجه قرار داده وازمصارف عادی کم نمود تابمیزان مالیات وسایرمنابع عایدات ثابته برسد ازقرار معلوم اینکاررا تاهمین اواخر معمول داشته اید و اضافه عایدات گمرکی را پس ازوضع مصارفی که به‌آن تعلق‌میگرفته تصورمینموده اند یك وجه فوق‌العادهٔ است که از آن باید همه نوع مصارف غیرمترقبه را بدون اینکه کسی تصویب نماید بپردازند مسیو بیزورا عقیده براینست که امکان دارد تخمین مصارف را که بتوان ازروی آن یك بودجه موقتی تهیه نمود او بعلاوه پیشنهاد میکند که گمرکات وضرابخانه باید درتحت وزارت مالیه باشند

واضح است که موفقیت اودراعمال این نقشه چنانچه خود اوهم تصدیق دارد کاملا بسته باشخاص و اختیارات کمیته کنترل خواهد بود مسیو بیزو را عقیده براینست که میتواند دو یاسه نفر از ایرانیان متدین را برای اینکار نامزد نماید ولی از قرار معلوم وجود

یکنفر اروپائی درکمیتهٔ که درمدنظراست برای‌اینکه جدیت لازمه را بخرج داده وسیله اداره اموربطور تدین شود ناگزیر خواهد بود

ولی حتی اگر تصورکنیم که کمیتهٔ موافق دلخواه تشکیل گردیده وبرای دوام‌آن تامینات صحیحه بدست آید اینمسئله مشکل هنوز باقی خواهد ماند که پرسنلی که برای اداره کردن یك‌اداره مالیهٔ که‌نسبتا بتواند امورانرا بکفایت بگذراند ازکجا میتوان پیدا کرد برمن شخصا یقین است که اینکار تقریبا غیرممکن خواهد بود مگر آنکه عدهٔ ازمامورین که مسئولیت کارهای عمده داشته باشند اروپائی باشند گمان من اینست که مسیوبیزو هم روبهم رفته بامن هم خیال است

روز سی ام مسیوبیزو بحضورشاه مشرف شده نقشه رفورمی را که درمد نظرداشت بان اعلیحضرت ارائه نمود شاه بهیچوجه اعتراضی‌ننموده وبسیاراظهار همراهی ومعاونت مخصوصا برای‌تشکیل کمیته کنترل باو نمود مسیو بیزو ازروی دقت برای‌آن اعلیحضرت توضیح نمود که آنها مسئله کمك نمودن بایران را دراینموقع اغتشاش فعلی مالیه آندولت درتحت ملاحظه نخواهندآورد مگرآنکه وثیقه معینی بدست باشد که عمل رفورم باجدیت تمام تعقیب خواهد شد مسیو دوهارت‌ویك را عقیده براینست که شاه اینمسئله را کاملا درك مینماید

اما ازبابت درباریان ووزرا خیلی احتمال میرودکه حاضرند شاه را نصیحت نمایند هرگونه شرایطی را که برای پرداخت‌مساعده دولتین پیشنهاد نمایند قبول نماید

هیچ گفتگوئی نیست که پول جدا لزوم پیدا کرده و

مادامیکه دولت ایران برای حصول آن متشبث بهر نوع اقدامات گردیده است مثلا بواسطه مساعده گرفتن از بابت عایدات گمرکی یادر آوردن پول ازاشخاص معتبر مشروطه خواه یااستقراض از اهل بازار درمقابل سود خانه خراب‌کن هیچ اقدامی نمیشود که دولت در معاملات بسیار معلومه بحق خود برسد برای نمونه ممکن است مذکوردارم که اداره ضرابخانه کلیه نقرهٔ که بان داده میشود سکه میزند ولی منافع بسیارعمده آن ـ تحمیل صدی ده ـ بکیسه دولت نرفته بلکه بجیب مدیرضرابخانه که حساب اداره خودرا پس‌نمیدهد میرود در واقع هیچکس نمیداند که آیا ضرابخانه یا تلگرافخانه از روی قانون اداره میشود یا اینکه باجاره داده میشود وفقط بیك‌چیز میتوان یقین حاصل نمود وآن تقلبی است که بدولت میشود

اعتباردولت آنقدربد شده که بانگهای روسی و انگلیسی مطلقا بیمیل هستند که حتی بطور موقت بضمانت گمرکات وجه مختصری برسانند

میترسم مسئله رفورم برای آن مقصودی که دربر دارد قبول نشود و فقط برای آنکه در مقابل آن پول بدست آورند قبول میکنند و ما باید منتظر بوده ببینیم چطور تاپول میسر گردد هرگونه تلاش برای تلف کردن آن و احتراز از رفورم بعمل خواهد آمد هرگاه یك نتیجه مفیدی ازاین اقدام باید گرفته شود وثیقه های بسیار سخت وجدی لازم است واین کار بعهده مسیوبیزو خواهد بود که طرح شرایط لازمه را بریزد او فعلا مشغول تحقیق است ببیند اقل مبلغ مساعده که برای رفع اشکالات حالیه دولت

لازم است چقدر خواهد بچه نحو بهتری میتوان آنرا بدست آورد که غیر از برای مقاصد مشروعه طور دیگری بمصرف نرسد

چارلزمارلینك

نمره ۲۲۰

مکتوب مسترمارلینك بسر ادواردگری . ـ (واصله ۱۷ اوت)

قلهك غره اوت ۱۹۰۸ ـ آقا درتلگرافات خود بطور اختصار راپورت اشکالاتی‌را که در ترغیب عده از بستیهای سفارت بترك آنجا حتی پس از وصول دستخط شاه مبنی برتامین جان ومال آنها که به آن برخورده ام داده ام عده کمی که قبل ازاین خارج شدند در واقع بستی نبودند بلکه اشخاصی بودند که در موقع تعیین عساکر دور سفارت برای کار آمده قصد دیگری نداشتند وازترس دستگیری نخواسته بودند ازآن مامن خارج شوند ویکی دوروز پس ازبرداشتن قراولان رفتند

همینکه دستخط شاه بمن رسید مستر اسمارت آنرا برای بستیها قرائت نموده اکثر آنها راضی شدند که فورا خارج شوند ولی قریب بیست نفر آنها بنای اشکال تراشی را گذاردند ابتدا از رفتن اظهار بیمیلی نمودند باین علت که مگر آنکه سفارت بانها نوشته بدهد بامضمون که این اشخاص از جمله کسانی هستند که این دستخط در مورد آنها صادر شده بقول شاه اعتماد نتوانند کرد البته برای این عنوان بهانهٔ داشتند چرا که باوجودیکه اعلان عفو عمومی داده شده بود عدهٔ را بجهات صرف پلتیکی دستگیر نموده بودند من بسیار بیمیل در دادن چنین نوشتجات بودم چرا که خطر داشت

آنهارا سوء استعمال نمایند ولی از آنجائیکه راه دیگری برای ترغیب آنها برفتن از آنجا بنظر نمیرسید من بالاخره مصمم شدم که بان اشخاصیکه واقعا خود را درخطر می پنداشتند نوشته مزبور را بدهم

عبارت این نوشته را بطور دقت نوشتم باین مضمون که حامل باین اسم وشغل ومحل سکونت صحیح جزو پناهندگان سفارت میباشد قبل از آنکه این نوشته را بدهم باوزیر امور خارجه در این باب مشورت نموده واو اظهار داشت که چنین نوشته باین ترتیب مورد اعتراض واقع نخواهد گردید

باوجود این بستیها هنوز دررفتن ابراز بیمیلی زیاد مینمودند و آنچه بانها از طرف مستر اسمارت و مفتاح السلطنه و مستر چرچیل هرروزه و تقریبا ساعت بساعت اصرار میشد ومحاجه مینمودند باینکی دوروز تغییر خیالی برای آنها پیدا نشد کم میتوان شك داشت از اینکه آنها هنوز میترسیدند ولی پس ازآن برمن حتم شد که مقاصد پلتیکی هم در اذهان آنهـا نفوذی داشته من بنابراین مستر اسمارترا دستورالعمل دادم که بالسان جدی تری باآنها مذاکره نموده حتی تااین اندازه که به آنها اشاره نماید که چون سفارت نمیتواند آنهارا بجهات پلتیکی اجازه توقف دهد من حسب‌الامکان لزوما اقدامات سخت تری برای اخراج آنها خواهم نمود من امید وارم که از دستور العملهای خود تجاوز ننموده باشم

این اعلام اگر چه فوراً نتیجه از آن بروز ننمود ولی بالاخره منتج ثمری گردیده وروز ۱۶ فقط از بستیها ده نفـر در سفارت بیشتر نبودند یعنی همان شش نفری که شـاه میخواست از

مملکت خارج شوند و چهار نفر دیگری که میبایستی باذربایجان معاودت نمایند

اما از بابت شش نفر اولی ابتدا شاه درخواست نمود که تقی زاده بایستی بمدت ده سال و بهاء الواعظین واعظ پنجسال یکی از مدیران جرائد ۷ سال و دیگری ۸ سال از ایران خـارج باشند ولی چون من باین مدتهای طویل که یك مجازات بسیار سخت نفی از مملکت بود و باشرایط دستخط که عفو عمومی بتمام مهیجین پلتیکی ومخصوصا به پناهندگان سفارت اعلیحضرتی داده بود مطابقت نداشت اعتراض نموده بودم این مدتهـا سپس بقرار ذیل تخفیف داده شد : ـ

تقی زاده	۱ ۱/۲ سال
بهاء الواعظین	« ۱ ۱/۲
میرزا علی اکبر خان	« ۱
صدیق الحرم	« ۱
سید حسن	« ۱

معاضدالسلطنه ببهانه علت مزاج بمیل خود از ایران خارج شد و مدتی برای او تعیین نشد چهـار نفر دیگر قرار شد باوطان خود معاودت نمایند

من لازم نیست از شرح مذاکرات مطوّل تکدر آمیزی که منتهی بحـرکت باقی پناهندگان در تاریخ ۱۸ و ۱۹ ژوئن در کالسکه های دولتی برای انزلی شد بشما زحمت دهم لازم بود

که برای مخارج مسافرت وسایر مخارج آنها ترتیب پولی داده شود که شاه به آنها بدهد و ترتیب این کار آخرالامر داده شد

پناهندگان دوباره بسیار از حق خود تجاوز کرده و بعضی از آنها درخواست نمودند که شاه باید در مدت غیاب خود از ایران مبلغی کمک خرج بآنها بدهد من طبعا از استماع این عنوانات بیمیلی نمودم و باشکال زیاد آخرالامر برمقاومتهای آنها فایق آمدم

اگر در مورد تقی زاده ازانصاف نگذریم لازم است بنویسیم که این شخص در تمام مدت توقف خود در سفارت با اشتیاق تمام باکوششهای مستر اسمارت در حرکت دادن بستیها همراهی نمود

بستیها بالاخره دو دسته شده در ۱۸ و ۱۹ ژویت حرکت کردند و یك مامور از طرف وزارت خارجه و یك غلام سفارت با هردسته همراه بود

همراهی مستر اسمارت در تمام مدت بسیار ذی قیمت بوده وسزاوار هرگونه تمجید است

مفتاح السلطنه که نشان ک سی ام جی را داراست ورئیس اداره انگلیس وزارت امور خارجه است واسطه مذاکرات با شاه بود ترتیب شرایط ترضیه ودستخط توسط او بعمل آمد ومذاکرات ثانوی درخصوص حرکت باقی پناهندگان از ایران بوسیله او انجام گرفت همراهی او و علاء السلطنه وزیر امور خارجه که در تمام این مدت ابراز حسن نیت کامل نموده و از هرگونه مساعی برای فیصله عاجل امور دریغ ننمودند خارج از اندازه مفید میباشد

(امضا) چارلزمارلینك

نمره ۲۲۱

تلگراف سرنیکلسن بسر ادواردگری مورخه ۱۹ ماه اوت از سن پطرز بورغ

کفیل وزارت امور خارجه امروز در خصوص ایران بامن صحبت داشت و پیشنهاد نمودند که خوب است بشاه متفقا یادآوری بشود که او باید در تاریخ معینی مجلس را باز نموده و بقولهائیکه دردستخط خود داده عمل نماید

ایشان گمان نمودند که بهتر آن است که این اقدام در موقع ورود سربارکلی بطهران در اواخر ماه سپتامبر بشود و بعلاوه گفتند که ایشان درایموقع ذکری ازاین پیشنهاد نمودند برای اینکه شما موقع دقت نظر در آنرا داشته باشید

من درجواب گفتم که پیشنهاد مذکور را برای شما خواهم فرستاد در صورتی که شما پیشنهاد مسیو چریکف را قبول نمائید من از ایشان خواهش نمودم که مضمون پیشنهاد را بنویسند و بعد برای شما خواهم فرستاد تااینکه اگر شما مایل به تغییری در آن باشید اظهار نمائید

نمره ۲۲۲

تلگراف سر ادواردگری بمستر مارلینك مورخه ۱۹ اوت از وزارت خارجه لندن دوسال است که وزیر مختار از این دربار حرکت کرده و یك سال و نیم است که شاه (انگلیس) تعیین احتشام السلطنه را باین مقام قبول نموده است

حالا ما میشنویم که شاه (ایران) بدون اینکه کس دیگررا

پیشنهاد نماید این انتخاب را تغییر داده است دولت اعلیحضرتی منتظرند که بیش از این دیگر در انتخاب شخصی تعویق روی ندهد وبنظر ایشان این حرکت شاه بمنتها درجه برخلاف ادب است

نمره ۲۲۳

تلگراف سر ادواردگری بسر نیکلسن مورخه ۳۰ ماه اوت

ازوزارت خارجه لندن من به پیشنهاد مندرجه درتلگراف ۱۹ اینماه شما موافق وشما مجاز هستید که از کفیل وزارت امور خارجه خواهش نمائید که مراسله متفقانه بشاه را بهمان طریقی که مقرر شده ترتیب دهند

نمره ۲۲٤

تلگراف سرنیکلسن بسرادواردگری مورخه ۲۲ ماه اوت (ازپطرزبورغ

راجع بتلگراف ۲۰ اینماه شما

مسیو چریکف بمن اطلاع میدهد که او ترتیب مراسله خواهد داد که نمایندگان دولتین روس و انگلیس در موقع لزوم برای شاه بفرستند

در جواب من گفتم که بعد ازاینکه دولتین روس وانگلیس مضمون مراسله را تصویب نمودند آنوقت دولتین در طهران باهم شور خواهند نمود که درچه موقع درصورت لزوم فرستادن مراسله بهتر خواهد بود

نمره ۲۲۵

مراسله مستر مارلینگ بسرادواردگری ۱۰ ماه اوت از قلهك

آقا افتخار دارم که لفا سوادی از یادداشتیکه بر وفق

دستور العمل شما در خصوص توقیف وجه استهلاك سه ساله قرضه ۱۹۰۳ و ٤ بوزیر امور خارجه نوشته انفاد دارم

(امضا) چالزمارلینك

ملفوف در نمره ۲۱۴

مراسله مسترمارلینك به علاء السلطنه بتاریخ ۲۵ ژویه ۱۹۰۸ ازقلهك

حضرت اشرفا بموجب یاد داشت ۳۱ ماه اوت ۱۹۰۷ سفیر اعلیحضرتی افتخار داشت که بحضرت اشرف شما اطلاع بدهد شروطی را که بموجب آن شروط دولت اعلیحضرتی حاضر است که قبول خواهش دولت علّیه ایرانرا راجع به توقیف وجه استهلاك سه ساله قرضه ۱۹۰۳ و ٤ بنماید

جوابی به یاد داشت مذکور داده نشده ولی وجهی هم از اصل قرضه تابحال پرداخته نشده و بعلاوه در پرداخت فرع هم تعویقی حاصل گردیده است

دولت اعلیحضرتی بجهات مذکوره فوق تصور نمود که شروط مقرره را دولت ایران قبول نموده است لهذا بر وفق دستور العمل از دولت متبوعه خود من وزیر امور خارجه سابق را از نظریات دولت متبوعه خود مطلع ساختم

در جواب یاد داشت ۲٤ فوریه که در آن مطلب مذکور مندرج بود

جناب مشیرالدوله بمن اطلاع داد که جواب یاد داشت سراسپرینك رایس بهمین زودیها فرستاده خواهد شد هرچند که پنجماه است که از آن تاریخ گذشته لیکن تابحال جواب یادداشت

مذکور برای من نرسیده است و اکنون از وزیر امور خارجه دولت اعلیحضرتی برای من تعلیماتی رسیده که حضرت اشرف شمارا مطلع بسازم که بواسطه نرسیدن جواب معهود و نظر باینکه فرع قرضه بعهده تعویق افتاده وعلاوه از تاریخ ۴ ماه آوریل ۱۹۰۶ تابحال ابداً ازوجه استهلاك پرداخته نشده است لهذا دولت اعلیحضرتی بهیچوجه اجازه نخواهند داد که بعد از این مذاکراتی در شرایط پیشنهادیه مندرجه در یاد داشت فوق الذکر سراسپرینك رایس بشود

نمره ۲۲۶

مراسله مسترمارلینك بسر ادواردگری مورخه ۱۲ اوت از قلهك

آقا من افتخار دارم که مجملی از حوادث چهار هفته آخر ایرانرا بطور معمول انفاد دارم (چارلزمارلینك)

ملفوف در نمره ۲۲۶

مجمل حوادث ماهیانه ایران

اوضاع عمومی

شاه در باغ شاه متوقف است درآنجا تدارکات برای توقف طولانی او دیده میشود

امیر بهادر که ملقب بلقب سپهسالاری و بمقام وزیر جنگی معین گردیده است خیلی ظاهراً قادر است هر چند که از اقدامات ملیین از تاریخ ۲۲ ژون تابحال جلوگیری شده و فقط مقاومت جدی از طرف اهالی تبریز بعمل آمده وآنها هنوز هم جنك می نمایند ولی نشانهائی مشاهده میشود که در آتیه اقدامات ملیین از نو شروع خواهد شد

علمای نجف برعلیه شاه رأی داده وهرچند که تلگرافات آنها توقیف شده است ولی اخبار آنرا مردم عموما مطلع اند

اثر اخبار از عثمانی خیلی زیاد نبوده ولی بعد ازاین مؤثر واقع خواهد گردید

در این بین از قرار معلوم شاه خیلی دچار اشکالات مالی است ومسیو بیزو فعلا مشغول نقشه ایست که شاید بعد ازاین اصلاحاتی کرده بشود سبب عمده خالی شدن خزانه تدارکات فوق‌العاده نظامی و فرستادن قشون به آذربایجان است

(امضا) چرچیل منشی السنه شرقی

ارومیه

مستر رتیس لو راپورت میدهد که کوداتای شاه ابداً اثری در ارومیه نبخشید و اظهار میدارد که با وجود قابلیت موقتی شاه نمیتواند که در آذربایجان بطور دلخواه خود حکمرانی نماید

مشهد

حزب ملیین شهر شکست خود را قبول نموده و ابداً خیال جنك را ندارند

تربت حیدری

مردم خبر کوداتا را بدون تألم یا خوشحالی پذیرفتند

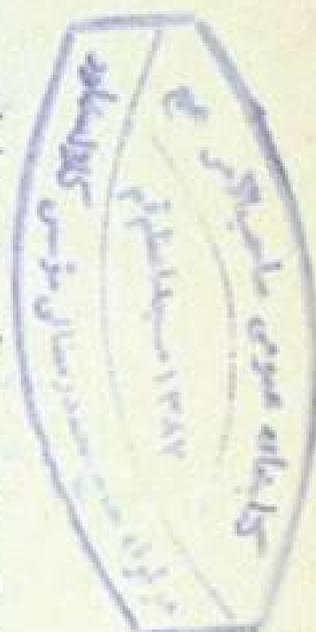
اصفهان

ظاهراً شاه هیچ طرفداری در اصفهان ندارد ولی با وصف این رؤسای ملّیین خیلی در وحشت هستند

اقبال الدوله که بجای علاء الملك بحکومت معین گردیده هنوز وارد نشده‌است ممکن است که اشخاصیکه برای خود خطری تصوّر مینمایند در موقع ورود او بژنرال قونسولخانه متحصن شوند

ظاهراً آقانجفی برای شاه کارمیکند ولی برادر او آقانورالله علنا اظهار داشت که یکی از دستخط های شاه برخلاف مذهب و آزادی است

نایب الحکومه اقبال الدوله در ۱۹ ماه ژویه به اصفهان وارد شد



در ۸ ماه اوت   اوبرئیس خود درطهران تلگراف مخابره نمود که تلگرافی ازرؤسای علمای نجف واصل گردیده وآن تلگراف را بدرب یکی از مساجد چسبانیده بودند مفاد تلگراف مذکور این است که هرکس براه آزادی و مشروطیت کشته شود مثل شهدای کرب و بلا میباشد   تلگراف‌را سربازان ازدرب مسجد پاره نمودند ولی نایب‌الحکومه تقاضای استعداد نموده‌بود بواسطه اینکه اومیترسید که‌شاید بلوائی فراهم آید

آقا نور الله از روی منبر مردم را اصرار نمود که دکانهای خود را به‌بندند ولی نایب الحکومه بتوسط جارچی بمردم اخطار نمود که هردکانی که بسته باشد سربازان او را غارت خواهند نمود

یزد

انتظام الملك از حکومت معزول گردید ولی او دو مرتبه بواسطه استدعای مردم ازشاه بحکومت برقرارگردید از تاریخ اواخر ماه ژون راه یزد به نائین ناامن بوده دزدی از قوافل و پست شده و راه بواسطه عده از سارقین سواره مسدود شده است کلیه رفت و آمد پست بهم خورده است و حکومتهم ظاهراً هیچ اقدامی نمیکند

سلطان آباد

وبس قونسول اعلیحضرتی در ٦ ماه ژون راپورت داد که شش انجمنهای سیاسی درسلطان‌آباد است وهرکدام ازاینها میخواهند که شهر را اداره نمایند حکومت قدرتی ندارد و رؤسای این انجمنها علمائی هستند که میخواهند حسیات برعلیه اروپائی ها را مابین مردم تولید نمایند

برای کمپانی ذیگر خیلی مشگل شده است که مبلغ سی هزار لیرهٔ را که بکارخانه های قالی بافی برسم مساعده و پشم داده دریافت نماید

شیراز

دراول ماه ژویه پانزده نفر توپچی برای دریافت حقوق‌یك ساله عقب افتاده خود ازدولت ایران به قونسولخانه اعلیحضرتی‌متحصن شدند بعد پس ازاینکه قول به آنها داده‌شد که مواجب آنها پرداخته خواهد شد ما آنها را وادار نمودیم که از قونسولخانه خارج شوند

سرتیپ فوج چهار محال هم به قونسول اعلیحضرتی اظهار نمود که ممکن است فوج او هم برای همین مقصود در قونسولخانه تحصن اختیار نمایند

جنگ مابین ده کمارج و دالکی که در موقع حکومت ظل‌السلطان موقوف شده بود مجدداً در ٦ ماه ژوییه شروع گردید

هیچ امید نظم در این راه برده نمیشود مگر در تحت فرمانفرمای مقتدری

هرچند که شیراز خاموش مانده است ولی کلیه ایالت فارس در حال بی نظمی است و از هرطرف راپورت سرقت داده میشود کازرون در حال محاصره است لنزاع مابین خان کمارج و میرزا کاریز خان نایب الحکومه سابق است شخص ثانی بقونسولخانه اعلیحضرتی در شیراز متحصن شده است

درعرض مدت ۴ الی ۲۵ ماه ژوییه اعراب پست طهرانرا چهار مرتبه سرقت نمودند وراه اصفهان هم خیلی ناامن است

شیرازیها تعیین آصف الدوله را بحکومت بواسطه عدم موفقیت او سابقا در حکومت شیراز استهزا مینمایند سردارفیروز نایب الحکومه در ۱٦ ماه ژوییه وارد گردید

(امضا ماژوراستوکس آتاشه میلیتر)

نمره ۲۲۷

مراسله مسترمارلینگ بسرادوارد گری مورخه ۱۲ اوت ۱۹۰۸ ازقلهک

آقا در اتمام مراسله غره اینماه خود افتخار دارم از راپورت اینکه در ٦ اینماه مسیو بیزو بباغ شاه احضار گردید محض

اینکه طرحیرا که او برای اصلاح وزارت مالیه پیشنهاد نموده بود بصدر اعظم حالی نماید

نتیجه ملاقاتی که بیش از دوساعت طول کشید بی‌ثمر بود بغیر از مشیر السلطنه دو سه وزیر دیگر در این ملاقات حضور داشتند امیر بهادر جنگ هم که شخص او دارای دو شغل عمده که یکی آن سپهسالاری و دیگری وزارت جنگ بود گاه گاهی حضور بهم می رسانید

او پیش از اینکه تقاضای وجوهات فوری نماید شرکتی در مذاکرات نداشت

باعث زحمت است که من تمام جزئیات حکایتی را که مسیو بیزو برای من نقل کرده برای شما بنویسم همینقدر اظهار اینمطلب کافی است که باستثنای علاء السلطنه که در آخر مذاکرات وارد شد تمام وزرا و درباریهائیکه حضور داشتند از صحبت آنها چنین معلوم میگردید که آنها فقط از مسیو بیزو انتظار داشته که او بیك وسیله پولی فراهم نموده و بانها برای حیف و میل بدهد

بالاخره مسیو بیزو توانست که صورتی از مصارف خیلی لازم فوری دولت ایرانرا تحصیل نماید

صورت از قرار ذیل است

اصلاح قشون مخارج قورخانه خرید چادر وسایر مخارج لوازم نظامی ۵۰۰۰۰۰ تومان

حقوق پس افتاده قشونی و حقوق هذه السنه و قیمت ملبوس قشونی ۵۰۰۰۰۰ «

ساختن قلاع در سرحدات آذربایجان و آستارا و کرمانشاه
سیستان وبلوچستان ۳۰۰۰۰۰ تومان

پرداخت حقوق دیوانی که بواسطه انقلابات اخیره
پرداخته نشده ۲۰۰۰۰۰ =

تتمه پرداخت قیمة تفنك وغیره که مرحوم مظفرالدین شاه
خریده وخرید تفنك وفشنك جدید ۵۰۰۰۰۰ =

جمع کل (۲۰۰۰۰۰۰) =

این مبلغ که تقریبا ۴۰۰۰۰۰ لیره میشود مطابق است با مساعدهٔ که ما در سال ۱۹۰۶ خیال داشتیم بدولت ایران بپردازیم

بطوریکه مسیو بیزو اظهار داشت این درآمد عجیب بدون شک کار امیر بهادر جنگ است که از این مبلغ دو ملیون تومان یك‌ملیون هشتصد هزار تومان آن بجیب او خواهد رفت

در حینی که مسیو بیزو نزد من بود خبر آوردند که قوام الدوله وزیر مالیه برای ملاقات من آمده است بنا برخواهش من مسیو بیزو هم توقف نمود پس از قدری صحبت وزیر مالیه به مسیو بیزو اظهار نمود که صورت را ارائه بدهد و از من سؤال نمود که عقیده شما در این خصوص چیست من در جواب ازایشان سؤال نمودم که آیا واقعا شما منتظرید که من بطور جدی دقت نظری دراینصورت بنمایم

دولت ایران ازما تقاضا مینماید که مبلغ زیادی باوبپردازیم در صورتی که مبلغ کثیری وجه بدست امیر بهادر جنگ بدون هیچ نوع ضمانتی از ترتیب صحیح مصارف آن داده خواهد شد

و مابقی آنراهم برای حقوقهای تقلبی بی فایده صرف بشود

من کمال اطمینان را دارم که در صورتیکه من آن پیشنهاد را برای دولت متبوعه خود ارسال بدارم دولت من بر آن پیشنهاد ابداً وقعی نخواهد گذاشت درصورتیکه من ابداً حاضر فرستادن هم نیستم بعقیده من مقصود ازاین پیشنهاد هیچ چیز نیست جزاینکه امیربهادرجنگ ورفقایش میخواهند کیسه‌خودرا مثل‌زمان‌سابق پر کنند

وجناب وزیر باید آگاه باشند که دولت اعلیحضرتی هیچوقت دولت ایران‌را کمك برای تهیه‌پولی ازجهة همچو مقصودی نخواهد کرد بعلاوه من اظهار تأسف مینمودم از اینکه دولت ایران ازقرار معلوم بهیچوجه خیال ندارد که اصلاحی در مالیه خود نماید

قوام الدوله قدری مضطرب الحال گردیده و بعد دلیل آورد که کمسیونیرا که مسیو بیزو خیال دارد در وزارت مالیه تشکیل بدهد خود یکنوع ضمانت کافی است‌که در صورتیکه قرض داده شود حیف و میل نخواهد شد

چون پیش ازورود قوام الدوله مسیو بیزو بمن اطلاع‌داده بود که اعضای کمسیون مزبور بطوریکه جناب وزیر پیشنهاد نموده است مرکب خواهند بود از خود وزیر مالیه و دوپسرش و دو نفر دیگر لهذا من بایشان در جواب اظهار نمودم که بدواً من باید از ترکیب این کمسیون مطلّع بشوم تااینکه بتوانم اعتمادی بان نمایم و بعلاوه از ایشان سئوال نمودم که در صورتی‌که دولت ایران واقعا طالب اصلاح‌است چرا دراین صورت مصارف لازمه هیچ‌وجهی برای اصلاحات منظور نگردیده وبعلاوه چرا ابداً ذکری از حقوق عقب

افتاده نمایندگان دولت ایران در خارجه که از قراریکه بمن گفته شده است الزم تمام مخارج است برده نشده است

مسیو بیزو دراین مطالب بامن همراهی تامی نموده واظهار داشت من که سمت مستشاری مالیه‌را دارم هیچوقت بوزیر مالیه‌توصیه نمی نمایم که همچو صورتی را قبول نماید

بدون جزئیات ممکن نمیشود که نظارتی در مصارف نمود آیا وزیر گمان میکند که هیچ اداره جز وزارت جنگ پول فوری لازم ندارد

پر واضح است که ترتیب دهندگان این صورت ابداً نفع عموم را در نظر نداشته اند اگر دولت ایران میخواهد که مساعدتی از طرف دولتین باو بشود باید با مسیو بیزو کمك نموده تااینکه او از حالت مالیه کنونی مملکت اطلاع حاصل نموده و بعد صورت مشروحی از وجوهات لازم برای هر اداره ترتیب بدهد

ظاهراً قوام‌الدوله خیلی مأیوس از نتیجه این ملاقات گردید و مسیو بیزو مرا مطمئن ساخت که قوام الدوله برای گول زدن آمده بود و فقط دلتنگی او از نتیجه این ملاقات برای این است که نزد امیر بهادر و سایر درباریهای دیگر بادست تهی خواهد رفت

(امضا) چارلزمارلینك

نمره ۲۲۸

مراسله مسترمارلینك بسرادواردگری مورخه ۱۳ ماه‌اوت ازقلهك

آقا در اتمام مراسله ۱۵ ژوییه خود افتخار دارم از راپورت اینکه از آن تاریخ به بعد زد و خورد مابین قشون شاه و

متمردین در تبریز تا ۹ این ماه بدون نتیجه برای هیچ طرف مداومت داشت

در ۱۵ ماه ژوییه ساکنین محلیکه بتصرف متمردین بودسعی نمودند که بتوسط قونسولخانه فرانسه تلگرافی بشاه فرستاده اظهار نمایند که آنها حاضر تسلیم هستند ولی فقط ترس آنها از این است که قشون دولتی خانه‌های آنها را غارت خواهند کرد

درصبح روز بعد جنگ متروك شده وریش سفیدان محلات محصوره شروع بمذاکرات برای صلح مابین مأمورین دولتی و متمردین نمودند

این مذاکرات بواسطه حرکات مجتهدین معروف شهر منتج نتیجه نگردید چونکه رؤسای متمردین مایل بودند که بشاه تلگرافی نموده و طلب عفو نمایند پس از آن خلع سلاح بشوند

هر چند که رئیس قشون دولتی اعتراض نداشت ولی مجتهدین که سیم تلگراف بدست آنها بود قبول ننمودند که همچو تلگرافی بشود این حوادث وحرکات دیگر مجتهدین خیلی باعث تغیر اهالی گردیده و مصمم شدند که هیچ نوع عفو و بخششی را از شاه بدون ضمانت قونسولخانهای خارجه قبول ننمایند

در ۱۸ ماه ژوییه مستراستونس تلگراف نمود که نظر باقدامات ژنرال قونسول روس بر برهم زدن انجمن اسلامی مرکز مرتجعین و علما جنگ متروك و تقریبا تمام شهر در دست اهالی مسلح است و سوارهای دولتی هم فرار نموده اند

در ۱۸ ماه ژوییه یك فوج پیاده که مرکب از ۸۰۰ نفر

بود بمحض اینکه بتبریز وارد شدند فوراً ازهم متفرق شده بخانه های خود فرار نمودند در این ضمن دخالت ژنرال قونسول روس مثمر ثمری نگردیده و متمردین حمله به نقاط قشون دولتی برده و آنها را مقداری عقب نشاندند ولی در شب ۲۱ و ۲۲ ماه ژویه پس ازاینکه استعداد بقشون شاه رسید آنها رولوسیونر هارا مجبور نمودند که به نقاط اولیه خود عودت نمایند

در صبح ۲۳ هم جنگی شد و هر چند که رولوسیونر ها سخت دچار مشکلات شدند ولی باوجود این نقاط خود را حفظ نمودند در این حمله قشون دولتی یك توپ نه سانتیمتری بکار برده و مقدار زیادی خسارت هم رسانید

در ۲۷ اوضاع بدتر شد روبهم رفته از شش توپ گلوله انداخته میشود و چون توپچیان چندان ماهر نبودند گمان خطر برای محلّه عیسویها برده میشود

در ۲۸ ماه مجلسی ازقونسولها و نمایندگان تجار شهر در قونسولخانه روس منعقد گردید تجار اظهار نمودندکه اهالی بشرط ذیل حاضر اند که اسلحه خود را زمین بگذارند

(اولا) شاه بکلی مردم را از تقصیرات پلتیکی عفو نماید با ضمانت سفارتخانها ثانیا بر هم زدن انجمن اسلامی ثالثا فقط به رحیم خان اجازه داده شود که با پنجاه سوار در شهر تبریز اقامت نماید

قونسولها پیشنهادات مذکوره را تصویب نموده واظهارنمودند که خوب است اجازه برؤسای رولوسیونر داده بشود که بدون هیچ

اذیتی از ایران خارج شوند

درعرض مدتی که این اقدام و اقدامات دیگر برای صلح طرفین میشد جنك متروك بود ولی چون هیچطرف نمی توانستند ضمانتی از اجرای مواد قرار داد بدهند لهذا در اول ماه اوت جنك مجدداً شروع گردید

دولتیها ارگ را که همیشه در دست رولوسیونر ها بود بمباره نموده وچند دانه خمپاره هم در محله عیسویها افتاد در ۲ ماه رولوسیونر ها تمام سیمهای کمپانی تلگراف هند واروپ را قطع نمودند

ویس قونسولگری اعلیحضرتی بازحمات زیاد آنها را وادار نمودند که راضی بمرمت سیمها بشوند آنها تقاضا مینمودند که هیچ تلگرافات دولتی مخابره نشود

در ٤ ماه اوت خبر برقراری مشروطیت عثمانی بتوسط ژنرال قونسول عثمانی منتشر گردید این مطلب طبعا باعث قوت قلب ملّتیان گردیده واعلانی مشعر براینکه اگر تازمان ورود حکومت بااستعداد ترتیب صحیحی داده نشد بهتر این است که سلطان عثمانی را شاه خود قرار بدهیم در تمام شهر الصاق گردید

در ۷ ماه اوت قشون شاه سخت مشغول جنك شدند جنك سختی تامدت سه روز باتفنك و توپ مداومت داشت مستر استونس متذکر میسازد که حرکات قشون شاه در تمام اینمدت صالحانه نبوده وبیملاحظه غارت مینمودند

در ۲ ماه اوت او راپورت داد که تجارتخانه دیگر و

استونس کاغذی به ژنرال قونسولگری نوشته و اظهار امیدواری نمودند که خوب است دولت اعلیحضرتی دولت ایران را مسؤل هرنوع خسارتی که ممکن است بعد ازاین وارد بیاید دانسته چونکه آنها میترسیدند از اینکه غارت خانها ممکن است ببازارها هم سرایت نماید من باین جهت یاد داشتی بدولت ایران فرستاده و تقاضا نمودم که اقدامات کافیه برای محافظت منافع اتباع انگلیس بعمل آید و در آن یاد داشت اظهار نمودم که دولت اعلیحضرتی مجبور خواهد شد که دولت اعلیحضرت شاه را مسؤل هرنوع خسارتی که بواسطه قشون مستخدم دولت ایران وارد می آید قرار دهد

در ۹ ماه اوت جوابی از وزیر امور خارجه برای من رسید مشعر براینکه مفاد یادداشت را بصدر اعظم ابلاغ داشتم و از ایشان مخصوصا خواهش نمودم که احکام لازمه برای محافظت تجارتخانها واتباع انگلیس بفرستند

خیلی معلوم نمودن اینمطلب مشکل است که تاچه اندازه حوادث مهمه تبریز که پس از کودتای شاه رخ داده مربوط به مقاصد پلتیکی است و اگر هم اینطور باشد تاکی این زدو خورد اساسا شکل زدو خورد سیاسی را دارا خواهد بود من شخصا گمانمیکنم که جنگ بارحیمخان بیشتر بواسطه ضدیت شخصی رؤسای ملیین بااوست و همچنین تصور مینمایم که بدون تردید ملتیان حس مینمایند که برای آنها جز جنگ هیچ راه‌دیگری باقی نیست و اگر آنها بی شرط یاباشرط تسلیم شوند جان و خانواده ومال آنها از دست قشون دولتی که بواسطه مقاومت طولانی وطن

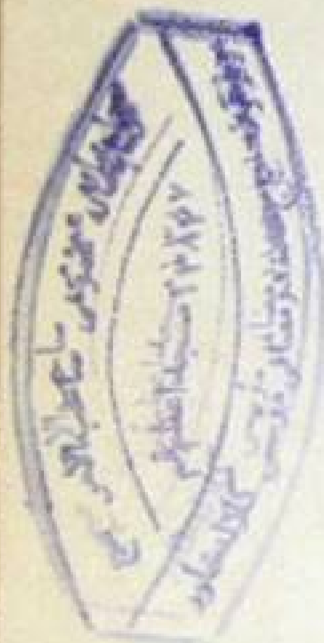
پرستان آذربایجان خشمگین شده اند مأمون نخواهد بود احتمال هم برده میشود که ترس آنها بی اصل نباشد

نمره ۲۲۹

تلگراف سرنیکلسن بسرادواردگری مورخه ۳۱ ماه اوت (ازپطرزبورغ

راجع بتلگراف ۲۲ ماه اوت من

سواد مراسله متحدالمآلی که پیشنهاد شده است نمایندگان روس و انگلیس بشاه ارسال دارند از قرار ذیل است



چونکه اعلیحضرت شاه قصد خودرا آشکار نموده که بهمین زودیها قواعد جدیدی برای انتخابات آتیه منتشر نماید وزیرمختار روس (شارژدافر انگلیس) بروفق تعلیمات واصله از دولت متبوعه خود وبدون اینکه بهیچوجه مایل دخالت در امورات داخلی ایران باشد عقیده براین است که برای آرامی مملکت و تجارت و آسایش عموم خیلی مستحسن و بجا خواهد بود که اعلیحضرت شاه در همانموقع اعلان نماید که بهیچوجه در عزم خود برای نگاه داری قوانین اساسی که خود آن اعلیحضرت بمملکت خود عطا نموده تغییری حاصل نشده است و مجلس شورای ملی انتخاب شده در ۱۴ ماه نوامبر در طهران منعقد خواهد گردید

مسیو چریکف بمن اظهار نمود که شاه در همین ایام اخیر بسفیر روس گفته است که او خیال دارد بهمین زودیها قانونی برای انتخابات جدید منتشر نماید عقیده کفیل وزارت امور خارجه براین است که فعلا بهترین موقعی است که مراسله فوق‌را نمایندگان انگلیس وروس برای شاه ارسال دارند

نمره ۲۳۰

تلگراف مسترمارلینك بسرادواردگری مورخه ۱ سپتامبر ۱۹۰۸ ازطهران

ویس قونسول اعلیحضرتی مقیم تبریز تلگرافا راپرت میدهد که اولیاء امور در طهران اهمیت اوضاع تبریز را درك ننموده اند رولوسیونرها گوش بهیچ نوع مصالحه نخواهند نمود مگر اینکه مشروطیت برپا انتخابات شروع شده مجلس دومرتبه منعقد گردد آنها ابداً اطمینانی بدولت ندارند

قوای مشروطیین فعلا ۱۰۰۰۰ نفر است دیروز انجمن محلی کمیته برای تحصیل وجوهات از عیسویان برای کمك در مصارف جاریه انتخاب نمود برولوسیونرهای ارمنی فشار آورده میشود که آنها هم اقدامات جدی نمایند

بطور خصوصی بمستر استونس اخطار شده است که تنها بیرون نرود چونکه رولوسیونرها تنك آمده و مصمم شده اند که یك خارجه را مقتول سازند تااینکه اروپائیها دخالت نمایند

ویس‌قونسول اظهار میدارد که اگر شاه واقعا خیال انتخاباترا دارد هرچه زودتر به تبریز مقصود خود را اطلاع بدهد بهتر خواهد بود چونکه طوری رؤسای رولوسیونرها خود را آلوده نموده اند که دست برداشتن از زدوخورد حالا خیلی مشکل است

عقیده ویس قونسول براین است که ممکن است هر دقیقه اروپائیان و عیسویان عموما خود را در خطر عظیمی مشاهده نمایند چونکه در این دوسه روز اخیر هیجان مردم خیلی بالا گرفته است

نمره ۲۳۱

تلگراف سرادواردگری بسرنیکلسن مورخه ۲ سپتامبر ۱۹۰۸

از وزارت خارجه لندن

راجع بتلگراف غره اینماه مسترمارلینك وتلگراف ۳۱ ماه گذشته شما معلوم است که موقع اقدام رسیده است خواهش میکنم که شما دولت روسیه‌را فشار بیاورید که بنماینده خود درطهران تعلیمات دراین باب بفرستد

باید که بشاه اظهار بشود که دولتین اهمیت زیاد به‌اوضاع تبریز میدهند ودولت ایرانرا مسؤل هرنوع خسارت وارده باتباع روس و انگلیس خواهند نمود باید بشاه فشار آورده شود که‌حکم انتخابات جدیده نموده مجلس مجدداً منعقد گردد ودرتبریز اعلانی عمومی شود که شاه قوانین اساسی را نگاه خواهد داشت

شما خوب است که ازدولت روسیه دراینخصوص درخواست جواب فوری نمائید

نمره ۲۳۲

تلگراف سرنیکلسن بسرادواردگری مورخه ۴ سپتامبر ازپطرزبورغ

راجع بتلگراف ۱۲ اینماه شما

کفیل وزارت امور خارجه بسفیر روسیه درطهران تلگراف نمود که باتفاق شارژدافر اعلیحضرتی مراسله برای شاه بفرستند و بعلاوه اخطاری از اهمیت اوضاع تبریز باو نموده شاه را دعوت نمایند که در تبریز تصمیم خود را در نگاه داری قوانین اساسی علنی نماید و شروع بانتخاب نموده مجلسرا در ۱۴ نوامبر بازنماید

نمره ۲۳۳

تلگراف مسترمارلینك بسرادواردگری مورخه ٤ سپتامبر از وزارت خارجه لندن

خواهش میکنم که بتلگراف امروز پطرزبورغ مراجعه نمائید نظر بتلگراف فوق شما مجاز هستید که باتفاق مسیو هارتویك مراسلهٔ باعلیحضرت شاه بفرستید اقدام مذکوررا هرچه زودتر ممکن میشود بعمل آرید

نمره ۲۳٤

تلگراف سرادواردگری بمسترمارلینك مورخه ٥ سپتامبر از وزارت خارجه لندن

راجع بمراسله غره ماه اوت شما

دولت اعلیحضرتی حاضر است بمحض اینکه مسیوبیزو موقع را مناسب بداند پیشنهادیکه در ۱۹۰٦ شده بود بموقع اجرا بگذارد باینمعنی که برتانیه عظمی وروسیه مبلغ ۴۰۰۰۰۰ لیره بدولت ایران برسم مساعده خواهند پرداخت ولیکن پرداخت این قرضه منوط بشروط ذیل خواهد بود

(۱) این قرضه برای قلع وقمع مشروطیت بکار برده‌نشود بلکه طوری مصرف بشود که در واقع کمکی برای مشروطیت باشد اینمقصود ممکن است باین ترتیب بعمل آید که زمان قلیلی معین گردیده شرط بشود که تاآنوقت یامجلس باید قرضه را تصویب نماید و یا اینکه اصل وجه از طرف دولت ایران بدولتین مسترد گردد

(۲) ضمانت مناسبی برای مصارف این قرضه باید داده شود

دولت اعلیحضرتی ترجیح میدهد که قرضه لازم نشود و پیش از اینکه قبول نماید باید که بادقت تمام شرح شرایطی نماید که مقصود مذکور فوق بعمل آید

مطالب فوق فقط برای اطلاع شما است

نمره ۲۳۵

تلگراف مسترمارلینك بسرادواردگری مورخه ٦ سپتامبر ازطهران

راجع بتلگراف ۴ اینماه شما

سفیر روس و من خیال داریم که ترجمهٔ ایرانی مراسله را بشکل یادداشتی برای شاه ارسال داریم چونکه آن اعلیحضرت سه‌چهار روز است بواسطه تب ناخوش شده‌اند

ترجمانهای ما درروز سه شنبه یاد داشت مذکور را باردوی شاه خواهند برد و درصورتی که شاه نتواند آنهارا بپذیرد قرار داده خواهد شد که وزیر امور خارجه آنجا حاضر باشد که یادداشت را باو ارائه بدهند

نمره ۲۳٦

تلگراف سرادواردگری بمستر مارلینك مورخه ۷ سپتامبر از وزارت خارجه لندن

من ترتیب را که شما در تلگراف دیروز خود در خصوص مکاتبه متحد المآل راجع باوضاع داخلی ایران پیشنهاد نموده بودید تصویب مینمایم

نمره ۲۳۷

تلگراف مسترمارلینگ بسر ادواردگری مورخه ۸ سبتامبر از طهران

راجع بتلگراف ٦ اینماه من

شاه بواسطه کسالت عارضه نتوانستندکه امروز صبح‌ترجمانها را بپذیرند بابنجهة مراسله متحدالمآلی بوزیر امور خارجه دراردوگاه شاه داده شدکه تسلیم آن اعلیحضرت نماید

نمره ۲۳۸

مراسله سرنیکلسن بسر ادواردگری مورخه‌غره‌سبتامبر ازبطرزبورغ

آقا   افتخار دارم که سوادی از مراسله متحد المآلی را دولت روسیه پیشنهاد مینمایند نمایندگان روس و انگلیس در طهران بشاه ارسال دادند انفاد دارم

مسیو چریکف بمن اظهار نمودکه چند روز قبل شاه‌بمسیو هارتویك اطلاع داده است که قوانینی برای انتخابات جدید بهمین زودیها منتشر خواهد گردید این اظهار شاه موقع مناسبی را بدست دولتین میدهد که باو بفهمانند که بهتر آنست اعلیحضرت شاه بکلیه قول خود رفتار نموده و مجلس را باز نماید و بگمان ایشان بهتر آن است‌که منتظر ورود سربارگلی نشده ترتیب و موقع فرستادن مراسله مذکور بمسیو هارتویك و مستر مارلینگ واگذار بشود

من بمسیو چریکف گفتم‌که مضمون مراسله را بشما تلگراف نموده و ایشانرا از عقیده شما مستحضر خواهم نمود

(امضا)   نیکلسن

سواد مراسله متحد المآلی است که نمایندگان انگلیس وروس

در طهران بشاه تسلیم خواهند نمود (در ۳۱ ماه اوت ۱۹۰۸ از طرف مسیو چریکف برای سرنیکلسن ارسال گردیده است

چون اعلیحضرت شاه قصد خود را آشکار نموده اند که بهمین زودی قوانین‌جدید انتخابات راکه بهمین نزدیکی بعمل‌خواهد آمد انتشار دهند سفیر روس (شارژدافر انگلیس) بر وفق تعلیمات دولت متبوعه‌خود بدون اینکه مایل بدخالت درامور داخله ایران‌باشیم نظر بمصالح آزادی مملکت و تجارت وآسایش عمومی خیلی‌مطلوب و بموقع خواهد بود که اعلیحضرت شاه اعلان نمایندکه تصمیم‌خود راجع باستقرار این اساس‌که بمملکت خود داده تغییر ناپذیر بوده و مجلسیکه فعلا در صدد انتخاب اعضای آن‌هستند روز غره ماه نوامبر (۱۴) امسال انعقاد خواهد یافت

نمره ۲۳۹

مراسله سرنیکلسن بسر ادواردگری مورخه ۴ سپتامبر ازسن‌بطرزبورغ

آقا   من مضمون تلگراف ۲ ماه جاری شمارا برای مسیو چریکف ارسال داشته اینك افتخار دارم جوابی‌که از ایشان برای‌من رسیده لفا ارسال دارم   (امضا)   نیکلسن

ملفوفه در نمره ۲۳۹

مراسله مسیو چریکف   بسرنیکلسن

جناب سفیرکبیر در جواب مراسله امروز شما تعجیل نموده شما را مطلع میسازم که بر وفق نظریات دولت انگلیس من اکنون بتوسط تلگراف از مسیو هارتویك خواهش نموده که باتفاق مسترمارلینك مراسله مقرره راجع بافتتاح مجلسرا برای شاه ارسال دارند

بتوسط همین تلکراف بسفیر خود در طهران دستور العمل
فرستاده شده که باتفاق مستر مارلینك عبارت ذیل‌را بمراسله مذکور
اضافه نمایند   دولتین روس و انگلیس اهمیت فوق العاده
باوضاع تبریز داده و دولت ایران را مسئول هر نوع خسارت
وارده براتباع روس و انگلیس خواهند شناخت برای آرام نمودن
اهالی شهر مذکور از شاه دعوت میشود که اعلانی در تبریز منتشر
نموده مبنی براینکه مقصود آن اعلیحضرت این است که از قوانین
اساسی نگاهداری‌شده انتخاباب شروع شود ودر ۱۴ ماه نوامبر مجلس
را باز خواهد نمود

(امضا) چریکف

نمره ۲۴۰

تلگراف مستر مارلینك بسرادواردگری مورخه ۱۹ سپتامبر از طهران

راجع به تلگراف ۸ اینماه من

مراسله متحد المآل روس و انگلیس بشاه

دیشب وزیر امور خارجه جواب شاه را برای من فرستاد
مضمون آن از قرار ذیل است

من مشغول اقدامات برای تشکیل مجلس هستم که موافق
مقتضیات مملکتی و مذهبی بوده وشکلی نباشدکه مجدداً باعث انقلابات
گردد و باین ترتیب من بقول خود رفتار خواهم نمود

من امیدوارم که بتوانم اعلانی برای انعقاد مجلس در روزیرا
که دولتین در مراسلهٔ خود ذکر نموده بودند صادر نمایم ولی تازمانی
که نظم درتبریز برقرار نگردد تااینکه دولت ایران بتواند بطورراحت
بعضی ترتیبات لازمه را بدهد مجلس باز نخواهد شد

مسیو هارتویك بمن اطلاع میدهد که مذاکرات در تبریز
در جریان است وجنك متروك شده خبر تازه برای خود من هنوز
نرسیده است نظر باینکه باوجود نصیحت دولتین بشاه که رفتار
خود را نسبت به تبریز مصلحانه نماید آن اعلیحضرت باز هم اجازه
باکراد ماکو داده است که حمله بشهر بیاورند   جواب شاه بنظر
من مخصوصا بطور دلخواه نیست بعلاوه آن اعلیحضرت بهیچوجه
اطمینان نمیدهد که قوانین اساسی را نگاه خواهد داشت

نمره ۲۴۱

تلگراف مسترمارلینك بسرادواردگری مورخه ۲۱ سپتامبر ازطهران

راجع بتلگراف ۱۹ اینماه من

شاه و مشروطیت

مسیو هارتویك بمن اطلاع میدهد که بعقیده ایشان جواب
شاه نامساعد بوده ویك اخطار سختی به آن اعلیحضرت خواهدنمود
وبعلاوه نصیحت بایشان خواهد کرد که خوب است فوراً دستخط
قانون انتخابات‌را منتشر نمایند   من نظر به آثار وعلائم نارضایتی
عامه که روز افزون است   دراین مسئله بامسیو هارتویك همرأی‌شدم
که اصلح آنست شاه این کار را بکند مشروط براینکه این اقدام
باعث تعویق انعقاد مجلس برای مدت غیر معینی بشود

نمره ۲۴۲

تلگراف سرادواردگری بسرنیکلسن مورخه ۲۱ سپتامبر از
وزارت خارجه لندن

شاه و مشروطیت   خواهش می کنم که رجوع بتلگراف

۱۹ اینماه از طهران بنمائید

بعقیده من جواب شاه ابداً بطور دلخواه نیست ابداً ذکری در آن جواب نشده است که نگاه داری از قوانین اساسی خواهد شد شما خوب است که اطلاع حاصل نمائید که چه اقدامات دیگری دولت روسیه برای رسیدن بمقصود مطلوبه حاضر است بنماید

نمره ۲۴۳

تلگراف سر نیکلسن بسر ادوارد گری مورخه ۲۲ سپتامبر از پطرزبورغ

راجع بتلگراف دیروز شما

مشروطیت ایران

کفیل وزارت امور خارجه بمن اطلاع میدهد که سفیر روس در طهران بعلاوه جواب کتبی شاه اطمینانات شفاهی باو داده است که بطوریکه نمایندگان روس وانگلیس باو نصیحت نموده‌اند او بقول خود رفتار خواهد نمود

مسیو چریکف گمان میکند که شاه محض حفظ شئونات خود و همچنین محض اینکه مردم تصور نکنند که او به نصیحت و فشار خارجه تسلیم شده است ترجیح داده است که اطمینانات خود را شفاها اظهار نموده نوشته ندهد

ایشان (چریکف) پیشنهاد مینماید که باینجهة خوب است ما چند روزی باو (شاه) مهلت بدهیم اگر باطمینانات شفاهی خود عمل ننمود آنوقت فشار دیگری خواهیم آورد

نمره ۲۴۴

تلگراف مستر مارلینگ بسر ادوارد گری مورخه ۲۳ سپتامبر از طهران

شاه ومشروطیت

شاه بمسیو هارتویك نیمه قولی داده است که فوراً اعلانی صادر خواهد گردید که در ۲۷ ماه اکتبر انتخابات شروع شده و در (۱۴) نوامبر مجلس منعقد گردد

وزیر امور خارجه که امروز برای ملاقات من آمده بود بهمین نحو بمن اظهار نموده و سؤال نمود که آیا این پیشنهاد را من تصویب وهمراهی مینمایم یاخیر

وزیر امور خارجه بمن اظهار نمود که شاه مایل بملاقات من است باینجهة قرار ملاقات آن اعلیحضرت بفردا گذارده شد

نمره ۲۴۵

تلگراف سر ادوارد گری بسر نیکلسن مورخه ۳۲ سپتامبر از وزارت خارجه لندن

راجع بتلگراف دیروز شما

شاه ومشروطیت

ما به پیشنهاد درتعویق انداختن اقدامات موافق هستیم

نمره ۲۴٦

تلگراف مستر مارلینك بسر ادوارد گری مورخه ۲٤ سپتامبر از طهران

شاه ومشروطیت

راجع بتلگراف دیروز من

ملاقات امروز صبح من باشاه خیلی دوستانه بود اعلیحضرت شاه خیلی اظهار میل برای اصلاحات در امور و مخصوصا در مالیه نمودند آن اعلیحضرت بمن قول داد که اعلان قانون انتخابات

جدید امروز بطبع خواهد رسید

نمره ۲۴۷

تلگراف مسترمارلینك بسرادواردگری مورخه ۲۵ سپتامبر ازطهران

اوضاع در تبریز

فرمانفرمای آذربایجان ۴۸ ساعت برولوسیونرهای شهر مهلت داد که اگر بعد از آن تسلیم نشوند شهر را بمبارده خواهد نمود اینمدت مهلت در موقع طلوع آفتاب در روز ۲۴ اینماه منقضی گردید سپس در عصر آنروز بمباردمان شهر شروع گردید

من یادداشتی بدولت ایران فرستاده مشعر براینکه در صورتی که خسارتی باتباع انگلیس وارد شود دولت مسؤل آن خواهد بود

نمره ۲٤۸

تلگراف مسترمارلینك بسرادواردگری مورخه ۲٦ سپتامبر ازطهران

ویس قونسول تبریز راپورت میدهد که دولتیان دیروز با ۵ عراده توپ نقاط ملتیانرا بمبارده نموده کلیه سوارهای ماکوئی هم در این حملات شرکت داشته ملّتیان نقاط خود را نگاه داشته و با ۴ عراده توپ بشدت جواب آتش دولتیانرا دادند

نمره ۲٤۹

مراسله مسترمارلینك بسرادواردگری مورخه ۱۰ سپتامبر از قلهك

آقا افتخار دارم که مجملی از حوادث ماهیانه از ۳۰ ماه اوت لغایت ۱۰ سپتامبر ۱۹۰۸ بطور معمول انفاد دارم

(امضا) چالزمارلینك

ملفوفه در نمره ۲۴۹

حوادث ماهیانه

اصفهان

در روز آخر ماه ژوییه دو پست را در راه شیراز سرقت نمودند سارقین راههای کرمان به یزد و اصفهان را مسدود نموده وعبور ومرور پست بمهده تعویق می افتد

در ۳۰ ماه ژوییه دزدان به نایب‌الحکومه کرمان دربین راه حمله نموده واورا غارت کردند چونکه جمعیتی ازایرانیان مزاحم ودخالت بکارهای معلمین مدرسه دعاوین مینمودند دکتر اکتور چهار نفر از مستحفظین قونسولخانه بمدرسه فرستاده رفع زحمت آنها را نمودند

هرچند که اخبار مشروطیت در عثمانی و تلگرافات علمای نجف وکربلا در تقویت مشروطیین ایران علمای اینجا را ترغیب نموده که بکارهای نایب الحکومه قدری دخالت نمایند ولی ضدیت جدی به اوضاع کنونی هویدا نیست

یزد

حکومت مالیات جدیدیکه در دوماه قبل باعث هیجان شده بود جمع آوری مینماید بقوه قهریه از مخالفت مردم جلوگیری‌شده و سربازهای حکومت چندین نفر از اشخاصی را که میخواستند برعلیه مالیات مذکور تحصن اختیار نمایند کتك سختی زدند

کرمان

در بعضی از نقاط ایالت کرمان از قبیل روبار و جیروفت و رودبار هیجانی برای مشروطیت ظاهر شده است قشون برای جلوگیری فرستاده شده است

شیراز

پس از حرکت ظل السلطان شهر شیراز و ایالت فارس فوراً بحال انقلاب عودت نموده سرقت پست مکرر میشود وازقرار معلوم ایلات بهیچوجه اطاعت از کسی ندارند

خلیج فارس بوشهر

پس از مراجعت ظل السلطان اغتشاش در فارس شروع‌شده در بین راه شیراز مابین رؤسای کنار تخت وکمارج و همچنین مابین رؤسای کمارج و کازرون جنگ در گرفته است

حکومت سربازهای قدیم را که سابقا در بوشهر و سایربنادر فارس ساخلو بودند خارج نموده و در عوض آنها چریك محلی جمع نموده است

بندر عباس

اقتدار نظام بنایب الحکومگی منصوب گردیده است و در ۲۸ ماه ژویه مشغول کار خود گردید

محمره

سیف الدوله بحکومت عربستان معین گردیده است

اهالی هویزه اسباب زحمت شده‌اند سردار ارفع خیال دارد که در پائیز آینده سرکوبی کاملی از آنها بنماید

مابین اهواز و رامهرمز کاروان کمپانی لنچ را که‌اغلب اموال خوانین بختیاری بوده بسرقت برده شد

نمره ۲۵۰

مکتوب مسترمارلینك بسرادواردگری . — (واصله ۲۸ سپتامبر)

قلهك ۱۰ سپتامبر ۱۹۰۸ — آقا تلگراف چهارم سپتامبر شما حاوی تعلیمات اینکه سفیر روس ومن بلاتأخیر متفقا بشاه‌پیشنهاد نموده از آن اعلیحضرت درخواست نمائیم‌که پارلمان جدید را برای غره ماه (۱۴) نوامبر مفتوح نماید و باو اصرار نمائیم که نظر به مصالح امنیت عمومی خوب‌است قصد افتتاح آنرا باهالی تبریز اعلام نماید امروز صبح پنجم شهر جاری واصل‌گردید چون این تلگراف روز شنبه رسید و در این روز مسیو دوهارتویك همیشه مخصوصا مشغول حرکت دادن [illegible] هفتگی خود میباشد من‌باین قناعت‌کردم که آنروز بعد ازظهر اورا از مضمون تعلیمات شما مستحضر داشته و فردا صبح آنروز اورا ملاقات کرده طریق پیشنهاد کردن مقصود خود را با او مذاکره نمایم

مسیو هارتویك اظهار داشت تصوّر میکنم مقصود این باشد که این پیشنهاد را باید کتبا توسط وزیر امور خارجه نمود من در

جواب اظهار داشتم آنطوریکه بر من مفهوم است این پیشنهاد باید مستقیما بشاه بشود و تصوّر میکنم مابايد درخواست شرفيابی حضور اعلیحضرت را بنمائیم سفیر مزبور مرا متذکر نمود که چون‌شاه بعلّت تب چند روزی است از اندرون بیرون نیامدماند خیلی احتمال میرود که آن اعلیحضرت نتواند مارا حضور دهد و شاید بهتر آن باشد که منشیهای السنه شرقی سفارتین را بباغ شاه فرستاده مراسله مارا در اینخصوص باو برسانند من اینرا قبول کردم چراکه ظاهراً سهل بودکه بعلّت عدم صحت مزاج شاه شرفیابی ما بتأخیر انداخته شود بنا براین اینطور قرار شد که مکتوب مزبور را بفارسی‌ترجمه نموده و سواد آنرا مسیو دوهارتویك ومن امضاکرده وتوسط مسیو بارانوسکی و مستر چرچیل صبح روز هشتم شهر جاری بشاه تقدیم نمائیم و در صورتیکه آن اعلیحضرت نتواند آنها را حضور دهد از علاء السلطنه استدعا شود که آنجا حضور پیدا کرده نوشته مزبور را باو بسپارند که بشاه رسانیده شود

غروب هفتم شهر جاری یاد داشتی از وزیر امور خارجه برای من رسید باینمضمون که بواسطه کسالت شاه نتوانسته است از مترجمین مذکور پذیرائی نماید و مستر چرچیل و مسیو بارانوسکی بورود خود بباغ شاه یادداشتهای متحد المآل را بوزیر امور خارجه داده اند که بان اعلیحضرت تقدیم نماید

سواد مراسله مذکور در جوف است

(امضاء) چارلز مارلینك

ملفوف نمره ۲۵۰

یادداشت متحد المال که توسط منشیهای السنه شرقی انگلیس وروس بشاه تقدیم شده در تاریخ ۸ سپتامبر ۱۹۰۸

چون اعلیحضرت شاه قصد خود را آشکار نموده اند که بهمین زودی قوانین جدید انتخابات را که بهمین نزدیکی بعمل خواهد آمد انتشار دهند شارژدافر انگلیس بروفق تعلیمات دولت متبوعه خود وبدون اینکه بهیچوجه مایل بدخالت در امور داخله ایران باشیم افتخار دارد باینکه خاطر نشان نماید که نظر بمصالح آرامی مملکت و تجارت وآسایش عمومی خیلی مطلوب و بموقع خواهد بود که اعلیحضرت شاه اعلان نمایند که تصمیم خود راجع باستقرار مشروطیتی که بمملکت خود داده تغییر ناپذیر بوده ومجلسی که فعلا در صدد انتخاب اعضای آن هستند روز غره ماه نوامبر (۱۴) امسال انعقاد خواهد یافت (مطابق ۱۹ شوال) شارژدافر اعلیحضرتی بعلاوه تعلیم دارد که جلب دقت جدی آن اعلیحضرترا باهمیت موقع تبریز نموده وآن اعلیحضرت را متنبه سازد که مسؤلیت تامین تبعه انگلیس مقیم آن شهر بر عهده دولت ایران خواهد بود نظر باین جهات او صلاح میداند که آن اعلیحضرت قصد خود را در شروع بانتخابات جدیده و افتتاح پارلمان در غره ماه نوامبر (۱۴) به تبریز مخابره کرده عموم اهالی را از آن مستحضر دارد

(امضاء) چارلزمارلینك

نمره ۲۵۱

مکتوب مسترمارلینك بسر ادواردگری . — (واصله ۲۸ سپتامبر)

قلهك ۱۰ سپتامبر ۱۹۰۸ ـ آقا در تعقیب مراسله ۱۳ ماه گذشته خود افتخارا راپورت میدهیم که پس ازجنك سختی که در ۷ ماه‌اوت ودوروز متعاقب آن درتبریز بوقوع پیوست مخاصمات آشکار تا روز ششم شهر جاری از نو شروع نشد

اگر چه در مخالفت دستهٔ ملّیین بر ضد هیئت حکومت نقصانی روی نداده ومساعی تجار معتبر شهر وفرمانفرمای آذربایجان و اخیراً ویس قونسول اعلیحضرتی برای رفع اشکالات موقع بطور مسالمت بی ثمر و بی نتیجه ماند

روز ۱۵ اوت هیئتی از طرف فرمانفرما بقصد رسیدگی باوضاع امور وراپورت دادن آن بفرمانفرما به تبریز وارد گردیدند خود فرمانفرما هم باتفاق سپهسالار قشونی روز ۲۰ شهر ماضی بانجا ورود نمودنـد

در ۲۳ شهر گذشته انجمن محلّی عریضه به آنجناب تقدیم نموده تقاضای خـود را عرضه داشتند مختصر تقاضاهای آنها ازاین قرار بود که تازمانیکه شاه مشروطیت را برقرار دارد آنها خودرا رعایای فرمانبردار شاه خواهند داشت ولی تاپارلمان مفتوح نگردیده واعضای آنرا باز نخواهند از خـود خلع اسلحـه نخواهند نمود دیگر آنکهٔ سرکردگان طرفداران شاه که دریك نقطه شهر مسکون میباشند باید دستگیر شده وپس از محاکمه مجازات شوند و امـور یالت آذربایجان درتحت نظـارت انجمن محلی تبریز باشد تاآنکه مجلس افتتاح شود آنجناب وعده فرمودند که این تقاضا هـارا به‌استحضار شاه برسانند

در اواخر ماه چون از اولیاء امور طهران جوابی نرسید نقار بین طرفین بطور محسوس کسب شدت نموده وملّیین ازاستماع هرگونه شرایط صلح امتناع ورزیدند مگر آنکه مشروطیت ضمانت شده و امر بانتخابات داده شود و پارلمان منعقد گردد عده قشون ملّیین در اینموقع بده هزار نفر میرسید و مساعی بعمل میامد که‌از رولوسیونرهای ارامنـه هم جزو قشون بشوند انجمن محلّی کمیته تشکیل داد که از تمام مسیحیان برای مصارف مداومت دادن این زد و خورد وجوهات بطور مساعـدت وصول نمایند و بویس قونسول اعلیحضرتی اعلام‌شد که‌چون رولوسیونرها تصمیم نموده بودندبواسطه قتل یکنفر اجنبی یا یکی از مسیحیان دول خارجه‌را مجبوربمداخله نمایند از منازل خود تنها بخارج نروند یقین اینمسئله‌که آیا درواقع آنها قصد انجام این تهدید را داشتند اشکال دارد ولی کمی میتوان شك‌داشت ازاینکه هیجان اهالی شهر دراینموقع بسیار کسب شدت نموده و ممکن بود که جان اروپائیان و مسیحیان در هر دقیقه در معرض خطر باشد

روز دوم‌شهر جاری ویس‌قونسول اعلیحضرتی بنابرخواهش تجار معتبر شهر اقلیت تقاضاهای آنها را بفرمانفرما عرضه داشته واو اگر چه بسیار مشتاق اعاده نظم بود از قبول تقاضاهای آنها سر باز زد مگر آنکه وثیقـه باو داده شود که اهالی اسلحه های خود را بزمین گذارده و اقلا بعضی از شرایط او را قبول نمایند و اظهار میل نمود باینکه رؤسای آنها را ملاقات نماید و شفاها امنیت جانی کلیه اشخاصی را که نزد او میرفتند درحضور مستر استوتز ضمانت

نمود و بعلاوه مستر استوتزرا دعوت کردکه در صورتیکه بخواهند بهمراهی آنها نزد او بیاید

تجار از رفتن بملاقات فرمانفرما بیمیل بودند واز احساسات متغیرانه اهالی در بیم ولی راضی شدند که آنحضرت اشرف رادر محل بیطرفی ملاقات نمایند

مستر استوتز بترتیب چنین ملاقاتی باین شرایط موفق گردید و اینطور تصمیم شدکه هیئتی ازطرف اهالی برای مذاکرات بملاقات فرمانفرما بروند در عرض مدت این مذاکرات و قرار مدارها رولوسیونرها از هر قسم اعمال شورش کارانه احتراز نمودند ولی در عصر پنجم‌ماه بعضی ازسواران دولتی داخل کاروانسرای بزرگی شده و دکاکین تجاری که در محلّه ملّیین سکونت داشتند غارت نمودند این اقدام از طرف قشون دولتی طبعا در میان رولوسیونرها تهیج خشم بی اندازه نموده و دلیل عدم امکان اعتماد برحسن نیت مأمورین محلّی تصوّر گردید علیهذا جنك در هفتم ماه شروع شد

(امضاء) چارلزمارلینك

نمره ۲٥۲

مکتوب مسترمارلینك بسرادواردگری . ـ (واصله ۲۸ سبتامبر)

قلهك ۱۰ سبتامبر ۱۹۰۸ ـ آقا افتخاراً رایورت میدهم که‌از چندی باینطرف چندین‌نفر درقونسولخانه اعلیحضرتی درشیراز پناهنده شده اند این اشخاص که اول آنها حسین پسر نایب الصدر برادر زاده حاجی علی آقا رئیس انجمن اسلامیه شیراز باشد که در ۲۲ ژوبت بقونسولخانه پناهنده شد بواسطه اقدامیکه سردار فیروز

نایب الحکومه که تاورود آصف الدوله فرمانفرما کفالت امورایالت بعهده او مفوض است در مورداو نمود ناچار به بست اختیار نمودن شده‌اند میرزا کاظم خان برادر معتمد دیوان مرحوم کمی پس از حسین وارد آنجا شد این اشخاص اظهار داشتند که باوجود اعلان عفو عمومی که شاه در مورد تمام مجرمین پلتیکی صادر نموده میترسیدند سردار فیروز اقدامی برعلیه آنها بنماید و کاظم خان پس از آنکه نایب الحکومه باو وعده داد که در صورت تأدیه یکهزارو هفتصد تومان برسم رشوه و چند اسب که قیمت آن معادل دوهزار تومان بشود سپس بدست سواران قوام سپرده‌شدکه‌از شیراز تبعیدش نمایند و از دست سواران مذکور گریخته خود را بقونسولخانه انداخته است

پناهندگان دیگر هم در عرض ماه آگست ورود نمودند ولی بعضی از آنها که پسر نایب الصدر هم جزو آنها بود راغب بخروج شدند

امر کاظم خان بیش از همه سخت بود برای آنکه درمدت توقف او در قونسولخانه بر حسب امر نایب الحکومه خانه اوراغارت نموده اموال او را چپاول نمودند

نظر بوظع عدم امنیت فعلی تمام ایالت وعدم کلی اطمینان بر تضمینات نایب الحکومه امکان ندارد طوری نمود که کاظم خان بمأمورین محلّی اطمینان کند و حالا میخواهد از راه بوشهر ازایران خارج شود و از اینجا تا آنمحل را بهمراهی مجر کاکس که بانجا مراجعت خواهد کرد میرود

واضح است که تا زمانیکه نایب الحکومه که شخص وحشی بد اخلاقی است در شیراز متوقف است هیچ موقعی را از دست نخواهد داد که بواسطه تهدید و غارت اشخاصی که از روی دلیل تصوّر میکنند عقاید بلتیکی آنها ممکن است ایشانرا در خطر اندازد کیسه خود را پر نمایند

من مکرراً دولت ایرانرا از وخامت تاثیرات حضور چنین مأمور غیر محتاط بی کفایت مثل سردار فیروز که این صفات مذمومه را در مدت کفالت امور این ایالت بثبوت رسانیده مستحضر داشته و بطور سخت اصرار نموده ام که او را معزول نموده و آصف‌الدوله حتی الامکان بلا تأخیر بمقر خود فرستاده شود باوجود اطمینانات وزیر امور خارجه آصف‌الدوله اگر چه برای شیراز حرکت کرده و در راه است هنوز بمقر خود ورود ننموده است

(امضا) چارلزمارلینك

نمره ۲۵۳

مکتوب مسترمارلینگ بسر ادواردگری . ـ (واصله ۲۸ سبتامبر)

قلهك ۱۰ سبتامبر ۱۹۰۸ ـ آقا افتخاراً وصول تلگراف پنجم شهر جاری شما را اطلاع میدهم که در آن شما لطفا مرا اطلاع داده بودید که دولت اعلیحضرتی بچه ترتیب و در تحت چه نوع شرایط (چنانچه در سال ۱۹۰۶ در مد نظر گرفته بودند) مایل خواهند بود که با دولت روس متفقا معادل چهارصد هزار لیرا بطور مساعده بدولت ایران بدهند

میترسم خیلی کم احتمال برود که وضعیت مستشارمالیه اقتضا

نماید که درهمین نزدیکی چنین مساعدهٔ را تصویب کند

قریب دو ماه قبل هنگامیکه در باب امکان حصول مساعده از دولت بریطانیای عظمی وروسیه مذاکره در میان بود ناصحین شاه که خیال بدست آوردن مبلغ معتنا به در اذهانشان قوت گرفته بود حاضر بودند وعده دهند که هرگونه شرایطی که مقرر شود معمول دارند باین عقیده که هروقت بخواهند میتوانند آن شرایطرا رد نمایند وحتی وانمود کردند که میخواهند اصلاحاتی را که مسیو بیزو پیشنهاد نموده بود بانجام رسانند و باینمقصود کمیتهٔ را که او مایل بود برای نظارت وزارت مالیه ایجاد نماید تعیین نموده چندین جلسه هم برای مذاکرات نشسته واوامر صادر شد ـ اگرچه اجرا نگردید ـ که هریك از ادارات بودجه مصارف سالیانه خودرا تهیه نموده وعرضه دارد ولی بهیچوجه من‌الوجوه قصد اینرا نداشتند که دستشان از خزانه کوتاه شود و علیهذا باقدام آخری برای تعیین خزانه داری که مستقیما در تحت امر وکنترل وزیر مالیه باشد فعلیت داده نشد وبرعکس خزانه دار جدیدی که ناصرالسلطنه بداخلاق مشهور باشد تعیین گردید و از زمان تعیین او اتلاف و دزدی وتقلب دروجوهات دولتی که بدست او میرسد باسهولت‌روز افزون در کار است مسیو بیزو که در ابتدای امر اعمال ریاکارانه دولت اورا تشویق بامید انجام رفورم نمود الحال بکلی ازامید اینکه بتواند در تحت اوضاع موجوده کاری صورت بدهد مایوس است در غره شهر جاری بحضور شاه مشرف گردیده ومقصودش از این ملاقات این بود که بان اعلیحضرت بنمایاند بچه نحو درعایدات مملکت

تقلّب و اتلاف میشود ولی شاه بطور سرد اورا پذیرائی نموده ودر حق او اظهار ملاطفت ننموده واو هم انجام مقصود خودرا بی‌فایده تصور نمود

گمان میکنم مسیو بیزو اشکالی نخواهد داشت در اینکه صورت وجوهاتی را که لزوما باید از خزانه دریافت شود ارائه نماید از قبیل حقوق عقب افتاده نمایندگان دیپلوماسی و قونسولات ایران مقیم ممالك خارجه ومامورین وزارت خارجه ولی تصور می کنم تازمانیکه هیئت حالیه در تحت امیر بهادر جنك بر سر کار بوده دارای اقتدار میباشند خوب است ما حتی از این معاونت هم امتناع ورزیم چرا که در صورتیکه از این راه همراهی کنیم در وجوهات جزوی که امروزه برای مصارف لازمه دولتی کنارگذارده شده تقلّب خواهد شد در تحت این اوضاع گمان میکنم مقتضای منافع حقیقی ایران این خواهد بود که ما از هرگونه کمك مالی به آن دولت امتناع ورزیم تازمانیکه احتمال جلب پول از داخلهٔ مملکت میرود غارتگران اطراف شاه باهرگونه رفورمی مقاومت خواهند نمود ـ حالا خواه آن رفورم یکی از شروط قرضهٔ باشد یاآنکه توسط مجلس باشد ـــ وبنظر من هیچ راهی برای مایوس نمودن آنها تصور نمیشود مگر آنکه ابواب هرگونه منابع عایداتیرا که میتوانند غارت نمایند برروی آنها مسدود گردد

اما درباب دو شرایطی که در تلگراف خود شرح داده بودید از قراین چنان ظاهر میگردد که شاه قبل از آنکه مستشار مالیه بتواند توصیه اخذ مساعده نماید مجبور بافتتاح پارلمان خواهد

گردید و تصور میکنم که هرگاه در موقع مذاکره دریافت این مساعده مجلس منعقد باشد دولت اعلیحضرتی انعقاد مجلسرا ضمانت کافی خواهد بود که وجوهات این قرضه برای قلع وقمع مشروطیت صرف نخواهد شد وهمیشه امکان حدوث اینمسئله را باید درمد نظر داشت که ممکن است مجلس جدید ازطرف شاه چنان بدقت انتخاب گردیده یاآنکه مؤثراً تخویف شده باشد که حتی از حیات خود هم نتواند دفاع نماید

از شرط دیگر که وثیقه های بقاعده دیگررا برای کنترل مصرف پول مستلزم میدارد ممکن است برای توسعه اختیارات مستشار مالیه استفاده شود سفارتین وسایل مؤثری برای فعلیت دادن به کنترولی که بنا بود در مورد مساعده ۱۹۰۶ بعمل آید در دست ندارند ولی هرگاه بانها تعلیمات برسد که اصرار داشته باشند براینکه نظارت لازمه بمسیو بیزو واگذار شود درموقع ایشان یك نوع نفوذ واقتداری که فعلا معدوم است ایجاد خواهد شد

(امضا) چارلزمارلینك

نمره ۲٥٤

مکتوب مسترمارلینك بسرادواردگری . ـ (واصله ۲۸ سپتامبر)

قلهك ۱۰ سپتامبر ۱۹۰۸ ـــ آقا دراوضاع عمومی ایران چندان تغییر ظاهری در عرض ماه گذشته پیدا نشده که قابل ذکر باشد گرفتاریهای تبریز هنوز دوام دارد و ظاهراً امید زیادی نمیرود که ورود عین‌الدوله فرمانفرمای جدید بهمراهی قشون امدادی درتحت سپهدار حل آنرا سهلتر نموده باشد واگرچه در موقعی که

مذاکرات صلح در میان بود بقرار یکماه جنك موقوف بود مجددا در تاریخ ٦ شهر جاری بعلت یك اقدام بسیار بیموقع که توسط عساکر دولتی از روی عدم اعتماد بعمل آمد مخاصمات شروع گردید مرا عقیده براین است که اسکات هیجان ملی تبریز بقوه قهریه از قوه شاه خارج است اوضاع امور پایتخت کما فی السابق در نقاط مغشوش مملکت انعکاس یافته و طرق اطراف شیراز ومابین یزد واصفهانرا سارقین اشغال نموده اند و در کرمان یکی از یاغیان آنمحل موسوم برفعت نظام در فهرج که در یکطرف بیابان است علم طغیان برافراشته وباقدری اشکال منکوب گردید و همراهان طرفین نواحی اطرافرا الی بم غارت نموده خسارات وارد آوردند و مجر استوکس راپورت میدهد که یك دسته قوی سارقین ترکمن درجاجرم در شمال میاندشت که در عرض راه طهران الی مشهد واقع است بوده‌اند

از جهات دیگر اوضاع مملکت بطریق معمول است ولی غیر معلومی امورات در آینده باعث نقصان تجارت از راه بوشهر شده و بواسطه این نقصان در عایدات گمرکی هم تخفیفی حاصل شده است بغیر از تبریز در هیچیك از ایالات وولایات آثار هیجان در میان ملّیین هویدا نیست و از قراری که ظاهر است مملکت رویهمرفته مهمومانه باین اوضاع امور ساخته است واستحضار عموم ازابراز نفرت رؤسای روحانی شیعه مقیم نجف برعلیه کودتای شاه تاثیر بینی تاکنون ظاهر نساخته است

در طهران سکون و آرامی تام حکمفرما بوده و تفتیش

خانها واذیت وآزار جزئی که بمردم میشد واکنون قدری موقوف شده تااندازه باعث اعاده اطمینان گردیده است در بعضی جاها بعضی ازسرکردکان بی ترس ملّیین دوباره شروع بداشتن اجلاسات سری نموده وچند تن ازسران احزابی که در طهران باقی مانده‌اند گاه گاهی در خانه صنیع الدوله اجتماع مینمایند ولی شك می رود از اینکه در ضمن مذاکرات خود چندان بامور پلتیکی اهمیت داده شود چرا که شاه مخالف اجتماعات بود وکارگذاران او وقوع آنرا بدقت مواظب میباشند نظریات در خصوص تغییراتی که از قرار مذکور شاه میخواهد در قانون اساسی وقانون انتخابات بدهد بسیار است ولی بغیر از تشکیل یك شورای مملکتی که از اختیارات و کیفیات آن ظاهراً کسی هیچگونه اطلاع قطعی ندارد وچنانچه معلوم است آشکار گردیده همه چیز دیگر درپرده خفا مستور است مسیو دوهارتویك اظهار میدارد که قرار است مجلس سنا که برحسب قوانین اساسی تاسیس گردد مفتوح شود ولی علاء السلطنه که سفیر روس تصور میکند او بریاست آن انتخاب خواهد شد بمن اظهار میدارد که در اینباب اطلاعی نداشته وآگاه نیست که آیا در خصوص تغییر وتبدیل مواد قانون اساسی هم مذاکره جدی درمیان باشد شکی نیست نوت متحدالمالی که سفارتین انگلیس و روس در ٨ شهر جاری برای شاه فرستاده اثر خود را بخشیده وبهمین زودیها یك خبری در خصوص اینمسئله خواهد رسید وهنوز زود است در باب اثری که مراسله مزبور در اهالی پایتخت نموده چیزی گفته شود ولی امید است که بدانواسطه در حالت روحیه ملّیین بهبودی

حاصل گردیده ودر مسئله انتخابات اقدام خواهند کرد ولی هرگاه شاه از روی عقل عمل ننموده وبنصایح دولتین درباب افتتاح پارلمان اعتنائی ننماید محتمل نیست که ملّیین جرئت اقدامی دیگری مگر بستن بازارها بعنوان پروتست بنمایند

فهمیدن اینکه آیا در باغ شاه در حقیقت چه میگذرد یا آنکه چه قسم اشخاص در هر دقیقه نزد شاه دارای نفوذ تام میباشد سهل نیست ولی بنظر یقین میاید که امیر بهادر جنگ سپهسالار اعظم و وزیر جنگ در معنی ویکتاتور ایران است و در مجلس وزراکه هر روزه دریکی ازچادرهای باغ منعقد میشود رأی‌او در مذاکرات قطعی شناخته شده و او است که عقاید شخصی خود را بعرض شاه رسانیده و وانمود میکند که عقاید مذکور از همکاران اوست علاء السلطنه بمن اظهار داشت که هر زمان بخواهد شاه را ملاقات نماید سپهسالار هم آنجا حضور خواهد داشت ودر هر مسئله هرقدر هم از آن بی اطلاع باشد مذاکره نموده و رأی او برتری دارد رقیب بسیار مقتدر امیر بهادر عین الدوله است و یحتمل بواسطه نفوذ او بودکه عین‌الدوله برای مطیع ساختن رولوسیونرهای تبریز که ظاهراً کار یأس آمیزی بود تعیین گردید و عموم را عقیده بر این است که حتی حالاهم سعی میکند که فرمانفرما را بواسطه مخالفت با اقداماتیکه او برای اصلاح میکند بی‌اعتبار سازد

از قرار معلوم امیر بهادر دو مقصود در مد نظر دارداوّل آنکه شاه را بعدم افتتاح مجلس ترغیب نماید و ثانیا اینکه خود را متموّل سازد و برای تحصیل پول که اسما برای اداره امور دولت

بمصرف برسد بهر وسیله متمسك گشته اند ولی در واقع این پول برای پر کردن کیسه وزیر جنگ و رفقایش لازم است و برای انجام اینمقصود شروع بهر گونه اجحافات و اعطای حکومتهاوالقاب و اعمال دسیسه های مختلف که در شرق معمول است کرده و گمان نمیکنم اغراق باشد اگر بگویم که از ابتدای ماه ژویت قریب یکملیون و پانصد هزار تومان یا شاید زیادتر باینطریق دریافت شده است یحتمل زیادتر ازیك ثلث این وجوهات بشاه ویا آنکه بمصرف آنچیزی که اسمش را بمقاصد دولتی گذارده اند نمیرسد و بقیه در میان اجزاء خلوت تقسیم میشود و بااینحال بشاه میگویند که پول بدست نمی آید و باسم او اقدامات جدید میکنند که از هرنقطه که پیدا شود پول بدست آورند هردو بانکها از پرداخت مساعده بدولت بهر بهانهٔ که باشد امتناع میورزیدند

(امضا) چالزمارلینك

نمره ۲۵۵

تلگراف سر آرتر نیکلسن بسرادوارد گری . ـ (واصله ۲۸ سپتامبر)

سنت پطرزبورغ ۲۸ سپتامبر ۱۹۰۸ ـ مسیو چاریکف بمن اظهار میدارد که مواد نوشته حاوی اعلان رسمی شاه متضاد ومبهم وباالفاظ وعبارات خوش ظاهر آراسته گردیده است مثلا دریك قسمتی از آن مذکور است که در ۱۴ نوامبر یك قانون انتخابات جدید منتشر میشود ودر جای دیگر همانروز را برای افتتاح مجلس تعیین نموده اند

مسیو چاریکوف اظهار داشت که کاملا حاضر خواهد بود

در هر گونه اقدامی که دولت اعلیحضرتی بخواهند برای توضیح مواد اعلان مذکور بنمایند همراهی نماید

نمره ۲۵۶

تلگراف مسترمارلینگ بسرادوارد گری . ــ (واصله ۳۰ سپتامبر)

طهران ۳۰ سپتامبر ۱۹۰۸ ــ راجع بتلگراف ۲۸ شهرجاری که سرآرتر نیکلسن مخابره نموده بعقیده من تعیین موقع افتتاح مجلس وتاریخ انتخابات واجب است

نظر بورود سفیر اعلیحضرتی فردا من درارائه طریق قطعی در خصوص قانون انتخابات که مسوده نمودن آن اشکال زیاد دارد تردید دارم

نمره ۲۵۷

تلگراف سرجارج بارکلی بسرادوارد گری . ــ (واصله ۲ آکتوبر

طهران ۲ آکتوبر ۱۹۰۸ شاه ومشروطیت ــ راجع بتلگراف ۳۰ شهر ماضی مسترمارلینگ شاه دستخطی صادر نموده مفهوم آن مبهم است ولی ظاهراً اشاره شده است باینکه در مشروطیت سابق تغییرات داده خواهد شد پارلمانی روز ۱۴ نوامبر بایستی مفتوح گردد و قانون انتخابات باید روز ۲۷ شهر جاری برای اعلان باید حاضر باشد و نیز اشاره رفته است که مجلسین منعقد خواهند شد ولی تفصیل آن مذکور نگردیده است

تا زمانیکه انتظامات تبریز اعاده نشود انتخابات در آنجا بعمل نخواهد آمد

نمره ۲۵۸

تلگراف سرجارج بارکلی بسرادوارد گری . ــ (واصله ۹ آکتوبر)

طهران ۹ اکتوبر ۱۹۰۸ ــ دیروز کفیل جنرال قونسولگری تبریز راپرت داد که فرمانفرمای آذربایجان ازورود مایحتاج زندگانی بشهر جلوگیری نموده و ابواب دخول بشهر را تماما مسدود کرده است

نارضایتی عامه ومصیبت اهالی بسیار است ملیین پول ندارند و ممکن است بلا واهمه اقدامات خطرناك بنمایند مستر استوتز می ترسد که ازدحام بقونسولخانها ریخته ومزاحم اجنبیان شوند و نتایج وخیمه داشته باشد اوضاع بجای نازکی کشیده

مردم دستخط شاه را عموما آلت سخریه میپندارند وتاآن اندازه که بر من معلوم گردیده اقدام جدی برای ترتیب قانون انتخابات که درآن ذکر شده نشده است

من مجدداً وزیر امور خارجه را در باب جان و مال تبعه انگلیس مقیم تبریز متنبه نموده‌ام وامروز بعد ازظهر مسیودوهارتویك را ملاقات خواهم نمود

نمره ۲۵۹

تلگراف سرادوارد گری بسرلوتر

وزارت خارجه ۹ اکتوبر ۱۹۰۸ ــ اغتشاشات تبریز ــ اوضاع تبریز خیلی سخت است آیا در مراجعت جنرال قونسول به آنجا اعتراضی دارید ؟

نمره ٢٦٠

تلگراف سرجارج بارکلی بسرادواردگری . ـ (واصله ١٠ اکتوبر)

طهران ١٠ اکتوبر ١٩٠٨ ـــ اوضاع تبریز کفیل جنرال قونسولگری دیروز راپرت داد که در ساعت یك بعد ازظهر قشون ملی دریك موقع براردوی فرمانفرما وسوارهٔ ماکوئی که پل آجی‌را در تصرف خود داشت حمله نمودند وتاطلوع صبح شلیك توپ و تفنك دوام داشت در اردوی عین الدوله بهم خوردگی زیاد واقع گردید وجنك باسواره تاظهر طول کشید پس از آنکه سواره بکلی منهزم گردیده و مقامات خود را از دست دادند عساکر ملی پل آجی را دربد تصرف خود درآوردند

تلفات روبهم رفته بصدو پنجاه نفر میرسد

نمره ٢٦١

تلگراف سرلوتر بسرادواردگری . ـ (واصله ١٠ اکتوبر)

اسلامبول ١٠ اکتوبر ١٩٠٨ ـ راجع بتلگراف دیروز شما من تصور نمیکنم دلیلی برعدم مراجعت مستر راتیسلا به تبریز باشد

نمره ٢٦٢

تلگراف سرجارج بارکلی بسرادواردگری . ـ (واصله ١١ اکتوبر)

طهران ١١ اکتوبر ١٩٠٨ ـــ شاه و مشروطیت و اوضاع تبریز ـ مسیو دوهارتویك ومن درباب اوضاع حالیه مذاکره نموده‌ایم وقرار داده‌ایم که مذاکرهٔ شفاهی متحدالمالی درموقع ملاقات هفتگی روز چهارشنبه باوزیر امور خارجه بنمایم وازاو استدعا کنیم که مطالب مارا باعلیحضرت برساند مطلب متحدالمالی که میخواهیم باو

عنوان نمائیم ذیلا نگاشته میشود : ـ

چون ازدستخط اخیر تعبیرات اشتباهی شده خیلی مطلوب است که شاه نظر بمنافع خویش اخطار دیگری طبع و منتشر نموده بعموم اهالی نشان دهد که بهیچوجه من‌الوجوه قصد اینکه هیچیك از ایالات وولایات را از حقوقی که بانها اعطا نموده مستثنی دارد نداشته ولی امید واراست که آنهائیکه در تحت فرمان ستارخان بجنك مشغولند برای تسهیل استقرار حکومت مشروطه اسلحه خود را زمین خواهند گذارد

بعلاوه نظر بنزدیك شدن ٢٧ اکتوبر مفید خواهد بود که قوانین انتخابات که در دستخط مذکور گردیده بزودی زود طبع ومنتشر گردد محض آنکه انتخابات در تاریخی که تعیین شده بعمل آید (١٤ نوامبر)

واز آنجائیکه بسیاری از آنهائیکه تحت السلاح هستند از جان گذشته‌اند مطلوب خواهد بود که شاه قصد خود را اعلام نماید که آنهائیکه حالا جنك میکنند هرگاه تسلیم شوند معاف خواهند بود

نمره ٢٦٣

تلگراف سرجاج بارکلی بسرادواردگری . ـ (واصله ١٢ آکتوبر)

طهران ١٢ آکتوبر ١٩٠٨ ـ تبریز دسته چهارصد نفری قزاق از طهران بطرف تبریز حرکت کرده چهار عراده توپ هم با خود برند یکی یا بیشتر از صاحبمنصبان روس هم همراه این استعداد خواهند رفت

مسیو دوهارتویك مرا اطلاع میدهد که وظیفه صاحبمنصبان روس جلوگیری از غارت خواهد بود و تا آنکه مجادلات موقوف نشود به تبریز ورود نخواهند نمود

نمره ۲٦۴

تلگراف سرآرتر نیکلسن بسر ادواردگری . ـ (واصله ۱۳ آکتوبر)

سنت پطرزبورغ ۱۳ آکتوبر ۱۹۰۸ ـ تبریز ـ راجع بتلگراف دیروز سرجارج بارکلی مسیو چاریکوف مرااطلاع میدهد که یك‌هفته قبل بسفیرطهران تعلیمات دادهشده است که صاحبمنصبان روس تازمان استقرار صلح وآرامی درتبریز بایستی درطهران بمانند و هیچیك ازآنها نباید همراه قزاقهائی که بانجا فرستاده میشود بروند صاحبمنصبان روس یحتمل منتظر خواهند بود که هنگامیکه سکون و آرامی در تبریز اعاده کردد قزاقان مراجعت نمایند

مسیو چاریکوف بعلاوه اظهار داشت که امروز تلگرافی بمضمون فوق بسفیر کبیر روس مقیم لندن مخابره نموده است

نمره ۲٦۵

تلگراف سرجارج‌بارکلی بسرادواردگری . ـ (واصله ۱٦ آکتوبر)

طهران ۱٦ آکتوبر ۱۹۰۸ ـ شاه و مشروطیت و اوضاع تبریز ـ در ۱۴ شهر جاری کفیل جنرال قونسولگری اطلاع داد که مقامات عمده طرفداران شاه‌را حزب مخالفت سوزانیده و غارت نمودند و بسیاری از دکاکین بازار را هم غارت کردند

روز چهارشنبه من ومسیو دوهارتویك بنابر قراری که داده بودیم مطالب متحدالمآل خودرا برای وزیر امورخارجه بیان نمودیم

(رجوع بتلگراف ۱۱ شهر جاری من نمائید) و حضرت اشرف وعده ابلاغ آنرا بشاه دادند و نیز اظهار داشتند که قانون‌انتخابات حاضر است ولی از کیفیت آن قانون نتوانستم چیزی از او بدست بیاورم

نمره ۲٦٦

تلگراف سر ادواردگری بسرآرترنیکلسن

وزارت خارجه ۱۷ آکتوبر ۱۹۰۸ اوضاع تبریز ازقرار اطلاعی که بمن رسیده دو دسته پیاده نظام روس ویکصد نفر قزاق از جلفا حرکت کرده و بسمت تبریز میایند ـ این خبر باعث‌تأثیر بدی در اینجا خواهد شد آیا امکان ندارد دولت روس را راغب بعدم مداخله نمود

نمره ۲٦۷

تلگراف سرآرتر نیکلسن بسرادواردگری . ـ (واصله ۱۸ آکتوبر)

سنت پطرزبورغ ۱۷ آکتوبر ۱۹۰۸ ـ امروز از مسیو چاریکوف دریافتم که دیروز عصر در شورای کابینه تصمیم شده دو دسته پیاده نظام وهشتاد قزاق بمستحفظین قونسولخانه علاوه‌شود علّت این تصمیم آن است که یکی از منازل پستی روس را در عرض راه جلفا الی تبریز خراب نموده اند و مفتش روسی که در آنجا بوده برای حفظ جان خود باشکال زیاد فرار نموده ویکی از همراهان ستار خان اورا نجات داده است سبب دیگر این اقدام آن است که ستار خان امتناع میورزد از اینکه زیاده براین ضمانت‌جان روسیان مقیم تبریز را بنماید از قرار معلوم تخریب منزل پستی

کار همراهان شاه و ملّیین بوده است از قراریکه مسیو چاریکوف نقل نموده عساکر دولتی بکلی شکست خورده‌اند

نمره ۲۶۸

تلگراف سر آرتر نیکلسن بسر ادوارد گری . ـ (واصله ۱۸ آکتوبر)

سنت پطرزبورغ ۱۸ آکتوبر ۱۹۰۸ ـ قزاق روسی برای تبریز راجع بتلگراف ۱۷ شهر جاری شما امروز در ضمن مذاکرات مفصل با مسیو چاریکوف او چند فقره تلگرافاتی که مابین خود ومسیو دوهارتویك رد و بدل شده‌بود قرائت نمود از قراری که جناب معظم الیه توضیح نمود غارت و خرابی اموال روسی در منزل پستی کار مخالفین طرفداران سلطنت بوده و چنانچه دیروز من فهمیده بودم از طرف عساکر ملّی و شاه بعمل نیامده است واو اظهار یقین نمود که جان اتباع خارجه مقیم تبریز وتأسیسات روسی آنجا از قبیل قونسولخانه و بانگ وغیره در خطر بوده وفعلا امنیت صحیح در آنجا صورت وجود ندارد و بعلاوه مذکور داشت که این استعدادیکه فرستاده شده کمترین عده بوده است که امکان داشته است فرستاده شود ـ و همینکه عساکر مزبور از جلفا حرکت نمودند در هر نقطه اخطار خواهد شد که این استعدادی که به تبریز میرود بقصد آن است که در صورت لزوم از اتباع خارجه وتأسیسات آنها حفاظت نماید مسیوچاریکوف اظهارداشت که اوامر مؤکده صادر خواهد گردید برای آنکه این استعداد بهیچوجه نباید در امور داخلی ایران مداخله نماید و همین که وثیقه برای حصول امنیت بدست آید عودت داده خواهد شد

مسیو چاریکوف در موقعیکه مضمون تلگراف فوق الذکر شمارا برای او بیان نمودم بطور حتم مرا اطمینان داد اگر تصور شود که اقدامی از طرف دولت شده چنین مقاصدی در بر داشته این نظریات بکلی باحقیقت مسئله مباینت دارد برای دولت روس امکان نداشت صبر کند تاآنکه تبعه روس در آنجا کشته شوند و هرگاه چنین واقعاتی رخ دهد اقدامات بسیار سخت‌تر باید بعمل آید و جناب معظم الیه عنوان نمود که اقداماتیکه دولت روس فعلا نموده‌اند فقط از برای احتیاط بوده ویقین بود ازاینکه هرگاه چنین حادثه در جنوب ایران بعرصه وقوع رسد دولت اعلیحضرتی هم در این قسم موارد همین گونه اقدامات خواهند نمود دولت روس بهیچوجه من‌الوجوه میل یاقصد مداخله در امور ایرانرا ندارد و استقرار امنیت تبریز توسط هرکه باشد برای آندولت تفاوتی نمیکند وآنها مایل باستقرار امنیت میباشند تصور اینکه دولت روس میخواهد حکمفرمائی شاه را رجعت داده باآنکه مشروطیین را سرکوبی دهد خارج از موضوع است من بجناب معظم الیه اظهار داشتم که آنچه تاکنون بیان نموده‌ام عقیده دولت اعلیحضرت نیست ولی گفتم عقیده اهالی بسیار نقاط انگلستان ممکن است این باشد مسیو چاریکوف در جواب اظهار نمود که مشتاقانه امید وار است براینکه دولت اعلیحضرتی حتی القوه رفع اینگونه سوء تفاهمات را نموده و عموم را ازحقیقت ومقصود این اقدام که دولت روس برای امداد مستحفظین قونسولخانه نموده که در موقع خطر تبعه و تاسیسات آن دولت را حفاظت نمایند واقف خواهند نمود

جناب معظم الیه بعلاوه اظهار داشتند که ۳۰۰ الی ۵۰۰ نفر از رولوسیونرهای قفقاز درجزو قشون ستار خان میباشند وخیلی شرارت میکنند من تحقیق نمودم چرا مامورین روس آنهارا در محلات خود نگاه نداشته اند جناب معظم الیه در جواب گفتند غیر ممکن است یك سرحد طویل کوهستانی را بتوان محافظت نمود بطوری که کسی نتواند خارج شود وقرار است که مقصود محدود اعزام این قشونرا وعدم قصد مداخله درامور داخلی ایرانرا درگازت رسمی اعلان نمایند درجواب سؤال من که آیا قونسول جنرال مقیم تبریز خطررا سخت وآجل می پندارد جناب معظم الیه اظهار داشتند بلی همینطور است گمان میکنم غیر ممکن باشد دولت روس را راغب بتجدید تصمیمشان بنمائیم و بنظر میاید آن دولت را یقین حاصل است که هرگاه خطرات منتظره را اهمیت نداده یعنی خطراتی که آن دولت از وجود آن ظاهراً یقین دارند مسئولیت بسیار مهمی بگردن گرفته اند

نمره ۲۶۹

تلگراف سرجارج بارگلی بسرادواردگری . ـ (واصله ۱۹ اکتوبر)

طهران ۱۹ اکتوبر ۱۹۰۸ ـ کفیل جنرال قونسولگری اعلیحضرتی مقیم تبریز راپورت میدهد که فعلا مشغول تنظیم پلیسها هستند وبازارها یحتمل تاآخر ماه مفتوح خواهد گردید مردم هم مشغول انبار کردن گندم برای موقع محاصره شهر میباشند و تهیات بسیار برای مقاومت قشون امدادی می بینند

نمره ۲۷۰

تلگراف سرآرترنیکلسن بسرادواردگری . ـ (واصله ۲۰ آکتوبر)

سنت پطرزبورغ ۲۰ آکتوبر ۱۹۰۸ ـ تبریز ـ مسیو چاریکوف را که امروز ملاقات کردم بمن اظهار داشت که دستهٔ که بایدبمستحفظین قونسولخانه تبریز اضافه‌شوند ازجلفا حرکت نخواهند نمود چراکه اخباری که از آنجا واصل گردیده بهتر است وازقرار معلوم تایك اندازه نظم در آنجا برقرار میشود اینمسئله تلگرافابسفیر روس مقیم طهران مخابره شده واو نیز اطلاع یافته است که تا زمانیکه جنرال قونسول روس مقیم تبریز آن قشون‌را نخواسته است باید در خاك روس بمانند بجنرال قونسول تعلیم داده شده بود که تا زمانیکه جان اتباع روس یا سایر اروپائیانرا درمعرض خطر نبیند آندسته قشون را طلب ننماید

نمره ۲۷۱

تلگراف سرادواردگری به سرآرترنیکلسن

وزارت خارجه ۲۰ آکتوبر ۱۹۰۸ ـ اغتشاشات اخیره تبریز ـ از کونت بنکندرف شنیدم که بعلت اظهار عقیده که من نمودم وبجهت اینکه فعلا تبریز آرام است وستار خان اقدامات برای حفظ اهالی مینماید بقشون روس امر داده شده که در جلفا که در سرحد واقع است توقف نمایند و شما باید دولت روس را مسبوق نمائید که از اینکه آندولت اظهارات مرا اصغا نموده‌اند رضایت داشته و از اهمیت دادن بان بسیار خوشوقت میباشم

نمره ۲۷۲

تلگراف سرادواردگری بسر آرتر نیکلسن

وزارت خارجه ۲۱ آکتوبر ۱۹۰۸ ـ راجع بتلگراف دوّم شهر جاری سرجارج بارکلی ـ بنظر مطلوب میامد که شما با کفیل وزارت امور خارجه درباب اینمسئله مشورت نمائید که آیا حالا موقع مناسبی است برای آنکه سفرای روس و انگلیس مقیم طهران بشاه پیشنهاد نمایند که تبریزرا ازاین قید و دست و پا بستگی آزادساخته واز حکومت مشروطه محروم‌نسازند ظاهراً این بهترین وسیله‌حصول و تأمین امنیت و آرامی تبریز است که در آنجا منافع تجارتی روس آنقدر دارای اهمیت است

نمره ۲۷۳

تلگراف سر آرتر نیکلسن بسرادواردگری . ـ (واصله ۲۳ آکتوبر)

سنت پطرزبورغ ۲۳ آکتوبر ۱۹۰۸ ـ مشروطیت و انتخابات راجع‌بتلگراف ۲۱ شهرجاری شما مسیوچاریکوف بااین پیشنهاد موافقت دارد که حالا در باب این مسئله و توسعه قانون تا تبریز بشاه پیشنهاد شود و چنانچه ارائه طریق مینماید شکل و طرز پیشنهادات بایستی بمشورت نمایندگان روس و انگلیس مرتب شود

نمره ۲۷۴

تلگراف سرادواردگری بسرجارج بارکلی

وزارت خارجه ۲۳ آکتوبر ۱۹۰۸ ـ مشروطیت ایران ـ . لطف نموده رجوع بتلگراف امروز سر آرتر نیکلسن بنمائید من شما را مختار میکنم که چنانچه پیشنهاد نموده اید باتفاق مسیو

دو هارتویك عمل نمائید

نمره ۲۷۵

تلگراف سرادواردگری بسر آرتر نیکلسن

وزارت خارجه ۲۳ آکتوبر ۱۹۰۸ ـ مشروطیت ایران ـ . تلگراف امروز شما واصل گردید و بر طبق آن بسفیر اعلیحضرتی مقیم طهران تعلیمات فرستادم

شما باید کفیل وزارت امور خارجه روس را از اینمسئله مستحضر دارید

نمره ۲۷۶

تلگراف سر آرتر نیکلسن بسرادواردگری . ـ (واصله ۲۴ آکتوبر)

سنت پطرزبورغ ۲۴ آکتوبر ۱۹۰۸ ـ مسیو چاریکوف مرا اطلاع میدهد که بمسیو دوهارتویك تعلیمات رسیده که نه او و نه قونسول روس مقیم تبریز نبایستی مستقیما بقشون روس که ساخلوی جلفا هستند برای معاولت رجوع نمایند ولی هرگاه جان اتباع روس در خطر باشد بایستی دولت روس را از آن مستحضر ساخته آندولت اوامر لازمهٔ را که مقتضی و مناسب دارد صادر خواهند نمود بعقیده مسیو چاریکوف نظر به بهبودی اوضاع تبریز بنظر بهتر میاید که عنان کنترل حرکات قشون روس بدست خود آن دولت باشد من اظهار داشتم با این عقیده‌که تصمیم اینکه درهر موردی آیا کمك لزوم دارد یا ندارد با دولت مرکزی باشد و نه باکارگذاران مقیم ایران همراه هستم

نمره ۲۷۷

مکتوب مسترمارلینك بسرادواردگری . ـ (واصله ۲٦ آکتوبر)

طهران ۲۹ سپتامبر ۱۹۰۸ ـ آقا مسیوبیزو در ۲۵ شهر جاری از من ملاقات نموده اظهار داشت که شاه همانروز صبح او را در اردوی خود احضار نموده و از او خواهش نموده است یك وسیله برای بدست آوردن مبلغ زیادی پول که برای پرداخت حقوق و تهیه آذوقه عساکر تبریز کمال لزوم را پیدا نموده‌بدست آورد در ابتدا باو اصرار شده است که مساعده چهارصد هزار لیرا را از انگلیس و روس تحصیل نماید ولی همینکه او اشعار نموده است که دولت ایران ابراز قصد انجام شرایطی را که دولتین در مقابل پرداخت اینمساعده در خواست مینمایند ننموده و بنا براین او نمیتواند این پیشنهادرا بسفارتین بکند صدراعظم پرسید آیادرصورتیکه او (مشیر السلطنه) جواهرات خود را رهن بگذارد مسیو بیزو نمیتواند دولت‌را بواسطه تحصیل پول کمك نماید مسیو بیزو درجواب اظهار داشت که البته او نمیتواند وزرا را مانع شود از اینکه از راه معامله شخصی تحصیل پول نمایند ولی باهرگونه اقدام دولت دراینکه بدین وسایل بطور غیر مستقیم تحصیل پول نمایند مخالف خواهد بود

من بمسیوبیزوعنوان نمودم‌که کاملا موافقت‌دارم باعقیده اینکه در تحت اوضاع حالیه غیر ممکن است دولت ایران را بامید اینکه ازدولتین تحصیل معاونت مالی نماید تشویق نمود ومحتمل نمی‌پندارم که‌بانك شاهنشاهی ایران یابانك استقراضی در عوض رهن جواهرات مشیر السلطنه پول قرض بدهند چراکه میدانند که آخرالامر این پول

بموجب دستخطی از شاه بحساب دولت محسوب و منتقل خواهد گردید من نیز بارأی او موافقت نمودم در اینکه فقط راهی برای آنکه بمساعی خانه خراب‌کن مجنونانه دولت در تحصیل پول خاتمه داده شود آن است که تحصیل آن برای آندولت مشگل گردد وبانها فهمانیده شودکه فقطامید تحصیل معاونت مالی ازدولتین یا از بانگها در این است که قبول اعمال بعضی اقدامات برای رفورم بنمایند

همانروز بعد ازظهر مسیو بیزو باسفیر روس ووکیل مالی روس مشورت نمود وچون عقاید هردوآنها باعقیده خودش موافقت داشت بشرط قبول آن از طرف من قرار داده شد که مسیو بیزو و مسیو اوستروگراتسکی روز بعد بدیدن صدر اعظم رفته وبایشان اظهار نمایند که تازمانیکه امورات مالی بطرز حالیه اداره میشود دولت نباید انتظار همراهی از سفارتین یا از بانگها داشته باشد

این دو شخص روز بعد مطالب خود را بعرض‌شاه رسانیدند

(امضا) چارلزمارلینك

نمره ۲۷۸

تلگراف مسترمارلینك بسرادواردگری . ـ (واصله ۲٦ آکتوبر)

طهران ۳۰ ۱۹۰۸ ـ آقا راجع‌بمکتوب ۱۰ سپتامبرخود افتخاراً سواد مکتوب ۱۸ شهر جاری وزیر امور خارجه را که حاوی دستخط شاه در جواب پیشنهادات متحدالمال سفارتین انگلیس وروس است که اعلیحضرترا نصیحت نموده اند که مجلسرا در ۱۴ نوامبر مفتوح داشته و اهالی تبریز را از قصد خود مستحضر دارد

جوفا ایفاد میدارم

این جواب که آخرالامر فرستاده شده در حقیقت امتناع صاف و سادهٔ است از اعتنا بنصایح دولتین و نمیتوان چیز دیگری ازآن بدست آورد این جواب حقیقتا آنقدر مخالف مامول بود که سفیر روس خود را مجبور دانست پیغامی برای شاه فرستاده به آن اعلیحضرت اصرار نماید که برای اصلاح و رفع تاثیر بدی که در اذهان لندن و سنت پطرزبورغ پدیدار خواهد گردید یك اقدام فوری بنماید ونگذارند که سفارتین در این باب بیشتر دنبال کنند در ۱۱ شهر جاری مسیو هارتویك بحصول نیم وعده از شاه درباب طبع وانتشار قانون جدید انتخابات در ۲۴ شهر جاری و افتتاح پارلمان درغره نوامبر (۱۴) یعنی در تاریخیکه درمکتوب متحدالمال تعیین گردیده بود موفق گردید و روز ۲۲ شهر جاری وزیر امور خارجه ازمن ملاقات نموده ودرضمن یك مراسله شخصی که من نوشته و حضرت اشرف ایشانرا متنبه ساخته بودم که دولت اعلیحضرتی جواب شاه را قبول نخواهند نمود رجوع کرده و از من استفسار نمودند آیا اعلانی که شاه وعده داده است منتشر نماید بنظر شما چطور میاید من بحضرت اشرف ایشان اظهار داشتم یقین دارم این اقدام ازروی عقل است وچنانچه از مکتوب سفیر روس هم که برای من رسیده عقیده ایشان هم همین است سپس علاءالسلطنه ازمن پرسیدند که آیا میخواهم درباب اوضاع پلتیکی باشاه مذاکره نمایم وشاه مایل است که وضعیت خودرا برای من توضیح نماید من اظهار داشتم که آن اعلیحضرت دوماه قبل خواهش عزل مرا

نموده بود واگر حالا بخواهد مرا بپذیرد اینمسئله غریبی است ولی بااینحال اوامر آن اعلیحضرت را اطاعت مینمایم وبنا براین قرار شد که روز ۲۴ شهر جاری بحضور شاه شرفیاب شوم

وقتیکه حضور شاه رفتم آن اعلیحضرت در چادر دوروئی که اطراف آن باز وسقف آن بامخمل زر دوزی شده پوشیده بود جلوس فرموده پس از احوال پرسی آن اعلیحضرت اظهار تاسف نمود ازاینکه چرا دراینمدت متمادی مرا ندیده بودند ! طولی نکشید که آن اعلیحضرت درباب مطالب پلتیکی شروع بصحبت نمود و همینکه من شروع باصرار در اینمسئله کردم که نظر بمصالح منافع خود برای او مناسب خواهد بود که نصایح دولتین انگلیس وروس را قبول نماید آن اعلیحضرت مرا اطمینان داد که دستخط حاوی قانون انتخابات جدید واعلان اجرای انتخابات بهمین زودیها وانعقاد پارلمانرا در همان روز طبع ومنتشر خواهد نمود من اظهار داشتم از استماع این تصمیم عاقلانه آن اعلیحضرت که البته اسباب رضایت دولت اعلیحضرتی خواهد بود مشعوف هستم سپس شاه در باب مجلس سابق صحبت کرده و اظهار فرمودند مجلس سابق مرکب بود از اشخاص جاهل و نقشه آنها این بود که برای من اسباب زحمت فراهم آرند و انجمنهائی که همان اندازه شرارت‌کار وبانقشه آنها شریك بودند از ایشان تقویت مینمودند و در هرگونه مسائلی که بکلی خارج از لیاقت وکفایت آنها بود مداخله مینمودند وامید وارم در تحت قانون جدید انتخابات یك مجلسی که درحقیقت مفید باشد افتتاح گردد من اظهار داشتم عقیده من در یك مسئله

بااعلیحضرت مخالفت دارد وآن این است که شاید اعضای مجلس سابق جاهل بوده ودرامورات خارج از وظیفه خود دخالت مینمودند ولی یقین دارم که آنها در میل خود در بهبودی اوضاع مملکت صمیمیت داشتند" و البته ترقی آن امکان داشت ولی امید وارم که قانون انتخاباتی که در شرف طبع و نشر است اینمسئله را بانجام رساند و درهرصورت بواسطه افتتاح پارلمان جدید آن اشخاصی که وانمود میکردند اعلیحضرت میخواهد مشروطیت را معدوم‌سازد دروغگو خواهند درآمد وهمین اقدام بانقلابی که شیرازه مملکترا از هم گسیخته و دولت را فلج مینمود خاتمه خواهد داد در ابتدا بواسطه میل مردم بداشتن حکومت خوبی بود که برای اعطای مشروطیت بنای داد و فریاد گذاردند وحالا برای شاه مقتضی است که عطف نظری باصلاحات بنماید شاه درجواب خود فوراً اظهار داشت من بانهایت ثبات مصمم هستم که هریك از ادارات دولتی را اصلاح نمایم وابتدا از وزارت مالیه شروع کرده وازخدمات مستشار مالیه که از قابلیت و صفات حمیده او یقین کامل دارم استفاده بسیار خواهم نمود من اظهار داشتم که آن اعلیحضرت نمیتواند مستشاری بهتر از مسیو بیزو پیدا نماید ولی از مخالفتی که تاکنون با او شده میتوانیم بگوئیم که حکومت حاضره ایرانهم بااو کمك و همراهی زیادی نخواهد نمود ونهایت درجه اهمیت را دارد که در اطراف شاه وزرائی باشند که مثل اعلیحضرت همینطور میل باعمال واجرای رفورم داشته باشند در اینمسئله هیچ گفتگوئی نیست که ناصحین حالیه آن اعلیحضرت آن طوریکه مطلوب است دست از نفع شخصی

یزد

تمام راههای از یزد بدست سارقین است و تجارت تقریبا از میان رفته است

تجار تلگرافی بشاه مخابره نموده و استدعای کمك نموده‌اند ولی بدون هیچ نتیجه

هیچ نوع اقدامی برای استقرار نظم بعمل نمی آید و اگر شکایتی از سرقت بحاکم بشود جواب معمولی او این خواهد بود: که نقطهٔ که سرقت روی داده از قلمرو من خارج است

ترتیب پست بکلی بهم خورده است در این اواخر پنج پست دریکنقطه برای مستحفظ معطل مانده بودند

کرمان

ایالت بحال بی نظمی سابق عودت کرده رفت و آمد در راههای عمده بکلی موقوف و ترتیب پست هم وجود خارجی ندارد

فرمانفرمای جدید صاحب اختیار در اواخر ماه اوت‌باردستان وارد گردید

شیراز

بی نظمی در فارس در ماه اوت و سپتامبر روز افزون بود پستها و عده زیادی از قوافل بسرقت برده شد

اوضاع کازرون بحال بی نظمی دائمی باقی است

ایل عرب سیوند را تاخت و تاز نمودند نایب الحکومه

استعدادی برای سرکوبی حرکت داد ولی منتج نتیجه نگردید

فرمانفرمای جدید آصف الدوله در ۲۱ ماه‌سپتامبر وارد شد قبل ازورود او نایب الحکومه بطوری بی احترامانه با قونسول انگلیس رفتار نموده بود که اقدامات سخت لازم بود در طهران بعمل آید‌پس از ورود فرمانفرما نایب الحکومه (سردار فیروز) شخصا بقونسولخانه آمده و کاملا از رفتار خود معذرت خواست

(امضا) مازوراستکس اتاشه میلتر بتاریخ ۷ اکتبر ۱۹۰۸

نمره ۲۸۱

تلگراف سرجرج‌بارکلی بسرادواردگری . ـ ۸ اکتبر ۱۹۰۸ ازطهران

آقا درتعقیب مراسله ۳۰ ماه گذشته مستر مارلینك وتلگراف دوم اینماه خود افتخار دارم که ترجمه دستخط شاه را بطوریکه منتشر گردیده انفاد دارم

من باید شما را متذکر سازم که اصل این دستخط بسیار مغلق ومستر اسمارت برای ترجمه مجبور شده است که بحدسیات معنی بعضی عبارات آنرا بفهمد

دستخط مذکور مجلس آتیه را توضیح مینماید که مجلس باشرایط معلوم و محدود خواهد بود

وعقیده ایرانیها مطلع براین است که شاه بهیچوجه قصد ندارد که مجلس مستقلی انتخاب بشود

ولی دستخط وضوحا قول میدهد که قانون انتخابات‌درغره ماه شوال (۲۷ اکتبر) برای اعلان حاضر خواهد شد وانتخاب مجلس در ۱۴ ماه نوامبر شروع خواهد شد نظر بجهات فوق‌الذکر

چون محلهٔ که مسیحیان در آن سکنی دارند بدست رولوسیونرها است و در جزو آن قسمتی است که تهدید به بمباردمان آن شده تبعه انگلیس اگر چه جزو جنگیان نبوده‌اند طوری شده که مجبور به‌بودن در میان شورشیان شده اند واو نمیتواند عدم مسئولیت‌دولت ایرانرا در باب امنیت جان و مال آنها قبول نماید

مدت مهلت در طلوع صبح ۲۴ شهر ماضی منقضی گردید بدون آنکه از شورشیان آثار تسلیم ظاهر گردد وبعد از ظهر همان روز بمباردمان شروع شد از طرف قشون شاه تا دو روز شلیك شد اگر چه بعمارات شهر چندان صدمه نمیتوانست وارد نماید و سواره ماکوئی هم در این حمله شرکت داشت ملّیین مقامات خود را حفظ نموده واقدامی‌که برای سرکوبی آنها شده‌بود موفقیت حاصل ننمود

سپس مذاکرات دومرتبه مابین‌طرفین جاری گردید وجنرال قونسول روس هم در این مذاکرات شرکت داشت ولی تااندازه که برمن مفهوم گردیده نتیجه قطعی از آن بدست نیامده

(امضا) جارج بارگلی

نمره ۲۸۰

مراسله‌سرجارج‌بارکلی بسرادواردگری مورخه ۱۷ اکتبر ۱۹۰۸ ازطهران

آقا افتخار دارم که مجملی از حوادث چهار هفته اخیر در ایران را بطور معمول انفاد دارم

جرج بارگلی

ملفوف در نمره ۲۸۰

مجمل حوادث ماهیانه ایران

طهران

سرجرج بارگلی در غره ماه اکتبر وارد طهران گردید و در ۳ ماه اکتبر نامه خود را بشاه تقدیم نمود مستر مارلینگ‌در ۶ ماه اکتوبر از طهران حرکت نمود

در ۲۴ ماه سپتامبر بنا برخواهش شاه مسترمارلینگ خدمت آن اعلیحضرت مشرف شده مسائل سیاسی جاریه مورد مذاکره قرار گردید

(امضا) چرچیل منشی السنه شرقی

رشت

هرج و مرج هنوز هم در تالش حکم فرما است

در این ایام نایب الحکومه تالش دولاب را باسی سوار به خفت از آنجا بیرون نمودند

حاکم‌گیلان در اواخر ماه سپتامبر باعده سرباز برای اعاده نظم بطرف طالش حرکت نمود ولی بواسطه باران شدید نتوانست که پیش برود

سرباز بواسطه نداشتن غذا و ملبوس دچار زحمات شده‌اند

هیچکس در گیلان جرئت ندارد که برای همراهی بمشروطیت اقدامات جدی نماید و جز اینکه اغتشاش در طهران‌روی بدهد ایالت گیلان خواموش خواهد ماند

سفا ومجلس عام اعلان شده ولی قانون انتخابات برای انتخاب اعضای مجلس عامرا بطوری مرتب نموده بودند که منتخبین بهیچوجه صورت نمایندگی ملی نداشته و در حقیقت از طرفداران شاه انتخاب میشدند

(امضاء) چارلزمارلینك

ملفوف نمره ۲۷۸

ترجمه مکتوب علاء السلطنه بمسترمارلینك

۱۸ سپتامبر ۱۹۰۸ ـ آقا مکتوب ۸ شهر جاری شمارا بشاه تقدیم نموده اکنون حسب‌الامر آن اعلیحضرت جوابی که فرموده‌اند بجناب شما ابلاغ مینمایم : ـ

چنانچه اهالی مملکت ونمایندگان دولتین را به تاسیس‌مجلسی که مناسب مقتضیات مملکت وبروفق قوانین مذهبی ومقام مقدس شاه بوده مجدداً باعث هرج ومرج واغتشاش نباشد وعده داده‌ایم الحال درصدد تهیه ملزومات آن هستیم اکنون که ایشان دراینباب شرحی نوشته‌اند امید است که در تاریخیکه تعیین نموده اند اعلانی برای افتتاح مجلس مبعوثان صادر شود ولی چنانچه نوشته میشود افتتاح این مجلس پس از اعاده نظم آذربایجان خواهد بود وآنوقت اولیاء امور ایران فرصت خواهند داشت که ترتیبات تاسیس و اجتماع نمایندگان وافتتاح آنرا فراهم آرند

محض استحضار شما بمراتب فوق زحمت افزا شدم

(امضاومهر) محمدعلی علاء السلطنه

نمره ۲۷۹ *

مکتوب سرجارج‌بارگلی بسرادواردگری . ـ (واصله ۲۶ آکتوبر)

طهران ۲ آکتوبر ۱۹۰۸ ـ آقا درتعقیب مکتوب ۱۰ شهر ماضی مستر مارلینك افتخاراً عرض مینمایم که در عرض ماه گذشته چندان در مذاکرات که فیمابین نمایندگان طرفداران ملت و فرمانفرما در تبریز شروع شده بود و در طی مراسلات فوق‌الذکر راپورت آن داده شده پیشرفتی حاصل نگردید در موقعیکه در ۱۱ ماه گذشته اجلاسی منعقد گردیده و فرمانفرما بطور وضوح اظهار عدم میل نمود بر اینکه تا زمانیکه شورشیان سر تسلیم پیش نیاورند با خواهشات آنها موافقت نخواهد نمود یکدسته از اکراد ماکوئی با چند عراده توپ حمله هدیدی بطرف شمال غربی شهر نمودند ملیین اکراد را عقب نشانده آنها اردوی خودرا بایك عراده توپ و دوازده بار آذوقه و مهمات جنگی ترك نمودند تلفات طرفین به دویست نفر تخمین شد

درعرض هفته بعد طرفین اقدامی ننموده تا ۲۲ شهرگذشته فرمانفرما اولتیماتومی صادر نموده ملیین را ۳۸ ساعت مهلت دادکه تسلیم شوند و در صورت عدم آن تهدید به بمباردمان شهر نمود حضرت اشرف ایشان قصد خود را بقونسولخانها اعلام نموده و از آنها در خواست نمود که چون نمیخواهد مسئولیت حفظ‌جان اتباع خارجه که جزو شورشیان بوده‌اند بعهده گیرد آنها را از میان شورشیان خارج نمایند

مستر استونز بر حسب تعلیمات مسترمارلینگ جواب داد که

که چون خدا شخص مقدس مارا حافظ مملکت و مردم و دارنده تاج وتخت وحامی مذهب مقدس فرموده و چون ما مقصودی جز صلح وآسایش مردم واجرای قوانین عدالت نداریم و چون وظیفه ما اینست که طریقه و عادات پیغمبر را سرمشق خود کنیم باینجهت ما بصدور این دستخط اهالی مملکت را مسرور وامید وار مینمائیم و ما نیز حکم مینمائیم که مجلس مرکب از اشخاص متدین و عاقل بتوفیق خدا و توجه امام دوازدهم در ۱۹ ماه شوال منعقد خواهیم نمود

بوسیله این مجلس که موافق شرع و عدالت خواهد بود مردم در آسایش خواهند بود وقوانین اسلام محفوظ وبموقع اجرا گذارده خواهد شد و تمام آثار اغتشاش ناامنی و انجمنها محو خواهند شد

نیت مقدس ما بموقع اجرا گذارده خواهد شد راهها باز ومردم درظل عنایت و مرحمت ما آسوده خواهند گردید اقدامات برای آسایش آنها بعمل خواهد آمد ولوازم ترقی وثروت مملکت زیاد خواهد گردید و بخواست خدای متعال ابواب سعادت برای مردم باز خواهد گردید

و الحال ما حکم میکنیم که شما قانون انتخابی و قانون مملکتی موافق شرع ترتیب داده برای غره ماه شوال حاضر نمایند تااینکه هردومجلس منعقد گردد

تمام مردم تکلیف خودرا شناخته از حدود خود تجاوز ننمایند تااینکه تمام مردم براحتی زندگی نمایند

[illegible]

لیکن یاغیان تبریز طوری ازافساد وخونریزی مقصرند که دولت نمیتواند از تقصیر آن ارازل بگذرد بهمه اعلان میشود که تامدتیکه نظم در تبریز بر قرار نگردیده یاغیان قلع و قمع نشوند واهالی بدبخت آن شهر از شر این اشخاص خلاص نگردند تبریز از حکم این دستخط خارج خواهد بود ۲۷ شعبان ۱۳۲۶

محمد علی شاه قاجار

نمره ۲۸۲

تلگراف سرنیکلسن بسرادوارد گری مورخه ۲۰ اکتبر ازسن پطرزبورغ

مسیوچریکف امروز عصر بمن اطلاع داد که خبر خوشی برای شما دارم آن خبر مشعر براین بود که راپورتهای واصله از تبریز امید بخش تر از سابق بوده و احتمال برده میشود که یك اندازه امنیت برقرار گردیده است در اینحال دولت روسیه مصمم شده است که دسته قشون روس بطرف تبریز حرکت نکرده ودر جلفا توقف نماید

این تصمیم دولت روسیه را بتوسط تلگراف باطلاع مسیو هارتویك رسانیده وباو گفته اند که دسته قشون مذکور در جلفا توقف خواهند نمود مگر اینکه ازطرف ژنرال قونسول روس مقیم تبریز بهآن سو احضار گردند

بعلاوه دستور العمل به ژنرال قونسول روس مقیم تبریز فرستاده شده است که دسته قشون را احضار نکند مگر اینکه براو معلوم گردد که جان اتباع روسی یااروپائیهای دیگر مقیم تبریز در معرض خطر فوری باشد ودرصورتی که حضور دسته قشون لازم

گردد او (ژنرال قونسول) باید اقدامات نموده و وظیفه قشون را فقط بحمایت اتباع روس و سایر اروپائیان مقیم تبریز محدود نماید و نباید که بهیچوجه بامورات داخلی یانفاق بین مردم دخالت نمایند

مسیو چریکوف مخصوصا ذکری از اروپائیان مقیم تبریز برده بجهت اینکه ازصحبت شما باکنت بنکن دورف براوچنین مفهوم گردیده بود که دولت اعلیحضرتی مایل است که در موقع لزوم حمایت از کلیه اروپائیان کرده شود

من اظهار نمودم که یقینا قونسول بدون اینکه سابقا مراتب را بهسن پطرزبورغ رجوع نماید دسته قشون‌را احضارنخواهد نمود

مسیو چریکف در جواب گفتند که این اقدام تقریبا غیر ممکن خواهدبود بجهت اینکه مسئولیت را باید برگردن آن‌شخصی گذاشت‌که در محل حاضر است ودر صورتیکه او قشون‌را احضار نماید ناچار اقدام فوری در پیش است و در آن صورت تعویق در کار بسیار خطرناك و موقع بسیار مهم خواهد بود مسیو چریکف گفتندکه ژنرال قونسول سی سال در ایران توقف نموده واطمینان باو میشود کردکه قبل ازهر اقدامی امورات را بارامی ودقت لازمه مداقه خواهد نمود

من بمسیو چریکف گفتم که این خبری را که شما بمن نقل نمودید بسیار اسباب راحت خیال من و یقینا باعث امتنان دولت اعلیحضرتی خواهد گردید

نمره ۲۸۳

تلگراف سرجرج‌بارگلی بسرادوارد گری مورخه ۲۶ اکتبر ازطهران

شاه و مشروطیت

در پنجشنبهٔ گذشته سفارتین اقدامات خود را در خصوص محروم نمودن از انتخابات بطوریکه دستخط شاه مقرر میداشت تجدید نمود

الحال مسیو هارتویك و من پیشنهاد مینمایم که درصورت تصویب دولتین متبوعتین یاد داشت متحد المآل ذیل را بتوسط وزیر امور خارجه بشاه ارسال داریم ما مخصوصا این ترتیب را پیشنهاد مینمائیم محض اینکه شیوع پیدا نکند که اقدامات ما همیشه مستقیما با شخص شاه است

از اطلاعاتی که برای سفارت انگلیس و روس واصل گردیده همچو معلوم میگردد که دراین ایام اخیر نسبتا آرامی در آذربایجان برقرار گردیده است

اهالی تبریز بواسطه تنك آمدن از بی نظمی و آرزوی صمیمانهٔ که آنها برای استفاده از مراحم ملوکانه عما دارند اخیراً باعلیحضرت شما تلگرافی عرض نموده و استدعا نموده اند که بانها هم مثل سایر نقاط ایران فیض از مشروطیت عطا گردد و اجازه بانها داده شود که شرکت در انتخاباتی که برای ۲۷ ماه اکتبرمعین گردیده بنمایند

سفیر اعلیحضرتی (روس) به اطاعت تعلیمات از دولت متبوعه خود افتخار دارد که جلب دقت نظر اعلیحضرت شمارا به مطالب ذیل بنماید

نظر باوضاع حاضره برای اینکه بالاخره این ایالت آرام

گردد خیلی مقبول خواهد بود که آن ایالت را از انتخاباتی که در ۲۷ ماه اکتبر قول داده شده است خارج ننموده و این موقع را مغتنم شمرده بتمام اشخاصی که در این چند ماه اخیر در تحت سلاح رفته بودند عفو نمایند

نمره ۲۸٤

تلگراف سرادوارد گری بسربارکلی مورخه ۲۷ اکتبر ازوزارت خارجه لندن

راجع بتلگراف دیروز شما

مراسله متحد المآل بشاه

در صورت قبولی دولت روسیه من مضمون مراسله شمارا تصویب مینمایم

نمره ۲۸۵

تلگراف سرجرج بارکلی بسرادوارد گری مورخه ۲۹ اکتبر ازطهران

اوضاع تبریز

راپورتی از کفیل ژنرال قونسولگری اعلیحضرتی مقیم تبریز برای من واصل گردیده مشعر براینکه در ۲۷ اینماه بازارها باز شده و شهر هم کاملا آرام است بعلاوه او راپورت میدهد که

هرچند که شجاع نظام بواسطه بومبی که بتوسط پست برای او فرستاده شده بود مقتول گردیده است

راه جلفا هنوز هم مسدود و خسارت زیادی به تجارت وارد می آید

نمره ۲۸٦

تلگراف سرجرج بارکلی بسرادوارد گری مورخه ۲۹ اکتبر ازطهران

شاه هنوز قانون انتخاباتی که وعده داده بود در ۲۷ اینماه
بطبع برساند بطبع نرسانیده است همچو میفهماند که برای دولت ایران
از ولایات تلگراف رسیده که آنها مایل نیستند که در انتخابات
مجلس شرکت نمایند

نمره ۲۸۷

تلگراف سرادواردگری بسرنیکلسن مورخه ۳۰ ماه اکتبر
از وزارت خارجه لندن

رجوع بتلگراف ۲۹ اینماه سربارکلی نمائید

مشروطیت ایران

شما خوب است که برای دقت نظر وزیر امور خارجه
پیشنهاد نمائید که عبارت ذیل بمراسله متحد المآلی که دولتین قصد
ارسال بشاه دارند الحاق گردد

خیلی اسباب تعجب دولتین گردیده است که شاه هنوز بقول
خود در خصوص انتشار قانون انتخابات رفتار ننموده است دولتین
امیدوارند که بیش از این تعوق در این اقدام حاصل نگردد

نمره ۲۸۸

تلگراف سرنیکلسن بسرادواردگری مورخه ۳۱ اکتبر از سن پطرزبورغ

اخبار واصله برای وزیر امور خارجه روس بهیچوجه بطور
دلخواه نیست و مشعر بر آن است که خسارت مهمی بتجارت روس
وارد آمده و مسیو ایزولسکی بمن دیروز چنان فهمانید هر چند
که او بسیار مایل است که در امورات داخلی دخالتی ننماید ولیکن
خیلی مشکل است که اجازه داد اوضاع برای مدت غیر معینی باین

ترتیب باقی بماند

من اطلاعی که سرجرج بارکلی در تلگراف ۲۹ اینماه خود
داده بود بایشان نقل نموده، واظهار داشتم که بنا برتلگراف مذکور
هرچند که راه جلفا خرابست ولی خود تبریز بکلی خاموش است

نمره ۲۸۹

تلگراف سرادواردگری بسر نیکلسن مورخه ۳۱ ماه اکتبر
از وزارت خارجه لندن

راجع بتلگراف ۳۱ اینماه شما من امید وارم که درعوض
مداخله روس طریق دیگری فکر بشود چونکه این اقدام اثر بسیار
بدی در اینمملکت خواهد بخشید

در صورتیکه من کاملا از اشکال اوضاع مستحضر هستم
ولی بعقیده من استقرار نظم فقط وا داشتن شاه است که بقول
خود رفتار نماید

شما خوب است که بوزیر امور خارجه اطلاع بدهید که
من حاضرم دستورالعمل برای مستر رتیسلو فرستاده که او نفوذ خود را
برای استقرار نظم در تبریز بکار برده و مردم را از بعضی اقدامات
که مخالف بمنافع تجارت روسیه است منع نماید

شما خوب است که همچنین از جناب ایشان تقاضا نمائید که
مراسله متحد المآلی که سرجرج بارکلی تلگراف نموده بود بانضمام
جملهٔ را که من در تلگراف ۳۰ اینماه خود به آن ملحق نموده
بودم تصویب نمایند

نمره ۲۹۰

تلگراف سرنیکلسن بسرادواردگری مورخه غره نوامبر ۱۹۰۸ ازپطرزبورغ

راجع بتلگراف ۲۶ اکتبر از طهران

یاد داشت متحد المال

دولت روسیه پیشنهاد مینماید که پس از جمله (اجازه بانها داده شود که شرکت در انتخابات) عبارت (که برای ۲۷ اکتبر معین گردیده) در مراسله متحدالمال نوشته شود

بعلاوه دولت روسیه پیشنهاد مینماید که پس از جمله (برای اینکه بالاخره این ایالت آرام گردد) یاد داشت بعبارت ذیل تمام شود (و اجازه اعطای عفوی را که اهالی آنجا استدعا مینمایند داده شود ودر آنموقع تمام رعایای آن اعلیحضرت که آلوده در اقدامات اخیره رولوسیونرها بودند عفو عمومی عطا گردد)

وزیر امور خارجه کاملا باعبارتی که شما در تلگراف ۳۰ اکتبر خود به یاد داشت اضافه نموده بودید موافقت دارند وپیشنهاد مینمایند که مفاد آن باین طریق انشاء گردد (ودر همین موقع از طرف دولت روس (انگلیس) بسفیر خود اجازه داده شده است که اظهار تعجب از تعویقی که در انتشار قانون اساسی روی داده نموده و امید وارند که اعلیحضرت شاه بدون فوت وقت بقولهای خود عمل خواهند نمود)

نمره ۲۹۱

تلگراف سر ادواردگری بسربارگلی مورخه غره نوامبر از وزارت خارجه لندن

خواهش میکنم که بتلگراف ۳۱ ماه گذشته من بسن‌پطرزبورغ رجوع نموده ودر هرموقعی که شما باژنرال قونسول اعلیحضرتی مقیم تبریز (مستر رتیسلو) در خصوص اقداماتیکه بنظر شما میرسد مشورت نمودید مرا از آن مطلع سازید

نمره ۲۹۲

تلگراف سرنیکلسن بسرادواردگری مورخه ۲ نوامبر ازسن‌پطرزبورغ

راجع بتلگراف ۳۱ ماه گذشته شما

امشب ذکری از اوضاع تبریز بامسیو ایزولسکی نمودم

جناب ایشان میگویند که قوه به تبریز نخواهند فرستاد مگر اینکه حکما لازم گردد وقول بمن دادند که اگر همچو موقعی روی دهد مرا پیش ازاجرای آن اقدام مطلع خواهند ساخت

جناب ایشان گفتند که نظر بخسارت مهمی که بتجارت‌روس وارد میاید فشار زیاد بایشان آورده میشود که یکنوع اقدامی بنمایند ولی قصد ایشان این است که همچو کاری نکنند

عقیده ایشان براین است که واقعا روسیه صبر وخود داری زیادی در این باب نموده است

نمره ۲۹۳

تلگراف سر ادواردگری بسر نیکلسن مورخه ۲ نوامبر از وزارت خارجه لندن

خواهش میکنم که بتلگراف ۲ اینماه خود رجوع نمائید

دولت روسیه بسیار خود داری و صبر نموده دولت اعلیحضرتی رضایت تام از اعتدال آن دولت دارد

دولت اعلیحضرتی با صمیمیت زیاد امیدوار است که دولت روسیه مجبور به اقدامات نگردد و با امتنان فوق العاده اطلاع حاصل نمودیم که وزیر امور خارجه روس قول داده است که اگر اقدامی حتما لازم گردد شما را مطلّع سازد

نمره ۲۹۴

تلگراف سرادواردگری بسر بارکلی مورخه ۲ نوامبر از وزارت خارجه لنـدن

درموقعی که برای همکار روس شماهم همینطور دستورالعمل رسید شما میتوانید که یاد داشت متحد المآل بطوریکه مضمون آن در تلگراف ۲۶ ماه گذشته شما مندرج بود بعلاوه تغییراتیکه بموجب تلگراف غره اینماه از سن پطرزبورغ به آن داده شده بود تقدیم شاه نمائیـد

نمره ۲۹۵

تلگراف سرادواردگری بسرجرج بارکلی مورخه ۲ نوامبر از وزارت خارجه لندن

راجع باوضاع تبریز

من بشما اجازه میدهم که به ژنرال قونسول انگلیس مقیم آن‌شهر بطوریکه جمله آخر تلگراف ۳۱ ماه گذشته من بەسرنیکلسن میرساند دستوذ العمل بفرستید

نمره ۲۹۶

تلگراف سرنیکلسن بسرادواردگری مورخه ۴ نوامبر ازسن‌پطرزبورغ

راجع بیادداشت متحد المآل

بهمان ترتیبی که شما بموجب تلگراف ۲ ماه نوامبر برای سربارکلی در خصوص ارسال یاد داشت متحـد المآل دستور العمل فرستاده اید دولت روسیه هم برای سفیر خـود در طهران تعلیمات فرستـاده است

نمره ۲۹۷

تلگراف سرجرج بارکلی بسرادواردگری مورخه ۸ نوامبر از طهران

نمایش برعلیه مشروطیت که اتباع شاه ترتیب آنرا داده بودند دیروز در باغ شاه روی داد هیئتی مرکب ازچند صدنفر اشخاص نماینده تمام طبقات اهالی به اردوی شاه رفته صدراعظم و سایر وزرای دیگر از آنها پذیرائی نمودند

پس ازاینکه تلگرافاتیکه ازولایات ویکی هم از تبریز راجع بعدم میل آنها بمشروطیت واستدعای رد آن قرائت گردید درباریان عریضه دراین خصوص به‌هیئت مذکور برای امضا داده تمام حضار بانضمام وزراء عریضه مذکور را امضا نموده و بخدمت شاه بردند

اعلیحضرت شاه پس از قدری اعتراض و اظهاراتی که من میخواهم الحال قانون انتخابات را بطبع برسانم قول دادند که بصدر اعظم حکم خواهم نمود که بطور دلخواه امضا کنندگان عریضه رفتـار نمـاید

احتمال کلی میرود که اغلب آن اشخاص از ترس عریضه را امضا نمودند همانطور که یکی از وزراء بمن اظهار نمود که اوهم از ترس امضا کرده است

نمره ۲۹۸

تلگراف سرجرج‌بارگلی بسرادواردگری مورخه ۸ نوامبر ازطهران

راجع بتلگراف ۲ اینماه شما

شاه و مشروطیت

امروز عصر مسیو هارتویك و من یادداشتی که بعنوان شاه بود بوزیر امور خارجه ارائه دادیم

نمره ۲۹۹

تلگراف سرنیکلسن بسرادواردگری مورخه ۹ نوامبر ازسن‌پطرزبورغ

امروز صبح مسیو ایزولسکی را ملاقات نموده وبمن اطلاع دادند که هیچ خبری راجع بحوادث اخیره در طهران برای ایشان نرسیده است ولی ایشان بسفیر روس مقیم طهران تلگرافا تقاضای فرستادن راپورت نموده اند

چونکه سفارتین دیروز یادداشت متحد المال را فرستاده و از قرار معلوم هم شاه فی‌الواقع مشروطیت را بر هم نزده بلکه فقط بصدر اعظم خود دستور العمل داده است که برای رضایت امضا کنندگان عریضه عجالتا اقدامی برای انتخابات بعمل. آورده نشود لهذا ممکن است امید وار شد که باز هم شاه قطعا اقدامی برای برهمزدن مشروطیت ننماید

من بمسیو ایزولسکی اظهار نمودم که اگر واقعا شاه برخلاف قول خود رفتار نماید بنظر من دولتین باید اقدام مهمی برای جبران رفتار او بنمایند

ایشان سؤال نمودند که بچه شکل ممکن است که این اقدام

را نمود من اظهار داشتم که شاید ممکن بشود دولت روسیه صاحبمنصبان خود را برای اندك زمانی از خدمت شاه احضار نماید تااینکه باین وسیله دولت روسیه بشاه حالی نماید که او نباید منتظر کمك از روسیه باشد

مسیو ایزولسکی خاطر نشان نمودند که بهمچو اقدامی ایرادهای مهم میشود گرفت بریگاد قزاق بدون صاحبمنصب اروپائی ابداً نخواهد توانست امنیتی برقرار نماید وبجهت اینکه باز هم امید است که شاه دقت نظری از قولیکه بامضا کنندگان عریضه داده است بنماید

مسیو ایزولسکی بامن کاملا موافق بودند که این عریضه مصنوعی بحکم درباریها نوشته وامضا گردیده است واین اشخاص ابداً رائی در اینخصوص نداشته اند

نمره ۳۰۰

تلگراف سرادواردگری بسرجرج بارگلی مورخه ۹ نوامبر از وزارت خارجه لندن

راجع بتلگراف ۸ این ماه شما

مشروطیت ایران

تحصن بالاجماع وضوحا برای مقاصد پلتیکی خواهد بود باینجهت شما خوب است سعی وافی نموده نگذارید که سفارت انگلیس برای محل تحصن استعمال گردد

نمره ۳۰۱

تلگراف سرجرج‌بارگلی بسرادواردگری مورخه ۱۰ نوامبر از طهران

راجع بتلگراف دیروز شما

بست در سفارت اعلیحضرتی

آثاری مشاهده نمیشود که مردم قصد تحصن در سفارت را داشته باشند

نمره ۳۰۲

تلگراف سرجرج بارکلی بسرادوارد گری مورخه ۲۰ نوامبر ازطهران

راجع بتلگراف ۸ اینماه من

شاه ومشروطیت

مسیو هارتویك ومن ازشاه تقاضای شرفیابی خصوصی نموده‌ایم برای اینکه توضیحاتی درمراسله متحد المال ۸ اینماه خود داده و به آن اعلیحضرت نصیحت نمائیم که بقولهای خود رفتار نموده و قطع نظر از نمایش ۷ اینماه مشروطیت را برقرار نماید

در ۱۲ اینماه جداگانه من ومسیو هارتویك خدمت شاه‌مشرف خواهیم شد (جرج بارکلی)

نمره ۳۰۳

تلگراف سرادوارد گری بسرجرج بارکلی مورخه ۱۱ نوامبر از وزارت خارجه لندن

راجع بتلگراف ۱۰ اینماه شما

شاه ومشروطیت

دولت اعلیحضرتی اقدام شمارا تصویب مینماید

نظر بمنافع خود شاه وآرامی مملکت خودش صلاح اینست که آن اعلیحضرت بقولهائی که بمردم ایران داده است عمل نماید

باین طریق امنیت وصلح درایالات آذربایجان وتبریز برقرار خواهد گردید شما خوب است که این نکات را بآن اعلیحضرت حالی نمائید

نمره ۳۰٤

تلگراف سرجرج بارکلی بسرادوارد گری مورخه ۱۳ نوامبر ازطهران

شاه ومشروطیت

شاه دیروز مسیو هارتویك وامروز من را بطور خصوصی بحضور خودشان پذیرفت

مفاد اظهارات ما موافق تلگراف ۱۱ اینماه شما بیکطریق بود

ما بشاه اصرار نمودیم که برای خاطر نمایشی که در شنبه گذشته برعلیه مشروطیت ترتیب داده شده بود شاه نباید برخلاف ضمانتهائیکه بمردم ایران ودولتین متحابین داده است رفتار نماید

در جواب شاه گفتند که قسمت زیادی از مردم مشروطیت را بر خلاف مذهب خود می پندارند و باین جهت به آن مخالف هستند شاه مصنوعی بودن نمایش روز شنبه را تکذیب نموده ولی بمن اطمینان دادند که در آن موقع رأی قطعی در هیچ اقدامی ندادند

آن اعلیحضرت اظهار نمودند که شخصا من مایل بمجلس هستم ولی در صورتیکه مثل مجلس سابق نباشد

من خاطر نشان نمودم که عقیده عموم براین است که اعلیحضرت شما خیال ندارید که بقولهائی که داده‌اید رفتار نمائید و در صورتی که واقعا شما مایل بمشروطیت هستید عقیده مردم خیلی در خطا است

در خصوص حسیات اغلب مردم من بااعلیحضرت هم‌عقیده بوده و جداً تأکید نمودم که نظر به منافع خود آن اعلیحضرت و اعاده نظم در آذربایجان و رفع اشتباه اذهان مردم بهتر آنست که فوراً بقولهائی که داده اید رفتار نمائید

نمره ٣٠٥

تلگراف سرنیکلسن بسرادواردگری مورخه ١۴ نوامبر از سن پطرزبورغ

دیشب من بامسیو ایزوالسگی در خصوص اوضاع ایران صحبت داشتیم

جناب ایشان گفتند که در دونکته ایشان مصمم شده اند و آن دو نکته این است که روسیه نه مداخله نماید ونه بشاه کمک کند

اقداماتی که ترك آنرا مصمم شده‌اند معلوم است ولی نگرانی ایشان از این است که چه اقدامی برای علاج اوضاع کرده بشود تااینکه اوضاع منجر بهٔ انارشی نشود که دخالت دولتین حتمی گردد بنظر ایشان اینطور رسیده است که طرح اصلاحاتی با موافقت دولت اعلیحضرتی ترتیب داده شود شاه را مجبور به اجرای آن نمایند

جناب ایشان گفتند که درخصوص احضار صاحب‌منصبان قزاق روسی که من پیشنهاد کرده بودم غور نموده و بنظر ایشان این اقدام در اینموقع خطرناك می آید

مسیو هارتویك از طهران حرکت نموده و خیال مسیو ایزوالسکی این است که یك کمیسیون اداری برای رسیدگی باوضاع ایران و ترتیب بعضی پیشنهادات راجع باصلاح امور این مملکت تشکیل دهد

من بمسیو ایزوالسگی قول دادم که مجملی از مفاد صحبت خودمان را برای شما تلگراف نموده و گفتم که شماً شاید بعد از تبادل افکار با اشخاصی که در ایران نیستند بتوانید بعضی پیشنهادات برای بهبودی اوضاع حالیه بنمائید

نمره ٣٠٦

تلگراف سرجارج‌بارکلی بسر ادواردگری . ـ (واصله ١۴ نوامبر)

طهران ١۴ نوامبر ١٩٠٨ ـ مسیو دوهارتویك بمن اظهار داشت که فردا برای انجام امورات رسمی از طهران برای سنت پطرزبورغ رهسپار خواهد شد

مسیو سابلین منشی اوّل روز پنجشنبه وارد شد و پس از حرکت مسیو دوهارتویك مشاغل اورا بعهده خواهد گرفت

نمره ٣٠٧

تلگراف سرجارج‌بارکلی بسرادواردگری . ـ (واصله ١٥ نوامبر)

طهران ١٥ نوامبر ١٩٠٨ ـ شاه ومشروطیت ـ در موقع شرفیابی حضور شاه در روز پنجشنبه دقت نموده اینمسئله را بان اعلیحضرت توضیح نمودم که میل من این نیست تشکیل مجلسی بطرز مخصوص برای ایران تجویز نمایم

شاه در صورتیکه خیلی مشتاق باشد برای او سهل خواهد بود که در میان رعایای خود اشخاصی بدست آورد که لایق وکار آمدبوده وقانون انتخابات‌را تنظیم نمایندبطوریکه مجلسی ازنمایندگان معتدل تشکیل گردد چنین مجلسی درصورتیکه ازرویهای مجلس سابق احتراز نماید درمقابل سوء اعمال های حالیه موقع خوبی برای

موفقیت داشته در جلو این هیئتی که حالا بر سر کار هستند سدی خواهد بود

نمره ۳۰۸

مکتوب قونسول استوتز بسرادواردگری . – (واصله ۱۶ نوامبر)

باطوم ۶ نوامبر ۱۹۰۸ – آقا چون اخیراً راپورتهای مکرره در روزنامجات مختلفه انگلیسی وسایر ممالك اروپا درباب اعزام قشون ازطرف دولت روس بشمال ایران دیده‌ام من‌مخصوصا زحمت کشیده تحقیق صحت این خبر را نموده ام وامروز برحسب اطلاع تلگرافی که از جلفای روس برای من رسیده میتوانم بشما اطلاع‌دهم که برقزاقهائی که دائما ساخلوی آنجا هستند تازگی علاوه نشده و هیچ قشون روس از سرحد برای آذربایجان عبور ننموده و در راه هم نیستند که بطرف تبریز بیایند

(امضا) استوتز

نمره ۳۰۹

تلگراف سرجارج بارکلی بسرادواردگری . – (واصله ۱۶ نوامبر)

طهران ۱۶ نوامبر ۱۹۰۸ – شاه ومشروطیت – اززمانیکه در باغ شاه در روز ۷ شهر جاری بنای نمایشات بر علیه مشروطیت گذارده شد در میان مشروطیین تا اندازه جوش وخروشی پیدا شده و ملیتان چندین اجلاسات داشته اند

دیروز عریضهٔ راکه رئیس سابق مجلس صنیع‌الدوله وسایر نمایندگان معتبر و بعضی از علما و تجار امضا نموده بودند بتمام سفارتخانها فرستاده شد صاحبان امضای این نوشته برعلیه این‌نمایشات

مصنوعی برضد مشروطیت درباغ‌شاه پروتست نموده وبیان نموده‌اند که ملّت منتظر معاونت سفارتخانها برای تحصیل مشروطیت بوده و باکمال اشتیاق انتظار آنرا دارند

نمره ۳۱۰

تلگراف سرجارج‌بارکلی بسرادواردگری . – (واصله ۱۹ نوامبر)

طهران ۱۹ نوامبر ۱۹۰۸ – شاه ومشروطیت – وزیرامور خارجه مرا اطلاع داده است‌که شاه در نظر دارد خود یك‌مجلس شورائی تأسیس نماید من‌ازاینکه شاه باینطریق درصدداست ازمواعید خود دوری جوید اظهار یأس نموده و خاطر نشان نموده‌ام که انتخاب‌اعضاء وتشکیل مجلس توسط ملّت یکی ازخصوصیات هرنوع حکومت مشروطه است دوسه نفر از وزرائیکه بواسطه نفوذ واقتدار میشوم خود باعث این اوضاع اندوهگین مملکت شده اند برمجلسی که تشکیل آن پیشنهاد شده کنترل تام خواهند داشت

گمان میکنم هرگاه درظرف این دوسه روزه اعلان اقدام موافق دلخواهی نشود سفارتین باید اقدامات دیگری در باغ شاه بنمایند و عقیده من این است که سفارتین متفقا عمل نمایند

ممکن است از شاه استدعا نمائیم ترجمانهای مارا که باآنها بهتر بطور آزادانه و آشکارا صحبت میکند تا آنکه بنمایندگان بپذیرد و مطالب را بطور صحبت صاف وساده میتوان بان اعلیحضرت بیان نمود

وظیفه ترجمانها این خواهد بود که کوشش نموده بان اعلیحضرت بفهمانند که دولتین هردو بیك اندازه مایل مشاهده اعاده

نظم ایران و تأمین سعادت آن بوده اصرار آنها در تأسیس حکومت مشروطه بهترین همراهی و معاونت آن اعلیحضرت خواهدبود درذیل باین مقاصد وترجمانهای مذکور درضمن صحبت خود رشته مذاکرات سابقه باآن اعلیحضرت‌را تعقیب نموده وبان اعلیحضرت اصرار خواهند نمود که باچند نفر مردمان کار آمدی که بتوانند نصایح حسنه بدهند در باب شکل و طرز مجلسی که با احتیاجات مملکتی مناسبت تام‌داشته باشد مشورت نماید

مسیو سابلین هم که من اورا از طریقه صحبتی که پیشنهاد شده است مستحضر داشته ام بامن موافقت دارد و بروفق آن بدولت متبوعه خود تلگراف میکند

نمره ۳۱۱

تلگراف سرادواردگری بسرآرترنیکلسن

وزارت خارجه ۲۰ نوامبر ۱۹۰۸ ـ شاه ومشروطیت ـ امید وارم بنماینده دولت روس تعلیم داده شود که بروفق مفاد ارائه طریق سرجارج‌بارکلی که در تلگراف دیروز خود نموده بود ومن کاملا باآن موافقت دارم عمل نماید

نمره ۳۱۲

تلگراف سرآرترنیکلسن بسرادواردگری . ـ (واصله ۲۲ نوامبر)

سنت پطرزبورغ ۲۲ نوامبر ۱۹۰۸ ـ راجع بتلگراف ۲۰ شهر جاری شما ـ بنماینده دولت روس مقیم طهران تعلیمات داده شده بود که برطبق ارائه طریق سرجارج بارکلی عمل نماید

نمره ۳۱۳

تلگراف سرجارج بارکلی بسرادواردگری . ـ (واصله ۲۲ نوامبر)

طهران ۲۲ نوامبر ۱۹۰۸ ـ شاه ومشروطیت ـ صدر اعظم مرا دیروز اطلاع داد که شاه بنا بر نمایشی که روز پنجشنبه در باغ شاه برضد مشروطیت داده شد دستخطی برای طبع فرستاده در آن مذکور است که مجلسی که مخالف اسلام است اعطا نخواهد نمود اگرچه عبارت این نوشته بطور مبهم نوشته شده عموم اینطور میفهمند که مقصود آن اعلیحضرت این است که از اعطای هرگونه مجلس منتخبین امتناع میورزد

ظاهرا کمال لزوم را دارد که بایستی فوراً اظهارات متحدالمال بشاه بشود ومسیو سابلین ومن یادداشت متحدالمالی امروز برای وزیر امور خارجه میفرستم ودرآن اظهار تعجب وافسوس می کنیم از اینکه آن اعلیحضرت مواعید خود را نقض نموده و چنین تصمیم تاسف انگیزی نموده است که نصایح مشاورین بدکردار را تعقیب نموده وبعرایضی که نماینده احساسات حقه ملت نیست گوش میدهد ودر حالیکه اظهار یقین خواهیم نمود که فقط طریقی که برای آرام نمودن اهالی که در آذربایجان بنای شورش گذارده و در پایتخت و سایر ایالات وولایات مملکت در حال غلیان و هیجان هستند متصور است استقرار مشروطیت میباشد اظهار خواهیم داشت که از دولتین متبوعتین خود منتظر تعلیمات هستیم که مطالب دیگر اظهار نمائیم

نمره ۳۱٤

تلگراف سرجرج بارکلی بسرادواردگری . ـ (واصله ۲۲ نوامبر)

طهران ۲۲ نوامبر ۱۹۰۸ ـ شاه ومشروطیت ـ راجع بتلگراف امروز من بایستی راپورت دهم که دستخط شاه اکنون منتشر گردیده مضمون این دستخط مصالحت آمیز نیست و در آن مذکور است که اعلیحضرت بکلی از خیال تاسیس پارلمان منصرف گردیده اند چرا که علما چنین مجلسی را مخالف اسلام میدانند

نمره ۳۱۵

مکتوب سرجارج بارکلی بسرادواردگری . ـ (واصله ۲۳ نوامبر)

طهران ۴ نوامبر ۱۹۰۸ ـــ آقا افتخاراً خلاصه راپورت ماهیانه وقایع چهار هفته گذشته ایرانرا بطریق معمول لفا ایفاد میدارم

ملفوف نمره ۳۱۵

خلاصه ماهیانه وقایع ایران ـــ طهران

شاه هنوز در اردوئی که در ۴ ژون در باغ شاه تشکیل داده سکونت دارد امیر بهادر سپهسالار هنوز اول شخص مقتدر محبوب است وحکومت استبدادی جریان کامل دارد

کلنل لیاخوف هنوز حاکم نظامی طهران وقوای پلیس در تحت امر اوست وحقوقشان را او مرتبا میرساند شاهزاده مؤید الدوله که نشان ک سی ام‌جی را دارا و بحکومت طهران منصوب است اظهار نفرت برعلیه دخالت کلنل لیاخوف دراموراتی که او ازحدود رسمی آن صاحبمنصب خارج میداند نموده است

چنانچه در خلاصه وقایع آخری راپورت دادم عموم چنان حس نموده بودند که دستخط شاه که وعده انتشار قانون انتخاباترا برای ۲۷ اکتبر وافتتاح مجلس ملی ثانوی را داده بود (دردستخط مجلسی نوشته شده) از روی صمیمیت نبوده همینکه موعد انتشار قانون انتخابات موعود نزدیك گردید در مقام تحقیقات برآمدیم ببینیم آیا برای تنظیم چنین نوشته اقداماتی بعمل آمده یانه واگرچه وزیر امور خارجه بسفیر اعلیحضرتی اظهار داشت که نوشته مزبور آماده شده بخوبی واضح بود که او شخصا چنین نوشته را بچشم ندیده وفقط امر داشته است اینطور اظهار بنماید و نه او و نه کسی دیگر نمیتوانست اطلاع صحیحی دراینباب بدهد دراین اثنا همینکه وقت انجام وعده شاه نزدیك گردید راپورتهای مختلفه که معلوم بود منشاء آن دربار است شیوع یافت که از ایالات و ولایات تلگراف برضد تشکیل مجلس بمرکز مخابره شده در ۲۸ اکتوبر رئیس مطبعه شاه خبر داد که قانون انتخابات در تحت طبع وروز دیگر منتشر خواهد شد ولی سپس شهرت داد که انتشار آن تامدت غیر محدودی بعهده تعویق افتاده است از وزیر امور خارجه در اینباب استفسار شد جواب دادند که خود وهمکارانشان تمام روز ۲۶ اکتبر را صرف تنظیم قانون انتخابات نموده وآنرا تمام کردند ولی دوباره بعضی تغییرات درآن میدهند

علمای نجف تلگراف بسیار شدیدی بشاه مخابره نموده در آن مذکور است اعمال شاه قلوب مؤمنین را مجروح وامام غائب را مکدر نموده است برای تحصیل حکومت نمایندگی از هیچ نوع

اقدامی فروگذار نخواهیم نمود در انتهای تلگراف مزبور این عبارت مذکور است ظالمین ملعون خدا هستند حالا شما غلبه دارید ولی همیشه اینطور نخواهید ماند ترجمه این تلگراف‌را نماینده اعلیحضرتی مقیم بغداد برای من فرستاده و از قرار معلوم درطهران آنرا انتشار زیاد داده اند

مسیو سابلین مستشار جدید روس باید در ظرف یك هفته باینجا وارد شود

(امضا)   چرچیل   ٤ نوامبر ۱۹۰۸

مشهد

اخیراً بسیاری ازمشروطه خواهان ازجنرال قونسول اعلیحضرتی استدعای رخصت پناه گرفتن در جنرال قونسولگری نموده‌اند ولی استدعای تمام آنها رد شده است

اصفهان

تمام راههای از اصفهان بسایر نقاط باستثنای راه طهران بدست راه زنان است و پسته وقوافل را غالبا میزنند

یزد

از قرار راپورت کفیل ویس قونسول اعلیحضرتی ظاهراً در کلیه طرقی که به یزد میرود سرقت هر روزه واقع میشود حکومت ابراز عدم توانائی باصلاح موقع نموده تجارت بحالت سکون و پسته بکلی بی ترتیب شده وفقط پستهائی که اخیراً بهتبریز

رسیده اند آنهائی بوده اند که خود را تامدتی دردهی پنهان کرده واز عبور اتفاقی حاکم جدید کرمان استفاده نموده و همراه او تایزد رفته اند

کرمان

در اوایل سپتامبر ناظم التجار در قونسولگری انگلیس پناهنده گردید پس از چند روزی خارج شد

صاحب اختیار حاکم جدید در ۲۱ سپتامبر وارد شد معاضد الدوله را بسمت نیابت حکومت تعیین وسعد السلطنه را وزیر خود نموده است

دستجات راه زنان فارس چندین ده را در ناحیه کرمان زده وبسیاری از طرق از طرف سارقین اشغال شده اند

شیراز

آصف الدوله فرمانفرمای جدید در ۲۱ سپتامبر واردگردید قونسول مقیم اعلیحضرتی باتفاق قونسول روز ۲٤ بدیدن او رفته با آنها بطور مودت سلوك نموده وبطور مدارا خود را حاضر برای مذاکره در امورات معوقه نشان داد

روز ۱۳ اکتبر او از قونسول مقیم وقونسول ملاقات نموده وباآنها بسیار بطور دوستانه صحبت نموده ولی بعلت کسالت مزاج اغلب مشاغل را بعهده سردار فیروز و عطاء الدوله واگذار نموده است از قرار راپورتهای اخیره معلوم میگردد که فرمانفرما بکلی

از عهده اعاده انتظامات فارس برنیامده و عقیده قونسول اعلیحضرتی براین است که فقط علاجی که بتصور میاید تعیین شخص مقتدر تری است در ۲۶ اکتبر مستر بیل تلگراف نمود که از قراری که براو مفهوم شده نقشه برای اخراج فرمانفرما و تقاضای مشروطیت ریخته شده است از قراریکه راپورت داده شده عساکر از حرکت بطرف قبایل اعراب بعلّت عدم خوراك وفشنك امتناع ورزیده اند

همینکه فرمانفرما اطمینان بمعافیت پناهندگان داد بعضی از آنها از قونسولخانه خارج گردیدند ولی چهار نفر آنها تا ۷ اکتبر درآنجا توقف نمودند

راپورت سرقتهای بسیار در راه بوشهر و اصفهان رسیده مابین اصفهان وشیراز چندین مرتبه پست را زده اند

در ۸ اکتبر فوج چهار محل مجتمعا در اداره تلگرافخانه ایرانی پناهنده شده مطالبه حقوق عقب افتاده خودرا نمودند چون اوامر برای پرداخت کلیه حقوق عقب افتاده آنها از طهران رسید ویك قسمت کمی از آن پرداخته شد آنها روز ۱۰ خارج شدند

(امضا) میجر استوکس آتاشه میلیتر

نمره ۳۱۶

مکتوب سرجارج بارکلی بسرادوارد گری . ـ (واصله ۲۳ نوامبر)

طهران ۵ نوامبر ۱۹۰۸ ـ آقا در تعقیب مراسله ۲ شهر ماضی خود افتخاراً راپورت میدهم که در عرض هفته اول ماه اکتوبر در مناسبات مابین فرمانفرمای تبریز و ملتیان آثار و علائم بهبودی هویدا نگردید واقدامات مختلفه که برای حل اشکالات موقع

بعمل آمد بی ثمر بود واینمسئله واضح بود که عین الدوله آنقدرها تعمد داشت که بواسطه امتیازات بموقع باملتیان از در اصلاح داخل شود و علاوه بواسطه مسدود نمودن ابواب دخول بشهر هم بر مصیبت اهالی شهر افزوده و هم تمام طبقات مردم را بخشم آورده است

روز نهم ملّتیان در یك موقع بر اردوی فرمانفرما وسواره ماکوئی که پل آجی را در نزدیکی یکی از دروازه های شهر در تصرف داشتند حمله بردند نتیجه این جنگ که تا دهساعت دوام داشت این شد که قشون ملّی تماما مظفر گردیده و سواره ماکوئی منهزم و در اردوی دولتی اختلال زیاد روی داد در این جنگ تلفونخانه روس در نزدیکی پل آجی قتلگاه بزرگی بود و قریب چهل نفر از سواران ماکوئی آنجا بقتل رسیدند

روز ۱۲ محلّه دواجی شهر که تا آنوقت بدست دولتیان بود تسلیم شد و مجتهد بزرگ و شجاع نظام سرکرده سواره مرندی باتمام دولتیان رو بفرار گذاردند و خانهای آنها را باانجمن اسلامیه مشهور را که مقامات مهمه مستبدین بود غارت نموده آتش زدند از اینوقت شهر بدون گفتگو بدست ملّتیان بود و عساکر دولتی در تحت امر عین الدوله تا پانزده میل از تبریز دور رفته و در آنجا توقف نمودند سپس عین الدوله معزول و فرمانفرما تعیین شد بجای او منصوب گردد ولی چون او ازقبول این عهده امتناع ورزید عین الدوله دوباره بعهده خود برقرار است

در ۱۸ آکتوبر دولت روس تصمیم نموده بود ۸۰ الی

صدنفر قزاق ایرانی و دو دسته پیاده نظام بدانجا اعزام نماید ولی آخر الامر ترك عزیمت نمود

از زمان ظفریابی ملّتیان اوضاع تبریز رویهم رفته کسب بهبودی نموده وروز ۲۸ آکتوبر بازارها مفتوح گردید ولی بواسطه اقدامات شجاع نظام برتجارت شهر خسارت زیاد وارد آمد وشجاع نظام پس از فرار بمرند مراجعت نموده و راه جلفا را اشغال نمود تا روز ۲۸ نارنجکی توسط پسته برای او ارسال گردیده خود و یکی از پسرانش را مقتول نمود اززمان قتل اویکی از پسرانش که زنده مانده است وخود را حاکم مرند میخواند راه تجارت را مسدود نموده و راه از خروم هم بواسطه حضور دزدان ماکوئی خیلی ناامن بوده است

اینرا باید مذکور دارم که از زمان آخرین شکست دولتیان رؤسای ملّتیان تلگرافات بشاه ووزیر امور خارجه مخابره نمود اظهار اطاعت و انقیاد بان اعلیحضرت نموده و بوزیر امور خارجه اعلام کرده اند که باتمام قوا منافع اتباع خارجه را که در شهر سکونت دارند حفظ خواهند نمود و سواد این تلگرافات را برای اکثر نمایندگان خارجی طهران فرستادند

(امضا) جارج بارکلی

نمره ۳۱۷

مکتوب سرآرترنیکلسن بسرادواردگری . ـ (واصله ۲۳ نوامبر)

سنت پطرزبورغ ۹ نوامبر ۱۹۰۸ ـ آقا امروز صبح از مسیو ایسولسکی ملاقات نموده ازاو درباب اخبار طهران درخصوص

قصد شاه بنسخ مشروطیت استفسار نمودم چون از قرار تلگراف ۸ نوامبر سرجارج بارکلی انجام چنین اقدامی قریب الوقوع بنظر میامد برمن اینطور معلوم گردید که بمسیو ایسولسگی دراین باب ازطرف مسیو دوهارتویك خبری نرسیده بود وبنا براین من مضمون تلگراف فوق الذکر سرجارج بارکلی را برای اوقرائت نموده و بجناب معظم الیه اظهار داشتم که متعاقب وصول آن تلگراف تلگراف دیگری از طهران برای من رسیده مشعر براینکه یادداشت متحدالمآل دیروز بوزیر امور خارجه داده شد و چون شاه ظاهراً فقط وعده داده بود که بصدر اعظم امر دهد که بروفق عریضجاتی که اظهارات برضد مشروطیت نموده بودند عمل نماید حالا امکان داشت که شاه مجدداً ملاحظه و ضعیت خود را بنماید وهرگاه درنسخ مشروطیت اصرار شود نتایج وعواقب آن احتمال کامل میرود بسیار وخیم باشد و در هر صورت نظر بنصایحی که دولتین روس و انگلیس مکرراً بشاه داده اند دولتین باید چنین اقدامیرا از طرف او بنظر بسیار جدی وسخت بنگرند بنظر من چنین میاید بایستی بیك نحوی بشاه فهمانید که باینطور سهل و ساده نمیتواند بنصایحی که باو شده بی اعتنائی نماید

مسیو ایسولسکی اهمیت موقع را بخوبی شناخته است ولی اظهار داشت تا زمانیکه از مسیو دوهارتویك راپورتی نرسد نمیتواند عقیده قطعی خود را اظهار نماید و برای کسب راپورت از او در خصوص حقیقت ماوقع تلگراف کرده است او بمن گفت میخواهم بدانم شما چه اقدامی را میتوانید ارائه نمائید که عدم قبول دولتین را

بشاه بنمایاند من بایشان اظهار داشتم مشکل است اقداماتیرا که بسیار بجا ومناسب باشد معین نمود البته پروتست فقط چندان اثری نخواهد داشت ولی شاید اگر دولت روس صاحبمنصبان خود را تامدت محدودی باز خواسته نگذارند نزد او باشند شاه ممکن است بفهمد که از دولت روس نمیتواند انتظار همراهی و کمکی داشته باشد

مسیو ایسولسکی این ارائه طریق را مطلقا رد ننمود ولی اظهار داشت که چنین اقدامی مورد اعتراضات بزرك میباشد بهتر این است صبر شود تا اطلاعات کاملتری در خصوص آنچه حقیقتا واقع شده بدست آید واز تلگرافات عمومی اینطور مفهوم میکردید که عریضه هائی که بشاه تقدیم شده بود فقط مقدمه اقدامی ازطرف آن اعلیحضرت بود و ذکر نشده بود که شاه به نسخ مشروطیت رضا داده باشد

نمره ۳۱۸

مکتوب سرآرترنیکلسن بسرادواردگری . ـ (واصله ۲۳ نوامبر)

سنت پطرزبورغ ۱۳ نوامبر ۱۹۰۸ ـ آقا مسیوایسولسکی امروز چند قسمت از تلگرافات مفصلی که از طهران رسیده بود برای من قرائت نمود واظهار داشت این تلگرافاترا سفارت فرستاده و اوضاع پایتخت ایران را بسیار تیره و تار شرح داده اند

من بایشان اظهار داشتم محض تسکین اهالی لازم است مجلس تشکیل گردد و شاید آنوقت بشود بیك وسیله در اوضاع بهبودی داده شود مسئله عمده آن است که شروع بانتخابات شده و مجلس منعقد گردد اطمینان دارم دراین ملاقاتی که امروز سفرای

انگلیس و روس از شاه میکنند ما طوری بکنیم که از مساعی و اقدامات مستبدین نتیجهٔ حاصل نشود

(امضا) آرترنیکلسن

نمره ۳۱۹

مکتوب سرآرترنیکلسن بسرادواردگری . ـ (واصله ۲۳ نوامبر)

سنت پطرزبورغ ۱۴ نوامبر ۱۹۰۸ ـ آقا دیشب مسیو ایسولسکی شرحی در خصوص اوضاع ایران که هنوز خیالات اورا مضطرب میدارد بیان نموده گفت من در دو مسئله تصمیم رأی نموده ام یکی عدم مداخله و دیگری عدم تقویت شاه اینرا ممکن است جنبهٔ منفی پلتیك بدانیم ولی ازحیث جنبه مثبت آن دراضطرابم ـ باینمعنی که جناب معظم الیه بطور واضح از آنچه نباید بکند مستحضر است ولی درست نمیداند چه بایستی بکند احتمال اینکه مملکت دومرتبه دوچار هرج و مرج شود و باعث حدوث اتفاقاتی گردد که دولتین را مجبور بمداخله نماید او را همواره مکدر داشت و برای یك نقشه رفورمی که پس از مشورت با دولت اعلیحضرتی بشاه بقبولانند فکر کرده بود و بنظر او چندان فایده نداشت یك نقشه ریخته شود در صورتیکه کسی یاهیئتی که لایق اجرای آن باشد در ایران پیدا نمیشود مسیو دوهارتویك در شرف حرکت وعازم سنت پطرزبورغ بود در نظر داشت که بورود آنجا یك کمیته ادارهٔ کوچکی تأسیس نماید که بتوانند یك نقشهٔ که سبب علاج موقع باشد طرح ریزی نمایند

او مسرور بود از اینکه فرمانفرمای قفقازیه در مسئله اینکه

تا آخرین دقیقه از هرگونه مداخله دوری جویند با او موافق بوده در واقع این مسئله صبر و تحمل دولت روسیه را در مورد امتحان گذارده است او نیز درباب ارائه طریقی که من نمودم براینکه صاحبمنصبان روسی را باز بخواهند تا آنکه علامت نارضایتی دولت روس باشد مشغول فکربوده ولی میترسیده است بااین اوضاع چنین اقدامی بسیار خطرناك باشد چرا که در غیاب آنهاهیچ نمیتوان اعتماد نمود بر اینکه بریکاد قزاق اصلا از روی نظم و ترتیب حرکت کنند و برای تسکین اوضاع حالیه اقدامی بایستی بعمل آید از قرار معلوم شاه از انتشار قانون انتخابات و انعقاد مجلس سرپیچی مینمود

امروز بعد از ظهر مسیو ایسولسکی مجدداً در باب وضع امور ایران ومخصوصا احوال آذربایجان بیاناتی نموده اظهار داشت که ستار خان درجلفای ایران حاکمی تعیین نموده واو بیرق قرمزی برافراشته وفوراً یکصد الی یکصدو پنجاه نفر از رولوسیونر های خاك روسیه بوی ملحق گردیده‌اند راست است که طرق تجارتی حالیه مفتوح میباشند ولی اتباع روس مقیم تبریز اتصالا مورد تهدیدات واقع شده اسباب رنجش آنها فراهم میاید و از اینکه او دست روی دست گذاشته وهیچ اقدامی ننموده است اورا ملامت وسرزنش می کنند مسیو دوهارتویك راپورت داده بود که نصایح او و سر جارج بارکلی در شاه تاثیری پیدا نموده ولی هنوز آن اعلیحضرت اقدامات قطعی برای قبول مستدعیات ما بعمل نیاورده است بعلاوه هرگاه مجلس منعقد گردد بجز تهیج احساسات عامه کار دیگری بخواهد کرد وبنظر وی مجلس قادر نخواهد بود که امورات را

بحالت معمولی و عادی اعاده دهد

من بمسیو ایسولسکی اظهار داشتم که ما صبر وتحمل زیادی که دولت روس بخرج میدهد و در مواقع بسیار سخت و مشکل بخرج داده است کاملا در نظر داریم و ایشان بلا شك فهمیده اند که صدر اعظم ازصبری که روسیه بخرج داده وایفای بعهود خود در مراعات معاهده شهادت کامل داده اند فکر من این بود که ما بایستی اصرار باعلان قانون انتخابات و تشکیل مجلس بنمائیم و هرگاه این اقدامات بانجام برسد ممکن است درموقع تسکین حاصل گردد من بایشان اظهار داشتم که خلاصه نظریات اورا که دیشب برای من اظهار داشت بشما تلگراف نموده ام و همینکه جواب از طرف شما رسید فوراً اورا مستحضر خواهم داشت

اوضاع آذربایجان بلاشك اسباب تشویش دولت روس گردیده مخصوصا بواسطه آنکه ستار خان مستقلا و باراده شخصی عمل مینماید ورولوسیونر های قفقازیه هم نسبت باو وآنچه اودرپی حصول آنست همدردی و اقدامات مینمایند

(امضا) سر آرتر نیکلسن

نمره ۳۲۰

مکتوب سر آرتر نیکلسن بسر ادوارد گری . - (واصله ۲۳ نوامبر)

سنت پطرزبورغ ۱۸ نومبر ۱۹۰۸ — آقا بایستی راپورت دهم که مسیو ایسولسکی امروز چنانچه تقریبا در هر موقعی که بایشان ملاقات میکنم مجدداً از اشکالاتی که درمسئله خواهشات عامه بر حفظ منافع روس در آذربایجان دوچار گردیده است شرحی

اظهار داشت وبمن گفت که بتجارت روس بطور سخت تضییق‌شده وباتباع روس تهدیدات ومزاحمت میشود و او نمیداند دیگر بتواند بیش ازاین از اقدامات خود داری نماید مطبوعات روسیه در اینباب مقالات نوشته و از دولت در خواست مینمایند اقدامی بنماید ستار خان در معنی فعال مایشاء است ولی درواقع بحرف رولوسیونرهای قفقازی که برای هرگونه شرارت کاری حاضر بودند گوش میداد

امروز صبح هم روز نامه نویه‌وریما و هم بورس گازت درباب اوضاع واحوال امور آذربایجان مقالاتی چند درج و منتشر نموده اند روزنامه اولی چنین مینویسد بعلت عدم مداخله روس در آذربایجان وبیقدرتی شاه موقع ستار خان در تبریز محکم تر میشود وهرج ومرج بیشتر میگردد هرگاه این وقایع سابقا روی میداد دولت روس یقینا طور دیگری عمل مینمود خیوه وخجند و ترکمانیه برای آنکه برقوافل روس حمله نموده بودند آزادی خود را از دست دادند ولی حالا دوره تغییر کرده تجارت روس اتصالا خسارت کشیده وآیا این وضع تاکی طول خواهد کشید هرگاه انگلستان بجای روس بود البته اینطور صبر و تحمل بخرج نمیداد بعلاوه خسارات مالی که دولت روس ناچار تحمل نموده خسارت نفوذی هم متحمل شده است هرگاه ستار خان بعوض آنکه یك مسلك ثابت خصومت کارانه نسبت بروس اتخاذ کند فقط مشغول منازعه باشاه بود هیچکس شکایتی نداشت بعلاوه خطری که برای روس متصور است از بابت قبایل تاتار ماوراء قفقاز میباشد که‌بادقت تمام حوادث تبریز را مراقب بوده و ستار خان را یکی از

قهرمانان می پندارند

بورس گازت مینویسد چه مسیو دوهارتویك بطهران بیاید یا نیاید شکی نیست که از منافع و اهمیت مقام روس بطور کفایت دفاع بعمل نیامده ونویسنده ازدرك اینکه چرا دولت روس مثل یك تماشاچی بر حوادث ایران نگریسته و اقدامی نمیکند قاصر است و میگوید امروز یافردا آذربایجان اعلان استقلال خود را داده و آن وقت روس یك همسایه بی نظم تازه خواهد داشت بورس گازت این طور صلاح میداند که دیپلوماسی روس بایستی صریحا انعقاد مجلس را تقاضا نموده وباتفاق دولت انگلستان آرام نمودن ایران را بعهده گیرند وهرگاه دولت روس نمیخواهد که دولت عثمانی از اینموقع استفاده نماید بایستی پلتیك مجدانهٔ درایران اتخاذ نماید

(امضاء) سر آرتر نیکلسن

نمره ۳۲۱

تلگراف سرجارج‌بارکلی بسرادواردگری . ـ (واصله ۲۳ نوامبر)

طهران ۲۳ نوامبر ۱۹۰۸ ـــ شاه و مشروطیت ـــ راجع بتلگراف دیروز من ـ بامسیو سابلین آخر الامر درباب اوضاع مذاکره نمودم وتصور میکنم خوب است نمایندگان دولتین استدعا نمایند شاه هردو آنهارا بحضور خود پذیرفته آنوقت تقاضاهای ذیلرا بنمائیم اول آنکه صدر اعظم وامیر بهادر جنك را که پلتیك مستبدانه آن اعلیحضرت را بیشتر بایستی بانها نسبت داد از کار خارج نماید وثانی آنکه اعلانی راجع باستقرار مشروطیت صادر ومنتشر نماید

نمره ۳۲۲

تلگراف سرادواردگری بسر آرتر نیکلسن

وزارت خارجه ۲۳ نوامبر ۱۹۰۸ — اقدامی که بر حسب راپرت مندرجه تلگراف دیروز خود درباب دستخطی که شاه اخیراً صادر نموده کرده اید صحیح است

نمره ۳۲۳

تلگراف سر ادواردگری بسر آرتر نیکلسن

وزارت خارجه ۲۳ نوامبر ۱۹۰۸ — از آنجائیکه شاه بر حسب دستخط آخری خود مشروطیت ایرانرا معدوم نموده است دولتین روس وانگلیس بایستی موقعی‌را که بواسطه این اقدام حادث گردیده باکمال دقت مراقب باشند

من اهمیت اعتراضات برعلیه باز خواستن صاحبمنصبان روسی را از طهران خوب درك میکنم روبهمرفته بنظرم چنین میاید که بهترین کاری که کرده شود این است که ملتیان ایرانرا بگذاریم خود برشاه فشار آورند هرگاه نمایندگان دولتین بشاه اظهار متحدالمالی نمایند باینمضمون که حالا که ناتوانی شاه در حکمفرمائی بر تبریز بثبوت رسیده وبواسطه عدم ایفاء بعهود خود درباب مشروطیت دیگر هیچ احتمال اینکه بتواند خود آن صفحه را در تحت انتظام آورد نمیرود وبعلاوه هرگاه بخواهد دومرتبه وضعیت خودرا درآن نقطه محکم نموده واغتشاشاتی بواسطه این اقدام بظهور رسد درصورتیکه مشروطیت که فقط وسیله علاج هرج ومرج ایالات وولایات‌شمرده میشود وجود ندارد ما اورا بکلی مسؤل خواهیم دانست ما ممکن

است باینمقصود نائل گردیم

بهترین طریق که بنظر من میرسد این است که ازهرگونه مداخله در امور داخلی ایران احتراز نموده بگذاریم اهالی خود بحل مسئله بپردازند ولی هرگاه هیئتی که امروزه در آذربایجان بیشتر قدرت دارند بطور غیر دوستانه بادولت روس سلوك نمایند آن وقت میدانم که پای بندی به پلتیك عدم مداخله بسی دشوار خواهد بود

شما باید این نظریات را باستحضار مسیو ایسولسکی رسانیده ازاو خواهش کنید که هرگاه تصویب مینماید به نماینده دولت‌روس مقیم طهران بروفق آن تعلیم دهد

نمره ۳۲۴

تلگراف سرجرج‌بارکلی بسرادواردگری . ـ (واصله ۲۴ نوامبر)

طهران ۲۳ نوامبر ۱۹۰۸ ـ بعلت اظهارات ۲۲ نوامبر ما شاه امر بتوقیف دستخط خود داده است علی ای حال مافعلا درصدد استدعای حضور یافتن دو ترجمانها هستیم وآنها مطالبی راکه بموجب تلگراف ۲۰ نوامبر بهسنت پطرزبورغ مخابره‌نموده وتصویب کرده‌اید بشاه اظهار خواهند نمود

نمره ۳۲۵

تلگراف سرجارج‌بارکلی بسرادواردگری . ـ (واصله ۲۵ نوامبر)

طهران ۲۵ نوامبر ۱۹۰۸ ـ امروز وزیر امور خارجه بامر شاه از من ملاقات نموده اظهار داشت که اظهارات متحد المآل روز یکشنبه گذشته ما مخصوصا عبارت راجع به نصایح سیئهٔ اطرافیان او

بسیار اسباب رنجش خاطر شاه گردیده است

علاء السلطنه سپس شروع بتوضیح دستخط اخیر شاه نموده اظهار داشت این دستخط فقط جوابی است بعریضه علماء نوشته رسمی نمیباشد و تا اندازهٔ که برحضرت ایشان معلوم گردیده طبع آن بامر شاه بعمل نیامده است و بعلاوه در آن دستخط مسئله تشکیل مجلسی مثل مجلس سابق رد شده و آن اعلیحضرت هنوز مصمم میباشند که مجلسی که مناسب مملکت و موافق با قوانین اسلام باشد اعطا نمایند چنانچه در دستخط دوّم آکتوبر وعده بآن داده اند

علاء السلطنه سعی داشت مرا ترغیب نماید در عوض آنکه ترجمانها حضور اعلیحضرت بروند من خود خواهش شرفیابی بطور غیر رسمی نمایم ولی من بایشان اشعار نمودم که دفعه آخری که خود بطور غیر رسمی حضور شاه رفتم از ملاقات ما نتیجه بظهور نرسید و بایشان فهمانیدم که دفعه دیگری که شرفیاب میشوم باتفاق همکار روسی خود و در تحت تعلیمات دولت متبوعه خود حضور خواهیم رفت و محض آنکه کاری بکنیم که دیگر این ملاقات رسمی لازم نباشد میخواهم ترجمانها حضور شاه مشرف شده وبی پرده بااوصحبت نمایند

حضرت اشرف ایشان راضی شدند که برحسب میل و اراده آن اعلیحضرت عمل نمایند

علاء السلطنه مجدداً در باب شورای مملکتی که بهمین نزدیکی تأسیس خواهد شد صحبت نمود

نمره ۴۲۶

تلگراف سر آرتر نیکلسن بسرادوارد گری. – (واصله ۲۷ نوامبر)

سنت پطرزبورغ ۲۷ نوامبر ۱۹۰۸ – اوضاع آذربایجان – راجع بتلگراف ۲۳ شهر جاری شما – مسیو ایسولسکی دیشب در باب اوضاع امور این ایالت بامن صحبت داشت وگفت از ماه فوریه تاکنون درراه جلفا الی تبریز که مخارج ساختن آن ده ملیون منات شده باج گرفته نشده و اتباع روسی معادل صد و پنجاه هزار لیرا خسارت ادعا نموده‌اند این اوضاع خیلی وزیر مالیه را پریشان نموده واصرار دارد براینکه منافع روسیه بایستی بیك قسمی محافظت شود هرج و مرج این ایالت عوض آنکه رو بتقلیل گذارد روز افزون است

اما درباب مطالبی که در تلگراف فوق الذکر خود ارائه طریق فرموده اید بشاه عنوان شود مسیو ایسولسکی چنین اظهار عقیده نمود که نظر باینکه شاه دستخط خود را نسخ نموده چنین عنوانی دیگر لزومی ندارد

نمره ۳۲۷

تلگراف سرجرج بارکلی بسرادوارد گری . – (واصله ۲۸ نوامبر)

طهران ۲۸ نوامبر ۱۹۰۸ – شاه ومشروطیت – گمان میکنم خوب است قبل از آنکه مجدداً عنوانات رسمی متحد المال دیگر بشاه بنمائیم بگذاریم یك مدت کمی بگذرد محض آنکه اثرات اقدامات سخت متفقه ۲۲ شهر جاری ما ونتیجه ملاقات دو ترجمانهای ما که امروز بوقوع پیوست کاملا مشهود گردد نتیجه ملاقات ترجمانها چندان غیر مطلوب نبود اعلیحضرت شاه درجواب اظهارات آنها تکرار نموده اند که من بموجب دستخطی که اخیراً بطبع

رسیده قصد عدم افتتاح یك قسم مجلسی را در نظر نداشته‌ام وفعلا او در خیال است ببیند چه بایستی کرد و در تفکرات خود عجله نخواهد نمود وزیر امور خارجه سفارتین را از نتیجه این تفکرات مستحضر خواهد داشت ولی همینقدر میتواند بگوید که شورائی تشکیل گردیده وفردا منعقد خواهد شد ترجمانها اشعار نمودند که چیزی که خیلی لازم است تشکیل یك هیئت منتخبین است واصرار نمودند که طرح ریزی برای یك هیئت نمایندگی باید بعهده شوری محوّل باشد

شکی نیست که برای راغب نمودن شاه بطوری که راضی شده اینکار را بعهده شوری محول نماید فشار لازم است ولی بنظر من اگر از این شورای مملکتی استفاده نموده وآنرا اول قدم برای حصول بمجلس شورای ملی بدانیم اسهل طرق خواهد بود اگر چه البته پیشرفت این اقدام بیشتر بسته بانتخاب اعضای این شوری است



در مطبعه « طهران » بطبع رسید

غلط نامه

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۲	۱۱	ذخابر	ذخایر
۳	۱۳	نابواسطه	تابواسطه
۵	۱۰	افروده	افزوده
۶	۸	قائله	عائله
۹	۲	تجار	تجارت
۱۲	۸	تام	تمام
۱۵	۱۱	یتنکه	تااینکه
۲۱	۲	متحصنین	منتخبین
۳۲	۱۸	مرئی	مرعی
۳۶	۷	عالمی	عمومی
۳۶	۸	جمله) (ازتلالؤچشمراخیره وعقلرامات‌میساخت)	زیادیست
۳۷	۳	رسمی	معموله
۸۳	۷		
۸۳	۱۱	ایرارا	ایران‌را
۸۰	۹	بان	زبان
۹۹	۱۳	باشاه	پادشاه
۱۰۵	۱۹	اختیار	اختصار
۱۰۷	۴	زتجار	ازتجار
۱۲۷	۱۴	بیست‌وچهار	سی‌چهار

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۱۳۱	۱۸	سیسیل	سر
۱۴۱	۱۲	رفق	رتق
۱۴۳	۳	سیسیل	سر
۱۴۷	۲۰	ستارا	آستارا
۱۴۸	۷	رام	آرام
۱۴۹	۴	رام	آرام
۱۴۹	۱۵	راه	راه‌ها
۱۵۰	٦	۱۹۱۷	۱۹۰۷
۱۵۳	۳	علاء الدوله	علاءالسلطنه
۱۵۹	۸	مد	آمد
۱۵۹	۱۱	درده	آورده
۱۶۰	٦	فرض‌شود	مظنون‌به
۱۶۰	٦	مینماید	باشد
۱۶۶	۷	پیوسطه	پیوسته
۱۶۷	۱۳	نجا	آنجا
۱۶۷	۱۵	رفت	رفتند
۱۷۳	٤	وصیقه	وثیقه
۱۸۱	۱۹	بردارراده	برادرزاده
۱۸۳	۱۳	باشد	میباشد
۱۸۴	۳	باشد	میباشد
۱۸٤	۵	پاتخت	پایتخت

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۱۸۴	۱۲	ضمایل	زایل
۱۸۶	۱۸	ورای	وزرای
۱۸۷	۵	باشد	میباشد
۱۸۷	٦	وبقید	وبقیه
۱۸۷	۱۲	وسلیه	وسیله
۱۸۹	۱۸	پاتخت	پای‌تخت
۱۹۳	۷	راهائی	راه‌هائی
۱۹۶	۱٦	احتیات	احتیاط
۱۹۸	۹	غزامت	غرامت
۲۲۵	۱۸	غماش	قماش
۲۲۷	۱۵	باشد	میباشد
۲۳۰	۱۸	تلافات	تلفات
۲۳٦	۷	برادردیگر	برادردیگراو
۲۳۹	۲۰	یافته	نیافته
۲۴۰	۳	متفا	متفقا
۲۴۵	۹	حشی	وحشی
۲۵۱	۱۴	بجوب	بجوب
۲۵۲	۵	اکنت	آژانس
۲۵۳	۱٦	اروپائی	اروپ
۲۵۴	۱٦	اوان	ایام
۲۵۵	۷	نوکر	نوکرش

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۲۶۲	۱۸	توقیف گردیدند	مشغول بوده نتوانسته بمجلس حاضر شوند
۲۶۶	۱۶	رایوتهای	راپورتهای
۲۷۵	۱۳	مازو	مازور
۲۸۰	۱۰	انحاب	آنجناب
۲۸۱	۱۲	وررازا	وزرا
۲۸۷	۸	دهارت ویك	دوهارتویك
۲۸۸	۱۶	ترعیت	ترغیب
۲۹۳	۳	کردم	کردیدم
۲۹۵	۲۲	۲۵۰۰۰۰تومان	۸۰۰۰۰۰تومان
۲۹۹	۱	غراق	اغراق
۳۰۰	۱۵	اوایل	اوایل ماه
۳۰۸	۹	اتفاق	تفاق
۳۲۰	۶	بادر	تادر
۳۲۳	۱۲	که	در
۳۲۹	۹	آژانس	کارگذار
۳۳۸	۲۰	آوردند	آورم
۳۴۱	۱۸	آواره	آرواره
۳۴۶	۱۷	پرونیك	پتروسك
۳۴۷	۶	نفور	نفوذ
۳۵۰	۱	هیراز	تبریز

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۳۵۱	۱	کردد	کردند
۳۵۵	۱۱	نصایح	صحیح
۳۵۶	۱	همجو	همیشه
۳۶۱	۱۶	چهارماهه	چهارهفته
۳۶۷	۱۴	اسم	اسم من را
۳۶۸	۱۵	گمانمیکنم	گمان نمیکنم
۳۷۵	۱۰	نباشد	باشد
۳۸۲	۱۲	قبول دارند	قبول دادند
۳۸۲	۱۷	عمل	بعمل
۳۸۳	۲۲	تعلمات	تعلیمات
۳۹۱	۱۵	علاء الدوله	علاء السلطنه
۴۰۵	۲	گمانمیکنم	گمان نمیکنم
۴۱۷	۱۷	چهارماهه	چهارهفته
۴۲۲	۸	یاچمار	یاچهار
۴۵۰	۱۰	مؤیدالدوله	مؤیدالسلطنه
۴۵۶	۲	بریکاد	به بریگاد
۴۵۷	۹	مورد	مورد
۴۶۶	۱۳	برقراراست	برقرارداشت
۴۶۷	۱۴و۱۱	مجر	مازور
۴۶۹	۱	۲۹۰۶	۱۹۰۶
۴۸۱	۶	مداخله	عدم مداخله

صفحه	سطر	غلط	صحیح
٤٨٢	٤	تحملی راکه	تحملی نیراکه
٥١١	١٩	ترتیب را	ترتیبی را
٥١٥	١٨	بشود	نشود
٥١٩	٩	دعاوین	دعاة
٥٢۴	١٦	داشت	دانست
٥٢٥	١١	تعین	تعیین
٥٢٧	١٨	بوطع	بوضع
٥٢٧	٢١	مجر	ماژور
٥٦٠	٢	نماید	نیامد
٥٦٧	١٦	نظم	نظم
٥٧٠	١٩	دستوذالعمل	دستورالعمل
٥٧٧	٢٠	بطرریکه	بطوریکه
٥٨٦	١۴	مجر	ماژر
٥٨٨	٥	شخاع نظام	شجاع نظام
٥٨٨	١٣	مخابره نمود	مخابره نمودندو




کتابخانه آیت الله بروجردی(ره)
55540257